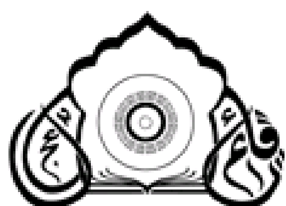




السلام علیک یا صاحب الزمان

ترجمه قرآن

آیتی

آیتی عبدالمحمد

بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمه قرآن کریم استاد آیتی

نویسنده:

عبدالمحمد آیتی

ناشر چاپی:

جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه قرآن کریم استاد آیتی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران سرشناسه : آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۰۵ - عنوان و نام پدیدآور : ترجمه‌های فارسی قرآن کریم/عبدالمحمد آیتی منشا مقاله : جمهوری اسلامی ، ۱۱ شهریور ۱۳۸۸ : ص ۹ توصیفگر : تفسیر قرآن توصیفگر : ترجمه توصیفگر : احادیث

الفاتحه

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است.(۲)آن بخشاینده مهربان،(۳)آن فرمانروای روز جزا.(۴)تنها تو رامی پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.(۵)ما را به راه راست هدایت کن:(۶)راه کسانی که ایشان را نعمت داده ای ، نه خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان.(۷)

البقره

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف. لام. میم.(۲)این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست. پرهیزگاران را راهنماست:(۳)آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز می گزارند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند،(۴)و آنان که به آنچه بر تو و بر پیامبران پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند.(۵)ایشان از سوی پروردگارشان قرین هدایتند، و خود رستگارانند.(۶)کافران را خواه بترسانی یا نترسانی تفاوتشان نکند، ایمان نمی آورند.(۷)خدا بر دلهایشان و بر گوششان مهر نهاده و بر روی چشمانشان پرده ای است، و برایشان عذابی است بزرگ.(۸)پاره ای از مردم می گویند: به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم. حال آنکه ایمان نیاورده اند.(۹)اینان خدا و مومنان را می فریبند، و نمی دانند که تنها خود را فریب می دهند.(۱۰)در دلهاشان مرضی است و خدا نیز بر مرضشان بیفزوده است و به کیفر دروغی که گفته اند بر ایشان عذابی است دردآور.(۱۱)چون به آنان گفته شود که در زمین فساد مکنید، می گویند: ما مصلحانیم.(۱۲)آگاه باشید که اینان خود تبهکارانند و نمی دانند.(۱۳)و چون به آنان گفته شود که شما نیز همانند دیگر مردمان ایمان بیاورید، می گویند: آیا ما نیز همانند بی خردان ایمان بیاوریم؟ آگاه باشید، که آنان خود بی خردانند و نمی دانند.(۱۴)و چون به مومنان می رسند، می گویند: ایمان آورده ایم. و چون با شیطانهای خویش خلوت می کنند، می گویند: ما با شما هستیم، ما استهزایشان می کنیم.(۱۵)خداست که آنها را استهزا، می کند و وا می گذاردشان تا همچنان در طغیان خویش سرگردان بمانند.(۱۶)اینان گمراهی را به هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و در شمار هدایت یافتگان درنیامدند.(۱۷)مثلشان، مثل آن کسی است که آتشی افروخت، چون پیرامونش را روشن ساخت، خدا روشنایی از آنان بازگرفت و نابینا در تاریکی رهایشان کرد.(۱۸)کرانند، لالانند، کورانند، و بازنمی گردند.(۱۹)یا چون بارانی سخت در ظلمت همراه با رعد و برق از آسمان فرود آید، تا مباد که از بانگ صاعقه بمیرند، انگشتان خویش در گوشها کنند. و خدا بر کافران احاطه دارد.(۲۰)نزدیک باشد که برق دیدگانشان را نابینا سازد. هرگاه که بردمد چند گامی بر می دارند، و چون خاموش شود، از رفتن بازایستند. اگر خدا می خواست، گوشهاشان را کر و چشمانشان را کور می ساخت، که او بر هر کاری تواناست.(۲۱)ای مردم، پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را بیافریده است بپرستید. باشد که پرهیزگار شوید.(۲۲)آن خداوندی که زمین را چون فراشی بگسترد، و آسمان را چون بنایی بیفراشت، و از آسمان آبی فرستاد، و بدان آب برای روزی شما از زمین

هر گونه ثمره ای برویانید، و خود می دانید که نباید برای خدا همتایانی قرار دهید.(۲۳)و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم در تردید هستید، سوره ای همانند آن بیاورید و جز خدای همه حاضرانتان را فراخوانید اگر راست می گویید.(۲۴)و هرگاه چنین نکرده اید -که هرگز نتوانید کرد- پس بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده و هیزم آن مردمان و سنگها هستند.(۲۵)به آنان که ایمان آورده اند، و کارهای شایسته کرده اند، بشارت ده که برایشان بهشتهایی است که در آن نهرها جاری است. و هرگاه که از میوه های آن برخوردار شوند گویند: پیش از این، در دنیا، از چنین میوه هایی برخوردار شده بودیم، که این میوه ها شبیه به یکدیگرند. و نیز در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و در آنجا جاودانه باشند.(۲۶)خدا ابایی ندارد که به پشه و کمتر از آن مثل بزند. آنان که ایمان آورده اند می دانند که آن مثل درست و از جانب پروردگار آنهاست. و اما کافران می گویند که خدا از این مثل چه می خواسته است؟ بسیاری را بدان گمراه می کند و بسیاری را هدایت. اما تنها فاسقان را گمراه می کند.(۲۷)کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند، زیانکارانند.(۲۸)چگونه خدا را انکار می کنید، در حالی که مرده بودید و او شما را زنده ساخت، بازمی میراند و زنده می کند و آنگاه به نزد او بازگردانده می شوید(۲۹)اوست که همه چیزهایی را که در روی زمین است برایتان بیافرید، آنگاه به آسمان پرداخت و هر هفت آسمان را برافراشت و خود از هر چیزی آگاه است.(۳۰)و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه ای می آفرینم، گفتند: آیا کسی را می آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می گوییم و تو را تقدیس می کنیم؟ گفت: من آن دانم که شما نمی دانید.(۳۱)و نامها را به تمامی به آدم بیاموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه کرد. و گفت: اگر راست می گویید مرا به نامهای اینها خبر دهید.(۳۲)گفتند: منزهی تو. ما را جز آنچه خود به ما آموخته ای دانشی نیست. تویی دانای حکیم.(۳۳)گفت: ای آدم، آنها را از نامهایشان آگاه کن. چون از آن نامها آگاهشان کرد، خدا گفت: آیا به شما نگفتم که من نهان آسمانها و زمین را می دانم، و بر آنچه آشکار می کنید و پنهان می داشتید آگاهم(۳۴)و به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید. همه سجده کردند جز ابلیس، که سر باززد و برتری جست. و او از کافران بود.(۳۵)و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید. و هرچه خواهید، و هرجا که خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید. و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران درآیید.(۳۶)پس شیطان آن دو را به خطا واداشت، و از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر، و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد.(۳۷)آدم از پروردگارش کلمه ای چند فراگرفت. پس خدا توبه او را بپذیرفت، زیرا توبه پذیر و مهربان است.(۳۸)گفتیم: همه از بهشت فرو شوید، پس اگر از جانب من راهنمایی برایتان آمد، بر آنها که از راهنمایی من پیروی کنند بیمی نخواهد بود و خود اندوهناک نمی شوند.(۳۹)کسانی که کافر شوند، و آیات خدا را تکذیب کنند خود اهل جهنمند و جاودانه در آنجا خواهند بود.(۴۰)ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم به یاد بیاورید. و به عهد من وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم. و از من بترسید.(۴۱)و به آنچه نازل کرده ام و کتاب شما را تصدیق می کند ایمان بیاورید، و از نخستین کسانی که انکارش می کنند مباشید. و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و از من بیمناک باشید.(۴۲)حق را به باطل میامیزید و با آنکه حقیقت را می دانید، کتمانش مکنید.(۴۳)و نماز را بر پای دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.(۴۴)آیا در حالی که کتاب را می خوانید، مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید؟ آیا به عقل در نمی یابید؟(۴۵)از شکیبایی و نماز یاری جویید. و این دو، کاری دشوارند، جز برای اهل خشوع:(۴۶)آنان که بی گمان می دانند که با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و نزد او بازمی گردند.(۴۷)ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم به یاد بیاورید.(۴۸)و بترسید از روزی که هیچ کس دیگری را به کار نیاید و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نگردد و از کسی عوضی نستانند و کسی را یاری نکنند.(۴۹)و به یاد آرید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانیدیم: شما را شکنجه های سخت می کردند، پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند.

و در این آزمونی بزرگ از سوی پروردگارتان بود.(۵۰)و آن هنگام را که دریا را برایتان شکافتیم و شما را رهانیدیم و فرعونیان را در برابر چشمانتان غرقه ساختیم.(۵۱)و آن هنگام را که چهل شب با موسی وعده نهادیم و شما که ستمکاران بودید، بعد از او گوساله را پرستیدید.(۵۲)پس گناهانتان را عفو کردیم، باشد که سپاسگزار باشید.(۵۳)و به یاد آرید آن هنگام را که به موسی کتاب و فرقان دادیم، باشد که هدایت شوید.(۵۴)و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما بدان سبب که گوساله را پرستیدید بر خود ستم روا داشتید، اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری در نزد آفریدگارتان ستوده تر است. پس خدا توبه شما را بپذیرفت، زیرا توبه پذیر و مهربان است.(۵۵)و آن هنگام را که گفتید: ای موسی ، ما تا خدا را به آشکارا نبینیم به تو ایمان نمی آوریم. و همچنان که می نگریستید صاعقه شما را فرو گرفت.(۵۶)و شما را پس از مردن زنده ساختیم، شاید سپاسگزار شوید.(۵۷)و ابر را سایبانتان گردانیدیم و برایتان من و سلوی فرستادیم: بخورید از این چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده ایم. و آنان بر ما ستم نکردند، بلکه بر خود ستم می کردند.(۵۸)و به یاد آرید آن زمان را که به شما گفتیم: به این قریه درآیید و از نعمتهای آن هرچه و هرجا که خواسته باشید به فراوانی بخورید. ولی سجده کنان از دروازه داخل شوید و بگویید: بار گناه از ما فرو نه . تا خطاهای شما را بیامرزیم و به پاداش نیکوکاران بیفزاییم.(۵۹)اما ستمکاران آن سخن را دیگر کردند و بر آنان به جزای عصیانی که کرده بودند عذابی آسمانی فرود آوردیم.(۶۰)و به یاد آرید آنگاه را که موسی برای قوم خود آب خواست. گفتیم: عصایت را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن بگشاد. هر گروهی آبشخور خود را بدانست. از روزی خدا بخورید و بیاشامید و در روی زمین به فساد سرکشی مکنید.(۶۱)و آنگاه را که گفتید: ای موسی ، ما بر یک نوع طعام نتوانیم ساخت، از پروردگارت بخواه تا برای ما از آنچه از زمین می روید چون سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برویاند. موسی گفت: آیا می خواهید آنچه را که برتر است به آنچه فروتر است بدل کنید؟ به شهری بازگردید که در آنجا هرچه خواهید به شما بدهند. مقرر شد بر آنها خواری و بیچارگی و با خشم خدا قرین شدند. و این بدان سبب بود که به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و نافرمانی کردند و تجاوز ورزیدند.(۶۲)کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کاری شایسته کنند، خدا به آنها پاداش نیک می دهد و نه بیمناک می شوند و نه محزون.(۶۳)و به یاد آرید آن زمان را که با شما پیمان بستیم و کوه طور را بر فراز سرتان بداشتیم. آنچه را که به شما داده ایم با اطمینان بگیرید و آنچه را که در آن است به خاطر بسپارید. باشد که پرهیزگار شوید.(۶۴)ولی زان پس از فرمان سر باززدید و اگر فضل و رحمت خدا نبود از زیانکاران می بودید.(۶۵)و شناخته اید آن گروه را که در آن روز شنبه از حد خود تجاوز کردند، پس به آنها خطاب کردیم: بوزینگانی خوار و خاموش گردید.(۶۶)و آنها را عبرت معاصران و آیندگان و اندرزی برای پرهیزگاران گردانیدیم.(۶۷)و به یاد آرید آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: خدا فرمان می دهد که گاوی را بکشید گفتند: آیا ما را به ریشخند می گیری ؟ گفت: به خدا پناه می برم اگر از نادانان باشم.(۶۸)گفتند: برای ما پروردگارت را بخوان تا بیان کند که آن چگونه گاوی است؟ گفت: می گوید: گاوی است نه سخت پیر و از کار افتاده ، نه جوان و کار ناکرده ، میانسال. اکنون بکنید آنچه شما را می فرمایند.(۶۹)گفتند: برای ما پروردگارت را بخوان تا بگوید که رنگ آن چیست؟ گفت: می گوید: گاوی است به زرد تند که رنگش بینندگان را شادمان می سازد.(۷۰)گفتند: برای ما پروردگارت را بخوان تا بگوید آن چگونه گاوی است؟ که آن گاو بر ما مشتبه شده است، و اگر خدا بخواهد ما بدان راه می یابیم.(۷۱)گفت: می گوید: از آن گاوان نیست که رام باشد و زمین را شخم زند و کشته را آب دهد. بی عیب است و یکرنگ. گفتند: اکنون حقیقت را گفتی . پس آن را کشتند، هرچند که نزدیک بود که از آن کار سر باززنند.(۷۲)و به یاد آرید آن هنگام را که کسی را کشتید و بر یکدیگر بهتان زدید و پیکار در گرفتید و خدا آنچه را که پنهان می کردید آشکار ساخت(۷۳)سپس گفتیم: پاره ای از آن را بر آن کشته بزنید. خدا مردگان را اینچنین زنده می سازد، و نشانه های قدرت خویش را اینچنین به شما می نمایاند، باشد که به عقل دریابید.(۷۴)پس از

آن دلهای شما چون سنگ، سخت گردید، حتی سختتر از سنگ که از سنگ گاه جویها روان شود، و چون شکافته شود آب از آن بیرون جهـد، و گاه از ترس خـدا از فراز به نشیب فروغلتـد، و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.(۷۵)آیا طمع می دارید که به شـما ایمان بیاورنـد، و حال آنکه گروهی از ایشان کلام خـدا را می شـنیدند و با آنکه حقیقت آن را می یافتنـد تحریفش می کردند و از کار خویش آگاه بودند(۷۶)و چون با مومنان دیـدار کننـد، گوینـد: ما هم ایمان آورده ایم. و چون با یکدیگر خلوت کنند، گویند: آیا با آنان از دانشـی که خدا به شـما ارزانی داشـته سخن می گویید، تا به یاری آن در نزد پروردگارتان بر شما حجت آرند؟ آیا به عقل در نمی یابید(۷۷)آیا نمی داننـد که هرچه را که پنهان می دارند و هرچه را که آشـکار می سازند، خدا می داند؟(۷۸)برخی از ایشـان بی سوادانی هسـتند که نمی داننـد در آن کتـاب چیست، جز سـخنانی که شـنیده انـد و می خواننـد. اینـان تنهـا پایبنـد گمـان خویشند.(۷۹)پس وای بر آنهایی که کتاب را خود به دست خود می نویسـند، و تا سودی انـدك برنـد، می گویند که از جانب خدا نازل شـده . پس وای بر آنها بـدانچه نوشـتند و وای بر آنها از سودی که می برند.(۸۰)و گفتنـد: آتش جزچند روزی ما را نسوزاند. بگو: آیا با خدا چنین پیمانی بسته اید، تا او خلاف پیمان خود نکند؟ یا آنکه از روی نادانی چنین نسبتی به خدا می دهید(۸۱)آری . آنان که مرتکب کاری زشت شدند و گناهشان گرد بر گردشان بگرفت، اهل جهنمند و جاودانه در آن.(۸۲)و آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، اهل بهشتند و در آن جاویدان.(۸۳)به یاد آرید آن هنگام را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خـدا را نپرستیـد و به پـدر و مادر و خویشاونـدان و یتیمان و درویشان نیکی کنیـد و به مردمان سـخن نیك گوییـد و نماز بخوانید و زکات بدهید. ولی جز اندکی از شما، پشت کردید و شمایید روی گردانندگان.(۸۴)و آن هنگام را که با شما پیمان نهادیم که خون هم مریزیـد و یکـدیگر را از خان و مان آواره مسازیـد و شـما به پیمان گردن نهادیـد و خود بر آن گواه هستید.(۸۵)پس شما چنین جمـاعتی هستیـد کـه یکـدیگر را می کشیـد و گروهی از خـود را از خانومانشـان آواره می کنیـد و بر ضـد آنهـا به گنـاه و بیـداد به همدستی یکدیگر بر می خیزید و اگر به اسارت شـما درآیند در برابر آزادیشان فدیه می گیرید و حال آنکه بیرون راندنشان بر شما حرام بود. آیا به بعضـی از کتاب ایمان می آوریـد و بعض دیگر را انکار می کنیـد؟ پاداش کسـی که چنین کنـد در دنیا جز خواری نیست و در روز قیامت به سـختترین وجهی شکنجه می شود و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.(۸۶)اینان همان کسانند که آخرت را دادنـد و زنـدگی دنیا را خریدند. از عذابشان کاسـته نگردد و کس یاریشان نکند(۸۷)به تحقیق موسـی را کتاب دادیم و از پی او پیـامبران فرسـتادیم. و به عیسـی بن مریم دلیلهای روشن عنایت کردیم و او را به روحالقـدس تاییـد نمودیم. و هرگاه پیامبری آمـد و چیزهایی آورد که پسـند نفس شـما نبود سرکشـی کردید، و گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید(۸۸)گفتند: دلهای ما در حجاب است. نه ، خـدا آنان را به سـبب کفری که می ورزند مطرود ساخته و چه اندك ایمان می آورند(۸۹)و چون ایشان را از جانب خـدا کتابی آمـد، و او را شـناختند، هر چند کتابشان را هم تصدیق کرده بود، و با آنکه زان پیش خواسـتار پیروزی بر کافران بودند، به او ایمان نیاوردند، که لعنت خدا بر کافران باد(۹۰)با خود، بد معامله ای کردند آنگاه که از حسد به کتاب خدا کافر شدند و از اینکه خـدا فضل و کرم خویش را به هرکس از بنـدگان خود که بخواهـد ارزانی می دارد حسد بردند و قرین خشـمی افزون بر خشم دیگر شدنـد، و کـافران را عـذابی است خوارکننـده(۹۱)و چـون بـه آنهـا گفته شـود که به آنچه خـدا نـازل کرده است ایمـان بیاوریـد، می گویند: ما به آنچه بر خودمان نازل شده است ایمان می آوریم. و به غیر آن هرچند با حقیقت همراه باشد و کتابشان را هم تصدیق کند، ایمان نمی آورند. بگو: اگر شما ایمان آورده بودید، از چه روی پیامبران خدا را پیش از این می کشتید(۹۲)موسی با دلیلهای روشن خویش به هدایت شـما آمد و شـما ستمکاران، پس از او به گوساله گرویدید(۹۳)و با شما پیمان بستیم و کوه طور را بر فراز سـرتان بداشتیم. اکنون آنچه را که برایتان فرسـتاده ایم با ایمان اسـتوار بگیرید و کلام خدا را بشـنوید. گفتند: شنیدیم و به کار نخواهیم بست. بر اثر کفرشان عشق گوساله در دلشان جای گرفت. بگو: اگر بدانچه می گویید باور دارید، باورتان شما را به بد کـاری وا می دارد(۹۴)بگـو: اگر راسـت می گوییـد کـه سـرای آخرت نزد خـدا ویژه شــماست نـه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ

کنید(۹۵)ولی به سبب اعمالی که مرتکب شده اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد. خدا ستمکاران را می شناسد(۹۶)آنان را از مردم دیگر، حتی مشرکان، به زندگی این جهانی حریصتر خواهی یافت و بعضی از کافران دوست دارند که هزار سال در این دنیا زیست کنند، و این عمر دراز عذاب خدا را از آنان دور نخواهد ساخت، که خدا به اعمالشان بیناست(۹۷)به آنان که با جبرئیل دشمنی می ورزند، بگو: اوست که این آیات را به فرمان خدا بر دل تو نازل کرده است تا کتابهای دیگر آسمانی را تصدیق کند و برای مومنان رهنمون و بشارت باشد(۹۸)هرکه دشمن خدا و فرشتگان او و پیامبرانش و جبرئیل و میکائیل باشد، خدا هم دشمن کافران است(۹۹)هرآینه که بر تو آیاتی روشن نازل کردیم. و جز فاسقان کسی منکر آنها نخواهد شد(۱۰۰)آیا هربار که با خدا پیمانی بستند گروهی از ایشان پیمانشکنی کردند؟ آری بیشترشان ایمان نخواهند آورد(۱۰۱)و گروهی از اهل کتاب چون پیامبری از جانب خدا بر آنان مبعوث شد که به کتابشان هم گواهی می داد، کتاب خدا را چنان که گویی از آن بی خبرند، پس پشت افکندند(۱۰۲)و از افسونی که دیوها به روزگار پادشاهی سلیمان می خواندند پیروی کردند، و سلیمان کافر نبود، ولی دیوها که مردم را جادوگری می آموختند کافر بودند. و نیز آن افسون که بر آن دو فرشته ، هاروت و ماروت، در بابل نازل شد، در حالی که آن دو به هرکس که جادوگری می آموختند می گفتند: کار ما فتنه است، مباد کافر شوی . و مردم از آن دو جادوهایی می آموختند که می توانستند میان زن و شوی جدایی افکنند و آنان جز به فرمان خدا به کسی زیانی نمی رسانیدند و آنچه مردم می آموختند به آنها زیان می رسانید، نه سود. و خود می دانستند که خریداران آن جادو را در آخرت بهره ای نیست. خود را به بد چیزی فروختند، اگر می دانستند(۱۰۳)اگر ایمان آورده و پرهیزگار شده بودند، پاداشی که از جانب خدا به آنها داده می شد، از هرچیز دیگری نیکوتر می بود، اگر می دانستند(۱۰۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، مگویید راعنا، بگویید انظرنا. و گوش فرادارید که برای کافران عذابی است دردآور(۱۰۵)از میان اهل کتاب آنان که کافر شدند، و نیز مشرکان، دوست نمی دارند که از جانب پروردگار به شما خیری برسد. و حال آنکه خدا هرکس را که بخواهد به بخشایش خویش مخصوص می دارد. خدا صاحب فضلی بزرگ است(۱۰۶)هیچ آیه ای را منسوخ یا ترک نمی کنیم مگر آنکه بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانی که خدا بر هر کاری تواناست؟(۱۰۷)آیا نمی دانی که خدا فرمانروای آسمانها و زمین است و شما را جز او یاری و یاوری نیست؟(۱۰۸)آیا می خواهید از پیامبر خود چیزی بپرسید، همچنان که قوم موسی پیش از این از موسی پرسیده بودند؟ آن کس که کفر را به جای ایمان برگزیند، چون کسی است که راه راست را گم کرده باشد(۱۰۹)بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده ، از روی حسد، دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازگردانند عفو کنید و گذشت کنید، تا خدا فرمانش را بیاورد، که او بر هر کاری تواناست(۱۱۰)نماز بگزارید و زکات بدهید. هر نیکی را که پیشاپیش برای خود روانه می دارید نزد خدایش خواهید یافت. هرآینه خدا به کارهایی که می کنید بیناست(۱۱۱)گفتند: جز یهودان و ترسایان کسی به بهشت نمی رود. این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می گویید حجت خویش بیاورید(۱۱۲)آری ، هرکس که از روی اخلاص رو به خدا کند و نیکوکار بود، پاداشش را از پروردگارش خواهد گرفت و دستخوش بیم و اندوه نمی شود(۱۱۳)با آنکه کتاب خدا را می خوانند، یهودان گفتند که ترسایان بر حق نیند و ترسایان گفتند که یهودان بر حق نیند. همچنین آنها که ناآگاهند سخنی چون سخن آنان گویند. خدا در روز قیامت درباره آنچه در آن اختلاف می کنند، میانشان حکم خواهد کرد(۱۱۴)کیست ستمکارتر از آنکه نگذاشت که نام خدا در مسجدهای خدا برده شود، و در ویران ساختن آنها کوشید؟ روا نیست در آن مسجدها جز بیمناك و ترسان داخل شوند و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است(۱۱۵)مشرق و مغرب از آن خداست. پس به هرجای که رو کنید، همان جا رو به خداست. خدا فراخ رحمت و داناست(۱۱۶)گفتند که خدا فرزندی گرفت. منزه است او. بلکه هرچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و همه فرمانبردار اویند(۱۱۷)آفریننده آسمانها و زمین است. چون اراده چیزی کند، می گوید: موجود شو. و آن چیز موجود می شود(۱۱۸)نادانان گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا معجزه ای بر ما نمی آید؟ پیشینیانشان

نیز چنین سخنانی می گفتند. دلهاشان همانند یکدیگر است. ما برای آنان که به یقین رسیده اند، آیات را بیان کرده ایم(۱۱۹)ما تو را که سزاوار هستی ، به رسالت فرستادیم، تا مژده دهی و بیم دهی . تو مسوول دوزخیان نیستی(۱۲۰)یهودان و ترسایان از تو خشنود نمی شوند، تا به آیینشان گردن نهی . بگو: هدایت، هدایتی است که از جانب خدا باشد. اگر از آن پس که خدا تو را آگاه کرده است از خواسته آنها پیروی کنی ، هیچ یاور و مددکاری از جانب او نخواهی داشت.(۱۲۱)کسانی که کتابشان داده ایم و آنچنان که سزاوار است آن را می خوانند، مومنان به آن هستند، و آنان که به آن ایمان ندارند، زیانکاران هستند.(۱۲۲)ای بنی اسرائیل، از آن نعمتی که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید.(۱۲۳)و بترسید از روزی که هیچ کس دیگری را به کار نیاید و فدیه پذیرفته نشود و شفاعت سودشان نکند و کسی به یاریشان برنخیزد.(۱۲۴)و پروردگار ابراهیم او را به کاری چند بیازمود و ابراهیم آن کارها را به تمامی به انجام رسانید. خدا گفت: من تو را پیشوای مردم گردانیدم. گفت: فرزندانم را هم؟ گفت: پیمان من ستمکاران را در بر نگیرد.(۱۲۵)و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید. ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم: خانه مرا برای طوافکنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید.(۱۲۶)و ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این شهر را جای امنی گردان و از مردمش آنان را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، از هر ثمره روزی ساز. گفت: هر کس که کافر شد او را اندک برخورداری دهم، سپس به عذاب آتش دچارش گردانم، که بد سرانجامی است.(۱۲۷)و چون ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه را بالا۔ بردند، گفتند: ای پروردگار ما، از ما بپذیر، که تو شنوا و دانا هستی .(۱۲۸)ای پروردگار ما، ما را فرمانبردار خویش ساز و نیز فرزندان ما را فرمانبردار خویش گردان، و مناسکمان را به ما بیاموز، و توبه ما بپذیر که تو توبه پذیرنده و مهربان هستی .(۱۲۹)ای پروردگار ما، از میانشان پیامبری بر آنها مبعوث گردان تا آیات تو را برایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاکیزه سازد و تو پیروزمند و حکیم هستی .(۱۳۰)چه کسی از کیش ابراهیم روی برمی تابد جز آنکه خود را بی خرد ساخته باشد؟ ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت نیز از شایستگان است.(۱۳۱)و پروردگارش به او گفت: تسلیم شو. گفت: من در برابر پروردگار جهانیان تسلیمم.(۱۳۲)ابراهیم به فرزندان خود وصیت کرد که در برابر خدا تسلیم شوند. و یعقوب به فرزندان خود گفت: ای فرزندان من، خدا برای شما این دین را برگزیده است، مباد بمیرید بی آنکه بدان گردن نهاده باشید.(۱۳۳)آیا شما حاضر بودید، آنگاه که مرگ یعقوب فرارسید و به فرزندانش گفت: پس از من چه چیز را می پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای نیاکان تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را به یکتایی خواهیم پرستید و در برابر او تسلیم هستیم.(۱۳۴)آنها امتهایی بوده اند که اکنون در گذشته اند. آنچه کرده بودند از آن آنهاست و آنچه شما کنید از آن شماست و شما را از اعمالی که آنها می کرده اند نمی پرسند.(۱۳۵)گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا به راه راست افتید. بگو: ما کیش یکتا پرستی ابراهیم را برگزیدیم و او مشرک نبود.(۱۳۶)بگویید: ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده و نیز آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها نازل آمده و نیز آنچه به موسی و عیسی فرستاده شده و آنچه بر پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان آمده است، ایمان آورده ایم. میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی نهیم و همه در برابر خدا تسلیم هستیم.(۱۳۷)اگر به آنچه شما ایمان آورده اید، آنان نیز ایمان بیاورند، هدایت یافته اند. اما اگر روی برتافتند، پس با تو سر خلاف دارند و در برابر آنها خدا تو را کافی است که او شنوا و داناست.(۱۳۸)این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است. ما پرستندگان او هستیم.(۱۳۹)بگو: آیا درباره خدا با ما مجادله می کنید؟ او پروردگار ما و شماست. اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست و ما او را به پاکدلی می پرستیم.(۱۴۰)آیا می گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: آیا شما آگاه ترید یا خدا؟ ستمکارتر از کسی که گواهی خود را از خدا پنهان می کند کیست؟ و خداوند از کارهایی که می کنید غافل نیست.(۱۴۱)آنان امتهایی بوده اند که اکنون درگذشته اند. آنچه آنها کردند از آن آنهاست و آنچه شما می کنید از آن شماست و شما را از اعمال آنها نمی پرسند.(۱۴۲)از مردم، آنان که کمخردند، خواهند گفت: چه چیز آنها را از قبله ای که رو به

روی آن می ایستادند برگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست و خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند.(۱۴۳)آری چنین است که شما را بهترین امتها گردانیدیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و آن قبله ای را که رو به روی آن می ایستادی دگرگون نکردیم، جز بدان سبب که آنان را که از پیامبر پیروی می کنند از آنان که مخالفت می ورزند بازشناسیم. هرچند که این امر جز بر هدایت یافتگان دشوار می نمود. خدا ایمان شما را تباه نمی کند، او بر مردمان مهربان و بخشاینده است.(۱۴۴)نگریستنت را به اطراف آسمان می بینیم. تو را به سوی قبله ای که می پسندی می گردانیم. پس روی به جانب مسجدالحرام کن. و هرجا که باشید روی بدان جانب کنید. اهل کتاب می دانند که این دگرگونی به حق و از جانب پروردگارشان بوده است. و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.(۱۴۵)برای اهل کتاب هر برهان و نشانه ای که بیاوری از قبله تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز از قبله آنها پیروی نمی کنی ، و آنها هم خود پیرو قبله یکدیگر نخواهند بود. هرگاه پس از آگاهی ، پی خواهشهای ایشان بروی ، از ستمکاران خواهی بود.(۱۴۶)اهل کتاب همچنان که فرزندان خود را می شناسند او را می شناسند، ولی گروهی از ایشان در عین آگاهی حقیقت را پنهان می دارند.(۱۴۷)آنچه از جانب خدا بر تو نازل شده ، حق همان است، تردید مکن.(۱۴۸)هر کسی را جانبی است که بدان روی می آورد. پس در نیکی کردن بر یکدیگر سبقت گیرید. هرجا که باشید خدا شما را حاضر می آورد، که او بر هر کاری تواناست.(۱۴۹)از هر جای که بیرون شوی روی خود به جانب مسجدالحرام کن. حق همان است که پروردگارت بدان امر فرموده . و خدا از کارهایتان ناآگاه نیست.(۱۵۰)از هر جای که بیرون شوی روی خویش به جانب مسجدالحرام کن. و هرجا که باشید روی بدان سوی کنید تا هیچ کس را، جز ستمکاران، با شما مجادله ای نباشد. از ایشان مترسید، از من بترسید تا نعمت خویش بر شما تمام کنم، باشد که هدایت شوید.(۱۵۱)همچنان که پیامبری از خود شما را بر شما فرستادیم تا آیات ما را برایتان بخواند و شما را پاکیزه گرداند و کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی دانستید به شما یاد دهد.(۱۵۲)پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. مرا سپاس گویید و ناسپاسی من مکنید.(۱۵۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز مدد جویید که خدا با شکیبایان است.(۱۵۴)آنان را که در راه خدا کشته می شوند، مرده مخوانید. آنها زنده اند و شما در نمی یابید.(۱۵۵)البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می آزماییم. و شکیبایان را بشارت ده .(۱۵۶)کسانی که چون مصیبتی به آنها رسید گفتند: ما از آن خدا هستیم و به او باز می گردیم.(۱۵۷)صلوات و رحمت پروردگارشان بر آنان باد، که هدایت یافتگانند.(۱۵۸)صفا و مروه از شعایر خداست. پس کسانی که حج خانه را به جای می آورند یا عمره می گزارند، اگر بر آن دو کوه طواف کنند مرتکب گناهی نشده اند. پس هر که کار نیکی را به رغبت انجام دهد بداند که خدا شکر گزارنده ای داناست.(۱۵۹)کسانی را که دلایل روشن و هدایتکننده ما را، پس از آنکه در کتاب برای مردم بیانشان کرده ایم، کتمان می کنند هم خدا لعنت می کند و هم دیگر لعنتکنندگان.(۱۶۰)مگر آنها که توبه کردند و به صلاح آمدند و آنچه پنهان داشته بودند آشکار ساختند، که توبه شان را می پذیرم و من توبه پذیر و مهربانم.(۱۶۱)بر آنان که کافر بودند و در کافری مردند لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باد.(۱۶۲)جاودانه در لعنتند و در عذابشان تخفیف داده نشود و لحظه ای مهلتشان ندهند.(۱۶۳)خدای شما خدایی است یکتا. خدایی جز او نیست بخشاینده و مهربان.(۱۶۴)در آفرینش آسمانها و زمین، و در آمد و شد شب و روز، و در کشتیهایی که در دریا می روند و مایه سود مردمند، و در بارانی که خدا از آسمان فرو می فرستد تا زمین مرده را بدان زنده سازد و جنبندگان را در آن پراکنده کند، و در حرکت بادها، و ابرهای مسخر میان زمین و آسمان، برای خردمندانی که در می یابند نشانه هاست.(۱۶۵)بعضی از مردم خدا را همتایانی اختیار می کنند و آنها را چنان دوست می دارند که خدا را. ولی آنان که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست می دارند. و آنگاه که این ستمپیشگان عذاب را ببینند دریابند که همه قدرت از آن خداست. هرآینه خدا به سختی عقوبت می کند.(۱۶۶)آنگاه که پیشوایان، عذاب را بنگرند و از فرمانبران خویش بیزاری جویند و پیوند میان ایشان گسسته گردد.(۱۶۷)و آن پیروان گویند: کاش بار دیگر باز می گشتیم، تا آنچنان که از ما بیزاری جسته اند از آنها

بیزاری می جستیم. خداونـد کردارهایشـان را اینچنین مـایه حسـرتشان سـازد و آنـان از آتش رهـایی نیابنـد.(۱۶۸)ای مردم، از آن چیزهای حلال و پاکیزه که در زمین است بخورید و پای به جای پای شیطان مگذارید که دشمن آشکار شماست.(۱۶۹)او شما را به بـدی و زشتی فرمان می دهد و می خواهد که درباره خدا چیزهایی بگویید که بدان آگاه نیستید.(۱۷۰)چون به ایشان گفته شود که از آنچه خـدا نازل کرده است پیروی کنیـد، گوینـد: نه ، ما به همان راهی می رویم که پـدرانمان می رفتنـد. حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند.(۱۷۱)مثل کافران، مثل حیوانی است که کسـی در گوش او آواز کنـد، و او جز بانگی و آوازی نشـنود. اینان کراننـد، لالانند، کورانند و هیچ در نمی یابند.(۱۷۲)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، از آن چیزهای پاکیزه ای که روزی شـما کرده ایم، بخورید و اگر خدا را می پرستید، سپاسـش را به جای آورید.(۱۷۳)جز این نیست که مردار را و خـون را و گوشت خوک را و آنچه را که به هنگام ذبـح نام غیر خدا بر آن بخوانند، بر شـما حرام کرد. اما کسـی که ناچار شود هرگاه که بی میلی جوید و از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است، که خدا آمرزنده و بخشاینده است.(۱۷۴)آنان که کتابی را که خدا نازل کرده است پنهان می دارند، تا بهای اندکی بسـتانند، شکمهای خود را جز از آتش انباشته نمی سازند. و خدا در روز قیامت با آنها سخن نگوید و پاکشان نسازد و بهره آنها عـذابی دردآور است.(۱۷۵)اینـان گمراهی را به جای هـدایت برگزیدنـد و عـذاب را به جای آمرزش. چه چیز بر آتش شکیبایشان ساخته ؟(۱۷۶)زیرا که خـدا کتاب را به حق نازل کرد و کسانی که در کتاب خـدا اختلاف می کننـد، در مخالفتی دور از صوابند.(۱۷۷)نیکی آن نیست که روی خـود به جـانب مشـرق و مغرب کنیـد، بلکه نیکوکـار کسـی است که به خـدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد. و مال خود را، با آنکه دوستش دارد، به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گـدایان و دربندماندگان ببخشد. و نماز بگزارد و زکات بدهد. و نیز کسانی هسـتند که چون عهدی می بندند بدان وفا می کننـد. و آنـان که در بینوایی و بیماری و به هنگام جنگ صبر می کننـد، اینان راسـتگویان و پرهیزگاراننـد.(۱۷۸)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، درباره کشـتگان بر شـما قصاص مقرر شد: آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده و زن در برابر زن. پس هر کس کـه از جـانب برادر خـود عفـو گردد بایـد کـه بـا خشـنودی از پی ادای خونبهـا رود و آن را به وجهی نیکـو بـدو پردازد. این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان و هر که از آن سـر باززنـد، بهره او عذابی است دردآور.(۱۷۹)ای خردمندان، شما را در قصاص کردن زندگی است. باشد که پروا کنید.(۱۸۰)هرگاه یکی از شـما را مرگ فرارسد و مالی بر جای گذارد، مقرر شد که درباره پدر و مادر و خویشاوندان، از روی انصاف وصیت کند. و این شایسته پرهیزگاران است.(۱۸۱)پس هر کس که آن وصیت را بشـنود و آنگاه دگرگونش سازد، گناهش بر آن کسـی است که آن را دگرگون ساخته است. خدا شـنوا و داناست.(۱۸۲)هرگاه بیم آن رود که وصیتکننده ای در وصیت خویش دسـتخوش سـتم یا گناهی شده باشد، اگر کسی به اصلاح میان آنان پردازد، مرتکب گناهی نشـده است، که خـدا آمرزنده و مهربان است.(۱۸۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه داشـتن بر شـما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید.(۱۸۴)روزهایی معدود. هر کس که از شما بیمار یا در سفر باشـد، به همان تعـداد از روزهای دیگر روزه بدارد. و آنان که توانایی آن ندارند، هر روز را به اطعام مسـکینی بازخرند. و هر که به رغبت در آن بیفزایـد، برایش بهتر است و اگر می خواهیـد بدانید، بهتر آن است که خود روزه بدارید.(۱۸۵)ماه رمضان، که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هـدایت و جـدا ساختن حق از باطل، قرآن نازل شده است. پس هر کس که این ماه را دریابد، بایـد که در آن روزه بدارد. و هر کس که بیمار یا در سـفر باشد، به همان تعداد از روزهای دیگر. خدا برای شـما خواسـتار آسایش است نه سـختی و تـا آن شـمار را کامـل سازیـد. و خـدا را بـدان سـبب که راهنمـایی تـان کرده است به بزرگی یـاد کنیـد و سـپاس گویید.(۱۸۶)چون بنـدگان من درباره من از تو بپرسـند، بگو که من نزدیکم و به نـدای کسـی که مرا بخواند پاسخ می دهم. پس به نـدای من پاسـخ دهنـد و به من ایمان آورنـد تا راه راست یابند.(۱۸۷)همبستری بـا زنانتان در شب ماه روزه بر شـما حلال شـد. آنها پوشـش شـمایند و شـما پوشـش آنهایید. خدا می دانست که شـما به خویشتن خیانت می ورزید، پس توبه شما را بپذیرفت و شما را

عفو کرد. اکنون بـا آنها همبستر شویـد و آنچه را که خـدا بر شـما مقرر گردانیـده است انجام دهیـد، و بخوریـد و بیاشامیـد تا رشـته روشن صبحدم در تاریکی شب آشکار شود. و روزه را به شب برسانیـد. و چون در مسجد اعتکاف کنیـد، با زنان همبستر مشوید. اینهـا حـدود فرمـان خـداست، بـدان نزدیـک مشویـد. خـدا آیـات خـود را اینچنیـن بیـان می کنـد، باشـد کـه بـه پرهیزگـاری برسند.(۱۸۸)اموال یکـدیگر را به ناشایست مخوریـد و آن را به رشوت به حاکمان مدهیـد تا بـدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید. و شما خود می دانید.(۱۸۹)از تو درباره هلالهای ماه می پرسند، بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسـند. و پسـندیده نیست که از پشت خانه ها به آنها داخل شوید، ولی پسندیده راه کسانی است که پروا می کنند و از درها به خانه ها در آیید و از خدا بترسید تا رستگار شوید.(۱۹۰)با کسانی که با شما جنگ می کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی مکنید. زیرا خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد.(۱۹۱)هرجا که آنها را بیابید بکشید و از آنجا که شما را رانده اند، برانیدشان، که فتنه از قتل بـدتر است. و در مسـجدالحرام با آنها مجنگیـد، مگر آنکه با شـما بجنگنـد. و چون با شـما جنگیدند بکشـیدشان، که این است پاداش کافران.(۱۹۲)و اگر بازایسـتادند، خـدا آمرزنده و مهربان است.(۱۹۳)بـا آنها بجنگیـد تا دیگر فتنه ای نباشـد و دین تنها دین خـدا شود. ولی اگر از آیین خویش دست بر داشـتند، تجـاوز جز بر سـتمکاران روا نیست.(۱۹۴)این مـاه حرام در مقابل آن ماه حرام و شکسـتن ماههای حرام را قصاص است. پس هرکس بر شما تعدی کند، به همان اندازه تعدی اش بر او تعدی کنید و از خدا بترسـید و بدانید که او با پرهیزگاران است.(۱۹۵)در راه خـدا انفاق کنید و خویشـتن را به دست خویش به هلاکت میندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.(۱۹۶)حج و عمره را برای خدا کامل به جای آرید. و اگر شما را از حج بازداشتند، آن قدر که میسر است قربانی کنید و سر متراشید تا قربانی شما به قربانگاهش برسد. اگر یکی از شما بیمار یا در سرش آزاری بود به عنوان فـدیه روزه بـدارد یا صـدقه دهد یا قربانی کند. و چون ایمن شوید، هرکه از عمره تمتع به حج بازآید، آن قدر که او را میسر است قربانی کنـد. و هرکه را قربانی میسر نشد سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود. و این حکم برای کسـی است که از مردم مکه نباشـد. از خـدا بترسـید و بدانیـد که خـدا به سـختی عقوبت می کند.(۱۹۷)حج در ماههای معینی است. هرکه در آن ماهها این فریضه را ادا کند باید که در اثنای آن جماع نکند و فسقی از او سر نزند و مجادله نکند. هر کار نیکی که انجـام می دهیـد خـدا از آن آگـاه است. و تـوشه برداریـد، که بهـترین تـوشه هـا پرهیزگـاری است. ای خردمنـدان، از من بترسید.(۱۹۸)اگر بـه هنگـام حـج طـالب روزی خـدا باشـید، مرتکـب گنـاهی نشـده ایـد، و چـون از عرفـات بازگشتیـد خـدا را در مشعرالحرام یاد کنیـد، از آن رو که شـما را هـدایت کرده ، در حالی که پیش از آن گمراه بوده ایـد.(۱۹۹)سپس از آنجا که دیگر مردم بـاز می گردنـد، شـما نیز بازگردیـد و از خـدا آمرزش بخواهیـد که آمرزنـده و مهربان است.(۲۰۰)چون مناسکتان را به جای آوردیـد، همچنـان کـه پـدران خـویش را یـاد می کردیـد –حتی بیشتر از آن– خـدای را یـاد کنیـد. برخی از مردم می گوینـد: ای پروردگار ما، ما را در دنیا چیزی بخش. اینان را در آخرت نصـیبی نیست.(۲۰۱)و برخی از مردم می گوینـد: ای پروردگار ما، ما را، هم در دنیا خیری بخش و هم در آخرت، و ما را از عـذاب آتش نگه دار.(۲۰۲)اینان از آنچه خواسته اند، بهره مند می شوند و خدا به سرعت به حساب هرکس می رسد.(۲۰۳)خداوند را در روزهایی چند یاد کنید، و هر که در دو روز شـتاب کند، مرتکب گناهی نشـده اسـت. هر پرهیزگـاری هم که تـاخیر کنـد گنـاهی نکرده است. از خـدا بترسـید و بدانیـد که همگـان به پیشگـاه وی گرد می آیید.(۲۰۴)در این دنیـا کسـی است از مردم که خـدا را به درستی اعتقاد خویش گواه می گیرد و تو را سـخنش درباره زنـدگی این دنیا به شـگفت می دارد، در حالی که کینه توزترین دشـمنان است.(۲۰۵)چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کنـد و کشتزارها و دامها را نابود سازد، و خـدا فساد را دوست ندارد.(۲۰۶)و چون به او گوینـد که از خـدا بترس، خودخواهی اش او را به گناه کشاند. جهنم، آن آرامگاه بـد، او را بس باشـد.(۲۰۷)کسـی دیگر از مردم برای جسـتن خشـنودی خـدا جان خویش را فدا کند. خدا بر این بندگان مهربان است.(۲۰۸)ای کسـانی که ایمان آورده ایـد، همگان به اطاعت در آییـد و پای به جای پای شـیطان مگذاریـد که او

دشمن آشکار شماست.(۲۰۹)هرگاه پس از آنکه این آیات روشن خدا به شما رسید، در ایمان خویش لغزشی یافتید، بدانید که خدا پیروزمند و حکیم است.(۲۱۰)آیا اینان منتظر آن هستند که خدا با فرشتگان در زیر سایبانی از ابر نزدشان بیاید و کار یکسره شود؟ حال آنکه خدا مرجع همه کارهاست.(۲۱۱)از بنی اسرائیل بپرس که ایشان را چه آیات روشنی دادیم. هرکس که نعمتی را که خدا به او عنایت کرده است دگرگون سازد، بداند که عقوبت او سخت است.(۲۱۲)برای کافران زندگی این جهانی آراسته شده است و مومنان را به ریشخند می گیرند. آنان که از خدا می ترسند در روز قیامت بر فراز کافران هستند، و خدا هرکس را که بخواهد بی حساب روزی می دهد.(۲۱۳)مردم یک امت بودند، پس خدا پیامبران بشارتدهنده و ترساننده را بفرستاد، و بر آنها کتاب بر حق نازل کرد تا آن کتاب در آنچه مردم اختلاف دارند میانشان حکم کند، ولی جز کسانی که کتاب بر آنها نازل شده و حجتها آشکار گشته بود از روی حسدی که نسبت به هم می ورزیدند در آن اختلاف نکردند. و خدا مومنان را به اراده خود در آن حقیقتی که اختلاف می کردند راه نمود، که خدا هرکس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند.(۲۱۴)می پندارید که به بهشت خواهید رفت؟ و هنوز آنچه بر سر پیشینیان شما آمده ، بر سر شما نیامده ؟ به ایشان سختی و رنج رسید و متزلزل شدند، تا آنجا که پیامبر و مومنانی که با او بودند، گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟ بدان که یاری خدا نزدیک است.(۲۱۵)از تو می پرسند که چه انفاق کنند؟ بگو آنچه از مال خود انفاق می کنید، برای پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و رهگذران باشد، و هر کار نیکی که کنید خدا به آن آگاه است.(۲۱۶)جنگ بر شما مقرر شد، در حالی که آن را ناخوش دارید. شاید چیزی را ناخوش بدارید و در آن خیر شما باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان ناپسند افتد. خدا می داند و شما نمی دانید.(۲۱۷)تو را از جنگ کردن در ماه حرام می پرسند. بگو: جنگ کردن در آن ماه گناهی بزرگ است. اما بازداشتن مردم از راه حق و کافر شدن به او و مسجدالحرام و بیرون راندن مردمش از آنجا در نزد خداوند گناهی بزرگتر است، و شرک از قتل بزرگتر است. آنها با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان بازگردانند. از میان شما آنها که از دین خود بازگردند و کافر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و جاودانه در جهنم باشند.(۲۱۸)کسانی که ایمان آورده اند و آنان که مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند، به رحمت خدا امید می دارند و خدا آمرزنده و مهربان است.(۲۱۹)تو را از شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم. و گناهشان از سودشان بیشتر است. و از تو می پرسند، چه چیز انفاق کنند؟ بگو: آنچه افزون آید. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می کند، باشد که در کار دنیا و آخرت بیندیشید.(۲۲۰)تو را از یتیمان می پرسند. بگو: اصلاح حالشان بهتر است. و اگر با آنها آمیزش می کنید چون برادران شما باشند. خداوند تبهکار را از نیکوکار باز می شناسد و اگر خواهد بر شما سخت می گیرد، که پیروزمند و حکیم است.(۲۲۱)زنان مشرکه را تا ایمان نیاورده اند به زنی مگیرید و کنیز مومنه بهتر از آزاد زن مشرکه است، هرچند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند زن مومنه مدهید. و بنده مومن بهتر از مشرک است، هرچند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت می کنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را آشکار بیان می کند، باشد که بیندیشند.(۲۲۲)تو را از حیض زنان می پرسند. بگو: حیض رنجی است. پس در ایام حیض از زنان دوری گزینید و به آنها نزدیک مشوید تا پاک گردند. و چون پاک شدند از آنجا که خدا فرمان داده است با ایشان نزدیکی کنید. هرآینه خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.(۲۲۳)زنانتان کشتزار شما هستند. هرجا که خواهید به کشتزار خود در آیید. و برای خویش از پیش چیزی فرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مومنان را بشارت ده .(۲۲۴)خدا را وسیله سوگندهای خویش قرار مدهید تا از نیکوکاری و تقوا و اصلاح در میان مردم بازایستید، که خدا شنوا و داناست.(۲۲۵)خدا شما را به سبب سوگندهای لغوتان بازخواست نمی کند، بلکه به خاطر نیتی که در دل نهان می دارید بازخواست می کند. خدا آمرزنده و بردبار است.(۲۲۶)برای کسانی که سوگند می خورند که با زنان خویش نیامیزند چهار ماه مهلت است. پس اگر بازآیند، خدا آمرزنده و مهربان است.(۲۲۷)و اگر عزم طلاق کردند، خداوند شنوا و داناست.(۲۲۸)باید که زنان مطلقه تا

سه بار پاک شدن از شوهر کردن بازایستند. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، روا نیست که آنچه را که خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند. و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به بازگرداندنشان سزاوارترند. و برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه ای که بر عهده آنهاست ولی مردان را بر زنان مرتبتی است. و خدا پیروزمند و حکیم است.(۲۲۹)این طلاق دوبار است و از آن پس یا به نیکو وجهی نگهداشتن اوست یا به نیکو وجهی رها ساختنش. و حلال نیست که از آنچه به زنان داده اید چیزی بازستانید مگر آنکه بدانند که حدود خدا را رعایت نمی کنند. اما هرگاه دانستید که آن دو حدود خدا را رعایت نمی کننـد اگر زن، خود را از شوی بازخرد، گناهی بر آن دو نیست. اینها حدود خدا است. از آن تجاوز مکنید که ستمکاران از حدود خدا تجاوز می کنند.(۲۳۰)پس اگر باز زن را طلاق داد دیگر بر او حلال نیست، مگر آنکه به نکاح مردی دیگر درآید، و هرگاه آن مرد زن را طلاق دهد، اگر می دانند که حدود خدا را رعایت می کنند رجوعشان را گناهی نیست. اینها حدود خدا است که برای مردمی دانا بیان می کند.(۲۳۱)هرگاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سر آمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید. و، تا بر آنها زیان برسانید یا ستم بکنید نگاهشان مدارید. و هرکس که چنین کند به خویشتن ستم کرده است. و آیات خدا را به ریشخند مگیرید و از نعمتی که خدا به شما داده است و از آیات و حکمتی که برای موعظه شما فرستاده است یاد کنید و از خدا بترسید و بدانید که او به همه چیز آگاه است.(۲۳۲)و چون زنان را طلاق دادید و مهلتشان سر آمد، مانع مشوید که به نکاح همسران خود -هرگاه که میانشان رضایتی حاصل شده باشد- درآیند. کسی که از شما به خدای و روز قیامت ایمان آورده باشد اینچنین پند گیرد. و این شما را بهتر و به پاکی نزدیکتر است. خدا می داند و شما نمی دانید.(۲۳۳)مادرانی که می خواهند شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند. خوراک و لباس آنان، به وجهی نیکو، بر عهده صاحب فرزند است و هیچ کس بیش از قدرتش مکلف نمی شود. نباید هیچ مادری به خاطر فرزندش زیانی ببیند و هیچ پدری به خاطر فرزندش. و قیم نیز چنین بر عهده دارد. و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده اند. و هرگاه بخواهید کسی دیگر را به شیر دادن فرزندتان بر گمارید، اگر مزدی نیکو و درخورش بپردازید گناهی نیست. از خدا بترسید و بدانید که او به کاری که می کنید بصیر و بیناست.(۲۳۴)کسانی که از شما بمیرند و زنانی بر جای گذارند، آن زنان باید که چهار ماه و ده روز انتظار کشند، و چون مدتشان به سر آمد، اگر درباره خویش کاری شایسته و درخور کنند، بر شما گناهی نیست، که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۲۳۵)و اگر به کنایت از آن زنان خواستگاری کنید یا اندیشه خود در دل نهان دارید، گناهی بر شما نیست. زیرا خدا می داند که از آنها به زودی یاد خواهید کرد. ولی در نهان با آنان وعده منهید، مگر آنکه به وجهی نیکو سخن گویید، و آهنگ بستن نکاح مکنید تا آن مدت به سر آید، و بدانید که خدا به آنچه در دل دارید آگاه است. از او بترسید و بدانید که او آمرزنده و بردبار است.(۲۳۶)اگر زنانی را که با آنها نزدیکی نکرده اید و مهری برایشان مقرر نداشته اید طلاق گویید، گناهی نکرده اید. ولی آنها را به چیزی درخور بهره مند سازید: توانگر به قدر توانش و درویش به قدر توانش. این کاری است شایسته نیکوکاران.(۲۳۷)اگر برایشان مهری معین کرده اید و پیش از نزدیکی طلاقشان می گویید، نصف آنچه مقرر کرده اید بپردازید، مگر آنکه ایشان خود، یا کسی که عقد نکاح به دست اوست، آن را ببخشد. و بخشیدن شما به پرهیزگاری نزدیکتر است. و فضیلت را میان خود فراموش مکنید، که خدا به کارهایی که می کنید بیناست.(۲۳۸)نمازها و نماز میانین را پاس دارید و مطیعانه برای خدا قیام کنید(۲۳۹)و اگر از دشمن بیمناک بودید، پیاده یا سواره نماز کنید. و چون ایمن شدید خدا را یاد کنید، زیرا به شما چیزهایی آموخت که نمی دانستید(۲۴۰)مردانی از شما که می میرند و زنانی برجای می گذارند باید که درباره زنان خود وصیت کنند که هزینه آنها را به مدت یک سال بدهند و از خانه اخراجشان نکنند. پس اگر خود خارج شوند، در مورد تصمیمی که به نحو شایسته ای برای خود می گیرند گناهی بر شما نیست. و خدا غالب و حکیم است(۲۴۱)برای زنان مطلقه بهره ای است شایسته ، چنان که درخور مردان پرهیزگار باشد(۲۴۲)خدا آیاتش را برای شما

اینچنین بیان می کند، باشد که تعقل کنید(۲۴۳)آیا آن هزاران تن را ندیده ای که از بیم مرگ، از خانه های خویش بیرون رفتند؟ سپس خدا به آنها گفت: بمیرید. آنگاه همه را زنده ساخت. خدا به مردم نعمت می دهد ولی بیشتر مردم شکر نعمت به جای نمی آورند(۲۴۴)در راه خدا جنگ کنید و بدانید که خدا شنوا و داناست(۲۴۵)کیست که به خدا قرضالحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او بازگردانده می شوید(۲۴۶)آیا آن گروه از بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی نصب کن تا در راه خدا بجنگیم گفت: نپندارید که اگر قتال بر شما مقرر شود از آن سر بازخواهید زد؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که ما از سرزمینمان بیرون رانده شده ایم و از فرزندانمان جدا افتاده ایم؟ و چون قتال بر آنها مقرر شد، جز اندکی ، از آن روی برتافتند. خدا به ستمکاران آگاه است(۲۴۷)پیغمبرشان به آنها گفت: خدا طالوت را پادشاه شما کرد. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد؟ ما سزاوارتر از او به پادشاهی هستیم و او را دارایی چندانی نداده اند. گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و به دانش و توان او بیفزوده است، و خدا پادشاهیش را به هر که خواهد دهد که خدا دربر گیرنده و داناست(۲۴۸)پیغمبرشان گفت که نشان پادشاهی او این است که تابوتی که سکینه پروردگارتان و باقی میراث خاندان موسی و خاندان هارون در آن است و فرشتگانش حمل می کنند، نزد شما آید. اگر مومن باشید این برای شما عبرتی است(۲۴۹)چون طالوت سپاهش را به راه انداخت، گفت: خدا شما را به جوی آبی می آزماید: هر که از آن بخورد از من نیست، و هر که از آن نخورد یا تنها کفی بیاشامد از من است. همه جز اندکی از آن نوشیدند چون او و مومنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند، گفتند: امروز ما را توان جالوت و سپاهش نیست. آنانی که می دانستند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا چه بسا گروه اندکی که بر گروه بسیاری غلبه کند، که خدا با کسانی است که پای می فشرند(۲۵۰)چون با جالوت و سپاهش رو به رو شدند، گفتند: ای پروردگار ما، بر ما شکیبایی ببار و ما را ثابت قدم گردان و بر کافران پیروز ساز(۲۵۱)پس به خواست خدا ایشان را بشکستند و داوود جالوت را بکشت و خدا به او پادشاهی و حکمت داد، و آنچه می خواست به او بیاموخت. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین تباه می شد، ولی خدا بر جهانیان فضل و کرم خویش را ارزانی می دارد(۲۵۲)این است آیات خدا که به راستی بر تو می خوانیم و تو از پیامبران هستی(۲۵۳)بعضی از این پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خدا با بعضی سخن گفت و بعضی را به درجاتی برافراشت. و به عیسی بن مریم معجزه ها دادیم و او را به روحالقدس یاری کردیم. و اگر خدا می خواست، مردمی که بعد از آنها بودند، پس از آنکه حجتها بر آنان آشکار شده بود، با یکدیگر قتال نمی کردند. ولی آنان اختلاف کردند: پاره ای مومن بودند و پاره ای کافر شدند. و اگر خدا می خواست با هم قتال نمی کردند، ولی خدا هرچه خواهد می کند(۲۵۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، پیش از آنکه آن روز فرارسد، که نه در آن خرید و فروشی باشد و نه دوستی و شفاعتی ، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید. و کافران خود ستمکارانند(۲۵۵)الله خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست. زنده و پاینده است نه خواب سبک او را فرا می گیرد و نه خواب سنگین. از آن اوست هرچه در آسمانها و زمین است. چه کسی جز به اذن او، در نزد او شفاعت کند؟ آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است می داند و به علم او جز آنچه خود خواهد، احاطه نتوانند یافت. کرسی او آسمانها و زمین را در بر دارد. نگهداری آنها، بر او دشوار نیست. او بلند پایه و بزرگ است(۲۵۶)در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستنش نباشد. خدا شنوا و داناست(۲۵۷)خدا یاور مومنان است. ایشان را از تاریکیها به روشنی می برد. ولی آنان که کافر شده اند طاغوت یاور آنهاست، که آنها را از روشنی به تاریکیها می کشد. اینان جهنمیانند و همواره در آن خواهند بود(۲۵۸)آن کسی را که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود ندیدی که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه می کرد؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می کند و می میراند. او گفت: من نیز زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق بر می آورد تو آن را از

مغرب برآور. آن کافر حیران شد. زیرا خدا ستمکاران را هدایت نمی کند(۲۵۹)یا مانند آن کس که به دهی رسید. دهی که سقفهای بناهایش فرو ریخته بود. گفت: از کجا خدا این مردگان را زنده کند؟ خدا او را به مدت صد سال میراند. آنگاه زنده اش کرد. و گفت: چه مدت در اینجا بوده ای ؟ گفت: یک روز یا قسمتی از روز. گفت: نه ، صد سال است که در اینجا بوده ای . به طعام و آبت بنگر که تغییر نکرده است، و به خرت بنگر، می خواهیم تو را برای مردمان عبرتی گردانیم، بنگر که استخوانها را چگونه به هم می پیوندیم و گوشت بر آن می پوشانیم چون قدرت خدا بر او آشکار شد، گفت: می دانم که خدا بر هر کاری تواناست(۲۶۰)ابراهیم گفت: ای پروردگار من، به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می سازی . گفت: آیا هنوز ایمان نیاورده ای ؟ گفت: بلی ، ولکن می خواهم که دلم آرام یابد. گفت: چهار پرنده برگیر و گوشت آنها را به هم بیامیز، و هر جزئی از آنها را بر کوهی بنه . پس آنها را فراخوان شتابان نزد تو می آیند، و بدان که خدا پیروزمند و حکیم است(۲۶۱)مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای صد دانه باشد. خدا پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می کند. خدا گشایشدهنده و داناست(۲۶۲)مزد کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و پس از انفاق منتی نمی نهند و آزاری نمی رسانند با پروردگارشان است. نه بیمناک می شوند و نه اندوهگین(۲۶۳)گفتار نیکو و بخشایش، بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال داشته باشد. خدا بی نیاز و بردبار است(۲۶۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند آن کس که اموال خود را از روی ریا و خودنمایی انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، صدقه های خویش را به منت نهادن و آزار رسانیدن باطل مکنید. مثل او مثل سنگ صافی است که بر روی آن خاک نشسته باشد. به ناگاه بارانی تند فرو بارد و آن سنگ را همچنان کشتناپذیر باقی گذارد چنین کسان از آنچه کرده اند سودی نمی برند، که خدا کافران را هدایت نمی کند(۲۶۵)و مثل کسانی که اموال خویش را برای طلب رضای خدا از روی یقین و اعتقاد انفاق می کنند، مثل بوستانی است بر تپه ای ، که بارانی تند، بر آن بارد و دو چندان میوه دهد، و اگر نه بارانی تند که نرم بارانی بر آن بارد. خدا به کارهای شما بیناست(۲۶۶)آیا از میان شما کسی هست که دوست داشته باشد که او را بوستانی از خرما و انگور بوده باشد، و جویها در پای درختانش جاری باشد، و هر گونه میوه ای دهد، و خود پیر شده و فرزندانی ناتوان داشته باشد، به ناگاه گردبادی آتشناک در آن بوستان افتد و بسوزد؟ خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می کند، باشد که بیندیشید(۲۶۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، از دستاوردهای نیکوی خویش و از آنچه برایتان از زمین رویانیده ایم انفاق کنید، نه از چیزهای ناپاک و بد، که خود آنها را جز از روی اغماض نمی ستانید. و بدانید که خدا بی نیاز و ستودنی است(۲۶۸)شیطان شما را از بینوایی می ترساند و به کارهای زشت وا می دارد، در حالی که خدا شما را به آمرزش خویش و افزونی وعده می دهد. خدا گشایشدهنده و داناست(۲۶۹)به هر که خواهد حکمت عطا کند. و به هر که حکمت عطا شده نیکی فراوان داده شده . و جز خردمندان پند نپذیرند(۲۷۰)هرچه را انفاق یا نذر کرده اید، خدا به آن آگاه است. و ستمکاران را هیچ یاری و مددکاری نیست(۲۷۱)اگر آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست و اگر در نهان به بینوایان صدقه دهید نیکوتر است و گناهان شما را می زداید. و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است(۲۷۲)هدایت یافتن آنان بر عهده تو نیست، بلکه خداست که هر که را که بخواهد هدایت می کند. و هر مالی که انفاق می کنید ثوابش از آن خود شماست و جز برای خشنودی خدا چیزی انفاق مکنید و هرچه انفاق کنید پاداش آن به شما می رسد و بر شما ستم نخواهد شد(۲۷۳)این صدقات از آن بینوایانی است که خود را در طاعت حق محصور کرده اند و در طلب قوت ناتوانند و آنچنان در پرده عفافند که هر که حال ایشان نداند پندارد که از توانگرانند. آنان را از سیمایشان می شناسی که به اصرار از کسی چیزی نخواهند. و هر مالی که انفاق می کنید خدا به آن آگاه است(۲۷۴)آنان که اموال خویش را در شب و روز، در پنهان و آشکار انفاق می کنند، اجرشان با پروردگارشان است، نه بیمناک می شوند و نه غمگین.(۲۷۵)آنان که ربا می خورند، در قیامت چون کسانی از قبر بر می خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند. و این به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است. در حالی که خدا معامله را

حلال و ربا را حرام کرده است. هر کس که موعظه خدا به او رسید و از رباخواری بازایستاد، خدا از گناهان پیشین او درگذرد و کارش به خدا واگذار می شود. و آنان که بدان کار بازگردند، اهل جهنمند و جاودانه در آن خواهند بود(۲۷۶)خداوند، ربا را ناچیز می گرداند و صدقات را افزونی می دهد و هیچ کفرانکننده گنهکار را دوست ندارد(۲۷۷)آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند، و نماز خوانده اند و زکات داده اند، مزدشان با پروردگارشان است. نه بیمناك می شوند و نه غمگین(۲۷۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید، و اگر ایمان آورده اید، از ربا هرچه باقی مانده است رها کنید(۲۷۹)و هرگاه چنین نکنید، پس جنگ با خدا و رسول او را اعلام کنید. و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماست. در این حال نه ستم کرده اید و نه تن به ستم داده اید(۲۸۰)و اگر وامدار تنگدست بود، مهلتی باید تا توانگر گردد. و اگر دانا باشید، دانید که چون بر او ببخشایید برایتان بهتر است(۲۸۱)از آن روز که به سوی خدا باز می گردید و به هر کس پاداش عملش به تمامی داده می شود و ستمی نمی بیند، بیمناك باشید(۲۸۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند. و مدیون باید که بر کاتب املاء کند و از الله ، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نکاهد. اگر مدیون سفیه یا صغیر بود یا خود املاء کردن نمی توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند. و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، یك مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید که از شهادت خودداری کنند. و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچك و چه بزرگ، ملول مشوید. این روش در نزد خدا عادلانه تر است، و شهادت را استوار دارنده تر و شك و تردید را زایلکننده تر. و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسید مرتکب گناهی نشده اید. و چون معامله ای کنید، شاهدی گیرید. و نباید به کاتب و شاهد زیانی برسد، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می دهد و او بر هر چیزی آگاه است(۲۸۳)هرگاه در سفر بودید و کاتبی نیافتید، باید چیزی به گرو گرفته شود، و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کس که امین دانسته شده امانت را بازدهد و باید از الله ، پروردگارش، بترسد. و شهادت را کتمان مکنید. هر کس که شهادت را کتمان کند، به دل گناهکار است و خدا از کاری که می کنید آگاه است(۲۸۴)از آن خداست هرچه در آسمانها و زمین است. آنچه را که در دل دارید خواه آشکارش سازید یا پوشیده اش دارید، خدا شما را بدان بازخواست خواهد کرد. پس هر که را که بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند. و خدا بر هر کاری تواناست(۲۸۵)پیامبر، خود به آنچه از جانب پروردگارش به او نازل شده ایمان دارد. و همه مومنان، به خدا و فرشتگانش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان دارند. میان هیچ یك از پیامبرانش فرقی نمی نهیم. گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، ای پروردگار ما، آمرزش تو را خواستاریم که سرانجام همه به سوی توست(۲۸۶)خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی کند. نیکیهای هر کس از آن خود اوست و بدیهایش از آن خود اوست. ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده ایم یا خطایی کرده ایم، ما را بازخواست مکن ای پروردگار ما، آن گونه که بر امتهای پیش از ما تکلیف گران نهادی ، تکلیف گران بر ما منه و آنچه را که طاقت آن نداریم، بر ما تکلیف مکن گناه ما ببخش و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور. تو مولای ما هستی . پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان(۲۸۷)

آل عمران

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف. لام. میم.(۲)الله است که هیچ خدایی جز او نیست، زنده است و پاینده است.(۳)این کتاب را که تصدیقکننده کتابهای پیش از آن است به حق بر تو نازل کرد، و قبل از آن تورات را و انجیل را.(۴)برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد. برای آنان که به آیات خدا ایمان نمی آورند عذابی سخت مهیاست، و خدا پیروزمند و انتقام گیرنده

است.(۵)هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا پوشیده نیست.(۶)اوست که شما را در رحم مادران به هر سان که خواسته باشد می نگارد. نیست خدایی جز او که پیروزمند و حکیم است.(۷)اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد. بعضی از آیه ها محکماتند، این آیه ها امالکتابند، و بعضی آیه ها متشابهاتند. اما آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه جویی و میل به تاویل از متشابهات پیروی می کنند، در حالی که تاویل آن را جز خدای نمی داند. و آنان که قدم در دانش استوار کرده اند می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست. و جز خردمندان پند نمی گیرند.(۸)ای پروردگار ما، از آن پس که ما را هدایت کرده ای ، دلهای ما را به باطل متمایل مساز، و رحمت خود را بر ما ارزانی دار، که تو بخشاینده ای .(۹)ای پروردگار ما، تو مردم را در آن روزی که هیچ شکی در آن نیست، گرد می آوری . به یقین که خدا از وعده تخلف نکند.(۱۰)کافران را داراییها و فرزندانشان هرگز از عذاب خدا نرهاند. آنها خود هیزم آتش جهنمند.(۱۱)به شیوه آل فرعون و پیشینیانشان آیات ما را تکذیب کردند. پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان بازخواست کرد. و عقوبت خدا شدید است.(۱۲)به کافران بگوی : به زودی مغلوب خواهید شد و در جهنم، آن آرامگاه بد، گرد خواهید آمد.(۱۳)در آن دو گروه که به هم رسیدند، برای شما عبرتی بود: گروهی در راه خدا می جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند. آنان را به چشم خود دو چندان خویش می دیدند. خدا هر کس را که بخواهد یاری دهد. و صاحبنظران را در این عبرتی است.(۱۴)در چشم مردم آرایش یافته است، عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان و فرزندان و همیانهای زر و سیم و اسبان داغ بر نهاده و چارپایان و زراعت. همه اینها متاع زندگی این جهانی هستند، در حالی که بازگشتگاه خوب نزد خدا است.(۱۵)بگو: آیا شما را به چیزهایی بهتر از اینها آگاه کنم؟ برای آنان که پرهیزگاری پیشه کنند، در نزد پروردگارشان بهشتهایی است که نهرها در آن روان است. اینان با زنان پاکیزه ، در عین خشنودی خدا، جاودانه در آنجا خواهند بود. و خدا از حال بندگان آگاه است:(۱۶)کسانی که می گویند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم. گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش حفظ کن،(۱۷)شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاقکنندگان و آنان که در سحرگاهان آمرزش می طلبند.(۱۸)الله حکم کرد -و فرشتگان و دانشمندان نیز- که هیچ خدایی برپای دارنده عدل جز او نیست. خدایی جز او نیست که پیروزمند و حکیم است.(۱۹)هر آینه دین در نزد خدا دین اسلام است. و اهل کتاب راه خلاف نرفتند، مگر از آن پس که به حقانیت آن دین آگاه شدند، و نیز از روی حسد. آنان که به آیات خدا کافر شوند، بدانند که او به زودی به حسابها خواهد رسید.(۲۰)اگر با تو به داوری برخیزند بگوی : من و پیروانم در دین خویش به خدا اخلاص ورزیدیم. به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا شما هم به خدا اخلاص ورزیده اید؟ اگر اخلاص ورزیده اند پس هدایت یافته اند و اگر رویگردان شده اند، بر تو تبلیغ است و بس، و خدا بندگان را می بیند.(۲۱)کسانی را که به آیات خدا ایمان نمی آورند، و پیامبران را به ناحق می کشند و مردمی را که از روی عدل فرمان می دهند می کشند، به عذابی دردآور بشارت ده .(۲۲)اعمال اینان در دنیا و آخرت تباه شده است و هیچ یاوری ندارند.(۲۳)آیا آنان را ندیدی که از کتاب بهره ای یافته بودند، چون دعوت شدند تا کتاب خدا درباره آنها حکم کند گروهی از ایشان بازگشتند و اعراض کردند(۲۴)و این بدان سبب بود که می گفتند: جز چند روزی آتش دوزخ به ما نرسد. و این دروغ که بر خود بسته بودند در دین خود فریبشان داد.(۲۵)حالشان چگونه خواهد بود در آن روز بی تردید، وقتی که همه را گرد آوریم، تا پاداش عمل هر کس داده شود، بی آنکه بر کسی ستمی رود؟(۲۶)بگو: بار خدایا، تویی دارنده ملك. به هر که بخواهی ملك می دهی و از هر که بخواهی ملک می ستانی . هر کس را که بخواهی عزت می دهی و هر کس را که بخواهی ذلت می دهی . همه نیکیها به دست توست و تو بر هر کاری توانایی .(۲۷)از شب می کاهی و به روز می افزایی و از روز می کاهی و به شب می افزایی . زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده . و به هر که بخواهی بی حساب روزی می دهی .(۲۸)نباید مومنان، کافران را به جای مومنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه ای نیست. مگر اینکه از آنها بیمناك باشید. و خدا شما را از خودش می ترساند که بازگشت به سوی اوست.(۲۹)بگو: هر چه در دل دارید، چه پنهانش کنید و چه آشکارش سازید، خدا به

آن آگـاه است. او هر چه را که در آسـمانها و زمین است می دانـد و بر هر کاری تواناست.(۳۰)روزی که هر کس کارهای نیک و کارهای بد خود را در برابر خود حاضـر بیند، آرزو کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصـله ای بزرگ بود. خداوند شما را از خودش می ترسانـد. و خـدا به بنـدگانش مهربان است.(۳۱)بگو: اگر خـدا را دوست می داریـد از من پیروی کنیـد تـا او نیز شـما را دوست بـدارد و گناهانتـان را بیـامرزد، که آمرزنـده و مهربـان است.(۳۲)بگـو: از خـدا و رسولش فرمـان بریـد. پس اگر رویگردان شدنـد، بداننـد که خـدا کـافران را دوست نـدارد.(۳۳)خــدا آدم و نـوح و خانــدان ابراهیـم و خانــدان عمران را بر جهانیـان برتری داد:(۳۴)فرزنـدانی بودند، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده . و خدا شـنوا و داناست.(۳۵)و زن عمران گفت: ای پروردگـار من، نـذر کردم که آنچه در شـکم دارم از کار این جهانی آزاد و تنها در خـدمت تو باشـد. این نـذر را از من بپذیر که تو شـنوا و دانایی .(۳۶)چون فرزند خویش بزاد، گفت: ای پروردگار من، این که زاییده ام دختر است -و خدا به آنچه زاییده بود داناتر است- و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم. او و فرزنـدانش را از شـیطان رجیم در پناه تو می آورم.(۳۷)پس پروردگارش آن دختر را به نیکی از او بپذیرفت. و به وجهی پسـندیده پرورشـش داد و زکریا را به سـرپرستی او گماشت. و هر وقت که زکریا به محراب نزد او می رفت، پیش او خوردنی می یافت. می گفت: ای مریم، اینها برای تو از کجا می رسـد؟ مریم می گفت: از جانب خدا، زیرا او هر کس را که بخواهـد بی حساب روزی می دهد.(۳۸)در آنجا زکریا پروردگارش را نـدا داد و گفت: ای پروردگار من، مرا از جانب خود فرزندی پاکیزه عطا کن، همانا که تو دعا را می شـنوی .(۳۹)پس همچنان که در محراب به نماز ایسـتاده بود، فرشتگان ندایش دادنـد: خـدا تو را به یحیی بشـارت می دهـد. او کلمه خـدا را تصـدیق می کنـد و خود مهتری است بیزار از زنـان و پیامبری است از شایستگان.(۴۰)گفت: ای پروردگار من، چگونه مرا پسری باشد، در حالی که به پیری رسـیده ام و زنم نازاست؟ گفت: بدانسان که خـدا هر چه بخواهد می کند.(۴۱)گفت: ای پروردگـار من، برای من نشـانه ای پدیـدار کن. گفت: نشـان تو این است که سه روز با مردم سـخن نگویی مگر به اشاره ، و پروردگارت را فراوان یاد کن و در شـبانگاه و بامـداد او را بسـتای .(۴۲)و فرشتگان گفتند: ای مریم، خدا تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد،(۴۳)ای مریم، از پروردگارت اطاعت کن و سجده کن و با نماز گزاران نماز بخوان.(۴۴)اینهـا از خبرهـای غیب است که به تو وحی می کنیم. وگرنه آنگـاه که قرعه زدنـد تـا چه کسـی از میانشان عهـده دار نگهداری مریم شود، و آنگاه که کارشان به نزاع کشـید، تو در نزدشان نبودی .(۴۵)فرشتگان گفتند: ای مریم، خدا تو را به کلمه خود بشارت می دهد، نام او مسیح، عیسـی پسر مریم است، در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است(۴۶)با مردم همچنان که در بزرگی ، در گهواره سـخن می گوید، و از شایستگان است.(۴۷)مریم گفت: ای پروردگار من، چگونه مرا فرزندی باشد، در حـالی که بشـری به من دست نزده است؟ گفت: بـدینسان که خـدا هر چه بخواهـد می آفرینـد. چـون اراده چیزی کنـد به او گـوید موجود شو، پس موجود می شود.(۴۸)خدا به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.(۴۹)و به رسالت بر بنی اسرائیلش می فرسـتد که : من با معجزه ای از پروردگارتان نزد شـما آمـده ام. برایتان از گل چیزی چون پرنـده می سازم و در آن می دمم، به اذن خـدا پرنده ای شود، و کور مادرزاد را و برص گرفته را شـفا می دهم. و به فرمان خدا مرده را زنده می کنم. و به شـما می گویم که چه خـورده ایـد و در خـانه هـای خـود چه ذخیره کرده ایـد. اگر از مومنـان باشـید، اینهـا برای شـما نشانه هـای حقـانیت من است.(۵۰)تورات حاضـر را تصدیق می کنم و پاره ای از چیزهایی را که بر شـما حرام شده حلال می کنم. با نشانی از پروردگارتان نزد شـما آمـده ام. از خـدای بترسـید و از مـن اطاعت کنیـد.(۵۱)الله پروردگـار مـن و شـماست. بپرستیـدش کـه راه راست این است.(۵۲)چون عیسـی دریـافت که به او ایمـان نمی آورنـد، گفت: چه کسـانی در راه خـدا یـاران منند؟ حواریان گفتنـد: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم. شهادت ده که ما تسلیم هستیم:(۵۳)ای پروردگار ما، به آنچه نازل کرده ای ایمان آوردیم و از رسول پیروی کردیم، مـا را در شـمار گواهی دهنـدگان بنویس.(۵۴)آنان مکر کردنـد، و خـدا هم مکر کرد، و خـدا بهترین مکرکننـدگان است.(۵۵)آنگاه خدا گفت: ای عیسی ، من تو را می میرانم، و به سوی خود بر می آورم، و از کافران دور می سازم، و تا روز قیامت

آنان را که از تو پیروی کنند فراز کافران قرار خواهم داد. سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من در آنچه اختلاف می کردید میانتان حکم می کنم.(۵۶)اما آنان را که کافر شدند، در دنیا و آخرت به سختی عذاب خواهم کرد و آنها را مددکارانی نیست.(۵۷)اما آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، خدا مزدشان را به تمامی خواهد داد. خدا ستمکاران را دوست ندارد.(۵۸)اینها که بر تو می خوانیم از آیات و اندرزهای حکمتآمیز است.(۵۹)مثل عیسی در نزد خدا، چون مثل آدم است که او را از خاک بیافرید و به او گفت: موجود شو. پس موجود شد.(۶۰)این سخن حق از جانب پروردگار تو است. از تردیدکنندگان مباش.(۶۱)از آن پس که به آگاهی رسیده ای ، هر کس که درباره او با تو مجادله کند، بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.(۶۲)همانا این داستانی است راست و درست. جز الله هیچ خدایی نیست. او خدایی پیروزمند و حکیم است.(۶۳)اگر رویگردان شوند، خداوند مفسدان را می شناسد.(۶۴)بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد. اگر آنان رویگردان شدند بگو: شاهد باشید که ما مسلمان هستیم.(۶۵)ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم مجادله می کنید، در حالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ مگر نمی اندیشید؟(۶۶)هان ای اهل کتاب، گرفتم که در آنچه بدان علم دارید مجادله تان روا باشد، چرا در آنچه بدان علم ندارید مجادله می کنید؟ در حالی که خدا می داند و شما نمی دانید.(۶۷)ابراهیم نه یهودی بود نه نصرانی ، بلکه حنیفی مسلمان بود. و از مشرکان نبود.(۶۸)نزدیکترین کسان به ابراهیم همانا پیروان او و این پیامبر و مومنان هستند. و خدا یاور مومنان است.(۶۹)طایفه ای از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند و حال آنکه نمی دانند که جز خود را گمراه نمی کنند.(۷۰)ای اهل کتاب، با آنکه خود به آیات خدا شهادت می دهید، چرا انکارشان می کنید؟(۷۱)ای اهل کتاب، با آنکه از حقیقت آگاهید، چرا حق را به باطل می آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید.(۷۲)طایفه ای از اهل کتاب گفتند: در اول روز به آنچه بر مومنان نازل شده است ایمان بیاورید و در آخر روز انکارش کنید، تا مگر از اعتقاد خویش بازگردند.(۷۳)و گفتند: جز پیروان دین خود را تصدیق مکنید. بگو: هدایت، هدایت خدایی است. و اگر گویند که به دیگران همان چیزهایی ارزانی شود که به شما ارزانی شده است، یا اگر گویند که فردا در نزد پروردگارتان با شما به حجت می ایستند، بگو: فضیلت به دست خداست، به هر که خواهد آن را عطا می کند، که او بخشاینده و داناست.(۷۴)هر که را بخواهد خاص رحمت خود می کند و خدا صاحب کرمی است بس بزرگ.(۷۵)از میان اهل کتاب کسی است که اگر او را امین شمری و قنطاری به او بسپاری آن را به تو باز می گرداند، و از ایشان کسی است که اگر امینش شمری و دیناری به او بسپاری جز به تقاضا و مطالبت آن را بازنگرداند. زیرا می گوید: راه اعتراض مردم مکه بر ما بسته است و کس ما را ملامت نکند. اینان خود می دانند که به خدا دروغ می بندند.(۷۶)آری هر کس که به عهد خویش وفا کند و پرهیزگار باشد، خدا پرهیزگاران را دوست می دارد.(۷۷)کسانی که عهد خدا و سوگندهای خود را به بهایی اندک می فروشند در آخرت نصیبی ندارند و خدا در روز قیامت نه با آنان سخن می گوید و نه به آنان می نگرد و نه آنان را پاکیزه می سازد. و برایشان عذابی دردآور است.(۷۸)و از میان ایشان گروهی هستند که به شیوه کتاب خدا سخن می گویند، تا پندارید که آنچه می گویند از کتاب خداست، در حالی که از کتاب خدا نیست. و می گویند که از جانب خدا آمده و حال آنکه از جانب خدا نیامده است. و خود می دانند که بر خدا دروغ می بندند.(۷۹)نسزد هیچ بشری را که خدا به او کتاب و حکمت و نبوت داده باشد، آنگاه به مردم بگوید که بندگان من باشید نه بندگان خدا. و حال آنکه پیامبران می گویند: همچنان که از کتاب خدا می آموزید و در آن می خوانید، پرستندگان خدا باشید.(۸۰)و نیز به شما نمی فرماید که فرشتگان و پیامبران را خدایان پندارید. آیا پس از آنکه اسلام آورده اید شما را به کفر فرمان می دهد.(۸۱)و خدا از پیامبران پیمان گرفت که شما را کتاب و حکمت داده ام، به پیامبری که آیین شما را تصدیق می کند

و به رسالت نزد شما می آیـد بگروید و یاری اش کنید. گفت: آیا اقرار کردید و عهد مرا پذیرفتید گفتند: اقرار کردیم. گفت: پس شهادت دهیـد و من نیز با شما از شاهدانم .(۸۲)و هر که از آن پس سرپیچی کند از فاسقان است .(۸۳)آیا دینی جز دین خـدا می جویند، حال آنکه آنچه در آسـمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم فرمان او هستند و به نزد او بازگردانده می شوید.(۸۴)بگو: به خـدا و آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسـماعیل و اسـحاق و یعقوب و فرزنـدان او و نیز آنچه بر موسـی و عیسـی و پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان نازل شـده است، ایمان آوردیم. میان هیـچ یک از ایشان فرقی نمی نهیم و همه تسـلیم اراده او هستیم.(۸۵)و هر کس که دینی جز اسـلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانديدگان خواهد بود.(۸۶)چگونه خدا هدایت کند قومی را که نخست ایمان آوردنـد و به حقانیت رسول شـهادت دادنـد و دلایل و آیات روشن را مشاهـده کردند، سـپس کافر شدند؟ خدا ستمکاران را هـدایت نمی کند.(۸۷)جز ایشـان این است که لعنت خـدا و فرشـتگان و همه مردم بر آنـان است.(۸۸)جاوید در لعنت بماننـد و از عذابشان کاسته نشود و مهلتشان ندهند.(۸۹)مگر آنان که از آن پس توبه کننـد و به صـلاح آینـد، زیرا خـدا آمرزنده و مهربـان است.(۹۰)تـوبه کســانی کـه پس از ایمــان آوردن کــافر شدنــد و بر کفر خـود افزودنــد، پــذیرفته نخواهــد شــد. اینــان گمراهانند.(۹۱)آنان که کافر شدنـد و کافر مردنـد، اگر بخواهنـد به انـدازه همه زمین طلا دهند و خویشتن را از عذاب بازخرند، از آنها پـذیرفته نخواهد شد. برایشان عذابی دردناک است و ایشان را هیچ یاوری نیست.(۹۲)نیکی را در نخواهید یافت تا آنگاه که از آنچه دوست می داریـد انفاق کنیـد. و هر چه انفاق می کنیـد خدا بدان آگاه است.(۹۳)همه طعامها بر بنی اسـرائیل حلال بود، مگر آنهـا که پیش از نزول تورات، اسـرائیل بر خود حرام کرده بود. بگو: اگر راست می گوییـد تورات را بیاوریـد و بخوانیـد.(۹۴)از آن پس هر کـه بر خـدا دروغ بنـدد از سـتمکاران اسـت.(۹۵)بگـو: خـدا راسـت می گویـد. آییـن حنیـف ابراهیم را پیروی کنیـد و او از مشرکان نبود.(۹۶)نخسـتین خـانه ای کـه برای مردم بنـا شـده همـان است که در مکه است. خـانه ای که جهانیـان را سـبب برکت و هدایت است.(۹۷)در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم. و هر که بـدان داخل شود ایمن است. برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است. و هر که راه کفر پیش گیرد، بداند که خدا از جهانیان بی نیاز است.(۹۸)بگو: ای اهل کتاب، چرا آیات خـدا را انکار می کنیـد؟ خدا ناظر بر اعمال شـماست.(۹۹)بگو: ای اهـل کتاب، به چه سـبب آنها را که ایمان آورده انـد از راه خـدا باز می دارید و می خواهید که به راه کج روند؟ و شـما خود به زشتی کار خویش آگاهید و خدا نیز از آنچه می کنید غافل نیست.(۱۰۰)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید شـما را از ایمانتان به کفر باز می گردانند.(۱۰۱)چگونه کافر می شوید در حالی که آیات خدا بر شـما خوانده می شود و رسول او در میان شـماست؟ و هر که به خـدا تمسک جوید به راه راست هدایت شده است.(۱۰۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، آنچنان که شایسـته ترس از خداست از او بترسـید و جز در مسلمانی نمیرید.(۱۰۳)و همگان دست در ریسـمان خـدا زنیـد و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شـما ارزانی داشـته است یاد کنیـد: آن هنگام که دشـمن یکـدیگر بودید و او دلهایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید. خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می کند، شاید هدایت یابید.(۱۰۴)باید که از میـان شـما گروهی باشـند که به خیر دعـوت کننـد و امر به معروف و نهی از منکر کننـد. اینـان رسـتگارانند.(۱۰۵)همانند آن کسان مباشـید که پس از آنکه آیات روشن خدا بر آنها آشـکار شد، پراکنده گشتند و با یکدیگر اختلاف ورزیدند، البته برای اینان عذابی بزرگ خواهد بود.(۱۰۶)آن روز که گروهی سپید روی و گروهی سـیه روی شوند به آنان که سیه روی شده اند می گویند: آیا شـما پس از ایمان آوردنتان کافر شدیـد؟ به سـبب کافر شـدنتان بچشید عـذاب خدا را.(۱۰۷)اما آنان که سپیـد روی شـده اند، همواره غرق در رحمت پروردگار باشـند.(۱۰۸)اینها آیات خـداست که به حق بر تو فرو می خوانیم. و خـدا به مردم جهان سـتم روا نمی دارد.(۱۰۹)از آن خـداست هر چه در آسـمانها و زمین است و کارها بـد و بازگردانیـده شود.(۱۱۰)شـما بهترین امتی هستید از میان مردم پدیـد آمـده ، که امر به معروف و نهی از منکر می کنیـد و به خـدا ایمان داریـد. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان

بهتر است. بعضی از ایشان مومنند ولی بیشترین تبهکارانند.(۱۱۱)به شما جز اندک آزار، دیگر آسیبی نرسانند. اگر با شما کارزار کنند پشت کنند و به هزیمت روند و پیروز نگردند.(۱۱۲)هرجا که باشند مهر خواری بر آنها زده شده است، مگر آنکه در امان خدا و در امان مردم باشند. و با خشم خدا قرین شده اند و مهر بدبختی بر آنها نهاده اند، زیرا به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند. و این بدان سبب بود که عصیان ورزیدند و تجاوز کردند.(۱۱۳)اهل کتاب همه یکسان نیستند. گروهی به طاعت خدا ایستاده اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می کنند و سجده به جای می آورند.(۱۱۴)و به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای نیک شتاب می ورزند و از جمله صالحانند.(۱۱۵)و هر کار نیک که کنند نادیده انگاشته نشود، زیرا خدا به پرهیزگاران آگاه است.(۱۱۶)کافران را اموال و اولادشان هیچ از عذاب خدا نرهاند و آنان اهل آتشند جاودانه در جهنم باشند.(۱۱۷)آنچه اینان در این جهان انفاق می کنند، همانند آن است که تندبادی سرد بر کشتزار قومی بر خویش ستم کرده بوزد، و آن کشته را نابود سازد. خدا بر آنها ستم روا نداشت. آنان خود بر خود ستم کردند.(۱۱۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید، که دیگران از هیچ فسادی در حق شما کوتاهی نمی کنند و خواستار رنج و مشقت شمایند. و کینه توزی از گفتارشان آشکار است و آن کینه که در دل دارند بیشتر است از آنچه به زبان می آورند. آیات را برایتان آشکار ساختیم، اگر به عقل دریابید.(۱۱۹)آگاه باشید که شما آنان را دوست می دارید و حال آنکه آنها شما را دوست ندارند. شما به همه این کتاب ایمان آورده اید. چون شما را ببینند گویند: ما هم ایمان آورده ایم. و چون خلوت کنند، از غایت کینه ای که به شما دارند سر انگشت خویش به دندان گزند. بگو: در کینه خویش بمیرید، هر آینه خدا به آنچه در دلهاست آگاه است.(۱۲۰)اگر خیری به شما رسد اندوهگین شوند و اگر به مصیبتی گرفتار آیید شادمان گردند. اگر شکیبایی ورزید و پرهیزگاری کنید از مکرشان به شما زیانی نرسد، که خدا بر هر کاری که می کنند احاطه دارد.(۱۲۱)و بامدادان از میان کسان خویش بیرون آمدی ، تا مومنان را در آن جایها که می بایست بجنگند بگماری ، و خدا شنوا و داناست.(۱۲۲)دو گروه از شما آهنگ آن کردند که در جنگ سستی ورزند و خدا یاورشان بود، پس مومنان باید که بر خدای توکل کنند..(۱۲۳)هر آینه خدا شما را در بدر یاری کرد و حال آنکه ناتوان بودید.پس، از خدای بترسید، باشد که سپاسگزار شوید.(۱۲۴)آنگاه که به مومنان می گفتی که اگر خدا سه هزار فرشته به یاریتان فرو فرستد، آیا شما را کافی نخواهد بود.(۱۲۵)بلی ، اگر پایداری کنید و پرهیزگار باشید چون دشمنان تاخت آورند، خدا با پنج هزار از فرشتگان صاحب علامت شما را یاری کند.(۱۲۶)و خداوند این کار را جز برای شادمانی و دلگرمی شما نکرد. و نیست یاریی مگر از سوی خدای پیروزمند و دانا.(۱۲۷)تا گروهی از کافران را هلاک کند، یا خوار گرداند. آنگاه نومید بازگردند.(۱۲۸)یا ایشان را به توبه وادارد یا آن ستمکاران را عذاب کند و تو را در این کارها دستی نیست.(۱۲۹)از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند، و خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۳۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا مخورید به افزودنهای پی در پی .+ و از خدای بترسید تا رستگار شوید.(۱۳۱)و بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده است.(۱۳۲)و از خدا و رسول اطاعت کنید تا مگر مشمول رحمت شوید.(۱۳۳)بر یکدیگر پیشی گیرید برای آمرزش پروردگار خویش و رسیدن به آن بهشت که پهنایش به قدر همه آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا شده است.(۱۳۴)آن کسان که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خویش فرو می خورند و از خطای مردم در می گذرند. خدا نیکوکاران را دوست دارد.(۱۳۵)و آن کسان که چون مرتکب کاری زشت شوند یا به خود ستمی کنند، خدا را یاد می کنند و برای گناهان خویش آمرزش می خواهند و کیست جز خدا که گناهان را بیامرزد؟ و چون به زشتی گناه آگاهند در آنچه می کردند پای نفشرند.(۱۳۶)پاداش اینان آمرزش پروردگارشان است و نیز بهشتهایی که در آن نهرها جاری است. در آنجا جاویدانند و چه نیکو است پاداش نیکوکاران.(۱۳۷)پیش از شما سنتهایی بوده است، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار آنها که پیامبران را به دروغگویی نسبت می دادند چه بوده است.(۱۳۸)این برای مردم دلیلی روشن و

برای پرهیزگاران راهنما و اندرزی است.(۱۳۹)سستی مکنید و اندوهگین مباشید، زیرا اگر ایمان آورده باشید شما برتری خواهید جست.(۱۴۰)اگر بر شما زخمی رسید، به آن قوم نیز همچنان زخمی رسیده است. و این روزگار است که هر دم آن را به مراد کسی می گردانیم، تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند بشناسد و از شما گواهان گیرد. و خدا ستمکاران را دوست ندارد،.(۱۴۱)و تا مومنان را پاکیزه گرداند و کافران را نابود سازد.(۱۴۲)آیا می پندارید که به بهشت خواهید رفت و حال آنکه هنوز خدا معلوم نداشته است که از میان شما چه کسانی جهاد می کنند و چه کسانی پایداری می ورزند.(۱۴۳)پیش از آنکه مرگتان فرارسد تمنای مرگ می کردید، اینک مرگ را دیدید و در آن می نگرید..(۱۴۴)جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می گردید؟ هر کس که بازگردد هیچ زیانی به خدا نخواهد رسانید خدا سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.(۱۴۵)هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد. مدت مکتوب است. هر کس خواهان ثواب این جهانی باشد به او می دهیم و هر کس خواهان ثواب آن جهانی باشد به او می دهیم و شاکران را پاداش خواهیم داد.(۱۴۶)چه بسا پیامبرانی که خدا دوستان بسیار همراه آنان به جنگ رفتند. و در راه خدا، هر چه به آنها رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر فرود نیاوردند و خدا شکیبایان را دوست دارد.(۱۴۷)سخنشان جز این نبود که می گفتند: ای پروردگار ما، گناهان ما را و زیاده رویهای ما را در کارها بیامرز و ما را ثابت قدم گردان و در برابر کافران یاری کن.(۱۴۸)خدا پاداش این جهانی و پاداش نیک آن جهانی را به ایشان ارزانی داشت و خدا نیکوکاران را دوست دارد.(۱۴۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کافران پیروی کنید، شما را به آیین پیشین بر می گردانند، پس زیاندیده باز می گردید.(۱۵۰)نه ، یاری کننده شما خداوند است که بهترین یاری کنندگان است.(۱۵۱)در دل کافران هراسی خواهیم افکند. زیرا چیزی را که از آسمان برای آن حجتی نفرستاده است، شریک خدا گرفتند. جای آنان جهنم است که برای ستمکاران مکان بدی است.(۱۵۲)خدا به وعده ای که با شما نهاده بود وفا کرد، آنگاه که به اذن او دشمن را می کشتید. و چون غنیمتی را که هوای آن را در سر داشتید به شما نشان داد، سستی کردید و در آن امر به منازعه پرداختید و عصیان ورزیدید. بعضی خواستار دنیا شدید و بعضی خواستار آخرت. سپس تا شما را به بلایی مبتلا کند به هزیمت واداشت. اینک شما را ببخشود که او را به مومنان بخشایشی است.(۱۵۳)آنگاه که می گریختید و به کس نمی پرداختید و پیامبر شما را از پشت سر فرا می خواند. پس به پاداش، غمی بر غم شما افزود. اکنون اندوه آنچه را که از دست داده اید، یا رنجی را که به شما رسیده است، مخورید. خدا به هر کاری که می کنید آگاه است.(۱۵۴)آنگاه ، پس از آن اندوه ، خدا به شما ایمنی ارزانی داشت، چنان که گروهی را خواب آرام فرو گرفت. اما گروهی دیگر که چون مردم عصر جاهلی به خدا گمانی باطل داشتند، هنوز دستخوش اندوه خویش بودند و می گفتند: آیا هرگز کار به دست ما خواهد افتاد؟ بگو: همه کارها به دست خداست. آنان در دل خود چیزی را پنهان می دارند که نمی خواهند برای تو آشکارش سازند. می گویند: اگر ما را اختیاری بود اینجا کشته نمی شدیم. بگو: اگر در خانه های خود هم می بودید، کسانی که کشته شدن بر آنها مقرر شده است از خانه به قتلگاهشان بیرون می رفتند. خدا آنچه را که در سینه دارید می آزماید و دلهایتان را پاک می گرداند و خدا به آنچه در دلهاست آگاه است.(۱۵۵)از میان شما آنان که در روز مقابله آن دو گروه بگریختند، به سبب پاره ای از اعمالشان شیطان آنها را به خطا افکنده بود. اینک خداوند عفوشان کرد که او آمرزنده و بردبار است.(۱۵۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند آن کافران مباشید که درباره برادران خود که به سفر یا به جنگ رفته بودند، می گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی مردند یا کشته نمی شدند. خدا این پندار را چون حسرتی در دل آنها نهاد. و خداست که زنده می کند و می میراند و اوست که اعمال شما را می بیند.(۱۵۷)اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه در این جهان گرد می آورید بهتر است.(۱۵۸)و اگر بمیرید یا کشته شوید هر آینه در پیشگاه خداوند محشور می شوید.(۱۵۹)به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوشخوی و مهربان هستی . اگر تندخو و سختدل می بودی از گرد تو پراکنده می شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آمرزش

بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکلکنندگان را دوست دارد.(۱۶۰)اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد. و اگر شما را خوار دارد، چه کسی از آن پس یاریتان خواهد کرد؟ پس مومنان باید که بر خدای توکل کنند.(۱۶۱)هیچ پیامبری خیانت نکند و هر که به چیزی خیانت کند، آن را در روز قیامت با خود آورد. سپس جزای عمل هر کس به تمامی داده خواهد شد و بر کسی ستمی نرود.(۱۶۲)آیا آن کس که به راه خشنودی خدا می رود، همانند کسی است که موجب خشم او می شود و مکان او جهنم، آن سرانجام بد است.(۱۶۳)این دو گروه را نزد خدا درجاتی است گوناگون و او به کارهایشان آگاه است.(۱۶۴)خدا بر مومنان انعام فرمود، آنگاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد، هرچند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.(۱۶۵)و آیا هنگامی که آسیبی به شما رسید که شما خود دو چند آن رسانده بودید، گفتید: این آسیب از کجا رسید؟ بگو: از جانب خودتان. هر آینه خدا بر هر چیزی تواناست.(۱۶۶)آنچه در روز برخورد آن دو گروه به شما رسید، به اذن خدا بود، تا مومنان را معلوم دارد،(۱۶۷)و آنان را نیز که نفاق ورزیدند، معلوم دارد. به آنها گفته می شد: بیایید در راه خدا کارزار کنید یا به دفاع پردازید. می گفتند: اگر یقین داشتیم که جنگی در می گیرد، با شما می آمدیم. آنان به کفر نزدیکترند تا به ایمان. به زبان چیزهایی می گویند که به دل اعتقاد ندارند و خدا به آنچه در دل نهفته می دارند آگاه تر است.(۱۶۸)به آنان که از جنگ بازایستادند و درباره برادران خود گفتند که اگر سخن ما را شنیده بودند کشته نمی شدند، بگو: اگر راست می گویید مرگ را از خود برانید.(۱۶۹)کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.(۱۷۰)از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است شادمانند. و برای آنها که در پی شان هستند و هنوز به آنها نپیوسته اند خوشدلند که بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نمی شوند.(۱۷۱)آنان را مژده نعمت و فضل خدا می دهند و خدا پاداش مومنان را تباه نمی کند.(۱۷۲)از میان آن کسان که پس از زخم خوردن بازهم فرمان خدا و رسولش را اجابت کردند، آنان که نیکوکار باشند و از خدای بترسند مزدی بزرگ دارند.(۱۷۳)کسانی که مردم گفتندشان که مردم برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنها بترسید، و این سخن بر ایمانشان بیفزود و گفتند: خدا ما را بسنده است و چه نیکو یاوری است.(۱۷۴)پس از جنگ بازگشتند، در حالی که نعمت و فضل خدا را به همراه داشتند و هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود. اینان به راه خشنودی خدا رفتند و خدا را بخشایشی عظیم است.(۱۷۵)آن شیطان است که در دل دوستان خود بیم می افکند. اگر ایمان آورده اید از آنها مترسید، از من بترسید.(۱۷۶)آنان که به کفر می شتابند تو را غمگین نسازند. اینان هیچ زیانی به خدا نمی رسانند. خدا می خواهد آنها را در آخرت بی بهره گرداند، و برایشان عذابی است بزرگ.(۱۷۷)هر آینه آنان که ایمان دادند و کفر خریدند، هیچ زیانی به خدا نمی رسانند و برایشان عذابی دردناک است.(۱۷۸)کافران مپندارند که در مهلتی که به آنها می دهیم خیر آنهاست. به آنها مهلت می دهیم تا بیشتر به گناهانشان بیفزایند، و برای آنهاست عذابی خوارکننده .(۱۷۹)خدا بر آن نیست که شما مومنان را بدین حال که اکنون هستید رها کند. می آزماید تا ناپاک را از پاک جدا سازد. و خدا بر آن نیست که شما را از غیب بیاگاهاند، ولی برخی از پیامبرانش را که خود بخواهد برمی گزیند. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید. و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید، اجری عظیم یابید.(۱۸۰)آنان که در نعمتی که خدا به آنها عطا کرده است بخل می ورزند، مپندارند که در بخل ورزیدن برایشان خیر است. نه ، شر است. در روز قیامت آنچه را که در بخشیدنش بخل می ورزیدند چون طوقی به گردنشان خواهند آویخت. و از آن خداست میراث آسمانها و زمین و او به هر کاری که می کنید آگاه است.(۱۸۱)هر آینه خدا شنید سخن آن کسان را که می گفتند: خدا بینواست و ما توانگریم. گفتارشان را و نیز اینکه پیامبران را به ناحق می کشتند، خواهیم نوشت، و گوییم: بچشید عذاب آتش سوزان را.(۱۸۲)این پاداش اعمالی است که پیشاپیش به جای آورده اید وگرنه خداوند به بندگانش ستم روا نمی دارد.(۱۸۳)کسانی گفتند: ما را با خدا عهدی است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر برای ما قربانیی بیاورد که آتش آن را

بخورد. بگو: پیش از من پیامبرانی با معجزه ها و آنچه اکنون می خواهید آمده اند، اگر راست می گویید، چرا آنها را کشتید.(۱۸۴)اگر تو را تکذیب کردند، پیامبرانی هم که پیش از تو با معجزه ها و نوشته ها و کتاب روشنگر آمده بودند تکذیب شده اند.(۱۸۵)همه کس مرگ را می چشد، و به تحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به کمال خواهند داد. و هر کس را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند به پیروزی رسیده است. و این زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.(۱۸۶)شما را به مال و جان آزمایش خواهند کرد. و از زبان اهل کتاب و مشرکان آزار فراوان خواهید شنید. اگر شکیبایی کنید و پرهیزگار باشید نشان قدرت اراده شماست.(۱۸۷)خدا از اهل کتاب پیمان گرفت که کتاب خدا را برای مردم آشکار سازند و پنهانش مکنند، ولی آنها پس پشتش افکندند و در مقابل، بهای اندکی گرفتند. چه بد معامله ای کردند.(۱۸۸)آنان را که از کارهایی که کرده اند شادمان شده اند، و دوست دارند به سبب کارهای ناکرده خویش هم مورد ستایش قرار گیرند، مپندار که در پناهگاهی دور از عذاب خدا باشند. برایشان عذابی دردآور مهیاست.(۱۸۹)از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیزی تواناست.(۱۹۰)هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، خردمندان را عبرتهاست:(۱۹۱)آنان که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو خفته ، یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند: ای پروردگار ما، این جهان را به بیهوده نیافریده ای ، تو منزهی ، ما را از عذاب آتش باز دار.(۱۹۲)ای پروردگار ما، هر کس را که به آتش افکنی رسوایش کرده ای و ظالمان را هیچ یاوری نیست.(۱۹۳)ای پروردگار ما، شنیدیم که منادیی به ایمان فرا می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید. و ما ایمان آوردیم. پس، ای پروردگار ما، گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را از ما بزدای و ما را با نیکان بمیران.(۱۹۴)ای پروردگار ما، عطا کن به ما آنچه را که به زبان پیامبرانت به ما وعده داده ای و ما را در روز قیامت رسوا مکن که تو وعده خویش خلاف نمی کنی .(۱۹۵)پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که : من کار هیچ کارگزاری را از شما، چه زن و چه مرد -همه از یکدیگرید- ناچیز نمی سازم. پس گناهان کسانی را که مهاجرت کرده اند و از خانه هایشان رانده شده اند و در راه من آزار دیده اند و جنگیده اند و کشته شده اند، می زدایم و آنان را در بهشتهایی که در آن نهرها جاری است داخل می کنم. این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست.(۱۹۶)جولان کافران در شهرها تو را نفریبد.(۱۹۷)این برخورداری اندکی است. پس از آن جایگاهشان جهنم است و جهنم بد آرامگاهی است.(۱۹۸)اما برای آنان که از پروردگارشان می ترسند، بهشتهایی است که در آن نهرها جاری است. همواره در آنجا مهمان خدا هستند. و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.(۱۹۹)بعضی از اهل کتاب به خدا و کتابی که بر شما نازل شده و کتابی که بر خودشان نازل شده است ایمان دارند. مطیع فرمان خدایند. آیات خدا را به بهای اندک نمی فروشند. مزد ایشان نزد پروردگارشان است. هر آینه خدا حسابها را زود خواهد رسید.(۲۰۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.(۲۰۱)

النساء

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای مردم، بترسید از پروردگارتان، آن که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد. و بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می خواهید و زنهار از خویشاوندان مبرید. هر آینه خدا مراقب شماست.(۲)مال یتیمان را به یتیمان دهید و حرام را با حلال مبادله مکنید. و اموال آنها را همراه با اموال خویش مخورید، که این گناهی بزرگ است.(۳)اگر شما را بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو، و سه سه و چهار چهار به نکاح درآورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید یا هر چه مالک آن شوید. این راهی بهتر است تا مرتکب ستم نگردید.(۴)مهر زنان را به طیب خاطر به آنها بدهید. و اگر پاره ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند بگیرید که خوش و گوارایتان خواهد بود.(۵)اموالتان را که خدا قوام زندگی شما

ساخته است به دست سفیهان مدهید، ولی از آن هزینه و لباسشان دهید و با آنان سخن به نیکی گویید.(۶)یتیمان را بیازمایید تا آنگاه که به سن زناشویی رسند، پس اگر در آنان رشدی یافتید اموالشان را به خودشان واگذارید. و از بیم آنکه مباد به سن رشد رسند اموالشان را به ناحق و شتاب مخورید. هر که توانگر است عفت ورزد و هر که بینواست به آن اندازه که عرف تصدیق کند بخورد. و چون اموالشان را تسلیمشان کردید کسانی را بر آنان به شهادت گیرید و خدا برای حساب کشیدن کافی است.(۷)از هر چه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می گذارند، مردان را نصیبی است. و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می گذارند چه اندک و چه بسیار زنان را نیز نصیبی است، نصیبی معین.(۸)و چون به هنگام تقسیم، خویشاوندان و یتیمان و مسکینان حاضر آمدند به آنان نیز چیزی ارزانی دارید و با آنان به نیکویی سخن گویید.(۹)باید از خدای بترسند کسانی که اگر پس از خویش فرزندانی ناتوان برجای می گذارند، از سرنوشت آنان بیمناکند. باید که از خدای بترسند و سخن عادلانه و به صواب گویند.(۱۰)آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند شکم خویش پر از آتش می کنند و به آتشی فروزان خواهند افتاد.(۱۱)خدا درباره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم پسر برابر سهم دو دختر است. و اگر دختر باشند و بیش از دو تن، دو سوم میراث از آنهاست. و اگر یک دختر بود نصف برد و اگر مرده را فرزندی باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث را برد. و اگر فرزندی نداشته باشد و میراثبران تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را برد. اما اگر برادران داشته باشد سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او یک ششم باشد. و شما نمی دانید که از پدران و پسرانتان کدام یک شما را سودمندتر است. اینها حکم خداست، که خدا دانا و حکیم است.(۱۲)اگر زنانتان فرزندی نداشتند، پس از انجام دادن وصیتی که کرده اند و پس از پرداخت دین آنها، نصف میراثشان از آن شماست. و اگر فرزندی داشتند یک چهارم آن. و اگر شما را فرزندی نبود پس از انجام دادن وصیتی که کرده اید و پس از پرداخت وامهایتان یک چهارم میراثتان از آن زنانتان است. و اگر دارای فرزندی بودید یک هشتم آن. و اگر مردی یا زنی بمیرد و میراث بر وی نه پدر باشد و نه فرزند او اگر او را برادر یا خواهری باشد هر یک از آن دو یک ششم برد. و اگر بیش از یکی بودند همه در یک سوم مال -پس از انجام دادن وصیتی که کرده است بی آنکه برای وارثتان زیانمند باشد و نیز پس از ادای دینش شریک هستند. این اندرزی است از خدا به شما و خدا دانا و بردبار است.(۱۳)اینها احکام خداست. هر کس از خدا و پیامبرش فرمان برد، او را به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است درآورد و همواره در آنجا خواهد بود و این کامیابی بزرگی است.(۱۴)و هر که از خدا و رسولش فرمان نبرد و از احکام او تجاوز کند، او را داخل در آتش کند و همواره در آنجا خواهد بود و برای اوست عذابی خوارکننده .(۱۵)و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می شوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد.(۱۶)و آن دو تن را که مرتکب آن عمل شده اند، بیازارید. و چون توبه کنند و به صلاح آیند از آزارشان دست بردارید زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است.(۱۷)جز این نیست که توبه از آن کسانی است که به نادانی مرتکب کاری زشت می شوند و زود توبه می کنند. خدا توبه اینان را می پذیرد و خدا دانا و حکیم است.(۱۸)توبه کسانی که کارهای زشت می کنند و چون مرگشان فرا می رسد می گویند که اکنون توبه کردیم، و نیز آنان که کافر بمیرند، پذیرفته نخواهد شد. برای اینان عذابی دردآور مهیا کرده ایم.(۱۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، شما را حلال نیست که زنان را بر خلاف میلشان به ارث ببرید. و تا قسمتی از آنچه را که به آنها داده اید بازپس ستانید بر آنها سخت مگیرید، مگر آنکه مرتکب فحشایی به - ثبوت رسیده شده باشند. و با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد.(۲۰)اگر خواستید زنی به جای زنی دیگر بگیرید و او را قنطاری مال داده اید، نباید چیزی از او بازستانید. آیا به زنان تهمت می زنید تا مهرشان را بازپس گیرید؟ این گناهی آشکار است.(۲۱)و چگونه آن مال را بازپس می گیرید و حال آنکه هر یک از شما از دیگری بهره مند شده است و زنان از شما پیمانی استوار گرفته اند.(۲۲)با زنانی که پدرانتان به عقد خویش درآورده

انـد زنـاشویی مکنیـد، مگر آنکـه پیش از ایـن چنـان کرده باشـید. زیرا ایـن کـار، زنـا و مـورد خشـم خـدا است و شـیوه ای است ناپسند.(۲۳)مادرانتـان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادران و دختران خواهرانتان و زنانی که شـما را شیر داده اند و خواهران شیریتان و مادران زنانتان بر شـما حرام شده اند. و دختران زنانتان که در کنار شـما هستند، هرگاه با آن زنان همبستر شده اید بر شما حرام شده اند. ولی اگر همبستر نشده اید، گناهی مرتکب نشده اید. و نیز زنان پسرانی که از پشت شما هستند بر شما حرام شده اند. و نباید دو خواهر را در یک زمان به زنی گیرید، مگر آنکه پیش از این چنین کرده باشید. هر آینه خدا آمرزنده و مهربان است.(۲۴)و نیز زنان شوهردار بر شـما حرام شـده اند، مگر آنها که به تصرف شـما درآمده باشـند. از کتاب خدا پیروی کنیـد. و جز اینها، زنان دیگر هرگاه در طلب آنان از مال خویش مهری بپردازید و آنها را به نکاح درآورید نه به زنا، بر شـما حلال شـده انـد. و زنانی را که از آنها تمتع می گیریـد واجب است که مهرشان را بدهید. و پس از مهر معین، در قبول هر چه هر دو بـدان رضا بدهیـد گناهی نیست. هر آینه خدا دانا و حکیم است.(۲۵)هر کس را که توانگری نباشـد تـا آزاد زنـان مومنه را به نکاح خود درآورد از کنیزان مومنه ای که مالک آنها هستیـد به زنی گیرد. و خـدا به ایمان شـما آگاه تر است. همه از جنس یکدیگریـد. پس بندگان را به اذن صاحبانشان نکاح کنید و مهرشان را به نحو شایسته ای بدهید. و باید که پاکدامن باشند نه زناکار و نه از آنها که به پنهان دوست می گیرند. و چون شوهر کردند، هرگاه مرتکب فحشا شوند شـکنجه آنان نصف شـکنجه آزاد زنان است. و این برای کسـانی است از شـما که بیم دارنـد که به رنـج افتنـد. بـا این همه ، اگر صبر کنیـد برایتان بهتر است و خـدا آمرزنـده و مهربان است.(۲۶)خدا می خواهد برای شـما همه چیز را آشـکار کند و به سنتهای پیشینیانتان راه بنماید و توبه شما را بپذیرد، که خدا دانا و حکیم است.(۲۷)خدا می خواهد توبه شـما را بپذیرد. ولی آنان که از پی شـهوات می روند، می خواهند که شما به کجروی عظیمی افتید.(۲۸)خـدا می خواهـد بار شـما را سبک کند، زیرا آدمی ناتوان آفریده شده است.(۲۹)ای کسـانی که ایمان آورده ایـد، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید. و خودتان را مکشید. هر آینه خدا با شما مهربان است.(۳۰)و هر که این کارها از روی تجاوز و ستم کند، او را در آتش خواهیم افکند و این بر خدا آسان است.(۳۱)اگر از گناهان بزرگی که شـما را از آن نهی کرده انـد اجتناب کنیـد، از دیگر گناهانتان در می گـذریم و شـما را به مکانی نیکو در می آوریم.(۳۲)آرزو مکنیـد آن چیزهایی را که بـدانها خـدا بعضـی از شـما را بر بعضـی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند نصـیبی است و زنان را از آنچه کنند نصیبی . و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است.(۳۳)برای همه ، در آنچه پدر و مادر و خویشاونـدان نزدیک به میراث می گذارند، میراث برانی قرار داده ایم. و بهره هر کس را که با او قراری نهاده اید بپردازید که خـدا بر هر چیزی گواه است.(۳۴)مردان، از آن جهـت که خـدا بعضـی را بر بعضـی برتری داده است، و از آن جهت که از مـال خود نفقه می دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته ، فرمانبر دارند و در غیبت شوی عفیفند و فرمان خدای را نگاه می دارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم داریـد، انـدرز دهیـد و از خوابگاهشان دوری کنیـد و بزنیـدشان. اگر فرمانبرداری کردنـد، از آن پس دیگر راه بیـداد پیش مگیرید. و خدا بلند پایه و بزرگ است.(۳۵)اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسـان زن برگزینیـد. اگر آن دو را قصـد اصـلاح باشـد خـدا میانشان موافقت پدیـد می آورد، که خـدا دانا و آگاه است.(۳۶)خـدای را بپرستید و هیچ چیز شـریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسـایه بیگـانه و یـار مصـاحب و مسـافر رهگـذر و بنـدگان خـود نیکی کنیـد. هر آینـه خـدا متکبـران و فخرفروشـان را دوسـت ندارد.(۳۷)آنـان که بخل می ورزنـد و مردم را به بخل وا می دارنـد و مالی را که خـدا به آنها داده است پنهان می کننـد. و ما برای کافران عـذابی خوارکننـده مهیا ساخته ایم.(۳۸)و نیز کسـانی را که امـوال خویش برای خودنمـایی انفـاق می کننـد و به خـدا و روز قیامت ایمان نمی آورند. و هر که شـیطان قرین او باشد، قرینی بد دارد.(۳۹)چه زیان داردشان اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورند و از آنچه خـدا به آنها روزی داده است انفاق کننـد؟ خدا به کارشان داناست.(۴۰)خدا ذره ای هم ستم نمی کند. اگر نیکیی باشد

آن را دو برابر می کند و از جانب خود مزدی کرامند می دهد.(۴۱)چگونه خواهد بود آن روز که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر این امت به گواهی فراخوانیم.(۴۲)در آن روز کافران و آنان که بر رسول عصیان ورزیده اند آرزو کنند که با خاک زمین یکسان می بودند. و هیچ سخنی را از خدا پنهان نتوانند کرد.(۴۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید تا بدانید که چه می گویید. و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید، مگر آنکه راهگذر باشید. و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از مکان قضای حاجت بازگشته اید یا با زنان جماع کرده اید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید و روی و دستهایتان را با آن خاک مسح کنید. هر آینه خدا عفوکننده و آمرزنده است.(۴۴)آیا آن کسانی را که از کتاب بهره ای داده شده اند، ندیده ای که گمراهی می خرند و می خواهند که شما نیز گمراه شوید.(۴۵)خدا دشمنان شما را بهتر می شناسد و دوستی او شما را کفایت خواهد کرد و یاری او شما را بسنده است.(۴۶)بعضی از جهودان کلمات خدا را به معنی دگرگون می کنند و می گویند: شنیدیم و عصیان می ورزیم، و بشنو و کاش ناشنوا گردی و راعنا. به لغت خویش زبان می گردانند و به دین اسلام طعنه می زنند. اگر می گفتند که شنیدیم و اطاعت کردیم و انظرنا، برایشان بهتر و به صوابتر بود. خدا آنان را به سبب کفرشان لعنت کرده و جز اندکی ایمان نیاورند.(۴۷)ای کسانی که شما را کتاب داده شده ، به کتابی که نازل کرده ایم و کتاب شما را نیز تصدیق می کند ایمان بیاورید، پیش از آنکه نقش چهره هایی را محو کنیم و رویها را به قفا برگردانیم. یا همچنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم شما را هم لعنت کنیم. و فرمان خدا شدنی است.(۴۸)هر آینه خدا گناه کسانی را که به او شرک آورند نمی آمرزد، و گناهان دیگر را برای هر که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک آورد، دروغی ساخته و گناهی بزرگ مرتکب شده است.(۴۹)آیا آنان را ندیده ای که خویشتن را پاک و بی عیب جلوه می دهند. آری خداست که هر که را که خواهد از عیب پاک گرداند. و به هیچ کس حتی به قدر رشته ای که در شکاف هسته خرماست ستم نشود.(۵۰)بنگر که چگونه به خدا دروغ می بندند و همین دروغ گناهی آشکار را بسنده است.(۵۱)آیا کسانی را که نصیبی از کتاب داده شده اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان می آورند و درباره کافران می گویند که راه اینان از راه مومنان به هدایت نزدیکتر است.(۵۲)اینان آن کسانند که خدا لعنتشان کرده است، و هر کس را که خدا لعنت کند برای او هیچ یاوری نیابی .(۵۳)یا از پادشاهی نصیبی برده اند؟ که در این صورت به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماست به مردم سودی نمی رسانند.(۵۴)یا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته حسد می برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم.(۵۵)بعضی بدان ایمان آوردند و بعضی از آن اعراض کردند. دوزخ، آن آتش افروخته ، ایشان را بس.(۵۶)آنان را که به آیات ما کافر شدند به آتش خواهیم افکند. هر گاه پوست تنشان بپزد پوستی دیگرشان دهیم، تا عذاب خدا را بچشند. خدا پیروزمند و حکیم است.(۵۷)و آنان را که ایمان آورده و کارهای نیکو کرده اند به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است در آوریم، تا ابد در آنجا خواهند بود. و در آنجا صاحب زنان پاک و بی عیب شوند و در سایه های پیوسته و خنک جایشان می دهیم.(۵۸)خدا به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانشان بازگردانید. و چون در میان مردم به داوری نشینید به عدل داوری کنید. خدا شما را چه نیکو پند می دهد. هر آینه او شنوا و بیناست.(۵۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و الوالامر خویش فرمان برید. و چون در امری اختلاف کردید اگر- به خدا و روز قیامت ایمان دارید- به خدا و پیامبر رجوع کنید. در این خیر شماست و سرانجامی بهتر دارد.(۶۰)آیا آنان را نمی بینی که می پندارند که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان آورده اند، ولی می خواهند که بت را حکم قرار دهند، در حالی که به آنان گفته اند که بت را انکار کنند. شیطان می خواهد گمراهشان سازد و از حق دور گرداند.(۶۱)و چون ایشان را گویند که به آنچه خدا نازل کرده و به پیامبرش روی آرید، منافقان را می بینی که سخت از تو رویگردان می شوند.(۶۲)پس چگونه است که چون به پاداش کارهایی که مرتکب شده اند مصیبتی به آنها رسد، نزد تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما جز احسان و موافقت قصد دیگری نداشته ایم.(۶۳)خداوند از دلهایشان آگاه است. از آنان

اعراض کن و انـدرزشان بـده به چنان سـخنی که در وجودشان کارگر افتد.(۶۴)هیـچ پیامبری را نفرسـتادیم جز آنکه دیگران به امر خـدا بایـد مطیع فرمان او شونـد. و اگر به هنگامی که مرتکب گناهی شدنـد نزد تو آمـده بودنـد و از خـدا آمرزش خواسـته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، خـدا را توبه پـذیر و مهربان می یافتند.(۶۵)نه ، سوگنـد به پروردگارت که ایمان نیاورنـد، مگر آنکـه در نزاعی کـه میـان آنهـاست تـو را داور قرار دهنـد و از حکمی کـه تـو می دهی هیـچ ناخشـنود نشونـد و سراسـر تسـلیم آن گردند.(۶۶)و اگر به آنان فرمان داده بودیم که خود را بکشید یا از خانه هایتان بیرون روید، جز اندکی از آنان فرمان نمی بردند. و حال آنکه اگر اندرزی را که به آنان داده شده است کار می بستند برایشان بهتر و بر اساسی استوارتر بود.(۶۷)آنگاه از جانب خود به آنان مزدی بزرگ می دادیم.(۶۸)و آنان را به راه راست هدایت می کردیم.(۶۹)و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، همراه با کسـانی خواهـد بود که خـدا نعمتشـان داده است، چون انبیـا، و صـدیقان و شـهیدان و صالحـان. و اینـان چه نیکو رفیقاننـد.(۷۰)این فضیلتی است از جانب خدا و بسنده است خدای دانا.(۷۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، سلاح بگیرید و آنگاه هوشیارانه ، فوج فوج یا یکباره ، به جنگ روید.(۷۲)و از میان شما کسی است که در کارزار درنگ می کند. و چون به شما بلایی رسد، می گوید: خـدا در حق من چه انعـامی کرد که در آن روز همراهشـان نبودم.(۷۳)و چون مـالی از جانب خـدا نصـیبتان شود –چنان که گویی میانتان هیچ گونه مودتی نبوده است– گوید: ای کاش من نیز با آنها می بودم و به کامیابی بزرگ دست می یافتم.(۷۴)پس آنان که زنـدگی دنیا را داده انـد و آخرت را خریـده انـد باید که در راه خدا بجنگند. و هر که در راه خدا بجنگد، چه کشته شود چه پیروز گردد، مزدی بزرگ به او خواهیم داد.(۷۵)چرا در راه خـدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که می گویند: ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مـددکاری قرار ده ، نمی جنگید؟.(۷۶)آنان که ایمان آورده اند، در راه خـدا می جنگند، و آنان که کافر شده اند در راه شیطان. پس با هواداران شیطان قتال کنید که مکر شیطان ناچیز است.(۷۷)آیا ندیـدی کسانی را که به آنها گفته شد که اکنون از جنگ باز ایستید و نماز بخوانید و زکات بدهید، که چون جنگیدن بر آنان مقرر شـد، گروهی چنان از مردم ترسیدند که بایـد از خدا می ترسیدند؟ حتی ترسـی بیشتر از ترس خدا. و گفتند: ای پروردگار ما، چرا جنـگ را بر مـا واجب کرده ای و مـا را مهلت نمی دهی تا به مرگ خود –که نزدیک است – بمیریم؟ بگو: متاع این جهانی انـدک است و آخرت از آن پرهیزگـاران است و به شـما حتی به قـدر رشتـه ای که در میـان هسته خرمـاست ستم نمی شود.(۷۸)هرجا که باشید ولو در حصارهای سخت استوار، مرگ شما را درمی یابد. و اگر خیری به آنها رسد می گویند که از جانب خدا بود و اگر شری به آنها رسد می گویند که از جانب تو بود. بگو: همه از جانب خداست. چه بر سر این قوم آمده است که هیچ سخنی را نمی فهمند؟.(۷۹)هر خیری که به تو رسـد از جـانب خـداست و هر شـری که به تو رسـد از جانب خود تو است. تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا به شهادت کافی است.(۸۰)هر که از پیامبر اطاعت کنـد، از خـدا اطاعت کرده است. و آنان که سر باززننـد، پس مـا تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم.(۸۱)می گوینـد: فرمـانبر داریم. و چون از نزد تو بیرون شونـد گروهی از ایشـان به شـب خلاف آنچه تو می گویی انـدیشه ای در دل می پرورنـد. و خـدا آنچه را شب در خاطر گرفته اند می نویسد. پس، از ایشان اعراض کن و بر خدای توکل کن که او کارسازی را کافی است.(۸۲)آیا در قرآن نمی اندیشند؟ هرگاه از سوی دیگری جز خدا می بود در آن اختلافی بسیار می یافتند.(۸۳)و چون خبری ، چه ایمنی و چه ترس به آنهـا رسـد، آن را در همه جا فاش می کننـد. و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و الوالامرشان رجوع می کردنـد، حقیقت امر را از آنان درمی یافتند. و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی ، همگان از شیطان پیروی می کردید.(۸۴)پس در راه خـدا نـبرد کن که جز بر نفس خویش مکلف نیستی ، و مومنـان را به جنگ برانگیز. شاید خدا آسیب کافران را از شما باز دارد و خشم و عذاب خدا از هر خشم و عذاب دیگری سختتر است.(۸۵)هر کس در کار نیکی میانجی شود او را از آن نصیبی است و هر کس در کار بـدی میانجی شود او را از آن بهره ای است. و خدا نگهبان بر هر چیزی است.(۸۶)چون شـما را به درودی نواختنـد به درودی بهتر از آن یا هماننـد آن پاسخ گویید. هر آینه خدا حسابگر هر چیزی

است.(۸۷)الله خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست. به تحقیق همه شما را در روز قیامت –که هیچ شکی در آن نیست– گرد می آورد و چه کسی از خدا به گفتار راستگوی تر است؟.(۸۸)چیست شما را که درباره منافقان دو گروه شده اید، و حال آنکه خدا آنان را به سبب کردارشان مردود ساخته است؟ آیا می خواهید کسی را که خدا گمراه کرده است هدایت کنید؟ و تو راهی پیش پای کسی که خداوند گمراهش کرده است نتوانی نهاد.(۸۹)دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید. پس با هیچ یک از آنان دوستی مکنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند. و اگر سر باززدند در هرجا که آنها را بیابید بگیرید و بکشید و هیچ یک از آنها را به دوستی و یاری برمگزینید.(۹۰)مگر کسانی که به قومی که میان شما و ایشان پیمانی است می پیوندند، یا خود نزد شما می آیند در حالی که از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود ملول شده باشند. و اگر خدا می خواست بر شما پیروزشان می ساخت و با شما به جنگ بر می خواستند. پس هر گاه کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند، خدا هیچ راهی برای شما بر ضد آنان نگشوده است.(۹۱)گروه دیگری را خواهید یافت که می خواهند از شما و قوم خود در امان باشند، اینان هرگاه که به کفر دعوت شوند بدان باز گردند. پس اگر خود را به کناری نکشند و صلح نکنند و از اعمال خویش باز نایستند آنان را هرجا که یافتید بگیرید و بکشید که شما را بر آنان تسلطی آشکار داده ایم.(۹۲)هیچ مومنی را نرسد که مومن دیگر را جز به خطا بکشد. و هر کس که مومنی را به خطا بکشد باید که بنده ای مومن را آزاد کند و خونبهایش را به خانواده اش تسلیم کند، مگر آنکه خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، مومن و از قومی است که دشمن شماست فقط بنده مومنی را آزاد کند و اگر از قومی است که با شما پیمان بسته اند، خونبها به خانواده اش پرداخت شود و بنده مومنی را آزاد کند و هر کس که بنده ای نیابد برای توبه دو ماه پی در پی روزه بگیرد. و خدا دانا و حکیم است.(۹۳)و هر کس مومنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده سازد.(۹۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای جهاد رهسپر شوید نیک تفحص کنید. و به آن کس که بر شما سلام گوید، مگویید که مومن نیستی . شما برخورداری از زندگی دنیا را می جویید و حال آنکه غنیمتهای بسیار نزد خداست. شما پیش از این چنان بودید ولی خدا بر شما منت نهاد. پس تفحص کنید که خدا بر اعمالتان آگاه است.(۹۵)مومنانی که بی هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می کنند برابر نیستند. خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می کنند بر آنان که از جنگ سر می تابند به درجتی برتری داده است. و خدا همه را وعده های نیکو داده است. و جهاد کنندگان را بر آنها که از جهاد سر می تابند به مزدی بزرگ برتری نهاده است.(۹۶)درجاتی از جانب خدا و آمرزش و رحمتی ، که او آمرزنده و مهربان است.(۹۷)کسانی هستند که فرشتگان جانشان را می ستانند در حالی که بر خویشتن ستم کرده بودند. از آنها می پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین مردمی بودیم زبون گشته . فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مکان اینان جهنم است و سرانجامشان بد.(۹۸)مگر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که هیچ چاره ای نیابند و به هیچ جا راه نبرند.(۹۹)باشد که خداشان عفو کند که خدا عفوکننده و آمرزنده است.(۱۰۰)آن کس که در راه خدا مهاجرت کند در روی زمین برخورداریهای بسیار و گشایشها خواهد یافت. و هر کس که از خانه خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده خداست، و خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۰۱)و چون در زمین سفر کنید، گناهی نیست که اگر بیم آن داشتید که کافران به شما زیان رسانند، نماز خویش کوتاه کنید. زیرا کافران دشمن آشکار شما هستند.(۱۰۲)و چون تو در میانشان باشی و برایشان اقامه نماز کنی ، باید که گروهی از آنها با تو به نماز بایستند و سلاحهای خویش بردارند. و چون سجده به پایان بردند برابر دشمن شوند تا گروه دیگر که نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز بخوانند. آنان نیز هوشیار باشند و سلاحهای خویش بگیرند. زیرا کافران دوست دارند که شما از سلاحها و متاع خود غافل شوید تا یکباره بر شما بتازند. و گناهی مرتکب نشده اید هرگاه از باران در رنج بودید یا بیمار بودید سلاحهای خویش بگذارید، ولی هوشیارانه مواظب

دشمن باشید. هر آینه خدا برای کافران عذابی خوارکننده آماده ساخته است.(۱۰۳)و چون نماز را به پایان بردید خدا را ایستاده یا نشسته و یا به پهلو - خوابیده یاد کنید. و چون از دشمن ایمن گشتید نماز را تمام ادا کنید که نماز بر مومنان در وقتهای معین واجب گشته است.(۱۰۴)و در دست یافتن به آن قوم سستی مکنید. اگر شما آزار می بینید، آنان نیز چون شما آزار می بینند، ولی شما از خدا چیزی را امید دارید که آنان امید ندارند. و خدا دانا و حکیم است.(۱۰۵)ما این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم تا بدانسان که خدا به تو آموخته است میان مردم داوری کنی و به نفع خائنان به مخاصمت برمخیز.(۱۰۶)و از خدا آمرزش بخواه که او آمرزنده و مهربان است.(۱۰۷)و به خاطر کسانی که به خود خیانت می ورزند مجادله مکن، که خدا خائنان گناهکار را دوست ندارد.(۱۰۸)از مردم پنهان می دارند و از خدا پنهان نمی دارند، زیرا آنگاه که شب هنگام سخنانی که خدا از آن ناخشنود بود می گفتند، خدا با آنها بود و خدا به هر چه می کردند احاطه داشت.(۱۰۹)هان، این شمایید که در این جهان از آنان سخت جانبداری کردید، کیست که در روز قیامت از آنان در برابر خدا جانبداری کند یا چه کسی وکیل آنها خواهد بود(۱۱۰)و هر که کاری ناپسند کند یا به خود ستم روا دارد، آنگاه از خدا آمرزش خواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.(۱۱۱)و هر که گناهی کند، آن گناه به زیان خود کرده است، و خدا دانا و حکیم است.(۱۱۲)و هر که خود خطا یا گناهی کند آنگاه بی گناهی را بدان متهم سازد، هر آینه بار تهمت و گناهی آشکار را بر دوش خود کشیده است.(۱۱۳)اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از کافران قصد آن داشتند که تو را گمراه کنند، ولی آنان جز خود را گمراه نکنند و هیچ زیانی به تو نرسانند. و خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و چیزهایی به تو آموخت که از این پیش نمی دانسته ای و خدا لطف بزرگ خود را بر تو ارزانی داشت.(۱۱۴)در بسیاری از نجواهایشان فایده ای نیست، مگر در سخن آنان که به صدقه دادن یا نیکی کردن و یا آشتی جویی فرمان می دهند. و آن کس را که برای خشنودی خدای چنین کند مزد بزرگی خواهیم داد.(۱۱۵)هر که پس از آشکار شدن راه هدایت با پیامبر مخالفت ورزد و از شیوه ای جز شیوه مومنان پیروی کند، بدان سوی که پسند اوست بگردانیمش و به جهنمش افکنیم، و جهنم سرانجام بدی است.(۱۱۶)خدا کسی را که برای او شریکی قرار دهد نمی آمرزد و جز آن هر گناهی را برای هر که خواهد، می آمرزد. و هر کس که برای خدا شریکی قرار دهد سخت به گمراهی افتاده است.(۱۱۷)نمی خوانند سوای الله مگر الاهه هایی را و نمی خوانند سوای الله مگر شیطانی سرکش را.(۱۱۸)خدایش لعنت کرد. و شیطان گفت: گروهی معین از بندگانت را به فرمان خویش می گیرم.(۱۱۹)و البته گمراهشان می کنم و آرزوهای باطل در دلشان می افکنم و به آنان فرمان می دهم تا گوشهای چارپایان را بشکافند. و به آنان فرمان می دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند. و هر کس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند زیانی آشکار کرده است.(۱۲۰)به آنها وعده می دهد و به آرزوشان می افکند و شیطان آنان را جز به فریب وعده ندهد.(۱۲۱)مکانشان در جهنم است و در آنجا راه گریزی نخواهند یافت.(۱۲۲)و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند به بهشتهایی درمی آوریم که در آن نهرها روان است و در آنجا جاویدانند. وعده بر حق خداوند است، و چه کسی از او راستگوی تر است(۱۲۳)نه بر وفق مراد شماست و نه بر وفق مراد اهل کتاب، که هر کس که مرتکب کار بدی شود جزایش را ببیند، و جز خدا برای خویش دوست و یاوری نیابد.(۱۲۴)و هر کس که کاری شایسته کند چه زن و چه مرد اگر مومن باشد به بهشت می رود و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماست به کس ستم نمی شود.(۱۲۵)دین چه کسی بهتر از دین کسی است که به اخلاص روی به جانب خدا کرد و نیکوکار بود و از دین حنیف ابراهیم پیروی کرد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود برگزید.(۱۲۶)از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است و خدا بر هر چیزی احاطه دارد.(۱۲۷)از تو درباره زنان فتوا می خواهند، بگو: خدا درباره آنان به آنچه در این کتاب بر شما خوانده می شود، فتوا داده است. این فتوا در باب آنها و زنان پدر مرده ای است که حق مقررشان را نمی پردازید و می خواهید ایشان را به نکاح خود درآورید و نیز در باب کودکان ناتوان است. و باید که درباره یتیمان به عدالت رفتار کنید، و هر کار نیکی که انجام می دهید خدا به آن آگاه است.(۱۲۸)اگر زنی دریافت که

شوهرش با او بی مهر و از او بیزار شده است، باکی نیست که هر دو در میان خود طرح آشتی افکنند، که آشتی بهتر است. و بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد. و اگر نیکی و پرهیزگاری کنید خدا به هر چه می کنید آگاه است.(۱۲۹)هرچند بکوشید هرگز نتوانید که در میان زنان به عدالت رفتار کنید. لکن یکباره به سوی یکی میل نکنید تا دیگری را سرگشته رها کرده باشید. اگر از در آشتی درآیید و پرهیزگاری کنید خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۳۰)و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند خدا هر دو را به کمال فضل خویش بی نیاز سازد که خدا گشایشدهنده و حکیم است.(۱۳۱)از آن خداست آنچه در آسمانها و زمین است. و هر آینه اهل کتاب را که پیش از شما بودند و نیز شما را سفارش کردیم که از خدا بترسید، اگر هم کفر ورزید باز هم آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است متعلق به خداست و اوست بی نیاز و در خور ستایش.(۱۳۲)و از آن خداست آنچه در آسمانها و زمین است، و خدا کارسازی را کافی است(۱۳۳)ای مردم، اگر او بخواهد همه شما را از میان می برد و مردمی دیگر را می آورد، که خدا بر این کار قادر است.(۱۳۴)هر کس که پاداش این جهانی را می طلبد بداند که پاداش این جهانی و آن جهانی در نزد خداست. و او شنوا و بیناست.(۱۳۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، به عدالت فرمانروا باشید و برای خدا شهادت دهید، هرچند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشاوندان شما –چه توانگر و چه درویش– بوده باشد. زیرا خدا به آن دو سزاوارتر است. پس، از هوای نفس پیروی مکنید تا از شهادت حق عدول کنید. چه زبان بازی کنید یا از آن اعراض کنید، خدا به هر چه می کنید آگاه است.(۱۳۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبرش و این کتاب که بر پیامبرش نازل کرده و آن کتاب که پیش از آن نازل کرده ، به حقیقت ایمان بیاورید. و هر که به خدا و فرشتگانش و کتابهایش و پیامبرانش و به روز قیامت کافر شود سخت در گمراهی افتاده است.(۱۳۷)هر آینه خداوند آنان را که ایمان آوردند سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند و به کفر خویش افزودند نخواهد آمرزید و به راه راست هدایت نخواهد کرد.(۱۳۸)منافقان را بشارت ده که عذابی دردآور برایشان آماده شده است.(۱۳۹)کسانی که به جای مومنان کافران را به دوستی بر می گزینند، آیا عزت و توانایی را نزد آنان می جویند، در حالی که عزت به تمامی از آن خداست(۱۴۰)و از این پیش، در این کتاب بر شما نازل کرده ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می کنند و آن را به ریشخند می گیرند با آنان منشینید تا آنگاه که به سخنی دیگر پردازند. وگرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود. و خدا همه منافقان و کافران را در جهنم گرد می آورد.(۱۴۱)کسانی که همواره مواظب شما هستند. پس اگر از جانب خدا فتحی نصیبتان شود، می گویند: مگر ما همراه شما نبودیم؟ و اگر پیروزی نصیب کافران شود، می گویند: آیا نه چنان بود که بر شما غلبه یافته بودیم و مومنان را از آسیب رساندن به شما بازداشتیم؟ در روز قیامت خدا میان شما حکم می کند و او هرگز برای کافران به زیان مسلمانان راهی نگشوده است.(۱۴۲)منافقان خدا را فریب می دهند، و حال آنکه خدا آنها را فریب می دهد. و چون به نماز برخیزند با اکراه و کاهلی برخیزند و برای خودنمایی نماز کنند و در نماز –جز اندکی – خدای را یاد نکنند.(۱۴۳)سرگشتگان میان کفر و ایمانند: نه با اینان و نه با آنان. آن که خدا گمراهش کند هیچ راهی برای او نخواهی یافت.(۱۴۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، به جای مومنان کافران را به دوستی مگیرید. آیا کاری می کنید که برای خدا به زیان خود حجتی آشکار پدید آرید(۱۴۵)هر آینه منافقان در فروترین طبقات آتش هستند و هرگز برایشان یاوری نمی یابی .(۱۴۶)مگر آنان که توبه کرده اند و از تباهی باز آمده اند و به خدا توسل جسته اند و برای خدا از روی اخلاص به دین گرویده اند. اینان در زمره مومنانند و خدا به مومنان اجری عظیم خواهد داد.(۱۴۷)چرا خدا شما را عذاب کند اگر سپاسگزار باشید و ایمان آورید؟ در حالی که شکرپذیر و داناست.(۱۴۸)خدا بلند کردن صدا را به بد گویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد، و خدا شنوا و داناست.(۱۴۹)اگر کار نیکی را به آشکار انجام دهید یا به پنهان یا کرداری ناپسند را درگذرید، خدا عفوکننده و تواناست.(۱۵۰)کسانی هستند که به خدا و پیامبرانش کافر می شوند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی افکنند و می گویند که بعضی را می پذیریم و بعضی را نمی پذیریم و می خواهند در این میانه راهی برگزینند.(۱۵۱)اینان در حقیقت کافرانند و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده ساخته

ایم.(۱۵۲)و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند و میان پیامبرانش جدایی نیفکنده اند پاداششان را خدا خواهد داد، و خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۵۳)اهل کتاب از تو می خواهند که برایشان کتابی از آسمان نازل کنی . اینان بزرگتر از این را از موسی طلب کردند و گفتند: خدا را به آشکار به ما بنمای . به سبب این سخن کفرآمیزشان صاعقه آنان را فرو گرفت. و پس از آنکه معجزه هایی برایشان آمده بود گوساله ای را به خدایی گرفتند و ما آنان را بخشیدیم و موسی را حجتی آشکار ارزانی داشتیم.(۱۵۴)و به خاطر پیمانی که با آنها بسته بودیم کوه طور را بر فراز سرشان بداشتیم و گفتیم: سجده کنان از آن در داخل شوید و در روز شنبه تجاوز مکنید. و از ایشان پیمانی سخت گرفتیم.(۱۵۵)پس به سبب پیمان شکستنشان و کافر شدنشان به آیات خدا و به ناحق کشتن پیامبران و اینکه گفتند: دلهای ما فرو بسته است، خدا بر دلهایشان مهر نهاده است و جز اندکی ایمان نمی آورند.(۱۵۶)و نیز به سبب کفرشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند.(۱۵۷)و نیز بدان سبب که گفتند: ما مسیح پسر مریم پیامبر خدا را کشتیم. و حال آنکه آنان مسیح را نکشتند و بر دار نکردند بلکه امر برایشان مشتبه شد. هر آینه آنان که درباره او اختلاف می کردند خود در تردید بودند و به آن یقین نداشتند. تنها پیرو گمان خود بودند و عیسی را به یقین نکشته بودند.(۱۵۸)بلکه خداوند او را به نزد خود فرا برد، که خدا پیروزمند و حکیم است.(۱۵۹)و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت به ایمانشان گواهی خواهد داد.(۱۶۰)و به کیفر ستمی که یهودان روا داشتند و منع کردن بسیارشان از راه خدا، آن چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم.(۱۶۱)و نیز به سبب رباخواریشان و حال آنکه از آن منع شده بودند، و خوردن اموال مردم را به باطل. و ما برای کافرانشان عذابی دردآور مهیا کرده ایم.(۱۶۲)ولی دانشمندانشان و آن مومنانی را که به آنچه بر تو و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، و نماز گزاران و زکاتدهندگان و مومنان به خدا و روز قیامت را اجر بزرگی خواهیم داد.(۱۶۳)ما به تو وحی کردیم همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کرده ایم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کرده ایم و به داوود زبور را ارزانی داشتیم.(۱۶۴)و پیامبرانی که پیش از این داستانهاشان را برای تو گفته ایم و آنان که داستانهاشان را برای تو نگفته ایم. و خدا با موسی سخن گفت، چه سخن گفتنی بی میانجی .(۱۶۵)پیامبرانی مژده دهنده و بیمدهنده تا از آن پس مردم را بر خدا حجتی نباشد، و خدا پیروزمند و حکیم است.(۱۶۶)ولی خدا به آنچه بر تو نازل کرد شهادت می دهد که به علم خود نازل کرده است، و فرشتگان نیز شهادت می دهند، و خدا شهادت را بسنده است.(۱۶۷)هر آینه آنان که کافر شده اند و از راه خدا روی گردانیده اند سخت به گمراهی افتاده اند.(۱۶۸)کسانی را که کافر شده اند و ستم کرده اند خداوند نمی آمرزد و به هیچ راهی هدایت نمی کند، (۱۶۹)مگر به راه جهنم که همواره در آن باشند. و این کار بر خدای آسان است.(۱۷۰)ای مردم، پیامبری به حق از جانب خدا بر شما مبعوث شد، پس به او ایمان بیاورید که خیر شما در آن است. و اگر هم کافر شوید، از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. و او دانا و حکیم است.(۱۷۱)ای اهل کتاب، در دین خویش غلو مکنید و درباره خدا جز سخن حق مگویید. هر آینه عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریمش افکند و روحی از او بود. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگویید که سه است. از این اندیشه ها باز ایستید که خیر شما در آن خواهد بود. جز این نیست که الله خدایی است یکتا. منزه است از اینکه صاحب فرزندی باشد. از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و خدا کارسازی را کافی است.(۱۷۲)مسیح ابایی نداشت که یکی از بندگان خدا باشد و ملائکه مقرب نیز ابایی ندارند. هر که از پرستش خداوند سر باززند و سرکشی کند، بداند که خدا همه را در نزد خود محشور خواهد ساخت.(۱۷۳)اما آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند اجرشان را به تمامی خواهد داد، و از فضل خویش بر آن خواهد افزود. اما کسانی را که ابا و سرکشی کرده اند به عذابی دردآور معذب خواهد داشت و برای خود جز خدا هیچ دوست و یاوری نخواهند یافت.(۱۷۴)ای مردم، از جانب پروردگارتان بر شما حجتی آمد و برای شما نوری آشکار نازل کرده ایم.(۱۷۵)اما آنان را که به خدا ایمان آورده اند و به او توسل جسته اند به آستان فضل و رحمت خویش درآورد و به راهی

راست هدایت کند.(۱۷۶)از تو فتوا می خواهند، بگوی که خدا درباره کلاله برایتان فتوا می دهد: هرگاه مردی که فرزندی نداشته باشد بمیرد و او را خواهری باشد، به آن خواهر نصف میراث او می رسد. اگر خواهر را نیز فرزندی نباشد، برادر از او ارث می برد. اگر آن خواهران دوتن بودند، دو ثلث دارایی را به ارث می برند. و اگر چند برادر و خواهر بودند، هر مرد برابر دو زن می برد. خدا برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید، و او از هر چیزی آگاه است.(۱۷۷)

المائدهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمانها وفا کنید. حیوانات چهارپا مگر آنهایی که از این پس برایتان گفته می شود، بر شما حلال شده اند و آنچه را که در حال احرام صید می کنید حلال مشمارید. خدا به هر چه می خواهد حکم می کند.(۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، شعایر خدا و ماه حرام و قربانی را چه بدون قلاده و چه با قلاده حرمت مشکنید و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیتالحرام کرده اند، روا مدارید. و چون از احرام به در آمدید صید کنید و دشمنی با قومی که شما را از مسجدالحرام باز داشتند وادارتان نسازد که از حد خویش تجاوز کنید، و در نیکوکاری و پرهیز همکاری کنید نه در گناه و تجاوز. و از خدای بترسید که او به سختی عقوبت می کند.(۳)حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا در افتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آنکه ذبحش کنید. و نیز هر چه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید که این کار خود نافرمانی است. امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم. پس هر که در گرسنگی بیچاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است.(۴)از تو می پرسند که چه چیزهایی بر آنها حلال شده است. بگو: چیزهایی پاکیزه بر شما حلال شده و نیز خوردن صید آن حیوان که به آن صید کردن آموخته اید، چون پرندگان شکاری و سگان شکاری ، هرگاه آنها را بدانسان که خدایتان آموخته است تعلیم داده باشید. از آن صید که برایتان می گیرند و نگه می دارند بخورید و نام خدا را بر آن بخوانید و از خدا بترسید که او سریعالحساب است.(۵)امروز چیزهای پاکیزه بر شما حلال شده است. طعام اهل کتاب بر شما حلال است و طعام شما نیز بر آنها حلال است. و نیز زنان پارسای مومنه و زنان پارسای اهل کتاب، هر گاه مهرشان را بپردازید، به طور زناشویی نه زناکاری و دوست گیری ، بر شما حلالند. و هر کس که به اسلام کافر شود عملش ناچیز شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.(۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون به نماز برخاستید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهایتان را تا قوزک مسح کنید. و اگر جنب بودید خود را پاک سازید. و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از جای قضای حاجت آمده بودید یا با زنان نزدیکی کرده بودید و آب نیافتید با خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دستهایتان را با آن مسح کنید. خدا نمی خواهد شما در رنج افتید، بلکه می خواهد که شما را پاکیزه سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که سپاس گزارید.(۷)نعمتی را که خدا به شما داده است، و پیمانی را که با شما بسته است، بدان هنگام که گفتید شنیدیم و فرمانبرداری کردیم، یاد آورید. و از خدای بترسید که خدا به آنچه در دلها می گذرد آگاه است.(۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا، حق گفتن را بر پای - خیزید و به عدل گواهی دهید. دشمنی با گروهی دیگر وادارتان نکند که عدالت نورزید. عدالت ورزید که به تقوا نزدیکتر است و از خدا بترسید که او به هر کاری که می کنید آگاه است.(۹)خدا به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند، وعده آمرزش و مزدی بزرگ داده است.(۱۰)و آنان که کافر شده اند و آیات ما را تکذیب کرده اند اهل جهنمند.(۱۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمتی که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید: آنگاه که گروهی قصد آن کردند تا بر شما دست یازند و خدا دست آنان را از شما کوتاه کرد. از خدا

بترسید. و مومنان بر خدا توکل می کنند.(۱۲)خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از میان آنان دوازده نقیب برانگیختیم. و خدا گفت: اگر نماز بخوانید و زکات بدهید و به پیامبران من ایمان بیاورید و یاریشان کنید و به خدا قرضالحسنه بدهید، من با شمایم. بدیهایتان را می زدایم و شما را به بهشتهایی داخل می کنم که در آن نهرها روان باشد. و هر کس از شما که از آن پس کافر شود راه راست را گم کرده است.(۱۳)و اهل کتاب -جز اندکی از آنها- چون پیمانشان را شکستند، لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. کلمات را از معنی خود منحرف می سازند و از آن پند که به ایشان داده شده بود بهره خویش فراموش کرده اند. و همواره از کارهای خائنانه شان آگاه می شوی . عفوشان کن و از گناهشان درگذر که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.(۱۴)و از کسانی که گفتند که ما نصرانی هستیم پیمان گرفتیم. پس قسمتی از اندرزهایی را که به آنها داده بودیم فراموش کردند و ما نیز میان آنها تا روز قیامت کینه و دشمنی افکندیم. به زودی خدا آنان را از کارهایی که می کنند آگاه خواهد ساخت.(۱۵)ای اهل کتاب، پیامبر ما نزد شما آمد تا بسیاری از کتاب خدا را که پنهان می داشتید برایتان بیان کند و از بسیاری درگذرد، و از جانب خدا نوری و کتابی صریح و آشکار بر شما نازل شده است(۱۶)تا خدا بدان هر کس را که در پی خشنودی اوست به راههای سلامت هدایت کند و به فرمان خود از تاریکی به روشناییشان ببرد و آنان را به راه راست هدایت کند.(۱۷)آنان که گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند. بگوی : چه کسی می تواند عذاب خدا را دفع کند اگر اراده کند مسیح پسر مریم و مادرش و همه اهل زمین را به هلاکت رساند؟ از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین و هر چه ما بین آنهاست. آنچه می خواهد می آفریند و بر هرچیز تواناست.(۱۸)یهودیان و مسیحیان گفتند که ما فرزندان و دوستان خدا هستیم. بگوی : پس چرا شما را به پاداش گناهانتان عذاب می کند؟ بلکه شما انسانهایی از جمله آفریدگان هستید. هر کس را که بخواهد می آمرزد و هر کس را که بخواهد عذاب می کند و از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و بازگشت همه به اوست.(۱۹)ای اهل کتاب، فرستاده ما در دورانی که پیامبرانی نبودند مبعوث شد تا حق را بر شما آشکار کند و نگویید که مژده دهنده و بیمدهنده ای بر ما مبعوث نشده است. اینک آن مژده دهنده و بیمدهنده آمده است و خدا بر هرچیز تواناست.(۲۰)و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبران پدید آورد و شما را صاحبان اختیار خویش گردانید و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است.(۲۱)ای قوم من، به زمین مقدسی که خدا برایتان مقرر کرده است داخل شوید و باز پس مگردید که زیان دیده باز می گردید.(۲۲)گفتند: ای موسی ، در آنجا مردمی جبارند و ما به آن سرزمین درنیاییم تا آنگاه که آن جباران بیرون شوند. اگر آنان از آن سرزمین بیرون شوند، بدان داخل شویم.(۲۳)دو مرد از آنان که پرهیزگاری پیشه داشتند و خدا نعمتشان عطا کرده بود گفتند: از این دروازه بر آنان داخل شوید، و چون به شهر درآمدید شما پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر از مومنان هستید.(۲۴)گفتند: ای موسی ، تا وقتی که جباران در آنجایند هرگز بدان شهر داخل نخواهیم شد. ما اینجا می نشینیم، تو و پروردگارت بروید و نبرد کنید.(۲۵)گفت: ای پروردگار من، من تنها مالک نفس خویش و برادرم هستم. میان من و این مردم نافرمان جدایی بینداز.(۲۶)خدا گفت: ورود به آن سرزمین به مدت چهل سال برایشان حرام شد و در آن بیابان سرگردان خواهند ماند. پس برای این نافرمانان اندوهگین مباش.(۲۷)و داستان راستین دو پسر آدم را برایشان بخوان، آنگاه که قربانیی کردند. از یکیشان پذیرفته آمد و از دیگری پذیرفته نشد. گفت: تو را می کشم. گفت: خدا قربانی پرهیزگاران را می پذیرد.(۲۸)اگر تو بر من دست گشایی و مرا بکشی ، من بر تو دست نگشایم که تو را بکشم. من از خدا که پروردگار جهانیان است می ترسم.(۲۹)می خواهم که هم گناه مرا به گردن گیری و هم گناه خود را تا از دوزخیان گردی که این است پاداش ستمکاران.(۳۰)نفسش او را به کشتن برادر ترغیب کرد، و او را کشت و از زیانکاران گردید(۳۱)خدا کلاغی را واداشت تا زمین را بکاود و به او بیاموزد که چگونه جسد برادر خود پنهان سازد. گفت: وای بر من، نتوانم همانند این کلاغ باشم و پیکر برادرم را دفن کنم. و در زمره پشیمانان درآمد.(۳۲)از این رو بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کس دیگر را نه به

قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد. و هر کس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد. و به تحقیق پیامبران ما همراه با دلایل روشن بر آنها مبعوث شدند، باز هم بسیاری از آنها همچنان بر روی زمین از حد خویش تجاوز می کردند(۳۳)جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می کنند و در زمین به فساد می کوشند، آن است که کشته شوند، یا بر دار گردند یا دستها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. اینها رسواییشان در این جهان است و در آخرت نیز به عذابی بزرگ گرفتار آیند.(۳۴)مگر کسانی که پیش از آنکه شما بر آنها دست یابید توبه کنند. پس بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است.(۳۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و به او تقرب جویید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید.(۳۶)آنان که کافر شده اند اگر همه آنچه در روی زمین است و همانند آن متعلق به آنها باشد و بخواهند خود را با آن از عذاب روز قیامت باز خرند، از ایشان پذیرفته نیاید و به عذاب دردآور گرفتار آیند.(۳۷)می خواهند که از آتش بیرون آیند در حالی که بیرون آمدنی نباشند و عذابشان پاینده است.(۳۸)دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر کاری که کرده اند ببرید. این عقوبتی است از جانب خدا، که او پیروزمند و حکیم است.(۳۹)هر کس پس از کردار ناپسندش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را می پذیرد، که او آمرزنده و مهربان است.(۴۰)آیا ندانسته ای که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، هر که را بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می آمرزد و بر هر کاری تواناست(۴۱)ای پیامبر، غمگین نکند تو را کردار آنان که به کفر می شتابند. چه آنهایی که به زبان گفتند که ایمان آوردیم و به دل ایمان نیاورده اند و چه آن یهودان که گوش می سپارند تا دروغ بندند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نمی آیند سخن چینی می کنند، و سخن خدا را دگرگون می سازند، و می گویند: اگر شما را اینچنین گفت بپذیرید وگرنه از وی دوری گزینید. و هر کس را که خدا عذاب او بخواهد، تواش از قهر خدا رهایی نخواهی داد. اینان کسانی هستند که خدا نخواسته است که دلهایشان را پاک گرداند. آنان را در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.(۴۲)گوش نهادگان بر دروغند، خورندگان حرامند. پس اگر نزد تو آمدند میانشان حکم کن یا از ایشان رویگردان شو، و اگر رویگردان شوی هیچ به تو زیانی نرسانند. و اگر میانشان حکم کنی به عدالت حکم کن که خدا عدالتپیشگان را دوست دارد.(۴۳)چگونه تو را داور قرار می دهند، در حالی که تورات که حاوی حکم خداست در نزد آنهاست؟ سپس از حکم تو رویگردان می شوند و اینان ایمان نیاورده اند.(۴۴)ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم فرمان بودند بنا بر آن برای یهود حکم کردند و نیز خداشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مامور بودند و بر آن گواهی دادند، پس، از مردم مترسید، از من بترسید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید. و هر که بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است.(۴۵)و در تورات بر آنان مقرر داشتیم که نفس در برابر نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاصی است. و هر که از قصاص درگذرد، گناهش را کفاره ای خواهد بود. و هر که به آنچه خدا نازل کرده است حکم نکند، از ستمکاران است.(۴۶)و از پی آنها عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیقکننده توراتی بود که پیش از او فرستاده بودیم و انجیل را که تصدیقکننده تورات پیش از او بود به او دادیم که در آن هدایت و روشنایی بود و برای پرهیزگاران هدایت و موعظه ای .(۴۷)و باید که اهل انجیل بر وفق آنچه خدا در آن کتاب نازل کرده است داوری کنند. زیرا هر کس به آنچه خدا نازل کرده است داوری نکند، از نافرمانان است(۴۸)و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم، تصدیقکننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده اند. پس بر وفق آنچه خدا نازل کرده است در میانشان حکم کن و از پی خواهشهاشان مرو تا آنچه را از حق بر تو نازل شده است واگذاری . برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم. و اگر خدا می خواست همه شما را یک امت می ساخت. ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است بیازمایدتان. پس در خیرات بر یکدیگر پیشی گیرید. همگی بازگشتشان به خداست تا از آنچه در آن اختلاف می کردید آگاهتان سازد.(۴۹)میانشان بر وفق آنچه خدا نازل کرده است

حکم کن و از خواهشهاشان پیروی مکن و از ایشان بپرهیز که مبادا بفریبندت تا از بعضی از چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده است سر باززنی . و اگر رویگردان شدند بدان که خدا می خواهد آنان را به پاداش برخی گناهانشان عقوبت کند، و هر آینه بسیاری از مردم نافرمانند.(۵۰)آیا حکم جاهلیت را می جویند؟ برای آن مردمی که اهل یقین هستند چه حکمی از حکم خدا بهتر است؟ (۵۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصاری را به دوستی برمگزینید. آنان خود دوستان یکدیگرند. هر کس از شما که ایشان را به دوستی گزیند در زمره آنهاست. و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.(۵۲)آنهایی را که در دل مرضی دارند می بینی که به صحبتشان می شتابند، می گویند: می ترسیم که به ما آسیبی رسد. اما باشد که خدا فتحی پدید آرد یا کاری کند، آنگاه از آنچه در دل نهان داشته بودند پشیمان شوند.(۵۳)آنها که ایمان آورده اند می گویند: آیا اینان همان کسانند که به خدا سوگندهای سخت می خوردند که با شما خواهند بود؟ اعمالشان باطل گردید و خود در زمره زیانکاران درآمدند.(۵۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دینش باز گردد چه باک، زودا که خدا مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند. در برابر مومنان فروتنند و در برابر کافران سرکش، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسند. این فضل خداست که به هر کس که خواهد ارزانی دارد، و خداوند بخشاینده و داناست.(۵۵)جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مومنانی که نماز می خوانند و همچنان که در رکوعند انفاق می کنند.(۵۶)و هر که خدا و پیامبر او و مومنان را ولی خود گزیند، بداند که پیروزمندان گروه خداوندند.(۵۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، اهل کتاب را که دین شما را به مسخره و بازی می گیرند، و نیز کافران را به دوستی برمگزینید. و اگر ایمان آورده اید از خدا بترسید.(۵۸)و چون بانگ نماز کنید آن را به مسخره و بازیچه گیرند، زیرا مردمی هستند که نمی اندیشند.(۵۹)بگو: ای اهل کتاب، آیا ما را سرزنش می کنید؟ جز این است که ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه پیش از این نازل شده است ایمان آورده ایم و شما بیشترین نافرمان هستید(۶۰)بگو: آیا شما را از کسانی که در نزد خدا کیفری بدتر از این دارند خبر بدهم: کسانی که خدایشان لعنت کرده و بر آنها خشم گرفته و بعضی را بوزینه و خوک گردانیده است و خود بت پرستیده اند؟ اینان را بدترین جایگاه است و از راه راست گمگشته ترند.(۶۱)و چون نزد شما آمدند، گفتند که ایمان آوردیم، و حال آنکه با کفر داخل شدند و با کفر خارج گشتند، و خدا به آنچه پنهان می دارند آگاه تر است.(۶۲)می بینی بسیاری از ایشان را که به گناه و تجاوز و حرامخوارگی می شتابند. چه بد کارهایی می کردند.(۶۳)از چه روی خداپرستان و دانشمندان، آنان را از گفتار بد و حرامخوارگی باز ٠نمی دارند. چه بد کارهایی مرتکب می شدند.(۶۴)یهود گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خودشان بسته باد. و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند. دستهای خدا گشاده است. به هر سان که بخواهد روزی می دهد. و آنچه بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است، به طغیان و کفر بیشترشان خواهد افزود. ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنده ایم. هرگاه که آتش جنگ را افروختند خدا خاموشش ساخت. و آنان در روی زمین به فساد می کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.(۶۵)اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و پرهیزگاری کنند، گناهانشان را خواهیم زدود و آنها را به بهشتهای پر نعمت داخل خواهیم کرد.(۶۶)و اگر تورات و انجیل و آنچه را که از جانب خدا بر آنها نازل شده برپای دارند، از فراز سر و زیر پایشان روزی بخورند. بعضی از ایشان مردمی میانه رو هستند و بسیاریشان بد کردارند.(۶۷)ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده ای . خدا تو را از مردم حفظ می کند، که خدا مردم کافر را هدایت نمی کند.(۶۸)بگو: ای اهل کتاب، شما هیچ نیستید، تا آنگاه که تورات و انجیل و آنچه را از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده است برپای دارید. آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است بر طغیان و کفر بیشترینشان بیفزاید. پس بر این مردم کافر غمگین مباش.(۶۹)هر آینه از میان آنان که ایمان آورده اند و یهود و صابئان و نصاری هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و کار شایسته کند بیمی بر او نیست و محزون نمی شود.(۷۰)ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی برایشان فرستادیم. هرگاه که پیامبری چیزی می گفت که با خواهش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب می

کردند و گروهی را می کشتند.(۷۱)و پنداشتند که عقوبتی نخواهد بود. پس کور و کر شدند. آنگاه خدا توبه شان بپذیرفت. باز بسیاری از آنها کور و کر شدند. هر چه می کنند خدا می بیند.(۷۲)به تحقیق آنان که گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند. مسیح گفت: ای بنی اسرائیل، الله پروردگار من و پروردگار خود را بپرستید. زیرا هر کس که برای خداوند شریکی قرار دهد خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاه او آتش است و ستمکاران را یاوری نیست.(۷۳)آنان که گفتند: الله سومین سه است، کافر شدند. در حالی که هیچ خدایی جز الله نیست. اگر از آنچه می گویند باز نایستند به کافرانشان عذابی دردآور خواهد رسید.(۷۴)آیا به درگاه خدا توبه نمی کنند و از او آمرزش نمی خواهند؟ خدا آمرزنده و مهربان است.(۷۵)مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود، که پیامبرانی پیش از او بوده اند، و مادرش زنی راستگوی بود که هر دو غذا می خوردند. بنگر که چگونه آیات را برایشان بیان می کنیم. سپس بنگر که چگونه از حق روی می گردانند.(۷۶)بگو: آیا جز الله خدای دیگری را که برای شما مالک هیچ سود و زیانی نیست می پرستید و حال آنکه الله شنوا و داناست.(۷۷)بگو: ای اهل کتاب، به ناحق در دین خویش غلو مکنید، و از خواهشهای آن مردمی که از پیش گمراه شده بودند و بسیاری را گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند پیروی مکنید.(۷۸)از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند، و این لعنت پاداش عصیان و تجاوزشان بود.(۷۹)از کار زشتی که می کردند یکدیگر را نهی نمی کردند و هر آینه بد کاری می کردند.(۸۰)بسیاری از ایشان را می بینی که با کافران دوستی می ورزند. بد است آنچه پیشاپیش برای خود فرستادند. خشم خدا بر آنهاست و در عذاب جاودانه اند.(۸۱)اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان آورده بودند کافران را به دوستی نمی گرفتند، ولی بیشترشان فاسقانند.(۸۲)دشمنترین مردم نسبت به کسانی که ایمان آورده اند یهود و مشرکان را می یابی ، و مهربانترین کسان نسبت به آنان که ایمان آورده اند کسانی را می یابی که می گویند: ما نصرانی هستیم. زیرا بعضی از ایشان کشیشان و راهبان هستند و آنها سروری نمی جویند.(۸۳)چون آنچه را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، و حقیقت را دریابند، چشمانشان پر از اشک می شود. می گویند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را نیز در زمره شهادتدهندگان بنویس.(۸۴)چرا به خدا و این آیین حق که بر ما نازل شده است ایمان نیاوریم و طمع نورزیم در اینکه پروردگارما ما را در شمار صالحان آورد.(۸۵)به پاداش این سخن که گفتند، خدا آنان را به بهشتهایی که در آن نهرها روان است پاداش داد. در آن جاودانند و این است پاداش نیکوکاران.(۸۶)و آنان که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل جهنمند.(۸۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزهای پاکیزه ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام مکنید و از حد در مگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد(۸۸)از چیزهای حلال و پاکیزه ای که خدا به شما روزی داده است بخورید و از خدایی که به او ایمان آورده اید بترسید.(۸۹)خداوند شما را به سبب سوگندهای لغوتان بازخواست نخواهد کرد. ولی به سبب شکستن سوگندهایی که به قصد می خورید، بازخواست می کند و کفاره آن اطعام ده مسکین است از غذای متوسطی که به خانواده خویش می خورانید یا پوشیدن آنها یا آزاد کردن یک بنده ، و هر که نیابد سه روز روزه داشتن. این کفاره قسم است، هرگاه که قسم خوردید. به قسمهای خود وفا کنید. خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می کند، باشد که سپاسگزار باشید.(۹۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و گروبندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید.(۹۱)شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا بس می کنید.(۹۲)خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و پروا کنید. اگر رویگردان شوید بدانید که وظیفه پیامبر ما رسانیدن پیام روشن خداوند است.(۹۳)بر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در آنچه خورده اند گناهی نیست، هرگاه پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند و به کارهای شایسته پردازند، باز هم پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند، باز هم پرهیزگاری کنند و نیکی ، که خدا نیکوکاران را دوست دارد.(۹۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا شما را به صیدی که به دست می گیرید یا به نیزه شکار می کنید، می آزماید تا بداند چه کسی در نهان از او می ترسد. و هر که از این پس از حد تجاوز کند او راست عذابی

دردآور.(۹۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه که در احرام باشید شکار را مکشید. هر که صید را به عمد بکشد جزای او قربانی کردن حیوانی است همانند آنچه کشته است به شرط آنکه دو عادل از شما گواهی دهند و قربانی را به کعبه رساند، یا به کفاره درویشان را طعام دهد، یا برابر آن روزه بگیرد، تا عقوبت کار خود بچشد. از آنچه در گذشته کرده اید خدا عفو کرده است، ولی هر که بدان باز گردد خدا از او انتقام می گیرد، که خدا پیروزمند و انتقام گیرنده است.(۹۶)شکار دریایی و خوردن آن به جهت بهره مند شدنتان از آن، بر شما و مسافران حلال شده است. و شکار صحرایی تا هنگامی که در احرام هستید بر شما حرام شده . از خداوندی که به نزد او گرد آورده می شوید بترسید.(۹۷)خدا کعبه ، بیتالحرام، را با ماه حرام و قربانی بی قلاده و قربانی با قلاده قوام کار مردم گردانید، تا بدانید که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین است می داند و او بر هر چیزی آگاه است.(۹۸)بدانید که عقوبت خدا سخت است و هم او آمرزنده و مهربان است.(۹۹)بر پیامبر جز رسانیدن پیام وظیفه ای نیست. و آنچه را که آشکار می سازید یا پنهان می دارید خدا می داند.(۱۰۰)بگو: ناپاک و پاک برابر نیستند، هرچند فراوانی ناپاک تو را به اعجاب افکند. پس ای خردمندان، از خدای بترسید، باشد که رستگار گردید.(۱۰۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که چون برای شما آشکار شوند اندوهگینتان می کنند، میرسید. و اگر سوال از آنها را واگذارید تا به هنگام نزول قرآن، برایتان آشکار خواهد شد. خدا از آنها عفو کرده است که آمرزنده و بردبار است.(۱۰۲)مردمی که پیش از شما بودند از آن چیزها سوال کردند و بدان سبب کافر شدند.(۱۰۳)خداوند درباره بحیره و سائبه و وصیله و حامی حکمی نکرده است، ولی کافران بر خدا دروغ می بندند و بیشترینشان بی خردند.(۱۰۴)و چون به ایشان گویند که به آنچه خدا نازل کرده است و به پیامبر روی آورید، گویند: آن آیینی که پدران خود را بدان معتقد یافته ایم ما را بس است. حتی اگر پدرانشان هیچ نمی دانسته اند و راه هدایت نیافته بوده اند.(۱۰۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، به خود پردازید. اگر شما هدایت یافته اید، آنان که گمراه مانده اند به شما زیانی نرسانند. بازگشت همه شما نزد خداست، تا شما را به آن کارها که می کرده اید آگاه گرداند.(۱۰۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون مرگتان فرا رسد به هنگام وصیت دو عادل را از میان خودتان به شهادت گیرید، یا از غیر خودتان، هرگاه که در سفر بودید و مرگتان فرا رسید. اگر از آن دو در شک بودید نگاهشان دارید تا بعد از نماز، آنگاه به خدا سوگند خورند که این شهادت را به هیچ قیمتی دگرگون نکنیم هرچند به سود خویشاوندمان باشد و آن را کتمان نکنیم، اگر جز این باشد از گناهکارانیم.(۱۰۷)و هرگاه معلوم شود که آن دو شاهد مرتکب گناه خیانت شده اند، دو شاهد دیگر که اولی تر از آن دو باشند جای ایشان را بگیرند. آن دو به خدا قسم خورند که شهادت ما از شهادت آن دو درستتر است و ما از حق تجاوز نکنیم، هرگاه چنین کنیم از ستمکاران باشیم.(۱۰۸)این شیوه نزدیکتر به آن است که هم شهادت را بر وجه خود ادا کنند یا پس از سوگند خوردن از رد سوگندهایشان بترسند. از خدا بترسید. و گوش فرا دارید. خدا مردم نافرمان را هدایت نمی کند.(۱۰۹)روزی که خدا پیامبران را گرد آورد و بپرسد که دعوت شما را چگونه پاسخ دادند؟ گویند: ما را هیچ دانشی نیست، که دانا به غیب تو هستی .(۱۱۰)خدا به عیسی بن مریم گفت: نعمتی را که به تو و مادرت ارزانی داشته ام یاد کن، آن زمان که به روحالقدس یاریت کردم تا تو چه در گهواره و چه در بزرگسالی سخن گویی ، و به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم. و آنگاه که به امر من از گل چیزی چون پرنده ساختی و در آن دمیدی و به امر من پرنده ای شد و کور مادرزاد و پیسی گرفته را به فرمان من شفا دادی و مردگان را به فرمان من زنده بیرون آوردی و چون با این دلایل روشن نزد بنی اسرائیل آمدی ، من آنان را از آسیب رساندن به تو بازداشتم و از میانشان کسانی که کافر بودند گفتند که این جز جادویی آشکار نیست.(۱۱۱)و به حواریان وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم هستیم.(۱۱۲)و حواریان پرسیدند: ای عیسی بن مریم، آیا پروردگار تو می تواند که برای ما از آسمان مائده ای فرستد؟ گفت: اگر ایمان آورده اید، از خدا بترسید.(۱۱۳)گفتند: می خواهیم که از آن مائده بخوریم تا دلهایمان آرام گیرد و بدانیم که تو به ما راست گفته ای و بر آن شهادت دهیم.(۱۱۴)عیسی بن مریم گفت: بار خدایا، ای پروردگار ما، برای ما مائده ای از آسمان

بفرست، تا ما را و آنان را که بعد از ما می آیند عیدی و نشانی از تو باشد، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگان هستی .(۱۱۵)خدا گفت: من آن مائده را برای شما می فرستم، ولی هر که از شما از آن پس کافر شود چنان عذابش می کنم که هیچ یک از مردم جهان را آن چنان عذاب نکرده باشم.(۱۱۶)و آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را سوای الله به خدایی گیرید؟ گفت: به پاکی یاد می کنم تو را. نسزد مرا که چیزی گویم که نه شایسته آن باشم. اگر من چنین گفته بودم تو خود می دانستی زیرا به آنچه در ضمیر من می گذرد دانایی و من از آنچه در ذات تو است بی خبرم. زیرا تو داناترین کسان به غیب هستی .(۱۱۷)من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی نگفتم. گفتم که الله پروردگار مرا و پروردگار خود را بپرستید. و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیدتشان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیدتشان گشتی . و تو بر هر چیزی آگاهی .(۱۱۸)اگر آنان را عذاب کنی ، بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی ، تو پیروزمند و حکیمی .(۱۱۹)خدا گفت: این روزی است که راستگویان را راستی گفتارشان سود دهد. از آن آنهاست بهشتهایی که در آن نهرها جاری است. همواره در آن جاویدان خواهند بود. خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. و این کامیابی بزرگی است.(۱۲۰)از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست. و او بر هر کاری تواناست.(۱۲۱)

الأنعام

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ستایش از آن خداوندی است که آسمانها و زمین را بیافرید و تاریکیها و روشنایی را پدیدار کرد، با این همه ، کافران با پروردگار خویش دیگری را برابر می دارند.(۲)اوست که شما را از گل بیافرید و عمری مقرر کرد: مدتی در نزد او معین. با این همه ، تردید می ورزید.(۳)در آسمانها و زمین، اوست که خداوند است. نهان و آشکارتان را می داند و از کردارتان آگاه است.(۴)و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برایشان نازل نشد، جز آنکه از آن رویگردان شدند.(۵)چون سخن حق بر آنها عرضه شد، تکذیبش کردند. پس به زودی ، خبر چیزهایی که به ریشخندشان می گرفتند به آنها خواهد رسید.(۶)آیا ندیده اند که پیش از آنها چه مردمی را هلاک کرده ایم؟ مردمی که در زمین مکانتشان داده بودیم، آنچنان مکانتی که به شما نداده ایم. و بر ایشان از آسمان بارانهای پی در پی فرستادیم و رودها از زیر پایشان روان ساختیم. آنگاه به کیفر گناهانشان هلاکشان کردیم و پس از آنها مردمی دیگر پدید آوردیم(۷)آیا ندیده اند که پیش از آنها چه مردمی را هلاک کرده ایم؟ مردمی که در زمین مکانتشان داده بودیم، آنچنان مکانتی که به شما نداده ایم. و بر ایشان از آسمان بارانهای پی در پی فرستادیم و رودها از زیر پایشان روان ساختیم. آنگاه به کیفر گناهانشان هلاکشان کردیم و پس از آنها مردمی دیگر پدید آوردیم(۸)و گفتند: چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟ اگر فرشته ای می فرستادیم که کار به پایان می رسید و به آنها هیچ مهلتی داده نمی شد.(۹)و اگر آن پیامبر را از میان فرشتگان بر می گزیدیم باز هم او را به صورت مردی می فرستادیم و این خلط و اشتباه که پدید آورده اند برجای می نهادیم(۱۰)پیامبرانی را هم که پیش از تو بودند مسخره می کردند. پس مسخره کنندگان را عذابی که به ریشخندش می گرفتند فرو گرفت.(۱۱)بگو: در روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار تکذیبکنندگان چگونه بوده است.(۱۲)بگو: از آن کیست آنچه در آسمانها و زمین است؟ بگو: از آن خداست. بخشایش را بر خود مقرر داشته ، همه شما را در روز قیامت - که در آن تردیدی نیست- گرد می آورد. آنان که به زیان خویش کار کرده اند، ایمان نمی آورند.(۱۳)از آن اوست هر چه در شب و روز جای دارد و اوست شنوا و دانا.(۱۴)بگو: آیا دیگری جز خدا را به دوستی گیرم که آفریننده آسمانها و زمین است و می خوراند و به طعامش نیاز نیست؟ بگو: هر آینه من مامور شده ام که نخستین کسی باشم که تسلیم امر خدا شده باشد. پس، از مشرکان مباش.(۱۵)بگو: از عذاب آن روز بزرگ می ترسم اگر از پروردگارم فرمان نبرم.(۱۶)در آن روز، عذاب را از هر که بگردانند مورد رحمت خدا واقع شده است، و این کامیابی آشکاری است.(۱۷)اگر خدا به تو محنتی برساند، هیچ کس جز او دفعش نتواند کرد، و

اگر به تـو خیری برسانـد بر هر کـاری توانـاست.(۱۸)و اوست قـاهری بالاـتر از همه بنـدگان خـویش و دانـا و آگـاه است.(۱۹)بگو: شهادت چه کسـی از هر شـهادتی بزرگتر است؟ بگو: خدا میان من و شـما گواه است و این قرآن بر من وحی شده است تا شما را و هر کس را که به او برسد بیم دهم. آیا شـهادت می دهید که با الله خدایان دیگری هم هستند؟ بگو: من شهادت نمی دهم. بگو: جز این نیست که او خـدایی است یکتا و از آنچه با او شـریک می سازید بیزارم.(۲۰)اهل کتاب او را چنان می شـناسد که فرزندان خود را، اینان که به خود زیان می رسانیدند ایمان نمی آورند.(۲۱)چه کسی است ستمکارتر از آنکه به خدا دروغ می بندد یا آیات او را دروغ می انگارد؟ هر آینه ستمکاران را رستگاری نیست.(۲۲)روزی همه را گرد آوریم، سپس به آنها که شرك آورده اند بگوییم: آن کسان که می پنداشتیـد که شـریکان خدایند اکنون کجایند.(۲۳)عـذری که می آورنـد جز این نیست که می گوینـد: سوگند به خـدا پروردگـار مـا که مـا مشـرك نبـوده ایم.(۲۴)بنگر کـه چگـونه بر خـود دروغ بسـتند و آن دروغهـا کـه ساخته بودنـد نـاچیز گردید.(۲۵)بعضـی از آنها به سـخن تو گوش می دهنـد ولی ما بر دلهایشان پرده ها افکنـده ایم تا آن را در نیابنـد و گوشـهایشان را سنگین کرده ایم. و هر معجزه ای را که بنگرنـد بـدان ایمـان نمی آورنـد. و چون نزد تو آینـد، بـا تو به مجادله پردازنـد. کافران می گویند که اینها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست.(۲۶)اینان مردم را از پیامبر باز می دارنـد و خود از او کناره می جویند و حال آنکه نمی دانند که تنها خویشـتن را به هلاکت می رسانند.(۲۷)اگر آنها را در آن روز که در برابر آتش نگاهشان داشـته اند بنگری ، می گوینـد: ای کـاش مـا را باز گرداننـد تا آیات پروردگارمان را تکـذیب نکنیم و از مومنان باشـیم.(۲۸)نـه ، آنچـه را که از این پیش پوشـیده می داشـتند اکنون برایشان آشـکار شـده ، اگر آنها را به دنیا باز گردانند، باز هم به همان کارها که منعشان کرده بودند باز می گردند. اینان دروغگویانند.(۲۹)و گفتنـد: جز این زندگی دنیوی ما هیچ نیست و ما دیگر باز زنده نخواهیم شد.(۳۰)و اگر ببینی آن هنگام را که در برابر پروردگارشان ایستاده انـد، خـدا می گویـد: آیا این به حق نبود؟ گوینـد: آری ، سوگنـد به پروردگارمان. گوید: به کیفر آنکه کافر بوده اید عذاب خدا را بچشـید.(۳۱)زیان کردند آنهایی که دیدار با خدا را دروغ پنداشـتند. و چون قیامت به ناگهان فرا رسد، گویند: ای حسرتا بر ما به خاطر تقصیری که کردیم. اینان بار گناهانشان را بر پشت می کشند. هان، چه بد باری را بر دوش می کشـند.(۳۲)و زنـدگی دنیـا چیزی جز بـازیچه و لهو نیست و پرهیزگاران را سـرای آخرت بهتر است. آیا به عقل نمی یابید.(۳۳)می دانیم که سخنشان تو را اندوهگین می سازد، ولی اینان تنها تو را تکذیب نمی کنند، بلکه این ستمکاران سخن خدا را انکار می کنند.(۳۴)پیامبرانی را هم که پیش از تو بودنـد تکـذیب کردنـد ولی آنها بر آن تکذیب و آزار صبر کردند تا یاری ما فرا رسیـدشان. و سـخنان خـدا را تغییردهنـده ای نیست. و هر آینه پاره ای از اخبار پیامبران بر تو نازل شده است.(۳۵)اگر اعراض کردن آنها بر تو گران است، خواهی نقبی در زمین بجوی یا نردبانی بر آسـمان بنه تا معجزه ای برایشان بیاوری . اگر خـدا بخواهد، همه را به راه راست برد. پس، از نادانـان مبـاش.(۳۶)هر آینه تنها آنان که می شـنوند می پذیرنـد. و مردگان را خـدا زنده می کند و سـپس همه به نزد او باز گردانـده می شوند.(۳۷)و گفتنـد: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نشـده ؟ بگو: خدا قادر است که معجزه ای فرو فرسـتد. ولی بیشترینشان نمی دانند.(۳۸)هیـچ جنبنـده ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده ای با بالهای خود در هوا نمی پرد مگر آنکه چون شما امتهایی هستند -ما در این کتاب هیچ چیزی را فرو گذار نکرده ایم- و سپس همه را در نزد پروردگارشان گرد می آورند.(۳۹)آنان که آیات ما را تکذیب کرده اند کرانند و لالانند و در - تاریکیهایند. خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد به راه راست اندازد.(۴۰)بگو: چه می بینید که اگر بر شما عذاب خدا فرود آید یا قیامت در رسد -اگر راست می گویید- باز هم جز خـدا را می خوانید.(۴۱)نه ، تنها او را می خوانیـد و اگر بخواهـد آن رنجی را که خـدا را به خاطر آن می خوانید از میان می برد و شما شریکی را که برای او ساخته اید از یاد می برید(۴۲)هر آینه بر امتهایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم و آنان را به سـختیها و آفتها دچار کردیم تا مگر زاری کنند.(۴۳)پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنها رسـید زاری نکردند؟ زیرا دلهایشان را قسـاوت فرا گرفته و شـیطان اعمالشان را در نظرشان آراسـته بود.(۴۴)چون همه انـدرزهایی را که به آنهـا داده شـده بود فراموش

کردنـد، همه درهـا را به رویشـان گشودیم تـا از آنچه یـافته بودنـد شادمـان گشـتند، پس به ناگـاه فرو گرفتیمشـان و همگـان نومید گردیدند.(۴۵)پس سپاس پروردگار جهانیان را که ریشه ستمکاران برکنده شد.(۴۶)بگو: آیا می دانید که اگر الله گوش و چشـمان شما را بازسـتاند و بر دلهایتان مهر نهد چه خدایی جز الله آنها را به شـما باز می گرداند؟ بنگر که آیات خدا را چگونه به شـیوه های گوناگون بیان می کنیم. باز هم روی بر می تابند(۴۷)بگو: چه می بینید، اگر عذاب خدا به ناگاه یا آشکارا بر شما فرود آید، آیا جز ستمکاران هلاك می شونـد.(۴۸)مـا پیـامبران را جز برای مژده دادن یـا بیم کردن نمی فرستیم. پس هر کس که ایمـان آورد و کـار شایسته کرد، بیمنـاك و محزون نمی شود.(۴۹)و به کسـانی که آیـات ما را تکـذیب کرده انـد، به کیفر نافرمانیشان، عـذاب خواهد رسید.(۵۰)بگو: به شـما نمی گویم که خزاین خدا نزد من است. و علم غیب هم نمی دانم. و نمی گویم که فرشـته ای هسـتم. تنها از چیزی پیروی می کنـم که بر من وحی شـده است. بگـو: آیـا نابینـا و بینـا یکساننـد؟ چرا نمی اندیشـید.(۵۱)آگـاه ساز به این کتاب، کسانی را که از گرد آمدن بر آستان پروردگارشان هراسناکند، که ایشان را جز او هیچ یاوری و شفیعی نیست. باشد که پرهیزگاری پیشه کنند.(۵۲)کسـانی را که هر بامـداد و شبانگاه پروردگار خویش را می خواننـد و خواسـتار خشـنودی او هسـتند، طرد مکن. نه چیزی از حسـاب آنهـا بر عهـده تو است و نه چیزی از حساب تو بر عهـده ایشان. اگر آنها را طرد کنی ، در زمره سـتمکاران درآیی .(۵۳)کسـانی را که هر بامـداد و شبانگاه پروردگـار خـویش را می خواننـد و خواسـتار خشـنودی او هسـتند، طرد مکن. نه چیزی از حساب آنها بر عهـده تو است و نه چیزی از حساب تو بر عهده ایشان. اگر آنها را طرد کنی ، در زمره سـتمکاران درآیی .(۵۴)چون ایمان آوردگان به آیات ما نزد تو آمدنـد، بگو: سـلام بر شـما، خـدا بر خویش مقرر کرده که شـما را رحمت کنـد، زیرا هر کس از شما که از روی نادانی کاری بد کند، آنگاه توبه کند و نیکوکار شود، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است.(۵۵)و این چنین آیات را به تفصیل بیان می کنیم، تا راه و رسم مجرمان آشکار گردد.(۵۶)بگو: مرا منع کرده اند که آن خدایانی را که جز الله می خوانید پرسـتش کنم. بگو: از هوسـهای شـما متـابعت نمی کنم تـا مبادا گمراه شوم و از هـدایت یافتگان نباشم.(۵۷)بگو: من از پروردگـارم دلیلی روشن دارم و شـما آن دلیل را دروغ می خوانیـد. آنچه بـدین شـتاب می طلبیـد به دست من نیست. حکم تنها حکم خداست. حقیقت را بیان می کنـد و او بهترین داوران است.(۵۸)بگو: اگر آنچه را که بدین شـتاب می طلبید به دست من بود، میان من و شما کار به پایان می رسید، زیرا خدا به ستمکاران داناتر است.(۵۹)کلیدهای غیب نزد اوست. جز او کسـی را از غیب آگاهی نیست. هر چه را که در خشکی و دریاست می داند. هیچ برگی از درختی نمی افتد مگر آنکه از آن آگاه است. و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیـچ تری و خشـکی نیست جز آنکه در کتاب مبین آمده است.(۶۰)و اوست که شـما را شب هنگام می میرانـد و هر چه در روز کرده اید می داند، آنگاه بامدادان شـما را زنده می سازد تا آن هنگام که مدت معین عمرتان به پایان رسد. سپس بازگشتتان به نزد اوست و شما را از آنچه کرده اید آگاه می کند.(۶۱)اوست قاهری فراتر از بندگانش. نگهبانانی بر شما می گمارد، تا چون یکی از شـما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما بی هیچ کوتاهی و گذشتی جان او بگیرند.(۶۲)سپس به نزد خدا، مولای حقیقی خویش باز گردانیده شوند. بدان که حکم حکم اوست و او سـریعترین حسابگران است.(۶۳)بگو: چه کسی شما را از وحشتهای خشکی و دریا می رهانـد؟ او را بـه زاری و در نهـان می خوانیـد که اگر از این مهلکه مـا را برهانـد، مـا نیز از سپاسـگزاران خـواهیم بـود.(۶۴)بگو: خداست که شـما را از آن مهلکه و از هر اندوهی می رهاند، باز هم بدو شرك می آورید.(۶۵)بگو: او قادر بر آن هست که از فراز سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شـما بفرستد، یا شما را گروه گروه در هم افکند و خشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند. بنگر که آیـات را چگونه گونـاگون بیـان می کنیم. باشـد که به فهم دریابنـد.(۶۶)قـوم تو قرآن را دروغ می شـمردند در حـالی که سخنی است بر حق. بگو: من کارسـاز شـما نیسـتم.(۶۷)به زودی خواهیـد دانست که برای هر خـبری زمـانی معین است.(۶۸)و چون ببینی که در آیـات مـا از روی عنـاد گفت و گو می کننـد از آنها رویگردان شو تا به سـخنی جز آن پردازنـد. و اگر شـیطان تو را به فراموشـی افکنـد، چـون به یـادت آمـد بـا آن مردم سـتمکاره منشـین.(۶۹)کسـانی کـه پرهیزگـاری پیشه کرده انـد به گنـاه کـافران

بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند. باشد که پرهیزگار شوند.(۷۰)و واگذار آن کسانی را که دین خویش بازیچه و لهو گرفته اند و زندگانی دنیا فریبشان داد. و به قرآن پندشان ده مبادا بر کیفر اعمال خویش گرفتار آیند. جز خدا دادرس و شفیعی ندارند. و اگر برای رهایی خویش هر گونه فدیه دهند پذیرفته نخواهد شد. اینان به عقوبت اعمال خود ماخوذند و به کیفر آنکه کافر شده اند برایشان شرابی از آب جوشان و عذابی دردآور مهیا شده است.(۷۱)بگو: آیا سوای الله کسی را بخوانیم که نه ما را سود می دهد و نه زیان می رساند؟ و آیا پس از آنکه خدا ما را هدایت کرده است، همانند آن کس که شیطان گمراهش ساخته و حیران بر روی زمین رهایش کرده ، از دین باز گردیم؟ او را یارانی است که به هدایت ندایش می دهند که نزد ما باز گردد. بگو: هدایتی که از سوی خدا باشد، هدایت واقعی است. و به ما فرمان رسیده که در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شویم.(۷۲)و نماز بخوانید و از او بترسید. اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید.(۷۳)و اوست آنکه آسمانها و زمین را به حق بیافرید. و روزی که بگوید: موجود شو، پس موجود می شود. گفتار او حق است. و در آن روز که در صور دمیده شود فرمانروایی از آن اوست. دانای نهان و آشکار است و او حکیم و آگاه است.(۷۴)و ابراهیم پدرش آزر را گفت: آیا بتان را به خدایی می گیری ؟ تو و قومت را به آشکارا در گمراهی می بینم.(۷۵)بدینسان به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان دادیم تا از اهل یقین گردد.(۷۶)چون شب او را فرو گرفت، ستاره ای دید. گفت: این است پروردگار من. چون فرو شد، گفت: فرو شوندگان را دوست ندارم.(۷۷)آنگاه ماه را دید که طلوع می کند. گفت: این است پروردگار من. چون فروشد، گفت: اگر پروردگار من مرا راه ننماید، از گمراهان خواهم بود.(۷۸)و چون خورشید را دید که طلوع می کند، گفت: این است پروردگار من، این بزرگتر است. و چون فرو شد، گفت: ای قوم من، من از آنچه شریک خدایش می دانید بیزارم(۷۹)من از روی اخلاص روی به سوی کسی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده است، و من از مشرکان نیستم.(۸۰)و قومش با او به ستیزه برخاستند. گفت: آیا درباره الله با من ستیزه می کنید، و حال آنکه او مرا هدایت کرده است؟ من از آن چیزی که شریک او می انگارید، نمی ترسم. مگر آنکه پروردگار من چیزی را بخواهد. علم پروردگار من همه چیز را در بر گرفته است. آیا پند نمی گیرید.(۸۱)چرا از آن چیزی که شریک خدایش ساخته اید بترسم در حالی که شما چیزهایی را که هیچ دلیلی درباره آنها نازل نکرده است می پرستید و بیمی به دل راه نمی دهید؟ اگر می دانید بگویید که کدام یک از این دو گروه به ایمنی سزاوارترند.(۸۲)کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خود را به شرک نمی آلایند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت یافتگانند.(۸۳)این برهان ما بود، که آن را به ابراهیم تلقین کردیم در برابر قومش. هر که را بخواهیم به درجاتی بالا ـ می بریم. هر آینه پروردگار تو حکیم و داناست.(۸۴)و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همگی را هدایت کردیم. و نوح را پیش از این هدایت کرده بودیم و از فرزندان ابراهیم داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم. و نیکوکاران را این گونه جزا دهیم.(۸۵)و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، که همه از صالحان بودند.(۸۶)و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط، که همه را بر جهانیان برتری نهادیم.(۸۷)و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان بعضی را هدایت کردیم، و ایشان را برگزیدیم و به راه راست راه نمودیم.(۸۸)این است هدایت خدا. هر که را از بندگانش خواهد بدان هدایت می کند و اگر شرک آورده بودند اعمالی که انجام داده بودند نابود می گردید.(۸۹)اینان کسانی هستند که به آنها کتاب و فرمان و نبوت داده ایم. اگر این قوم بدان ایمان نیاورند قوم دیگری را بر آن گمارده ایم که انکارش نمی کنند.(۹۰)اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به روش ایشان اقتدا، کن. بگو: در برابر آن هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، این کتاب جز اندرزی برای مردم جهان نیست.(۹۱)وقتی که می گویند که خدا بر هیچ انسانی چیزی نازل نکرده است، خدا را آنچنان که در خور اوست نشناخته اند. بگو: کتابی را که موسی برای روشنایی و هدایت مردم آورد، چه کسی بر او نازل کرده بود؟ آن را بر کاغذها نوشتید، پاره ای از آن را آشکار می سازید ولی بیشترین را پنهان می دارید. به شما چیزها آموختند که از این پیش نه شما می دانستید و نه پدرانتان می دانستند. بگو: آن الله است. آنگاه رهایشان ساز تا همچنان به انکار خویش دلخوش باشند.(۹۲)این است کتابی مبارک

که نـازل کرده ایم، تصدیقکننـده چیزی است که پیش از آن نـازل شـده است. تـا بـا آن مردم امالقری و مردم اطرافش را بیم دهی . کسانی که به روز قیامت ایمان دارند به آن نیز ایمان دارند. اینان مراقب نمازهای خویشـند.(۹۳)کیست ستمکارتر از آن کس که به خـدا دروغ بست یا گفت که به من وحی شده و حال آنکه به او هیچ چیز وحی نشده بود و آن کس که گفت: من نیز همانند آیاتی که خدا نازل کرده است، نازل خواهم کرد؟ اگر ببینی آنگاه که این سـتمکاران در سـکرات مرگ گرفتارند و ملائکه بر آنها دست گشوده اند که : جان خویش بیرون کنید، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می کنند، و این به کیفر آن است که درباره خدا به ناحق سـخن می گفتیـد و از آیات او سـرپیچی می کردید.(۹۴)هر آینه ، تنهـا تنها، آن سان که در آغاز شـما را بیافریـدیم، نزد ما آمـده ایـد در حالی که هر چه را که ارزانیتان داشـته بودیم پشت سـر نهاده ایـد و هیـچ یک از شـفیعانتان را که می پنداشتید با شـما شریکند همراهتان نمی بینیم. از هم بریده شده اید و پندار خود را گمگشـته یافته اید.(۹۵)خداست که دانه و هسته را می شکافد، و زنــده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنــده بیرون می آورد. ایـن اسـت خــدای یکتــا. پس، چگـونه از حق منحرفتـان می کنند.(۹۶)شـکوفنده صبحگاهان است و شب را برای آرامش قرار داد و خورشید و ماه را برای حساب کردن اوقات. این است تقدیر خدای پیروزمند دانا.(۹۷)اوست خـدایی که سـتارگان را پدیـد آورد تـا به آنها در تاریکیهای خشـکی و دریا، راه خویش را بیابیـد. آیـات را برای آنـان که می داننـد به تفصیل بیـان کرده ایم.(۹۸)و اوست خداونـدی که شـما را از یک تن بیافریـد. سـپس شـما را قرارگاهی است و ودیعت جایی است. آیات را برای آنان که می فهمنـد، به تفصـیل بیان کرده ایم.(۹۹)اوست خدایی که از آسمان باران فرسـتاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویانیدیم، و از آن نبات ساقه ای سبز و از آن دانه هایی بر یکدیگر چیده و نیز از جوانه های نخل خوشه هایی سر فروهشته پدید آوردیم و نیز بستانهایی از تاکها و زیتون و انار، همانند و ناهمانند. به میوه هایش آنگاه که پدید می آیند و آنگاه که می رسـند بنگرید که در آنها عبرتهاست برای آنان که ایمان می آورند.(۱۰۰)برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آنکه جن را خدا آفریده است. و بی هیچ دانشـی ، به دروغ دخترانی و پسـرانی برای او تصور کردند. او منزه است و فراتر است از آنچه وصـفش می کننـد.(۱۰۱)پدیـد آورنـده آسـمانها و زمین است. چگونه او را فرزنـدی باشـد، و حال آنکه او را همسری نیست. هر چیزی را او آفریده است و به هر چیزی داناست.(۱۰۲)این است خدای یکتا که پروردگار شماست. خدایی جز او نیست. آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید که نگهبان هر چیزی است.(۱۰۳)چشمها او را نمی بینند و او بینندگان را می بیند. دقیق و آگاه است.(۱۰۴)از سوی پروردگارتان برای شـما نشانه های روشن آمـد. هر که از روی بصـیرت می نگرد به سود اوست و هر که چشم بصیرت بر هم نهد به زیان اوست. و من نگهدارنده شما نیستم.(۱۰۵)آیات خدا را اینچنین گونه گون بیان می کنیم، تا مباد که بگویند که از کس درس گرفته ای و ما این آیات را برای اهل دانش بیان می کنیم.(۱۰۶)از هر چه از جانب پروردگارت بر تو وحی شـده است پیروی کن. هیـچ خدایی جز او نیست. و از مشـرکان روی برتاب.(۱۰۷)اگر خدا می خواست، آنان شـرک نمی آوردنـد، و ما تو را نگهبانشان نساخته ایم و تو کارسازشان نیستی .(۱۰۸)چیزهایی را که آنان به جای الله می خوانند، دشـنام مدهید که آنان نیز بی هیچ دانشی ، از روی کینه توزی به الله دشنام دهند. اینچنین عمل هر قومی را در چشمشان آراسته ایم. پس بازگشت همگـان به پروردگارشان است و او همه را از کارهایی که کرده انـد آگاه می سازد.(۱۰۹)تا آنجا که توانستند، به سختترین قسمها، به خـدا سوگنـد یاد کردنـد که اگر معجزه ای برایشان نازل شود بـدان ایمان آورند. بگو: همه معجزه ها نزد خداست و شـما از کجا می دانیـد که اگر معجزه ای نازل شود ایمان نمی آورنـد.(۱۱۰)و همچنـان که در آغـاز به آن ایمان نیاوردنـد، این بار نیز در دلها و دیدگانشان تصـرف می کنیم و آنان را سرگردان در طغیانشان رها می سازیم.(۱۱۱)و اگر ما فرشتگان را بر آنها نازل کرده بودیم و مردگان با ایشان سـخن می گفتنـد و هر چیزی را دسـته دسـته نزد آنان گرد می آوردیم، باز هم ایمان نمی آوردند، مگر اینکه خدا بخواهد. و لیک بیشترشان جاهلند.(۱۱۲)و همچنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. برای فریب یکدیگر، سخنان آراسته القا می کنند. اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند. پس با افترایی که می زنند رهایشان ساز(۱۱۳)تا آنان

که به قیامت ایمان ندارند گوش دل را بدان سپارند و پسندشان افتد و هر چه درخورشان هست انجام دهند.(۱۱۴)آیا داور دیگری جز خدا طلب کنم و حال آنکه اوست که این کتاب روشن را بر شما نازل کرده است؟ و اهل کتاب می دانند که به حق از جانب پروردگارت نازل شده است. پس، از شک آورندگان مباش.(۱۱۵)و کلام پروردگار تو در راستی و عدالت به حد کمال است. هیچ کس نیست که یارای دگرگون کردن سخن او را داشته باشد و اوست شنوا و دانا.(۱۱۶)اگر از اکثریتی که در این سرزمینند پیروی کنی ، تو را از راه خدا گمراه سازند. زیرا جز از پی گمان نمی روند و جز به دروغ سخن نمی گویند.(۱۱۷)پروردگار تو به کسانی که از راه وی دور می گردند آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.(۱۱۸)اگر به آیات خدا ایمان دارید از ذبحی که نام خدا بر آن یاد شده است بخورید.(۱۱۹)چرا از آنچه نام خدا بر آن یاد شده است نمی خورید و خدا چیزهایی را که بر شما حرام شده است به تفصیل بیان کرده است، مگر آنگاه که ناچار گردید؟ بسیاری بی هیچ دانشی دیگران را گمراه پندارهای خود کنند. هر آینه پروردگار تو به متجاوزان از حد داناتر است.(۱۲۰)و گناه را، چه آشکار باشد و چه پنهان، ترک گویید. آنان که مرتکب گناه می شوند، به سزای اعمال خود خواهند رسید.(۱۲۱)از ذبحی که نام خدا بر آن یاد نشده است مخورید که خود نافرمانی است. و شیاطین به دوستان خود القا می کنند که با شما مجادله کنند، اگر از ایشان پیروی کنید از مشرکانید.(۱۲۲)آیا آن کس که مرده بود و ما زنده اش ساختیم و نوری فرا راهش داشتیم تا بدان در میان مردم راه خود را بیابد، همانند کسی است که به تاریکی گرفتار است و راه بیرون شدن را نمی داند؟ اعمال کافران، در نظرشان اینچنین آراسته گردیده است.(۱۲۳)و بدینسان در هر قریه ای مجرمانشان را بزرگانشان قرار دادیم تا در آنجا مکر کنند، ولی نمی دانند که جز با خود مکر نمی ورزند.(۱۲۴)چون آیه ای بر آنها نازل شد، گفتند که ما ایمان نمی آوریم تا آنگاه که هر چه به پیامبران خدا داده شده به ما نیز داده شود. بگو: خدا داناتر است که رسالت خود را در کجا قرار دهد. به زودی به مجرمان به کیفر مکری که می ورزیده اند از جانب خدا خواری و عذابی شدید خواهد رسید.(۱۲۵)هر کس را که خدا خواهد که هدایت کند دلش را برای اسلام می گشاید، و هر کس را که خواهد گمراه کند قلبش را چنان فرو می بندد که گویی می خواهد که به آسمان فرا رود. بدینسان خدا به آنهایی که ایمان نمی آورند پلیدی می نهد.(۱۲۶)این است راه راست پروردگارت. آیات را برای مردمی که پند می گیرند به تفصیل بیان کرده ایم.(۱۲۷)برای آنها در نزد پروردگارشان، خانه آرامش است. و به پاداش کارهایی که می کنند، خدا دوستدار آنهاست.(۱۲۸)و روزی که همگان را گرد آورد و گوید: ای گروه جنیان، شما بسیاری از آدمیان را پیرو خویش ساختید. یارانشان از میان آدمیان گویند: ای پروردگار ما، ما از یکدیگر بهره مند می شدیم و به پایان زمانی که برای زیستن ما قرار داده بودی رسیدیم. گوید: جایگاه شما آتش است، جاودانه در آنجا خواهید بود، مگر آنچه خدا بخواهد. هر آینه پروردگار تو حکیم و داناست.(۱۲۹)و بدینسان ستمکاران را به کیفر کارهایی که می کردند به یکدیگر وا می گذاریم.(۱۳۰)ای گروه جنیان و آدمیان، آیا بر شما پیامبرانی از خودتان فرستاده نشده تا آیات مرا برایتان بخوانند و شما را از دیدار چنین روزی بترسانند؟ گویند: ما به زیان خویش گواهی می دهیم. زندگی دنیایی آنان را بفریفت و به زیان خود گواهی دادند، که از کافران بودند.(۱۳۱)و این بدان سبب است که پروردگار تو مردم هیچ قریه ای را که بی خبر بودند از روی ستم هلاک نمی کرد.(۱۳۲)برای هر یک برابر اعمالی که انجام داده اند درجاتی است، که پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست.(۱۳۳)و پروردگار تو بی نیاز و مهربان است. و همچنان که شما را از نسل مردمان دیگر بیافریده است، اگر بخواهد، شما را می برد و پس از شما، هر چه را که بخواهد، جانشینتان می سازد.(۱۳۴)هر چه به شما وعده داده اند خواهد آمد و شما را راه گریزی نیست.(۱۳۵)بگو: ای قوم من، هر چه از دستتان بر می آید بکنید که من نیز می کنم، به زودی خواهید دانست که پایان این زندگی به سود که خواهد بود، هر آینه ستمکاران رستگار نمی شوند.(۱۳۶)برای خدا از کشته ها و چارپایانی که آفریده است نصیبی معین کردند و به خیال خود گفتند که این از آن خداست و این از آن بتان ماست. پس آنچه از آن بتانشان بود به خدا نمی رسید، و آنچه از آن خدا بود به بتانشان می رسید. به گونه ای بد داوری می کردند.(۱۳۷)همچنین، کاهنان، کشتن

فرزند را در نظر بسیاری از مشرکان بیاراستند تا هلاکشان کنند و درباره دینشان به شک و اشتباهشان افکنند. اگر خدا می خواست چنین نمی کردند. پس با دروغی که می بافند رهایشان ساز.(۱۳۸)از روی پندار گفتند: اینها چارپایان و کشتزاران ممنوع است. هیچ کس جز آنکه ما بخواهیم، نباید از آنها بخورد. و اینها چارپایانی است که سوار شدنشان حرام است و اینها چارپایانی است که نام خدا را بر آنها یاد نکنند به خدا افترا، می بندند و به زودی به کیفر افترایی که می بسته اند جز ایشان را خواهد داد.(۱۳۹)و گفتند: آنچه در شکم این چارپایان است برای مردان ما حلال و برای زنانمان حرام است، و اگر مردار باشد زن و مرد در آن شریکند. خدا به سبب این گفتار مجازاتشان خواهد کرد. هر آینه او حکیم و داناست.(۱۴۰)زیان کردند کسانی که به سفاهت بی هیچ حجتی فرزندان خود را کشتند و به خدا دروغ بستند و آنچه را به ایشان روزی داده بود حرام کردند. اینان گمراه شده اند و راه هدایت را نیافته اند.(۱۴۱)و اوست که باغهایی آفرید نیازمند به داربست و بی نیاز از داربست، و درخت خرما و کشتزار، با طعمهای گوناگون، و زیتون و انار، همانند، در عین حال ناهمانند. چون ثمره آوردند از آنها بخورید و در روز درو حق آن را نیز بپردازید و اسراف مکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد.(۱۴۲)و نیز، چارپایانی که بار می برند یا در خور بار برداشتن نیستند. از آنچه خدا به شما روزی داده است بخورید و از شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست.(۱۴۳)هشت لنگه : از گوسفند، نر و ماده و از بز، نر و ماده . بگو: آیا آن دو نر را حرام کرده است یا آن دو ماده را یا آنچه را در شکم مادگان است؟ اگر راست می گویید از روی علم به من خبر دهید.(۱۴۴)و از شتر نر و ماده و از گاو نر و ماده ، بگو: آیا آن دو نر را حرام کرده است یا آن دو ماده را یا آنچه را که در شکم مادگان است؟ آیا آن هنگام که خدا چنین فرمان می داد شما آنجا بودید؟ پس چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که به خدا دروغ می بندد تا از روی بی خبری مردم را گمراه کند؟ هر آینه خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.(۱۴۵)بگو: در میان آنچه بر من وحی شده است چیزی را که خوردن آن حرام باشد نمی یابم، جز مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است یا حیوانی که در کشتنش مرتکب نافرمانی شوند و جز با گفتن نام الله ذبحش کنند. اگر کسی ناچار به خوردن گردد هر گاه بی میلی جوید و از حد نگذراند بداند که خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۴۶)و بر یهود حرام کردیم هر حیوان صاحب ناخنی را و از گاو و گوسفند پیه آن دو را جز آنچه بر پشت آنهاست یا بر چرب روده آنهاست یا به استخوانشان چسبیده باشد. به سبب ستمکاریشان اینچنین کیفرشان دادیم، و ما راستگویانیم.(۱۴۷)اگر تو را تکذیب کردند، بگو: پروردگار شما صاحب رحمتی گسترده است، و خشم و عذابش از مجرمان بازداشته نخواهد شد.(۱۴۸)مشرکان خواهند گفت: اگر خدا می خواست، ما و پدرانمان مشرک نمی شدیم و چیزی را حرام نمی کردیم. همچنین کسانی که پیش از آنها بودند پیامبران را تکذیب کردند و خشم و عذاب ما را چشیدند. بگو: اگر شما را دانشی هست آن را برای ما آشکار سازید. ولی شما، تنها، از گمان خویش پیروی می کنید و گزافه گویانی بیش نیستید.(۱۴۹)بگو: خاص خداست دلیل محکم و رسا، اگر می خواست همه شما را هدایت می کرد.(۱۵۰)بگو: گواهانتان را که گواهی می دهند که خدا این یا آن را حرام کرده است بیاورید. پس اگر گواهی دادند تو با آنان گواهی مده ، و از خواسته های آنان که آیات ما را تکذیب کرده اند و به آخرت ایمان ندارند و کسانی را با پروردگارشان برابر می دارند، پیروی مکن.(۱۵۱)بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم. اینکه به خدا شرک میاورید. و به پدر و مادر نیکی کنید. و از بیم درویشی فرزندان خود را مکشید. ما به شما و ایشان روزی می دهیم. و به کارهای زشت چه پنهان و چه آشکارا نزدیک مشوید. و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است -مگر به حق- مکشید. اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می کند، باشد که به عقل دریابید.(۱۵۲)به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح او باشد تا به سن بلوغ رسد.و پیمانه و وزن را از روی عدل تمام کنید. ما به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. و هرگاه سخن گویید عادلانه گویید هرچند به زیان خویشاوندان باشد. و به عهد خدا وفا کنید. اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می کند، باشد که پند گیرید.(۱۵۳)و این است راه راست من. از آن پیروی کنید و به راههای گوناگون مروید که

شما را از راه خدا پراکنده می سازد. اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می کند، شاید پرهیزگار شوید.(۱۵۴)سپس به موسی کتاب دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده است نعمت را تمام کنیم و برای بیان هر چیزی و نیز برای راهنمایی و رحمت. باشد که به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند.(۱۵۵)این کتابی است مبارک. آن را نازل کرده ایم. پس، از آن پیروی کنید و پرهیزگار باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.(۱۵۶)تا نگویید که تنها بر دو طایفه ای که پیش از ما بودند کتاب نازل شده و ما از آموختن آنها غافل بوده ایم.(۱۵۷)یا نگویید که اگر بر ما نیز کتاب نازل می شد بهتر از آنان به راه هدایت می رفتیم. بر شما نیز از جانب پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت فرا رسید. پس چه کسی ستمکارتر از آن کس است که آیات خدا را دروغ پنداشت و از آنها رویگردان شد؟ به زودی کسانی را که از آیات ما رویگردان شده اند به سبب این اعراضشان به عذابی بد کیفر خواهیم داد.(۱۵۸)آیا انتظاری جز آن دارند که فرشتگان نزدشان بیایند؟ یا پروردگارت؟ یا نشانه ای از نشانه های خدا بر آنها ظاهر شود؟ روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو: چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.(۱۵۹)تو را با آنها که دین خویش فرقه فرقه کردند و دسته دسته شدند، کاری نیست. کار آنها با خداست. و خدا آنان را به کارهایی که می کردند آگاه می سازد.(۱۶۰)هر کس کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش دهند، و هر که کار بدی انجام دهد تنها همانند آن کیفر بیند، تا ستمی بر آنها نرفته باشد.(۱۶۱)بگو: پروردگار من مرا به راه راست هدایت کرده است، به دینی همواره استوار، دین حنیف ابراهیم. و او از مشرکان نبود.(۱۶۲)بگو: نماز من و قربانی من و زندگی من و مرگ من برای خدا آن پروردگار جهانیان است.(۱۶۳)او را شریکی نیست. به من چنین امر شده است، و من از نخستین مسلمانانم.(۱۶۴)بگو: آیا جز الله ، پروردگاری جویم؟ او پروردگار هر چیزی است و هر کس تنها کیفر کار خویش را می بیند. و کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. سپس بازگشت همه شما به نزد پروردگارتان است و او شما را به آن چیزهایی که در آن اختلاف می ورزیدید آگاه می کند.(۱۶۵)اوست خدایی که شما را خلیفگان زمین کرد، و بعضی را بر بعض دیگر به درجاتی برتری داد، تا شما را در چیزی که عطایتان کرده است بیازماید. هر آینه پروردگارت زود کیفر می دهد و او آمرزنده و مهربان است.(۱۶۶)

الأعراف

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، میم، صاد.(۲)کتابی است که بر تو نازل شده ، در دل تو از آن تردیدی نباشد، تا به آن بیم دهی و مومنان را پندی باشد.(۳)از آنچه از جانب پروردگارتان برایتان نازل شده است پیروی کنید و سوای او، از خدایان دیگر متابعت مکنید. شما چه اندک پند می پذیرید.(۴)چه بسا قریه هایی که مردمش را به هلاکت رسانیدیم، و عذاب ما شب هنگام یا آنگاه که به خواب نیمروزی فرو رفته بودند، به آنان در رسید.(۵)چون عذاب ما به آنان در رسید سخنشان جز این نبود که گفتند: ما ستمکار بودیم.(۶)البته از مردمی که برایشان پیامبرانی فرستاده شده و نیز از پیامبرانی که فرستاده شده اند سوال خواهیم کرد.(۷)و از هر چه کرده اند با آگاهی تمام برایشان حکایت خواهیم کرد، زیرا ما هرگز غایب نبوده ایم.(۸)در آن روز، وزن کردن به حق خواهد بود. آنها که ترازویشان سنگین است رستگارانند.(۹)آنان که ترازوی اعمالشان سبک گشته است کسانی هستند که به آیات ما ایمان نیاورده بودند و از این رو به خود زیان رسانیده اند.(۱۰)در زمین جایگاهتان دادیم و راههای معیشتتان را در آن قرار دادیم. و چه اندک سپاس می گزارید.(۱۱)و شما را بیافریدیم، و صورت بخشیدیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید. همه ، جز ابلیس، سجده کردند و ابلیس در شمار سجده کنندگان نبود.(۱۲)خدا گفت: وقتی تو را به سجده فرمان دادم، چه چیز تو را از آن باز داشت؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده ای و او را از گل.(۱۳)گفت: از این مقام فرو شو. تو را چه رسد که در آن گردنکشی کنی . بیرون رو که تو از خوار شدگانی .(۱۴)گفت: مرا تا روز قیامت که زنده می شوند مهلت ده .(۱۵)گفت: تو از

مهلت یافتگانی .(۱۶)گفت: حال که مرا نومید ساخته ای ، من هم ایشان را از راه راست تو منحرف می کنم.(۱۷)آنگاه از پیش و از پس و از چپ و از راست بر آنها می تازم. و بیشترینشان را شکرگزار نخواهی یافت.(۱۸)گفت: از اینجا بیرون شو، منفور مطرود. از کسانی که پیروی تو گزینند و از همه شما جهنم را خواهم انباشت.(۱۹)ای آدم، تو و همسرت در بهشت مکان گیرید. از هرجا که خواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک مشوید که در شمار بر خویش ستمکنندگان خواهید شد.(۲۰)پس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا شرمگاهشان را که از آنها پوشیده بود در نظرشان آشکار کند. و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع کرد تا مباد از فرشتگان یا جاویدانان شوید.(۲۱)و برایشان سوگند خورد که نیکخواه شمایم.(۲۲)و آن دو را بفریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند شرمگاههایشان آشکار شد و به پوشیدن خویش از برگهای بهشت پرداختند. پروردگارشان ندا داد: آیا شما را از آن درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم که شیطان به آشکارا دشمن شماست.(۲۳)گفتند: ای پروردگار ما، به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری از زیان دیدگان خواهیم بود.(۲۴)گفت: فرو شوید، برخی دشمن برخی دیگر، و تا روز قیامت زمین قرارگاه و جای تمتع شما خواهد بود.(۲۵)گفت: در آنجا زندگی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آن بیرون آورده شوید.(۲۶)ای فرزندان آدم، برای شما جامه ای فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشد و نیز جامه زینت. و جامه پرهیزگاری از هر جامه ای بهتر است. و این یکی از آیات خداست، باشد که پند گیرند.(۲۷)ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد، همچنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند، لباس از تنشان کند تا شرمگاهشان را به ایشان بنمایاند. او و قبیله اش از جایی که آنها را نمی بینید شما را می بینند. ما شیطانها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.(۲۸)چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را نیز چنین یافته ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو: خدا به زشتکاری فرمان نمی دهد. چرا چیزهایی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید.(۲۹)بگو: پروردگار من به عدل فرمان داده است، و به هنگام هر نماز روی به جانب او دارید و او را با ایمان خالص بخوانید. و همچنان که شما را آفریده است باز می گردید.(۳۰)فرقه ای را هدایت کرده و فرقه ای گمراهی را درخورند. اینان شیطانها را به جای خدا به دوستی گرفتند و می پندارند که هدایت یافته اند.(۳۱)ای فرزندان آدم، به هنگام هر عبادت لباس خود بپوشید. و نیز بخورید و بیاشامید ولی اسراف مکنید، که خدا اسرافکاران را دوست نمی دارد.(۳۲)بگو: چه کسی لباسهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده ، و خوردنیهای خوش طعم را حرام کرده است؟ بگو: این چیزها در این دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و در روز قیامت نیز خاص آنها باشد. آیات خدا را برای دانایان اینچنین به تفصیل بیان می کنیم.(۳۳)بگو: پروردگار من زشتکاریها را چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز گناهان و افزونی جستن به ناحق را، حرام کرده است، و نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است، یا درباره خدا چیزهایی بگویید که نمی دانید.(۳۴)هر امتی را مدت عمری است. چون اجلشان فراز آید، یک ساعت پیش و پس نشوند.(۳۵)ای فرزندان آدم، هرگاه پیامبرانی از خود شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، کسانی که پرهیزگاری کنند و به صلاح آیند بیمی بر آنها نیست و خود غمگین نمی شوند.(۳۶)و آنها که آیات ما را به دروغ نسبت داده و از آن سر برتافته اند اهل جهنمند و جاودانه در آن خواهند بود.(۳۷)کیست ستمکارتر از آن که به خدا دروغ بندد یا آیات او را دروغ انگارد؟ نصیبی که برایشان مقرر شده به آنها خواهد رسید. آنگاه که فرستادگان ما بیایند تا جانشان را بگیرند، می پرسند: آن چیزهایی که به جای خدا پرستش می کردید، اکنون کجایند؟ گویند: تباه شدند و از دست ما رفتند. و در این حال به زیان خود شهادت دهند، که کافر بوده اند.(۳۸)گوید: به میان امتهایی که پیش از شما بوده اند، از جن و انس، در آتش داخل شوید. هر امتی که به آتش داخل شود امت همکیش خود را لعنت کند. تا چون همگی در آنجا گرد آیند، گروههایی که پیرو بوده اند درباره گروههایی که پیشوا بوده اند گویند: پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، دوچندان در آتش عذابشان کن. گوید: عذاب همه دو چندان است ولی شما نمی دانید.(۳۹)پیشوایان به پیروان گویند: شما را بر ما هیچ برتری نیست، اینک به کیفر کارهایی که کرده بودید عذاب را بچشید.(۴۰)درهای آسمان بر روی کسانی

که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آنها سر برتافته اند، گشوده نخواهد شد و به بهشت در نخواهند آمد تا آنگاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد. و مجرمان را اینچنین کیفر می دهیم.(۴۱)بستری از آتش جهنم در زیر و پوششی از آتش جهنم بر روی دارند. و ستمکاران را اینچنین کیفر می دهیم.(۴۲)به هیچ کس جز اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند اهل بهشتند و در آنجا جاویدانند.(۴۳)و هر گونه کینه ای را از دلشان بر می کنیم. نهرها در زیر پایشان جاری است. گویند: سپاس خدایی را که ما را بدین راه رهبری کرده و اگر ما را رهبری نکرده بود، راه خویش نمی یافتیم. رسولان پروردگار ما به حق آمدند. و آنگاه ایشان را ندا دهند که با پاداش کارهایی که می کردید این بهشت را به شما داده اند.(۴۴)بهشتیان دوزخیان را آواز دهند که ما به حقیقت یافتیم آنچه را که پروردگارمان وعده داده بود، آیا شما نیز به حقیقت یافته اید آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود؟ گویند: آری . آنگاه آوازدهنده ای در آن میان آواز دهد که لعنت خدا بر کافران باد(۴۵)آنان که از راه خدا روی بر می گردانند و آن را کجروی می پندارند و به قیامت ایمان ندارند.(۴۶)و میانشان حایلی است، و بر اعراف مردانی هستند که همه را به نشانیشان می شناسند و اهل بهشت را آواز می دهند که سلام بر شما باد. اینان هرچند طمع بهشت دارند ولی هنوز بدان داخل نشده اند.(۴۷)چون چشم به جانب دوزخیان گردانند گویند: ای پروردگار ما، ما را در شمار ستمکاران قرار مده .(۴۸)ساکنان اعراف مردانی را که از نشانیشان می شناسند آواز دهند و گویند: آن خواسته که گرد آورده بودید و آن همه سرکشی که داشتید شما را فایده ای نبخشید.(۴۹)آیا اینان همان کسانند که شما سوگند خورده بودید که رحمت خداوند نصیبشان نمی شود؟ داخل در بهشت شوید، نه بیمی بر شماست و نه غمگین می شوید.(۵۰)دوزخیان بهشتیان را آواز دهند که اندکی آب یا از چیزهایی که خدا به شما ارزانی کرده است بر ما فرو ریزید. گویند: خدا آنها را بر کافران حرام کرده است.(۵۱)امروز آنان را که دین خویش لهو و بازیچه پنداشتند و زندگی دنیا فریبشان داده بود فراموش می کنیم، همچنان که آنها نیز رسیدن به این روز را از یاد برده بودند و آیات ما را تکذیب می کردند.(۵۲)برای هدایت مومنان و بخشایش به ایشان کتابی آوردیم که در آن هرچیز را از روی دانش به تفصیل بیان کرده ایم.(۵۳)آیا جز نتیجه اعمال انتظاری دارند؟ روزی که نتیجه اعمال پدیدار شود، کسانی که آن روز را از یاد برده بودند می گویند: پیامبران پروردگار ما به حق آمدند. آیا شفیعانی هستند که ما را شفاعت کنند؟ یا آنکه کسی هست که ما را بازگرداند تا کارهای دیگری جز آن کارها که می کردیم، انجام دهیم؟ به خود زیان رسانیدند و آن بتان را که به دروغ ساخته بودند اینک از دست داده اند.(۵۴)پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. پس به عرش پرداخت. شب را در روز می پوشاند و روز شتابان آن را می طلبد. و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که او راست آفرینش و فرمانروایی . خدا آن پروردگار جهانیان به غایت بزرگ است.(۵۵)پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد.(۵۶)در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید. و خدا را از روی بیم و امید بخوانید. و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.(۵۷)و اوست که پیشاپیش رحمت خود بادها را به بشارت می فرستد. چون بادها ابرهای گرانبار را بردارند، ما آن را به سرزمینهای مرده روان سازیم و از آن باران می فرستیم و به باران هر گونه ثمره ای را می رویانیم.مردگان را نیز اینچنین زنده می گردانیم شاید پند گیرید.(۵۸)و سرزمین خوب گیاه آن به فرمان پروردگارش می روید، و زمین بد جز اندک گیاهی از آن پدید نمی آید. برای مردمی که سپاس می گویند آیات خدا را اینچنین گونه گون بیان می کنیم.(۵۹)نوح را بر قومش به رسالت فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را بپرستید، شما را خدایی جز او نیست، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.(۶۰)مهتران قومش گفتند: تو را به آشکارا در گمراهی می بینیم.(۶۱)گفت: ای قوم من، گمراهی را در من راهی نیست، من پیامبری از جانب پروردگار جهانیانم.(۶۲)پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و شما را اندرز می دهم و از خدا، آن می دانم که شما نمی دانید.(۶۳)آیا از اینکه بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتان وحی نازل شده است تا شما را بترساند و پرهیزگاری کنید و کاری کند که مورد رحمت قرار گیرید، به شگفت آمده اید.(۶۴)پس تکذیبش کردند و ما او و

کسانی را که با او در کشتی بودند رهانیدیم و آنان را که آیات ما را دروغ می انگاشتند غرقه ساختیم، که مردمی بی بصیرت بودند.(۶۵)و بر قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست، و چرا نمی پرهیزید.(۶۶)مهتران قوم او که کافر شده بودند، گفتند: می بینیم که به بی خردی گرفتار شده ای و پنداریم که از دروغگویان باشی .(۶۷)گفت: ای قوم من، در من نشانی از بی خردی نیست، من پیامبر پروردگار جهانیانم.(۶۸)پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و شما را اندرزگویی امینم.(۶۹)آیا از اینکه بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتان وحی نازل شده است تا شما را بترساند، تعجب می کنید؟ به یاد آرید آن زمان را که شما را جانشین قوم نوح ساخت و به جسم فزونی داد. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار گردید.(۷۰)گفتند: آیا نزد ما آمده ای تا تنها الله را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می گویی آنچه را که به ما وعده می دهی بیاور.(۷۱)گفت: عذاب و خشم پروردگارتان حتما بر شما نازل خواهد شد. آیا درباره این بتهایی که خود و پدرانتان بدین نامها نامیده اید و خدا هیچ دلیلی بر آنها نازل نساخته است، با من ستیزه می کنید؟ به انتظار بمانید من هم با شما به انتظار می مانم.(۷۲)هود و همراهانش را به پایمردی رحمت خویش رهانیدیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاورده بودند از ریشه برکندیم.(۷۳)بر قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را بپرستید، شما را هیچ خدایی جز او نیست، از جانب خدا برای شما نشانه ای آشکار آمد. این ماده شتر خدا، برایتان نشانه ای است. رهایش کنید تا در زمین خدا بچرد و هیچ آسیبی به او نرسانید که عذابی دردآور شما را فرا خواهد گرفت.(۷۴)به یاد آرید آن زمان را که شما را جانشینان قوم عاد کرد و در این زمین جای داد تا بر روی خاکش قصرها برافرازید و در کوهستانهایش خانه هایی بکنید. نعمتهای خدا را یاد کنید و در زمین تبهکاری و فساد مکنید.(۷۵)مهتران قومش که گردنکشی می کردند، به زبون شدگان قوم که ایمان آورده بودند گفتند: آیا می دانید که صالح از جانب پروردگارش آمده است؟ گفتند: ما به آیینی که بدان مامور شده ایمان داریم.(۷۶)گردنکشان گفتند: ما به کسی که شما ایمان آورده اید ایمان نمی آوریم.(۷۷)پس ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سر باززدند و گفتند: ای صالح، اگر پیامبر هستی آنچه را به ما وعده می دهی بیاور.(۷۸)پس زلزله ای سخت آنان را فرو گرفت و در خانه های خود برجای مردند.(۷۹)صالح از آنان روی برگردانید و گفت: ای قوم من، رسالت پروردگارم را به شما رسانیدم و اندرزتان دادم ولی شما نیکخواهان را دوست ندارید.(۸۰)و لوط را فرستادیم. آنگاه به قوم خود گفت: چرا کاری زشت می کنید، که هیچ کس از مردم جهان پیش از شما نکرده است.(۸۱)شما به جای زنان با مردان شهوت می رانید. شما مردمی تجاوزکار هستید.(۸۲)جواب قوم او جز این نبود که گفتند: آنها را از قریه خود برانید که آنان مردمی هستند که از کار ما بیزاری می جویند.(۸۳)لوط و خاندانش را نجات دادیم. جز زنش که با دیگران در شهر ماند.(۸۴)بر آنها بارانی باریدیم، بنگر که عاقبت مجرمان چگونه بود.(۸۵)و بر مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را بپرستید، شما را خدایی جز او نیست، از جانب پروردگارتان نشانه ای روشن آمده است. پیمانه و ترازو را تمام ادا کنید و به مردم کم مفروشید و از آن پس که زمین به صلاح آمده است در آن فساد مکنید، که اگر ایمان آورده اید، این برایتان بهتر است.(۸۶)و بر سر راهها منشینید تا مومنان به خدا را بترسانید و از راه خدا بازدارید و به کجروی وادارید. و به یاد آرید آنگاه که اندک بودید، خدا بر شمار شما افزود. و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بوده است.(۸۷)اگر گروهی از شما به آنچه من از جانب خدا بدان مبعوث شده ام، ایمان آورده اند و گروهی هنوز ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خدا میان ما حکم کند که او بهترین داوران است.(۸۸)مهتران قومش که سرکشی پیشه کرده بودند گفتند: ای شعیب، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند از قریه خویش می رانیم مگر آنکه به آیین ما برگردید. گفت: و هرچند از آن کراهت داشته باشیم.(۸۹)پس از آنکه خدا ما را از کیش شما رهانیده است اگر بدان باز گردیم، بر خدا دروغ بسته باشیم، و ما دیگر بار بدان کیش باز نمی گردیم، مگر آنکه خدا آن پروردگارما خواسته باشد. زیرا علم پروردگار ما بر همه چیز احاطه دارد. ما بر خدا توکل می کنیم. ای پروردگار ما، میان ما و قوم ما به حق، راهی بگشا که تو بهترین

راهگشایان هستی .(۹۰)مهتران قومش که کافر بودنـد، گفتنـد: اگر از شـعیب پیروی کنید سـخت زیان کرده اید.(۹۱)پس زلزله ای سخت آنان را فرو گرفت و در خانه های خود بر جای مردند.(۹۲)آنان که شعیب را به دروغگویی نسبت دادند، گویی که هرگز در آن دیار نبوده اند. آنان که شعیب را به دروغگویی نسبت دادند خود زیان کردند.(۹۳)پس، از آنها رویگردان شد و گفت: ای قوم من، هر آینه پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و اندرزتان دادم. چگونه بر مردمی کافر اندوهگین شوم.(۹۴)و ما هیچ پیامبری را به هیـچ قریه ای نفرسـتادیم مگر آنکه ساکنانش را به سـختی و بیماری گرفتار کردیم، باشـد که تضـرع کنند.(۹۵)آنگاه جای بلا و محنت را به خوشـی و خوبی سپردیم، تا شـمارشان افزون شـد و گفتند: آن پدران ما بودند با سـختی و بهروزی . ناگهان آنان را بی خبر فرو گرفتیم.(۹۶)اگر مردم قریـه هـا ایمـان آورده و پرهیزگـاری پیشـه کرده بودنـد برکـات آسـمان و زمیـن را بـه رویشـان می گشودیم، ولی پیامبران را به دروغگویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان مواخذه شان کردیم.(۹۷)آیا مردم قریه ها پنداشتند از اینکه عـذاب ما شب هنگام که به خواب رفته انـد بر سـر آنها بیاید، درامانند.(۹۸)و آیا مردم قریه ها پنداشـتند از اینکه عـذاب ما به هنگـام چـاشت که به بـازیچه مشغولند بر سـر آنها بیایـد، درامانـند.(۹۹)آیـا پنداشــتند کـه از مکر خـدا درامانـند؟ از مکر خـدا جز زیانکاران ایمن ننشینند.(۱۰۰)آیا برای آنان که زمین را از پیشـینیان به ارث برده انـد، باز ننموده است که اگر بخواهیم آنها را نیز به کیفر گناهانشان به عقوبت می رسانیم و بر دلهایشان مهر می نهیم تا شـنیدن نتوانند.(۱۰۱)اینها قریه هایی است که ما اخبارشان را بر تو حکایت کنیم. پیامبرانشان با دلایل روشن آمدنـد. و به آن چیزها که از آن پیش دروغ خوانـده بودنـد، ایمان نیاوردنـد. و خـدا بر دلهـای کافران اینچنین مهر می نهـد.(۱۰۲)در بیشترینشـان وفـای به عهـد نیافتیم و بیشترین را جز نافرمانان ندیـدیم.(۱۰۳)بعد از آنها موسـی را بـا آیاتمـان بر فرعـون و قـومش مبعـوث داشـتیم. بـه خلافـش برخاسـتند. اینـک بنگر کـه عـاقبت مفسـدان چگـونه بـوده است.(۱۰۴)موسی گفت: ای فرعون، من پیامبری از جانب پروردگار عالمیانم.(۱۰۵)شایسته است که درباره خدا جز به راستی سخن نگویم. من همراه بـا معجزه ای از جـانب پروردگارتان آمـده ام. بنی اسـرائیل را با من بفرست.(۱۰۶)گفت: اگر راست می گـویی و معجزه ای به همراه داری ، آن را بیـاور.(۱۰۷)عصایش را انداخت، اژدهایی راستین شد.(۱۰۸)و دستش را بیرون آورد، در نظر آنان که می دیدند سـفید و درخشان بود.(۱۰۹)مهتران قوم فرعون گفتنـد: این جادوگری است دانا.(۱۱۰)می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کنـد، چه می فرمایید.(۱۱۱)گفتنـد: او و برادرش را نگهدار و کسان به شـهرها بفرست.(۱۱۲)تـا همه جادوگران دانا را نزد تو بیاورند.(۱۱۳)جـادوگران نزد فرعـون آمدنـد و گفتنـد: اگر غلبه یـابیم، مـا را پاداشـی هست.(۱۱۴)گفـت: آری ، و شـما از مقربـان خواهید بود.(۱۱۵)گفتنـد: ای موسـی ، آیـا نخست تو می افکنی ، یـا ما بیفکنیم.(۱۱۶)گفت: شـما بیفکنید. چون افکندند، دیدگان مردم را جادو کردند و آنان را ترسانیدند و جادویی عظیم آوردند.(۱۱۷)و به موسی وحی کردیم که عصای خود را بیفکن. به ناگاه دیدند که همه جادوهایشان را می بلعد.(۱۱۸)پس حق به ثبوت رسـید و کارهای آنان باطل شد.(۱۱۹)در همان جا مغلوب شدند، و خوار و زبون بازگشـتند.(۱۲۰)جادوگران به سـجده وادار شدند.(۱۲۱)گفتنـد: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم،(۱۲۲)پروردگار موسی و هارون.(۱۲۳)فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟ این حیله ای است که درباره این شهر اندیشیده ایـد تا مردمش را بیرون کنیـد. به زودی خواهید دانست.(۱۲۴)دسـتها و پاهایتان را به خلاف یکـدیگر خواهم برید و همگی تـان را برادر خواهم کرد.(۱۲۵)گفتنـد: ما به نزد پروردگارمان باز می گردیم.(۱۲۶)خشم بر مـا نمی گیری ، جز آنکه چون نشـانه هـای پروردگارمـان بر مـا آشـکار شـد بـه آنهـا ایمـان آوردیـم. ای پروردگـار مـا، بر مـا شـکیبایی ببـار و مـا را مسـلمان بمیران.(۱۲۷)مهتران قوم فرعون گفتنـد: آیا موسـی و قومش را می گـذاری تا در زمین فساد کننـد و تو و خـدایانت را ترک گوید؟ گفت: پسـرانشان را خواهم کشت و زنانشـان را زنـده خواهم گـذاشت. مـا بالاـتر از ایشـانیم و بر آنها غلبه می یابیم.(۱۲۸)موسی به قومش گفت: از خـدا مـدد جوییـد و صبر پیشه سازیـد که این زمین از آن خـداست و به هر کس از بنـدگانش که بخواهد آن را به میراث می دهد. و سـرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.(۱۲۹)گفتنـد: پیش از آنکه تو بیایی در رنـج بودیم و پس از آنکه آمدی

باز در رنجیم. گفت: امید است که پروردگارتان دشمنتان را هلاک کند و شما را در روی زمین جانشین او گرداند. آنگاه بنگرد که چه می کنید.(۱۳۰)قوم فرعون را به قحط و نقصان محصول مبتلا کردیم، شاید پند گیرند.(۱۳۱)چون نیکیی نصیبشان می شد می گفتند: حق ماست. و چون بدیی به آنها می رسید، موسی و همراهانش را بدشگون می دانستند. آگاه باشید، آن نیک و بد که به ایشان رسد از خداست، ولی بیشترینشان نمی دانند.(۱۳۲)و گفتند: هر گونه نشانه ای برای ما بیاوری که ما را بدان مسحور کنی به تو ایمان نخواهیم آورد.(۱۳۳)ما نیز بر آنها نشانه هایی آشکار و گوناگون چون طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و خون فرستادیم. باز سرکشی کردند، که مردمی مجرم بودند.(۱۳۴)و چون عذاب بر آنها فرود آمد، گفتند: ای موسی ، بدان عهدی که خدا را با تو هست او را بخوان، که اگر این عذاب از ما دور کنی به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را با تو می فرستیم.(۱۳۵)چون تا آن زمان که قرار نهاده بودند عذاب را از آنها دور کردیم، پیمان خود را شکستند.(۱۳۶)پس، از ایشان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم. زیرا آیات ما را دروغ می انگاشتند و از آنها غفلت می ورزیدند.(۱۳۷)و به آن مردمی که به ناتوانی افتاده بودند، شرق و غرب آن سرزمین را که برکت داده بودیم به میراث دادیم، و وعده نیکویی که پروردگار تو به بنی اسرائیل داده بود بدان سبب که شکیبایی ورزیده بودند، به کمال رسید و هر چه را فرعون و قومش می ساختند و کاخهایی را که بر می افراشتند ویران کردیم.(۱۳۸)و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. بر قومی گذشتند که به پرستش بتهای خود دل بسته بودند. گفتند: ای موسی ، همان طور که آنها را خدایانی است برای ما هم خدایی بساز. گفت: شما مردمی بی خرد هستید.(۱۳۹)آنچه اینان در آنند، نابود شونده و کاری که می کنند باطل است.(۱۴۰)گفت: آیا جز الله ، برایتان خدایی بجویم، و حال آنکه اوست که شما را بر جهانیان برتری بخشید.(۱۴۱)و شما را از آل فرعون رهانیدیم. به عذابهای سختتان می آزردند، پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در این از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود.(۱۴۲)سی شب با موسی وعده نهادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم تا وعده پروردگارش چهل شب کامل شد. و موسی به برادرش هارون گفت: بر قوم من جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و به طریق مفسدان مرو.(۱۴۳)چون موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، گفت: ای پروردگار من، بنمای ، تا در تو نظر کنم. گفت: هرگز مرا نخواهی دید. به آن کوه بنگر، اگر بر جای خود قرار یافت، تو نیز مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی بیهوش بیفتاد. چون به هوش آمد گفت: تو منزهی ، به تو بازگشتم و من نخستین مومنانم.(۱۴۴)گفت: ای موسی ، من تو را به پیامهایم و سخن گفتنم از میان مردم برگزیدم، پس آنچه را به تو داده ام فراگیر و از سپاسگزاران باش.(۱۴۵)برای او در آن الواح هر گونه اندرز و تفصیل هرچیز را نوشتیم. پس گفتیم: آن را به نیرومندی بگیر، و قومت را بفرمای تا به بهترین آن عمل کنند، به زودی جایگاه نافرمانان را به شما نشان دهم.(۱۴۶)آن کسانی را که به ناحق در زمین سرکشی می کنند، زودا که از آیات خویش رویگردان سازم، چنان که هر آیتی را که ببینند ایمان نیاورند و اگر طریق هدایت ببینند از آن نروند و اگر طریق گمراهی ببینند از آن بروند. زیرا اینان آیات را دروغ انگاشتند و از آن غفلت ورزیدند.(۱۴۷)و اعمال آنان که آیات ما و دیدار قیامت را دروغ انگاشتند، ناچیز شد. آیا جز در مقابل کردارشان کیفر خواهند دید.(۱۴۸)قوم موسی بعد از او از زیورهایشان تندیس گوساله ای ساختند که بانگ می کرد. آیا نمی بینند که آن گوساله با آنها سخن نمی گوید و ایشان را به هیچ راهی هدایت نمی کند؟ آن را به خدایی گرفتند و بر خود ستم کردند.(۱۴۹)و چون از آن کار پشیمان شدند و دیدند که در گمراهی افتاده اند، گفتند: اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، در زمره زیان کردگان خواهیم بود.(۱۵۰)چون موسی خشمگین و اندوهناک نزد قوم خود بازگشت، گفت: در غیبت من چه بد جانشینانی بودید. چرا بر فرمان پروردگار خود پیشی گرفتید؟ و الواح را بر زمین افکند، و موی برادرش را گرفت و به سوی خود کشید. هارون گفت: ای پسر مادرم، این قوم مرا زبون یافتند و نزدیک بود که مرا بکشند، مرا دشمنکام مکن و در شمار ستمکاران میاور.(۱۵۱)گفت: ای پروردگار من، مرا و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خویش داخل کن که تو مهربانترین مهربانانی .(۱۵۲)آنان که گوساله را برگزیدند به زودی به غضب

پروردگارشان گرفتار خواهند شد و در زندگانی این جهانی به خواری خواهند افتاد. دروغسازان را اینچنین کیفر می دهیم.(۱۵۳)آنان که مرتکب کارهای بد شدند، آنگاه توبه کردند و ایمان آوردند، بدانند که پروردگار تو پس از توبه ، آمرزنده و مهربان است.(۱۵۴)چون خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرفت. و در نوشته های آن، برای آنهایی که از پروردگارشان بیمناکند، هدایت و رحمت بود.(۱۵۵)موسی برای وعده گاه ما از میان قومش هفتاد مرد را برگزید. چون زلزله آنها را فرو گرفت، گفت: ای پروردگار من، اگر می خواستی ایشان را و مرا پیش از این هلاك می کردی . آیا به خاطر اعمالی که بی خردان ما انجام داده اند ما را به هلاکت می رسانی ؟ و این جز امتحان تو نیست. هر کس را بخواهی بدان گمراه می کنی و هر کس را بخواهی هدایت. تو یاور ما هستی ، ما را بیامرز و بر ما ببخشای که تو بهترین آمرزندگانی .(۱۵۶)برای ما در دنیا و آخرت نیکی بنویس. ما به سوی تو بازگشته ایم گفت: عذاب خود را به هر کس که بخواهم می رسانم و رحمت من همه چیز را در بر می گیرد. آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و به آیات ما ایمان می آورند مقرر خواهم داشت.(۱۵۷)آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند –آن که به نیکی فرمانشان می دهد و از ناشایست بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می کند و چیزهای ناپاك را حرام و بار گرانشان را از دوششان بر می دارد و بند و زنجیرشان را می گشاید. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند.(۱۵۸)بگو: ای مردم، من فرستاده خدا بر همه شما هستم. آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و هیچ خدایی جز او نیست. زنده می کند و می میراند. پس به خدا و رسول او، آن پیامبر امی که به خدا و کلمات او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت شوید.(۱۵۹)گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می نمایند و به عدالت رفتار می کنند.(۱۶۰)بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم. و چون قوم موسی از او آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد. و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت. و ابر را سایبانشان ساختیم و برایشان من و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که بر شما روزی داده ایم. و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می کردند.(۱۶۱)و به آنان گفته شد که در این قریه سکونت کنید و هرجا هرچه خواهید بخورید و بگویید که گناهان ما را بریز و سجده کنان از دروازه داخل شوید، تا گناهانتان را بیامرزیم. به پاداش نیکوکاران خواهیم افزود.(۱۶۲)از میان آنان، آن گروه که بر خود ستم کرده بودند سخنی را که به آنها گفته شده بود دیگر کردند. پس به کیفر ستمی که می کردند برایشان از آسمان عذاب فرستادیم.(۱۶۳)درباره آن قریه نزدیک به دریا از ایشان بپرس. آنگاه که در روز شنبه سنت می شکستند. زیرا در روزی که شنبه می کردند ماهیان آشکار بر روی آب می آمدند و روزی که شنبه نمی کردند نمی آمدند. اینان را که مردمی نافرمان بودند اینچنین می آزمودیم.(۱۶۴)و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می دهید که خدا هلاکشان خواهد کرد و به عذابی دردناک مبتلا خواهد ساخت؟ گفتند: تا ما را نزد پروردگارتان عذری باشد. و باشد که پرهیزگار شوند.(۱۶۵)چون اندرزی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، آنان را که از بدی پرهیز می کردند نجات دادیم و گنهکاران را به سبب گناهشان به عذابی سخت فرو گرفتیم.(۱۶۶)و چون از ترک چیزی که از آن منعشان کرده بودند سرپیچی کردند. گفتیم: بوزینگانی مطرود شوید.(۱۶۷)و پروردگار تو اعلام کرد که کسی را بر آنان بگمارد که تا به روز قیامت به عذابی ناگوار معذبشان گرداند. هر آینه پروردگار تو زود عقوبت می کند و نیز آمرزنده و مهربان است.(۱۶۸)آنان را گروه گروه در زمین تقسیم کردیم، بعضی نیکوکار و بعضی جز آن. و به نیکیها و بدیها آزمودیم، شاید باز گردند.(۱۶۹)بعد از اینان گروهی به جایشان نشستند و وارث آن کتاب شدند که به متاع دنیوی دل بستند و گفتند که به زودی آمرزیده می شویم. و اگر همانند آن باز هم متاعی بیابند برگیرند. آیا از ایشان پیمان نگرفته اند که درباره خدا جز به راستی سخن نگویند، حال آنکه آنچه در آن کتاب آمده بود خوانده بودند؟ سرای آخرت برای کسانی که می پرهیزند بهتر است. آیا تعقل نمی کنید.(۱۷۰)آنان که به کتاب خدا

تمسک می جویند و نماز می گزارند بدانند که پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازیم.(۱۷۱)و کوه را برفراز سرشان چون سایبانی نگه داشتیم و می پنداشتند که اکنون بر سرشان خواهد افتاد. کتابی را که به شما داده ایم با نیرومندی بگیرید و هر چه را که در آن آمده است به یاد دارید، باشد که پرهیزگار شوید(۱۷۲)و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد. و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری ، گواهی می دهیم. تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی خبر بودیم.(۱۷۳)یا نگویید که پدران ما پیش از این مشرك بودند و ما نسلی بودیم بعد از آنها و آیا به سبب کاری که گمراهان کرده بودند ما را به هلاکت می رسانی .(۱۷۴)آیات را اینچنین به روشنی بیان می کنیم، شاید باز گردند.(۱۷۵)خبر آن مرد را برایشان بخوان که آیات خویش را به او عطا کرده بودیم و او از آن علم عاری گشت و شیطان در پی اش افتاد و در زمره گمراهان درآمد.(۱۷۶)اگر خواسته بودیم به سبب آن علم که به او داده بودیم رفعتش می بخشیدیم، ولی او در زمین بماند و از پی هوای خویش رفت. مثل او چون مثل آن سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی باز هم زبان از دهان بیرون آرد. مثل آنان که آیات را دروغ انگاشتند نیز چنین است. قصه را بگوی ، شاید به اندیشه فرو روند.(۱۷۷)بد است مثل مردمی که آیات ما را دروغ انگاشتند و به خود ستم روا می داشتند.(۱۷۸)هر کس را که خدای راه نماید، راه خویش بیابد. و آنان را که گمراه سازد زیانکار شوند.(۱۷۹)برای جهنم بسیاری از جن و انس را بیافریدیم. ایشان را دلهایی است که بدان نمی فهمند و چشمهایی است که بدان نمی بینند و گوشهایی است که بدان نمی شنوند. اینان همانند چارپایانند حتی گمراه تر از آنهایند. اینان خود غافلانند.(۱۸۰)از آن خداوند است نیکوترین نامها. بدان نامهایش بخوانید. آنها را که به نامهای خدا الحاد می ورزند واگذارید. اینان به کیفر اعمال خود خواهند رسید.(۱۸۱)از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق راه می نمایند و به عدالت رفتار می کنند.(۱۸۲)و آنان را که آیات ما را دروغ انگاشتند، از راهی که خود نمی دانند به تدریج خوارشان می سازیم.(۱۸۳)و به آنها مهلت دهم، که تدبیر من استوار است.(۱۸۴)آیا فکر نکرده اند که در یارشان نشانی از دیوانگی نیست و او به آشکارا بیمدهنده است.(۱۸۵)آیا در ملکوت آسمانها و زمین و چیزهایی که خدا آفریده است نمی اندیشند؟ و شاید که مرگشان نزدیک باشد. و بعد از قرآن کدام سخن را باور دارند.(۱۸۶)هر کس را که خدا گمراه کند هیچ راهنمایی برایش نیست. و آنان را وا می گذارد تا همچنان در سرکشی خویش سرگردان بمانند.(۱۸۷)درباره قیامت از تو می پرسند که چه وقت فرا می رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است. تنها اوست که چون زمانش فرا رسد آشکارش می سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است، جز به ناگهان بر شما نیاید. چنان از تو می پرسند که گویی تو از آن آگاهی . بگو: علم آن نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۱۸۸)بگو: من مالك سود و زیان خود نیستم، مگر آنچه خدا بخواهد. و اگر علم غیب می دانستم بر خیر خود بسی می افزودم و هیچ شری به من نمی رسید. من کسی جز بیمدهنده و مژده دهنده ای برای مومنان نیستم.(۱۸۹)اوست که همه شما را از یک تن بیافرید. و از آن یک تن زنش را نیز بیافرید تا به او آرامش یابد. چون با او در آمیخت، به باری سبک بارور شد و مدتی با آن سر کرد. و چون بار سنگینی گردید، آن دو، الله پروردگار خویش را بخواندند که اگر ما را فرزندی صالح دهی از سپاسگزاران خواهیم بود.(۱۹۰)چون خدا آن دو را فرزندی صالح داد، برای او در آنچه به آنها عطا کرده بود شریکانی انگاشتند، حال آنکه خدا از هر چه با او شریک می سازند برتر است(۱۹۱)آیا شریک خدا می سازند چیزهایی را که نمی توانند هیچ چیز بیافرینند و خود مخلوق هستند.(۱۹۲)نه می توانند یاریشان کنند و نه می توانند به یاری خود برخیزند.(۱۹۳)اگر آنها را به راه هدایت بخوانی ، از شما پیروی نخواهند کرد. برایتان یکسان است چه دعوتشان کنید و چه خاموشی پیشه سازید.(۱۹۴)آنهایی که جز الله به خدایی می خوانید، بندگانی چون شمایند. اگر راست می گویید، آنها را بخوانید، باید شما را اجابت کنند(۱۹۵)آیا آنها را پاهایی هست که با آن راه بروند یا آنها را دستهایی هست که با آن حمله کنند یا چشمهایی هست که با آن ببینند یا گوشهایی هست که با آن بشنوند؟ بگو: شریکانتان را بخوانید و بر ضد من تدبیر کنید و مرا مهلت مدهید.(۱۹۶)یاور من الله است که این کتاب را نازل کرده و او

دوست شایستگان است.(۱۹۷)آنان را که به جای الله به خدایی می خوانید، نه شما را می توانند یاری کنند و نه خود را.(۱۹۸)و اگر آنها را به راه هدایت بخوانی نمی شنوند و می بینی که به تو می نگرند ولی گویی که نمی بینند.(۱۹۹)عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان اعراض کن.(۲۰۰)و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه ای پدید آمد به خدا پناه ببر. زیرا او شنوا و داناست.(۲۰۱)کسانی که پرهیزگاری می کنند چون از شیطان وسوسه ای به آنها برسد، خدا را یاد می کنند، و در دم بصیرت یابند.(۲۰۲)و برادرانشان ایشان را به ضلالت می کشند و از عمل خویش باز نمی ایستند.(۲۰۳)چون آیه ای برایشان نیاوری ، گویند: چرا از خود چیزی نمی گویی ؟ بگو: من پیرو چیزی هستم که از پروردگارم به من وحی می شود. و این حجتهایی است از جانب پروردگارتان و رهنمود و رحمت است برای مردمی که ایمان می آورند.(۲۰۴)چون قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید. شاید مشمول رحمت خدا شوید.(۲۰۵)پروردگارت را در دل خود به تضرع و ترس، بی آنکه صدای خود بلند کنی ، هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.(۲۰۶)هر آینه آنان که در نزد پروردگار تو هستند از پرستش او سر نمی تابند و تسبیحش می گویند و برایش سجده می کنند.(۲۰۷)

الأنفال

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)تو را از غنایم جنگی می پرسند، بگو: غنایم جنگی متعلق به خدا و پیامبر است. پس اگر از مومنان هستید، از خدای بترسید و با یکدیگر به - آشتی زیست کنید و از خدا و پیامبرش فرمان برید.(۲)مومنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود خوف بر دلهاشان چیره گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمانشان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل می کنند(۳)همان کسان که نماز می گزارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.(۴)اینان مومنان حقیقی هستند. در نزد پروردگارشان صاحب درجاتند و مغفرت و رزقی نیکو.(۵)آنچنان بود که پروردگارت تو را از خانه ات به حق بیرون آورد. حال آنکه گروهی از مومنان ناخشنود بودند.(۶)با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده درباره آن با تو مجادله می کنند، چنان قدم بر می دارند که گویی می بینند که آنها را به سوی مرگ می برند.(۷)و به یادآور آنگاه را که خدا به شما وعده داد که یکی از آن دو گروه به دست شما افتد و دوست داشتید که آن گروه که عاری از قدرت است، به دست شما افتد، حال آنکه خدا می خواست با سخنان خویش حق را بر جای خود نشاند و ریشه کافران را قطع کند.(۸)تا حق را ثابت و باطل را ناچیز گرداند، هرچند گناهکاران ناخشنود باشند.(۹)و آنگاه که از پروردگارتان یاری خواستید و خدا بپذیرفت که من با هزار فرشته که از پی یکدیگر می آیند یاریتان می کنم.(۱۰)و آن کار را خدا جز برای شادمانی شما نکرد و تا دلهایتان بدان آرام گیرد. و یاری تنها از سوی خداست که او پیروزمند و حکیم است.(۱۱)و به یادآر آنگاه را که خدا چنان ایمنیتان داده بود که خوابی سبک شما را فرو گرفت و از آسمان برایتان بارانی بارید تا شست و شویتان دهد و وسوسه شیطان را از شما دور کند و دلهاتان را قوی گرداند و قدمهاتان را استوار سازد.(۱۲)و آنگاه را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شمایم. شما مومنان را به پایداری وادارید. من در دلهای کافران بیم خواهم افکند. بر گردنهایشان بزنید و انگشتانشان را قطع کنید.(۱۳)زیرا با خدا و پیامبرش به مخالفت برخاستند. و هر که با خدا و پیامبرش مخالفت ورزد، بداند که عقوبت خدا سخت است.(۱۴)عقوبت را بچشید، و عذاب آتش از آن کافران است.(۱۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون کافران را حمله ور دیدید به هزیمت پشت مکنید.(۱۶)جز آنها که برای ساز و برگ نبرد باز می گردند یا آنها که به یاری گروهی دیگر می روند، هر کس که پشت به دشمن کند مورد خشم خدا قرار می گیرد و جایگاه او جهنم است، و جهنم بد جایگاهی است.(۱۷)شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آنها را می کشت. و آنگاه که تیر می انداختی ، تو تیر نمی انداختی ، خدا بود که تیر می انداخت، تا به مومنان نعمتی کرامند ارزانی دارد. هر آینه خدا شنوا و داناست.(۱۸)اینچنین بود. و خدا سستکننده حیله کافران است.(۱۹)اگر پیروزی خواهید پیروزیتان فراز آمد، و اگر از کفر باز ایستید برایتان بهتر است، و

اگر باز گردید باز می گردیم، و سپاه شما هرچند فراوان باشد برایتان سودی نخواهد داشت که خدا با مومنان است.(۲۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و در حالی که سخن او را می شنوید از او روی برمگردانید.(۲۱)و از آنان مباشید که گفتند که شنیدیم، در حالی که نمی شنیدند.(۲۲)بدترین جانوران در نزد خدا این کران و لالان هستند که درنمی یابند.(۲۳)و اگر خدا خیری در آنان می یافت شنوایشان می ساخت، و اگر هم آنان را شنوا ساخته بود باز هم بر می گشتند و رویگردان می شدند.(۲۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فراخوانند که زندگیتان می بخشد دعوتشان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و قلبش حایل است و همه به پیشگاه او گرد آورده شوید.(۲۵)و بترسید از فتنه ای که تنها ستمکارانتان را در بر نخواهد گرفت و بدانید که خدا به سختی عقوبت می کند.(۲۶)و به یاد آورید آن هنگام را که اندک بودید و در شمار زبونشدگان این سرزمین، بیم آن داشتید که مردم شما را از میان بردارند و خدا پناهتان داد و یاری کرد و پیروز گردانید و از چیزهای پاکیزه روزی داد. باشد که سپاس گویید.(۲۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، می دانید که نباید به خدا و پیامبر خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید.(۲۸)بدانید که داراییها و فرزندان وسیله آزمایش شمایند و پاداش بزرگ در نزد خداست.(۲۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا بترسید شما را بصیرت شناخت حق از باطل دهد و گناهانتان را بزداید و شما را بیامرزد، که صاحب فضل و کرمی بزرگ است.(۳۰)و آن هنگام را به یادآور که کافران درباره تو مکری کردند تا در بندت افکنند یا بکشندت یا از شهر بیرون سازند. آنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است.(۳۱)چون آیات ما بر آنها خوانده شد، گفتند: شنیدیم. و اگر بخواهیم همانند آن می گوییم، این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.(۳۲)و آن هنگام را که گفتند: بار خدایا، اگر این که از جانب تو آمده حق است، بر ما از آسمان بارانی از سنگ ببار یا عذاب دردآوری بر ما بفرست.(۳۳)تا آنگاه که تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند و تا آنگاه که از خدا آمرزش می طلبند، نیز خدا عذابشان نخواهد کرد.(۳۴)چرا خدا عذابشان نکند، حال آنکه مردم را از مسجدالحرام باز می دارند و صاحبان آن نیستند؟ صاحبان آن تنها پرهیزگارانند ولی بیشترینشان نمی دانند.(۳۵)و دعایشان در نزد خانه کعبه جز صفیر کشیدن و دست زدن هیچ نبود. پس به پاداش انکارتان عذاب را بچشید.(۳۶)کافران اموالشان را خرج می کنند تا مردم را از راه خدا باز دارند. اموالشان را خرج خواهند کرد و حسرت خواهند برد، سپس مغلوب می شوند. و کافران را در جهنم گرد می آورند.(۳۷)تا خدا ناپاک را از پاک باز نمایاند و ناپاکان را بر هم نهد. آنگاه همه را گرد کند و به جهنم افکند. اینان زیانکارانند.(۳۸)به کافران بگوی که اگر دست بردارند گناهان گذشته آنها آمرزیده شود و اگر باز گردند، دانند که با پیشینیان چه رفتاری شده است.(۳۹)با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین همه دین خدا گردد. پس اگر باز ایستادند، خدا کردارشان را می بیند.(۴۰)و اگر سر باز زدند، بدانید که خدا مولای شماست، او مولا و یاری دهنده ای نیکو است.(۴۱)و اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه به هم رسیدند نازل کرده ایم ایمان آورده اید، بدانید که هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است. و خدا به هرچیز تواناست.(۴۲)شما در کرانه نزدیکتر بیابان بودید و آنها در کرانه دورتر بودند و آن قافله در مکانی فروتر از شما بود. اگر شما با یکدیگر زمان جنگ را تعیین می کردید باز هم از آن تخلف می ورزیدید تا کاری که خدا مقرر کرده است واقع شود، تا هر که هلاک می شود به دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند به دلیلی زنده ماند. هر آینه خدا شنوا و داناست.(۴۳)در خواب، خدا شمارشان را به تو اندک نشان داد. اگر شمار آنها را بسیار نشان داده بود، از ترس ناتوان می شدید و در تصمیم به جنگ به مناقشه بر می خواستید، ولی خداوند شما را از دشمنان در امان داشت. که او به آنچه در دلهاست آگاه است.(۴۴)و آنگاه که چون به هم رسیدید آنان را در چشم شما اندک نمود و شما را نیز در چشم آنان اندک تا آن کار که مقرر داشته بود واقع گردد. و همه کارها به خدا بر می گردد.(۴۵)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر به فوجی از دشمن برخوردید پایداری کنید و خدا را فراوان یاد کنید، باشد که پیروز شوید.(۴۶)از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع

برمخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود. صبر پیشه گیرید که خدا همراه صابران است.(۴۷)همانند آن کسان مباشید که سرمست غرور و برای خودنمایی از دیار خویش بیرون آمدند و دیگران را از راه خدا باز داشتند. و خدا به هر کاری که می کنند احاطه دارد.(۴۸)شیطان کردارشان را در نظرشان بیاراست و گفت: امروز از مردم کسی بر شما پیروز نمی شود و من پناه شمایم. ولی چون دو فوج رو به رو شدند او بازگشت و گفت: من از شما بیزارم، که چیزهایی می بینم که شما نمی بینید، من از خدا می ترسم که او به سختی عقوبت می کند.(۴۹)منافقان و آن کسان که در دل بیماریی دارند گفتند: اینان را دینشان بفریفته است. و هر کس که به خدا توکل کند او را پیروزمند و حکیم خواهد یافت.(۵۰)اگر ببینی آن زمان را که فرشتگان جان کافران می ستانند، و به صورت و پشتشان می زنند و می گویند: عذاب سوزان را بچشید.(۵۱)این به کیفر اعمالی بود که پیش از این کرده بودید و خدا به بندگانش ستم روا نمی دارد.(۵۲)و این به شیوه خاندان فرعون بود و کسانی که پیش از آنها بودند. آنها به آیات خدا کافر شدند. پس خدا آنها را به کیفر گناهانشان مواخذه کرد، که خدا نیرومند و سخت عقوبت است.(۵۳)زیرا خدا نعمتی را که به قومی ارزانی داشته است، دگرگون نسازد، تا آن قوم خود دگرگون شوند. و خدا شنوا و داناست.(۵۴)و این به شیوه خاندان فرعون بود و کسانی که پیش از آنها بودند. آنها آیات پروردگارشان را تکذیب کردند و ما به کیفر گناهانشان هلاکشان کردیم و خاندان فرعون را غرقه ساختیم، زیرا همه ستمکار بودند.(۵۵)هر آینه بدترین جنبندگان در نزد خدا آنهایند که کافر شده اند و ایمان نمی آورند:(۵۶)کسانی که تو از آنان پیمان گرفتی ، سپس پیاپی پیمان خویش را می شکنند و هیچ پروا نمی کنند.(۵۷)پس اگر آنها را در جنگ بیابی پراکنده شان ساز تا پیروانشان نیز پراکنده شوند، باشد که عبرت گیرند.(۵۸)اگر می دانی که گروهی در پیمان خیانت می ورزند، به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد. زیرا خدا خائنان را دوست ندارد.(۵۹)آنان که کافر شده اند نپندارند که جسته اند، زیرا خدا را ناتوان نمی سازند(۶۰)و در برابر آنها تا می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود -و جز آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد- را بترسانید. و آنچه را که در راه خدا هزینه می کنید به تمامی به شما باز گردانده شود و به شما ستم نشود.(۶۱)و اگر به صلح گرایند، تو نیز به صلح گرای . و بر خدا توکل کن که اوست شنوا و دانا.(۶۲)و اگر خواستند که تو را بفریبند، خدا برای تو کافی است. اوست که تو را به یاری خویش و یاری مومنان تایید کرده است.(۶۳)دلهایشان را به یکدیگر مهربان ساخت. اگر تو همه آنچه را که در روی زمین است انفاق می کردی ، دلهای ایشان را به یکدیگر مهربان نمی ساختی . ولی خدا دلهایشان را به یکدیگر مهربان ساخت که او پیروزمند و حکیم است.(۶۴)ای پیامبر، خدا و مومنانی که از تو پیروی می کنند تو را بسند.(۶۵)ای پیامبر، مومنان را به جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت. و اگر صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می شوند. زیرا آنان مردمی عاری از فهمند.(۶۶)اکنون خدا بار از دوشتان برداشت و از ناتوانیتان آگاه شد. اگر از شما صد تن باشند و در جنگ پای فشرند، بر دویست تن پیروز می شوند. و اگر از شما هزار تن باشند، به یاری خدا بر دو هزار تن پیروز می شوند. و خدا با آنهاست که پایداری می کنند.(۶۷)برای هیچ پیامبری نسزد که اسیران داشته باشد تا که در روی زمین کشتار بسیار کند. شما متاع این جهانی را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد. و او پیروزمند و حکیم است.(۶۸)اگر پیش از این از جانب خدا حکمی نشده بود، به سبب آنچه گرفته بودید عذابی بزرگ به شما می رسید.(۶۹)از آنچه به غنیمت گرفته اید که حلال است و پاکیزه ، بخورید. و از خدا بترسید. هر آینه خدا آمرزنده و مهربان است.(۷۰)ای پیامبر، به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خدا در دلهایتان نشان ایمان ببیند، بهتر از آنچه از شما گرفته شده ارزانیتان خواهد داشت و می آمرزدتان، و خدا آمرزنده و مهربان است.(۷۱)اگر قصد خیانت به تو را داشته باشند، پیش از این به خدا خیانت ورزیده اند و خدا تو را بر آنها نصرت داده است که دانا و حکیم است.(۷۲)آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده اند و آنان که به مهاجران جای داده و یاریشان کرده اند، خویشاوندان یکدیگرند. و آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت نکرده اند خویشاوندان شما نیستند تا

آنگاه که مهاجرت کنند. ولی اگر شما را به یاری طلبیدند باید به یاریشان برخیزید مگر آنکه بر ضد آن گروهی باشد که میان شما و ایشان پیمانی بسته شده باشد. و خدا به کارهایی که می کنید بیناست.(۷۳)کافران نیز خویشاوندان یکدیگرند. اگر مراعات آن نکنید فتنه و فسادی بزرگ در این سرزمین پدید خواهد آمد.(۷۴)آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد کرده اند و آنان که جایشان داده اند و یاریشان کرده اند، به حقیقت مومنانند، آمرزش و روزی نیکو از آن آنهاست.(۷۵)و کسانی که بعدا ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و همراه شما جهاد کرده اند، از شما هستند. به حکم کتاب خدا، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند. و خدا بر هر چیزی داناست.(۷۶)

التوبة

خدا و پیامبرش بیزارند از مشرکانی که با آنها پیمان بسته اید.(۱)پس چهار ماه به شما مهلت داده شد که در این سرزمین سیر کنید، و بدانید که از خدا نتوانید گریخت، و اوست که کافران را رسوا می سازد.(۲)در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند. پس اگر توبه کنید برایتان بهتر است، ولی اگر سرپیچی کنید بدانید که از خدا نتوانید گریخت. و کافران را به عذابی دردآور بشارت ده .(۳)مگر آن گروه از مشرکان که با ایشان پیمان بسته اید و در پیمان خود کاستی نیاورده اند و با هیچ کس بر ضد شما همدست نشده اند. با اینان به پیمان خویش تا پایان مدتش وفا کنید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست دارد.(۴)و چون ماههای حرام به پایان رسید، هرجا که مشرکان را یافتید بکشید و بگیرید و به حبس افکنید و در همه جا به کمینشان نشینید. اما اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، از آنها دست بردارید. زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.(۵)و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس به مکان امنش برسان، زیرا اینان مردمی نادانند.(۶)چگونه مشرکان را با خدا و پیامبر او پیمانی باشد؟ مگر آنهایی که نزد مسجدالحرام با ایشان پیمان بستید. اگر بر سر پیمانشان ایستادند. بر سر پیمانتان بایستید. خدا پرهیزگاران را دوست دارد.(۷)چگونه پیمانی باشد که اگر بر شما پیروز شوند به هیچ عهد و سوگند و خویشاوندی وفا نکنند؟ به زبان خشنودتان می سازند و در دل سر می پیچند و بیشترین عصیانگرانند.(۸)آیات خدا را به بهای اندك فروختند و مردم را از راه خدا باز داشتند و بد کاری کردند.(۹)عهد و سوگند و خویشاوندی هیچ مومنی را رعایت نمی کنند و مردمی تجاوزکارند.(۱۰)پس اگر توبه کردند و نماز به جای آوردند و زکات دادند، برادران دینی شما هستند. ما آیات خدا را برای مردمی که از دانایی برخوردارند تفصیل می دهیم.(۱۱)اگر پس از بستن پیمان سوگند خود شکستند و در دین شما طعن زدند، با پیشوایان کفر قتال کنید که ایشان را رسم سوگند نگه داشتن نیست، باشد که از کردار خود باز ایستند.(۱۲)آیا با مردمی که سوگند خود را شکستند و آهنگ اخراج پیامبر کردند و آنها بر ضد شما دشمنی آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنها می ترسید، و حال آنکه اگر ایمان آورده باشید سزاوارتر است که از خدا بترسید و بس.(۱۳)با آنها بجنگید. خدا به دست شما عذابشان می کند و خوارشان می سازد و شما را پیروزی می دهد و دلهای مومنان را خنك می گرداند.(۱۴)و کینه از دلهایشان بزداید و خدا توبه هر که را که بخواهد می پذیرد. و خداست دانا و حکیم.(۱۵)آیا پنداشته اید که شما را به حال خود وا می گذارند بی آنکه خدا کسانی از شما را که جهاد می کنند و جز خدا و پیامبرش و مومنان را به همرازی نمی گزینند، معلوم دارد؟ و خدا به هر کاری که می کنید آگاه است.(۱۶)مشرکان را نرسد که در حالی که به کفر خود اقرار می کنند مسجدهای خدا را عمارت کنند. اعمال آنها ناچیز شده و در آتش جاویدانند.(۱۷)مسجدهای خدا را کسانی عمارت می کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند و نماز می گزارند و زکات می دهند و جز از خدا نمی ترسند. امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.(۱۸)آیا آب دادن به حاجیان و عمارت مسجدالحرام را با کرده کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده ، برابر می دانید؟ نه ، نزد خدا برابر نیستند و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.(۱۹)آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه

خـدا به مال و جان خویش جهاد کردند، در نزد خدا درجتی عظیمتر دارند و کامیافتگانند.(۲۰)پروردگارشان به رحمت و خشنودی خود و به بهشتی که در آن نعمتهای جاویـد باشد، بشارتشان می دهد.(۲۱)در آن بهشت جاویـدان بمانند، زیرا اجر و مزد بزرگ در نزد خداوند است.(۲۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پدران و برادرانتان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند، آنها را به دوستی مگیرید و هر کس از شـما دوسـتشان بدارد از ستمکاران خواهد بود.(۲۳)بگو: اگر پـدرانتان و فرزندانتان و برادرانتان و زنانتان و خویشاونـدانتان و اموالی که انـدوخته ایـد و تجارتی که از کساد آن بیم داریـد، و خانه هایی که بدان دلخوش هستید برای شما از خدا و پیامبرش و جهاد کردن در راه او دوست داشتنی تر است، منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد. و خدا نافرمانان را هـدایت نخواهد کرد.(۲۴)خـدا شـما را در بسیاری از جایهـا یـاری کرد. و نیز در روز حنین. آنگـاه که انبوهی لشـکرتان شـما را به شگفت آورده بـود ولی برای شـما سـودی نـداشت و زمیـن بـا همـه فراخیش بر شـما تنگ شـد و بازگشتیـد و بـه دشـمن پشـت کردید.(۲۵)آنگاه خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مومنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی دیدید فرو فرستاد و کافران را عـذاب کرد، و ایـن است کیفر کـافران.(۲۶)از آن پس خـدا تـوبه هر کس را کـه بخواهـد می پـذیرد، کـه آمرزنـده و مهربـان است.(۲۷)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، مشـرکان نجسـند و از سال بعـد نباید به مسـجدالحرام نزدیک شوند. و اگر از بینوایی می ترسید، خدا اگر بخواهد به فضل خویش بی نیازتان خواهد کرد. زیرا خدا دانا و حکیم است.(۲۸)با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورنـد و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند جنـگ کنیـد، تا آنگاه که به دست خود در عین مـذلت جزیه بدهنـد.(۲۹)یهود گفتنـد که عزیز پسر خـداست، و نصاری گفتند که عیسـی پسر خداست. این سخن که می گویند همانند گفتار کسانی است که پیش از این کافر بودند. خدا بکشدشان. چگونه از حق منحرفشان می کنند.(۳۰)حبرها و راهبان خویش و مسیح پسر مریم را به جای الله به خدایی گرفتند و حال آنکه مامور بودند که تنها یک خدا را بپرسـتند، که هیچ خدایی جز او نیست. منزه است از آنچه شریکش می سازند.(۳۱)می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کننـد، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی خواهد. هرچند کافران را خوش نیاید.(۳۲)او کسی است که پیامبر خود را برای هـدایت مردم فرستاد، بـا دینی درست و بر حق، تـا او را بر همه دینها پیروز گردانـد، هرچنـد مشـرکان را خوش نیایـد.(۳۳)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، بسیاری از حبرها و راهبان اموال مردم را به ناشایست می خورند و دیگران را از راه خدا باز می دارند. و کسانی را که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی کنند، به عذابی دردآور بشارت ده .(۳۴)روزی که در آتش جهنم گـداخته شود و پیشـانی و پهلو و پشـتشان را با آن داغ کننـد. این است آن چیزی که برای خود انـدوخته بودیـد. حال طعم انـدوخته خویش را بچشید.(۳۵)شـمار ماهها در نزد خـدا، در کتاب خدا از آن روز که آسـمانها و زمین را بیافریده ، دوازده است. چهار ماه ، ماههای حرامند. این است شیوه درست. در آن ماهها بر خویشتن ستم مکنید. و همچنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاستند، همگی به جنگ ایشان برخیزیـد. و بدانیـد که خـدا با پرهیزگاران است.(۳۶)به تـاخیر افکنـدن ماههای حرام، افزونی در کفر است و موجب گمراهی کـافران. آنـان یـک سـال آن ماه را حلال می شـمردند و یک سال حرام، تا با آن شـمار که خـدا حرام کرده اسـت توافق یابنـد. پس آنچه را که خـدا حرام کرده حلال می شـمارند. کردار ناپسـندشان در نظرشان آراسته گردیـده و خـدا کافران را هدایت نمی کند.(۳۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، چیست که چون به شما گویند که برای جنگ در راه خدا بسیج شوید، گویی به زمین می چسبیـد؟ آیا به جای زنـدگی اخروی به زندگی دنیا راضـی شده اید؟ متاع این دنیا در برابر متاع آخرت جز اندکی هیچ نیست.(۳۸)اگر به جنگ بسیج نشوید خدا شـما را به شکنجه ای دردناک عذاب می کند و قوم دیگری را به جای شما برمی گزیند و به خـدا نیز زیانی نمی رسانیـد که خـدا بر هر کاری تواناست.(۳۹)اگر شـما یاریش نکنیـد، آنگاه که کافران بیرونش کردند، خدا یاریش کرد. یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به رفیقش می گفت: اندوهگین مباش، خدا با ماست. خدا به دلش آرامش بخشـید و بـا لشـکرهایی که شـما آن را نمی دیدیـد تاییـدش کرد. و کلام کافران را پست گردانیـد، زیرا کلام خـدا بالاست و خـدا

پیروزمند و حکیم است.(۴۰)به جنگ بروید خواه بر شما آسان باشد خواه دشوار، و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید خیر شما در این است.(۴۱)اگر متاعی دست یافتنی بود یا سفری بود نه چندان دراز، از پی تو می آمدند، ولی اکنون که راه دراز شده است پیمودنش را دشوار می انگارند. و به خدا قسم می خورند که اگر می توانستیم همراه شما بیرون می آمدیم. اینان تن به هلاکت می سپارند. خدا می داند که دروغ می گویند.(۴۲)خدایت عفو کند. چرا به آنان اذن ماندن دادی ؟ می بایست آنها که راست می گفتند آشکار شوند و تو دروغگویان را هم بشناسی .(۴۳)آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند هرگز برای جهاد کردن با مال و جانشان از تو رخصت نمی خواهند و خدا پرهیزگاران را می شناسد.(۴۴)کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دلهایشان را شک فرا گرفته است و این شک آنها را به تردید افکنده است، از تو رخصت می خواهند.(۴۵)اگر می خواستند که به جنگ بیرون شوند برای خویش ساز و برگی آماده کرده بودند، ولی خدا بسیج آنان را ناخوش داشت و از جنگشان بازداشت و به ایشان گفته شد که همراه کسانی که باید در خانه بنشینند در خانه بنشینید.(۴۶)اگر با شما به جنگ بیرون آمده بودند، چیزی جز اضطراب به شما نمی افزودند، و تا فتنه انگیزی کنند و برای دشمنان به جاسوسی پردازند در میان شما رخنه می کردند، و خدا به ستمکاران آگاه است.(۴۷)پیش از این هم فتنه گری می کردند و کارها را برای تو واژگونه جلوه می دادند تا آنگاه که حق فراز آمد و فرمان خداوند آشکار شد، در حالی که از آن کراهت داشتند.(۴۸)بعضی از آنان می گویند: مرا رخصت ده و به گناه مینداز. آگاه باش که اینان خود در گناه افتاده اند و جهنم بر کافران احاطه دارد.(۴۹)اگر خیری به تو رسد اندوهگینشان سازد، و اگر به تو مصیبتی رسد می گویند: ما چاره کار خویش پیش از این اندیشیده ایم. آنگاه شادمان باز می گردند.(۵۰)بگو: مصیبتی جز آنچه خدا برای ما مقرر کرده است به ما نخواهد رسید. او مولای ماست و مومنان بر خدا توکل کنند.(۵۱)بگو: آیا جز یکی از آن دو نیکی ، انتظار چیز دیگری را برای ما دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خدا، یا از جانب او یا به دست ما به شما برسد. پس شما منت۸ظر باشید ما نیز با شما منتظر می مانیم.(۵۲)بگو: خدا از شما نمی پذیرد، چه از روی رضا انفاق کنید چه از روی کراهت، زیرا مردمی نافرمان هستید.(۵۳)هیچ چیز مانع قبول انفاقهایشان نشده مگر آنکه به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده اند و جز با بی میلی به نماز حاضر نمی شوند و جز به کراهت انفاق نمی کنند.(۵۴)دارایی و فرزندانشان تو را به اعجاب نیفکند. جز این نیست که خدا می خواهد به آنها در این دنیا عذابشان کند و در حالی که هنوز کافرند جانشان برآید.(۵۵)به خدا سوگند می خورند که از شمایند و حال آنکه از شما نیستند. اینان از شما بیمناکند.(۵۶)اگر پناهگاه یا غار یا نهانگاهی می یافتند، شتابان بدان جا روی می آوردند(۵۷)بعضی از ایشان تو را در تقسیم صدقات به بیداد متهم می کنند، اگر به آنها عطا کنند خشنود می شوند و اگر عطا نکنند خشم می گیرند.(۵۸)چه می شود اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان عطا می کند خشنود باشند و بگویند: خدا ما را بس است و خدا و پیامبرش ما را از فضل خویش بی نصیب نخواهند گذاشت و ما به خدا رغبت می ورزیم.(۵۹)صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمعآوری آن. و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم است.(۶۰)بعضی از ایشان پیامبر را می آزارند و می گویند که او به سخن هر کس گوش می دهد. بگو: او برای شما شنونده سخن خیر است. به خدا ایمان دارد و مومنان را باور دارد، و رحمتی است برای آنهایی که ایمان آورده اند. و آنان که رسول خدا را بیازارند به شکنجه ای دردآور گرفتار خواهند شد.(۶۱)در برابر شما به خدا سوگند می خورند تا خشنودتان سازند و حال آنکه اگر ایمان آورده اند شایسته تر است که خدا و رسولش را خشنود سازند.(۶۲)آیا نمی دانند که هر کس که با خدا و پیامبرش مخالفت می ورزد جاودانه در آتش جهنم خواهد بود و این رسوایی بزرگی است.(۶۳)منافقان می ترسند که مباد از آسمان درباره آنها سوره ای نازل شود و از آنچه در دل نهفته اند با خبرشان سازد. بگو: مسخره کنید، که خدا آنچه را که از آن می ترسید آشکار خواهد ساخت.(۶۴)اگر از آنها بپرسی که چه می کردید؟ می گویند: ما با هم حرف می زدیم و بازی می کردیم. بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید.(۶۵)عذر

میاوریـد. پس از ایمـان، کـافر شـده ایـد. اگر از تقصیر گروهی از شـما بگـذریم گروه دیگر را که مجرم بـوده انـد عـذاب خـواهیم کرد.(۶۶)مردان منافق و زنان منافق، همه هماننـد یکدیگرنـد. به کارهای زشت فرمان می دهنـد و از کارهای نیک جلو می گیرند و مشـت خـود را از انفـاق در راه خـدا می بندنـد. خـدا را فرامـوش کرده انـد. خـدا نیز ایشـان را فرامـوش کرده است، زیرا منافقـان نافرمانانند.(۶۷)خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران وعده آتش جهنم داده است. در آن جاودانه اند. همین برایشان بس است. لعنت خـدا بر آنها باد و به عـذابی پایدار گرفتار خواهند شد.(۶۸)هماننـد کسانی که پیش از شـما بودنـد، با نیروی بیشتر و دارایی و فرزندان بیشتر. ایشان از نصـیب خویش بهره مند شدند. شـما نیز از نصیب خویش بهره مند شده اید، همچنان که کسانی که پیش از شما بوده اند، از نصیب خویش بهره مند شده بودند. شـما سـخنان ناپسـند گفتید، همچنان که ایشان سخن ناپسند می گفتند. اعمال آنان در دنیا و آخرت ناچیز گردید و زیانمند شدند.(۶۹)آیا خبر کسانی که پیش از آنها بوده اند چون قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصـحاب مـدین و موتفکه را نشـنیده انـد که پیامبرانشان با نشانه های آشـکار بر آنها مبعوث شدند؟ خدا به آنها سـتم نمی کرد، آنان خود بر خود ستم می کردند.(۷۰)مردان مومن و زنان مومن دوسـتان یکدیگرند. به نیکی فرمان می دهند و از ناشایسـت باز می دارنـد، و نماز می گزارنـد و زکات می دهنـد و از خـدا و پیامبرش فرمانبرداری می کننـد. خـدا اینان را رحمت خواهد کرد، خـدا پیروزمند و حکیم است(۷۱)خـدا به مردان مومن و زنـان مومن بهشـتهایی را وعـده داده است که جویهـا در آن جاری است، و بهشتیـان همـواره در آنجاینـد و نیز خـانه هـایی نیکـو در بهشـت جاویـد. ولی خشـنودی خـدا از همـه برتر است که پیروزی بزرگ، خشـنودی خداوند است(۷۲)ای پیـامبر، بـا کـافران و منافقـان بجنـگ و بـا آنـان به شـدت رفتـار کن. جایگاهشان جهنم است که بد سرانجامی است.(۷۳)به خدا سوگند می خورند که نگفته اند، ولی کلمه کفر را بر زبان رانده اند. و پس از آنکه اسلام آورده بودند کافر شـده اند. و قصد کاری کردند، اما بدان نایل نشدند. عیبجوییشان از آن روست که خدا و پیامبرش از غنایم بی نیازشان کردند. پس اگر توبه کننـد خیرشان در آن است، و اگر رویگردان شونـد خـدا به عـذاب دردناکی در دنیا و آخرت معذبشان خواهد کرد و آنها را در روی زمین نه دوسـتداری خواهـد بود و نه مـددکاری .(۷۴)بعضـی از آنها با خـدا پیمان بسـتند که اگر از فضل خود مالی نصیبمان کند، زکات می دهیم و در زمره صالحان در می آییم.(۷۵)چون خدا از فضل خود مالی نصیبشان کرد، بخل ورزیدند و به اعراض بازگشتند.(۷۶)و از آن پس تـا روزی که همراه بـا آن خلف وعـده بـا خـدا و آن دروغها که می گفتنـد با او ملاقات کننـد، دلهایشان را جای نفاق ساخت.(۷۷)آیا نمی داننـد که خدا راز دل ایشان را می داند و از پچپچ کردنشان آگاه است؟ زیرا اوست که دانای نهانهاست.(۷۸)خداوند به اسـتهزا، می گیرد کسانی را که بر مومنانی که به رغبت صدقه می دهند و بیش از استطاعت خویش چیزی نمی یابنـد، عیب می گیرنـد و مسـخره شان می کنند. و ایشان را عذابی دردآور است.(۷۹)می خواهی برایشان آمرزش بخواه می خواهی آمرزش نخواه . اگر هفتـاد بـار هم برایشـان آمرزش بخواهی خـدایشان نخواهـد آمرزیـد. زیرا به خـدا و پیـامبرش ایمان ندارنـد و خـدا مردم نافرمان را هـدایت نمی کند.(۸۰)آنـان که در خـانه نشسـته انـد و از همراهی با رسول خـدا تخلف ورزیـده اند خوشحالند. جهاد با مال و جان خویش را، در راه خدا. ناخوش شمردند و گفتند: در هوای گرم به جنگ نروید. اگر می فهمند بگو: گرمای آتش جهنم بیشتر است.(۸۱)به سزای اعمالی که انجام داده اند باید که اندک بخندند و فراوان بگریند.(۸۲)اگر خدا تو را از جنگ باز گردانیـد و با گروهی از ایشان دیـدار کردی و از تو خواسـتند که برای جنگ دیگر بیرون آینـد، بگو: شـما هرگز با من به جنگ بیرون نخواهید شد و همراه من با هیچ دشمنی نبرد نخواهید کرد، زیرا شما از نخست به نشستن در خانه خشنود بوده اید. پس اکنون هم با آنان که از فرمان تخلف کرده اند در خانه بمانید.(۸۳)چون بمیرند، بر هیچ یک از آنان نماز مکن و بر قبرشان مایست. اینان به خـدا و رسولش کافر شده اند و نافرمان مرده اند.(۸۴)اموال و اولادشان به اعجابت نیفکند، خدا می خواهد به سـبب آنها در دنیا عذابشان کند و در عین کفر جان بسپارند.(۸۵)چون سوره ای نازل شـد که به خـدا ایمان بیاورید و با پیامبرش به جنگ بروید، توانگرانشان از تو رخصت خواستند و گفتند: ما را بگذار، تا با آنهایی که باید در خانه نشینند در خانه بنشینیم.(۸۶)بدان راضی شده

اند که قرین خانه نشینان باشند، بر دلهایشان مهر نهاده شده و نمی فهمند.(۸۷)ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند. نیکیها از آن آنهاست و آنهایند که رستگارانند.(۸۸)خدا برایشان بهشتهایی که جویها در آن روان است و در آنجا جاویدانند، آماده کرده است. این است رستگاری بزرگ.(۸۹)گروهی از عربهای بادیه نشین آمدند و عذر آوردند تا آنها را رخصت دهند که به جنگ نروند و آنهایی که به خدا و پیامبرش دروغ گفته بودند، در خانه نشستند. زودا که به کافرانشان عذابی دردآور خواهد رسید.(۹۰)بر ناتوانان و بیماران و آنان که هزینه خویش نمی یابند، هرگاه در عمل برای خدا و پیامبرش اخلاص ورزند گناهی نیست اگر به جنگ نیایند، که بر نیکوکاران هیچ گونه عتابی نیست و خدا آمرزنده و مهربان است.(۹۱)و نیز بر آنان که نزد تو آمدند تا ساز و برگ نبردشان دهی و تو گفتی که ساز و برگی ندارم و آنها برای خرج کردن هیچ نیافتند و اشک ریزان و محزون بازگشتند، گناهی نیست.(۹۲)خشم و عذاب خدا بر کسانی است که در عین توانگری از تو رخصت می خواهند و بدان خشنودند که با خانه نشینان در خانه بمانند. خدا دلهایشان را مهر بر نهاده است که نمی دانند.(۹۳)چون شما به نزدشان باز گردید، می آیند و عذر می آورند. بگو: عذر میاورید، گفتارتان را باور نداریم که خدا ما را از اخبار شما آگاه کرده است. زودا که خدا و پیامبرش به اعمال شما خواهند رسید. آنگاه شما را نزد آن خداوندی که دانای نهان و آشکار است می برند تا از نتیجه اعمالتان آگاهتان سازد.(۹۴)چون به نزدشان باز گردید، برایتان سوگند می خورند تا از خطایشان درگذرید. از ایشان اعراض کنید که مردمی پلیدند و به خاطر اعمالشان جای در جهنم دارند(۹۵)برایتان سوگند می خورند تا از آنان خشنود شوید. اگر شما هم خشنود شوید، خدا از این مردم نافرمان خشنود نخواهد شد.(۹۶)عربهای بادیه نشین کافرتر و منافقتر از دیگرانند و به بی خبری از احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده است سزاوارترند. و خدا دانا و حکیم است.(۹۷)پاره ای از عربهای بادیه نشین آنچه را که خرج می کنند چون غرامتی می پندارند و منتظرند تا به شما حوادثی برسد. حوادث بد بر خودشان باد و خدا شنوا و داناست.(۹۸)و پاره ای از عربهای بادیه نشین به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را که خرج می کنند برای نزدیک شدن به خدا و به خاطر دعای پیامبر خرج می کنند. بدانید که همین سبب نزدیکیشان به خدا خواهد شد و خدا به رحمت خویش داخلشان خواهد کرد، زیرا آمرزنده و مهربان است.(۹۹)از آن گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیشقدم شدند و آنان که به نیکی از پی شان رفتند، خدا خشنود است و ایشان نیز از خدا خشنودند. برایشان بهشتهایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود، آماده کرده است. این است کامیابی بزرگ.(۱۰۰)گروهی از عربهای بادیه نشین که گرد شما را گرفته اند منافقند و گروهی از مردم مدینه نیز در نفاق اصرار می ورزند. تو آنها را نمی شناسی ، ما می شناسیمشان و دو بار عذابشان خواهیم کرد و به عذاب بزرگ گرفتار می شوند.(۱۰۱)و گروهی دیگر به گناه خود اعتراف کردند که اعمال نیکو را با کارهای زشت آمیخته اند. شاید خدا توبه شان را بپذیرد، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۰۲)از داراییهایشان صدقه بستان تا آنان را پاک و منزه سازی و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو مایه آرامش آنهاست، و خدا شنوا و داناست.(۱۰۳)آیا هنوز ندانسته اند که خداست که توبه بندگانش را می پذیرد و صدقات را می ستاند، و خداست که توبه پذیر و مهربان است.(۱۰۴)بگو: عمل کنید، خدا و پیامبرش و مومنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهان و آشکارا باز گردانده می شوید و او از اعمالتان آگاهتان خواهد کرد.(۱۰۵)و گروهی دیگر به مشیت خداوند واگذاشته شده اند، که یا عذابشان می کند یا توبه شان را می پذیرد. و خدا دانا و حکیم است.(۱۰۶)خدا شهادت می دهد: آنهایی که مسجدی می سازند تا به مومنان زیان رسانند و میانشان کفر و تفرقه اندازند و تا برای کسانی که می خواهند با خدا و پیامبرش جنگ کنند کمینگاهی باشد، آنگاه سوگند می خورند که ما را قصدی جز نیکوکاری نبوده است، دروغ می گویند.(۱۰۷)هرگز در آن مسجد نماز مگزار. مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته تر است که در آنجا نماز کنی . در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.(۱۰۸)آیا کسی که بنیان مسجد را بر ترس از خدا و خشنودی او نهاده بهتر است، یا آن کسی که بنیان مسجد را بر کناره

سیلگـاهی که آب زیر آن را شسـته باشـد نهـاده است تـا با او در آتش جهنم سـرنگون گردد؟ و خـدا مردم سـتمگر را هـدایت نمی کند.(۱۰۹)آن بنا که بر آورده انـد همواره مایه تشویش در دلشان خواهـد بود تا آن هنگام که دلشان پاره پاره گردد. و خداوند دانا و حکیم است.(۱۱۰)خـدا از مومنان جانها و مالهایشان را خریـد، تا بهشت از آنان باشـد. در راه خدا جنگ می کنند، چه بکشـند یا کشـته شوند وعده ای که خدا در تورات و انجیل و قرآن داده است به حق بر عهده اوست. و چه کسـی بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهـد کرد؟ بـدین خریـد و فروخـت کـه کرده ایـد شـاد باشـید کـه کامیـابی بزرگی اسـت.(۱۱۱)توبه کنندگانند، پرسـتندگانند، ستایندگانند، روزه دارانند. رکوعکنندگانند، سـجده کنندگانند، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکرند و حافظان حدود خدایند. و مومنان را بشارت ده .(۱۱۲)نباید پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند برای مشرکان هرچند از خویشاوندان باشند -پس از آنکه دانستند که به جهنم می روند- طلب آمرزش کنند.(۱۱۳)آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش، نبود مگر به خاطر وعده ای که به او داده بود. و چون برای او آشکار شـد که پـدرش دشـمن خداسـت. از او بیزاری جست. زیرا ابراهیم بسـیار خدای ترس و بردبار بود.(۱۱۴)خـدا قومی را که هدایت کرده است گمراه نمی خواهد، تا برایشان روشن کند که از چه چیز باید بپرهیزند، که خدا بر هر چیزی داناست.(۱۱۵)فرمانروایی آسـمانها و زمین از آن خـداست. زنـده می کنـد و می میرانـد و شـما را جز خدا دوسـتدار و یاوری نیست.(۱۱۶)خدا، توبه پیامبر و مهاجرین و انصار را که در آن ساعت عسرت همراه او بودند، از آن پس که نزدیک بود که گروهی را دل از جنگ بگردد، پـذیرفت. توبه شان بپذیرفت، زیرا به ایشان رئوف و مهربان است.(۱۱۷)و نیز خدا پذیرفت توبه آن سه تن را که از جنگ تخلف کرده بودند. تا آنگاه که زمین با همه گشادگیش بر آنها تنگ شد و جان در تنشان نمی گنجید و خود دانسـتند که جز خداوند هیچ پناهگاهی که بدان روی آورند ندارند. پس خداوند توبه آنان بپذیرفت تا به او باز آیند، که توبه پذیر و مهربان است.(۱۱۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسـید و با راسـتگویان باشید.(۱۱۹)اهل مدینه و عربهای بادیه نشـین اطراف آن را نرسـد که از همراهی با پیامبر خدا تخلف ورزند و نباید که از او به خود پردازند. زیرا در راه خدا هیچ تشـنگی به آنها چیره نشود یا به رنج نیفتند یا به گرسـنگی دچار نگردند یا قدمی که کافران را خشمگین سازد بر ندارند یا به دشمن دستبردی نزنند، مگر آنکه عمل صالحی برایشان نوشته شود، که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد(۱۲۰)و هیچ مالی چه اندک و چه بسیار خرج نکنند و از هیـچ وادیی نگذرنـد. مگر آنکه به حسابشـان نوشـته شـود، تـا خـدا پاداشـشان دهـد، چون پـاداش نیکوترین کـاری که می کرده اند.(۱۲۱)و نتواننـد مومنان که همگی به سـفر رونـد. چرا از هر گروهی دسـته ای به سـفر نرونـد تا دانش دین خویش را بیاموزنـد و چون باز گشـتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشـتکاری حذر کنند.(۱۲۲)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، با کافرانی که نزدیک شمایند جنگ کنید تا در شما شدت و درشتی یابند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.(۱۲۳)و چون سوره ای نازل شود، بعضـی می پرسند: این سوره به ایمان کدام یک از شما در افزود؟ آنان که ایمان آورده اند به ایمانشان افزوده شود، و خود شادمانی می کنند.(۱۲۴)امـا آنان که در دلهایشان مرضـی است، جز انکاری بر انکارشان نیفزود و همچنان کافر بمردنـد.(۱۲۵)آیا نمی بینند که در هر سال یک یا دوبار مورد آزمایش واقع می شونـد؟ ولی نه توبه می کننـد و نه پنـد می گیرنـد.(۱۲۶)و چون سوره ای نازل شود، بعضـی به بعضـی دیگر نگاه می کنند: آیا کسـی شما را می بیند؟ و باز می گردند. خدا دلهایشان را از ایمان منصرف ساخته ، زیرا مردمی نافهمند.(۱۲۷)هر آینه پیامبری از خود شـما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید. سخت به شـما دلبسته است و با مومنان رئوف و مهربان است.(۱۲۸)اگر باز گردنـد بگو: خدا برای من کافی است، خدایی جز او نیست. بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ.(۱۲۹)

یونس

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، را. این است آیات کتاب به حکمت آمیخته .(۲)آیا مردم در شـگفتند از اینکه به مردی

از خودشان وحی کردیم که مردم را بترسان و مومنان را بشارت ده که در نزد پروردگارشان پایگاهی رفیع دارند؟ کافران گفتند که این مرد آشکارا جادوگری است.(۳)پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید. سپس به عرش پرداخت، ترتیب کارها را از روی تدبیر بداد. جز به رخصت او شفاعتکننده ای نباشد. این است الله پروردگار شما. او را بپرستید. چرا پند نمی گیرید.(۴)بازگشت همه شما به اوست. این به یقین وعده خداست. او مخلوقات را بیافریند. آنگاه آنان را به سوی خود باز گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کار شایسته کرده اند از روی عدل پاداش دهد. و کافران را به جزای کفرشان شرابی است از آب جوشان و عذابی است دردآور.(۵)اوست آن که خورشید را فروغ بخشید و ماه را منور ساخت و برایش منازلی معین کرد تا از شمار سالها و حساب آگاه شوید. خدا همه اینها را جز به حق نیافرید و آیات را برای مردمی که می دانند به تفصیل بیان می کند.(۶)در آمد و شد شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده است برای پرهیزگاران عبرتهاست.(۷)کسانی که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیوی خشنود شده و بدان آرامش یافته اند، و آنان که از آیات ما بی خبرند.(۸)به کیفر کارهایی که می کرده اند، جایگاهشان جهنم است.(۹)آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پروردگارشان به سبب شده ایمانشان به بهشتهایی پر نعمت که نهرهای آب در زیر پایشان جاری است هدایت می کند.(۱۰)در آنجا دعایشان این است: بار خدایا تو منزهی . و به هنگام درود. سلام می گویند. و پایان دعایشان این است: سپاس خدای را، آن پروردگار جهانیان(۱۱)اگر با همان شتاب که مردم برای خود خیر می طلبند خدا برایشان شر می طلبید، مرگشان فرا رسیده بود. پس آنان را که به دیدار ما امید ندارند، وا می گذاریم تا در گمراهی خویش سرگردان بمانند.(۱۲)چون به آدمی گزندی رسد، چه بر پهلو خفته باشد و چه نشسته یا ایستاده ما را به دعا می خواند. و چون آن گزند را از او دور سازیم، چنان می گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندی که به او رسیده بود هرگز نخوانده است. اعمال اسرافکاران اینچنین در نظرشان آراسته شده است.(۱۳)و ما مردمی را که پیش از شما بودند چون ستم کردند و به پیامبرانشان که با دلایل روشن سوی ایشان آمده بودند ایمان نمی آوردند، هلاک کردیم. مردم تبهکار را اینچنین کیفر می دهیم.(۱۴)آنگاه شما را در روی زمین جانشین آنها گردانیدیم تا بنگریم که چگونه عمل می کنید.(۱۵)چون آیات روشن ما بر آنان تلاوت شد، آنها که به دیدار ما امید ندارند گفتند: قرآنی جز این قرآن بیاور یا دگرگونش کن. بگو: مرا نرسد که آن را از سوی خود دگرگون کنم. هر چه به من وحی می شود پیرو همان هستم. می ترسم که اگر به پروردگارم عاصی شوم به عذاب آن روز بزرگ گرفتار آیم.(۱۶)بگو: اگر خدا می خواست من آن را بر شما تلاوت نمی کردم و شما را از آن آگاه نمی ساختم. و پیش از این در میان شما عمری زیسته ام. چرا به عقل در نمی یابید.(۱۷)کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ می بندد، یا آیات او را دروغ می انگارد؟ هر آینه مجرمان رستگار نشوند.(۱۸)سوای خدا چیزهایی را می پرستند که نه سودشان می رساند نه زیان. و می گویند: اینها شفیعان ما در نزد خدایند. بگو: آیا به خدا از چیزی خبر می دهید که در زمین و آسمان از آن سراغی ندارد؟ خدا منزه است و از آنچه با او شریک می سازید، فراتر است.(۱۹)مردم جز یک امت نبودند، میانشان اختلاف افتاد. و اگر نه آن سخنی بود که پیش از این از پروردگارت صادر گشته بود، در آنچه اختلاف می کنند داوری شده بود.(۲۰)و می گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نمی شود؟ بگو: علم غیب از آن خداست. انتظار بکشید. من نیز با شما منتظر می مانم.(۲۱)هرگاه پس از گزندی که به مردم رسیده است رحمتی به آنها بچشانیم، بینی که در آیات ما بداندیشی می کنند. بگو: مکر خدا سریعتر است، رسولان ما نیز، بد اندیشیهای شما را می نویسند.(۲۲)اوست که شما را در خشکی و در دریا سیر می دهد. تا آنگاه که در کشتیها هستند و باد موافق به حرکتشان می آورد، شادمانند. چون توفان فرا رسد و موج از هر سو بر آنها ریزد، چنان که پندارند که در محاصره موج قرار گرفته اند، خدا را از روی اخلاص عقیدت بخوانند. که اگر ما را از این خطر برهانی از سپاسگزاران خواهیم بود.(۲۳)چون خدا آنها را برهاند، بینی که در زمین به ناحق سرکشی کنند. ای مردم، این سرکشی به زیان خودتان است. تمتعی است در این زندگی دنیوی . آنگاه همه به نزد ما باز می گردید تا از کارهایی که می کرده اید آگاهتان سازیم.(۲۴)مثل این

زندگی دنیا مثل بارانی است که از آسمان نازل کنیم، تا بدان هر گونه رستنیها از زمین بروید، چه آنها که آدمیان می خورند و چه آنها که چارپایان می چرند. چون زمین پیرایه خویش برگرفت و آراسته شد و مردمش پنداشتند که خود قادر بر آن همه بوده اند، فرمان ما شب هنگام یا به روز در رسد و چنان از بیخش برکنیم که گویی دیروز در آن مکان هیچ چیز نبوده است. آیات را برای مردمی که می اندیشند اینچنین تفصیل می دهیم.(۲۵)خداوند به سرای سلامت فرا می خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند.(۲۶)پاداش آنان که نیکی می کنند نیکی است و چیزی افزون بر آن. نه سیه روی شوند و نه خوار. اینان اهل بهشتند و در آن جاویدانند.(۲۷)و برای آنان که مرتکب بدیها شوند، پاداش هر بدی همانند آن است و خواری بر آنها چیره می شود. کسی آنها را از خشم خدا نگه نمی دارد، چنان شوند که گویی صورتشان در پاره ای از شب تاریک پوشیده شده است. اینان اهل جهنمند و جاودانه در آن هستند.(۲۸)و روزی همه آنها را در محشر گرد آوریم. سپس مشرکان را گوییم: شما و بتهایتان در مکان خود قرار گیرید. سپس آنها را از یکدیگر جدا می کنیم و بتهایشان می گویند: شما هرگز ما را نمی پرستیده اید.(۲۹)خدا به شهادت میان ما و شما کافی است که ما از پرستش شما هرگز آگاه نبوده ایم.(۳۰)در آنجا هر کس هر چه کرده است پاداشش را خواهد دید و همه را به سوی خدا مولای حقیقیشان باز می گردانند و همه آن بتان که به باطل می پرستیدند نابود می شوند.(۳۱)بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ کیست که شنوایی و بینایی می بخشد؟ زنده را از مرده پدید می آرد و مرده را از زنده و کارها را به سامان می آورد؟ خواهند گفت: الله . بگو: آیا پروا نمی کنید.(۳۲)این الله پروردگار حقیقی شماست، بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس به کجا روی می آورید.(۳۳)پس سخن پروردگار تو درباره عصیانگران که گفت: اینان ایمان نمی آورند، به حقیقت پیوست.(۳۴)بگو: آیا از این بتان شما کسی هست که چیزی را بیافریند، و باز زنده کند؟ بگو: خدای یکتا مخلوقات را می آفریند و باز زنده می کند. پس چگونه از حق منحرفتان می کنند.(۳۵)بگو: آیا از این بتان شما کسی هست که به حق راه نماید؟ بگو: خدا به حق راه می نماید. آیا آن که به حق راه می نماید به متابعت سزاوارتر است یا آن که به حق راه نمی نماید و خود نیز نیازمند هدایت است؟ شما را چه می شود؟ چگونه حکم می کنید.(۳۶)بیشترشان فقط تابع گمانند، و گمان نمی تواند جای حق را بگیرد. هر آینه خدا به کاری که می کنند آگاه است.(۳۷)نشاید که این قرآن را جز به خدا نسبت کنند، بلکه تصدیق چیزی است که پیش از آن آمده است و توضیح آن کتاب است. شکی نیست که از جانب پروردگار جهانیان است.(۳۸)می گویند که آن را به دروغ به خدا نسبت می کند. بگو: اگر راست می گویید، جز خدا هر که را که می توانید به یاری بخوانید و سوره ای همانند آن بیاورید.(۳۹)چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند و هنوز از تاویل آن بی خبرند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز پیامبران را چنین به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است.(۴۰)برخی از ایشان بدان ایمان می آورند و برخی ایمان نمی آورند. و پروردگار تو به مفسدان آگاه تر است.(۴۱)اگر تو را به دروغ نسبت کردند، بگو: عمل من از آن من است و عمل شما از آن شما. شما از کار من بیزارید و من از کار شما بیزارم.(۴۲)برخی از ایشان به تو گوش می دهند. آیا اگر در نیابند تو می توانی کران را شنوا سازی .(۴۳)برخی از آنها به تو می نگرند. آیا اگر نبینند، تو می توانی کوران بی بصیرت را راه بنمایی .(۴۴)خداوند به مردم هیچ ستم نمی کند ولی مردم خود به خود ستم می کنند.(۴۵)و روزی که خداوند آنان را در محشر گرد آورد، چنان که پنداری تنها ساعتی از روز درنگ کرده اند، یکدیگر را بشناسند. آنها که دیدار با خدا را دروغ می انگاشتند زیان دیده اند و هدایت نیافته اند.(۴۶)یا پاره ای از چیزهایی را که به آنها وعده داده ایم به تو می نمایانیم یا تو را می میرانیم. بازگشت همه شان به نزد ماست و خدا به هر کاری که می کنند ناظر است.(۴۷)هر امتی را پیامبری بود و چون پیامبرشان بیامد کارها میانشان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند.(۴۸)می گویند: اگر راست می گویید، پس این وعده چه وقت خواهد بود.(۴۹)بگو: من درباره خود -جز آنچه خدا بخواهد- مالک هیچ سود و زیانی نیستم. مرگ هر امتی را زمانی معین است. چون زمانشان فرا رسد، نه یک ساعت تاخیر کنند و نه یک ساعت پیش

افتند.(۵۰)بگو: چه می کنید اگر عذاب او به ناگاه شب هنگام یا به روز فرا رسد؟ گناهکاران چه چیز را اینچنین به شتاب می طلبند.(۵۱)آیا چون عذاب به وقوع پیوندد بدان ایمان می آورید؟ اکنون این همان چیزی است که فرا رسیدنش را به شتاب می خواستید.(۵۲)آنگاه به ستمکاران گویند: عذاب جاوید را بچشید. آیا نه چنین است که در برابر اعمالتان کیفر می بینید.(۵۳)از تو خبر می گیرند که آیا حق است؟ بگو: آری ، سوگند به پروردگارم که حق است و شما را یارای فرار از آن نیست.(۵۴)اگر هر گنهکاری صاحب همه روی زمین باشد، خواهد که خود را بدان از عذاب باز خرد. و چون عذاب را بنگرند پشیمانی خویش در دل نهان دارند. میانشان به عدالت حکم شود و مورد ستم واقع نگردند.(۵۵)بدانید که هر چه در آسمانها و زمین است از آن خداست. و آگاه باشید که وعده خدا حق است، ولی بیشترشان نمی دانند.(۵۶)اوست که زنده می کند و می میراند و همه به سوی او باز می گردید.(۵۷)ای مردم، برای شما از جانب پروردگارتان موعظه ای آمد و شفایی برای آن بیماریی که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مومنان.(۵۸)بگو: به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند، زیرا این دو از هر چه می اندوزند بهتر است.(۵۹)بگو: آیا به رزقی که خدا برایتان نازل کرده است نگریسته اید. بعضی را حرام شمردید و بعضی را حلال. بگو: خدا به شما اجازه داده است یا به او دروغ می بندید.(۶۰)آنان که به خدا دروغ می بندند درباره روز قیامت چه گمان کرده اند. خدا فضل خود را به مردمان ارزانی می دارد، ولی بیشترینشان شکر نمی گویند.(۶۱)در هر کاری که باشی ، و هر چه از قرآن بخوانی و دست به هر عملی که بزنید هنگامی که بدان می پردازید ما ناظر بر شما هستیم. بر پروردگار تو حتی به مقدار ذره ای در زمین و آسمانها پوشیده نیست. هر چه کوچکتر از آن باشد،در کتاب مبین نوشته شده است.(۶۲)آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی شوند.(۶۳)کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند.(۶۴)بشارت است ایشان را در دنیا و آخرت. سخن خدا دگرگون نمی شود. این است کامیابی بزرگ.(۶۵)سخن آنان تو را محزون نسازد. عزت به تمامی از آن خداوند است. اوست که شنوا و داناست.(۶۶)آگاه باشید که از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است و آنان که سوای خدا را شریکان می خوانند، جز از گمان خویش پیروی نمی کنند و جز دروغ نمی گویند.(۶۷)اوست که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را پدید آورد تا در آن ببینید. در اینها برای مردی که می شنوند عبرتهاست.(۶۸)گفتند: خدا فرزندی برگزیده است. منزه است. بی نیاز است. از آن اوست هر چه در آسمانها و زمین است. شما را بر آن سخن دلیلی نیست. چرا درباره خدا چیزهایی می گویید که به آن آگاه نیستید.(۶۹)بگو: آنها که به خدا دروغ می بندند رستگار نمی شوند.(۷۰)برخورداری از دنیا، آنگاه بازگشتشان به سوی ما. سپس به کیفر کفر ورزیدنشان عذابی سختشان می چشانیم.(۷۱)بر ایشان داستان نوح را بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: ای قوم من، اگر درنگ کردن من در میان شما و یادآوری آیات خدا بر شما گران می آید، من بر خدا توکل می کنم، ساز و برگ خویش و بتانتان را گرد آورید چنان که هیچ چیز از کاری که می کنید بر شما پوشیده نباشد و به دشمنی من قدم به پیش نهید و مرا مهلت مدهید.(۷۲)و اگر پشت کردید، من از شما هیچ پاداشی نخواسته ام، که پاداش من با خداست و من مامور شده ام که از تسلیم شدگان باشم.(۷۳)تکذیبش کردند و ما او و همراهانش را در کشتی برهانیدیم و آنان را جانشین پیشینیان ساختیم و کسانی را که آیات ما را دروغ می انگاشتند غرقه کردیم. پس بنگر که عاقبت بیم داده شدگان چگونه بود.(۷۴)آنگاه پس از او پیامبرانی بر قومشان مبعوث کردیم و آنان دلیلهای روشن آوردند ولی مردم به آنچه پیش از آن تکذیبش کرده بودند. ایمان آورنده نبودند. بر دلهای تجاوزکاران اینچنین مهر می نهیم.(۷۵)و پس از آنها موسی و هارون را همراه آیاتمان بر فرعون و مهتران قومش مبعوث کردیم. و آنان سرکشی کردند و مردمی تبهکار بودند.(۷۶)و چون حق از نزد ما به سوی ایشان آمد، گفتند که این جادویی آشکار است.(۷۷)موسی گفت: آیا سخن حق را که اینک بر شما نازل شده است جادو می خوانید، و حال آنکه جادوگران رستگار نمی شوند.(۷۸)گفتند: آیا آمده ای تا ما را از آن آیین که پدرانمان را بر آن یافته ایم منصرف سازی تا در زمین سروری یابید؟ ولی ما به شما ایمان نمی آوریم.(۷۹)فرعون گفت: همه جادوگران دانا را نزد من بیاورید.(۸۰)چون جادوگران آمدند، موسی گفت:

بیفکنید هر چه را که باید بیفکنید.(۸۱)چون بیفکندند، موسی گفت: آنچه شما آورده اید جادوست و خدا آن را باطل خواهد ساخت، زیرا خدا کار مفسدان را به صلاح نمی آورد.(۸۲)و خداوند با سخنان خود حق را به اثبات می رساند، اگر چه مجرمان را ناخوش آید.(۸۳)از بیم آزار فرعون و مهتران قوم او، جز گروهی از آنها به موسی ایمان نیاوردند. و فرعون در زمین برتری می جست و او از گزافکاران بود.(۸۴)موسی گفت: ای قومم من، اگر به خدا ایمان آورده اید و تسلیم فرمان هستید به او توکل کنید.(۸۵)گفتند: بر خدا توکل کردیم، ای پروردگار ما، ما را مغلوب این مردم ستمکار مکن.(۸۶)و به رحمت خود ما را از این کافران رهایی بخش.(۸۷)به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه هایی مهییا کنید و خانه های خود را عبادتگاه سازید و نماز گزارید و مومنان را بشارت ده(۸۸)موسی گفت: ای پروردگار ما، به فرعون و مهتران قومش در این جهان زینت و اموال داده ای ، ای پروردگار ما، تا دیگران را از طریق تو گمراه کنند. ای پروردگار ما، اموالشان را تباه ساز و دلشان را سخت کن. ایمان نمی آورند تا آنگاه که عذاب دردآور را بنگرند.(۸۹)گفت: خواست شما اجابت شد، ثابت قدم باشید و از طریقه نادانان پیروی مکنید.(۹۰)ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیبشان پرداختند. چون فرعون غرق می شد گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل بدان ایمان آورده اند نیست، و من از تسلیمشدگانم.(۹۱)آیا اکنون؟ و تو پیش از این عصیان می کردی و از مفسدان بودی .(۹۲)امروز جسم تو را به بلندی می افکنیم تا برای آنان که پس از تو می مانند عبرتی باشی ، و حال آنکه بسیاری از مردم از آیات ما غافلند.(۹۳)هر آینه بنی اسرائیل را در مکانی نیکو جای دادیم و از طیبات روزیشان دادیم و تا آن هنگام که صاحب دانش نشده بودند اختلافی نداشتند. پروردگار تو در روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند میانشان قضاوت خواهد کرد.(۹۴)اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم در تردید هستی ، از آنهایی که کتاب آسمانی پیش از تو را می خوانند بپرس. هر آینه حق است آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است. پس نباید در شمار تردیدکنندگان باشی .(۹۵)و از آنان که آیات خدا را تکذیب می کنند مباش، که در زمره زیانکنندگان باشی .(۹۶)کسانی که سخن پروردگار تو درباره آنان تحقق یافته ، ایمان نمی آورند.(۹۷)(۹۸)?NAME)چرا مردم هیچ قریه ای به هنگامی که ایمانشان سودشان می داد ایمان نیاوردند مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند عذاب ذلت در دنیا را از آنان برداشتیم و تا هنگامی که اجلشان فرا رسید از زندگی برخوردارشان کردیم.(۹۹)اگر پروردگار تو بخواهد، همه کسانی که در روی زمینند ایمان می آورند. آیا تو مردم را به اجبار وا می داری که ایمان بیاورند.(۱۰۰)جز به اذن خدا هیچ کس را نرسد که ایمان بیاورد. و او پلیدی را بر کسانی که خرد خویش به کار نمی بندند مقرر می کند.(۱۰۱)بگو: بنگرید که چه چیزهایی در آسمانها و زمین است. و این آیات و هشدارها قومی را که ایمان نمی آورند سود نمی کند.(۱۰۲)آیا جز این است که انتظار روزی را می کشند همانند روزهایی که پیشینیانشان منتظرش بودند؟ بگو: انتظار بکشید، که من نیز با شما منتظرم.(۱۰۳)آنگاه پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آورده اند می رهانیم. زیرا بر ما فریضه است که مومنان را برهانیم.(۱۰۴)بگو: ای مردم، اگر شما در دین من تردید دارید، من چیزهایی را که به جای الله می پرستید نمی پرستم. من الله را می پرستم که شما را می میراند و مامور شده ام که از مومنان باشم.(۱۰۵)و به دین حنیف روی آور و از مشرکان مباش.(۱۰۶)به جای الله ، خدایانی را که نه به تو سود می رسانند و نه زیان. مخوان. اگر چنین کنی ، از ستمکاران خواهی بود.(۱۰۷)و اگر خدا به تو زیانی برساند، جز او کس دفع آن نتواند کرد. و اگر برای تو خیری بخواهد، هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت. فضل خود را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند و او آمرزنده و مهربان است.(۱۰۸)بگو: ای مردم، پیام راستین از جانب پروردگارتان برایتان فرا رسید. پس هر کس که به راه راست هدایت یابد، هدایت به سود اوست. و هر که گمراه گردد، به زیان خویش به گمراهی افتاده است. و من عهده دار شما نیستم.(۱۰۹)چیزی را که به تو وحی می شود پیروی کن و صبر کن تا خدا داوری کند که او بهترین داوران است.(۱۱۰)

هود

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، را. کتابی است با آیاتی استوار و روشن از جانب حکیمی آگاه .(۲)که جز خدای یکتا را نپرستید، من از جانب او بیمدهنده شما و نیز مژده دهنده ای برای شما هستم.(۳)و نیز از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید، تا شما را از رزقی نیکوتا آنگاه که مقرر است برخورداری دهد. و هر شایسته انعامی را نعمت دهد. و اگر رویگردان شوید، بر شما از عذاب روز بزرگ بیمناکم.(۴)بازگشتتان به خداست و او بر هر کاری تواناست.(۵)آگاه باش که اینان صورت بر می گردانند تا راز دل خویش پنهان دارند، حال آنکه بدان هنگام که جامه های خود در سر می کشند خدا آشکار و نهانشان را می داند، زیرا او به راز دلها آگاه است.(۶)هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست، جز آنکه روزی او بر عهده خداست، و موضع و مکانش را می داند، زیرا همه در کتاب مبین آمده است.(۷)اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر روی آب بود. تا بیازماید کدام یک از شما به عمل نیکوتر است. و اگر بگویی که بعد از مرگ زنده می شوید، کافران گویند که این جز جادویی آشکار نیست.(۸)و اگر چند گاهی عذابشان را به تاخیر بیفکنیم می پرسند: چه چیز مانع آن شده است؟ آگاه باشید چون عذابشان فرا رسد، آن را باز نگردانند، و آنچه مسخره اش می کردند آنان را در بر خواهد گرفت.(۹)اگر به انسان رحمتی بچشانیم، آنگاه از او بازش گیریم، مایوس می شود و کفران می ورزد.(۱۰)و اگر پس از سختی و رنج، نعمت و آسایشی به او بچشانیم. می گوید: ناگواریها از من دور شده است. و در این حال، شادمان است و فخر می فروشد.(۱۱)مگر کسانی که شکیبایی ورزیدند و کارهای نیکو کردند، که آمرزش و مزد بزرگ از آن آنهاست.(۱۲)مباد که برخی از چیزهایی را که بر تو وحی کرده ایم واگذاری و بدان دلتنگ باشی که می گویند: چرا گنجی بر او افکنده نمی شود؟ و چرا فرشته ای همراه او نمی آید؟ جز این نیست که تو بیمدهنده ای بیش نیستی و خداست که کارساز هر چیزی است.(۱۳)یا آنکه می گویند که از خود بر می بافد و به دروغ به خدا نسبتش می کند. بگو: اگر راست می گویید، جز خدا هر که را که توانید به یاری بطلبید و ده سوره مانند آن به هم بر بافته ، بیاورید.(۱۴)پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که قرآن به علم خدا نازل شده و نیز هیچ خدایی جز او نیست. آیا تسلیم می شوید.(۱۵)آنان که زندگی و زینت این دنیا را بخواهند، پس همه مزد کردارشان را در این جهان می دهیم و در آن نقصانی نمی بینند.(۱۶)اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش نصیبی ندارند و هر چه کرده اند ناچیز شود و هر چه به جای آورده اند باطل است.(۱۷)آیا آن کس که از جانب پروردگار خویش دلیلی روشن دارد و زبانش بدان گویاست و پیش از این کتاب موسی که خود پیشوا و رحمتی بوده است بدان شهادت داده ، با آن کس که دلیلی ندارد برابر است؟ ایشان به آن کتاب روشن ایمان می آورند. و هر گروه دیگری که به او کافر شود، جایگاهش در آتش است. در آن شک مکن، که حق است و از جانب پروردگارت آمده است. ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.(۱۸)چه کس ستمکارتر از آن کسی است که به خدا دروغ می بندد؟ اینان را به پروردگارشان عرضه خواهند داشت و شاهدان گواهی خواهند داد که اینانند که بر پروردگارشان دروغ می بسته اند. هان، لعنت خدا بر ستمکاران باد.(۱۹)آنان که مردم را از راه خدا باز می دارند و راه خدا را منحرف می خواهند و به آخرت ایمان ندارند.(۲۰)اینان نمی توانند در روی زمین از خدای بگریزند و جز او هیچ یاوری ندارند، عذابشان مضاعف می شود. نه توان شنیدن داشته اند و نه توان دیدن.(۲۱)اینان به خویشتن زیان رسانیدند و آنچه را که به دروغ خدا می خواندند از دست داده اند.(۲۲)به ناچار در آخرت زیانکارترند.(۲۳)کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و در برابر پروردگارشان فروتنی نموده اند، اهل بهشتند و در آن جاویدانند.(۲۴)مثل این دو گروه مثل کور و کر و بینا و شنواست. آیا این دو به مثل با هم برابرند؟ چرا پند نمی گیرید.(۲۵)و نوح را بر مردمش به پیامبری فرستادیم. گفت: من برای شما بیمدهنده ای آشکارم.(۲۶)که جز خدای یکتا را نپرستید. زیرا از عذاب روز سخت قیامت بر شما بیمناکم.(۲۷)مهتران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز انسانی همانند خویش نمی بینیم. و نمی بینیم که جز اراذل قوم از تو متابعت کنند. و نمی بینیم که شما را بر ما فضیلتی باشد، بلکه پنداریم

که دروغ می گویید.(۲۸)گفت: ای قوم من، چه می گوییـد اگر از پروردگـارم حجتی به همراه داشته باشم و او مرا رحمت خویش ارزانی کرده باشد و شـما از دیدن آن ناتوان باشـید، آیا در حالی که خود نمی خواهید، شما را به اکراه به قبول آن واداریم.(۲۹)ای قوم من، در برابر تبلیغ رسـالت خویش مـالی از شـما نمی طلبم. مزد من تنها با خـداست. آنهایی را که ایمان آورده انـد از خود نمی رانم. آنان با پروردگار خویش دیـدار خواهنـد کرد. ولی می بینم که شـما مردمی نادان هستید.(۳۰)ای قوم من، اگر آنهـا را از خود برانم، چه کسـی در قبال خـدا مرا یاری خواهد کرد؟ آیا حقیقت را در نمی یابید.(۳۱)به شـما نمی گویم که خزاین خدا در نزد من است. و علم غیب هم نمی دانم. و نمی گویم که فرشـته هسـتم. و نمی گویم که خـدا به آنان که شـما به حقارت در آنها می نگرید خیر خود را عطا نکند. خدا به آنچه در دلهای آنهاست آگاه تر است. اگر چنین کنم، از ستمکاران خواهم بود.(۳۲)گفتند: ای نوح، با ما جدال کردی و بسیار هم جدال کردی . اگر راست می گویی ، هر وعده ای که به ما داده ای بیاور.(۳۳)گفت: خداست که اگر بخواهد آن وعده را آشکار می کند و شما از آن نتوانید گریخت.(۳۴)و اگر خدا خواسته باشد که گمراهتان سازد، اگر من بخواهم شما را انـدرز دهم، انـدرزم سود نخواهد کرد. اوست پروردگار شـما و همه بدو باز می گردید.(۳۵)یا می گوینـد که آن را به خدا دروغ بسته است. بگو: اگر آن را به خدا دروغ بسته باشم، گناهش بر من است و من از گناهی که می کنید مبرا هستم.(۳۶)و به نوح وحی رسـید که از قوم تو جز آن گروه که ایمان آورده انـد. دیگر ایمان نخواهنـد آورد. از کردار آنان اندوهگین مباش.(۳۷)کشتی را زیر نظر و الهـام مـا بساز و درباره این سـتمکاران با من سـخن مگوی ، که همه غرقه انـد.(۳۸)نوح کشتی می سـاخت و هربار که مهتران قومش بر او می گذشـتند مسـخره اش می کردنـد. می گفت: اگر شـما مـا را مسـخره می کنیـد، زودا که ما هم هماننـد شـما مسـخره تـان خواهیم کرد.(۳۹)بـه زودی خواهیـد دانست کـه عـذاب بر کـه رسـد و خـوارش سـازد و عـذاب جاویـد بر کـه فرود آید.(۴۰)چون فرمان ما فراز آمـد و تنور جوشـید، گفتیم: از هر نر و ماده دو تا و نیز خانـدان خود را در کشتی بنشان -مگر آن کس را کـه حکم دربـاره اش از پیش صـادر شـده باشـد- و نیز آنهـایی را که به تـو ایمـان آورده انـد. و جز انـدکی به او ایمـان نیـاورده بودند.(۴۱)گفـت: بر آن سـوار شویـد، کـه بـه نـام خـدا بـه راه افتـد و بـه نـام خـدا بایسـتد. زیرا پروردگـار من، آمرزنـده و مهربـان است.(۴۲)کشتی آنان را در میان امواجی چون کوه می برد. نوح پسـرش را که در گوشه ای ایسـتاده بود ندا داد: ای پسر، با ما سوار شود و با کافران مباش.(۴۳)گفت: من بر سـر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده ای از فرمان خدا نیست مگر کسی را که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حایل گشت و او از غرق شدگان بود.(۴۴)و گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر و ای آسـمان باز ایست. آب فروشـد و کار به پایان آمـد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که ای لعنت باد بر مردم ستمکاره .(۴۵)نوح پروردگارش را نـدا داد: ای پروردگار من، پسـرم از خاندان من بود و وعده تو حق است و نیرومنـدترین حکمکنندگان تو هستی .(۴۶)گفت: ای نـوح، او از خانـدان تو نیست، او عملی است ناصالـح. از سـر ناآگـاهی از من چیزی مخواه . بر حـذر می دارم تو را که از مردم نادان باشـی .(۴۷)گفت: ای پروردگـار من، پناه می برم به تو اگر از سـر ناآگاهی چیزی بخواهم، و اگر مرا نیـامرزی و به من رحمت نیاوری از زیان کردگان خواهم بود.(۴۸)گفته شد: ای نوح، به سلامت و برکاتی که بر تو و آنهـا که همراه توانـد ارزانی داشته ایم، فرود آی . و امتهـایی هسـتند که آنهـا را برخوردار می سـازیم، آنگاه دسـتخوش عذاب دردآور ما می شوند.(۴۹)اینهـا از خبرهـای غیب است که بر تو وحی می کنیم. پیش از این نه تو آنها را می دانستی و نه قوم تو. پس صبر کن، زیرا عـاقبت نیک از آن پرهیزگاران است(۵۰)و بر قوم عاد برادرشان هود را فرسـتادیم. گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، شما را هیچ خدایی جز او نیست و شما دروغسازانی بیش نیستید.(۵۱)ای قوم من، در برابر رسالتم از شما مزدی نمی طلبم. مزد من تنها با آن کسـی است که مرا آفریده است. چرا از روی خرد نمی اندیشید.(۵۲)و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهیـد، آنگـاه بر آسـتان او تـوبه کنیـد تـا بـاران را پی در پی بر شـما فرو ریزد و بر نیرویتـان بیفزایـد. و چـون گنهکـاران رخ بر متابید.(۵۳)گفتند: ای هود، تو برای ما دلیل روشنی نیاورده ای و ما به گفتار تو خدایان خویش را ترک نمی کنیم و به تو ایمان نمی

آوریم.(۵۴)جز این نگوییم که بعضـی از خدایان ما به تو آزاری رسانده اند. گفت: خدا را گواه می گیرم و شـما نیز گواه باشید که من از آنچه جز خدای یکتا به شـرک می پرستید بیزارم.(۵۵)همگی به حیله گری بر ضـد من برخیزید و مرا مهلت مدهید.(۵۶)من بر خـدای یکتا که پروردگار من و پروردگار شـماست توکل کردم. هیـچ جنبنـده ای نیست مگر آنکه زمام اختیارش را او گرفته است. هر آینه پروردگار من بر صـراط مستقیم است.(۵۷)اگر هم رویگردان شویـد، من رسالت خویش را به شـما رسانیدم و پروردگار من مردم دیگری را جانشـین شـما خواهـد ساخت و هیـچ به او زیانی نمی رسانید. زیرا پروردگار من، نگهبان همه چیزهاست.(۵۸)چون فرمـان مـا در رسـید، به بخشـایش خـویش هـود و کسـانی را که به او ایمـان آورده بودنـد نجـات دادیم و آنهـا را از عـذاب سـخت رهانیدیم.(۵۹)اینان قوم عاد بودنـد که آیات پروردگارشان را انکار کردنـد و پیامبرانش را نافرمانی کردنـد و به فرمان هر جبار کینه توزی گردن نهادند.(۶۰)و در این دنیا و در روز قیامت گرفتار لعنت شدند. آگاه باشـید که قوم عاد به پروردگارشان کافر شدند که لعنت باد بر عاد، قوم هود.(۶۱)و بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرسـتادیم. گفت: ای قوم من. خدای یکتا را بپرستید. شـما را جز او خـدایی نیست. اوست که شـما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادانش دارید. پس آمرزش خواهید و به درگاهش توبه کنید. هر آینه پروردگار من نزدیک است و دعاها را اجابت می کند.(۶۲)گفتند: ای صالح، پیش از این به تو امید می داشتیم. آیا ما را از پرسـتش آنچه پـدرانمان می پرستیدنـد باز می داری ؟ ما از آنچه ما را بـدان می خوانی در شـکیم.(۶۳)گفت: ای قـوم من، چه گویید اگر از پروردگارم حجتی به همراه داشته باشم و او مرا رحمت خویش ارزانی کرده باشد، چه کسی مرا یاری می کند اگر از فرمانش سـرپیچی کنم؟ اگر از شما فرمان برم جز به زیان من نخواهید افزود.(۶۴)ای قوم من، این ماده شتر خداونـد است و نشانه ای است برای شـما. بگذاریـدش تا در زمین خدا بچرد و به بدی میازاریدش که به زودی عذاب شـما را فرو گیرد.(۶۵)پس ماده شتر را پی کردنـد. گفت: سه روز در خانه های خود از زنـدگی برخوردار شویـد و این وعـده ای است عاری از دروغ.(۶۶)چون امر ما فرا رسـید، صالح را با کسانی که به او ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز نجات بخشـیدیم. زیرا پروردگار تو توانا و پیروزمند است.(۶۷)و سـتمکاران را صـیحه ای فرو گرفت و در خـانه های خود بر جای مردنـد.(۶۸)چنـان که گویی هرگز در آن دیـار نبوده انـد. آگـاه باشـید که قوم ثمود به پروردگارشـان کافر شدنـد، هان بر قوم ثمود لعنت باد.(۶۹)به تحقیق رسولاـن ما برای ابراهیم مژده آوردند. گفتند: سلام. گفت: سلام. و لحظه ای بعد گوساله ای بریان حاضر آورد.(۷۰)و چون دید که بدان دست نمی یازند، آنان را ناخوش داشت و در دل از آنها بیمناک شد. گفتند: مترس، ما بر قوم لوط فرستاده شده ایم.(۷۱)زنش که ایستاده بود، خندیـد. او را به اسـحاق بشارت دادیم و پس از اسـحاق به یعقوب.(۷۲)زن گفـت: وای بر مـن، آیـا در ایـن پیر زالی می زایم و این شوهر من نیز پیر است؟ این چیز عجیبی است.(۷۳)گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می کنی ؟ رحمت و برکات خدا بر شـما اهل این خـانه ارزانی باد. او سـتودنی و بزرگوار است.(۷۴)چون وحشت از ابراهیم برفت و او را نویـد آمـد، بـا مـا درباره قوم لوط به مجادله برخاست.(۷۵)ابراهیم بردبـار است و رئـوف است و فرمـانبردار است.(۷۶)ای ابراهیم، از این سـخن اعراض کن. فرمـان پروردگـارت فراز آمـده است و بر آنها عـذابی که هیچ برگشتی ندارد فرود خواهد آمد.(۷۷)چون رسولان ما نزد لوط آمدنـد، لوط اندوهگین و دلتنگ شد و گفت: امروز روز سختی است.(۷۸)و قومش شتابان نزد او آمدند و آنان پیش از این مرتکب کارهای زشت می شدند. لوط گفت: ای قوم من، اینها دختران من هستند. برای شـما پاکیزه ترند. از خدا بترسـید و مرا در برابر مهمانانم خجل مکنید. آیا مرد خردمنـدی در میـان شـما نیست.(۷۹)گفتنـد: تـو خـود می دانی کـه مـا را بـه دخـتران تـو نیـازی نیسـت و نیز می دانی کـه چـه می خواهیم.(۸۰)لوط گفت: کاش در برابر شـما قدرتی می داشتم، یا می توانستم به تکیه گاهی استوار پناه ببرم.(۸۱)گفتند: ای لوط، ما رسولان پروردگار تو هستیم. اینان، هرگز به تو دست نخواهند یافت. چون پاسی از شب بگذرد، خاندان خویش را بیرون ببر. و هیچ یـک از شـما روی برنگردانـد جز زنت که به او نیز آنچه به آنها رسـد خواهـد رسید. وعـده آنها صبحگاه است. آیا صـبح نزدیک نیست.(۸۲)چـون فرمـان مـا فراز آمـد، آنجـا را زیر و زبر کردیـم و بر آن شـهر بـارانی از سـنگهایی از سـجیل، پی در پی ، فرو

باریدیم.(۸۳)که بر آنها نشان پروردگارت بود و چنین عذابی از ستمکاران دور نیست.(۸۴)و بر مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، شما را هیچ خدایی جز او نیست. و در پیمانه و ترازو نقصان مکنید. اینک شما را در نعمت می بینم. و از روزی که عذابش شما را فرو گیرد بیمناکم.(۸۵)ای قوم من، پیمانه و ترازو را از روی عدل، کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون تبهکاران در زمین فساد مکنید.(۸۶)اگر ایمان آورده اید، آنچه خدا باقی می گذارد برایتان بهتر است. و من نگهبان شما نیستم.(۸۷)گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو فرمان می دهد که ما آنچه را پدرانمان می پرستیدند ترک گوییم، یا در اموال خود آنچنان که خود می خواهیم تصرف نکنیم؟ به راستی تو مردی بردبار و خردمند هستی .(۸۸)گفت: ای قوم من، چه می گویید اگر با من از جانب پروردگارم حجتی باشد و او مرا رزقی نیکو عطا کرده باشد؟ اگر شما را نهی می کنم برای آن نیست که خود سودی ببرم. تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم. توفیق من تنها با خداست. به او توکل کرده ام و به درگاه او روی می آورم.(۸۹)ای قوم من، مخالفت با من شما را به کاری وا ندارد تا آنچه بر قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح یا در همین نزدیکی به قوم لوط رسید، به شما نیز برسد.(۹۰)از پروردگارتان آمرزش بخواهید. به درگاهش توبه کنید، که پروردگار من مهربان و دوست دارنده است.(۹۱)گفتند: ای شعیب، بسیاری از چیزهایی را که می گویی نمی فهمیم. تو را در میان خود ناتوان می بینیم، اگر به خاطر قبیله ات نبود. سنگسارت می کردیم و تو بر ما پیروزی نیابی .(۹۲)گفت: ای قوم من، آیا قبیله من در نزد شما از خدا پیروزمندتر است. آیا خدا را پس پشت خویش افکندید؟ و حال آنکه پروردگار من به هر کاری که می کنید احاطه دارد.(۹۳)ای قوم من، شما همچنان که هستید به کار خویش مشغول باشید و من هم به کار خویش مشغول می شوم. به زودی خواهید دانست که آن عذاب خوارکننده بر چه کسی فرود می آید و چه کسی دروغگوست. منتظر بمانید، من نیز با شما منتظر می مانم.(۹۴)چون امر ما فراز آمد، شعیب و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خویش رهانیدیم. و ستمکاران را صیحه ای فرو گرفت و در خانه های خویش بر جای مردند.(۹۵)چنان که گویی هرگز در آن دیار نبوده اند. هان لعنت بر مردم مدین باد، همچنان که لعنت بر قوم ثمود.(۹۶)و ما موسی را همراه با آیات و حجت آشکار خویش فرستادیم.(۹۷)به نزد فرعون و مهتران قومش. اما آنان پیرو فرمان فرعون شدند. و فرمان فرعون به راه صواب راه نمی نمود.(۹۸)در روز قیامت پیشاپیش قوم خود بیاید و همه را به آتش درآورد که وارد شدن را بد جایگاهی است.(۹۹)لعنت این جهانی و لعنت روز قیامت را از پی دارند و چه بد عطایی به آنان داده شده است.(۱۰۰)اینها اخبار قریه هایی است که برای تو حکایت می کنیم، قریه هایی که بعضی هنوز برپایند و بعضی ویران.(۱۰۱)ما به آنها ستم نکردیم بلکه خود به خود ستم می کردند. و چون امر پروردگار تو فراز آمد، خدایانی که به جای خدای یکتا می پرستیدند هیچ به کارشان نیامدند و جز زیانکاری چیزی بر آنان نیفزودند.(۱۰۲)اینچنین بود مواخذه پروردگار تو وقتی که بخواهد قریه ای ستمکار را به مواخذه کشد. مواخذه او عذابی سخت دردآور است.(۱۰۳)در اینها برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناکند عبرتی است، در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند.(۱۰۴)و جز تا اندک مدتی به تاخیرش نمی اندازیم.(۱۰۵)روزی که چون بیاید هیچ کس جز به فرمان او سخن نگوید و مردمان بعضی بدبخت باشند و بعضی نیکبخت.(۱۰۶)اما بدبختان در آتشند و مردمان را در آنجا ناله ای زار و خروشی سخت بود.(۱۰۷)و تا آسمانها و زمین باقی هستند در آنجا جاودانه بمانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو هر چه خواهد همان کند.(۱۰۸)اما نیکبختان تا آسمانها و زمین باقی هستند در بهشت جاویدان بمانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. عطای او هیچ منقطع نمی شود.(۱۰۹)از آنچه اینان می پرستند به تردید مباش. جز بدان گونه که پدرانشان پیش از این می پرستیدند، نمی پرستند. ما نصیب آنان را بی هیچ کم و کاست ادا خواهیم کرد.(۱۱۰)به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد. اگر نه حکمی بود که از پیش از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، که ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند.(۱۱۱)و پروردگار تو پاداش اعمال همه را به تمامی خواهد داد و خدا به کارهایی که می کنند آگاه است.(۱۱۲)همراه با آنان که با تو رو به خدا کرده

انـد، همچنـان که مـامور شـده ای ثـابت قـدم باش. و طغیان مکنیـد که او به هر کاری که می کنیـد بیناست.(۱۱۳)به ستمکاران میل مکنیـد، که آتش بسوزانـدتان. شـما را جز خدا هیچ دوستی ۲نیست و کس یاریتان نکنـد.(۱۱۴)نمـاز بگزار در آغـاز و انجام روز و ساعـاتی از شـب. زیرا نیکیهـا. بـدیها را از میـان می برنـد. ایـن انـدرزی است برای اندرزپـذیران.(۱۱۵)صـبر کن، زیرا خداونـد مزد نیکوکـاران را تبـاه نمی سازد.(۱۱۶)چرا در میـان مردمـانی کـه پیش از شـما بودنـد -جز انـدکی کـه از آن میـان نجاتشـان دادیـم- خردمنـدانی نبودنـد تـا مردمـان را از فسـاد کردن در زمیـن بـاز دارنـد؟ ظالمـان از پی آسـودگی و لـذات دنیـوی رفتنـد و گنهکـار بودند.(۱۱۷)پروردگـار تو هیـچ قریه ای را که مردمش نیکوکـار باشـند به سـتم هلاـک نخواهـد سـاخت.(۱۱۸)و اگر پروردگـار تو خواسـته بـود، همه مردم را یـک امت کرده بـود، ولی همـواره گـونه گون خواهنـد بود.(۱۱۹)مگر آنهـایی که پروردگـارت بر آنها رحمت آورده و آنها را برای همین بیافریده است. و سخن پروردگار تو بر این مقرر شده که : جهنم را از همه جن و انس انباشته می کنم.(۱۲۰)هر خبری از اخبـار پیـامبران را برایت حکـایت می کنیم تا تو را قویـدل گردانیم. و در این کتاب بر تو سـخن حق، و برای مومنان موعظه و اندرز نازل شده است.(۱۲۱)به کسانی که ایمان نمی آورند بگو: شما به هر سان که خواهید عمل کنید، ما نیز عمل می کنیم.(۱۲۲)شـما انتظار بکشید ما نیز منتظر می مانیم.(۱۲۳)و از آن خـداست نهان آسـمانها و زمین و به او باز گردانـده می شود همه کارها. او را بپرست و بر او توکل کن که پروردگارت از آنچه به جای می آورید غافل نیست.(۱۲۴)

یوسف

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لاـم، را. اینهاست آیات کتاب روشـنگر.(۲)مـا قرآنی عربی نازلش کرده ایم، باشـد که شـما دریابید.(۳)با این قرآن که به تو وحی کرده ایم، بهترین داسـتان را برایت حکایت می کنیم، که تو از این پیش از بی خبران بوده ای .(۴)آنگـاه کـه یوسـف به پـدر خـود گفت: ای پـدر، من در خـواب یـازده سـتاره و خورشـید و مـاه دیـدم، دیـدم که سـجده ام می کنند.(۵)گفت: ای پسـر کـوچکم، خـوابت را برای برادرانت حکـایت مکن. که تـو را حیله ای می اندیشـند. زیرا شـیطان آدمیـان را دشمنی آشکار است.(۶)و بـدینسان پروردگـارت تو را بر می گزینـد و تعبیر خواب می آموزد و همچنـان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می کند، که پروردگارت دانا و حکیم است.(۷)در داستان یوسف و برادرانش برای آنان که از آن پرسیده اند عبرتهاست.(۸)آنگاه که گفتند: یوسف و برادرش نزد پدرمان محبوبتر از ما هسـتند، حال آنکه ما خود گروهی نیرومندیم. پدرمان در گمراهی آشـکاری است.(۹)یوسف را بکشـید، یا در سرزمینی دیگرش بیندازید تا پدر خاص شـما گردد و از آن پس مردمی شایسته به شمار آیید.(۱۰)یکی از ایشان گفت: اگر می خواهیـد کاری کنید، یوسف را مکشـید. در عمق تاریـک چاهش بیفکنیـد تا کاروانی او را برگیرد.(۱۱)گفتنـد: ای پـدر، چیست که ما را بر یوسف امین نمی شـماری ، حال آنکه ما خیرخواه او هستیم.(۱۲)فردا او را با ما بفرست تا بگردد و بازی کنـد و ما نگهـدارش هستیم.(۱۳)گفت: اگر او را ببریـد، غمگیـن می شـوم و می ترسـم که از او غافـل شویـد و گرگ او را بخـورد.(۱۴)گفتنـد: با این گروه نیرومنـد که ما هسـتیم اگر گرگ او را بخـورد، از زیانکـاران خـواهیم بود.(۱۵)چون او را بردنـد و هماهنـگ شدنـد که در عمق تاریـک چـاهش بیفکننـد، به او وحی کردیم که ایشان را از این کارشان آگاه خواهی ساخت و خود ندانند.(۱۶)شب هنگام، گریان نزد پدرشان باز آمدند.(۱۷)گفتنـد: ای پدر، ما به اسب تاختن رفته بودیم و یوسف را نزد کالای خود گذاشـته بودیم، گرگ او را خورد. و هر چند هم که راست بگوییم تو سـخن ما را باور نداری .(۱۸)جامه اش را که به خون دروغین آغشـته بود آوردند. گفت: نفس شما، کاری را در نظرتان بیاراسـته است. اکنون برای من صبر جمیل بهتر است و خـداست که در این باره از او یاری بایـد خواست.(۱۹)کاروانی آمد. آبآورشان را فرستادند. دلو فرو کرد. گفت: مژدگانی ، این پسری است. او را چون متاعی پنهان ساختند و خدا به کاری که می کردند آگاه بود(۲۰)او را به بهای انـدک، به چنـد درهم فروختنـد، که هیچ رغبتی به او نداشـتند.(۲۱)کسـی از مردم مصر که او را

خریده بود به زنش گفت: تا در اینجاست گرامیش بدار، شاید به ما سودی برساند، یا او را به فرزندی بپذیریم. و بدینسان یوسف را در زمین مکانت دادیم تا به او تعبیر خواب آموزیم. و خدا بر کار خویش غالب است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۲۲)و چون بالیدن یافت، حکمت و دانشش ارزانی داشتیم و نیکوکاران را بدینسان پاداش می دهیم.(۲۳)و آن زن که یوسف در خانه اش بود، در پی کامجویی از او می بود. و درها را بست و گفت: به شتاب. گفت: پناه می برم به خدا. او پرورانده من است و مرا منزلتی نیکو داده و ستمکاران رستگار نمی شوند.(۲۴)آن زن آهنگ او کرد. و اگر نه برهان پروردگارش را دیده بود، او نیز آهنگ آن زن می کرد. چنین کردیم تا بدی و زشتکاری را از وی باز گردانیم. زیرا او از بندگان پاکدل ما بود.(۲۵)هر دو به جانب در دویدند و زن جامه او را از پس بدرید. و شوی آن زن را نزدیک در دیدند. زن گفت: جزای کسی که با زن تو قصد بدی داشته باشد چیست، جز اینکه به زندان افتد یا به عذابی دردآور گرفتار آید.(۲۶)یوسف گفت: او در پی کامجویی از من بود و مرا به خود خواند. و یکی از کسان زن گواهی داد که اگر جامه اش از پیش دریده است زن راست می گوید و او دروغگوست.(۲۷)و اگر جامه اش از پس دریده است، زن دروغ می گوید و او راستگوست.(۲۸)چون دید جامه اش از پس دریده است، گفت: این از مکر شما زنان است، که مکر شما زنان مکری بزرگ است.(۲۹)ای یوسف، زبان خویش نگهدار، و ای زن، از گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکارانی .(۳۰)زنان شهر گفتند: زن عزیز در پی کامجویی از غلام خود شده است و شیفته او گشته است. ما وی را در گمراهی آشکارا می بینیم.(۳۱)چون افسونشان را شنید، نزدشان کس فرستاد و برای هر یک تا تکیه دهد متکایی ترتیب داد و به هر یک کاردی داد، و گفت: بیرون آی تا تو را بنگرند. چون او را دیدند، بزرگش شمردند و دست خویش ببریدند و گفتند: معاذالله ، این آدمی نیست، این جز فرشته ای بزرگوار نیست.(۳۲)گفت: این همان است که مرا در باب او ملامت می کردید. من در پی کامجویی از او بودم و او خویشتن نگه داشت. اگر آنچه فرمانش می دهم نکند، به زندان خواهد افتاد و خوار خواهد شد.(۳۳)گفت: ای پروردگار من، برای من زندان دوست داشتنی تر است از آنچه مرا بدان می خوانند، و اگر مکر این زنان را از من نگردانی ، به آنها میل می کنم و در شمار نادانان در می آیم.(۳۴)پروردگارش دعایش را اجابت کرد و مکر زنان از او دور کرد. زیرا خدا شنوا و داناست.(۳۵)پس با آن نشانها که دیده بودند، تصمیم کردند که چندی به زندانش بیفکنند(۳۶)دو جوان نیز با او به زندان افتادند. یکی از آن دو گفت: در خواب. خود را دیدم که انگور می فشارم. دیگری گفت: خود را دیدم که نان بر سر نهاده می برم و پرندگان از آن می خورند. ما را از تعبیر آن آگاه کن. که از نیکوکارانت می بینیم.(۳۷)گفت: طعام روزانه شما هنوز نیامده باشد که پیش از آن شما را از تعبیر آن خوابها چنان که پروردگارم به من آموخته است خبر می دهم. من کیش مردمی را که به خدای یکتا ایمان ندارند و به روز قیامت کافرند، ترک کرده ام.(۳۸)من پیرو کیش پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب هستم و ما را نسزد که هیچ چیز را شریک خدا قرار دهیم. این فضیلتی است که خدا بر ما و بر مردم دیگر ارزانی داشته است ولی بیشتر مردم ناسپاسند.(۳۹)ای دو زندانی ، آیا خدایان متعدد بهتر است یا الله آن خداوند یکتای غالب بر همگان.(۴۰)نمی پرستید سوای خدای یکتا، مگر بتانی را که خود و پدرانتان آنها را به نامهایی خوانده اید و خدا حجتی بر اثبات آنها نازل نکرده است. حکم جز حکم خدا نیست. فرمان داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۴۱)ای دو زندانی ، اما یکی از شما برای مولای خویش شراب ریزد. اما دیگری را بر دار کنند و پرندگان سر او بخورند. کاری که درباره آن نظر می خواستید به پایان آمده است.(۴۲)به یکی از آن دو که می دانست رها می شود، گفت: مرا نزد مولای خود یاد کن. اما شیطان از خاطرش زدود که پیش مولایش از او یاد کند. و چند سال در زندان بماند.(۴۳)پادشاه گفت: در خواب هفت گاو فربه را دیده ام که آنها را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه سبز دیدم و هفت خوشه خشک. ای خاصگان من، خواب مرا تعبیر کنید، اگر تعبیر خواب می دانید.(۴۴)گفتند: اینها خوابهای آشفته است و ما را به تعبیر این خوابها آگاهی نیست.(۴۵)یکی از آن دو که رها شده بود و پس از مدتی به یادش آمده بود. گفت: من شما را از تعبیر آن آگاه می کنم. مرا نزد او بفرستید.(۴۶)ای یوسف، ای مرد

راستگوی ، برای ما تعبیر کن که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر می خورند، و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک. باشد که من نزد مردم باز گردم و آنان آگاه گردند.(۴۷)گفت: هفت سال پی در پی بکارید و هر چه می دروید، جز اندکی که می خورید، با خوشه انبار کنید.(۴۸)از آن پس هفت سال سخت می آید، و در آن هفت سال آنچه برایشان اندوخته اید بخورند مگر اندکی که نگه می دارید.(۴۹)پس از آن سالی آید که مردمان را باران دهند و در آن سال افشردنیها را می فشرند.(۵۰)پادشاه گفت: نزد منش بیاورید. چون فرستاده نزد او آمد، یوسف گفت: نزد مولایت بازگرد و بپرس حکایت آن زنان که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که پروردگار من به مکرشان آگاه است.(۵۱)گفت: ای زنان، آنگاه که خواستار تن یوسف می بودید، حکایت شما چه بود؟ گفتند: پناه بر خدا. او را هیچ گناهکار نمی دانیم. زن عزیز گفت: اکنون حق آشکار شد. من در پی کامجویی از او می بودم و او در زمره راستگویان است.(۵۲)چنین شد تا بداند که من در غیبتش به او خیانت نکرده ام و خدا حیله خائنان را به هدف نمی رساند.(۵۳)من خویشتن را بی گناه نمی دانم، زیرا نفس، آدمی را به بدی فرمان می دهد. مگر پروردگار من ببخشاید، زیرا پروردگار من آمرزنده و مهربان است.(۵۴)پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا همنشین خاص خود گردانم. و چون با او سخن گفت، گفت: تو از امروز نزد ما صاحب مکانت و امین هستی .(۵۵)گفت: مرا بر خزاین این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانایم.(۵۶)اینچنین یوسف را در آن سرزمین مکانت دادیم. هرجا که می خواست جای می گرفت. رحمت خود را به هر کس که بخواهیم ارزانی می داریم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم.(۵۷)و هر آینه پاداش آن جهانی برای کسانی که ایمان آورده اند و پرهیزگاری می کنند، بهتر است.(۵۸)برادران یوسف آمدند و بر او داخل شدند، آنها را شناخت و آنها نشناختندش(۵۹)چون بارهایشان را مهیا ساخت، گفت: برادر پدریتان را نیز نزد من بیاورید، آیا نمی بینید که پیمانه را کامل ادا می کنم و بهترین میزبانم.(۶۰)اگر او را نزد من نیاورید، پیمانه ای نزد من نخواهید داشت و به من نزدیک مشوید.(۶۱)گفتند: ما او را به اصرار از پدر خواهیم خواست و این کار را خواهیم کرد(۶۲)و به مردان خود گفت: سرمایه شان را در بارهایشان بنهید، باشد که چون نزد کسانشان باز گردند و آن را بیابند، باز آیند.(۶۳)چون نزد پدر بازگشتند، گفتند: ای پدر، پیمانه از ما برگرفته اند. برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه باز گیریم. ما نگهدار او هستیم.(۶۴)گفت: آیا او را به شما بسپارم، همچنان که برادرش را پیش از این به شما سپردم؟ خدا بهترین نگهدار است و اوست مهربانترین مهربانان.(۶۵)چون بار خود گشودند، دیدند که سرمایه شان را پس داده اند. گفتند: ای پدر، در طلب چه هستیم؟ این سرمایه ماست که به ما پس داده اند. برای کسان خود غله بیاوریم و برادرمان را حفظ کنیم و بار شتری افزون گیریم، که آنچه داریم اندک است.(۶۶)گفت: هرگز او را با شما نمی فرستم، تا با من به نام خدا پیمانی ببندید که نزد منش باز می آورید. مگر آنکه همه گرفتار شوید. چون با او عهد کردند، گفت: خدا بر آنچه می گوییم گواه است.(۶۷)گفت: ای پسران من، از یک دروازه داخل مشوید، از دروازه های مختلف داخل شوید. و من قضای خدا را از سر شما دفع نتوانم کرد و هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست. بر او توکل کردم و توکلکنندگان بر او توکل کنند.(۶۸)چون از جایی که پدر فرمان داده بود داخل شدند، این کار در برابر اراده خدا سودشان نبخشید. تنها نیازی در ضمیر یعقوب بود که آن را آشکار ساخت، زیرا او را علمی بود که خود به او آموخته بودیم ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۶۹)چون بر یوسف داخل شدند، برادرش را نزد خود جای داد. گفت: من برادر تو هستم. از کاری که اینان کرده اند اندوهگین مباش.(۷۰)چون بارهایشان را مهیا کرد، جام را در بار برادر نهاد. آنگاه منادی ندا داد: ای کاروانیان، شما دزدانید.(۷۱)کاروانیان نزد آنها بازگشتند و گفتند: چه گم کرده اید.(۷۲)گفتند: جام پادشاه را. و هر که بیاوردش او را بار شتری است و من ضمانت می کنم.(۷۳)گفتند: خدا را، شما خود می دانید که ما فساد کردن را در این سرزمین نیامده ایم و دزد نبوده ایم.(۷۴)گفتند: اگر دروغ گفته باشید جزای دزد چیست.(۷۵)گفتند: جزایش همان کسی است که در بار او یافته شود. پس او خود جزای عمل خود است و ما گنهکاران را چنین جزا دهیم.(۷۶)پیش از بار برادر به بار آنها پرداخت، آنگاه از بار برادرش بیرونش آورد. حیله ای اینسان به یوسف آموختیم. در

آیین آن پادشاه ، گرفتن برادر حق او نبود، چیزی بود که خدا می خواست. هر کس را که بخواهیم به درجاتی بالا می بریم و فراز هر دانایی داناتری است.(۷۷)گفتند: اگر او دزدی کرده ، برادرش نیز پیش از این دزدی کرده بود. یوسف جواب آن سخن در دل پنهان داشت و هیچ اظهار نکرد و گفت: شما در وضعی بدتر هستید و خدا به بهتانی که می زنید آگاه تر است.(۷۸)گفتند: ای عزیز، او را پدری است سالخورده . یکی از ما را به جای او بگیر، که از نیکوکارانت می بینیم.(۷۹)گفت: معاذالله که جز آن کس را که کالای خویش نزد او یافته ایم بگیریم. اگر چنین کنیم از ستمکاران خواهیم بود.(۸۰)چون از او نومید شدند، مشاورت را به کناری رفتند و بزرگترینشان گفت: آیا نمی دانید که پدرتان از شما به نام خدا پیمان گرفته و پیش از این نیز در حق یوسف تقصیر کرده اید؟ من از این سرزمین بیرون نمی آیم تا پدر مرا رخصت دهد، یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین داوران است.(۸۱)نزد پدر باز گردید و بگویید: ای پدر، پسرت دزدی کرد و ما جز به آنچه می دانستیم شهادت ندادیم و از غیب نیز آگاه نیستیم.(۸۲)از شهری که در آن بوده ایم و از کاروانی که همراهش آمده ایم بپرس، که ما راست می گوییم.(۸۳)گفت: نه ، نفس شما کاری را در نظرتان بیاراست و مرا صبر جمیل بهتر است. شاید خدا همه را به من باز گرداند که او دانا و حکیم است.(۸۴)روی خود از آنها بگردانید و گفت: ای اندوها بر یوسف. و چشمانش از غم سپیدی گرفت و همچنان اندوه خود فرو می خورد.(۸۵)گفتند: به خدا سوگند پیوسته یوسف را یاد می کنی تا بیمار گردی یا بمیری .(۸۶)گفت: جز این نیست که شرح اندوه خویش تنها با خدا می گویم. زیرا آنچه من از خدا می دانم شما نمی دانید.(۸۷)ای پسران من، بروید و یوسف و برادرش را بجویید و از رحمت خدا مایوس مشوید، زیرا تنها کافران از رحمت خدا مایوس می شوند.(۸۸)چون بر یوسف داخل شدند، گفتند: ای عزیز، ما و کسانمان به گرسنگی افتاده ایم و با سرمایه ای اندك آمده ایم، پیمانه ما را تمام ادا کن و بر ما صدقه بده ، زیرا خدا صدقه دهندگان را دوست دارد.(۸۹)گفت: می دانید که از روی نادانی با یوسف و برادرش چه کردید.(۹۰)گفتند: آیا به حقیقت تو یوسفی ؟ گفت: من یوسفم، و این برادر من است و خدا به ما نعمت داد. زیرا هر کس که پرهیزگاری کند و شکیبایی ورزد، خدا مزدش را تباه نمی سازد.(۹۱)گفتند: به خدا سوگند که خدا تو را بر ما فضیلت داد و ما خطاکار بودیم.(۹۲)گفت: امروز شما را سرزنش نباید کرد، خدا شما را می بخشاید که او مهربانترین مهربانان است.(۹۳)این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد. و همه کسان خود را نزد من بیاورید.(۹۴)چون کاروان به راه افتاد، پدرشان گفت: اگر مرا دیوانه نخوانید بوی یوسف می شنوم.(۹۵)گفتند: به خدا سوگند که تو در همان ضلالت دیرینه خویش هستی .(۹۶)چون مژده دهنده آمد و جامه بر روی او انداخت، بینا گشت. گفت: آیا نگفتمتان که آنچه من از خدا می دانم شما نمی دانید.(۹۷)گفتند: ای پدر برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطا کار بوده ایم.(۹۸)گفت: از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست، او آمرزنده و مهربان است.(۹۹)چون بر یوسف داخل شدند، پدر و مادر را به آغوش کشید و گفت: به مصر درآیید که اگر خدا بخواهد در امان خواهید بود.(۱۰۰)پدر و مادر را بر تخت فرا برد و همه در برابر او به سجده درآمدند. گفت: ای پدر، این است تعبیر آن خواب من که اینک پروردگارم آن را تحقق بخشیده است. و چقدر به من نیکی کرده است آنگاه که مرا از زندان برهانید و پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فساد کرده بود. شما را از بادیه به اینجا آورد. پروردگار من به هر چه اراده کند دقیق است، که او دانا و حکیم است.(۱۰۱)ای پروردگار من، مرا فرمانروایی دادی و مرا علم تعبیر خواب آموختی . ای آفریننده آسمانها و زمین، تو در دنیا و آخرت کارساز منی . مرا مسلمان بمیران و قرین شایستگان ساز.(۱۰۲)اینها خبرهای غیب است که به تواش وحی می کنیم. و آن هنگام که با یکدیگر گرد آمده بودند و مشورت می کردند و حیلت می ساختند، تو نزد آنها نبودی .(۱۰۳)هرچند تو به ایمانشان حریص باشی ، بیشتر مردم ایمان نمی آورند.(۱۰۴)و تو در مقابل پیامبریت از آنها مزدی نمی طلبی و این کتاب جز اندرزی برای مردم جهان نیست.(۱۰۵)چه بسیار نشانه هایی در آسمانها و زمین است که بر آن می گذرند و از آن رخ بر می تابند.(۱۰۶)و بیشترشان به خدا ایمان نیاورند بلکه همچنان مشرکند.(۱۰۷)آیا پندارند که ایمنی یافته اند از اینکه عقوبتی عام از عذاب خدا آنها را فرو گیرد یا

قیامت به ناگاه فرا رسد، بی آنکه خبردار شوند.(۱۰۸)بگو: این راه من است. من و پیروانم، همگان را در عین بصیرت به سوی خدا می خوانیم. منزه است خدا و من از مشرکان نیستم.(۱۰۹)و ما پیش از تو به رسالت نفرستادیم مگر مردانی را از مردم قریه ها که به آنها وحی می کردیم. آیا در روی زمین نمی گردند تا بنگرند که پایان کار پیشینیانشان چه بوده است؟ و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتر است، چرا نمی اندیشید.(۱۱۰)چون پیامبران نومید شدند و چنان دانستند که آنها را تکذیب می کنند، یاریشان کردیم و هر که را که خواستیم نجات دادیم و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانیده نشود.(۱۱۱)در داستانهایشان خردمندان را عبرتی است. این داستانی برساخته نیست، بلکه تصدیق سخن پیشینیان و تفصیل هر چیزی است و برای آنها که ایمان آورده اند هدایت است و رحمت.(۱۱۲)

الرعد

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، میم، را. اینها آیات این کتاب است و آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است حق است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.(۲)الله ، همان خداوندی است که آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت. سپس به عرش پرداخت و آفتاب و ماه را که هر یک تا زمانی معین در سیرند رام کرد. کارها را می گرداند و آیات را بیان می کند، باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید.(۳)اوست که زمین را بگسترد، و در آن کوهها و رودها قرار داد و از هر میوه جفت جفت پدید آورد و شب را در روز می پوشاند. در اینها عبرتهاست برای مردمی که می اندیشند.(۴)و بر روی زمین قطعه هایی است در کنار یکدیگر و باغهای انگور و کشتزارها و نخلهایی که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می شوند و در ثمره ، بعضی را بر بعض دیگر برتری نهاده ایم. هر آینه در اینها برای خردمندان عبرتهاست.(۵)اگر تو در شگفت می آیی ، شگفت سخن ایشان است که آیا آن هنگام که خاک شویم از نو ما را بیافرینند؟ اینان به پروردگارشان ایمان ندارند، بر گردنهاشان غلها باشد و اهل جهنمند و در آن جاودانه اند.(۶)به شتاب از تو پیش از خیر و آمرزش، عذاب می طلبند. پیش از آنها عذابهایی بوده است و پروردگار تو مردم را با آنکه ستم کرده اند می آمرزد و نیز پروردگار تو به سختی عقوبت می کند.(۷)کافران می گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نمی شود؟ جز این نیست که تو بیمدهنده ای هستی و هر قومی را رهبری است.(۸)خدا می داند که هر ماده ای چه در رحم دارد و آنچه رحمها کاهد و آنچه رحمها افزاید. و هرچیز را در نزد او مقداری معین است.(۹)دانای نهان و آشکار، آن خدای بزرگ متعال.(۱۰)برای او یکسان است از شما هر که سخن به راز گوید یا به آشکارا. و آنکه در پرده شب پنهان می شود و آنکه در روز به آشکارا می رود.(۱۱)آدمی را فرشتگانی است که پیاپی به امر خدا از رو به رو و پشت سرش می آیند و نگهبانیش می کنند. خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند. چون خدا برای مردمی بدی خواهد، هیچ چیز مانع او نتواند شد و ایشان را جز خدا هیچ کارسازی نیست.(۱۲)اوست که برق را گاه برای ترسانیدن و گاه برای امید بخشیدن به شما می نمایاند و ابرهای گرانبار را پدید می آورد.(۱۳)رعد به ستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح می کنند. و صاعقه ها را می فرستد و هر که را بخواهد بدان آسیب می رساند. باز هم درباره خدا مجادله می کنند. و او به سختی عقوبت می کند.(۱۴)خاص اوست خواندن راستین. آنان که جز او را می خوانند هیچ پاسخشان نمی گویند. همانند کسی که دو دست به سوی آب برد تا آب به دهان رساند و نتواند که آب به دهان رساند. و دعای کافران جز به گمراهی نیست.(۱۵)خواه و ناخواه برای خداوند سجده می کنند همه آنها که در آسمانها و زمینند و سایه هایشان نیز بامدادان و شامگاهان به سجده می آیند.(۱۶)بگو: کیست پروردگار آسمانها و زمین؟ بگو: الله . بگو: آیا سوای او خدایانی برگزیده اید که قادر به سود و زیان خویش نیستند؟ بگو: آیا نابینا و بینا برابرند؟ یا تاریکی و روشنی یکسانند؟ یا شریکانی که برای خدا قائل شده اند چیزهایی آفریده اند، همانند آنچه خدا آفریده است و آنان درباره آفرینش به اشتباه افتاده اند؟ بگو: الله

آفریننـده هر چیزی است و او یگانه و قهار است.(۱۷)از آسـمان آب فرسـتاد و هر رودخانه به اندازه خویش جاری شد، و آب روان کف بر سـر آورد. و از آنچه بر آتش می گدازنـد تا زیور و متاعی سازند نیز کفی بر سـر آید. خدا برای حق و باطل چنین مثل زند. اما کف به کناری افتـد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند. خدا اینچنین مثل می زند.(۱۸)برای آنان که دعوت پروردگارشان را پذیرفتنـد پاداش نیکویی است. و کسانی که دعوت او را نپـذیرفته اند، اگر هر آنچه را که بر روی زمین است و همانند آن را داشته باشند، آن را فـدا دهند. آنان به سـختی باز خواست خواهند شد و مکانشان جهنم است و بد جایگاهی است.(۱۹)آیـا کسـی که می دانـد آنچه از جـانب پروردگـارت بر تـو نـازل شـده حق است، هماننـد کسـی است که نابینـاست؟ تنها خردمندان پند می گیرند:(۲۰)کسانی که به عهـد خدا وفا می کنند و خود پیمان نمی شکنند.(۲۱)آنان که آنچه را خدا به پیوسـتن آن فرمان داده پیونـد می دهنـد و از پروردگارشان می ترسـند و از سـختی بازخواست خداوند بیمناکند.(۲۲)آنـان که به طلب ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردنـد، و نماز گزاردنـد و در نهان و آشکار از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق کردنـد و بدی را به نیکی دفع می کنند. سرای آخرت خاص آنان است.(۲۳)بهشتهای جاویدان، آنها و هر که نیکوکار بوده است، از پدران و همسران و فرزنـدانشان، بـدان داخل شونـد و فرشـتگان از هر در به نزدشان آیند.(۲۴)سـلام بر شـما به خاطر آن همه شـکیبایی که ورزیده اید. سرای آخرت چه سرایی نیکوست.(۲۵)و آنان که پیمان خدا را پس از اسـتوار کردنش می شـکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسـلند و در زمین فساد می کننـد. لعنت بر آنهاست و بدیهای آن جهان نصـیبشان.(۲۶)خـدا هر که را خواهد روزی بسیار دهـد یـا روزی انـدک. و مردم به زنـدگی دنیا خشـنودند، حال آنکه زنـدگی دنیا در برابر زنـدگی آخرت جز انـدک متاعی نیست.(۲۷)کـافران می گوینـد: چرا از جـانب پروردگـارش معجزه ای بر او نازل نمی شود؟ بگو: خـدا هر که را بخواهـد گمراه می کند. و هر که را به درگاه او روی کند، هدایت می کند.(۲۸)آنان که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرامش می یابد. آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرامش می یابد.(۲۹)زندگی خوش و بازگشتنگاه نیکو از آن کسانی است که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند.(۳۰)همچنین تو را به میـان امتی که پیش از آنها امتهای دیگر بوده انـد، به رسالت فرسـتاده ایم تا آنچه را که بر تو وحی کرده ایم برایشـان تلاوت کنی و آنها به رحمان کافر می شونـد. بگو: او پروردگار من است. خـدایی جز او نیست. بر او توکل کرده ام و توبه من به درگـاه اوست.(۳۱)اگر قرآنی توانست بود که کوهها بـدان به جنبش آیند یا زمین پاره پاره شود یا مردگان را به سخن آرد، جز این قرآن نمی بود، که همه کارها از آن خداست. آیا مومنان هنوز ندانسته اند که اگر خدا می خواست همه مردم را هـدایت می کرد؟ و کافران را پیوسـته به سـبب اعمالشان حادثه ای رسـد یا آن حادثه در نزدیکی خانه هایشان فرود آید تا آنگاه که وعده خدا فراز آید، زیرا خدا خلف وعده نمی کند.(۳۲)پیامبرانی هم که پیش از تو بودند به استهزا، گرفته شدند. من به کافران مهلت دادم، آنگـاه همه را فرو گرفتم و آن عقـوبت من چه سـخت بود.(۳۳)آیـا آن که بر همه مردم و اعمالشـان ناظر است، همانند بتان است. برای خدا شـریکانی قائل شدند. بگو: آنها را نام ببرید. شاید می خواهید او را از چیزی در روی زمین آگاه کنید که نمی داند، یا سـخنان بیهوده می گویند؟ در نظر کافران مکرشان آراسته آمد و از راه راست به در شدند. و هر که را خدا گمراه کند هیچ راهنمایی ندارد.(۳۴)در این زنـدگی دنیا به عـذابی گرفتار آیند و عذاب آخرت سـختتر است و آنها را هیچ نگهدارنده ای از عذاب خدا نیست.(۳۵)صـفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده شده : آب از زیر درختانش روان است و میوه ها و سایه اش همیشگی است. این سـرانجام کسانی است که پرهیزگارند و سرانجام کافران آتش است.(۳۶)اهل کتاب از آنچه بر تو نازل شـده شادمانند. و از آن جماعات کسانی هسـتند که پاره ای از آن را انکار می کنند. بگو: من مامور شده ام که خدای یکتا را بپرسـتم و به او شـرک نیاورم. به سوی او دعوت می کنم و بـازگشت من به سوی اوست(۳۷)همچنین قرآن را به زبان عربی نازل کردیم. اگر پس از دانشـی که به تو رسـیده ، از پی خواهشـهای آنان بروی ، در برابر خدا کارساز و نگهدارنده ای نخواهی داشت.(۳۸)به تحقیق پیش از تو پیامبرانی فرسـتاده ایم و برایشان همسـران و فرزنـدان قرار داده ایم. و هیچ پیامبری را حق آن نبود که جز به فرمان خدا آیتی بیاورد و هر امری

را زمانی مکتوب است.(۳۹)خدا هر چه را بخواهد محو یا اثبات می کند و امالکتاب نزد اوست.(۴۰)اگر پاره ای از آنچه را که به آنها وعده کرده ایم به تو بنمایانیم، یا تو را پیش از وقت بمیرانیم، در هر حال آنچه بر عهده توست تبلیغ است و آنچه بر عهده ماست حساب کشیدن.(۴۱)آیا هنوز ندانسته اند که ما از اطراف این سرزمین می کاهیم، و خدا حکم می کند و هیچ چیز حکم او را فسخ نمی کند و او سریعا به حساب همه می رسد.(۴۲)کسانی که پیش از اینان بودند مکرها کردند، ولی همه مکرها نزد خداوند است. می داند که هر کسی چه می کند. و کافران به زودی خواهند دانست که سرای آخرت از آن کیست.(۴۳)کافران می گویند که تو پیامبر نیستی . بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، به شهادت میان من و شما کافی است.(۴۴)

إبراهيم

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، را. کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از تاریکی به روشنایی ببری و به راه خدای پیروزمند ستودنی راه نمایی .(۲)خدایی که هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. پس وای بر کافران از عذابی سخت.(۳)آنان که زندگی دنیا را از آخرت دوستتر دارند و دیگران را از راه خدا باز می دارند و آن را منحرف می خواهند، سخت در گمراهی هستند.(۴)هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم، تا بتواند پیام خدا را برایشان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست پیروزمند و حکیم.(۵)موسی را با آیات خود فرستادیم که : قوم خود را از تاریکی به روشنایی بیرون آر، و روزهای خدا را به یادشان بیاور. و در این برای هر شکیبای شکرگزار، عبرتهایی است.(۶)و موسی به قوم خود گفت: نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است به یاد آورید، آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید. به سختی آزارتان می کردند و پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در این از جانب پروردگارتان برای شما آزمایشی بزرگ بود.(۷)و پروردگارتان اعلام کرد که اگر مرا سپاس گویید، بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید، بدانید که عذاب من سخت است.(۸)و موسی گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، خدا بی نیاز و در خور ستایش است.(۹)آیا خبر کسانی که پیش از شما بوده اند، چون قوم نوح و عاد و ثمود و نیز کسانی که بعد از آنها بوده اند، به شما نرسیده است؟ جز خدا کسی را از آنان آگاهی نیست. پیامبرانشان همراه با دلایل روشن آمدند و آنها دست بر دهان بردند و گفتند: ما به آنچه بدان مامور شده اید ایمان نمی آوریم و در چیزی که ما را بدان می خوانید سخت در تردید هستیم.(۱۰)پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا -آن آفریننده آسمانها و زمین- شکی هست؟ شما را فرا می خواند تا گناهانتان را بیامرزد و تا مدتی معین شما را زنده گذارد. گفتند: شما جز مردمانی همانند ما نیستید. می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید. برای ما دلیلی روشن بیاورید.(۱۱)پیامبرانشان گفتند: ما جز مردمانی همانند شما نیستیم ولی خدا بر هر یک از بندگانش که بخواهد منت نهد. ما را نسزد که برای شما دلیلی . جز به فرمان خدا، بیاوریم و مومنان بر خدا توکل کنند.(۱۲)چرا بر خدا توکل نکنیم، و حال آنکه او راه ما را به ما بنمود؟ و ما بر آزاری که به ما می رسانید صبر خواهیم کرد و توکلکنندگان بر خدا توکل کنند.(۱۳)کافران به پیامبرانشان گفتند: یا شما را از سرزمین خود می رانیم یا به کیش ما باز گردید. پس پروردگارشان به پیامبران وحی کرد که : ستمکاران را هلاک خواهیم کرد.(۱۴)و شما را پس از ایشان در آن سرزمین جای خواهیم داد. این از آن کسی است که از ایستادن در پیشگاه من و از وعده عذاب من بترسد.(۱۵)پیروزی خواستند و هر جبار کینه توزی نومید شد.(۱۶)پشت سرش جهنم است تا در آنجا از آب چرک و خونش بخورانند.(۱۷)جرعه جرعه آن را می نوشد و هیچ گوارای او نیست و مرگ از هر سو بر او می تازد اما نمی میرد، که عذابی سخت در انتظار اوست.(۱۸)مثل اعمال کسانی که به خدا کافر شده اند چون خاکستری است که در روزی طوفانی بادی سخت بر آن بوزد. توان نگه داشتن آنچه را که به دست آورده اند ندارند. این است گمراهی بی انتها.(۱۹)آیا ندیده ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است؟ اگر بخواهد شما را می برد و مخلوقی تازه می

آورد.(۲۰)و این بر خدا دشوار نیست.(۲۱)همه در پیشگاه خدا حاضر آیند. ناتوانان به آنان که گردنکشی می کردند گویند: ما پیرو شما بودیم. آیا اکنون می توانید ما را به کار آیید و اندکی از عذاب خدا را از ما دفع کنید؟ گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم. حال ما را راه خلاصی نیست، برای ما یکسان است چه بی تابی کنیم، چه شکیبایی ورزیم.(۲۲)چون کار به پایان آید، شیطان گوید: خدا به شما وعده داد و وعده او درست بود و من نیز به شما وعده دادم ولی وعده خود خلاف کردم. و برایتان هیچ دلیل و برهانی نیاوردم جز آنکه دعوتتان کردم شما نیز دعوت من اجابت کردید، پس مرا ملامت مکنید، خود را ملامت کنید. نه من فریادرس شمایم، نه شما فریادرس من. از اینکه مرا پیش از این شریک خدا کرده بودید بیزارم. زیرا برای ستمکاران عذابی است دردآور.(۲۳)کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، به بهشتهایی که نهرها در آن جاری است در آورند، به فرمان پروردگارشان در آنجا جاودانه بمانند و به سلام، یکدیگر را تحیت گویند.(۲۴)آیا ندیده ای که خدا چگونه مثل زد؟ سخن پاک چون درختی پاک است که ریشه اش در زمین استوار و شاخه هایش در آسمان است.(۲۵)به فرمان خدا هر زمان میوه خود را می دهد. خدا برای مردم مثلها می آورد، باشد که پند گیرند.(۲۶)و مثل سخن ناپاک چون درختی ناپاک است، که ریشه در زمین ندارد و بر پا نتواند ماند.(۲۷)خدا مومنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت پایدار می دارد. و ظالمان را گمراه می سازد و هر چه خواهد همان می کند.(۲۸)آیا ندیده ای آن کسان را که نعمت خدا را به کفر بدل ساختند و مردم خود را به دیار هلاک بردند.(۲۹)به جهنم، آن قرارگاه بد، داخل می شوند.(۳۰)برای خدا همتایانی قرار دادند تا مردم را از راه او گمراه سازند. بگو: اکنون بهره مند گردید که سرانجامتان آتش است.(۳۱)به بندگان من که ایمان آورده اند بگو تا نماز بگزارند و از آنچه روزیشان داده ایم نهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه خرید و فروختی باشد و نه هیچ دوستیی به کار آید.(۳۲)خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان باران نازل کرد و بدان باران برای روزی شما میوه ها رویانید و کشتیها را رام شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند و رودها را مسخر شما ساخت.(۳۳)و آفتاب و ماه را که همواره در حرکتند رام شما کرد و شب و روز را مسخر شما گردانید.(۳۴)و هر چه از او خواسته اید به شما ارزانی داشته است و اگر خواهید که نعمتهایش را شمار کنید، نتوانید، که آدمی ستمکار و کافر نعمت است.(۳۵)و ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این سرزمین را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار.(۳۶)ای پروردگار من، اینها بسیاری از مردم را گمراه کرده اند، پس هر کس که از من پیروی کند از من است و هر کس فرمان من نبرد، تو آمرزنده و مهربانی .(۳۷)ای پروردگار ما، برخی از فرزندانم را به وادیی بی هیچ کشته ای . نزدیک خانه گرامی تو جای دادم، ای پروردگار ما، تا نماز بگزارند. دلهای مردمان چنان کن که هوای آنها کند و از هر ثمره ای روزیشان ده ، باشد که سپاس گزارند.(۳۸)ای پروردگار ما، هر چه را پنهان می داریم یا آشکار می سازیم تو بدان آگاهی . و بر خدا هیچ چیز در زمین و آسمان پوشیده نیست.(۳۹)سپاس خدایی را که در این پیری اسماعیل و اسحاق را به من عطا کرد. پروردگار من دعاها را می شنود.(۴۰)ای پروردگار من، مرا و فرزندان مرا بر پای دارندگان نماز گردان. ای پروردگار ما، دعای مرا بپذیر.(۴۱)ای پروردگار ما، مرا و پدر و مادرم و همه مومنان را در روز شمار بیامرز.(۴۲)و مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است. عذابشان را تا آن روز که چشمها در آن خیره می ماند، به تاخیر می افکند.(۴۳)می شتابند، سرها را بالا گرفته اند. چشم بر هم نمی زنند، و دلهایشان خالی از خرد است.(۴۴)مردم را از آن روز که عذاب فرا می رسد بترسان. ستمکاران می گویند: بار خدایا، ما را اندکی مهلت ده تا دعوت تو را اجابت کنیم و از پیامبران تو پیروی کنیم. آیا شما پیش از این سوگند نمی خوردید که هرگز زوال نمی یابید.(۴۵)در خانه های کسانی که خود بر خویشتن ستم می کردند، جای گرفتید و دانستید با آنان چگونه رفتار کردیم، و برایتان مثلها زدیم.(۴۶)آنان نیرنگهای خود نمودند و خدا از نیرنگهایشان آگاه بود. هرچند که از نیرنگهایشان کوه از پای در می آمد.(۴۷)مپندار که خدا وعده ای را که به پیامبرانش داده است خلاف می کند. خداوند پیروزمند و انتقام گیرنده است.(۴۸)آن روز که زمین به زمینی جز این بدل شود و آسمانها به آسمانی دیگر، و همه در

پیشگاه خدای واحد قهار حاضر آیند.(۴۹)مجرمان را در آن روز به غلهایی که دست را به گردن بندد، بسته بینی .(۵۰)جامه هاشان از قطران است و آتش صورتهاشان را فرو پوشیده است.(۵۱)تا خدا هر کس را برابر عملش کیفر دهد، هر آینه خدا سریعالحساب است.(۵۲)این پیامی است برای مردم، تا بدان بیمناک شوند و بدانند که اوست خدای یکتا، و تا خردمندان پند گیرند.(۵۳)

الحجر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، را. این است آیات کتاب و قرآن روشنگر.(۲)بسا که کافران آرزو کنند که ای کاش مسلمان می بودند.(۳)واگذارشان تا بخورند و بهره ور شوند و آرزو به خود مشغولشان دارد، زودا که خواهند دانست.(۴)هیچ قریه ای را هلاک نکردیم، مگر آنکه زمانی معلوم داشت.(۵)هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می افتد و نه پس می ماند.(۶)و گفتند: ای مردی که قرآن بر تو نازل شده ، حقا که تو دیوانه ای .(۷)اگر راست می گویی ، چرا فرشتگان را برای ما نمی آوری .(۸)ما فرشتگان را جز به حق نازل نمی کنیم و در آن هنگام دیگر مهلتشان ندهند.(۹)ما قرآن را خود نازل کرده ایم و خود نگهبانش هستیم.(۱۰)و ما رسولان خود را پیش از تو به میان اقوام پیشین فرستاده ایم.(۱۱)هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نشد، جز آنکه مسخره اش کردند.(۱۲)راهش را در دل مجرمان اینچنین می گشاییم.(۱۳)به آن ایمان نمی آورند و سنت پیشینیان چنین بوده است.(۱۴)اگر برایشان از آسمان دری بگشاییم که از آن بالا روند.(۱۵)گویند: چشمان ما را جادو کرده اند، بلکه ما مردمی جادو زده هستیم.(۱۶)و هر آینه در آسمان برجهایی آفریدیم و برای بینندگانشان بیاراستیم.(۱۷)و از هر شیطان رجیمی حفظشان کردیم.(۱۸)مگر آنکه دزدانه گوش می داد و شهابی روشن تعقیبش کرد.(۱۹)و زمین را گستردیم و در آن کوههای عظیم افکندیم. و از هرچیز به شیوه ای سنجیده در آن رویانیدیم.(۲۰)و معیشت شما و کسانی را که شما روزی دهشان نیستید، در آنجا قرار دادیم.(۲۱)هر چه هست خزاین آن نزد ماست و ما جز به اندازه ای معین آن را فرو نمی فرستیم.(۲۲)و بادهای آبستنکننده را فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را بدان سیراب ساختیم و شما را نرسد که خازنان آن باشید.(۲۳)هر آینه ما هستیم که زنده می کنیم و می میرانیم و بعد از همه باقی می مانیم(۲۴)و می دانیم چه کسانی از شما از این پیش رفته اند و چه کسانی واپس مانده اند(۲۵)و پروردگار تو همه را محشور می گرداند، زیرا اوست که حکیم و داناست.(۲۶)ما آدمی را از گل خشک، از لجن بویناک آفریدیم.(۲۷)و جن را پیش از آن از آتش سوزنده بی دود آفریده بودیم.(۲۸)و پروردگارت به فرشتگان گفت: می خواهم بشری از گل خشک، از لجن بویناک بیافرینم.(۲۹)چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید.(۳۰)فرشتگان همگی سجده کردند.(۳۱)مگر ابلیس که سر باززد که با سجده کنندگان باشد.(۳۲)گفت: ای ابلیس، چرا تو از سجده کنندگان نبودی .(۳۳)گفت: من برای بشری که از گل خشک، از لجن بویناک آفریده ای سجده نمی کنم.(۳۴)گفت: از آنجا بیرون شو که مطرود هستی .(۳۵)تا روز قیامت بر تو لعنت است.(۳۶)گفت: ای پروردگار من، مرا تا روزی که دوباره زنده می شوند مهلت ده .(۳۷)گفت: تو در شمار مهلت یافتگانی .(۳۸)تا آن روزی که وقتش معلوم است.(۳۹)گفت: ای پروردگار من، چون مرا نومید کردی ، در روی زمین بدیها را در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم.(۴۰)مگر آنها که بندگان با اخلاص تو باشند.(۴۱)گفت: راه اخلاص راه راستی است که به من می رسد.(۴۲)تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر بر آن گمراهانی که تو را پیروی کنند(۴۳)و جهنم میعادگاه همه است.(۴۴)هفت در دارد و برای هر در گروهی از آنان معین شده اند.(۴۵)پرهیزگاران در بهشتها، کنار چشمه سارانند.(۴۶)به سلامت و ایمنی داخل شوید.(۴۷)هر کینه ای را از دلشان برکنده ایم، همه برادرند، بر تختها رو به روی همند(۴۸)هیچ رنجی به آنها نمی رسد و از آنجا بیرونشان نرانند.(۴۹)به بندگانم خبر ده که من آمرزنده و مهربانم.(۵۰)و عذاب من عذابی دردآور است.(۵۱)و از مهمانان ابراهیم خبردارشان کن.(۵۲)آنگاه که بر او داخل شدند و گفتند: سلام. ابراهیم گفت: ما از شما می ترسیم.(۵۳)گفتند: مترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم.(۵۴)گفت: آیا مرا

بشارت می دهید با آنکه پیر شده ام؟ به چه چیز بشارتم می دهید.(۵۵)گفتند: به حق بشارتت دادیم، از نومیدان مباش.(۵۶)گفت: جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش نومید می شود.(۵۷)گفت: ای رسولان، کار شما چیست.(۵۸)گفتند: ما بر سر مردمی گنهکار فرستاده شده ایم.(۵۹)مگر خاندان لوط، که همه را نجات می دهیم.(۶۰)جز زنش را که مقرر کرده ایم که از باقی ماندگان باشد.(۶۱)چون رسولان نزد خاندان لوط آمدند.(۶۲)لوط گفت: شما بیگانه اید.(۶۳)گفتند: نه ، چیزی را که در آن شک می کردند آورده ایم.(۶۴)ما تو را خبر راست آورده ایم و ما راستگوییانیم.(۶۵)چون پاسی از شب بگذرد، خاندان خود را بیرون ببر. و خود از پی آنها رو و نباید هیچ یک از شما به عقب بنگرد. به هرجا که فرمانتان داده اند بروید.(۶۶)و برای او حادثه را حکایت کردیم که چون صبح فرا رسد ریشه آنها برکنده شود.(۶۷)اهل شهر شادی کنان آمدند.(۶۸)گفت: اینان مهمانان منند، مرا رسوا مکنید.(۶۹)از خداوند بترسید و مرا شرمسار مسازید.(۷۰)گفتند: مگر تو را از مردم منع نکرده بودیم.(۷۱)گفت: اگر قصدی دارید، اینک دختران من هستند.(۷۲)به جان تو سوگند که آنها در مستی خویش سرگشته بودند.(۷۳)چون صبح طالع شد آنان را صیحه فرو گرفت.(۷۴)شهر را زیر و زبر کردیم و بارانی از سجیل بر آنان بارانیدیم.(۷۵)در این عبرتهاست برای پژوهندگان.(۷۶)و آن شهر اکنون بر سر راه کاروانیان است.(۷۷)و مومنان را در آن عبرتی است.(۷۸)مردم ایکه نیز ستمکار بودند.(۷۹)از آنان انتقام گرفتیم و شهرهای آن دو قوم آشکارا بر سر راهند.(۸۰)مردم حجر نیز پیامبران را به دروغ نسبت دادند.(۸۱)آیات خویش را بر آنان رسانیدیم ولی از آن اعراض می کردنــد.(۸۲)خانه های خود را تا ایمن باشند در کوهها می کندند.(۸۳)صبحگاهان آنان را صیحه فرو گرفت.(۸۴)کردارشان از آنان دفع بلا نکرد.(۸۵)آسمانها و زمین و آنچه را که میان آنهاست جز به حق نیافریده ایم. و بی تردید قیامت فرا می رسد. پس گذشت کن، گذشتی نیکو.(۸۶)هر آینه پروردگار تو آفریننده ای داناست.(۸۷)ما سبعالمثانی و قرآن بزرگ را به تو دادیم.(۸۸)اگر بعضی از مردان و زنانشان را به چیزی بهره ور ساخته ایم تو بدان نگاه مکن. و غم آنان را مخور. و در برابر مومنان فروتن باش.(۸۹)و بگو: من بیمدهنده ای روشنگرم.(۹۰)همانند عذابی که بر تقسیمکنندگان نازل کردیم:(۹۱)آنان که قرآن را به اقسام تقسیم کرده بودند.(۹۲)به پروردگارت سوگند که همه را بازخواست کنیم،(۹۳)به خاطر کارهایی که می کرده اند.(۹۴)به هر چه مامور شده ای صریح و بلند بگو و از مشرکان رویگردان باش.(۹۵)ما مسخره کنندگان را از تو باز می داریم، (۹۶)آنان که با الله خدای دیگر قائل می شوند. پس به زودی خواهند دانست.(۹۷)و می دانیم که تو از گفتارشان دلتنگ می شوی .(۹۸)به ستایش پروردگارت تسبیح کن و از سجده کنندگان باش.(۹۹)و پروردگارت را بپرست، تا لحظه مرگت فرا رسد.(۱۰۰)

النحل

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)فرمان خداوند در رسید، به شتابش مخواهید. او منزه است و از هر چه شریک او می سازند برتر.(۲)فرشتگان را همراه وحی -که فرمان اوست- بر هر یک از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد تا بیم دهند که : جز من خدایی نیست، پس از من بترسید.(۳)آسمانها و زمین را به حق بیافرید، از هر چه با او شریک می سازند، برتر است(۴)آدمی را از نطفه بیافرید. و اکنون اوست که به آشکارا دشمنی می ورزد.(۵)چهار پایان را برایتان بیافرید، شما را از آنها حرارت و دیگر سودهاست. و از آنها می خوریــد.(۶)و چون شب هنگام باز می گردانیــد و بامــدادان بیرون می فرستیـد، نشان تجمل شمایند.(۷)بارهایتان را به شهرهایی که جز به رنج تن بدانها نتوانید رسید. حمل می کنند، زیرا پروردگارتان رئوف و مهربان است.(۸)و اسبان و استران و خران را برای آن آفریده است که سوارشان شوید و نیز زینت شما باشند. و خدا چیزهایی آفریده که شما نمی دانید.(۹)بر خداست که راه راست را بنماید. از میان راهها نیز راهی است منحرف. اگر خدا می خواست، همه شما را هدایت می کرد.(۱۰)اوست که از آسمان برایتان باران نازل کرد. از آن می نوشید و بدان گیاه می روید و چارپایان را می چرانید.(۱۱)و با آن برایتان کشتزار و زیت۲ون و نخلها و تاکستانها و هر نوع میوه برویاند، در این عبرتی است برای مردمی که می

اندیشند.(۱۲)و مسخر شما کرد شب و روز را و خورشید و ماه را و ستارگان همه فرمانبردار امر او هستند. در این برای آنها که به عقل در می یابند عبرتهاست.(۱۳)در زمین چیزهایی با رنگهای گوناگون آفرید، در این عبرتی است برای مردمی که پند می گیرند.(۱۴)اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهایی بیرون آرید و خویشتن بدان بیارایید، و کشتیها را بینی که دریا را می شکافند و پیش می روند تا از فضل خدا روزی بطلبید، باشد که سپاس گویید.(۱۵)و بر زمین کوههای بزرگ افکند تا شما را نلرزاند. و رودها و راهها پدید آورد. شاید هدایت شوید.(۱۶)و نشانه ها نهاد، و به ستارگان راه می یابند.(۱۷)آیا آن که می آفریند همانند کسی است که نمی آفریند؟ چرا در نمی یابید.(۱۸)اگر بخواهید نعمتهای خدا را شمار کنید، شمار کردن نتوانید. خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۹)آنچه را که پنهان می کنید یا آشکار می سازید خدا به آن آگاه است.(۲۰)آنهایی را که به جای الله به خدایی می خوانند، نمی توانند چیزی بیافرینند، و خود مخلوقند.(۲۱)مردگانند، نه زندگان، و ندانند که چه وقت آنها را دوباره زنده می کنند.(۲۲)خدای شما خدایی است یکتا. و آنان که به آخرت ایمان ندارند دلهایشان انکار کند و خود کبر فروشند.(۲۳)به راستی که خدا می داند که چه در دل پنهان می دارند و چه چیز را آشکار می سازند و او متکبران را دوست ندارد.(۲۴)چون به آنها گفته شود: پروردگارتان چه چیز نازل کرده است. گویند: افسانه های گذشتگان.(۲۵)تا در روز قیامت همه بار گناه خویش و بار گناه کسانی را که به نادانی گمراهشان کرده بودند، بردارند. آگاه باش که بار بدی بر می دارند.(۲۶)پیشینیانشان حیلت ساختند. فرمان خدا در رسید و آن بنا را از پایه ویران ساخت و سقف بر سرشان فرود آمد و از سویی که نفهمیدند. عذاب آنان را فرو گرفت.(۲۷)آنگاه در روز قیامت رسوایشان سازد و گوید: بتانی که شریک من می خواندید و بر سر آنها با یکدیگر اختلاف می کردید اکنون کجایند. دانشمندان گویند: امروز نصیب کافران رسوایی و رنج است.(۲۸)کسانی هستند که بر خود ستم روا داشته اند، چون فرشتگان جانشان را بستانند، سر تسلیم فرود آرند و گویند: ما هیچ کار بدی نمی کردیم. آری ، خدا از کارهایی که می کردید آگاه است.(۲۹)از درهای جهنم داخل شوید و تا ابد در آنجا بمانید. بد جایگاهی است جایگاه گردنکشان.(۳۰)از پرهیزگاران پرسند: پروردگار شما چه چیز نازل کرده است. گویند: بهترین را. به آنان که در این دنیا نیکی کنند، نیکی پاداش دهند و سرای آخرت نیکوتر از آن است و جایگاه پرهیزگاران چه جایگاه خوبی است.(۳۱)به بهشتهای جاویدان داخل می شوند. در آن جویها روان است. هر چه بخواهند برایشان مهیاست. خدا پرهیزگاران را اینچنین پاداش می دهد.(۳۲)آنان که چون فرشتگانشان پاک سیرت بمیرانند، می گویند: سلام بر شما. به پاداش کارهایی که می کرده اید به بهشت در آیید.(۳۳)آیا چشم به راهند که فرشتگان نزدشان بیایند، یا فرمان پروردگارت فرا رسد؟ گروهی نیز که پیش از ایشان بودند چنین می کردند و خدا به آنان ستم نکرد بلکه آنان خود به خود ستم می کردند.(۳۴)به کیفر کردار بدشان رسیدند و همان چیزهایی که به ریشخند می گرفتند بر سرشان تاختن آورد.(۳۵)مشرکان گفتند: اگر خدا می خواست، ما و پدرانمان هیچ چیز جز او را نمی پرستیدیم و آنچه را حرام کرده ایم، حرام نمی کردیم. مردمی هم که پیش از ایشان بودند چنین می گفتند. آیا پیامبران را جز تبلیغ روشنگر وظیفه دیگری است.(۳۶)به میان هر ملتی پیامبری مبعوث کردیم، که خدا را بپرستید و از بت دوری جویید. بعضی را خدا هدایت کرد و بر بعضی گمراهی مقرر گشت. پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار کسانی که پیامبران را به دروغ نسبت می دادند، چگونه بوده است.(۳۷)و اگر تو به هدایت آنها حریص باشی ، خدا آن را که گمراه کرده است، هدایت نمی کند و این گمراهان را هیچ یاری دهنده ای نیست.(۳۸)تا آنجا که می توانستند به خدا قسم خوردند، که خدا کسانی را که می میرند به رستاخیز زنده نمی کند. آری این وعده ای است که انجام دادن آن بر عهده اوست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۳۹)تا آنچه را در آن اختلاف می کردند برایشان آشکار کند و کافران بدانند که دروغ می گفته اند.(۴۰)فرمان ما به هر چیزی که اراده اش را بکنیم، این است که می گوییم: موجود شو، و موجود می شود.(۴۱)به آنان که مورد ستم واقع شدند و در راه خدا مهاجرت کردند در این جهان جایگاهی نیکو می دهیم. و اگر بدانند اجر آخرت بزرگتر است.(۴۲)آنان که صبر پیشه کردند و بر پروردگارشان توکل می

کنند.(۴۳)اگر خود نمی دانید، از اهل کتاب بپرسید که ما، پیش از تو، به رسالت نفرستادیم مگر مردانی را که به آنها وحی می فرستادیم.(۴۴)همراه با دلایل روشن و کتابها و بر تو نیز قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند.(۴۵)آیا آنان که مرتکب بدیها می شوند، مگر ایمنند از اینکه زمین به فرمان خدا آنها را فرو برد یا عذاب از جایی که نمی دانند بر سرشان فرود آید(۴۶)یا به هنگام آمد و شد فرو گیردشان، چنان که نتوانند بگریزند.(۴۷)یا از آنان یکان یکان بکاهد؟ هر آینه پروردگارتان رئوف و مهربان است.(۴۸)آیا به چیزهایی که خدا آفریده است نمی نگرند که برای سجده به درگاه او سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند و در برابر او خاشعند.(۴۹)هر چه در آسمانها و زمین است از جنبندگان و فرشتگان خدا را سجده می کنند و تکبر نمی ورزند.(۵۰)از پروردگارشان که فراز آنهاست می ترسند و به هر چه مامور شده اند همان می کنند.(۵۱)خدا گفت: دو خدا را مپرستید و جز این نیست که اوست خدای یکتا. پس، از من بترسید.(۵۲)هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست و پرستش خاص اوست. آیا از غیر خدا می ترسید.(۵۳)هر نعمتی که شما راست از جانب خداوند است و چون محنتی به شما رسد به پیشگاه او زاری می کنید.(۵۴)و باز چون آن محنت را به پایان آرد گروهی از شما به پروردگارشان مشرک می شوند.(۵۵)تا نعمتی را که به آنها عنایت کرده ایم ناسپاسی کنند. اکنون متمتع شوید، زودا که خواهید دانست.(۵۶)آنگاه از آنچه روزیشان داده ایم نصیبی برای بتانی که هیچ نمی دانند معین می کنند. به خدا سوگند به سبب دروغی که می بندید بازخواست می شوید.(۵۷)برای خدا دختران قائل می شوند -او منزه است- و برای خود هر چه دوست دارند.(۵۸)و چون به یکیشان مژده دختر دهند، سیه روی شود و خشمگین گردد.(۵۹)از شرم این مژده ، از مردم پنهان می شود. آیا با خواری نگاهش دارد یا در خاک نهانش کند؟ آگاه باشید که بد داوری می کنند.(۶۰)صفت بد از آن کسانی است که به قیامت ایمان نمی آورند و صفت برتر از آن خداوند است. و اوست پیروزمند و حکیم.(۶۱)اگر خداوند بخواهد که مردم را به گناهشان هلاک کند، بر روی زمین هیچ جنبنده ای باقی نگذارد، ولی عذابشان را تا مدتی معین به تاخیر می افکند. و چون اجلشان فرا رسد، یک ساعت پس و پیش نشوند.(۶۲)آنچه را نمی پسندند به خدا نسبت کنند و زبانشان به دروغ گوید که خوبیها از آن آنهاست، نه ، بی تردید نصیب آنها آتش است و ایشان را به شتاب به سوی آن برند.(۶۳)به خدا سوگند که برای مردمی هم که پیش از تو بوده اند پیامبرانی فرستاده ایم. ولی شیطان اعمالشان را در چشمشان بیاراست. و در آن روز شیطان دوستشان خواهد بود و آنها راست عذابی دردآور.(۶۴)ما این کتاب را بر تو نازل نکرده ایم جز برای آنکه هر چه را در آن اختلاف می کنند برایشان بیان کنی . و نیز راهنما و رحمتی برای مومنان باشد.(۶۵)و خدا از آسمان باران فرستاد و زمین مرده را با آن زنده کرد. برای مردمی که گوش شنوا دارند در این عبرتی است.(۶۶)برای شما در چارپایان پندی است. از شیر خالصی که از شکمشان از میان سرگین و خون بیرون می آید سیرابتان می کنیم. شیری که به کام نوشندگانش گواراست.(۶۷)و از میوه های نخلها و تاکها شرابی مستی آور و رزقی نیکو به دست می آورید، و خردمندان را در این عبرتی است.(۶۸)پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که : از کوهها و درختان و در بناهایی که می سازند خانه هایی برگزین.(۶۹)آنگاه از هر ثمره ای بخور و فرمانبردار به راه پروردگارت برو. از شکم او شرابی رنگارنگ بیرون می آید که شفای مردم در آن است. و صاحبان اندیشه را در این عبرتی است.(۷۰)خدا شما را بیافرید، آنگاه می میراند و از میان شما کسی را به فرتوتی می رساند تا هر چه را که آموخته است از یاد ببرد، زیرا خدا دانا و تواناست.(۷۱)خدا روزی بعضی از شما را از بعضی دیگر افزون کرده است. پس آنان که فزونی یافته اند از روزی خود به بندگان خویش نمی دهند تا همه در روزی یکسان شوند. آیا نعمت خدا را انکار می کنید.(۷۲)خدا برای شما از میان خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان فرزندان و فرزندزادگان پدید آورد و از چیزهای خوش و پاک روزیتان داد. آیا هنوز به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند.(۷۳)سوای خدا چیزهایی را می پرستند که ناتوانند و یارای آن ندارند که از آسمانها و زمین روزیشان دهند.(۷۴)برای خدا مثل مزنید، خدا می داند و شما نمی دانید.(۷۵)خدا برده زرخریدی را مثل می زند که هیچ قدرتی ندارد، و

کسی را که از جانب خویش رزق نیکویش داده ایم و در نهان و آشکارا انفاق می کند. آیا این دو برابرند؟ سپاس خاص خداست، ولی بیشترشان نادانند.(۷۶)و خدا مثل دو مرد را بیان می کند که یکی لال است و توان هیچ چیز ندارد و بار دوش مولای خود است، هرجا که او را بفرستد هیچ فایده ای حاصل نمی کند. آیا این مرد با آن کس که مردم را به عدل فرمان می دهد و خود بر راه راست می رود برابر است.(۷۷)از آن خداست نهان آسمانها و زمین. و فرا رسیدن قیامت تنها یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر از آن است. زیرا خدا بر هر کاری تواناست.(۷۸)خدا شما را از بطن مادرانتان بیرون آورد و هیچ نمی دانستید. و برایتان چشم و گوش و دل بیافرید. شاید سپاس گویید.(۷۹)آیا آن پرندگان رام شده در جو آسمان را نمی بینند؟ هیچ کس جز خدا آنها را در هوا نگاه نتواند داشت. و در این برای مردمی که ایمان می آورند عبرتهاست.(۸۰)خدا خانه هایتان را جای آرامشتان قرار داد و از پوست چهارپایان برایتان خیمه ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت از حمل آنها در رنج نیفتید. و از پشم و کرک و مویشان، تا روز قیامت برایتان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت.(۸۱)خدا برای شما از چیزهایی که آفریده است سایه ها پدید آورد. و در کوهها برایتان غارها ساخت. و جامه هایی که شما را از گرما حفظ می کند و جامه هایی که در جنگ نگهدار شماست. خدا نعمتهای خود را اینچنین بر شما تمام می کند. باشد که تسلیم فرمان او شوید.(۸۲)اگر رویگردان شدند، جز این نیست که وظیفه تو تبلیغی روشنگر است.(۸۳)نعمتهای خدا را می شناسند، باز هم منکر آن می شوند، زیرا بیشترشان کافرانند.(۸۴)روزی که از هر امتی گواهی برانگیزیم و به کافران رخصت سخن گفتن داده نشود و عذرشان پذیرفته نیاید.(۸۵)و ستمگران عذاب را بنگرند، عذابی که هیچ تخفیف نیابد و هیچ مهلتشان ندهند.(۸۶)و چون مشرکان آنان را که شریک خدا می ساختند، ببینند. می گویند: ای پروردگار ما، اینان شریکانی هستند که ما به جای تو آنها را می خواندیم. آنان پاسخ می گویند که شما دروغ می گویید.(۸۷)و در این روز به بندگی ، خویشتن را تسلیم خدا کنند و آن دروغها که می بافته اند نابود شود.(۸۸)آنان که کافر شدند و دیگران را از راه خدا بازداشتند، به کیفر فسادی که می کردند عذابی بر عذابشان خواهیم افزود.(۸۹)و روزی باشد که از هر امتی شاهدی از خودشان بر خودشان برانگیزیم و تو را بیاوریم تا بر آنان شهادت دهی . و ما قرآن را که بیانکننده هر چیزی است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است بر تو نازل کرده ایم.(۹۰)خدا به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد. و از فحشا و زشتکاری و ستم نهی می کند. شما را پند می دهد، باشد که پذیرای پند شوید.(۹۱)چون با خدا پیمان بستید بدان وفا کنید و چون سوگند اکید خوردید آن را مشکنید، که خدا را ضامن خویش کرده اید و او می داند که چه می کنید.(۹۲)و همانند آن زن که رشته ای را که محکم تافته بود از هم گشود و قطعه قطعه کرد مباشید، تا سوگندهای خود را وسیله فریب یکدیگر سازید بدین بهانه که گروهی بیشتر از گروه دیگر است. خدا شما را بدان می آزماید، و در روز قیامت چیزی را که در آن اختلاف می کردید برایتان بیان می کند.(۹۳)اگر خدا می خواست، همه شما را یک امت کرده بود، ولی هر که را بخواهد گمراه می سازد و هر که را بخواهد هدایت می کند و از هر کاری که می کنید بازخواست می شوید.(۹۴)سوگندهای خود را وسیله فریب یکدیگر مسازید تا قدمی را که استوار ساخته اید بلغزد و به سبب اعراض از راه خدا گرفتار بدی شوید و به عذابی بزرگ گرفتار آیید.(۹۵)پیمان خدا را به بهایی اندک مفروشید زیرا، اگر بدانید، آنچه در نزد خداست برایتان بهتر است.(۹۶)آنچه نزد شماست فنا می شود و آنچه نزد خداست باقی می ماند. و آنان را که شکیبایی ورزیدند پاداشی بهتر از کردارشان خواهیم داد.(۹۷)هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد.(۹۸)و چون قرآن بخوانی ، از شیطان رجیم به خدا پناه ببر.(۹۹)شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر خدا توکل می کنند تسلطی نیست.(۱۰۰)تسلط او تنها بر کسانی است که دوستش می دارند و به خدا شرک می آورند.(۱۰۱)چون آیه ای را جانشین آیه دیگر کنیم، خدا بهتر می داند که چه چیز نازل کند. گفتند که تو دروغ می بافی ، نه ، بیشترینشان نادانند.(۱۰۲)بگو: آن را روحالقدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده است تا مومنان را استواری ارزانی دارد و مسلمانان را هدایت و بشارت باشد.(۱۰۳)می دانیم

که می گویند: این قرآن را بشری به او می آموزد. زبان کسی که به او نسبت می کنند عجمی است، حال آنکه این زبان عربی روشنی است.(۱۰۴)خدا کسانی را که به آیاتش ایمان نمی آورند هدایت نمی کند و برایشان عذابی دردآور مهیاست.(۱۰۵)کسانی دروغ می بافند که به آیات خدا ایمان ندارند. اینان خود دروغگویند(۱۰۶)کسی که پس از ایمان به خدا کافر می شود نه آنکه او را به زور واداشته اند تا اظهار کفر کند و حال آنکه دلش به ایمان خویش مطمئن است بل آنان که در دل را به روی کفر می گشایند، مورد خشم خدایند و عذابی بزرگ برایشان مهیاست.(۱۰۷)و این بدان سبب است که اینان زندگی دنیا را بیشتر از زندگی آخرت دوست دارند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند.(۱۰۸)خدا بر دل و گوشها و چشمانشان مهر بر نهاده است و خود بی خبرانند.(۱۰۹)به ناچار در آخرت هم از زیان دیدگان باشند.(۱۱۰)سپس پروردگار تو برای کسانی که پس از آن رنجها که دیدند. مهاجرت کردند و به جهاد رفتند و پای فشردند، آمرزنده و مهربان است.(۱۱۱)روز قیامت هر کس به دفاع از خویش به مجادله می پردازد و جزای هر کس چنان که حق اوست داده می شود و به کسی ستم روا ندارند.(۱۱۲)خدا قریه ای را مثل می زند که امن و آرام بود، روزی مردمش به فراوانی از هر جای می رسید، اما کفران نعمت خدا کردند و خدا به کیفر اعمالشان به گرسنگی و وحشت مبتلایشان ساخت.(۱۱۳)پیامبری از خودشان به نزدشان آمد، تکذیبش کردند، و عذاب، آن ستمکاران را فرو گرفت.(۱۱۴)از این چیزهای حلال و پاکیزه که خدا به شما روزی داده است بخورید و اگر خدا را می پرستید شکر نعمتش را به جای آورید.(۱۱۵)خدا حرام کرده است بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر چه را جز به نام خدا ذبح کرده باشند. اما کسی که ناچار شود هرگاه بی میلی جوید و از حد نگذراند، خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۱۶)تا بر خدا افترا، بندید، برای هر دروغ که بر زبانتان می آید مگویید که این حلال است و این حرام. کسانی که به خداوند دروغ می بندند رستگار نمی شوند.(۱۱۷)اندک بهره ای می برند و در عوض به عذابی دردآور گرفتار می آیند.(۱۱۸)و بر یهودیان آنچه را که پیش از این برای تو حکایت کردیم حرام کرده بودیم. ما به آنها ستم نکرده ایم، آنان خود به خویشتن ستم کرده اند.(۱۱۹)پروردگار تو برای کسانی که از روی نادانی مرتکب کاری زشت شوند، سپس توبه کنند و به صلاح آیند، آمرزنده و مهربان است.(۱۲۰)ابراهیم بزرگوار مردی بود. به فرمان خدا بر پای ایستاد و صاحب دین حنیف بود. و از مشرکان نبود.(۱۲۱)و سپاسگزار نعمتهای او بود، خداوندش برگزید و به راه راست هدایت کرد.(۱۲۲)در دنیا به او نیکی عنایت کردیم و در آخرت از صالحان است.(۱۲۳)به تو نیز وحی کردیم که : از آیین حنیف ابراهیم پیروی کن که او از مشرکان نبود.(۱۲۴)شنبه گرفتن را برای کسانی که در آن اختلاف کرده بودند قرار داده اند، و پروردگار تو در روز قیامت درباره آنچه اختلاف می کردند حکم خواهد کرد.(۱۲۵)مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن. زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.(۱۲۶)اگر عقوبت می کنید، چنان عقوبت کنید که شما را عقوبت کرده اند. و اگر صبر کنید، صابران را صبر نیکوتر است.(۱۲۷)صبر کن، که صبر تو جز به توفیق خدا نیست و برایشان محزون مباش و از مکرشان دلتنگی منمای .(۱۲۸)زیرا خدا با کسانی است که می پرهیزند و نیکی می کنند.(۱۲۹)

الإسراء

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)منزه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را برکت داده ایم سیر داد، تا بعضی از آیات خود را به او بنمایيم، هر آینه او شنوا و بیناست.(۲)و آن کتاب را به موسی دادیم و آن را راهنمای بنی اسرائیل گردانیدیم که : جز من کارسازی برمگزینید.(۳)ای فرزندان مردمی که با نوح در کشتیشان نشاندیم، بدانید که او بنده ای سپاسگزار بود.(۴)و بنی اسرائیل را در آن کتاب خبر دادیم که : دوبار در زمین فساد خواهید کرد و نیز سرکشی خواهید کرد، سرکشی کردنی بزرگ.(۵)چون از آن دوبار وعده نخستین در رسید، گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی زورمند

بودند، بر سر شما فرستادیم. آنان حتی در درون خانه ها هم کشتار کردند و این وعده به انجام رسید.(۶)بار دیگر شما را بر آنها غلبه دادیم و به مال و فرزند مدد کردیم و بر شمارتان افزودیم.(۷)اگر نیکی کنید به خود می کنید، و اگر بدی کنید به خود می کنید. و چون وعده دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اول که به مسجد درآمده بودند به مسجد درآیند و به هر چه دست یابند نابود سازند.(۸)شاید پروردگارتان بر شما رحمت آورد. و اگر باز گردید. باز می گردیم و جهنم را زندان کافران ساخته ایم.(۹)این قرآن به درستترین آیینها راه می نماید و مومنانی را که کارهای شایسته به جای می آورند بشارت می دهد که از مزدی کرامند برخوردار خواهند شد.(۱۰)و برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند عذابی دردآور مهیا کرده ایم.(۱۱)و آدمی به دعا شری را می طلبد چنان که گویی به دعا خیری را می جوید. و آدمی تا بوده شتابزده بوده است.(۱۲)شب و روز را دو آیت از آیات خدا قرار دادیم. آیت شب را تاریک گردانیدیم و آیت روز را روشن تا به طلب رزقی که پروردگارتان مقرر داشته است برخیزید و شمار سالها و حساب را بدانید، و ما هر چیزی را به تفصیل بیان کرده ایم.(۱۳)کردار نیک و بد هر انسانی را چون طوقی به گردنش آویخته ایم. و در روز قیامت برای او نامه ای گشاده بیرون آوریم تا در آن بنگرد.(۱۴)بخوان نامه ات را. امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود بسنده ای .(۱۵)هر که هدایت شود به سود خود هدایت شده و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار دیگری را بر ندارد و ما هیچ قومی را عذاب نمی کنیم تا آنگاه که پیامبری بفرستیم.(۱۶)چون بخواهیم قریه ای را هلاک کنیم، خداوندان نعمتش را بیفزاییم. تا در آنجا تبهکاری کنند، آنگاه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را در هم فرو کوبیم.(۱۷)بعد از نوح چه بسیار مردمی را هلاک کرده ایم. و پروردگار تو آگاهی یافتن و دیدن گناهان بندگانش را کافی است.(۱۸)هر کس که خواهان این جهان باشد هر چه بخواهیم زودش ارزانی داریم، آنگاه جهنم را جایگاه او سازیم تا نکوهیده و مردود بدان در افتد.(۱۹)و هر که خواهان آخرت باشد و در طلب آن سعی کند و مومن باشد، جزای سعیش داده خواهد شد.(۲۰)همه را، چه آن گروه را و چه این گروه را، از عطای پروردگارت پی در پی خواهیم داد، زیرا عطای پروردگارت را از کسی باز ندارند.(۲۱)بنگر که چگونه بعضیشان را بر بعضی دیگر برتری نهاده ایم و در آخرت درجات و برتریها، برتر و بالاتر است.(۲۲)با خدای یکتا، خدای دیگری به خدایی مگیر، که نکوهیده و خوار خواهی ماند(۲۳)پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه تا تو زنده هستی هر دو یا یکی از آن دو سالخورده شوند. آنان را میازار و به درشتی خطاب مکن و با آنان به اکرام سخن بگوی .(۲۴)در برابرشان از روی مهربانی سر تواضع فرود آور و بگو: ای پروردگار من، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آور.(۲۵)پروردگارتان از هر کس دیگر به آنچه در دلهایتان می گذرد داناتر است، و اگر از صالحان باشید او توبه کنندگان را می آمرزد.(۲۶)حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را ادا کن و هیچ اسرافکاری مکن.(۲۷)اسرافکاران با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود.(۲۸)و اگر به انتظار گشایشی که از جانب پروردگارت امید می داری از آنها اعراض می کنی ، پس با آنها به نرمی سخن بگوی .(۲۹)نه دست خویش از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حال ملامت زده و حسرت خورده بنشینی .(۳۰)پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می دهد، یا تنگ می گیرد، زیرا او به بندگانش آگاه و بیناست.(۳۱)فرزندان خود را از بیم درویشی مکشید. ما، هم شما را روزی می دهیم و هم ایشان را. کشتنشان خطای بزرگی است.(۳۲)و به زنا نزدیک مشوید. زنا، کاری زشت و شیوه ای ناپسند است.(۳۳)کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مکشید مگر به حق. و هر کس که به ستم کشته شود، به طلبکننده خون او قدرتی داده ایم.+ ولی در انتقام از حد نگذرد، که او پیروزمند است.(۳۴)جز به وجهی نیکوتر، به مال یتیم نزدیک مشوید تا آنگاه که به حد بلوغش برسد. و به عهد خویش وفا کنید که باز خواست خواهید شد.(۳۵)چون چیزی را پیمانه کنید، پیمانه را کامل گردانید و با ترازویی درست وزن کنید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.(۳۶)از پی آنچه ندانی که چیست مرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را. بدان بازخواست کنند.(۳۷)به خودپسندی بر زمین راه مرو، که زمین را نخواهی

شکافت و به بلندی کوهها نخواهی رسید.(۳۸)همه این کارها ناپسند است و پروردگار تو آنها را ناخوش دارد.(۳۹)این حکمتی است که پروردگار تو به تو وحی کرده است. با خدای یکتا خدای دیگری مپندار، که ملامت شده و مطرود به جهنمت اندازند.(۴۰)آیا پروردگارتان برای شما پسران برگزید و خود فرشتگان را به - دختری اختیار کرد؟ حقا که سخنی است بزرگ که بر زبان می آورید.(۴۱)ما سخنان گونه گون در این قرآن آوردیم، باشد که پند گیرند، ولی جز به رمیدنشان نیفزاید.(۴۲)بگو: همچنان که می گویند، اگر با او خدایان دیگری هم بودند پس به سوی صاحب عرش راهی جسته بودند.(۴۳)او منزه است، و از آنچه درباره اش می گویند برتر و بالاتر است.(۴۴)هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست تسبیحش می کنند و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی فهمید. او بردبار و آمرزنده است.(۴۵)چون تو قرآن بخوانی ، میان تو و آنان که به قیامت ایمان نمی آورند پرده ای ستبر قرار می دهیم.(۴۶)و بر دلهاشان پرده افکنیم تا آن را در نیابند، و گوشهاشان سنگین کنیم. و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی ، باز می گردند و می رمند.(۴۷)ما بهتر می دانیم که چون به تو گوش می دهند، چرا گوش می دهند. یا وقتی که با هم نجوا می کنند، چه می گویند. کافران می گویند: شما در پی مرد جادو شده ای به راه افتاده اید.(۴۸)بنگر که چگونه برای تو مثلها زده اند. گمراه شده اند و راه به جایی نمی برند.(۴۹)گفتند: آیا اگر از ما استخوانی بماند و خاکی ، باز هم با آفرینشی نو از قبر بر می خیزیم.(۵۰)بگو: سنگ باشید یا آهن.(۵۱)یا مخلوقی که در خاطرتان بزرگ می نماید. خواهند گفت: چه کسی ما را باز می گرداند؟ بگو: آن کس که بار نخست شما را آفرید. آنگاه در برابر تو سر می جنبانند و می گویند: چه وقت؟ بگو: ممکن است که در همین نزدیکی .(۵۲)روزی که شما را فرا می خواند و شما ستایشگویان پاسخ می دهید و می پندارید که اندکی آرمیده اید.(۵۳)و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند، که شیطان در میان آنها به فتنه گری است، زیرا شیطان آدمی را دشمنی آشکار است.(۵۴)پروردگارتان به شما آگاه تر است. اگر بخواهد بر شما رحمت می آورد و اگر بخواهد عذابتان می کند، و ما تو را به کارگزاریشان نفرستاده ایم.(۵۵)و پروردگار تو به آنچه در آسمانها و زمین است آگاه تر است. بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری نهادیم و به داوود زبور را دادیم.(۵۶)بگو: آنهایی را که جز او خدا می پندارید، بخوانید. نمی توانند بلا را از شما دور سازند یا آن را نصیب دیگران کنند.(۵۷)آنهایی که کافران به خدایی می خوانند، درصدد آنند که خود به درگاه پروردگارشان وسیله ای بیابند و مقربترین شوند، و به رحمت او امید می بندند و از عذاب او می ترسند، زیرا عذاب پروردگارت ترسناک است.(۵۸)هیچ قریه ای نباشد مگر اینکه پیش از فرا رسیدن روز قیامت هلاکش می کنیم یا به عذابی سخت گرفتارش می سازیم. و این در آن کتاب نوشته شده است.(۵۹)ما را از نزول معجزات باز نداشت، مگر اینکه پیشینیان تکذیبش می کردند. به قوم ثمود به عنوان معجزه ای روشنگر ماده شتر را دادیم. بر آن ستم کردند. و ما این معجزات را جز برای ترسانیدن نمی فرستیم.(۶۰)و آنگاه که تو را گفتیم: پروردگارت بر همه مردم احاطه دارد. و آنچه در خواب به تو نشان دادیم و داستان درخت ملعون که در قرآن آمده است چیزی جز آزمایش مردم نبود. ما مردم را می ترسانیم ولی تنها به کفر و سرکشیشان افزوده می شود.(۶۱)و به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید. همگان جز ابلیس سجده کردند. گفت: آیا برای کسی که از گل آفریده ای سجده کنم.(۶۲)و گفت: با من بگوی چرا این را بر من برتری نهاده ای ؟ اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی ، بر فرزندان او، جز اندکی ، مهار زنم.(۶۳)گفت: برو، جزای تو و هر کس که پیرو تو گردد جهنم است، که کیفری تمام است(۶۴)با فریاد خویش هر که را توانی از جای برانگیز و به یاری سواران و پیادگانت بر آنان بتاز و در مال و فرزند با آنان شرکت جوی و به آنها وعده بده . و حال آنکه شیطان جز به فریبی وعده شان ندهد.(۶۵)تو را بر بندگان من هیچ تسلطی نباشد و پروردگار تو برای نگهبانیشان کافی است.(۶۶)پروردگار شماست که کشتی را در دریا می راند تا از فضل او روزی خود به چنگ آرید، زیرا با شما مهربان است.(۶۷)چون در دریا شما را گزند رسد، همه آنهایی که می پرستید از نظرتان محو شوند، مگر او. و چون شما را به ساحل نجات برساند از او رویگردان شوید، زیرا آدمی ناسپاس است.(۶۸)آیا ایمنی

دارید از اینکه ناگهان در ساحل دریا شما را در زمین فرو برد، یا تندبادی ریگ بار بر شما بینگیزد و برای خود هیچ نگهبانی نیابید.(۶۹)یا ایمنی دارید از اینکه بار دیگر شما را به دریا بازگرداند و طوفانی سهمناك و کشتی شکن بفرستد و به خاطر کفرانی که ورزیده اید غرقتان سازد و کسی که ما را از کارمان بازخواست کند نیابید.(۷۰)ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم.(۷۱)روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم، نامه هر که به دست راستش داده شود، چون بخوانند بینند که به اندازه رشته باریکی که درون هسته خرماست، به او ستم نشده است.(۷۲)و هر که در این دنیا نابینا باشد، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است.(۷۳)نزدیک بود تو را از آنچه بر تو وحی کرده بودیم منحرف سازند تا چیز دیگری جز آن را به دروغ به ما نسبت کنی ، آنگاه با تو دوستی کنند.(۷۴)و اگر نه آن بود که پایداریت داده بودیم، نزدیك بود که اندکی به آنان میل کنی .(۷۵)آنگاه تو را دو چندان در دنیا و دو چندان در آخرت عذاب می کردیم و برای خود در برابر ما یاوری نمی یافتی .(۷۶)و نزدیک بود که تو را از این سرزمین برکنند تا از آنجا آواره ات سازند. و خود پس از تو جز اندك زمانی نمی ماندند.(۷۷)سنت خدا درباره پیامبرانی که پیش از تو فرستاده ایم چنین است. و سنت ما را تغییرپذیر نیابی .(۷۸)از هنگام زوال خورشید تا آنگاه که تاریکی شب فرا می رسد نماز را برپای دار، و نیز نماز صبحگاه را. و نماز صبحگاه را همگان حاضر شوند.(۷۹)پاره ای از شب را به نماز خواندن زنده بدار. این نافله خاص تو است. باشد که پروردگارت، تو را به مقامی پسندیده برساند.(۸۰)بگو: ای پروردگار من، مرا به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون بر، و مرا از جانب خود پیروزی و یاری عطا کن.(۸۱)بگو: حق آمد و باطل نابود شد. حقا که باطل نابودشدنی بود.(۸۲)و این قرآن را که برای مومنان شفا و رحمت است، نازل می کنیم. ولی کافران را جز زیان نیفزاید.(۸۳)چون به انسان نعمت دادیم اعراض کرد و خویشتن به یک سو کشید، و چون گزندی به او رسید نومید گردید.(۸۴)بگو: هر کس به طریقه خویش عمل می کند و پروردگار تو بهتر می داند که کدام یک به هدایت نزدیکتر است.(۸۵)تو را از روح می پرسند. بگو: روح جزئی از فرمان پروردگار من است و شما را جز اندك دانشی نداده اند.(۸۶)اگر بخواهیم همه آنچه را که بر تو وحی کرده ایم، باز می ستانیم و تو برای خود در برابر ما مددکاری نمی یابی .(۸۷)مگر پروردگارت رحمت آورد که انعام او درباره تو بسیار است.(۸۸)بگو: اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند نمی توانند همانند آن را بیاورند، هرچند که یکدیگر را یاری دهند.(۸۹)ما در این قرآن برای مردم هر مثلی را گوناگون بیان کردیم، ولی بیشتر مردم جز ناسپاسی هیچ کاری نکردند.(۹۰)گفتند: به تو ایمان نمی آوریم تا برای ما از زمین چشمه ای روان سازی .(۹۱)یا تو را بستانی باشد از درختان خرما و انگور که در خلالش نهرها جاری گردانی .(۹۲)یا چنان که گفته ای آسمان را پاره پاره بر سر ما افکنی یا خدا و فرشتگان را پیش ما حاضر آوری .(۹۳)یا تو را خانه ای از طلا باشد، یا به آسمان بالا روی . و ما به آسمان- رفتنت را باور نکنیم تا برای ما کتابی که از آن بخوانیم بیاوری . بگو: پروردگار من منزه است. آیا جز این است که من انسانی هستم که به رسالت آمده ام.(۹۴)هیچ چیز مردم را از ایمان آوردن آنگاه که هدایتشان می کردند. بازنداشت مگر اینکه می گفتند: آیا خدا انسانی را به رسالت می فرستد.(۹۵)بگو: اگر در روی زمین فرشتگان به آرامی راه می رفتند، برایشان به پیامبری فرشته ای از آسمان نازل می کردیم.(۹۶)بگو خدا میان من و شما شهادت را کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بیناست.(۹۷)و هر که را خدا هدایت کند، هدایت شده است. و هر که را گمراه سازد جز خدای برای او سرپرستی نیابی و در روز قیامت در حالی که چهره هایشان رو به زمین است، کور و لال و کر محشورشان می کنیم و جهنم جایگاه آنهاست که هر چه شعله آن فرو نشیند بیشترش می افروزیم.(۹۸)این کیفر آنهاست، زیرا به آیات ما ایمان نیاوردند و گفتند: آیا چون ما استخوان شدیم و خاکی ، ما را به صورت تازه ای زنده می کنند.(۹۹)آیا نمی دانند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده است قادر است که همانند آنها را بیافریند و برایشان مدت عمری نهاده که در آن تردیدی نیست؟ اما ظالمان جز انکار نکنند.(۱۰۰)بگو: اگر شما مالك همه خزاین پروردگار من می بودید، از بیم

درویشی امساك پیشه می کردید، زیرا آدمی بخیل است.(۱۰۱)از بنی اسرائیل بپرس، که چون موسی نزد آنان آمد، به او نه نشانه آشکار داده بودیم. و فرعون به او گفت: ای موسی ، پندارم که تو را جادو کرده باشند.(۱۰۲)گفت: به حقیقت می دانی این نشانه های آشکار را جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده است. و من ای فرعون، تو را به یقین هلاك شده می بینم.(۱۰۳)فرعون قصد آن داشت که ایشان را از آن سرزمین برکند، ولی ما او و همه همراهانش را غرقه ساختیم.(۱۰۴)و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در آن سرزمین ساکن شوید و چون وعده آخرت رسد همه شما را با هم محشور می کنیم.(۱۰۵)این قرآن را به حق نازل کرده ایم و به حق نازل شده است و تو را نفرستادیم مگر آنکه بشارت دهی و بیم دهی .(۱۰۶)و قرآن را به تفاریق نازل کردیم تا تو آن را با تانی بر مردم بخوانی و نازلش کردیم، نازل کردنی به کمال.(۱۰۷)بگو: خواه بدان ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید، آنان که از این پیش دانش آموخته اند، چون قرآن برایشان تلاوت شود سجده کنان بر روی در می افتند.(۱۰۸)و می گویند: منزه است پروردگار ما. وعده پروردگار ما انجام یافتنی است.(۱۰۹)و به رو در می افتند و می گریند و بر خشوعشان افزوده می شود.(۱۱۰)بگو: چه الله را بخوانید چه رحمان را بخوانید، هر کدام را که بخوانید، نامهای نیکو از آن اوست. صدایت را به نماز بلند مکن و نیز صدایت را بدان آهسته مکن و میان این دو راهی برگزین.(۱۱۱)بگو: سپاس خدایی را که فرزندی ندارد و او را شریکی در ملك نیست و به مذلت نیفتد که به یاری محتاج شود. پس او را تکبیر گوی . تکبیری شایسته .(۱۱۲)

الکهف

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سپاس خداوندی را که بر بنده خود این کتاب را نازل کرد و هیچ کجی و انحراف در آن ننهاد.(۲)کتابی عاری از انحراف. تا مردم را از خشم شدید خود بترساند و مومنان را که کارهای شایسته می کنند، بشارت دهد که پاداشی نیکو دارند.(۳)در حالی که تا ابد در آن جاودانه اند.(۴)و کسانی را که گفتند: خدا فرزندی اختیار کرد، بترساند.(۵)نه خود به آن دانشی دارند و نه پدرانشان داشته اند. چه بزرگ است سخنی که از دهانشان بیرون می آید و جز دروغی نمی گویند.(۶)شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، خویشتن را به خاطرشان از اندوه هلاك سازی .(۷)ما هر چه در روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا امتحانشان کنیم که کدامشان به عمل بهترند.(۸)و نیز ما هستیم که روی زمین را چون بیابانی خشك خواهیم کرد.(۹)آیا پنداشته ای که اصحاب کهف و رقیم از نشانه های شگفتانگیز ما بوده اند.(۱۰)آنگاه که آن جوانمردان به غارها پناه بردند و گفتند: ای پروردگار ما، ما را از سوی خود رحمت عنایت کن و کار ما را به راه رستگاری انداز.(۱۱)سالی چند در آن غار به خوابشان کردیم.(۱۲)سپس بیدارشان کردیم تا بدانیم کدام یك از آن دو گروه حساب مدت آرمیدنشان را داشته اند.(۱۳)ما خبرشان را به راستی برای تو حکایت می کنیم: آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم.(۱۴)بر دلهایشان نیرو بخشیدیم، آنگاه که برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او کسی را خدا نخوانیم که هر گاه چنین کنیم، سخنی سخت کفرآمیز گفته باشیم.(۱۵)اینان که قوم ما هستند، به جز او خدایانی اختیار کرده اند. چرا برای اثبات خدایی آنها دلیل روشنی نمی آورند؟ کیست ستمکارتر از کسی که به خدا دروغ می بندد.(۱۶)اگر از قوم خود کناره جسته اید و جز خدای یکتا خدای دیگری را نمی پرستید، به غار پناه برید و خدا رحمت خویش بر شما ارزانی دارد و نعمتتان را در آن مهیا دارد.(۱۷)و خورشید را می بینی که چون بر می آید، از غارشان به جانب راست میل می کند و چون غروب کند ایشان را واگذارد و به چپ گردد. و آنان در صحنه غارند. و این از آیات خداست. هر که را خدا هدایت کند هدایت یافته است و هر که را گمراه سازد هرگز کارسازی راهنما برای او نخواهی یافت.(۱۸)می پنداشتی که بیدارند حال آنکه در خواب بودند و ما آنان را به دست راست و دست چپ می گردانیدیم، و سگشان بر درگاه غار دو دست خویش دراز کرده بود. اگر به سر وقتشان می رفتی گریزان باز می گشتی و از آنها سخت می ترسیدی .(۱۹)همچنین بیدارشان کردیم تا با یکدیگر گفت و شنود کنند. یکی از

آنها پرسید: چند وقت است که آرمیده اید؟ گفتند: یک روز یا پاره ای از روز را آرمیده ایم. گفتند: پروردگارتان بهتر داند که چند وقت آرمیده اید. یکی را از خود با این پولتان به شهر بفرستید تا بنگرد که غذای پاکیزه کدام است و برایتان از آن روزیتان را بیاورد. و باید که به مهربانی رفتار کند تا کسی به شما آگاهی نیابد.(۲۰)زیرا اگر شما را بیابند سنگسار خواهند کرد، یا به کیش خویش درآورند. و اگر چنین شود تا ابد رستگار نخواهید شد.(۲۱)بدینسان مردم را به حالشان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا راست است و در قیامت تردیدی نیست. آنگاه درباره آنها با یکدیگر به گفت و گو پرداختند و گفتند: بر روی آنها بنایی برآورید – پروردگارشان به کارشان آگاه تر است– و آنان که بر حالشان آگاه تر شده بودند، گفتند: نه ، اینجا را مسجدی می کنیم.(۲۲)خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمیشان سگشان بود و می گویند: پنج تن بودند و ششمیشان سگشان بود –تیر به تاریکی می افکنند– و می گویند: هفت تن بودند و هشتمیشان سگشان بود. بگو: پروردگار من به عدد آنها داناتر است و شمار ایشان را جز اندک کسان نمی دانند. و تو درباره آنها جز به ظاهر مجادله مکن و از کس نظر مخواه .(۲۳)هرگز مگوی : فردا چنین می کنم.(۲۴)مگر خداوند بخواهد. و چون فراموش کنی ، پروردگارت را به یاد آر و بگو: شاید پروردگار من مرا از نزدیکترین راه هدایت کند.(۲۵)و آنان در غار خود سیصد سال آرمیدند و نه سال بدان افزوده اند.(۲۶)بگو: خداوند داناتر است که چند سال آرمیدند. غیب آسمانها و زمین از آن اوست. چه بیناست و چه شنواست. جز او دوستی ندارند و کس را در فرمان خود شریک نسازد.(۲۷)از کتاب پروردگارت هر چه بر تو وحی شده است تلاوت کن. سخنان او را تغییردهنده ای نیست. و تو جز او پناهگاهی نمی یابی .(۲۸)و همراه با کسانی که هر صبح و شام پروردگارشان را می خوانند و خشنودی او را می جویند، خود را به صبر وادار. و نباید چشمان تو برای یافتن پیرایه های این زندگی دنیوی از اینان منصرف گردد. و از آن که دلش را از ذکر خود بی خبر ساخته ایم، و از پی هوای نفس خود می رود و در کارهایش اسراف می ورزد، پیروی مکن.(۲۹)بگو: این سخن حق از جانب پروردگار شماست. هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود. ما برای کافران آتشی که لهیب آن همه را در بر می گیرد، آماده کرده ایم و چون به استغاثه آب خواهند از آبی چون مس گداخته که از حرارتش چهره ها کباب می شود بخورانندشان، چه آب بدی و چه آرامگاهی بد.(۳۰)کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، بدانند که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم.(۳۱)برایشان بهشتهای جاوید است. از زیر پاهاشان نهرها جاری است. بهشتیان را به دستبندهای زر می آرایند و جامه هایی سبز از دیبای نازک و دیبای ستبر می پوشند و در آنجا بر تختها تکیه می زنند. چه پاداش نیکویی و چه آرامگاه نیکویی .(۳۲)برایشان داستان دو مرد را بیان کن که به یکی دو تاکستان داده بودیم و بر گرد آنها نخلها و در میانشان کشتزار کرده بودیم.(۳۳)آن دو تاکستان، میوه خود را می دادند بی هیچ کم و کاست. و نهری بین آن دو جاری گردانیدیم.(۳۴)حاصل از آن او بود. به دوستش که با او گفت و گو می کرد گفت: من به مال از تو بیشتر و به افراد پیروزترم.(۳۵)و آن مرد ستم بر خویشتن کرده به باغ خود درآمد و گفت: نپندارم که این باغ هرگز از میان برود.(۳۶)و نپندارم که قیامت هم بیاید. و اگر هم مرا نزد خدا برند، جایگاهی بهتر از این باغ خواهم یافت.(۳۷)دوستش که با او گفت و گو می کرد گفت: آیا بر آن کس که تو را از خاک و سپس از نطفه بیافرید و مردی راست بالاـ کرد، کافر شده ای .(۳۸)ولی او خدای یکتا پروردگار من است و من هیچ کس را شریک پروردگارم نمی سازم.(۳۹)چرا آنگاه که به باغ خود در آمدی نگفتی : هر چه خداوند خواهد، و هیچ نیرویی جز نیروی خدا نیست؟ اگر می بینی که دارایی و فرزند من کمتر از تو است(۴۰)شاید پروردگار من مرا چیزی بهتر از باغ تو دهد. شاید بر آن باغ صاعقه ای بفرستد و آن را به زمینی صاف و لغزنده بدل سازد.(۴۱)یا آب آن بر زمین فرو رود و هرگز به یافتن آن قدرت نیابی .(۴۲)به ثمره اش آفت رسید و بامدادان دست حسرت بر دست می سایید که چه هزینه ای کرده بود و اکنون همه بناهایش فرو ریخته است. و می گوید: ای کاش کسی را شریک پروردگارم نساخته بودم.(۴۳)جز خدا گروهی که به یاریش برخیزند نبود و خود قدرت نداشت.(۴۴)آنجا یاری کردن خدای حق را سزد. پاداش او بهتر و سرانجامش نیکوتر است.(۴۵)برایشان زندگی دنیا را

مثل بزن که چون بارانی است که از آسمان ببارد و با آن گیاهان گوناگون به فراوانی بروید. ناگاه خشک شود و باد بر هر سو پراکنده اش سازد. و خدا بر هر کاری تواناست.(۴۶)دارایی و فرزند پیرایه های این زندگانی دنیاست و کردارهای نیک که همواره بر جای می مانند نزد پروردگارت بهتر و امید بستن به آنها نیکوتر است.(۴۷)روزی که کوهها را به راه می اندازیم و زمین را بینی که هر چه در اندرون دارد بیرون افکنده است و همه را برای حساب گرد می آوریم و یک تن از ایشان را هم رها نمی کنیم.(۴۸)همه در یک صف به پروردگارت عرضه می شوند. اکنون نزد ما آمدید همچنان که نخستین بار شما را بیافریدیم. آیا می پنداشتید که هرگز برایتان وعده گاهی قرار نخواهیم داد.(۴۹)دفتر اعمال گشوده شود. مجرمان را بینی که از آنچه در آن آمده است بیمناکند و می گویند: وای بر ما، این چه دفتری است که هیچ گناه کوچک و بزرگی را حساب ناشده رها نکرده است. آنگاه اعمال خود را در مقابل خود بیابند و پروردگار تو، به کسی ستم نمی کند.(۵۰)و آنگاه که به فرشتگان گفتیم که آدم را سجده کنید، همه جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سر بتافت سجده کردند. آیا شیطان و فرزندانش را به جای من به دوستی می گیرید، حال آنکه دشمن شمایند؟ ظالمان بد چیزی را به جای خدا برگزیدند.(۵۱)آنگاه که آسمانها و زمین و خودشان را می آفریدم، از آنها یاری نخواستم. زیرا من گمراه کنندگان را به یاری نمی گیرم.(۵۲)و روزی که می گوید: آنهایی را که می پنداشتید شریکان منند ندا دهید. ندا دهند و شریکان پاسخ ندهند. آنگاه هلاکتگاه را میانشان قرار دهیم.(۵۳)چون مجرمان آتش را ببینند بدانند که در آن خواهند افتاد و راه رهایی از آن نیست.(۵۴)در این قرآن برای مردم هر گونه داستانی بیان کرده ایم، ولی آدمی بیش از همه به جدل بر می خیزد.(۵۵)مردمان را چون به راه هدایت فرا خواندند، هیچ چیز از ایمان آوردن و آمرزش خواستن، بازنداشت مگر آنکه می بایست به شیوه پیشینیان گرفتار عذاب شوند یا آنکه عذاب رویاروی و آشکارا بر آنان فرود آید.(۵۶)و ما پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به مردم مژده دهند یا بیم. و کافرانی که می خواهند به نیروی باطل، حق را از میان ببرند جدال می کنند و آیات و هشدارهای مرا به ریشخند می گیرند.(۵۷)کیست ستمکارتر از آن که آیات پروردگارش را برایش بخوانند و او اعراض کند و کارهایی را که از پیش مرتکب شده فراموش کند. بر دل ایشان پرده افکندیم تا آیات را در نیابند و گوشهایشان را کر ساختیم که اگر به راه هدایتشان فرا خوانی ، هرگز راه نیابند.(۵۸)پروردگارت آمرزنده و مهربان است. اگر می خواست به سبب کردارشان در این جهان بازخواستشان کند، بی درنگ به عذابشان می سپرد. اما عذاب را زمانی معین است که چون فراز آید، پناهگاهی نیابند.(۵۹)و آن قریه ها را چون کافر شدند به هلاکت رسانیدیم و برای هلاکتشان وعده ای نهادیم.(۶۰)و موسی به شاگرد خود گفت: من همچنان خواهم رفت تا آنجا که دو دریا به هم رسیده اند. یا می رسم، یا عمرم به سر می آید.(۶۱)چون آن دو به آنجا که دو دریا به هم رسیده بودند رسیدند، ماهیشان را فراموش کردند و ماهی راه دریا گرفت و در آب شد.(۶۲)چون از آنجا گذشتند، به شاگرد خود گفت: چاشتمان را بیاور که در این سفرمان رنج فراوان دیده ایم.(۶۳)گفت: آیا به یاد داری آنگاه را که در کنار آن صخره مکان گرفته بودیم؟ من ماهی را فراموش کرده ام. و این شیطان بود که سبب شد فراموشش کنم و ماهی به شیوه ای شگفتانگیز به دریا رفت.(۶۴)گفت: آنجا همان جایی است که در طلبش بوده ایم. و به نشان قدمهای خود جستجوکنان بازگشتند.(۶۵)در آنجا بنده ای از بندگان ما را که رحمت خویش بر او ارزانی داشته بودیم و خود بدو دانش آموخته بودیم، بیافتند.(۶۶)موسی گفتش: آیا با تو بیایم تا از آنچه به تو آموخته اند به من کمالی بیاموزی .(۶۷)گفت: تو را شکیب همراهی با من نیست.(۶۸)و چگونه در برابر چیزی که بدان آگاهی نیافته ای صبر خواهی کرد.(۶۹)گفت: اگر خدا بخواهد، مرا صابر خواهی یافت آنچنان که در هیچ کاری تو را نافرمانی نکنم.(۷۰)گفت: اگر از پی من می آیی ، نباید که از من چیزی بپرسی تا من خود تو را از آن آگاه کنم.(۷۱)پس به راه افتادند تا به کشتی سوار شدند. کشتی را سوراخ کرد. گفت: کشتی را سوراخ می کنی تا مردمش را غرقه سازی ؟ کاری که می کنی کاری سخت بزرگ و زشت است.(۷۲)گفت: نگفتم که تو را شکیب همراهی با من نیست.(۷۳)گفت: اگر فراموش کرده ام مرا بازخواست مکن و بدین اندازه بر من سخت مگیر.(۷۴)و رفتند تا

به پسری رسیدند، او را کشت، موسی گفت: آیا جان پاکی را بی آنکه مرتکب قتلی شده باشد می کشی ؟ مرتکب کاری زشت گردیدی .(۷۵)گفت: نگفتم که تو را شکیب همراهی با من نیست.(۷۶)گفت: اگر از این پس از تو چیزی پرسم با من همراهی مکن، که از جانب من معذور باشی .(۷۷)پس برفتند تا به دهی رسیدند. از مردم آن ده طعامی خواستند. از میزبانیشان سر برتافتند. آنجا دیواری دیدند که نزدیک بود فرو ریزد. دیوار را راست کرد. موسی گفت: کاش در برابر این کار مزدی می خواستی .(۷۸)گفت: اکنون زمان جدایی میان من و توست و تو را از راز آن کارها که تحملشان را نداشتی آگاه می کنم:(۷۹)اما آن کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند. خواستم معیوبش کنم، زیرا در آنسوترشان پادشاهی بود که کشتیها را به غصب می گرفت.(۸۰)اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند. ترسیدیم که آن دو را به عصیان و کفر دراندازد.(۸۱)خواستیم تا در عوض او پروردگارشان چیزی نصیبشان سازد به پاکی بهتر از او و به مهربانی نزدیکتر از او.(۸۲)اما دیوار از آن دو پسر یتیم از مردم این شهر بود. در زیرش گنجی بود، از آن پسران. پدرشان مردی صالح بود. پروردگار تو می خواست آن دو به حد رشد رسند و گنج خود را بیرون آرند. و من این کار را به میل خود نکردم. رحمت پروردگارت بود. این است راز آن سخن که گفتم: تو را شکیب آن نیست.(۸۳)و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند. بگو: برای شما از او چیزی می خوانم.(۸۴)ما او را در زمین مکانت دادیم و راه رسیدن به هر چیزی را به او نشان دادیم.(۸۵)او نیز راه را پی گرفت.(۸۶)تا به غروبگاه خورشید رسید. دید که در چشمه ای گلآلود و سیاه غروب می کند و در آنجا مردمی یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین. می خواهی عقوبتشان کن و می خواهی با آنها به نیکی رفتار کن.(۸۷)گفت: اما هر کس که ستم کند ما عقوبتش خواهیم کرد. آنگاه او را نزد پروردگارش می برند تا او نیز به سختی عذابش کند.(۸۸)و اما هر کس که ایمان آورد و کارهای شایسته کند، اجری نیکو دارد. و درباره او فرمانهای آسان خواهیم راند.(۸۹)بازهم راه را پی گرفت.(۹۰)تا به مکان بر آمدن آفتاب رسید. دید بر قومی طلوع می کند که غیر از پرتو آن برایشان هیچ پوششی قرار نداده ایم.(۹۱)چنین بود. و ما بر احوال او احاطه داریم.(۹۲)بازهم راه را پی گرفت.(۹۳)تا به میان دو کوه رسید. در پس آن دو کوه مردمی را دید که گویی هیچ سخنی را نمی فهمند.(۹۴)گفتند: ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در زمین فساد می کنند. می خواهی خراجی بر خود مقرر کنیم تا تو میان ما و آنها سدی برآوری .(۹۵)گفت: آنچه پروردگار من مرا بدان توانایی داده است بهتر است. مرا به نیروی خویش مدد کنید، تا میان شما و آنها سدی بر آورم.(۹۶)برای من تکه های آهن بیاورید. چون میان آن دو کوه انباشته شد. گفت: بدمید. تا آن آهن را بگداخت. و گفت: مس گداخته بیاورید تا بر آن ریزم.(۹۷)نه توانستند از آن بالا روند و نه در آن سوراخ کنند.(۹۸)گفت: این رحمتی بود از جانب پروردگار من، و چون وعده پروردگار من در رسد، آن را زیر و زبر کند و وعده پروردگار من راست است.(۹۹)و در آن روز واگذاریم تا چون موج روان گردند، و چون در صور دمیده شود همه را یکجا گرد آوریم.(۱۰۰)و در آن روز جهنم را به کافران، چنان که باید، نشان خواهیم داد:(۱۰۱)آن کسان که دیدگانشان از یاد من در حجاب بوده و توان شنیدن نداشته اند.(۱۰۲)آیا کافران پندارند که به جای من بندگان مرا به خدایی گیرند؟ ما جهنم را آماده ساخته ایم تا منزلگاه کافران باشد.(۱۰۳)بگو: آیا شما را آگاه کنیم که کردار چه کسانی بیش از همه به زیانشان بود.(۱۰۴)آنهایی که کوششان در زندگی دنیا تباه شد و می پنداشتند کاری نیکو می کنند.(۱۰۵)آنان به آیات پروردگارشان و به ملاقات با او ایمان نیاوردند، پس اعمالشان ناچیز شد و ما در روز قیامت بر ایشان منزلتی قائل نیستیم.(۱۰۶)همچنین کیفر آنان به سبب کفرشان و نیز بدان سبب که آیات و پیامبران مرا مسخره می کردند، جهنم است.(۱۰۷)کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مهمانسرایشان باغهای فردوس است.(۱۰۸)در آنجا جاویدانند و هرگز هوای انتقال نکنند.(۱۰۹)بگو: اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود، دریا به پایان می رسد و کلمات پروردگار من به پایان نمی رسد، هرچند دریای دیگری به مدد آن بیاوریم.(۱۱۰)بگو: من انسانی هستم همانند شما. به من وحی می شود. هر آینه خدای شما خدایی است یکتا. هر کس دیدار پروردگار خویش را امید می بندد، باید کرداری شایسته داشته باشد و در پرستش پروردگارش هیچ کس را شریک نسازد.(۱۱۱)

مریم

به نام خـدای بخشاینـده مهربان(۱)کـاف، هـا، یا، عین، صاد.(۲)بیـان بخشـایش پروردگارت بر بنـده خود زکریا است.(۳)آنگاه که پروردگارش را در نهان نـدا داد.(۴)گفت: ای پروردگار من، استخوان من سـست گشته و سرم از پیری سفید شده است و هرگز در دعـا به درگاه تو، ای پروردگار من، بی بهره نبوده ام.(۵)من پس از مرگ خویش، از خویشاوندانم بیمناکم و زنم نازاینده است. مرا از جـانب خود فرزنـدی عطا کن.(۶)که میراثبر من و میراثبر خانـدان یعقـوب باشـد و او را، ای پروردگـار من، شایسته و پسـندیده گردان.(۷)ای زکریا، ما تو را به پسری به نام یحیی مژده می دهیم. از این پیش کسی را همنام او نساخته ایم.(۸)گفت: ای پروردگار من، مرا از کجا پسری باشـد، حال آنکه زنم نازاینده است. و من خود در پیری به فرتوتی رسیده ام.(۹)گفت: پروردگارت اینچنین گفته است: این برای من آسـان است و تو را که پیش از این چیزی نبوده ای بیافریـده ام.(۱۰)گفت: ای پروردگار من، به من نشانی بنمای . گفت: نشان تو این است که سه شب و سه روز با مردم سخن نگویی بی هیچ آسیبی .(۱۱)از محراب به میان قوم خود بیرون آمد و به آنان اعلام کرد که : صبح و شام تسبیح گویید.(۱۲)ای یحیی ، کتاب را به نیرومنـدی بگیر. و در کودکی به او دانایی عطا کردیم.(۱۳)و به او شـفقت کردیم و پـاکیزه اش سـاختیم و او پرهیزگار بود.(۱۴)به پـدر و مـادر نیکی می کرد و جبـار و گردنکش نبود.(۱۵)سلام بر او، روزی که زاده شد و روزی که می میرد و روزی که دیگر بار زنده برانگیخته می شود.(۱۶)در این کتاب مریم را یاد کن، آنگاه که از خاندان خویش به مکانی رو به سوی برآمدن آفتاب، دوری گزید.(۱۷)میان خود و آنان پرده ای کشید و ما روح خود را نزدش فرستادیم و چون انسانی تمام بر او نمودار شد.(۱۸)مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می برم، که پرهیزگار باشی .(۱۹)گفت: من فرسـتاده پروردگار تو هسـتم، تا تو را پسـری پاکیزه ببخشم.(۲۰)گفت: از کجا مرا فرزنـدی باشـد، حال آنکه هیچ بشری به من دست نزده است و من بد کاره هم نبوده ام.(۲۱)گفت: پروردگار تو اینچنین گفته است: این برای من آسان است. مـا آن پسـر را برای مردم آیتی و بخشایشـی کنیم و این کاری است حتمی و پایان یافته .(۲۲)پس به او آبسـتن شد و او را با خود به مکانی دور افتاده برد.(۲۳)درد زاییـدن او را به سوی تنه درخت خرمـایی کشانیـد. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم.(۲۴)کودک از زیر او نـدا داد: محزون مبـاش، پروردگـارت از زیر پـای تو جوی آبی روان سـاخت.(۲۵)نخل را بجنبان تا خرمای تازه چیده برایت فرو ریزد.(۲۶)پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسـی را دیدی بگوی : برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز با هیچ بشـری سخن نمی گویم.(۲۷)کودک را برداشت و نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم، کاری قبیح کرده ای .(۲۸)ای خواهر هارون، نه پدرت مردی بدی بود و نه مادرت زنی بد کاره .(۲۹)به فرزند اشاره کرد. گفتنـد: چگونه بـا کودکی که در گهواره است سـخن بگوییم.(۳۰)کودک گفت: من بنـده خدایم، به من کتـاب داده و مرا پیـامبر گردانیده است.(۳۱)و هرجـا که بـاشم مرا برکت داده و تـا زنـده ام به نمـاز و زکـات وصیت کرده است.(۳۲)و نیز نیکی کردن به مـادرم. و مرا جبـار و شـقی نساخته است.(۳۳)سـلام بر مـن، روزی کـه زاده شـدم و روزی که می میرم و روزی که دیگر بـار زنـده برانگیخته می شـوم.(۳۴)این است عیسـی بن مریم –به سـخن حق– همـان که دربـاره او در تردیـد بودنـد.(۳۵)نسـزد خداوند را که فرزندی برگیرد. منزه است. چون اراده کاری کند، می گوید: موجود شو. پس موجود می شود.(۳۶)و الله پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید، که راه راست این است.(۳۷)گروهها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز بزرگ.(۳۸)چه خوب می شـنوند و چه خوب می بینند آن روز که نزد ما می آیند. ولی سـتمکاران امروز در گمراهی آشکاری هستند.(۳۹)آنان را از روز حسـرت که کار به پایان آمـده و آنان همچنان در حال غفلت و بی ایمانی هسـتند بترسان.(۴۰)هر آینه ما زمین و هر که را بر روی آن است به ارث می بریم و همه به نزد ما بازگردانـده می شوند.(۴۱)و در این کتاب ابراهیم را یاد کن که او پیامبری راستگو بود.(۴۲)آنگاه که پـدرش را گفت: ای پـدر، چرا چیزی را که نه می شـنود و نه می بیند و نه هیچ نیازی از تو بر

می آورد، می پرستی .(۴۳)ای پدر، مرا دانشی داده اند که به تو نداده اند. پس، از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.(۴۴)ای پدر، شیطان را مپرست، زیرا شیطان خدای رحمان را نافرمان بود.(۴۵)ای پدر، می ترسم عذابی از جانب خدای رحمان به تو رسد و تو دوستدار شیطان باشی .(۴۶)گفت: ای ابراهیم، آیا از خدایان من بیزار هستی ؟ اگر بازنایستی سنگسارت می کنم. اکنون زمانی دراز از من دور باش.(۴۷)گفت: تو را سلامت باد. از پروردگارم برایت آمرزش خواهم خواست. زیرا او بر من مهربان است.(۴۸)از شما و از آن چیزهایی که به جای خدای یکتا می خوانید کناره می گیرم و پروردگار خود را می خوانم، باشد که چون پروردگارم را بخوانم محروم نشوم.(۴۹)چون از آنها و آنچه جز خدای یکتا می پرستیدند کناره گرفت. اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و همه را پیامبری دادیم.(۵۰)و رحمت خویش را به آنها ارزانی داشتیم و سخن نیکو و آوازه بلند دادیم.(۵۱)و در این کتاب، موسی را یاد کن. او بنده ای مخلص و فرستاده ای پیامبر بود.(۵۲)و او را از جانب راست کوه طور ندا دادیم و نزدیکش ساختیم تا با او راز گوییم.(۵۳)و از رحمت خود برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم.(۵۴)و در این کتاب اسماعیل را یاد کن. او درست قول و فرستاده ای پیامبر بود.(۵۵)و خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و نزد پروردگارش شایسته و پسندیده بود.(۵۶)و در این کتاب ادریس را یاد کن. او راست گفتاری پیامبر بود.(۵۷)او را به مکانی بلند فرا بردیم.(۵۸)اینان گروهی از پیامبران بودند که خدا به آنان انعام کرده بود، از فرزندان آدم و فرزندان آنان که با نوح در کشتی نشاندیم و فرزندان ابراهیم و اسرائیل و آنها که هدایتشان کردیم و برگزیدیمشان. و چون آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می شد، گریان به سجده می افتادند.(۵۹)سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به غی خواهند افتاد.(۶۰)مگر آن کس که توبه کرد و ایمان آورد و کارهای شایسته کرد. اینان به بهشت داخل می شوند و هیچ مورد ستم قرار نمی گیرند.(۶۱)بهشتهای جاوید که خدای رحمان در غیب به بندگان خویش وعده کرده است و وعده او فرا خواهد رسید.(۶۲)در آنجا سخن لغو نمی شنوند، گفتارشان سلام است. و روزیشان هر صبح و شام آماده است.(۶۳)این همان بهشتی است که به بندگانمان، آنها که پرهیزگاری کرده اند، عطا می کنیم.(۶۴)و ما جز به فرمان پروردگار تو فرود نمی آییم. آنچه در پیش روی ما و پشت سر ما و میان این دو قرار دارد از آن اوست. و پروردگار تو فراموشکار نیست.(۶۵)پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دوست. او را بپرست و در پرستش شکیبا باش. آیا همنامی برای او می شناسی .(۶۶)آدمی می گوید: آیا زمانی که بمیرم، زنده از گور بیرون آورده خواهم شد.(۶۷)و آدمی به یاد ندارد که او را پیش از این آفریده ایم و او خود چیزی نبوده است.(۶۸)به پروردگارت سوگند، آنها را با شیطانها گرد می آوریم، آنگاه همه را در اطراف جهنم به زانو می نشانیم.(۶۹)آنگاه از هر گروه کسانی را که در برابر خدای رحمان بیشتر سرکشی کرده اند جدا می کنیم.(۷۰)و ما آنهایی را که سزاوارتر به داخل شدن در آتش و سوختن در آن باشند، بهتر می شناسیم.(۷۱)و هیچ یک از شما نیست که وارد جهنم نشود، و این حکمی است حتمی از جانب پروردگار تو.(۷۲)آنگاه پرهیزگاران را نجات می دهیم و ستمکاران را همچنان به زانو- نشسته در آنجا وا می گذاریم.(۷۳)چون آیات روشنگر ما را بر آنان بخوانند، کافران به مومنان می گویند: کدام یک از دو فرقه را جایگاه بهتر و محفل نیکوتر است.(۷۴)پیش از آنها چه بسا مردمی را به هلاکت رسانیده ایم که از حیث اثاث و منظر بهتر از آنها بودند.(۷۵)بگو: هر کس که در گمراهی باشد، خدای رحمان او را به فزونی مدد می رساند، تا آنگاه آنچه را به او وعده داده شده است بنگرد: یا عذاب و یا قیامت. آنگاه خواهند دانست که چه کسی را جایگاه بدتر و سپاه ناتوانتر است.(۷۶)و خدا بر هدایت آنان که هدایت یافته اند خواهد افزود و نزد پروردگار تو پاداش و نتیجه کردارهای شایسته ای که باقی ماندنی اند بهتر است.(۷۷)آیا آن کسی را که به آیات ما کافر بود دیدی که می گفت: البته به من مال و فرزند داده خواهد شد.(۷۸)آیا از غیب آگاهی داشت، یا از خدای رحمان پیمان گرفته بود.(۷۹)نه چنین است. آنچه می گوید خواهیم نوشت و البته بر عذابش خواهیم افزود.(۸۰)آنچه را که می گوید از او می ستانیم تا تنها نزد ما بیاید.(۸۱)و به غیر از الله خدایانی اختیار کردند تا سبب عزتشان گردند.(۸۲)نه چنین است. به زودی

عبادتشان را انکار کنند و به مخالفتشان برخیزند.(۸۳)آیا ندیده ای که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنها را برانگیزند.(۸۴)پس تو بر آنان شتاب مکن که ما روزهایشان را به دقت می شماریم.(۸۵)روزی که پرهیزگاران را نزد خدای رحمان سواره گرد آوریم.(۸۶)و مجرمان را تشنه کام به جهنم برانیم.(۸۷)از شفاعت بی نصیبند، مگر آن کس که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد.(۸۸)گفتند: خدای رحمان صاحب فرزندی است.(۸۹)هر آینه سخنی زشت آورده اید.(۹۰)نزدیک است که از این سخن آسمانها بشکافند و زمین شکافته شود و کوهها فرو افتند و درهم ریزند.(۹۱)زیرا برای خدای رحمان فرزندی قائل شده اند.(۹۲)خدای رحمان را سزاوار نیست که صاحب فرزندی باشد.(۹۳)هیچ چیز در آسمانها و زمین نیست مگر آنکه به بندگی سوی خدای رحمان بیاید(۹۴)او همه را حساب کرده و یک یک شمرده است.(۹۵)و همگیشان در روز قیامت تنها نزد او می آیند.(۹۶)خدای رحمان کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، محبوب همه گرداند.(۹۷)این قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا پرهیزگاران را مژده دهی و ستیزه گران را بترسانی .(۹۸)و چه - بسیار مردمی را پیش از آنها هلاک کرده ایم. آیا هیچ یک از آنها را می یابی یا حتی اندک آوازی از آنها می شنوی .(۹۹)

طه

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)طا، ها.(۲)قرآن را بر تو نازل نکرده ایم که در رنج افتی .(۳)تنها هشداری است برای آن که می ترسد.(۴)از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است نازل شده .(۵)خدای رحمان بر عرش استیلاء دارد.(۶)از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین و میان آنهاست و آنچه در زیر زمین است(۷)و اگر سخن بلند گویی ، او به راز نهان و نهانتر آگاه است.(۸)الله ، آن که هیچ خدایی جز او نیست. نامهای خوب از آن اوست.(۹)آیا خبر موسی به تو رسیده است.(۱۰)آنگاه که آتشی دید و به خانواده خود گفت: درنگ کنید، که من از دور آتشی می بینم، شاید برایتان قبسی بیاورم یا در روشنایی آن راهی بیابم.(۱۱)چون نزد آتش آمد، ندا داده شد: ای موسی ،(۱۲)من پروردگار تو هستم. پای افزارت را بیرون کن که اینک در وادی مقدس طوی هستی .(۱۳)و من تو را برگزیده ام. پس به آنچه وحی می شود گوش فرادار.(۱۴)خدای یکتا من هستم. هیچ خدایی جز من نیست. پس مرا بپرست و تا مرا یاد کنی نماز بگزار.(۱۵)قیامت آمدنی است. می خواهم زمان آن را پنهان دارم تا هر کس در مقابل کاری که کرده است سزا ببیند.(۱۶)آن کس که به آن ایمان ندارد و پیرو هوای خویش است، تو را از آن رویگردان نکند، تا به هلاکت افتی .(۱۷)ای موسی ، آن چیست به دست راستت؟(۱۸)گفت: این عصای من است. بر آن تکیه می کنم و برای گوسفندانم با آن برگ می ریزم. و مرا با آن کارهای دیگر است.(۱۹)گفت: ای موسی ، آن را بیفکن.(۲۰)بیفکندش. به ناگهان ماری شد که می دوید.(۲۱)گفت: بگیرش، و مترس. بار دیگر آن را به صورت نخستینش باز می گردانیم.(۲۲)دست خویش در بغل کن، بی هیچ عیبی ، سفید بیرون آید. این هم آیتی دیگر،(۲۳)تا آیتهای بزرگتر خود را به تو بنمایانیم.(۲۴)نزد فرعون برو که سرکشی می کند.(۲۵)گفت: ای پروردگار من، سینه مرا برای من گشاده گردان.(۲۶)و کار مرا آسان ساز.(۲۷)و گره از زبان من بگشای .(۲۸)تا گفتار مرا بفهمند.(۲۹)و یاوری از خاندان من برای من قرار ده .(۳۰)برادرم هارون را.(۳۱)پشت مرا بدو محکم کن.(۳۲)و در کار من شریکش گردان.(۳۳)تا تو را فراوان ستایش کنیم.(۳۴)و تو را فراوان یاد کنیم.(۳۵)که تو بر حال ما آگاه بوده ای .(۳۶)گفت: ای موسی ، هر چه خواستی به تو داده شد.(۳۷)و ما بار دیگر به تو نعمت فراوان داده ایم.(۳۸)آنگاه که بر مادرت آنچه وحی کردنی بود وحی کردیم:(۳۹)که او را در صندوقی بیفکن، صندوق را به دریا افکن، تا دریا به ساحلش اندازد و یکی از دشمنان من و دشمنان او صندوق را برگیرد. محبت خویش بر تو ارزانی داشتم تا زیر نظر من پرورش یابی .(۴۰)آنگاه که خواهرت می رفت و می گفت: می خواهید شما را به کسی که نگهداریش کند راه بنمایم؟ ما تو را نزد مادرت بازگردانیدیم تا چشمانش روشن گردد و غم نخورد. و تو یکی را بکشتی و ما از غم آزادت کردیم و بارها تو را بیازمودیم. و سالی چند میان مردم

مدین زیستی . و اکنون، ای موسی ، در آن هنگام که مقدر کرده بودیم آمده ای .(۴۱)تو را خاص خود کردم.(۴۲)تو و برادرت آیات مرا ببرید و در رسالت من سستی مکنید.(۴۳)به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است.(۴۴)با او به نرمی سخن گویید، شاید پند گیرد، یا بترسد.(۴۵)گفتند: ای پروردگار ما، بیم داریم که بر ما تعدی کند یا طغیان از حد بگذراند.(۴۶)گفت: مترسید. من با شما هستم. می شنوم و می بینم.(۴۷)پس نزد او روید و گویید: ما رسولان پروردگار تواایم. بنی اسرائیل را با ما بفرست و آزارشان مده . ما نشانه ای از پروردگارت برایت آورده ایم. و سلام بر آن کس که از پی هدایت قدم نهد.(۴۸)هر آینه به ما وحی شده است که عذاب برای آن کسی است که راست را دروغ شمارد و از آن رخ برتابد.(۴۹)گفت: ای موسی ، پروردگار شما کیست.(۵۰)گفت: پروردگار ما همان کسی است که آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته ، سپس هدایتش کرده است.(۵۱)گفت: حال اقوامی که از این پیش می زیسته اند چیست.(۵۲)گفت: علم آن در کتابی است نزد پروردگار من. پروردگار من نه خطا می کند و نه فراموش.(۵۳)کسی است که زمین را آرامگاه شما ساخت و برایتان در آن راههایی پدید آورد و از آسمان باران فرستاد، تا بدان انواعی گوناگون از نباتات برویانیم.(۵۴)بخورید و چارپایانتان را بچرانید. در این برای خردمندان عبرتهاست.(۵۵)شما را از زمین آفریدیم و به آن باز می گردانیم و بار دیگر از آن بیرون می آوریم.(۵۶)هر آینه همه آیات خود را به او نشان دادیم ولی تکذیبش کرد و سر باززد.(۵۷)گفت: ای موسی ، آیا نزد ما آمده ای تا ما را به جادویی از سرزمینمان بیرون کنی .(۵۸)ما نیز در برابر تو جادویی چون جادوی تو می آوریم. بین ما و خود وعده گاهی در زمینی هموار بگذار که نه ما وعده را خلاف کنیم و نه تو.(۵۹)گفت: موعد شما روز زینت است و همه مردم بدان هنگام که آفتاب بلند گردد گرد آیند.(۶۰)فرعون بازگشت و یاران حیله گر خویش را گرد کرد و بازآمد.(۶۱)موسی گفتشان: وای بر شما، بر خدا دروغ مبندید که همه شما را به عذابی هلاک کند و هر که دروغ بندد نومید شود.(۶۲)پس با یکدیگر در کار خود به مشورت پرداختند. و پنهان رازها گفتند.(۶۳)گفتند: این دو جادوگرانی هستند که می خواهند به جادوی خویش شما را از سرزمینتان برانند و آیین برتر شما را براندازند.(۶۴)شما تدبیرهای خود گرد کنید و در یک صف بیایید. کسی که امروز پیروز شود، رستگاری یابد.(۶۵)گفتند: ای موسی ، آیا تو می افکنی یا ما نخست بیفکنیم.(۶۶)گفت: شما بیفکنید. ناگهان از جادویی که کردند چنان در نظرش آمد که آن رسنها و عصاها به هر سو می دوند.(۶۷)موسی خویشتن را ترسان یافت.(۶۸)گفتیم: مترس که تو برتر هستی .(۶۹)آنچه در دست راست داری بیفکن تا هر چه را که ساخته اند ببلعد. آنان حیله جادوان ساخته اند و جادوگر هیچ گاه پیروز نمی شود.(۷۰)ساحران به سجده وادار شدند. گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.(۷۱)فرعون گفت: آیا پیش از آنکه شما را رخصت دهم به او ایمان آوردید؟ او بزرگ شماست که به شما جادوگری آموخته است. دستها و پاهاتان را از چپ و راست می برم و بر تنه درخت خرما به دارتان می آویزم. تا بدانید که عذاب کدام یک از ما سختتر و پاینده تر است.(۷۲)گفتند: سوگند به آن که ما را آفریده است که تو را بر آن نشانه های روشن که دیده ایم ترجیح نمی دهیم، به هر چه خواهی حکم کن، که رواج حکم تو در زندگی این جهانی است.(۷۳)اینک به پروردگار خویش ایمان آوردیم تا از خطاهای ما و آن جادوگری که ما را بدان واداشتی درگذرد، که خدا بهتر و پایدارتر است.(۷۴)هر آینه هر کس که گنهکار نزد پروردگارش بیاید، جهنم جایگاه اوست که در آنجا نه می میرد و نه زندگی می کند.(۷۵)و آنان که با ایمان نزد او آیند و کارهای شایسته کنند، صاحب درجاتی بلند باشند.(۷۶)بهشتهای جاویدان که در آن نهرها روان است، و همواره در آنجا باشند. و این است پاداش پاکان.(۷۷)به موسی وحی کردیم که بندگان ما را شب هنگام بیرون ببر و برایشان در دریا گذرگاهی خشک بجوی ، و مترس که بر تو دست یابند و بیم به دل راه مده .(۷۸)فرعون با لشکرهایش از پیشان روان شد. و دریا چنان که باید آنان را در خود فرو پوشید.(۷۹)فرعون قومش را گمراه کرد، نه راهنمایی .(۸۰)ای بنی اسرائیل، شما را از دشمنتان رهانیدیم و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم و برایتان من و سلوی نازل کردیم.(۸۱)از چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده ایم بخورید و از حد مگذرانیدش تا مباد خشم من به شما رسد، که هر کس

که خشم من به او برسد در آتش افتد.(۸۲)هر کس که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند و به راه هدایت بیفتد، می آمرزمش.(۸۳)ای موسی ، چه چیز تو را واداشت تا بر قومت پیشی گیری .(۸۴)گفت: آنها همانهایند که از پی من روانند. ای پروردگار من، من به سوی تو شتافتم تا خشنود گردی .(۸۵)گفت: ما قوم تو را پس از تو آزمایش کردیم و سامری گمراهشان ساخت.(۸۶)موسی خشمگین و پراندوه نزد قومش بازگشت و گفت: ای قوم من، آیا پروردگارتان شما را وعده های نیکو نداده بود؟ آیا درنگ من به درازا کشید یا خواستید که خشم پروردگارتان به شما فرود آید که وعده مرا خلاف کردید.(۸۷)گفتند: ما به اختیار خویش وعده تو خلاف نکردیم. بارهایی از زینت آن قوم بر دوش داشتیم. آنها را در آتش بیفکندیم. و سامری نیز بیفکند.(۸۸)و برایشان تندیس گوساله ای که نعره گاوان را داشت بساخت و گفتند: این خدای شما و خدای موسی است. و موسی فراموش کرده بود.(۸۹)آیا نمی دیدند که هیچ پاسخی به سخنشان نمی دهد، و هیچ سود و زیانی برایشان ندارد.(۹۰)هارون نیز پیش از این به آنها گفته بود: ای قوم من، شما را به این گوساله آزموده اند. پروردگار شما خدای رحمان است. از پی من بیایید و فرمانبردار من باشید.(۹۱)گفتند: ما همواره به پرستش او می نشینیم تا موسی به نزد ما بازگردد.(۹۲)گفت: ای هارون، هنگامی که دیدی گمراه می شوند.(۹۳)چرا از پی من نیامدی ؟ آیا تو نیز از فرمان من سرپیچی کرده بودی .(۹۴)گفت: ای پسر مادرم، چنگ به ریش و سر من مینداز. من ترسیدم که بگویی : تو میان بنی اسرائیل جدایی افکندی ، و گفتار مرا رعایت نکردی .(۹۵)گفت: و تو ای سامری ، این چه کاری بود که کردی .(۹۶)گفت: من چیزی دیدم که آنها نمی دیدند. مشتی از خاکی که نقش پای آن رسول بر آن بود برگرفتم و در آن پیکر افکندم و نفس من این کار را در چشم من بیاراست.(۹۷)گفت: برو، در زندگی این دنیا چنان شوی که پیوسته بگویی :به من نزدیک مشو. و نیز تو را وعده ای است که از آن رها نشوی و اینک به خدایت که پیوسته عبادتش می کردی بنگر که می سوزانیمش و به دریایش می افشانیم.(۹۸)جز این نیست که خدای شما الله است که هیچ خدایی جز او نیست و علمش همه چیز را در بر گرفته است.(۹۹)اینچنین خبرهای گذشته را برای تو حکایت می کنیم. و به تو از جانب خود قرآن را عطا کردیم.(۱۰۰)هر کس که از آن رخ برتابد روز قیامت بار گناه بر دوش می کشد.(۱۰۱)در آن کار همواره بمانند. و بار روز قیامت برایشان بار بدی است.(۱۰۲)روزی که در صور دمیده شود و مجرمان را در آن روز، کبود چشم گرد می آوریم(۱۰۳)آهسته با هم سخن می گویند که ده روز بیش نیارمیده اید.(۱۰۴)ما به گفتار آنان آگاه تریم آنگاه که نیکوروشترین آنها می گوید: جز یک روز نیارمیده اید.(۱۰۵)تو را از کوهها می پرسند. بگو: پروردگار من همه را پراکنده می سازد.(۱۰۶)و آنها را به زمینی هموار بدل می کند.(۱۰۷)در آن هیچ کجی و پستی و بلندی نمی بینی .(۱۰۸)در آن روز از پی آن داعی که هیچ کژی را در او راه نیست روان گردند. و صداها در برابر خدای رحمان به خشوع می گراید و از هیچ کس جز صدای پایی نخواهی شنید.(۱۰۹)در آن روز شفاعت سود ندهد، مگر آن را که خدای رحمان اجازت دهد و سخنش را بپسندد.(۱۱۰)هر چه را در پیش روی آنهاست و هر چه را در پشت سرشان است می داند و علم آنان او را در برنگیرد.(۱۱۱)و چهره ها در برابر خدای زنده پاینده خاضع می شود و هرکه بار کفر بر دوش می کشد نومید می گردد.(۱۱۲)و هر کس که کارهای شایسته کند و مومن باشد، نباید از هیچ ستمی و شکستی بهراسد.(۱۱۳)اینچنین آن را قرآنی عربی نازل کردیم و در آن گونه گون هشدار دادیم، شاید بترسند یا پندی تازه گیرند.(۱۱۴)پس برتر است خدای یکتا آن پادشاه راستین. و پیش از آنکه وحی به پایان رسد در خواندن قرآن شتاب مکن. و بگو: ای پروردگار من، به علم من بیفزای .(۱۱۵)و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد، و شکیبایش نیافتیم(۱۱۶)و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه جز ابلیس – که سرپیچی کرد- سجده کردند.(۱۱۷)گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند، که نگونبخت شوی .(۱۱۸)که تو در بهشت نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی .(۱۱۹)و نه تشنه می شوی و نه دچار تابش آفتاب.(۱۲۰)شیطان وسوسه اش کرد و گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاویدانی و ملکی زوالناپذیر راه بنمایم.(۱۲۱)از آن درخت خوردند و شرمگاهشان در نظرشان پدیدار شد. و همچنان برگ درختان بهشت بر آنها می

چسبانیدند. آدم در پروردگار خویش عاصی شد و راه گم کرد.(۱۲۲)سپس پروردگارش او را برگزید و توبه اش را بپذیرفت و هدایتش کرد.(۱۲۳)گفت: همگی از آنجا پایین روید، دشمنان یکدیگر. اگر از جانب من شما را راهنمایی آمد، هر کس از آن راهنمای من متابعت کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت.(۱۲۴)و هر کس که از یاد من اعراض کند، زندگیش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محشورش سازیم.(۱۲۵)گوید: ای پروردگار من، چرا مرا نابینا محشور کردی و حال آنکه من بینا بودم.(۱۲۶)گوید: همچنان که تو آیات ما را فراموش می کردی ، امروز خود فراموش گشته ای .(۱۲۷)اینچنین اسرافکاران و کسانی را که به آیات پروردگارشان ایمان نمی آورند جزا می دهیم. هر آینه عذاب آخرت سختتر و پایدارتر است.(۱۲۸)آیا آن همه مردمی که پیش از این در مساکن خویش راه می رفتند و ما همه را هلاک کردیم، سبب هدایت اینان نشده اند؟ اینها نشانه هایی است برای خردمندان.(۱۲۹)اگر نه سخنی بود که پروردگارت پیش از این گفته و زمان را معین کرده بود، عذابشان در این جهان حتمی می بود.(۱۳۰)بر آنچه می گویند شکیبا باش و پروردگارت را پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن به پاکی بستای . و در ساعات شب و اول و آخر روز تسبیح گوی . شاید خشنود گردی .(۱۳۱)اگر زنان و مردانی از آنها را از یک زندگی خوش بهره مند ساخته ایم، تو به آنها منگر. این برای آن است که امتحانشان کنیم. رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.(۱۳۲)کسان خود را به نماز فرمان ده و خود در آن کار پای بیفشر. از تو روزی نمی خواهیم. ما به تو روزی می دهیم. و عاقبت خیر از آن پرهیزگاران است.(۱۳۳)و گفتند: چرا معجزه ای از پروردگارش برای ما نمی آورد؟ آیا دلیلهای روشنی که در صحیفه های پیشین آمده ، به آنها نرسیده است.(۱۳۴)اگر پیش از آمدن پیامبری عذابشان می کردیم، می گفتند: ای پروردگار ما، چرا رسولی بر ما نفرستادی تا پیش از آنکه به خواری و رسوایی افتیم، از آیات تو پیروی کنیم.(۱۳۵)بگو: همه منتظرند، شما نیز منتظر بمانید. به زودی خواهید دانست آنها که به راه راست می روند و آنها که هدایت یافته اند، چه کسانی هستند.(۱۳۶)

الأنبياء

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان به غفلت رویگردانند.(۲)از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند.(۳)دلهایشان به لهو خو گرفته است. و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شماست؟ آیا با آنکه به چشم خود می بینید، همچنان از پی جادو می روید(۴)گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و داناست.(۵)گفتند: نه . خوابهای پریشان است، یا دروغی است که می بندد یا شاعری است. پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود معجزه ای بیاورد.(۶)پیش از آنها مردم قریه ای را که هلاک کردیم ایمان نیاورده بودند. آیا اینان ایمان می آورند؟(۷)ما پیش از تو به رسالت نفرستادیم مگر مردانی را که به آنها وحی می کردیم و اگر خود نمی دانید از اهل کتاب بپرسید.(۸)آنها را کالبدهایی نکردیم که به طعام نیازمند نباشند و عمر جاویدان هم نداشتند.(۹)سپس هر وعده ای که با ایشان نهادیم بر آوردیم، و آنها و هر کس را که خواستیم رهانیدیم و گزافکاران را هلاک کردیم.(۱۰)کتابی بر شما نازل کرده ایم که در آن آوازه بزرگی شماست. آیا به عقل در نمی یابید.(۱۱)و چه بسیار ستمکاره مردمی را که هلاک کردیم و به جایشان مردمی دیگر بیافریدیم.(۱۲)چون عذاب ما را حس می کردند به ناگاه از آنجا می گریختند.(۱۳)مگریزید. به ناز و تنعم و خانه های خویش باز گردید، تا بازخواست گردید.(۱۴)گفتند: وای بر ما، ما ستمکاره بوده ایم.(۱۵)و همواره سخنشان این بود، تا همه را چون کشته درویده و آتش خاموش گشته گردانیدیم.(۱۶)ما این آسمان و زمین و آنچه را میان آن دوست به بازیچه نیافریده ایم.(۱۷)اگر خواستار بازیچه ای می بودیم خود آن را می آفریدیم، اگر خواسته بودیم.(۱۸)بلکه حق را بر سر باطل می زنیم، تا آن را درهم کوبد و باطل نابود شونده است. و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می دهید.(۱۹)از آن اوست هر که در آسمانها و زمین

است. و آنان که در نزد او هستند، از عبادتش به تکبر سر نمی تابند و خسته نمی شوند.(۲۰)شب و روز، بی آنکه فتوری در آنان پدید آید، تسبیح می گویند.(۲۱)آیا در زمین خدایانی برگزیده اند که مردگان را از گور بر- می انگیزند.(۲۲)اگر در زمین و آسمان خدایانی جز الله می بود، هر دو تباه می شدند. پس الله ، پروردگار عرش، از هر چه به وصفش می گویند منزه است.(۲۳)او در برابر هیچ یک از کارهایی که می کند، بازخواست نمی شود ولی مردم بازخواست می شوند.(۲۴)آیا به جز او خدایانی را برگزیده اند؟ بگو: حجت خویش بیاورید. در این کتاب سخن کسانی است که با من هستند و سخن کسانی که پیش از من بوده اند. نه ، بیشترینشان چیزی از حق نمی دانند و از آن اعراض می کنند.(۲۵)ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم، جز آنکه به او وحی کردیم که جز من خدایی نیست. پس مرا بپرستید.(۲۶)و گفتند که خدای رحمان صاحب فرزند است. منزه است او. بلکه آنان بندگانی گرامی هستند.(۲۷)در سخن بر او پیشی نمی گیرند و به فرمان او کار می کنند.(۲۸)می داند، هر چه در برابر آنهاست و هر چه پشت سر آنهاست. و آنان جز کسانی را که خدا از آنها خشنود است شفاعت نمی کنند و از بیم او لرزانند.(۲۹)هر کس از آنها که بگوید: من سوای او خدایم، جزای چنین کسی را جهنم می دهیم و ظالمان را چنین کیفر می دهیم.(۳۰)آیا کافران نمی دانند که آسمانها و زمین بسته بودند، ما آنها را گشودیم و هرچیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ چرا ایمان نمی آورند.(۳۱)و بر زمین کوهها بیافریدیم تا نلرزاندشان. و در آن راههای فراخ ساختیم، باشد که راه خویش بیابند.(۳۲)و آسمان را سقفی مصون از تعرض کردیم و بازهم از عبرتهای آن اعراض می کنند(۳۳)اوست کسی که شب و روز و آفتاب و ماه را که هر یک در فلکی شناورند، بیافرید.(۳۴)ما پیش از تو هیچ بشری را جاویدان نساخته ایم. چسان اگر تو نیز بمیری آنها جاویدان بمانند.(۳۵)هر کسی طعم مرگ را می چشد. و شما را به خیر و شر می آزماییم. و همه به نزد ما باز می گردید.(۳۶)کافران چون تو را ببینند بی شک مسخره ات خواهند کرد، که : آیا این همان مردی است که از خدایانتان به بدی یاد می کند؟ و اینان خود یاد خدای رحمان را منکرند.(۳۷)آدمی شتابکار آفریده شده . آیات خود را به شما نشان خواهم داد. شتاب مکنید.(۳۸)می گویند: اگر راست می گویید، پس آن وعده کجاست.(۳۹)کافران، آنگاه که نتوانند آتش را از چهره و پشت خویش بازدارند و کسی به یاریشان برنخیزد، خواهند دانست.(۴۰)اما نه ، قیامت به ناگهان فراز آید و حیرانشان سازد و از عهده بازگرداندن آن بر نیایند و مهلتشان ندهند.(۴۱)پیامبرانی را که پیش از تو بودند نیز به مسخره گرفته بودند ولی عذابی که مسخره اش می کردند بر سر مسخره کنندگان فرود آمد.(۴۲)بگو: کیست آن که شما را شب و روز از قهر خدای رحمان حفظ می کند؟ با این همه از یاد کردن پروردگارشان اعراض می کنند.(۴۳)یا آنکه خدایانی دارند که به جای ما آنان را از حوادث نگه می دارند؟ نه ، آن خدایان یاری خویشتن نتوانند و نه در برابر ما پناه داده شوند.(۴۴)بلکه ما آنها و پدرانشان را بهره مند کردیم تا عمرشان به درازا کشید. آیا نمی بینند که قصد این سرزمین می کنیم و از اطراف آن می کاهیم؟ آیا بازهم آنها پیروزند.(۴۵)بگو: من شما را به وحی بیم می دهم. ولی کران را چون بیم دهند. نمی شنوند.(۴۶)و اگر شمه ای از عذاب پروردگارت به آنها برسد، خواهند گفت: وای بر ما که ستمکار بوده ایم.(۴۷)روز قیامت ترازوهای عدل را تعبیه می کنیم، و به هیچ کس ستم نمی شود. اگر عملی به سنگینی یک خردل هم باشد به حسابش می آوریم، که ما حساب کردن را بسنده ایم.(۴۸)به موسی و هارون کتابی دادیم که حق و باطل را از یکدیگر تمیز می دهد و روشنی و اندرز است برای پرهیزگاران.(۴۹)آنان که از خدای خویش در نهان می ترسند و از روز قیامت هراسناکند.(۵۰)این مبارک قرآنی است که نازل کرده ایم. آیا منکر آن هستید.(۵۱)پیش از این به ابراهیم نیروی شناختش را عطا کردیم و به او آگاه بودیم.(۵۲)آنگاه که به پدرش و قومش گفت: این تندیسها که به پرستش آنها دل نهاده اید چیستند.(۵۳)گفتند: پدرانمان را دیدیم که آنها را می پرستیدند.(۵۴)گفت: هر آینه شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده اید.(۵۵)گفتند: برای ما سخن حقی آورده ای ، یا ما را به بازی گرفته ای .(۵۶)گفت: نه ، پروردگار شما، پروردگار آسمانها و زمین است. آن که آنها را بیافریده است. و من بر این سخن که می گویم گواهی می دهم.(۵۷)و به خدا سوگند که چون شما بروید، چاره این بتانتان را خواهم کرد.(۵۸)آنها را

خرد کرد. مگر بزرگترینشان را، تا مگر به آن رجوع کنند.(۵۹)گفتند: چه کس به خدایان ما چنین کرده است؟ هر آینه او از ستمکاران است.(۶۰)گفتند: شنیده ایم که جوانی به نام ابراهیم، از آنها سخن می گفته است.(۶۱)گفتند: او را به محضر مردم بیاورید، تا شهادت دهند.(۶۲)گفتند: ای ابراهیم، تو با خدایان ما چنین کرده ای .(۶۳)گفت: بلکه بزرگترینشان چنین کرده است. اگر سخن می گویند از آنها بپرسید.(۶۴)با خودشان گفت و گو کردند و گفتند: شما خود ستمکار هستید.(۶۵)آنگاه به حیرت سر فرو داشتند و گفتند: تو خود می دانی که اینان سخن نمی گویند.(۶۶)گفت: آیا سوای الله چیزی را می پرستید که نه شما را سود می رساند نه زیان.(۶۷)بیزارم از شما و از آن چیزهایی که سوای الله می پرستید. آیا به عقل در نمی یابید.(۶۸)گفتند: اگر می خواهید کاری بکنید، بسوزانیدش و خدایان خود را نصرت دهید.(۶۹)گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم خنک و سلامت باش.(۷۰)می خواستند برای ابراهیم مکری بیندیشند، ولی ما زیانکارشان گردانیدیم.(۷۱)او و لوط را رهانیدیم و به سرزمینی که آن را برکت جهانیان قرار داده ایم، بردیم.(۷۲)و به او اسحاق و فرزندزاده ای چون یعقوب را بخشیدیم. و همه را از شایستگان گردانیدیم.(۷۳)و همه را پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت می کردند. و انجام دادن کارهای نیک و بر پای داشتن نماز و دادن زکات را به آنها وحی کردیم و همه پرستنده ما بودند.(۷۴)و به لوط حکم و علم دادیم و از آن قریه که مردمش مرتکب پلیدیها می شدند نجاتش بخشیدیم. آنها که مردمی بد و فاسق بودند.(۷۵)او را در رحمت خویش داخل کردیم. که او از شایستگان بود.(۷۶)و نوح را یاد کن که پیش از آن ما را ندا داد و ما به او پاسخ دادیم و او و خاندانش را از محنتی بزرگ رهانیدیم.(۷۷)و او را بر مردمی که آیات ما را تکذیب می کردند پیروزی دادیم. آنان بد مردمی بودند و ما همه را غرقه ساختیم.(۷۸)و داوود و سلیمان را یاد کن آنگاه که درباره کشتزاری داوری کردند که گوسفندان آن قوم، شبانه در آنجا می چریدند. و ما شاهد داوری آنها بودیم.(۷۹)و این شیوه داوری را به سلیمان آموختیم و همه را حکم و علم دادیم و کوهها را مسخر داوود گردانیدیم که آنها و پرندگان با او تسبیح می گفتند و این همه ما کردیم.(۸۰)و به او آموختیم تا برایتان زره بسازد. تا شما را به هنگام جنگیدنتان حفظ کند. آیا سپاسگزاری می کنید.(۸۱)و تندباد را مسخر سلیمان کردیم که به امر او در آن سرزمین که برکتش داده بودیم حرکت می کرد. و ما بر هر چیزی آگاهیم.(۸۲)و گروهی از دیوان برایش در دریا غواصی می کردند و جز آن به کارهای دیگر مشغول بودند و ما حافظ آنها بودیم.(۸۳)و ایوب را یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد: به من بیماری و رنج رسیده است و تو مهربانترین مهربانانی .(۸۴)دعایش را اجابت کردیم. و آزار از او دور کردیم و خاندانش را و همانند آنها را با آنها به او بازگردانیدیم. و این رحمتی بود از جانب ما تا خداپرستان همواره به یاد داشته باشند.(۸۵)و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را یاد کن که همه از صابران بودند.(۸۶)آنان را مشمول بخشایش خویش گردانیدیم و همه از شایستگان بودند.(۸۷)و ذوالنون را، آنگاه که خشمناک برفت و پنداشت که هرگز بر او تنگ نمی گیریم. و در تاریکی ندا داد: هیچ خدایی جز تو نیست، تو منزه هستی و من از ستمکاران هستم.(۸۸)دعایش را مستجاب کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مومنان را اینچنین می رهانیم.(۸۹)و زکریا را یاد کن، آنگاه که پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، مرا تنها وامگذار. و تو بهترین وارثانی .(۹۰)دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با بیم و امید ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.(۹۱)و آن زن را یاد کن که شرمگاه خود را نگاه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم و او و فرزندش را برای جهانیان عبرتی گردانیدیم.(۹۲)این شریعت شماست، شریعتی یگانه . و من پروردگار شمایم، مرا بپرستید.(۹۳)و در دین خویش فرقه فرقه شدند. همه به نزد ما باز می گردند.(۹۴)هر کس که کاری شایسته کند و ایمان آورده باشد، کوشش او را ناسپاسی نیست و ما اعمالش را می نویسیم.(۹۵)و قریه ای را که به هلاکت رسانده ایم محال است که بازگشتی داشته باشند.(۹۶)تا آنگاه که یاجوج و ماجوج گشوده شوند و آنان از بلندیها به شتاب سرازیر گردند.(۹۷)و آن وعده راستین نزدیک گردد و چشمان کافران همچنان خیره ماند: وای بر ما، ما از این حال غافل بودیم. نه ، که ستمکار می بودیم.(۹۸)شما و آن چیزهایی که سوای الله می پرستیدید

هیزمهای جهنمید. شما به جهنم خواهید رفت.(۹۹)اگر اینان خدایان می بودند به جهنم نمی رفتند و حال آنکه همه در جهنم جاویدانند.(۱۰۰)آنان در جهنم فریاد می کشند و در آنجا هیچ نمی شنوند.(۱۰۱)کسانی که پیش از این مقرر کرده ایم که به آنها نیکویی کنیم، از جهنم برکنارند.(۱۰۲)اینان صدای دوزخ را نمی شنوند و در بهشت که هر چه خواهند مهیاست، جاودانه اند.(۱۰۳)آن وحشت بزرگ غمگینشان نکند. و فرشتگان به دیدارشان آیند که این همان روزی است که به شما وعده داده بودند.(۱۰۴)روزی که آسمان را چون طوماری نوشته درهم نورديم. و چنان که نخستین بار بیافریدیم آفرینش از سر گیریم. این وعده ای است که برآوردنش بر عهده ماست و ما چنان خواهیم کرد.(۱۰۵)و ما در زبور -پس از تورات- نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.(۱۰۶)و در این کتاب تبلیغی است برای مردم خداپرست.(۱۰۷)و نفرستادیم تو را، جز آنکه می خواستیم به مردم جهان رحمتی ارزانی داریم(۱۰۸)بگو: به من وحی شده که خدای شما خدایی است یکتا، آیا بدان گردن می نهید.(۱۰۹)پس اگر رویگردان شدند، بگو: شما را خبر دادم تا همه در آگاهی یکسان باشید. و من نمی دانم آنچه شما را وعده کرده اند نزدیک است یا دور.(۱۱۰)اوست که می داند هر سخنی را که به آواز بلند گویید یا در دل پنهان دارید(۱۱۱)و نمی دانم شاید این آزمایشی برای شما و بهره مندی تا به هنگام مرگ باشد.(۱۱۲)گفت: ای پروردگار من، به حق داوری کن. و پروردگار ما بخشاینده است و به رغم آنچه می گویید همه از او یاری می جویند.(۱۱۳)

الحج

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای مردم، از پروردگارتان بترسید، که زلزله قیامت حادثه بزرگی است.(۲)آن روز که ببینیدش، هر شیردهنده ای شیرخواره اش را از یاد ببرد و هر آبستنی بار خود بر زمین گذارد و مردم را چون مستان بینی ، حال آنکه مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است.(۳)بعضی از مردم، بی هیچ دانشی درباره خدا مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند.(۴)بر شیطان چنین مقرر شده که هر کس را که دوستش بدارد گمراه کند و به عذاب آتش سوزانش کشاند.(۵)ای مردم، اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شما را از خاک و سپس از نطفه ، آنگاه از لخته خونی و سپس از پاره گوشتی گاه تمام آفریده گاه ناتمام، بیافریده ایم، تا قدرت خود را برایتان آشکار کنیم. و تا زمانی معین هر چه را خواهیم در رحمها نگه می داریم. آنگاه شما را که کودکی هستید بیرون می آوریم تا به حد زورمندی خود رسید. بعضی از شما می میرند و بعضی به سالخوردگی برده می شوند تا آنگاه که هر چه آموخته اند فراموش کنند. و تو زمین را فسرده می بینی . چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمو کند و از هر گونه گیاه بهجتانگیز برویاند.(۶)و اینها دلیل بر آن است که خدا حق است، مردگان را زنده می سازد و بر هر کاری تواناست.(۷)و نیز قیامت خواهد آمد، شکی در آن نیست. و خدا همه کسانی را که در گورها هستند زنده می کند.(۸)از مردم کسی است که بی هیچ دانشی و هیچ راهنمایی و هیچ کتاب روشنی بخشی درباره خدا مجادله می کند.(۹)گردن را به تکبر به یکسو می پیچاند تا مردم را از راه خدا گمراه سازد. نصیب او در دنیا خواری است و در روز قیامت عذاب آتش را به او می چشانیم:(۱۰)این کیفر کارهایی است که پیش از این کرده ای ، و خدا به بندگانش ستم نمی کند.(۱۱)و از میان مردم کسی است که خدا را با تردید می پرستد. اگر خیری به او رسد دلش بدان آرام گیرد، و اگر آزمایشی پیش آید رخ برتابد. در دنیا و آخرت زیان بیند و آن زیانی آشکار است.(۱۲)سوای خدا کسی را می خواند که نه زیانی به او می رساند و نه سودی ، و این گمراهیی است بی انتها.(۱۳)کسی را می خواند که زیانش نزدیکتر از سود اوست. چه بد دوستداری است و چه بد مصاحبی است.(۱۴)خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است داخل می سازد، و خدا هر چه خواهد همان می کند.(۱۵)کسی که می پندارد که خدا در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد. خویشتن را با ریسمانی از سقف بیاویزد تا خود را خفه کند و بنگرد که آیا این حیله خشمش را از میان خواهد برد.(۱۶)بدینسان قرآن را نازل کردیم، با آیاتی

روشنگر. و خدا هر کس را که بخواهد هدایت می کند.(۱۷)خدا میان آنان که ایمان آورده اند و آنان که کیش یهود یا صابئان یا نصاری یا مجوس برگزیده اند و آنان که مشرک شده اند، در روز قیامت حکم می کند. زیرا او بر هر کاری ناظر است.(۱۸)آیا ندیده ای که هر کس در آسمانها و هر کس که در زمین است و آفتاب و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم خدا را سجده می کنند؟ و بر بسیاری عذاب محقق شده و هر که را خدا خوار سازد، هیچ کس گرامیش نمی دارد. زیرا خدا هر چه بخواهد همان می کند.(۱۹)این دو گروه درباره پروردگارشان به خصومت برخاسته اند. برای آنان که کافرند جامه هایی از آتش بریده اند و از بالا ـ بر سرشان آب جوشان می ریزند.(۲۰)بدان آب جوشان هر چه در درون شکم دارند و نیز پوستهایشان گداخته می شود.(۲۱)و نیز برای آنهاست گرزهایی آهنین.(۲۲)هرگاه که خواهند از آن عذاب، از آن اندوه بیرون آیند، بار دیگر آنان را بدان بازگردانند که : بچشید عذاب آتش سوزنده را.(۲۳)خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است داخل می سازد. در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته شوند و لباسشان از حریر است.(۲۴)آنان به آن سخن پاک و به راه خداوند ستودنی راهنمایی شده اند.(۲۵)آنهایی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام -که برای مردم چه مقیم و چه غریب یکسان است- باز می دارند و نیز هر که را در آنجا قصد کجروی یا ستمکاری داشته باشد، عذاب دردآور می چشانیم.(۲۶)و مکان خانه را برای ابراهیم آشکار کردیم و گفتیم: هیچ چیز را شریک من مساز و خانه مرا برای طوافکنندگان و به نماز ایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار.(۲۷)و مردم را به حج فرا خوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راههای دور نزد تو بیایند.(۲۸)تا سودهایی را که از آن آنهاست ببینند و نام خدا را در روزهایی معین به هنگام ذبح چارپایانی که خدا رزق آنها ساخته ، یاد کنند. پس از آنها بخورید و بینوایان فقیر را نیز اطعام کنید.(۲۹)سپس چرک از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند و بر آن خانه کهنسال طواف کنند.(۳۰)همچنین هر کس دست از حرام بدارد، در نزد پروردگارش برایش بهتر است. و چارپایان بر شما حلالند مگر آنهایی که برایتان خوانده شده . پس، از بتهای پلید و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید.(۳۱)روی آوردگان به خدا باشید و شرک نیاوردگان به او، و هر کس که به خدا شرک آورد، چونان کسی است که از آسمان فرو افتد و مرغ او را برباید یا بادش به مکانی دور اندازد.(۳۲)آری ، کسانی که شعایر خدا را بزرگ می شمارند کارشان نشان پرهیزگاری دلهایشان باشد.(۳۳)از آن شتران قربانی تا زمانی معین برایتان سودهاست، سپس جای قربانیشان در آن خانه کهنسال است.(۳۴)برای هر امتی رسم قربانی کردنی نهادیم تا بدان سبب که خدا از چارپایان روزیشان داده است، نام او را بر زبان رانند. پس خدای شما خدایی یکتاست، در برابر او تسلیم شوید. و تواضعکنندگان را بشارت ده .(۳۵)آنان که چون نام خدا برده شود در دل بترسند و بدان هنگام که به آنها مصیبتی رسد شکیبایانند و نماز گزارانند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.(۳۶)شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم. شما را در آن خیری است. و همچنان که بر پای ایستاده اند نام خدا را بر آنها بخوانید و چون پهلویشان بر زمین رسید از آنها بخورید و فقیران قانع و گدایان را اطعام کنید. اینها را برای شما رام کردیم. باشد که سپاسگزاری کنید.(۳۷)گوشت و خون این شتران به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد پرهیزگاری شماست. همچنین آنها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه آنکه هدایتتان کرده است، به بزرگی یاد کنید. و نیکوکاران را بشارت ده .(۳۸)خدا از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند، و خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد.(۳۹)به کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده اند و مورد ستم قرار گرفته اند، رخصت داده شد و خدا بر پیروز گردانیدنشان تواناست.(۴۰)آنهایی که به ناحق از دیارشان رانده شده اند جز آن بود که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست؟ و اگر خدا بعضی را به وسیله بعضی دیگر دفع نکرده بود، دیرها و کلیساها و کنشتها و مسجدهایی که نام خدا به فراوانی در آن برده می شود ویران می گردید. و خدا هر کس را که یاریش کند، یاری می کند و خدا توانا و پیروزمند است.(۴۱)همان کسان که اگر در زمین مکانتشان دهیم نماز می گزارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. و سرانجام همه کارها با خداست.(۴۲)اگر اینان تو را تکذیب کرده اند، پیش از آنها

قوم نوح و عاد و ثمود نیز تکذیب کرده اند.(۴۳)و نیز قوم ابراهیم و قوم لوط.(۴۴)و مردم مدین. و موسی نیز تکذیب گردید. من به کافران مهلت دادم. آنگاه آنها را فرو گرفتم. و عقوبت من چگونه بود.(۴۵)چه بسیار قریه هایی ستمپیشه را هلاک کردیم و سقفهایشان فرو- ریخت و چه بسیار چاهها که بیکاره ماند و قصرهای رفیع گچکاری شده ، بی صاحب.(۴۶)آیا در زمین سیر نمی کنند تا صاحب دلهایی گردند که بدان تعقل کنند و گوشهایی که بدان بشنوند؟ زیرا چشمها نیستند که کور می شوند، بلکه دلهایی که در سینه ها جای دارند کور باشند.(۴۷)از تو به شتاب عذاب می طلبند و خدا هرگز وعده خود را خلاف نمی کند. و یک روز از روزهای پروردگار تو برابر با هزار سال است از آن سان که می شمرید.(۴۸)چه بسیار قریه هایی را که ستمپیشه بودند و من مهلتشان دادم. آنگاه آنها را فرو گرفتم. و بازگشت همه نزد من است.(۴۹)بگو: ای مردم، من برای شما بیمدهنده ای آشکارم.(۵۰)پس آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و رزقی کرامند است.(۵۱)و آنان که در رد آیات ما می کوشند و می خواهند ما را به عجز آورند. اهل جهنمند.(۵۲)ما پیش از تو هیچ رسول یا نبیی را نفرستادیم مگر آنکه چون به خواندن آیات مشغول شد شیطان در سخن او چیزی افکند. و خدا آنچه را که شیطان افکنده بود نسخ کرد، سپس آیات خویش را استواری بخشید. و خدا دانا و حکیم است.(۵۳)چنین شود، تا آنچه شیطان در سخن او افکنده برای کسانی که در قلبهایشان بیماری است و نیز سختدلان، آزمایشی باشد، و ستمکاران در اختلافی بزرگ گرفتارند.(۵۴)و تا دانش یافتگان بدانند که قرآن به راستی از جانب پروردگار توست و بدان ایمان بیاورند و دلهایشان بدان آرام گیرد. و خدا کسانی را که ایمان آورده اند به راه راست هدایت می کند.(۵۵)همواره کافران در آن شک می کنند تا آنگاه که قیامت ناگهان بر سرشان فرا رسد یا به عذاب روز بی شادمانی گرفتار آیند.(۵۶)فرمانروایی در آن روز از آن خداست. میانشان حکم می کند. پس کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، در بهشتهای پر نعمتند.(۵۷)و کسانی که کفر ورزیده اند و آیات ما را دروغ شمرده اند، برایشان عذابی است خوار کننده .(۵۸)و کسانی را که در راه خدا مهاجرت کردند، سپس کشته شدند یا خود مردند، خدا به رزقی نیکو روزی می دهد. زیرا خدا بهترین روزی دهندگان است.(۵۹)آنان را به جایی در آورد که از آن خشنود باشند. و هر آینه خدا دانا و شکیباست.(۶۰)هر کس عقوبت کند همچنان که او را عقوبت کرده اند، آنگاه بر او ستم کنند، خدا یاریش خواهد کرد. زیرا خدا عفوکننده و آمرزنده است.(۶۱)این بدان سبب است که خدا از شب می کاهد و به روز می افزاید و از روز می کاهد و به شب می افزاید. و خدا شنوا و بیناست.(۶۲)این بدان سبب است که خدا حق است و آنچه جز او به خدایی می خوانند باطل است و او بلندمرتبه و بزرگ است.(۶۳)آیا ندیده ای که خدا از آسمان باران فرستاد و زمین پر سبزه گردید. هر آینه خدا باریکبین و آگاه است.(۶۴)از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است. اوست بی نیاز و در خور ستایش.(۶۵)آیا ندیده ای که خدا هر چه را در روی زمین است مسخر شما کرده است و کشتیها را که در دریا به فرمان او می روند؟ و آسمان را نگه داشته که جز به فرمان او بر زمین نیفتد. زیرا خدا را بر مردم رافت و مهربانی است.(۶۶)اوست آن که شما را زندگی بخشید و سپس بمیراند و باز زنده می سازد. و آدمی ناسپاس است.(۶۷)برای هر امتی آیینی نهادیم تا بر آن آیین باشد. پس در این کار با تو مجادله نکنند و مردم را به پروردگار خود دعوت کن، زیرا تو به راستی بر راه راست گام می نهی .(۶۸)و اگر با تو مجادله کردند، بگو: خدا به هر کاری که می کنید آگاه تر است.(۶۹)در آنچه مورد اختلاف شماست، خدا در روز قیامت حکم خواهد کرد.(۷۰)آیا ندانسته ای که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین است می داند؟ و این در کتابی نوشته است، و کاری است بر خدا آسان.(۷۱)و سوای الله چیزی را می پرستند که هیچ دلیلی بر وجودش نازل نشده است و هیچ دانشی بدان ندارند. و ستمکاران یاوری ندارند.(۷۲)چون آیات روشنگر ما بر آنان خوانده شود، نشان انکار را بر چهره کافران می شناسی ، چنان که نزدیک باشد بر آنان که آیات را می خوانند، حمله ور شوند. بگو: آیا شما را به چیزی بدتر از این آگاه کنم؟ آتش. خدا آن را به کسانی که ایمان نیاورده اند وعده داده است و آتش بد سرانجامی است.(۷۳)ای مردم، مثلی زده شد. بدان گوش دهید. کسانی که آنها را به جای الله به خدایی می خوانید، اگر همه گرد

آیند مگسی را نخواهند آفرید، و اگر مگسی چیزی از آنها برباید بازستاندنش را نتوانند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.(۷۴)خدا را چنان که سزای اوست نشناختند. هر آینه خدا نیرومند و پیروز است.(۷۵)خدا از میان فرشتگان و مردمان رسولانی بر می گزیند. هر آینه خدا شنوا و بیناست.(۷۶)آنچه را که در پیش رویشان است و آنچه را که پشت سرشان است می داند. و همه کارها بدو باز می گردد.(۷۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و کارهای نیک به جای آورید، باشد که رستگار گردید.(۷۸)در راه خداوند چنان که باید جهاد کنید. او شما را برگزید. و برایتان در دین هیچ تنگنایی پدید نیاورد. کیش پدرتان ابراهیم است. او پیش از این و در این شما را مسلمان نامید. تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر دیگر مردم گواه باشید. پس نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا توسل جویید. اوست مولای شما. چه مولایی نیکو و چه یاوری نیکو.(۷۹)

المؤمنون

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)به تحقیق رستگار شدند مومنان:(۲)آنان که در نمازشان خشوع می ورزند.(۳)و آنان که از بیهوده اعراض می کنند.(۴)و آنان که زکات را می پردازند.(۵)و آنان که شرمگاه خود را نگه می دارند.(۶)جز بر همسران یا کنیزان خویش، که در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی گیرند.(۷)و کسانی که غیر از این دو بجویند از حد خویش تجاوز کرده اند.(۸)و آنان که امانتها و پیمانهای خود مراعات می کنند.(۹)و آنان که بر نمازهای خود مواظبند.(۱۰)اینان میراثبران هستند:(۱۱)که فردوس را که همواره در آن جاویدانند به میراث می برند.(۱۲)هر آینه ما انسان را از گل خالص آفریدیم.(۱۳)سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم.(۱۴)آنگاه از آن نطفه ، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره - گوشتی و از آن پاره گوشت، استخوانها آفریدیم و استخوانها را به گوشت پوشانیدیم، بار دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. در خور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان.(۱۵)و بعد از این همه شما خواهید مرد.(۱۶)باز در روز قیامت زنده می گردید.(۱۷)و بر فراز سرتان هفت آسمان بیافریدیم، حال آنکه از این مخلوق غافل نبوده ایم.(۱۸)و از آسمان به اندازه نیاز آب فرستادیم و آن را در زمین جای دادیم و ما بر نابود کردنش توانا هستیم.(۱۹)با آن آب برایتان بوستانهایی از خرما و انگور پدید آوردیم. شما را در آن باغها میوه های بسیاری است که از آنها می خورید.(۲۰)و درختی است که در طور سینا می روید. روغن می دهد و آن روغن برای خورندگان، نان خورشی است.(۲۱)شما را در چارپایان عبرتی است. از شیری که در شکمشان هست سیرابتان می کنیم و از آنها سودهای بسیار می برید و از آنها می خورید.(۲۲)و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید.(۲۳)هر آینه نوح را بر قومش فرستادیم. گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید. شما را خداوندی جز او نیست. آیا پروا نمی کنید.(۲۴)مهتران قومش که کافر بودند، گفتند: این مرد انسانی است همانند شما، می خواهد بر شما برتری جوید. اگر خدا می خواست فرشتگانی را می فرستاد. ما هرگز چنین چیزی در روزگار نیاکانمان نشنیده ایم.(۲۵)او مرد دیوانه ای بیش نیست. یک چند بر او صبر کنید.(۲۶)گفت: ای پروردگار من، اکنون که مرا تکذیب می کنند، یاریم کن.(۲۷)به او وحی کردیم که کشتی را در حضور ما و به الهام ما بساز. و چون فرمان ما در رسید و آب از تنور بیرون زد از هر جنسی دو تا و نیز کسان خود را به آن ببر. مگر آن کس که پیش از این درباره او سخن رفته است. و درباره ستمکاران با من سخن مگوی که آنها همه غرقه شدگانند.(۲۸)چون خود و همراهانت به کشتی نشستید، بگو: سپاس خدایی را که ما را از مردم ستمکاره رهایی بخشید.(۲۹)و بگو: ای پروردگار من، مرا فرود آور در جایگاهی مبارک، که تو بهترین راهبرانی .(۳۰)در این داستان عبرتها و پندهاست، و ما تنها آزمایندگانی بودیم.(۳۱)و بعد از آنها مردمی دیگر بیافریدیم.(۳۲)و از خودشان به میانشان پیامبری فرستادیم که : خدای یکتا را بپرستید، شما را خدایی جز او نیست. آیا پروا نمی کنید.(۳۳)گروهی از مهتران قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را دروغ می شمردند و در این دنیایشان عیش و نعمت داده بودیم، گفتند: این مرد انسانی است همانند شما، از آنچه می خورید می خورد و از آنچه می آشامید می آشامد.(۳۴)و اگر از انسانی همانند خود اطاعت

کنید، زیان کرده اید.(۳۵)آیا به شما وعده می دهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید. شما را از گور بیرون می آورند.(۳۶)این وعده ای که به شما داده شده بعید است، بعید.(۳۷)جز همین زندگانی دنیوی ما هیچ نیست، به دنیا می آییم و می میریم و دیگر بار زنده نمی شویم.(۳۸)این مردی است که به خدای یکتا دروغ می بندد و ما به او ایمان نمی آوریم.(۳۹)گفت: ای پروردگار من، اکنون که تکذیبم می کنند، یاریم کن.(۴۰)گفت: به همین زودی از کرده پشیمان می شوند.(۴۱)پس به حق، بانگی سخت آنان را فرو گرفت. مانند گیاه خشکشان کردیم. ای ، نصیب مردم ستمکاره دوری از رحمت خدا باد.(۴۲)و بعد از آنها مردمی دیگر بیافریدیم.(۴۳)هیچ ملتی از اجل خود نه پیش می افتد و نه تاخیر می کند.(۴۴)سپس پی در پی پیامبران خود را فرستادیم. هربار که پیامبری بر ملتی آمد تکذیبش کردند و ما نیز آنها را از پس یکدیگر به هلاکت رسانیدیم و آنان را داستانها کردیم. ای ، نصیب مردمی که ایمان نمی آورند دوری از رحمت خدا باد.(۴۵)آنگاه موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلایل روشن فرستادیم.(۴۶)نزد فرعون و مهتران قومش. پس گردنکشی کردند که مردمی برتری جوی بودند.(۴۷)و گفتند: آیا به دو انسان که همانند ما هستند و قومشان بندگان ما بودند، ایمان بیاوریم.(۴۸)آنها را تکذیب کردند و خویشتن به هلاکت افکندند.(۴۹)هر آینه ما به موسی کتاب دادیم، باشد که هدایت شوند.(۵۰)و پسر مریم و مادرش را آیتی ساختیم و آن دو را بر بلند جایی که قرارگاهی و آب روان داشت جای دادیم.(۵۱)ای پیامبران، از چیزهای پاکیزه و خوش بخورید و کارهای شایسته کنید که من به کارهایی که می کنید آگاهم.(۵۲)هر آینه این دین شما دینی است واحد، و من پروردگار شمایم، از من بترسید.(۵۳)پس دین خود را فرقه فرقه کردند و هر فرقه ای به روشی که برگزیده بود دلخوش بود.(۵۴)آنان را تا چندی در گمراهیشان رها کن.(۵۵)آیا می پندارند که آن مال و فرزند که ارزانیشان می داریم.(۵۶)برای آن است که می کوشیم خیری به آنها برسانیم؟ نه ، که آنان در نمی یابند.(۵۷)آنهایی که از خوف پروردگارشان لرزانند.(۵۸)و آنهایی که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند.(۵۹)و آنهایی که به پروردگارشان شرک نمی آورند.(۶۰)و آنهایی که همه آنچه را باید ادا کنند، ادا می کنند و بازهم دلهایشان ترسان است که باید نزد پروردگارشان بازگردند.(۶۱)اینان هستند که به کارهای نیک می شتابند و در آن بر یکدیگر سبقت می جویند.(۶۲)بر هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید. و بر آنها ستمی نمی رود.(۶۳)نه ، دلهایشان از این سخن در پرده غفلت است. و آنها را کارهایی است جز این کارها، که می کنند.(۶۴)تا آنگاه که ناز پروردگانشان را به عذاب گرفتار کنیم و ناله سر دهند.(۶۵)امروز ناله سر مدهید که شما را از عذاب ما کس نرهاند.(۶۶)آیات من برایتان خوانده می شد و شما نمی پذیرفتید و پس پس می رفتید.(۶۷)بر آن نخوت می فروختید و شب هنگام در افسانه سرایی ناسزا می گفتید.(۶۸)آیا در این سخن نمی اندیشند یا برای آنها چیزی نازل شده که برای نیاکانشان نازل نشده بود.(۶۹)یا آنکه پیامبرشان را نشناخته اند که انکارش می کنند.(۷۰)یا می گویند که دیوانه است؟ نه ، پیامبرشان با دین حق بر آنها مبعوث شد، ولی بیشترینشان از حق کراهت دارند.(۷۱)اگر حق از پی هوسهایشان می رفت، آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می شد. ولی ما اندرزشان فرستادیم و آنها از اندرزشان رویگردان شدند.(۷۲)یا تو از آنها مزدی می طلبی ؟ مزد پروردگارت بهتر است، که او بهترین روزی دهندگان است.(۷۳)هر آینه تو به راه راستشان می خوانی .(۷۴)و کسانی که به آخرت ایمان ندارند از راه راست منحرفند.(۷۵)اگر بر آنها رحمت می آوردیم و آزاری را که بدان گرفتارند از آنها دور می ساختیم، بازهم همچنان با سرسختی در طغیان خویش سرگشته می ماندند.(۷۶)به عذاب گرفتارشان کردیم. پس در مقابل پروردگارشان نه فروتنی کردند و نه تضرع.(۷۷)تا آنگاه که دری از عذاب سخت بر رویشان گشودیم، چنان که از همه جا نومید گشتند.(۷۸)و اوست آن خدایی که برایتان گوش و چشم و دل بیافرید. چه اندک سپاس می گزارید.(۷۹)اوست آن خدایی که شما را در روی زمین پدید آورد و همه نزد او گرد آورده می شوید.(۸۰)و اوست آن خدایی که زنده می کند و می میراند و آمد و شد شب و روز از آن اوست. چرا تعقل نمی کنید.(۸۱)نه ، آنها نیز همان سخنان گفتند که پیشینیان می گفتند:(۸۲)گفتند: آیا اگر ما بمیریم و خاک و استخوان شویم

بازهم زنـده می شویم.(۸۳)به مـا و پـدرانمان نیز پیش از این چنین وعـده هـایی داده شـده بود. اینهـا چیزی جز افسانه های پیشـینیان نیست.(۸۴)بگـو: اگر می دانیـد، ایـن زمیـن و هر کـه در آن است از آن کیست.(۸۵)خواهنـد گفت: از آن خـدا. بگو: آیا پنـد نمی گیرید.(۸۶)بگـو: کیسـت پروردگـار آسـمانهای هفتگـانه و پروردگـار عرش بزرگ.(۸۷)خواهنـد گفت: خـدا. بگـو: آیـا پروا نمی کنید.(۸۸)بگـو: اگر می دانیـد، ملکـوت همـه چیزهـا بـه دسـت کیست؟ کیست آن که به همه کس پنـاه دهـد و کسـی را از او پنـاه نیست.(۸۹)خواهنـد گفت: خـدا. بگـو: پس چرا فریب می خوریـد.(۹۰)نـه ، مـا بر ایشـان سـخن راست فرسـتادیم و آنـان دروغ می گویند.(۹۱)خدا هیچ فرزندی ندارد و هیچ خدایی با او نیست. اگر چنین می بود، هر خدایی با آفریدگان خود به یک سو می کشید و بر یکـدیگر برتری می جسـتند. خدا از آن گونه که او را وصف می کنند، منزه است.(۹۲)دانای نهان و آشکارا، از هر چه شریک او می سازنـد برتر است.(۹۳)بگو: ای پروردگـار من، کاش چیزی را که به آنان وعـده داده شـده به من می نمایانـدی .(۹۴)پس ای پروردگـار مـن، مرا در زمره سـتمکاران قرار مـده .(۹۵)و مـا اگر بخـواهیم کـه آنچه را به آنـان وعـده داده ایم، تـو را بنمایـانیم. می توانیم.(۹۶)سـخن بـد آنان را به هر چه نیکوترت می آید پاسخ گوی . ما به سـخن آنان آگاه تر هستیم.(۹۷)بگو: ای پروردگار من، از وسوسه های شـیطان به تو پناه می آورم.(۹۸)و به تو پناه می آورم، ای پروردگار من، اگر نزد من حاضـر آینـد.(۹۹)چون یکیشان را مرگ فرا رسـد، گویـد: ای پروردگار من، مرا باز گردان.(۱۰۰)شایـد، کارهای شایسـته ای را که ترک کرده بودم به جای آورم. هرگز. این سـخنی است که او می گویـد و پشت سـرشان تا روز قیامت مانعی است که بازگشت نتواننـد.(۱۰۱)چون در صور دمیده شـود، هیـچ خویشاونـدیی میانشـان نمانـد و هیـچ از حـال یکـدیگر نپرسـند.(۱۰۲)آنـان کـه ترازویشـان سـنگین باشـد، خـود، رستگارانند.(۱۰۳)و آنـان که ترازویشـان سـبک باشـد، به خود زیان رسانیـده انـد و در جهنم، جاویـد مانـدگاننـد.(۱۰۴)آتش چهره هایشـان را می سوزانـد و لبانشـان آمـاس کرده و برگشـته اسـت.(۱۰۵)آیـا آیـات من برایتـان خوانـده نمی شـد و آنهـا را دروغ می انگاشتید.(۱۰۶)گوینـد: ای پروردگـار مـا، شوربختیمان بر ما غلبه کرد و ما مردمی گمراه بودیم.(۱۰۷)ای پروردگـار ما، ما را از این آتش بیرون آور. اگر دیگر بـار چنـان کردیـم، از سـتمکاران باشـیم.(۱۰۸)گویـد: در آتش گـم- شویـد و بـا مـن سـخن مگویید.(۱۰۹)آری ، گروهی از بنـدگان من می گفتنـد: ای پروردگـار مـا، ایمـان آوردیم، مـا را بیـامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهـترین رحمت آورنـدگانی .(۱۱۰)و شـما ریشـخندشان می کردیـد، تـا یـاد مرا از خاطرتـان بزدودنـد. و شـما همچنـان به آنهـا می خندیدید.(۱۱۱)امروز آنهـا را به خـاطر صبری که می کردنـد پـاداش می دهم. آنهـا به مراد خود رسـیده انـد.(۱۱۲)گوید: به شمار سالها، چه مدت در زمین زیسـته اید؟(۱۱۳)گویند: یک روز یا قسـمتی از یک روز. از آنها که می شـمردند بپرس.(۱۱۴)گوید: اگر آگاهی داشتیـد، می دانستید که جز اندکی نزیسته اید.(۱۱۵)آیا پنداریـد که شـما را بیهوده آفریده ایم و شـما به نزد ما باز گردانده نمی شویـد.(۱۱۶)پس فراتر اسـت خـدای یکتـا، آن فرمـانروای راسـتین. هیـچ خـدایی جز او نیسـت. پروردگـار عرش بزرگوار است.(۱۱۷)آن کس که جز خـدای یکتا خـدای دیگری را می خواند که به حقانیتش هیچ برهانی ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش خواهد بود. و کافران رستگار نمی شوند.(۱۱۸)و بگو: ای پروردگار من، بیامرز و رحمت آور و تو بهترین رحمت آورندگان هستی .(۱۱۹)

النور

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)سوره ای است که آن را نـازل کرده ایم و واجبش سـاخته ایم و در آن آیـاتی روشن فرسـتاده ایم، باشد که پند گیرید.(۲)زن و مرد زناکار را هر یک صـد ضـربه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، مباد که در حکم خدا نسبت به آن دو دسـتخوش ترحم گردید. و باید که به هنگام شـکنجه کردنشان گروهی از مومنان حاضـر باشند.(۳)مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشـرک را نمی گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشـرک نمی گیرد. و این بر مومنان حرام شده است.(۴)کسانی

را که زنان عفیف را به زنا متهم می کنند و چهار شاهد نمی آورند، هشتاد ضربه بزنید، و از آن پس هرگز شهادتشان را نپذیرید که مردمی فاسقند.(۵)مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و به صلاح آیند. زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.(۶)و کسانی که زنان خود را به زنا متهم می کنند و شاهدی جز خود ندارند، هر یک از آنها را چهار بار شهادت است به نام خدا که از راستگویان است.(۷)و بار پنجم بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.(۸)و اگر آن زن چهار بار به خدا سوگند خورد که آن مرد دروغ می گوید، حد از او برداشته می شود.(۹)و بار پنجم بگوید که خشم خدا بر او باد اگر مرد از راستگویان باشد.(۱۰)چه می شد اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی بود؟ و اگر نه این بود که خدا توبه پذیر و حکیم است.(۱۱)کسانی که آن دروغ بزرگ را ساخته اند گروهی از شمایند. مپندارید که شما را در آن شری بود. نه ، خیر شما در آن بود. هر مردی از آنها بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است به کیفر رسد، و از میان آنها آن که بیشترین این بهتان را به عهده دارد به عذابی بزرگ گرفتار می آید.(۱۲)چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید مردان و زنان مومن به خود گمان نیک نبردند و نگفتند که این تهمتی آشکار است.(۱۳)چرا چهار شاهد بر ادعای خود نیاوردند؟ پس اگر شاهدانی نیاورده اند، در نزد خدا در زمره دروغگویانند.(۱۴)اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت ارزانیتان نمی بود، به سزای آن سخنان که می گفتید شما را عذابی بزرگ در می رسید.(۱۵)آنگاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می گرفتید و چیزی بر زبان می راندید که درباره آن هیچ نمی دانستید و می پنداشتید که کاری خرد است، و حال آنکه در نزد خدا کاری بزرگ بود.(۱۶)چرا آنگاه که این سخن شنیدید نگفتید: ما را نشاید که آن را باز گوییم، پروردگارا تو منزهی ، این تهمتی بزرگ است.(۱۷)خدا شما را اندرز می دهد که اگر از مومنان هستید، بار دیگر گرد چنان کاری مگردید.(۱۸)خدا آیات را برای شما بیان می کند. و خدا دانا و حکیم است.(۱۹)برای کسانی که دوست دارند درباره مومنان تهمت زنا شایع شود. در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست. خدا می داند و شما نمی دانید.(۲۰)چه می شد اگر فضل و رحمتی که خدا به شما ارزانی داشته است نمی بود؟ و اگر نه این بود که خدا مهربان و بخشاینده است.(۲۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، پای به جای پای شیطان مگذارید. و هر که پای به جای پای شیطان گذارد، بداند که او به فحشا و منکر فرمان می دهد. و اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی بود، هیچ یک از شما هرگز روی پاکی نمی دید. ولی خدا هر کس را که بخواهد پاکیزه می سازد. و خدا شنوا و داناست.(۲۲)توانگران و آنان که گشایشی در کار آنهاست، نباید سوگند بخورند که به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند. باید ببخشند و ببخشایند. آیا نمی خواهید که خدا شما را بیامرزد؟ و خداست آمرزنده مهربان.(۲۳)کسانی که بر زنان پاکدامن و بی خبر از فحشا و مومن تهمت زنا می زنند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برایشان عذابی است بزرگ.(۲۴)روزی که زبانشان و دستهایشان و پاهایشان به زیانشان بر کارهایی که می کرده اند شهادت دهند.(۲۵)آن روز که خدا جز ایشان را به تمامی بدهد و بدانند که خدا حقیقت آشکار است.(۲۶)زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک. آنها از آنچه درباره شان می گویند منزهند. آمرزش و رزق نیکو برای آنهاست.(۲۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه ای غیر از خانه خود. بی آنکه اجازت طلبیده و بر ساکنانش سلام کرده باشید، داخل مشوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید.(۲۸)و اگر در خانه ، کسی را نیافتید، داخل مشوید تا شما را رخصت دهند. و اگر گویند: بازگردید، بازگردید. این برایتان پاکیزه تر است. و خدا به هر کاری که می کنید آگاه است.(۲۹)بر شما گناهی نیست اگر به خانه های غیر مسکون که متاعی در آن دارید داخل شوید. هر چه را آشکار سازید یا پنهان دارید خدا به آن آگاه است.(۳۰)به مردان مومن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه تر است. زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است.(۳۱)و به زنان مومن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینتهای خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینتهای خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود

یـا پسـر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود، یا پسـر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بنـدگان خود، یا مردان خـدمتگزار خود که رغبت به زن ندارنـد، یا کودکانی که از شـرمگاه زنان بی خبرنـد. و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده اند دانسـته شود. ای مومنان. همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رسـتگار گردید.(۳۲)عزبهایتـان را و غلامان و کنیزان خود را کـه شایسـته باشـند همسـر دهیـد. اگر بینوا باشـند خـدا بـه کرم خـود توانگرشـان خواهـد سـاخت، کـه خـدا گشایشدهنـده و داناست.(۳۳)آنان که اسـتطاعت زناشویی ندارند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از کرم خویش توانگرشان گرداند. و از بندگانتان آنان که خواهان باز خریدن خویشـند، اگر در آنها خیری یافتید، باز خریدنشان را بپذیرید. و از آن مال که خدا به شما ارزانی داشته است به آنان بدهید. و کنیزان خود را اگر خواهند که پرهیزگار باشـند به خاطر ثروت دنیوی به زنا وادار مکنید. هر کس که آنان را به زنـا وادارد، خـدا برای آن کنیزان که به اکراه بـدان کار وادار گشته انـد آمرزنـده و مهربان است.(۳۴)به تحقیق برای شـما آیاتی روشن و داسـتانهایی از کسانی که پیش از شما بوده اند و نیز اندرزهایی برای پرهیزگاران نازل کردیم.(۳۵)خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغـدانی است که در آن چراغی باشد، آن چراغ درون آبگینه ای و آن آبگینه چون سـتاره ای درخشـنده . از روغن درخت پر برکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری افروخته باشـد. روغنش روشـنی بخشـد هرچند آتش بدان نرسـیده باشـد. نوری افزون بر نور دیگر. خـدا هر کس را که بخواهـد بـدان نور راه می نمایـد و برای مردم مثلها می آورد، زیرا بر هر چیزی آگاه است.(۳۶)آن نور در خـانه هـایی است که خـدا رخصت داد ارجمنـدش دارنـد و نـامش در آنجا یاد شود و او را هر بامـداد و شبانگاه تسبیح گویند:(۳۷)مردانی که هیـچ تجـارت و خریـد و فروختی از یاد خـدا و نماز گزاردن و زکات دادن بازشان نـدارد، از روزی که دلها و دیدگان دگرگون می شوند هراسـناکند(۳۸)تا خـدا به نیکوتر از آنچه کرده انـد جز ایشان دهد، و از فضل خود بر آن بیفزایـد، و خـدا هر که را خواهد بی حساب روزی دهد.(۳۹)اعمال کافران چون سـرابی است در بیابانی . تشـنه ، آبش پندارد و چون بدان نزدیک شود هیچ نیابد و خدا را نزد خود یابد که جزای او را به تمام بدهد. و خدا زود به حسابها می رسد.(۴۰)یا همانند تاریکیهـایی است در دریـایی ژرف، که موجش فرو پوشـد و برفراز آن موجی دیگر و برفرازش ابری است تیره ، تاریکیهایی بر فراز یکـدیگر، آن سان که اگر دست خود بیرون آرد آن را نتوانـد دیـد. و آن که خـدا راهش را به هیـچ نوری روشن نکرده باشد، هیچ نـوری فرا راه خویش نیابـد.(۴۱)آیـا ندیـده ای کـه هر چه در آسـمانها و زمین است و نیز مرغـانی که در پروازنـد تسـبیحگوی خـدا هسـتند؟ همه نماز و تسبیـح او را می داننـد. و خـدا به هر کاری که می کننـد آگاه است.(۴۲)از آن خداست فرمانروایی آسـمانها و زمین و بـازگشت همگان نزد اوست.(۴۳)آیا ندیـده ای که خـدا ابرهایی را به آهسـتگی می رانـد، آنگاه آنها را به هم می پیوندد و ابری انبوه پدیـد می آورد و بـاران را بینی که از خلال آن بیرون می آیـد. و از آسـمان، از آن کوههـا که در آنجـاست تگرگ می فرستد و هر که را خواهـد با آن می زنـد و از هر که می خواهـد بازش می دارد. روشـنایی برقش نزدیک باشـد که دیدگان را کور سازد.(۴۴)خـدا شب و روز را می گردانـد. خردمنـدان را در این عبرتی است.(۴۵)و خـدا هر جنبنده ای را از آب بیافرید. بعضـی از آنها بر شـکم می رونـد و بعضـی بر دو پا می رونـد و بعضـی بر چهار پا می رونـد. خـدا هر چه بخواهـد می آفرینـد. زیرا خدا بر هر کاری تواناست.(۴۶)به تحقیق آیاتی روشـنگر نازل کردیم و خـدا هر کس را که بخواهـد به راه راست هـدایت می کنـد.(۴۷)و می گوینـد: به خـدا و پیـامبرش ایمـان آورده ایم و اطـاعت می کنیم. پس از آن گروهی از آنـان بـاز می گردنـد. و اینـان ایمان نیاورده اند.(۴۸)چون آنها را به خـدا و پیامبرش خوانند تا میانشان حکم کند، بینی که گروهی اعراض می کنند.(۴۹)و اگر حق با آنها باشد می آیند و به حکم گردن می نهند.(۵۰)آیا در دلهایشان مرضـی است یا در تردید هستند یا بیم آن دارند که خدا و پیامبرش بر آنها ستم کننـد؟ نه ، آنان خود ستمپیشـگانند.(۵۱)چون مومنـان را به خـدا و پیامبرش فراخواننـد تا میانشان حکم کنـد. سـخنشان جز این نیست که می گویند: شـنیدیم و اطاعت کردیم. اینان رسـتگارانند.(۵۲)و کسانی که از خـدا و پیامبرش فرمان می برنـد و از خدا می ترسند و پرهیزگاری می کنند، رستگارانند.(۵۳)به خدا قسم خوردند، قسمهای سخت، که اگر به آنها فرمان دهی از دیار خود بیرون

روند. بگو: قسم مخورید، طاعتی در خور بیاورید. خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۵۴)بگو: از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید. پس اگر رویگردان شوید، بر پیامبر است آنچه بدو تکلیف کرده اند، و بر شماست آنچه بر شما تکلیف کرده اند. و اگر از او اطاعت کنید هدایت یابید. و بر پیامبر جز تبلیغ آشکار هیچ نیست.(۵۵)خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را -که خود برایشان پسندیده است- استوار سازد. و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند. و آنها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند.(۵۶)و نماز بگزارید و زکات بدهید و از پیامبر اطاعت کنید، باشد که بر شما رحمت آورند.(۵۷)مپندار که کافران می توانند در این سرزمین به جایی بگریزند. جایگاهشان جهنم است، و چه بد سرانجامی است.(۵۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، باید بندگان شما و آنها که هنوز به حد بلوغ نرسیده اند، در سه هنگام از شما برای وارد شدن به خانه رخصت طلبند: پیش از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس از تن بیرون می کنید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت، وقت خلوت شماست. در غیر آن سه هنگام، شما و آنها گناهی مرتکب نشده اید اگر بر یکدیگر بگذرید. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است.(۵۹)و چون اطفال شما به حد بلوغ رسیدند، باید همانند کسانی که ذکرشان گذشت رخصت طلبند. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می کند. و خدا دانا و حکیم است.(۶۰)پیر زنان که دیگر امید شوی کردنشان نیست، بی آنکه زینتهای خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده اند. و خودداری کردن برایشان بهتر است و خدا شنوا و داناست.(۶۱)بر نابینا حرجی نیست و بر لنگ حرجی نیست و بر بیمار حرجی نیست. و بر شما حرجی نیست اگر از خانه خود یا خانه پدرتان یا خانه مادرتان یا خانه برادرتان یا خانه خواهرتان یا خانه عمویتان یا خانه عمه تان یا خانه داییتان یا خانه خاله تان یا خانه ای که کلیدهای آن نزد شماست یا خانه دوستتان چیزی بخورید. و گناهی مرتکب نشده اید اگر با هم بخورید یا جدا جدا. و چون به خانه ای داخل شوید بر یکدیگر سلام کنید. این تحیتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا. خدا آیات را برای شما اینچنین بیان می کند، باشد که تعقل کنید.(۶۲)مومنان کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. و چون با پیامبر در کاری همگانی باشند، تا از او رخصت نطلبیده اند نباید بروند. آنان که از تو رخصت می طلبند، کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. پس هنگامی که از تو برای پاره ای از کارهایشان رخصت خواستند، به هر یک از آنان که خواهی رخصت بده و برایشان از خدا آمرزش بخواه ، که خدا آمرزنده و مهربان است.(۶۳)آنچنان که یکدیگر را صدا می زنید، پیامبر را صدا مزنید. خدا می داند چه کسانی از شما در پناه دیگری خود را پنهان می سازند و آهسته آهسته بیرون می روند. آنان که از فرمان او سرپیچی می کنند باید بترسند که مباد به آنها فتنه ای یا عذابی دردآور برسد.(۶۴)از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. می داند که شما بر چه کارید. و آن روز که به او باز گردانده شوند آنان را از کارهایی که کرده اند آگاه سازد. و خدا بر هر چیزی داناست.(۶۵)

الفرقان

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بزرگ است و بزرگوار آن کس که این فرقان را بر بنده خود نازل کرد، تا جهانیان را بیمدهنده ای باشد.(۲)آن کس که از آن اوست فرمانروایی آسمانها و زمین، و فرزندی نگرفته است، و او را شریکی در فرمانروایی نیست، و هرچیز را بیافریده است، و آن را به اندازه آفریده است.(۳)سوای او خدایانی دیگر گرفتند که هیچ چیز نمی آفرینند و خود مخلوقند. نه مالک زیان خود هستند و نه سود خود، و مالک مرگ و زندگی و رستاخیز نیستند(۴)و کافران گفتند که این جز دروغی که خود بافته است و گروهی دیگر او را بر آن یاری داده اند، هیچ نیست. حقا آنچه می گویند ستم و باطل است.(۵)و گفتند: این اساطیر پیشینیان است که هر صبح و شام بر او املا، می شود و او می نویسدش.(۶)بگو: این کتاب را کسی نازل کرده است که نهان

آسمانها و زمین را می دانـد و آمرزنده و مهربان است.(۷)گفتنـد: چیست این پیامبر را که غـذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای بر او فرود نمی آید تا با او بیمدهنده باشد.(۸)چرا از آسـمان گنجی برایش افکنده نشود؟ چرا او را باغی نیست که از آن بخورد؟ و سـتمکاران گفتنـد: شـما از مرد جادو شـده ای پیروی می کنید.(۹)بنگر که چگونه برایت داسـتانها می آورنـد. گمراه شـده اند و توان راه یافتنشان نیست.(۱۰)بزرگ و بزرگوار است آن کس که اگر خواهـد بهـتر از آن به تو ارزانی دارد: باغهـایی که در آنها نهرها جاری باشد و برایت قصـرها پدید آورد.(۱۱)بلکه اینـان قیامت را دروغ انگارنـد. و ما برای کسانی که قیامت را دروغ انگارند آتش سوزان آماده کرده ایم.(۱۲)که چون از راه دور ببیندشان جوشـش و خروشش را بشنوند.(۱۳)و چون دستها بر گردن بسـته ، در تنگنایی از آن افتند، به دعا مرگ خویش می خواهند.(۱۴)امروز نه یک بار مرگ خویش خواهیـد، مرگ خویش فراوان خواهید.(۱۵)بگو: آیـا این بهتر است یا آن بهشت جاویـدان که به پرهیزگاران وعـده شـده است، که پاداش و سـرانجام آنان خواهد بود.(۱۶)تا ابـد هر چه بخواهند در آنجا هست. وعده ای است که انجام دادن آن از پروردگارت خواسـته آمده است.(۱۷)روزی که آنـان را بـا چیزهـایی که سوای خـدای یکتـا می پرستیدنـد به محشـر گرد آورد و سـپس پرسـد: آیا شـما این بنـدگان مرا گمراه می کردیـد، یا آنها خود راه را گم کرده بودنـد.(۱۸)گوینـد: منزهی تو. مـا را سـزاوار نبوده است که جز تو کسـی را به یاری گیریم. تو خود آنها و پـدرانشان را برخوردار ساختی ، چنان که یاد تو را فراموش کردنـد و مردمی شدنـد به هلاکت افتاده .(۱۹)اینان آنچه را می گفتید دروغ می خواندند و اکنون نتوانید عذابی را از خود دور سازید یا خویشـتن را یاری دهید. و هر کس از شما که ستم کند عذابی بزرگش می چشانیم.(۲۰)پیش از تو پیامبرانی نفرسـتاده ایم جز آنکه طعام می خوردنـد و در بازارها راه می رفتند. و شـما را وسیله آزمایش یکدیگر قرار دادیم. آیا صبر توانید کرد؟ و پروردگار تو بیناست.(۲۱)کسانی که به دیدار ما امید ندارند، گفتند: چرا فرشـتگان بر ما نازل نمی شونـد؟ یا، چرا پروردگار خود را نمی بینیم؟ به راستی که خود را بزرگ شـمردند و طغیان کردند، طغیانی بزرگ.(۲۲)روزی که فرشتگان را ببینند، در آن روز مجرمان را هیچ مژده ای ندهند و به آنها گویند: مژده بر شما حرام است.(۲۳)و به اعمـالی که کرده انـد پردازیم و همه را چون ذرات خـاک بر بـاد دهیم.(۲۴)اهـل بهشت در این روز در بهترین جایگـاه و بهترین مکان برای آرامش هستند.(۲۵)روزی که آسـمان با ابرها می شـکافد و فرشـتگان بر زمین فرو فرستاده شوند.(۲۶)فرمانروایی در آن روز -به راستی - از آن خـدای رحمـان است. و برای کافران روزی دشوار خواهـد بود.(۲۷)روزی که کافر دسـتان خود را به دندان گزد و گویـد: ای کـاش راهی را کـه رسـول در پیش گرفته بـود، در پیش گرفته بـودم.(۲۸)وای بر من، کـاش فلاـن را دوست نمی گرفتم.(۲۹)بـا آنکـه قرآن برای مـن نـازل شــده بـود، مرا از پیرویش بـاز می داشـت. و ایـن شـیطان همـواره آدمی را تنهـا می گذارد.(۳۰)پیـامبر گفت: ای پروردگـار من، قـوم من ترک قرآن گفتنـد.(۳۱)اینچنین هر پیـامبری را از میان مجرمان دشـمنی پـدید آوردیم. و پروردگار تو برای راهنمایی و یاری تو کافی است.(۳۲)کافران گفتند: چرا این قرآن به یکباره بر او نازل نمی شود؟ برای آن اسـت که دل تـو را بـدان نیرومنـدی دهیم و آن را به آهسـتگی و ترتیب فرو خـوانیم.(۳۳)هیـچ مثلی برای تو نیاورنـد مگر آنکه پاسخش را به راستی و در نیکوترین بیان بیاوریم.(۳۴)کسانی را که بر روی می کشند و در جهنم گرد می آورند، به جایگاه بدتر و به راه گمگشته ترند.(۳۵)به موسـی کتاب دادیم و برادرش هارون را مـدد کارش ساختیم.(۳۶)و گفتیم: نزد مردمی که آیـات ما را تکذیب کرده اند، بروید. و آن قوم را به سـختی هلاک کردیم.(۳۷)قوم نوح را چون پیامبران را تکـذیب کردند غرقه کردیم و آنها را برای مردم عبرتی ساختیم. و برای سـتمکاران عذابی دردآور آماده کرده ایم.(۳۸)و عاد را و ثمود را و اصـحاب رس را و نسلهای بسـیاری را که میان آنها بودند.(۳۹)و برای همه مثلهـایی آوردیم و همه را نیست و نـابود ساختیم.(۴۰)و بر قریه ای که بر آن بـاران عذاب باریده بودیم گذر می کردند. آیا آن را نمی دیدند؟ آری ، به قیامت امید نداشـتند.(۴۱)چون تو را دیدند مسخره ات کردند که آیا این است آن پیامبری که خـدا بر ما مبعوث کرده است.(۴۲)اگر به خاطر خدایانمان سرسـختی نمی کردیم نزدیک بود که ما را از پرستششان گمراه کند. چون عذاب را ببینند خواهند دانست چه کسی گمراه تر بوده است.(۴۳)آیا آن کس را که هوای نفس

را به خدایی گرفته بود دیدی ؟ آیا تو ضامن او هستی .(۴۴)یا گمان کرده ای که بیشترینشان می شنوند و می فهمند؟ اینان چون چارپایانی بیش نیستند، بلکه از چارپایان هم گمراه ترند.(۴۵)ندیده ای که پروردگار تو چگونه سایه را می کشد؟ اگر می خواست در یک جا ساکنش می گرداند. آنگاه آفتاب را بر او دلیل گردانیدیم.(۴۶)سپس بر گرفتیمش، گرفتنی اندك اندك.(۴۷)اوست که شب را پوشش شما کرد و خواب را آرامشتان و روز را زمان برخاستنتان.(۴۸)اوست که پیشاپیش رحمت خود بادها را به مژده دادن فرستاد. و از آسمان آبی پاك نازل کردیم.(۴۹)تا سرزمین مرده را بدان زندگی بخشیم و چارپایان و مردم بسیاری را که آفریده ایم بدان سیراب کنیم.(۵۰)و تا بـه تفکر پردازنـد، باران را میانشان تقسیم کردیم. ولی بیشتر مردم جز ناسپاسی نکردند.(۵۱)اگر می خواستیم، به هر قریه ای بیمدهنده ای می فرستادیم.(۵۲)از کافران اطاعت مکن، و به حکم خدا با آنها جهاد کن، جهادی بزرگ.(۵۳)اوست که دو دریا به هم بیامیخت: یکی شیرین و گوارا و دیگری شورابی سخت گزنده . و میان آن دو مانعی و سدی استوار قرار داد.(۵۴)اوست که آدمی را از آب بیافرید و او را نسب و پیوند ساخت. و پروردگار تو به این کارها تواناست.(۵۵)سوای خدای یکتا چیزهایی را می پرستند که به آنها نه سود می دهد و نه زیان. و کافر همواره پشتیبان مخالفان پروردگار خویش است.(۵۶)ما تو را نفرستادیم مگر برای آنکه مژده دهی و بترسانی .(۵۷)بگو: من از شما هیچ مزدی نمی طلبم و این رسالت بدان می گزارم تا هر که خواهد به سوی پروردگارش راهی بیابد.(۵۸)و بر آن زنده ای که نمی میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و او خود برای آگاهی از گناهان بندگانش کافی است.(۵۹)آن که آسمانها و زمین و هر چه را در میان آنهاست به شش روز بیافرید، آنگاه به عرش پرداخت. اوست خدای رحمان و درباره او از کسی بپرس که آگاه باشد.(۶۰)و چون به آنان گفته شد که رحمان را سجده کنید، گفتند: رحمان چیست؟ آیا بر هر کس که تو فرمان می دهی سجده کنیم؟ و بر نفرتشان افزوده شد.(۶۱)بزرگ و بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجها بیافرید و در آنها چراغی و ماهی تابان پدید آورد.(۶۲)و اوست که شب و روز را برای کسانی که می خواهند عبرت گیرند یا شکر گزاری کنند از پی هم قرار داد.(۶۳)بندگان خدای رحمان کسانی هستند که در روی زمین به فروتنی راه می روند. و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند.(۶۴)و آنان که شب را در سجده یا در قیام برای پروردگارشان به صبح می آورند.(۶۵)و آنان که می گویند: ای پروردگار ما، عذاب جهنم را از ما بگردان. زیرا عذاب جهنم عذابی است دایم.(۶۶)جهنم بد قرارگاه و بد مکانی است.(۶۷)و آنان که چون هزینه می کنند اسراف نمی کنند و خست نمی ورزند بلکه میان این دو، راه اعتدال را می گیرند.(۶۸)و آنان که با خدای یکتا خدای دیگری نمی گیرند و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده -مگر به حق- نمی کشند و زنا نمی کنند. و هر که این کارها کند، عقوبت گناه خود را می بیند.(۶۹)عذابش در روز قیامت مضاعف می شود و تا ابد به خواری در آن عذاب خواهد بود(۷۰)مگر آن کسان که توبه کنند و ایمان آورند و کارهای شایسته کنند. خدا گناهانشان را به نیکیها بدل می کند و خدا آمرزنده و مهربان است.(۷۱)و هر که توبه کند و کار شایسته کند، به شایستگی نزد خدا باز گردد.(۷۲)و آنان که به دروغ شهادت نمی دهند و چون بر ناپسندی بگذرند به شتاب از آن دوری می جویند.(۷۳)و آنان که چون به آیات پروردگارشان اندرزشان دهند، در برابر آن چون کران و کوران نباشند.(۷۴)و آنان که می گویند: ای پروردگار ما، از همسران و فرزندانمان دلهای ما را شاد دار، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.(۷۵)اینان همان کسانند که به خاطر صبری که تحمل کرده اند غرفه های بهشت را پاداش یابند و در آنجا به درود و سلامشان بنوازند.(۷۶)جاودانه در آنجا باشند. چه نیکو قرارگاه و مکانی است.(۷۷)بگو: اگر پروردگار من شما را به طاعت خویش نخوانده بود به شما نمی پرداخت، که شما تکذیب کرده اید و کیفرتان همراهتان خواهد بود.(۷۸)

الشعراء

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)طا، سین، میم.(۲)اینهاست آیات این کتاب روشنگر.(۳)شاید. از اینکه ایمان نمی آورند، خود را

هلاک سازی .(۴)اگر بخواهیم. از آسمان برایشان آیتی نازل می کنیم که در برابر آن به خضوع سر – فرود آورند.(۵)برایشان هیچ سخن تازه ای از خدای رحمان نازل نمی شود، جز آنکه از آن اعراض می کنند.(۶)پس تکذیبش کردند. زودا که خبر آن چیزهایی که مسخره اش می کردند به ایشان برسد.(۷)آیا به زمین ننگریسته اند که چه قدر از هر گونه گیاهان نیکو در آن رویانیده ایم.(۸)در این عبرتی است ولی بیشترشان مومن نبوده اند.(۹)به راستی پروردگار تو پیروزمند و مهربان است.(۱۰)و پروردگارت موسی را ندا داد که : ای موسی ، به سوی آن مردم ستمکار برو:(۱۱)قوم فرعون. آیا نمی خواهند پرهیزگار شوند.(۱۲)گفت: ای پروردگار من، می ترسم که دروغگویم خوانند.(۱۳)و دل من تنگ گردد و زبانم گشاده نشود. هارون را رسالت ده .(۱۴)و بر من به گناهی ادعایی دارند، می ترسم که مرا بکشند.(۱۵)گفت: هرگز، آیات مرا هر دو نزد آنها ببرید، ما نیز با شما هستیم و گوش فرا- می دهیم.(۱۶)پس نزد فرعون روید و بگویید: ما رسول پروردگار جهانیان هستیم،(۱۷)که بنی اسرائیل را با ما بفرستی .(۱۸)گفت: آیا به هنگام کودکی نزد خود پرورشت ندادیم و تو چند سال از عمرت را در میان ما نگذرانیدی ؟(۱۹)و آن کار را که از تو سر زد مرتکب نشدی ؟ پس تو کافر نعمتی .(۲۰)گفت: آن وقت که چنان کردم از خطاکاران بودم.(۲۱)و چون از شما ترسیدم گریختم. ولی پروردگار من به من نبوت داد و مرا در شمار پیامبران آورد.(۲۲)و منت این نعمت را بر من می نهی که بنی اسرائیل را برده ساخته ای .(۲۳)فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست.(۲۴)گفت: اگر به یقین می پذیرید، پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میان آنهاست.(۲۵)به آنان که در اطرافش بودند، گفت: آیا نشنیدید.(۲۶)گفت: پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما.(۲۷)فرعون گفت: این پیامبری که بر شما فرستاده شده ، دیوانه است.(۲۸)گفت: اوست پروردگار مشرق و مغرب و هر چه میان آن دوست، اگر تعقل کنید.(۲۹)فرعون گفت: اگر جز من کس دیگری را به خدایی گیری به زندانت می افکنم.(۳۰)گفت: حتی اگر معجزه ای روشن برای تو آورده باشم.(۳۱)گفت: اگر راست می گویی ، بیاورش.(۳۲)عصایش را انداخت. به آشکارا اژدهایی شد.(۳۳)و دستش را بیرون آورد. در نظر بینندگان سپید می نمود.(۳۴)به مهتران قومش که کنارش بودند گفت: این مرد جادوگری داناست.(۳۵)می خواهد به جادوی خود شما را از سرزمینتان بیرون کند. چه رای می دهید.(۳۶)گفتند: از او و برادرش مهلت بخواه و کسان به شهرها بفرست.(۳۷)تا هر جادوگر دانایی را که هست نزد تو بیاورند.(۳۸)جادوگران را در روزی معین به وعده گاه آوردند.(۳۹)و مردم را گفتند: آیا شما نیز گرد می آیید.(۴۰)تا اگر جادوگران پیروز آمدند همه از آنها پیروی کنیم.(۴۱)چون جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم ما را مزدی خواهد بود؟(۴۲)گفت: آری ، همه از مقربان خواهید بود.(۴۳)موسی به آنها گفت: هر چه می خواهید بیفکنید، بیفکنید.(۴۴)آنان ریسمانها و چوبهای خود بیفکندند و گفتند: به عزت فرعون که ما پیروز شدیم.(۴۵)و موسی عصایش را افکند. ناگاه همه آن دروغهایی را که ساخته بودند، بلعید(۴۶)جادوگران به سجده افتادند.(۴۷)گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم:(۴۸)پروردگار موسی و هارون.(۴۹)گفت: آیا پیش از آنکه شما را رخصت دهم ایمان آوردید؟ هر آینه آن مرد، بزرگ شماست که شما را جادو آموخته است. خواهید دید. اکنون دستها و پاهایتان را از چپ و راست خواهم برید و همه تان را بر دار خواهم کرد.(۵۰)گفتند: باکی نیست، ما نزد پروردگارمان باز می گردیم.(۵۱)ما امید می داریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد که ما نخستین کسانی هستیم که ایمان آوردیم.(۵۲)و به موسی وحی کردیم که : شب هنگام بندگان مرا بیرون ببر که از پی شما بیایند.(۵۳)و فرعون گرد آورندگان سپاه را به شهرها فرستاد.(۵۴)که اینان گروهی اندکند،(۵۵)و ما را به – خشم آورده اند،(۵۶)و ما همگی آماده پیکاریم.(۵۷)پس ایشان را از باغها و چشمه سارها بیرون کردیم،(۵۸)و از گنجها و خانه های نیکو.(۵۹)بدینسان همه را به بنی اسرائیل واگذاشتیم.(۶۰)فرعونیان به هنگام بر آمدن آفتاب از پی آنها رفتند.(۶۱)چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: گرفتار آمدیم.(۶۲)گفت: هرگز. پروردگار من با من است و مرا راه خواهد نمود.(۶۳)پس به موسی وحی کردیم که : عصایت را بر دریا بزن. دریا بشکافت و هر پاره چون کوهی عظیم گشت.(۶۴)و آن گروه دیگر را نیز به دریا رسانیدیم.(۶۵)موسی و همه همراهانش را رهانیدیم.(۶۶)و آن دیگران را غرقه

ساختیم.(۶۷)هر آینه در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردند.(۶۸)هر آینه پروردگار تو پیروزمند و بخشنده است.(۶۹)و داستان ابراهیم را برایشان تلاوت کن.(۷۰)آنگاه که به پدر و قوم خود گفت: چه می پرستید.(۷۱)گفتند: بتانی را می پرستیم و معتکف آستانشان هستیم.(۷۲)گفت: آیا وقتی آنها را می خوانید صدایتان را می شنوند.(۷۳)یا برای شما سود و زیانی دارند.(۷۴)گفتند: نه ، پدرانمان را دیده ایم که چنین می کرده اند.(۷۵)گفت: آیا می دانید که چه می پرستیده اید.(۷۶)شما و نیاکانتان.(۷۷)آنها دشمنان منند، ولی پروردگار جهانیان دوست من است:(۷۸)آن که مرا بیافریده سپس راهنماییم می کند.(۷۹)و آن که به من طعام می دهد و مرا سیراب می سازد.(۸۰)و چون بیمار شوم شفایم می بخشد.(۸۱)و آن که مرا می میراند و سپس زنده می کند.(۸۲)و آن که امید می دارم که در روز قیامت خطایم را ببخشاید.(۸۳)ای پروردگار من، مرا حکمت بخش و مرا به شایستگان بپیوند.(۸۴)و ذکر جمیل مرا در دهان آیندگان انداز.(۸۵)و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده .(۸۶)و پدرم را بیامرز که از گمراهان است.(۸۷)و در روز قیامت مرا رسوا مساز:(۸۸)روزی که نه مال سود می دهد و نه فرزندان.(۸۹)مگر آن کس که با قلبی رسته از شرک به نزد خدا بیاید.(۹۰)و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک آرند.(۹۱)و جهنم را در نظر کافران آشکار کنند.(۹۲)به آنها گویند: چیزهایی که سوای خدای یکتا می پرستیدید، کجایند؟(۹۳)آیا یاریتان می کنند، یا خود یاری می جویند؟(۹۴)آنها و کافران را سرنگون در جهنم اندازند،(۹۵)و همه سپاهیان ابلیس را.(۹۶)و در حالی که در جهنم با یکدیگر به نزاع پرداخته اند، می گویند:(۹۷)به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکار بودیم،(۹۸)آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم.(۹۹)و ما را جز مجرمان گمراه نساختند.(۱۰۰)و اکنون ما را شفیعانی نیست.(۱۰۱)و ما را دوست مهربانی نیست.(۱۰۲)کاش بار دیگر به دنیا باز گردیم تا از مومنان گردیم.(۱۰۳)در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردند.(۱۰۴)هر - آینه پروردگار تو پیروزمند و مهربان است.(۱۰۵)قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند.(۱۰۶)آنگاه که برادرشان نوح به آنها گفت: آیا پروا نمی کنید؟(۱۰۷)من برای شما پیامبری امین هستم.(۱۰۸)از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۰۹)من از شما در برابر هدایت خود مزدی نمی طلبم. مزد من تنها بر عهده پروردگار جهانیان است.(۱۱۰)پس، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۱۱)گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان پیرو تو هستند.(۱۱۲)گفت: دانش من به کارهایی که می کنند نمی رسد.(۱۱۳)اگر می فهمید، حسابشان تنها با پروردگار من است.(۱۱۴)و من مومنان را طرد نمی کنم.(۱۱۵)جز بیمدهنده ای آشکار نیستم.(۱۱۶)گفتند: ای نوح، اگر بس نکنی ، سنگسار می شوی .(۱۱۷)گفت: ای پروردگار من، قوم من مرا تکذیب می کنند.(۱۱۸)میان من و آنها راهی برگشای و مرا و مومنان همراه مرا رهایی بخش.(۱۱۹)او و همراهانش را در آن کشتی انباشته ، نجات دادیم.(۱۲۰)و باقی را غرقه کردیم.(۱۲۱)هر آینه در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردند.(۱۲۲)هر آینه پروردگار تو پیروزمند و مهربان است.(۱۲۳)قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند.(۱۲۴)آنگاه که برادرشان هود گفت: آیا پروا نمی کنید؟(۱۲۵)من برای شما پیامبری امین هستم.(۱۲۶)از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۲۷)من از شما در برابر هدایت خود مزدی نمی طلبم. مزد من تنها بر عهده پروردگار جهانیان است.(۱۲۸)آیا بر فراز هر بلندی به بیهودگی برجی بر می آورید؟(۱۲۹)و بدین پندار که همواره زنده اید کوشکهایی بنا می کنید؟(۱۳۰)و چون انتقام گیرید چون جباران انتقام می گیرید؟(۱۳۱)پس، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۳۲)و بترسید از آن خدایی که آنچه را که می دانید، به شما عطا کرده است.(۱۳۳)و به شما چارپایان و فرزندان ارزانی داشته است،(۱۳۴)و باغها و چشمه ساران.(۱۳۵)من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.(۱۳۶)گفتند: برای ما یکسان است که ما را اندرز دهی یا اندرز ندهی .(۱۳۷)اینها جز همان دروغ و نیرنگ پیشینیان نیست.(۱۳۸)و ما عذاب نخواهیم شد.(۱۳۹)پس تکذیبش کردند و ما آنان را هلاک کردیم. هر آینه در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردند.(۱۴۰)هر آینه پروردگار تو پیروزمند و مهربان است.(۱۴۱)قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند.(۱۴۲)آنگاه که برادرشان صالح گفت: آیا پروا نمی کنید.(۱۴۳)من برای شما پیامبری امین هستم.(۱۴۴)از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۴۵)من از شما در برابر هدایت خود مزدی

نمی طلبم. مزد من تنها بر عهده پروردگار جهانیان است.(۱۴۶)آیا پنداریـد که شـما را در این نعمتها، ایمن رها می کنند.(۱۴۷)در باغها و چشمه سارها.(۱۴۸)و کشتزارهـا و نخلهـا بـا آن شـکوفه هـای نرم و لطیـف.(۱۴۹)و شادمـانه در کوههـا خـانه هـایی می تراشید.(۱۵۰)پس، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۵۱)و فرمان این اسرافکاران را مپذیرید:(۱۵۲)اینان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند.(۱۵۳)گفتند: جز این نیست که تو را جادو کرده اند.(۱۵۴)تو نیز بشری همانند ما هستی . اگر راست می گویی نشانه ای بیاور.(۱۵۵)گفت: این ماده شتر من است. یک روز آب خوردن حق او باشد و یک روز حق شما(۱۵۶)به آن آسیبی مرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را فرو می گیرد.(۱۵۷)آن را کشتند و پشیمان شدند.(۱۵۸)پس عذاب آنها را فرو گرفت. هر آینه در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردنـد.(۱۵۹)هر آینه پروردگار تو پیروزمنـد و مهربان است.(۱۶۰)قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند.(۱۶۱)آنگـاه که برادرشان لوط گفت: آیا پروا نمی کنیـد؟(۱۶۲)من برای شـما پیامبری امین هستم.(۱۶۳)از خدا بترسید و از من اطاعت کنیـد.(۱۶۴)مـن از شـما در برابر هـدایت خـود مزدی نمی طلبم. مزد من تنهـا بر عهـده پروردگـار جهانیـان است.(۱۶۵)چرا از میان مردم جهان با نران می آمیزیـد.(۱۶۶)و همسـرانی را که پروردگارتان برایتان آفریده است ترک می گویید؟ نه . شـما مردمی متجـاوز هستیـد.(۱۶۷)گفتنـد: ای لـوط، اگر بس نکنی ، از شـهر بیرونـت می کنیـم.(۱۶۸)گفت: من بـا کار شـما دشمنم.(۱۶۹)ای پروردگـــار مــن، مرا و کســانم را از عــاقبت عملی کــه می کننــد رهــایی بخش.(۱۷۰)او و همـه کسـانش را رهانیدیم.(۱۷۱)مگر پیر زنی که خـواست بمانـد.(۱۷۲)سـپس دیگران را هلاک کردیم.(۱۷۳)بر آنها بارانی بارانیـدیم و چه بـد بود باران تهدیـد- شدگان.(۱۷۴)هر آینـه در این عـبرتی است، و بیشترینشـان ایمـان نیاوردنـد.(۱۷۵)هر آینه پروردگـار تـو پیروزمنـد و مهربان است.(۱۷۶)مردم ایکه پیامبران را تکـذیب کردند.(۱۷۷)آنگـاه که شـعیب به آنها گفت: آیا پروا نمی کنیـد؟(۱۷۸)من برای شما پیامبری امین هستم.(۱۷۹)از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۱۸۰)من از شـما در برابر هدایت خود مزدی نمی طلبم. مزد من تنها بر عهده پروردگار جهانیان است.(۱۸۱)پیمانه را تمام بپردازید و کمفروشی مکنید.(۱۸۲)و با ترازوی درست وزن کنید.(۱۸۳)به مردم کـم مدهیـد و بی باکـانه در زمیـن فسـاد مکنیـد.(۱۸۴)از آن کس کـه شـما و آفریـدگان پیش از شـما را آفریـده اسـت بترسید.(۱۸۵)گفتنـد: جز این نیست که تو را جادو کرده اند.(۱۸۶)تو نیز بشـری هماننـد ما هستی و می پنداریم که دروغ می گویی .(۱۸۷)اگر راسـت می گـویی ، پـاره ای از آسـمان را بر سـر مـا انـداز.(۱۸۸)گفـت: پروردگـار مـن به کـاری که می کنیـد دانـاتر است.(۱۸۹)پس تکـذیبش کردنـد و در آن روز ابری ، عـذاب آنان را فرو گرفت. و آن عـذاب روزی بزرگ بود.(۱۹۰)هر آینه در این عبرتی است، و بیشترینشان ایمان نیاوردنـد.(۱۹۱)هر آینه پروردگار تو پیروزمنـد و مهربان است.(۱۹۲)و این کتاب، نازل شده از جـانب پروردگار جهانیان است.(۱۹۳)آن را روحالاـمین نـازل کرده است.(۱۹۴)بر دل تو، تـا از بیمدهنـدگان باشـی .(۱۹۵)به زبان عربی روشن.(۱۹۶)و آن در نوشـته های پیشـینیان نیز هست.(۱۹۷)آیـا این نشانه برایشان بسـنده نیست که علمای بنی اسـرائیل از آن آگاهند.(۱۹۸)اگر آن را بر یکی از عجمان نازل کرده بودیم.(۱۹۹)و برایشان می خواندش، بدان ایمان نمی آوردند.(۲۰۰)بدینسان قرآن را در دلهـای مجرمان راه دادیم.(۲۰۱)بـدان ایمان نمی آورند تا عذاب دردآور را بنگرند.(۲۰۲)و آن عذاب ناگهان و بی خبر بر آنان فرود می آیـد.(۲۰۳)می گوینـد: آیا ما را مهلتی خواهند داد.(۲۰۴)آیا به عذاب ما می شـتابند.(۲۰۵)دیدی که هرچند سالها برخوردارشان ساختیم.(۲۰۶)باز هم عـذابی که به آنها وعده شده بود بر سـرشان آمد.(۲۰۷)آن برخورداریهـا به حالشان سود نکرد؟ (۲۰۸)ما هیچ قریه ای را هلاک نکردیم جز آنکه برایشان بیمدهندگانی بودند.(۲۰۹)تا پندشان دهند. زیرا ما ستمکار نیستیم.(۲۱۰)و این قرآن را شـیاطین نازل نکرده اند.(۲۱۱)آنان نه در خور این کارنـد و نه توان آن دارنـد.(۲۱۲)شـیاطین را از شنیدن وحی معزول داشته اند.(۲۱۳)پس با خدای یکتا خدای دیگری را مخوان تا مباد در شـمار مستحقان عذاب درآیی .(۲۱۴)خویشاوندان نزدیکت را بترسان.(۲۱۵)در برابر هر یک از مومنان که از تو پیروی می کنـد بال فروتنی فرودآر.(۲۱۶)و اگر بر تو عصیان ورزیدند بگو: من از کارهای شما بیزارم.(۲۱۷)و بر خـدای پیروزمند مهربان توکل کن.(۲۱۸)آن که تو را می بینـد آنگـاه که بر می خیزی ،(۲۱۹)و نماز

خواندنت را با دیگر نماز گزاران می بیند.(۲۲۰)هر آینه اوست شنوای دانا.(۲۲۱)آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟(۲۲۲)بر هر بسیار دروغگوی گنهکار نازل می شوند.(۲۲۳)گوش فرا می دهند و بیشترینشان دروغگویانند.(۲۲۴)و گمراهان از پی شاعران می روند.(۲۲۵)آیا ندیده ای که شاعران در هر وادیی سرگشته اند؟(۲۲۶)و چیزها می گویند که خود عمل نمی کنند؟(۲۲۷)مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و خدا را فراوان یاد کردند و چون مورد ستم واقع شدند انتقام گرفتند. و ستمکاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می گردند.(۲۲۸)

النمل

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)طا، سین. این است آیات قرآن و کتاب روشنگر.(۲)رهنمون و مژده ای است برای مومنان:(۳)آنان که نماز می گزارند و زکات می دهند و به روز قیامت یقین دارند.(۴)اعمال آنهایی را که به آخرت ایمان ندارند در نظرشان بیاراستیم. از این روی سرگشته مانده اند.(۵)ایشان همان کسانند که عذاب سخت از آن آنهاست و در آخرت زیانکارترند.(۶)تو کسی هستی که قرآن از جانب خدای حکیم و دانا به تو تلقین می شود.(۷)موسی به خانواده خود گفت: من از دور آتشی دیدم، زودا که از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره آتشی . شاید گرم شوید.(۸)چون به آتش رسید، ندایش دادند که برکت داده شده ، آن که درون آتش است و آن که در کنار آن است. و منزه است خدای یکتا، آن پروردگار جهانیان.(۹)ای موسی ، من خدای پیروزمند حکیم هستم.(۱۰)عصایت را بیفکن. چون دیدش که همانند ماری می جنبد، گریزان بازگشت و به عقب ننگریست. ای موسی ، مترس. پیامبران نباید که در نزد من بترسند.(۱۱)مگر کسی که مرتکب گناهی شده باشد و پس از بد کاری ، نیکوکار شود. زیرا من آمرزنده و مهربانم.(۱۲)دستت را در گریبان ببر تا بی هیچ آسیبی سفید بیرون آید. با نه نشانه نزد فرعون و قومش برو که مردمی عصیانگرند.(۱۳)چون نشانه های روشنگر ما را دیدند گفتند: این جادویی آشکار است.(۱۴)با آنکه در دل به آن یقین آورده بودند، ولی از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند. پس بنگر که عاقبت تبهکاران چگونه بود.(۱۵)ما به داوود و سلیمان دانش دادیم. گفتند: سپاس از آن خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مومن خود برتری داد.(۱۶)و سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم، به ما زبان مرغان آموختند و از هر نعمتی ارزانی داشتند. و این عنایتی است آشکار.(۱۷)سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمدند و آنها به صف می رفتند.(۱۸)تا به وادی مورچگان رسیدند. مورچه ای گفت: ای مورچگان، به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را بی خبر درهم نکوبند.(۱۹)سلیمان از سخن او لبخند زد و گفت: ای پروردگار من، مرا وادار تا سپاس نعمت تو را که بر من و پدر و مادر من ارزانی داشته ای به جای آورم و کارهای شایسته ای کنم که تو خشنود شوی ، و مرا به رحمت خود در شمار بندگان شایسته ات درآور.(۲۰)در میان مرغان جست و جو کرد و گفت: چرا هدهد را نمی بینم، آیا از غایب شدگان است.(۲۱)به سخترین وجهی عذابش می کنم یا سرش را می برم، مگر آنکه برای من دلیلی روشن بیاورد.(۲۲)درنگش به درازا نکشید. بیامد و گفت: به چیزی دست یافته ام که تو دست نیافته بودی و از سبا برایت خبری درست آورده ام.(۲۳)زنی را یافتم که بر آنها پادشاهی می کند. از هر نعمتی برخوردار است و تختی بزرگ دارد.(۲۴)دیدم که خود و مردمش به جای خدای یکتا آفتاب را سجده می کنند. و شیطان اعمالشان را در نظرشان بیاراسته است و از راه خدا منحرفشان کرده است، چنان که روی هدایت نخواهند دید.(۲۵)چرا خدایی را که نهان آسمانها و زمین را آشکار می کند و هر چه را پنهان می دارید یا آشکار می سازید می داند، سجده نکنند.(۲۶)خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست. پروردگار عرش عظیم.(۲۷)گفت: اکنون بنگریم که راست گفته ای یا در شمار دروغگویانی .(۲۸)این نامه مرا ببر و بر آنها افکن، سپس به یکسو شو و بنگر که چه جواب می دهند.(۲۹)زن گفت: ای بزرگان، نامه ای گرامی به سوی من افکنده شد.(۳۰)نامه از سلیمان است و این است: به نام خدای بخشاینده مهربان.(۳۱)بر من برتری مجویید و به تسلیم نزد من بیایید.(۳۲)زن گفت: ای بزرگان، در کار من رای بدهید، که

تا شما حاضر نباشید من هیچ کاری را فیصل نتوانم داد.(۳۳)گفتند: ما قدرتمندان و خداوندان نبرد سخت هستیم. کارها به دست توست. بنگر که چه فرمان می دهی .(۳۴)زن گفت: پادشاهان چون به قریه ای در آینـد، تباهش می کننـد و عزیزانش را ذلیل می سازنـد. آری چنین کنند.(۳۵)من هـدیه ای نزدشـان می فرسـتم و می نگرم که قاصـدان چه جـواب می آورنـد.(۳۶)چون قاصد نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا می خواهید به مال مرا یاری کنید؟ آنچه خدا به من داده از آنچه به شـما داده بهتر است. نه . شما به هـدیه خویش شادمان هستید.(۳۷)اکنون به نزدشان بازگرد. سپاهی بر سـرشان می کشـیم که هرگز طاقت آن را نداشـته باشند. و به خواری و خفت از آنجـا بیرونشان می کنیم.(۳۸)گفت: ای بزرگـان، کـدام یک از شـما تخت او را –پیش از آنکه به تسلیم نزد من آیند– برایم می آورد.(۳۹)عفریتی از میـان جنها گفت: من، قبل از آنکه از جایت برخیزی ، آن را نزد تو حاضـر می کنم، که من بر این کـار هم توانایم و هم امین.(۴۰)و آن کس کـه از علـم کتـاب بهره ای داشت گفت: من، پیش از آنکه چشم بر هم زنی ، آن را نزد تو می آورم. چون آن را نزد خود دیـد، گفت: این بخشـش پروردگـار من است، تـا مرا بیازمایـد که سپاسـگزارم یا کافر نعمت. پس هر کـه سپاس گویـد برای خـود گفتـه اسـت و هر کـه کفران ورزد پروردگـار من بی نیـاز و کریم است.(۴۱)گفت: تختش را دیگرگون کنیـد، ببینیم آن را باز می شـناسد یا از آنهاست که باز نتوانند شـناخت.(۴۲)چون آمـد گفتندش: آیا تخت تو چنین بود؟ گفت: گویی همـان است. و ما پیش از این آگاه شـده بودیم و تسلیم بوده ایم.(۴۳)و او را از هر چه به جز خـدای یکتا می پرستیـد، بازداشت. زیرا او در زمره کافران بود.(۴۴)گفتندش: به صحن قصر درآی . چون بدیدش پنداشت که آبگیری ژرف است. دامن از ساقهایش برگرفت. سلیمان گفت: این صحنی است صاف از آبگینه . گفت: ای پروردگار من، من بر خویشتن ستم کرده ام و اینک با سلیمان در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.(۴۵)و بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که : خدای یکتا را بپرستید. ناگهان دو گروه شدنـد و با یکـدیگر به خصومت برخاسـتند.(۴۶)گفـت: ای قـوم مـن، چرا پیش از نیکی بر بـدی می شـتابید؟ چرا از خـدا آمرزش نمی خواهیـد؟ شایـد بر شـما رحمت آورد.(۴۷)گفتنـد: مـا تـو را و یـارانت را به فـال بـد گرفته ایم. گفت: جزای شـما نزد خـداست. اینـک مردمی فریـب خـورده هستیـد.(۴۸)در شــهر نــه مرد ناصالــح بودنــد کــه در آن ســرزمین فســاد می کردنــد نه اصلاح.(۴۹)گفتنـد: به خـدا سوگنـد خوریـد که بر او و کسانش شبیخون زنیم. و چون کسـی به طلب خونش برخیزد، بگوییم: ما به هنگـام هلاـکت کسان او آنجا نبوده ایم، و ما راست گفتاریم.(۵۰)و غافل بودنـد که اگر آنها حیله ای اندیشیده انـد ما نیز حیله ای اندیشیده ایم(۵۱)بنگر که عـاقبت مکرشـان چه شـد: ما آنها و قومشان را به تمامی هلاک کردیم.(۵۲)آن خـانه های آنهاست که به کیفر ظلمی که می کردنـد خالی افتاده است. در آن دانایان را عبرتی است.(۵۳)آنهایی را که ایمان آورده بودند و پرهیزگار بودند، نجات دادیم.(۵۴)و لوط را به یـادآر. آنگاه که به قوم خود گفت: کارهای زشت مرتکب می شویـد، در حالی که خود به زشتی آن آگاهید.(۵۵)چرا از روی شـهوت به جای زنان به مردان می گراییـد؟ شـما مردمی نادان هستیـد.(۵۶)جـواب قـوم او جز این نبود که گفتنـد: خانـدان لوط را از قریه خود بیرون کنیـد. آنـان دعوی پاکی می کننـد.(۵۷)او و کسـانش، جز زنش، را نجـات دادیم. چنان خواستیم که آن زن از بازماندگان باشد.(۵۸)بارانی بر آنها بارانیـدیم و باران تهدید شدگان چه بد بارانی است.(۵۹)بگو: سپاس الله را و سـلام بر بندگان برگزیده او. آیا الله بهتر است یا آن چیزها که شریک او قرار می دهند.(۶۰)یا آن کسی که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان برایتان آب فرستاد، و بدان بوستانهایی خوش منظر رویانیدیم که شما را توان رویانیدن درختی از آن نیست. آیا با وجود الله خدای دیگری هست. نه ، آنها مردمی هستند از حق منحرف.(۶۱)یا آن که زمین را آرامگاه ساخت و در آن رودها پـدید آورد و کوههـا، و میـان دو دریـا مـانعی قرار داد. آیـا بـا وجود الله خـدای دیگری هست؟ نه . بیشترینشـان نمی داننـد.(۶۲)یا آن که درمانـده را چون بخوانـدش پاسـخ می دهد و رنج از او دور می کند و شـما را در زمین جانشـین پیشـینیان می سازد. آیا با وجود الله خـدای دیگری هست؟ چه اندک پند می گیرید.(۶۳)یـا آن که شـما را در تاریکیهای بیابان و دریا راه می نمایـد، و آن که پیش از باران رحمتش بادها را به مژده می فرستد. آیا با وجود الله خدای دیگری هست؟ الله برتر است از هر چه شریک او می سازند.(۶۴)یا

آن که مخلوقات را می آفریند سپس آنها را باز می گرداند، و آن که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد. آیا با وجود الله خدای دیگری هست؟ بگو: اگر راست می گویید، برهان خویش بیاورید.(۶۵)بگو: هیچ کس در آسمانها و زمین غیب نمی داند مگر الله . و نیز نمی دانند چه وقت زنده می شوند.(۶۶)در باب آخرت به یقین رسیدند؟ نه ، همچنان در شک هستند، که مردمی نابینایند.(۶۷)کافران گفتند: چگونه اگر ما و پدرانمان خاک شدیم ما را از قبر بیرون می آورند.(۶۸)به ما و پدرانمان هم پیش از این چنین وعده ای داده بودند. اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.(۶۹)بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که پایان کار مجرمان چگونه بوده است.(۷۰)برایشان اندوهگین مباش و از حیله ای که می اندیشند تنگدل مشو.(۷۱)می گویند: اگر راست می گویید، آن وعده چه وقت خواهد بود.(۷۲)بگو: شاید پاره ای از آنچه به شتاب می طلبید نزدیک شما باشد.(۷۳)و پروردگار تو فضل خود را بر مردم ارزانی می دارد، ولی بیشترینشان شکر نمی گویند.(۷۴)و پروردگار تو می داند که چه چیز را در دل نهان کرده اند و چه چیز را آشکار می سازند.(۷۵)و در آسمانها و زمین هیچ رازی نیست، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است.(۷۶)این قرآن بسیاری از چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند، برایشان حکایت می کند.(۷۷)و برای مومنان هدایت و رحمت است.(۷۸)هر آینه پروردگار تو به رای خویش میانشان قضاوت خواهد کرد، که او پیروزمند و داناست.(۷۹)پس بر خدا توکل کن که تو همراه با حقیقتی روشن هستی .(۸۰)تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می گردانند برسانی .(۸۱)تو نمی توانی کوران را از گمراهیشان راه نمایی . آواز خود را تنها به گوش کسانی توانی رساند که به آیات ما ایمان آورده اند و مسلمان هستند.(۸۲)چون فرمان قیامت مقرر گردد، برایشان جنبنده ای از زمین بیرون می آوریم که با آنان سخن بگوید که این مردم به آیات ما یقین نمی آوردند.(۸۳)روزی که از هر ملتی فوجی -از آنان که آیات ما را تکذیب می کردند- گرد می آوریم و آنان را به صف برانند،(۸۴)تا چون به محشر برسند، گوید: آیا شما آیات مرا تکذیب می کردید و حال آنکه دانش شما بدان احاطه نیافته بود؟ آن چه کاری بود که می کردید(۸۵)به کیفر ستمی که می کردند حکم عذاب بر آنها مقرر شود. بی آنکه هیچ سخنی بگویند.(۸۶)آیا نمی بینند که شب را پدید آوردیم تا در آن بیارامند و روز را روشنی بخشیدیم. هر آینه در این برای مومنان عبرتهاست.(۸۷)روزی که در صور دمیده شود و همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند -مگر آن که خدا بخواهد- بترسند و همه خوار و ذلیل به سوی او روان شوند.(۸۸)و کوهها را بینی ، پنداری که جامدند، حال آنکه به سرعت ابر می روند. کار خداوند است که هر چیزی را به کمال پدید آورده است. هر آینه او به هر چه می کنید آگاه است.(۸۹)هر کس که کار نیکی کند بهتر از آن را پاداش گیرد و نیکوکاران از وحشت آن روز در امان باشند.(۹۰)و آنان را که کارهای بد می کنند سرنگون در آتش اندازند، آیا جز بر وفق کارهایی که کرده اید کیفر یابید؟(۹۱)به من فرمان شده که پروردگار این شهر را بپرستم. شهری که خداوندی که همه چیز از آن اوست حرمتش نهاده ، و مامورم که از مسلمانان باشم.(۹۲)و قرآن را تلاوت کنم. پس هر که هدایت یافت به سود خود هدایت یافته است و هر که گمراه شد، بگو: جز این نیست که من بیمدهنده ای هستم.(۹۳)و بگو: سپاس خداراست. آیات خود را به شما خواهد نمود تا آنها را بشناسید. و پروردگار تو از هیچ کاری که می کنید بی خبر نیست.(۹۴)

القصص

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)طا. سین. میم.(۲)این است آیات این کتاب روشنگر.(۳)برای آنها که ایمان می آورند داستان راستین موسی و فرعون را بر تو می خوانیم.(۴)فرعون در آن سرزمین برتری جست و مردمش را فرقه فرقه ساخت. فرقه ای را زبون می داشت و پسرانشان را می کشت و زنانشان را زنده می گذاشت که او از تبهکاران بود.(۵)و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.(۶)و آنها را در آن سرزمین مکانت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی را که از آن می ترسیدند نشان دهیم.(۷)و به مادر موسی وحی کردیم که : شیرش بده و اگر بر او بیمناک

شـدی به دریـایش بینـداز و مـترس و غمگین مشـو، او را به تو بـاز می گردانیم و در شـمار پیـامبرانش می آوریم.(۸)خاندان فرعون یافتندش تا دشمنشان و سبب اندوهشان گردد. فرعون و هامان و لشکرهاشان خطا می کردند.(۹)زن فرعون گفت: این مایه شادمانی من و توست. او را مکشید. شایـد به ما سودی برساند یا او را به فرزندی گیریم. و نمی دانسـتند که چه می کنند.(۱۰)مادر موسی را دل تهی شد. و اگر دلش را قوی نکرده بودیم که از مومنان باشد، نزدیک بود که آن راز را فاش سازد.(۱۱)و به خواهر او گفت: از پی او برو. و زن بی آنکه آنان دریابنـد از دور در او می نگریست.(۱۲)پستان همه دایگان را از پیش بر او حرام کرده بودیم. آن زن گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که او را برایتان نگه دارند و نیکخواهش باشند.(۱۳)پس او را نزد مادرش بر گردانیدیم تا چشـمان آن زن روشن گردد و غمگین نباشد و بداند که وعده خدا حق است، ولی بیشترینشان نمی دانند.(۱۴)چون به حـد بلوغ رسـید و برومنـد شـد، او را فرزانگی و دانش دادیم و نیکوکـاران را چنین پاداش می دهیم.(۱۵)بی خبر از مردم شـهر به شهر داخل شـد. دو تن را دیـد که با هم نزاع می کننـد. این یک از پیروانش بود و آن یک از دشـمنانش. آن که از پیروانش بود بر ضـد آن دیگر که از دشـمنانش بود از او یـاری خواست. موسـی مشتی بر او نواخت و او را کشت. گفت: این کار شیطان بود. او به آشکارا دشـمنی گمراه کننده است.(۱۶)گفـت: ای پروردگـار مـن، مـن به خـود سـتم کردم. مرا بیـامرز. و خـدایش بیامرزیـد. زیرا آمرزنـده و مهربـان است.(۱۷)گفـت: ای پروردگـار مـن، بـه پـاس نعمـتی که بر من عطـا کردی هرگز پشتیبـان گنهکـاران نخـواهم شد.(۱۸)دیگر روز در شهر ترسان و چشم بر راه حادثه می گردید. مردی که دیروز از او مدد خواسته بود باز هم از او مدد خواست. موسی به او گفت: توبه آشکارا گمراه هستی .(۱۹)چون خواست مردی را که دشمن هر دو آنها بود بزند، گفت: ای موسی ، آیا می خـواهی همچنـان که دیروز یکی را کشتی مرا نیز بکشـی . تـو می خـواهی که در این سـرزمین جبـاری باشـی و نمی خواهی که از مصلحان باشی .(۲۰)مردی از دور دست شهر دوان آمد و گفت: ای موسی ، مهتران شهر درباره تو رای می زنند تا بکشندت. بیرون برو. مـن خیر خــواه تـو هسـتم.(۲۱)ترسـان و نگران از شـــهر بیرون شــد. گفـــت: ای پروردگــار مــن، مرا از سـتمکاران رهـایی بخش.(۲۲)چون به جانب مـدین روان شـد، گفت: شایـد پروردگار من مرا به راه راست رهبری کند.(۲۳)چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که چارپایان خود را آب می دهند و پشت سـرشان دو زن را دید که گوسفندان خود را باز می رانند. گفت: شما چه می کنیـد؟ گفتنـد: ما آب نمی دهیم تا آنگاه که چوپانان باز گردنـد، که پـدر ما پیری بزرگوار است.(۲۴)گوسفندانشان را آب داد. سـپس به سایه بازگشت و گفت: ای پروردگار من، من به آن نعمتی که برایم می فرستی نیازمنـدم.(۲۵)یکی از آن دو زن کـه به آزرم راه می رفت نزد او آمـد و گفت: پـدرم تـو را می خوانـد تـا مزد آب دادنت را بدهـد. چـون نزد او آمـد و سرگذشـت خویش بگفت، گفت: مـترس، که تو از مردم سـتمکاره نجـات یـافته ای .(۲۶)یکی از آن دو گفـت: ای پـدر، اجیرش کـن، که اگر چنین کنی بهـترین مرد نیرومنـد امینی است که اجیر کرده ای .(۲۷)گفت: می خواهم یکی از این دو دختـرم را زن تو کنم به شـرط آنکه هشت سـال مزدور من باشـی . و اگر ده سال را تمام کنی ، خود خـدمتی است و من نمی خواهم که تو را به مشـقت افکنم. ان شـا، الله مرا از صالحان خواهی یافت.(۲۸)گفت: این است پیمـان میان من و تو. هر یک از دو مـدت را که سپری سازم بر من سـتمی نخواهـد رفت و خدا بر آنچه می گوییم وکیل است.(۲۹)چون موسـی مدت را به سـر آورد و با زنش روان شد، از سوی طور آتشی دید. به کسان خود گفت: درنگ کنید. آتشـی دیدم. شاید از آن خبری یا پاره آتشی بیاورم تا گرم شوید.(۳۰)چون نزد آتش آمد، از کنـاره راسـت وادی در آن سـرزمین مبـارک، از آن درخت نـدا داده شـد کـه : ای موسـی ، مـن خـدای یکتـا پروردگــار جهانیانم.(۳۱)عصایت را بینـداز. چون دیـدش که هماننـد ماری می جنبـد، گریزان بازگشت و به عقب ننگریست. ای موسـی ، پیش آی و مـترس. تو در امـان هستی .(۳۲)دست خود در گریبان ببر تا بیرون آیـد سـفید بی هیچ آسـیبی . و تا از وحشت بیارامی دسـت خود در بغـل کن. این دو از جـانب پروردگارت حجتهای تو برای فرعون و مهتران اوست، که آنان مردمی نافرماننـد.(۳۳)گفت: ای پروردگار من، یکی از ایشان را کشـته ام، و می ترسم مرا بکشند.(۳۴)و برادرم هارون به زبان از من فصـیحتر است، او را به مدد من

بفرست تا مرا تصدیق کند، که بیم آن دارم که دروغگویم شمارند.(۳۵)گفت: تو را به برادرت قویدست خواهیم کرد و برایتان حجتی قرار می دهیم. به سبب نشانه هایی که شما را داده ایم، به شما دست نخواهند یافت. شما و پیروانتان پیروز خواهید بود.(۳۶)چون موسی آیات روشن ما را نزدشان آورد گفتند: این جادویی است برساخته ، ما از نیاکانمان چنین چیزهایی نشنیده ایم.(۳۷)و موسی گفت: پروردگار من به آن کسی که از جانب او به هدایت آمده است و عاقبت پسندیده در آن سرای از آن اوست، آگاه تر است. زیرا ستمکاران رستگار نمی شوند.(۳۸)فرعون گفت: ای مهتران، من برای شما خدایی جز خود نمی شناسم. ای هامان، برای من آجر بپز و طارمی بلند بساز، مگر خدای موسی را ببینم، که دروغگویش پندارم.(۳۹)او و لشکرهایش به ناحق در زمین سرکشی کردند و پنداشتند که به نزد ما باز گردانیده نمی شوند.(۴۰)پس او و لشکرهایش را گرفتیم و به دریا افکندیم. بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بود.(۴۱)و آنان را از آن گونه پیشوایانی ساختیم که مردم را به آتش دعوت می کنند و در روز قیامت کسی یاریشان نکند.(۴۲)در این دنیا از پی شان لعنت روانه ساختیم و در روز قیامت از زشت رویانند.(۴۳)پس از آنکه مردم روزگار پیشین را هلاک ساختیم، به موسی کتاب دادیم تا مردم را بصیرت و هدایت و رحمت باشد. شاید پند گیرند.(۴۴)آنگاه که به موسی فرمان امر نبوت را وحی کردیم تو نه در جانب غربی طور بودی و نه از حاضران.(۴۵)ولی ما از آن پس نسلهایی را بیافریدیم که عمرشان به درازا کشید. و تو در میان مردم مدین مقیم نبودی که آیات ما را بر آنها بخوانی . ولی ما بودیم که پیامبرانی می فرستادیم.(۴۶)تو در کنار طور نبودی آنگاه که موسی را ندا در دادیم. ولی این رحمتی است از جانب پروردگارت تا مردمی را که پیش از تو بیمدهنده ای نداشتند، بیم دهی . باشد که پندپذیر شوند.(۴۷)تا چون به سبب اعمالی که مرتکب شده اند مصیبتی به آنها رسد نگویند: ای پروردگار ما، چرا پیامبری بر ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مومنان باشیم.(۴۸)چون پیامبر راستگوی از جانب ما بر آنان مبعوث شد، گفتند: چرا آنچه به موسی داده شده به او داده نشده ؟ آیا اینان پیش از این به آنچه به موسی داده شده بود کافر نشده بودند؟ و گفتند که این هر دو، دو جادوست همانند هم و ما به هیچ یک ایمان نمی آوریم.(۴۹)بگو: اگر راست می گویید، از جانب خداوند کتابی بیاورید که از این دو بهتر راه بنماید تا من هم از آن پیروی کنم.(۵۰)پس اگر اجابتت نکردند، بدان که از پی هوای نفس خویش می روند و کیست گمراه تر از آن کس که بی آنکه راهنمایی از خدا خواهد، از پی هوای نفس خویش رود؟ زیرا خدا مردم ستمکاره را هدایت نمی کند.(۵۱)برایشان سخن در سخن پیوستیم، باشد که پندپذیر گردند.(۵۲)کسانی که پیش از این کتاب، کتابشان داده بودیم بدان ایمان می آورند.(۵۳)و چون بر آنان تلاوت شد گفتند: بدان ایمان آوردیم. حقی است از جانب پروردگار ما و ما پیش از آن تسلیم بوده ایم.(۵۴)اینان به سبب صبری که کرده اند دوبار پاداش داده شوند. اینان بدی را به نیکی می زدایند و نیز از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند.(۵۵)و چون سخن لغوی بشنوند، از آن اعراض کنند و گویند: کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شما. به سلامت بمانید. ما خواستار جاهلان نیستیم.(۵۶)تو هر کس را که بخواهی هدایت نمی کنی . خداست که هر که را بخواهد هدایت می کند و او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.(۵۷)گفتند: اگر از کیش تو پیروی کنیم، ما را از سرزمینمان بر می کنند. آیا آنها را در حرمی امن جای نداده ایم که همه گونه ثمرات در آن فراهم می شود، و این رزقی است از جانب ما؟ ولی بیشترینشان نمی دانند.(۵۸)چه بسا مردم قریه ای را هلاک ساختیم که از زندگی خویش دچار سرمستی شده بودند و این خانه های آنهاست که بعد از آنها، جز اندک زمانی کس در آنها سکنی نگرفت و ما وارث آنان بودیم.(۵۹)پروردگار تو مردم قریه ها را هلاک نکرد تا آنگاه که از خودشان پیامبری بر آنها مبعوث داشت و او آیات ما را بر آنها بخواند. و ما قریه ها را نابود نکرده ایم مگر آنکه مردمش ستمکار بوده اند.(۶۰)چیزهایی که به شما داده شده است، برخورداری و آرایش این زندگی دنیوی است. حال آنکه آنچه نزد خداست، بهتر و ماندنی تر است. چرا در نمی یابید(۶۱)آیا آن کس که او را وعده های نیک داده ایم و آن وعده ها را خواهد دید، همانند کسی است که او را از متاع این جهانی برخوردار کرده ایم و در روز قیامت هم به باز خواستش فرا می خوانیم.(۶۲)و روزی که آنان را

ندا می دهد و می گوید: شریکانی را که برای من می پنداشته اید کجایند.(۶۳)آنان که حکم درباره شان محقق شده می گویند: ای پروردگـار مـا. اینـان کسـانی هسـتند که ما گمراهشان کردیم. از آن رو گمراهشان کردیم که خود گمراه بودیم. از آنها بیزاری می جوییم و به تو می گرویم. اینان ما را نمی پرستیده اند.(۶۴)و گفته شود: اکنون بتانتان را بخوانید. می خوانندشان، ولی به آنها پاسخ نمی دهنـد. و چون عـذاب را ببیننـد آرزو کنند که کاش از هدایت یافتگان می بودند.(۶۵)و روزی که خـدا ندایشان دهد و گوید: پیامبران را چگونه اجابت کردیـد.(۶۶)در این روز خبرها بر آنان پوشـیده شود و از یکـدیگر نیز نتوانند پرسـید.(۶۷)اما آن کس که توبه کرده و ایمـان آورده و عمل صالـح به جای آورده . شایـد که از رسـتگاران باشـد.(۶۸)پروردگـار تو هر چه را که بخواهـد می آفرینـد و بر می گزینـد. ولی ایشـان را تـوان اختیـار نیسـت. منزه اسـت خـدا و از هر چه برایش شـریک می سازنـد برتر است.(۶۹)و پروردگار تو هر چه را که در دل پنهان داشته اند یا آشکار کرده اند می داند.(۷۰)اوست خـدای یکتا. هیچ خدایی به جز او نیست. ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر. و فرمان فرمان اوست. و همگان به او باز گردانـده می شوید.(۷۱)بگو: چه تصور می کنیـد اگر الله شبتان را تا روز قیامت طولانی سازد؟ جز او کـدام خـداست که شـما را روشـنی ارزانی دارد؟ مگر نمی شنوید.(۷۲)بگو: چه تصور می کنیـد اگر الله روزتـان را تـا روز قیامت طولانی سازد؟ جز او کـدام خـداست که شـما را شب ارزانی دارد که در آن بیاساییـد؟ مگر نمی بینید.(۷۳)و از رحمت او آنکه برای شـما شب و روز را پدیـد آورد تا در آن یک بیاسایید و در این یک به طلب روزی برخیزید، باشد که سپاس گویید.(۷۴)و روزی که خدا ندایشان دهد و گوید: شریکانی را که برای من تصور می کردید، کجایند.(۷۵)و از هر ملتی شاهـدی بیـاوریم و گوییم: برهان خویش بیاوریـد. آنگاه بداننـد که حق از آن الله است و آن بتان که به دروغ خدا می خواندند تباه شوند.(۷۶)قارون از قوم موسی بود که بر آنها افزونی جست. و به او چنان گنجهایی دادیم که حمل کلیـدهایش بر گروهی از مردم نیرومنـد دشوار می نمود. آنگاه که قومش به او گفتند: سـرمست مباش، زیرا خدا سرمسـتان را دوست ندارد.(۷۷)در آنچه خدایت ارزانی داشته ، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن. و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین از پی فساد مرو که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد.(۷۸)گفت: آنچه به من داده شده ، در خور دانش من بوده است. آیا ندانسـته است که خـدا پیش از او نسـلهایی را هلاک کرده که قوتشان از او افزونتر و شـمارشان بیشتر بوده است؟ و این مجرمان را از گناهشان نمی پرسـند.(۷۹)آراسـته به زیورهای خود به میان مردمش آمد. آنان که خواستار زندگی دنیوی بودند گفتند: ای کاش آنچه به قارون داده شده ما را نیز می بود، که او سـخت برخوردار است.(۸۰)اما دانش یافتگان گفتند: وای بر شـما. برای آنهـا کـه ایمـان می آورنـد و کارهـای شایسـته می کننـد ثـواب خـدا بهـتر اسـت. و بـدین ثـواب جز صـابران نرسند.(۸۱)پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم و در برابر خـدا هیچ گروهی نداشت که یاریش کند و خود یاری کردن خویش نمی توانست.(۸۲)روز دیگر آن کسان که دیروز آرزو می کردنـد که به جای او می بودنـد، می گفتنـد: شـگفتا که خـدا روزی هر کس را که خواهـد فراوان کنـد یـا تنگ سازد. اگر خـدا به ما نیز نعمت فراوان داده بود، ما را نیز در زمین فرو می برد. نمی بینی که کافران رستگار نمی شوند.(۸۳)این سـرای آخرت را از آن کسـانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هسـتند و نه خواهان فساد. و سـرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.(۸۴)هر کس که کـار نیکی به جای آرد، بهتر از آن را پاداش یابـد و هر که مرتکب گنـاهی شود، پس آنـان که مرتکب گناه می شونـد جز به انـدازه عملشان مجازات نشونـد.(۸۵)آن کس کـه قرآن را بر تو فرض کرده است تو را به وعده گاهت باز می گرداند. بگو: پروردگار من بهتر می داند که چه کسی بر راه راست است و چه کسی در گمراهی آشکار است.(۸۶)اگر رحمت پروردگـارت نبود، امیـد آن را نـداشتی که این کتـاب بر تو القا شود. پس نبایـد پشتیبان کافران باشی .(۸۷)پس از آنکه آیـات خـدا بر تـو نـازل شـد، تو را از آن منحرف نکننـد. مردم را به سوی پروردگـارت بخوان و از مشرکان مباش.(۸۸)بـا خـدای یکتـا خـدای دیگری را مخـوان. هیـچ خـدایی جز او نیست. هر چیزی نابودشـدنی است مگر ذات او. فرمان، فرمان اوست و همه به او باز گردانیده شوید.(۸۹)

العنکبوت

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف، لام، میم.(۲)آیا مردم پنداشته اند که چون بگویند: ایمان آوردیم، رها شوند و دیگر آزمایش نشوند.(۳)هر آینه مردمی را که پیش از آنها بودند آزمودیم، تا خدا کسانی را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را متمایز گرداند.(۴)آیا آنان که مرتکب گناه می شوند پنداشته اند که از ما می گریزند. چه بد داوری می کنند.(۵)هر کس که به دیدار خدا امید می دارد بداند که وعده خدا آمدنی است و او شنوا و داناست.(۶)هر که جهاد کند به سود خود کرده است، زیرا خدا از همه جهانیان بی نیاز است.(۷)گناهان آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند. می زداییم و بهتر از آنچه عمل کرده اند پاداششان می دهیم.(۸)به آدمی سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند. و اگر آن دو بکوشند که تو چیزی را که بدان آگاه نیستی شریک من قرار دهی . اطاعتشان مکن. بازگشت همه شما به سوی من است و شما را به کارهایی که می کرده اید آگاه می کنم.(۹)کسانی را که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند در زمره صالحان در آوریم.(۱۰)بعضی از مردم می گویند: به خدا ایمان آورده ایم. و چون در راه خدا آزاری ببینند، آن آزار را چون عذاب خدا به شمار می آورند. و چون از سوی پروردگار تو مددی رسد، می گویند: ما نیز با شما بوده ایم. آیا خدا به آنچه در دلهای مردم جهان می گذرد آگاه تر نیست.(۱۱)البته خدا می داند که مومنان چه کسانند و منافقان چه کسان.(۱۲)کافران به مومنان گفتند: به راه ما بیایید، بار گناهتان بر گردن ما. حال آنکه اینان بار گناه کسی را بر گردن نخواهند گرفت و دروغ می گویند.(۱۳)بلکه بار گناه خود و بارهایی با بار خود بر گردن خواهند گذاشت و در روز قیامت به سبب دروغهایی که بر هم می بافته اند بازخواست خواهند شد.(۱۴)ما نوح را بر مردمش به پیامبری فرستادیم. او هزار سال و پنجاه سال کم در میان آنان بزیست. و چون مردمی ستمپیشه بودند. طوفانشان فرو گرفت.(۱۵)او و کسانی را که در کشتی بودند نجات دادیم و آن طوفان را نشان عبرتی برای جهانیان گردانیدیم.(۱۶)و نیز ابراهیم را به پیامبری فرستادیم، آنگاه که به مردمش گفت: خدای یکتا را بپرستید و از او بترسید. این برایتان بهتر است اگر مردمی دانا باشید.(۱۷)شما، سوای خدای یکتا بتانی را می پرستید و دروغهای بزرگ می پردازید. آنهایی که سوای خدای یکتا می پرستید، نمی توانند شما را روزی دهند. از خدای یکتا روزی بجویید و او را عبادت کنید و سپاس گویید، زیرا به سوی او باز گردانیده می شوید.(۱۸)اگر شما تکذیب می کنید، مردمانی هم که پیش از شما بودند تکذیب می کردند. و بر عهده پیامبر جز تبلیغی روشنگر هیچ نیست.(۱۹)آیا نمی بینند که خدا چگونه مخلوق را می آفریند و پس از نیستی بازش می گرداند؟ این کار بر خدا آسان است.(۲۰)بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده . سپس آفرینش بازپسین را پدید می آورد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.(۲۱)هر که را بخواهد عذاب می کند و بر هر که خواهد رحمت می آورد. و همه بدو باز گردانیده می شوید.(۲۲)شما نمی توانید از خدا بگریزید، نه در زمین و نه در آسمان، و شما را جز او هیچ کارساز و یاوری نیست.(۲۳)و آنان که به آیات خدا و دیدار او ایمان ندارند، از رحمت من نومیدند و آنها راست عذابی دردآور.(۲۴)پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: بکشیدش یا بسوزانیدش. و خدایش از آتش برهانید. و در این برای مومنان عبرتهاست.(۲۵)گفت: شما بتانی را به جای خدای یکتا به خدایی گرفته اید تا در این زندگانی دنیا میانتان دوستی باشد، ولی در روز قیامت منکر یکدیگر می شوید و یکدیگر را لعنت می کنید و جایتان در آتش است و هیچ یاوری ندارید.(۲۶)لوط به او ایمان آورد و گفت: من به سوی پروردگارم مهاجرت می کنم، زیرا او پیروزمند و حکیم است.(۲۷)و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و در فرزندان او پیامبری و کتاب نهادیم. و پاداشش را در دنیا دادیم، و او در آخرت از صالحان است.(۲۸)و لوط را پیامبری دادیم. به قوم خود گفت: شما کاری زشت را پیشه کرده اید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما چنین نمی کرده است.(۲۹)آیا با مردان می آمیزید و راهها را می برید و در محفل خود مرتکب کارهای ناپسند می شوید؟ جواب قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می گویی عذاب خدا را

بر سر ما بیاور.(۳۰)گفت: ای پروردگار من، مرا بر مردم تبهکار نصرت ده .(۳۱)چون فرستادگان ما ابراهیم را مژده آوردند، گفتند: ما مردم این قریه را هلاک خواهیم کرد، که مردمی ستمکاره هستند.(۳۲)گفت: لوط در آنجاست. گفتند: ما بهتر می دانیم چه کسی در آنجاست. او و خاندانش را –جز زنش را که در همان جا خواهد ماند– نجات می دهیم.(۳۳)چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، غمگین شد و در کارشان بماند. گفتند: مترس و غمگین مباش، ما تو و خاندانت را –جز زنت را که در همان جا خواهد ماند– نجات می دهیم.(۳۴)ما بر مردم این قریه به سبب فسقی که مرتکب می شوند، از آسمان عذاب نازل می کنیم.(۳۵)هر آینه از آن قریه برای خردمندان عبرتی روشن بر جای گذاشتیم.(۳۶)و برادرشان شعیب را به مدین فرستادیم. گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید و به روز قیامت امیدوار باشید و در زمین به تبهکاری مکوشید.(۳۷)پس تکذیبش کردند و زلزله آنان را فرو گرفت و در خانه های خود بر جای مردند.(۳۸)و عاد و ثمود را هلاک کردیم. و این از مسکنهایشان برایتان آشکار است. شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و آنان را از راه بازداشت. و حال آنکه مردمی صاحب بصیرت بودند.(۳۹)و نیز قارون و فرعون و هامان را که موسی با دلیلهای روشن خود نزد آنها آمد. آنها در زمین سرکشی می کردند ولی نتوانستند از خدا بگریزند.(۴۰)همه را به گناهشان فرو گرفتیم: بر بعضی بادهای ریگبار فرستادیم، بعضی را فریاد سهمناک فرو گرفت، بعضی را در زمین فرو بردیم، بعضی را غرقه ساختیم. و خدا به آنها ستم نمی کرد، آنها خود به خویشتن ستم کرده بودند.(۴۱)مثل آنان که سوای خدا را اولیا، گرفتند، مثل عنکبوت است که خانه ای بساخت. و کاش می دانستند، هر آینه سسترین خانه ها خانه عنکبوت است.(۴۲)خدای یکتا می داند که چه چیزهایی را سوای او به خدایی می خوانند، و اوست پیروزمند و حکیم.(۴۳)این مثلها را برای مردم می زنیم و آنها را جز دانایان در نمی یابند.(۴۴)خدا آسمانها و زمین را به راستی بیافرید و در این عبرتی است برای مومنان.(۴۵)هر چه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن. و نماز بگزار، که نماز آدمی را از فحشا و منکر باز می دارد و ذکر خدا بزرگتر است و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۴۶)با اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه ای مجادله مکنید. مگر با آنها که ستم پیشه کردند. و بگویید: به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است ایمان آورده ایم. و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او گردن نهاده ایم.(۴۷)همچنان این کتاب را بر تو نازل کردیم و اهل کتاب به آن ایمان می آورند و از اینان نیز کسانی به آن ایمان می آورند و جز کافران کسی آیات ما را انکار نمی کند.(۴۸)تو پیش از قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی و به دست خویش کتابی نمی نوشتی . اگر چنان بود، اهل باطل به شک افتاده بودند.(۴۹)بلکه قرآن آیاتی است روشن، که در سینه اهل دانش جای دارد. و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند.(۵۰)و گفتند: چرا از جانب پروردگارش آیاتی بر او نازل نمی شود. بگو: جز این نیست که آیات در نزد خداست و جز این نیست که من بیمدهنده ای آشکار هستم.(۵۱)آیا آنان را بسنده نیست که بر تو کتاب فرستاده ایم و بر آنها خوانده می شود. در این کتاب برای مومنان رحمت و اندرز است.(۵۲)بگو: خدا به گواهی میان من و شما کافی است. آنچه را که در آسمانها و زمین است می داند. کسانی که به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند، زیانکارانند.(۵۳)از تو به شتاب عذاب را می طلبند. اگر آن را زمانی معین نبود، بر آنها نازل شده بود. و ناگهان و بی آنکه خبر شوند بر آنها فرود خواهد آمد.(۵۴)از تو به شتاب عذاب را می طلبند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد.(۵۵)روزی که عذاب از فراز سر و زیر پای ، آنها را در برگیرد و خدا بگوید: به خاطر اعمالی که می کرده اید اینک عذاب را بچشید.(۵۶)ای بندگان من که به من ایمان آورده اید، زمین من فراخ است، پس تنها مرا بپرستید.(۵۷)هر کسی چشنده طعم مرگ است. و به سوی ما باز گردانده شوید.(۵۸)کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در غرفه های بهشت جای دهیم. از زیر آن جویهای آب روان است. در آنجا جاودانه بمانند. عملکنندگان را چه نیکو مزدی است.(۵۹)آنها که شکیبایی ورزیدند و بر پروردگارشان توکل می کنند.(۶۰)چه بسیار جنبندگانی که یارای تحصیل روزی خویش ندارند و خدا آنها را و شما را روزی می دهد. و او شنوا و داناست.(۶۱)اگر از آنها بپرسی : چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و آفتاب و ماه را رام کرده است؟ خواهند گفت: خدای یکتا. پس، از چه روی عقیدت دیگرگون

می کنند.(۶۲)خـدا روزی هر یـک از بنـدگانش را کـه بخواهـد فراوان می کنـد یـا بر او تنگ می گیرد. زیرا خـدا بـه همـه چیز داناست.(۶۳)اگر از آنها بپرسی : چه کسی از آسمان باران فرستاد و زمین مرده را بدان زنده ساخت؟ خواهند گفت: خدای یکتا. بگو: سپاس خـدای راست. ولی بیشترینشان در نمی یابنـد.(۶۴)زنـدگانی این دنیـا چیزی جز لهـو و لعب نیست. اگر بداننـد، سـرای آخرت سرای زندگانی است.(۶۵)چون به کشتی نشستند خـدا را بـا اخلاص در دین او خواندنـد و چون نجاتشان داد و به خشـکی آورد. شرک آوردند،(۶۶)تا نعمتی را که به آنان عطا کرده بودیم کفران کننـد و برخوردار شوند. زودا که خواهند دانست.(۶۷)آیا ندانسته انـد که حرم را جای امن مردم قرار دادیم، حال آنکه مردم در اطرافشان به - اسارت ربوده می شوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند(۶۸)پس کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ می بندد یا به هنگامی که حق به سوی او آیـد تکـذیبش می کند؟ آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست(۶۹)کسانی را که در راه ما مجاهـدت کننـد، به راههای خویش هدایتشان می کنیم، و خدا با نیکوکاران است.(۷۰)

الروم

به نام خـدای بخشاینـده مهربان(۱)الف، لام، میم.(۲)رومیان مغلوب شدند،(۳)در نزدیـک این سـرزمین. و پس از مغلوب شـدن بار دیگر غالب خواهند شد،(۴)در مـدت چنـد سال. فرمان، فرمان خـداست، چه پیش از پیروزی و چه بعـد از آن. و در آن روز مومنان شادمان می شوند،(۵)به یاری خدا. خدا هر کس را که بخواهد یاری می کند، زیرا پیروزمند و مهربان است.(۶)خدا وعده داده است و وعـده خود خلاف نکنـد، ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۷)آنان به ظاهر زنـدگی دنیا آگاهنـد و از آخرت بی خبرنـد.(۸)آیا با خود نمی اندیشـند که خدا آسمانها و زمین را و هر چه را میان آنهاست، جز به حق و تا مدتی محدود، نیافریده است؟ و بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان ایمان ندارند.(۹)آیا در زمین نمی گردند، تا بنگرند که چگونه بوده است عاقبت کسانی که پیش از آنها می زیسته انـد؟ کسـانی که توانشـان بیشتر بوده است و زمین را به شـخم زدن زیر و رو کردن و بیشتر از ایشـان آبـادش ساخته بودنـد و پیامبرانی با معجزه ها بر آنها مبعوث شده بود. خدا به ایشان ستم نمی کرد، آنان خود به خویشتن ستم می کردند.(۱۰)سپس عاقبت آن کسان که مرتکب کارهای بـد شدند ناگوارتر بود. زیرا اینان آیات خدا را دروغ انگاشـتند و آنها را به مسـخره گرفتند.(۱۱)خدا موجودات را می آفریند، آنگاه دیگر بارشان باز می گرداند. آنگاه همه به سوی او باز گردانده می شوید.(۱۲)روزی که قیامت بر پا شود، گناهکاران حیرت زده بمانند.(۱۳)ایشان را از میان بتانشان شفیعانی نیست. و دیگر به بتان خود باور ندارند.(۱۴)و چون قیامت بر پـا شـود، در آن روز از یکـدیگر ببرنـد.(۱۵)امـا آنهـا که ایمـان آورده انـد و کارهـای شایسـته کرده انـد، در بـاغی به شادمـانی پردازند.(۱۶)و اما آنهایی که کافر شـده انـد و آیات ما را تکـذیب می کننـد و دیدار آخرت را دروغ می انگارند، همه را در عذاب حاضر آرند.(۱۷)خدا را بستایید بدان هنگام که به شب در می آیید و بدان هنگام که به صبح در می آیید.(۱۸)سپاس او راست در آسـمانها و زمین، به هنگام شب و به هنگامی که به نیمروز می رسیـد.(۱۹)زنـده را از مرده بیرون آرد و مرده را از زنـده . و زمین را پس از مردنش زنده می سازد و شما نیز این چنین از گورها بیرون شوید.(۲۰)از نشانه های قدرت اوست که شما را از خاک بیافرید تا انسان شدیـد و به هر سو پراکنـده گشتیـد.(۲۱)و از نشـانه هـای قـدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسـرانی آفریـد. تا به ایشان آرامش یابیـد، و میان شـما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرتهایی است برای مردمی که تفکر می کنند.(۲۲)و از نشانه های قـدرت اوسـت آفرینش آسـمانها و زمین، و اختلاف زبانهـا و رنگهایتـان. در این عبرتهـایی است برای دانایـان.(۲۳)و از نشـانه های قـدرت او خوابیـدن شـماست در شـب و روز و بـه طلب روزی برخاسـتن شـماست. در ایـن عبرتهـایی اسـت برای مردمی کـه می شنوند.(۲۴)و از نشانه های قدرت اوست که برق را به قصد بیم و امید، به شما می نمایاند. و از آسمان باران می فرستد تا زمین مرده را بدان زنده سازد. در این عبرتهایی است برای کسانی که به عقل در می یابند.(۲۵)و از نشانه های قدرت اوست که آسمان و زمین

به فرمان او بر پای ایستاده اند. سپس شما را از زمین فرا می خواند و شما از زمین بیرون می آیید.(۲۶)از آن اوست هر چه در آسمانها و زمین است، و همه فرمانبردار او هستند.(۲۷)اوست که موجودات را می آفریند، سپس آنها را باز می گرداند. و این کار بر او آسانتر است. او راست صفت برتری در آسمانها و زمین و اوست پیروزمند و حکیم.(۲۸)برای شما از خودتان مثلی می آورد: مگر بندگانتان در آنچه به شما روزی داده ایم با شما شریک هستند تا در مال با شما برابر باشند و همچنان که شما آزادان از یکدیگر می ترسید از آنها هم بیمناک باشید. آیات را برای مردمی که تعقل می کنند اینسان تفصیل می دهیم.(۲۹)آری ، ستمکاران بی هیچ دانشی از هوای نفس خود پیروی کرده اند. آن را که خدا گمراه کرده است چه کسی هدایت می کند. آنها را هیچ یاوری نیست.(۳۰)به یکتا پرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۳۱)به او باز گردید، و از او بترسید، و نماز بگزارید و از مشرکان مباشید.(۳۲)از آنان مباشید که دین خود را پاره پاره کردند و فرقه فرقه شدند و هر فرقه ای به هر چه داشت دلخوش بود.(۳۳)چون بر آدمیان زیانی رسد، پروردگارشان را بخوانند و به درگاه او توبه کنند، و چون رحمت خویش به آنها بچشاند، گروهی را بینی که به پروردگارشان شرک می آورند.(۳۴)پس نعمتی را که به آنها داده ایم کفران کنند. اکنون متمتع شوید. زودا که خواهید دانست.(۳۵)آیا برایشان دلیلی نازل کردیم تا از چیزی که با خدا شریک می سازند سخن گفته باشد.(۳۶)چون به مردم رحمتی بچشانیم، شادمان می شوند، و چون به سبب کارهایی که کرده اند رنجی به آنها رسد، ناگهان نومید می گردند.(۳۷)آیا نمی بینند که خدا روزی هر کس را که بخواهد فراوان می کند یا او را تنگ روزی می سازد؟ در این عبرتهایی است برای مردمی که ایمان می آورند.(۳۸)حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را ادا کن. این بهتر است برای کسانی که خشنودی خدا را می جویند و ایشان رستگارانند.(۳۹)مالی که به ربا می دهید تا در اموال مردم افزون شود، نزد خدا هیچ افزون نمی شود، و مالی که برای خشنودی خدا از بابت زکات می پردازید، کسانی که چنین کنند پاداش مضاعف دارند.(۴۰)خداست آن که شما را بیافرید، سپس روزی داد، سپس می میراند. سپس زنده می کند. آیا کسانی که شریک خدا می سازید، هیچ از این کارها توانند؟ منزه است او و از هر چه برایش شریک می آورند برتر است.(۴۱)به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشاند، باشد که بازگردند.(۴۲)بگو: در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت پیشینیان که بیشترینشان از مشرکان بودند چگونه بوده است.(۴۳)به دین پاک پایدار روی بیاور، پیش از آنکه روزی فرا رسد که از امر خدا باز گشتنش نباشد. در آن روز مردم دو گروه شوند:(۴۴)کسانی که کافر باشند کفرشان به زیانشان باشد و آنها که کاری شایسته کرده باشند برای خود پاداشی نیکو آماده کرده اند.(۴۵)تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از فضل خود پاداش دهد. زیرا خدا کافران را دوست ندارد.(۴۶)و از نشانه های قدرت او آنکه بادهای مژده دهنده را می فرستد، تا رحمت خود را به شما بچشاند و تا کشتیها به فرمان او روان باشند و از فضل او روزی بجویید. باشد که سپاس گویید.(۴۷)و پیش از تو پیامبرانی را بر قومشان فرستادیم. آنان با دلیلهای روشن خود نزدشان آمدند. و ما از کسانی که گناه کردند انتقام گرفتیم. و یاری دادن مومنان بر عهده ما بود.(۴۸)خداست که بادها را می فرستد تا ابرها را برانگیزد و چنان که خواهد بر آسمان بگسترد، و آن را پاره پاره کند و بینی که باران از خلال ابرها بیرون می آید. و چون باران را به هر که خواهد از بندگانش برساند شادمان شوند.(۴۹)اگر چه پیش از آنکه باران بر آنها ببارد نومید بوده اند.(۵۰)پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردنش زنده می کند. چنین خدایی زنده کننده مردگان است و بر هر کاری تواناست.(۵۱)و اگر بادی بفرستیم که کشته ها را زرد ببینند، از آن پس همه کافر شوند.(۵۲)تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی و اگر اینان نیز از تو باز گردند. آواز خود را به گوش آن کران نرسانی .(۵۳)تو هدایتکننده نابینایان از گمراهیشان نیستی . تو صدایت را تنها به گوش کسانی می رسانی که به آیات ما ایمان آورده اند و تسلیم شده اند.(۵۴)خداست که شما را ناتوان بیافرید، و پس از ناتوانی نیرومند ساخت، آنگاه پس از نیرومندی ناتوانی و پیری آورد. هر

چه بخواهد می آفریند و او دانا و تواناست.(۵۵)روزی که قیامت بر پا شود مجرمان سوگند خورند که جز ساعتی در گور نیارمیده اند. آری اینچنین از حق منحرف می شدند.(۵۶)آنان که دانش و ایمان داده شده اند، گویند: شما بر وفق کتاب خدا تا روز قیامت در گور آرمیده اید و این روز قیامت است و شما نمی دانسته اید.(۵۷)در این روز پوزش ستمکاران به حالشان سود ندهد و از آنها نخواهند که توبه کنند.(۵۸)ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثلی آورده ایم. و چون آیه ای برایشان بیاوری کافران خواهند گفت: شما یاوه گویانی بیش نیستید.(۵۹)اینچنین خدا بر دلهای کسانی که از دانایی بی بهره اند، مهر می نهد.(۶۰)پس صبر کن که وعده خدا حق است. مباد آنان که به مرحله یقین نرسیده اند، تو را بی ثبات و سبکسر گردانند.(۶۱)

لقمان

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف. لام. میم.(۲)اینها آیه های کتاب حکمت‌آمیز است.(۳)نیکوکاران را هدایت و رحمتی است:(۴)آنان که نماز می گزارند و زکات می دهند و به آخرت یقین دارند.(۵)اینان از جانب پروردگارشان هدایت یافته اند و اینان رستگارانند.(۶)بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده اند، تا به نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به مسخره می گیرند. نصیب اینان عذابی است خوارکننده .(۷)و چون آیات ما بر آنها خوانده شود، با خودپسندی روی برگردانند، چنان که گویی نشنیده اند. یا همانند کسی که گوشهایش سنگین شده باشد. او را به عذابی دردآور بشارت ده .(۸)نصیب آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، باغهای پر نعمت بهشت است.(۹)در آنجا جاویدانند، وعده خدا راست است. او پیروزمند و حکیم است.(۱۰)آسمانها را بی هیچ ستونی که ببینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکند تا نلرزاندتان و از هر گونه جنبنده ای در آن بپراکند. و از آسمان آب فرستادیم و در زمین هر گونه گیاه نیکویی رویانیدیم.(۱۱)این آفرینش خداست. پس به من بنمایانید آنها که غیر او هستند چه آفریده اند. بلکه ظالمان در گمراهی آشکاری هستند.(۱۲)هر آینه به لقمان حکمت دادیم و گفتیم: خدا را سپاس گوی ، زیرا هر که سپاس گوید به سود خود سپاس گفته ، و هر که ناسپاسی کند خدا بی نیاز و ستودنی است.(۱۳)و لقمان به پسرش گفت –و او را پند می داد– که : ای پسرک من، به خدا شرک میاور، زیرا شرک ستمی است بزرگ.(۱۴)آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او حامله شد و هر روز ناتوانتر می شد و پس از دو سال از شیرش باز گرفت. و سفارش کردیم که : مرا و پدر و مادرت را شکر گوی که سرانجام تو نزد من است.(۱۵)اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی دانی چیست با من شریک گردانی اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من باز می گردانند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من است و من از کارهایی که می کرده اید آگاهتان می کنم.(۱۶)ای پسرک من، اگر عمل به قدر یک دانه خردل در درون صخره ای یا در آسمانها یا در زمین باشد، خدا به حسابش می آورد، که او ریزبین و آگاه است.(۱۷)ای پسرک من، نماز بگزار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر هر چه بر تو رسد صبر کن که این از کارهایی است که نباید سهلش انگاشت.(۱۸)به تکبر از مردم روی مگردان و به خودپسندی بر زمین راه مرو، زیرا خدا هیچ به ناز خرامنده فخر فروشی را دوست ندارد.(۱۹)در رفتارت راه میانه را برگزین و آوازت را فرود آر، زیرا ناخوشترین بانگها بانگ خران است.(۲۰)آیا ندیده اید که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین است رام شما کرده است و نعمتهای خود را چه آشکار و چه پنهان به تمامی بر شما ارزانی داشته ؟ و پاره ای از مردم بی هیچ دانشی یا راهنمایی و کتاب روشنی ، درباره خدا جدال می کنند.(۲۱)و چون به آنها بگویند: از آنچه خدا نازل کرده است متابعت کنید. گویند: نه ، ما از آیینی که پدران خود را بر آن یافته ایم متابعت می کنیم. اگر چه شیطان به عذاب آتششان فراخوانده باشد.(۲۲)هر که روی خویش به خدا کند و نیکوکار باشد هر آینه به دستگیره استواری چنگ زده است، و پایان همه کارها به سوی خداست.(۲۳)آن کس که کافر شده است کفرش تو را غمگین نسازد. بازگشتشان نزد ماست. پس به کارهایی که کرده اند آگاهشان می کنیم. زیرا خدا به آنچه

در دلها می گـذرد آگاه است.(۲۴)اندکی کامیابشان می سازیم، سپس به بیچارگی به عذاب سـختشان می کشانیم.(۲۵)اگر از آنها بپرسـی : چه کسـی آسـمانها و زمین را آفریـده است. خواهنـد گفت: خـدا. بگو: سپاس خـدا را. بلکه بیشترشان نادانند.(۲۶)از آن خداست آنچه در آسمانها و زمین است و خدا بی نیاز و ستودنی است.(۲۷)و اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و دریا مرکب و هفت دریای دیگر به مـددش بیایـد، سـخنان خـدا پایان نمی یابـد. و خدا پیروزمند و حکیم است.(۲۸)آفرینش همه شـما و باز زنده کردنتان تنها همانند زنده کردن یک تن است. هر آینه خدا شنوا و بیناست.(۲۹)آیا ندیده ای که خدا از شب می کاهد و به روز می افزایـد و از روز می کاهـد و به شب می افزاید و آفتاب و ماه را رام خود ساخت که هر یک تا زمانی معین در حرکت است؟ و خدا به کارهایی که می کنیـد آگاه است.(۳۰)این بـدان سـبب است که خـدای یکتا حق است و هر چه به جز او می خوانند باطل است و خداست بلندمرتبه و بزرگوار.(۳۱)آیا ندیـده ای که کشتی به نعمت خدا در دریا روان می شود تا خدا پاره ای از آیات قدرت خود را به شما بنمایاند؟ در این، برای مردم شکیبای سپاسگزار عبرتهاست.(۳۲)و چون موجهای عظیم همانند ابرها آنها را فرو پوشد، خدا را از روی اخلاص در دین بخواننـد. و چون نجاتشـان دهـد و به خشـکی برد. برخی به عهـد خویش وفـا کننـد. و جز غـداران کافر نعمت، آیات ما را انکار نکنند.(۳۳)ای مردم، از پروردگارتان بترسید و از روزی که هیچ پدری کیفر فرزند را به عهده نگیرد و هیچ فرزنـدی کیفر پـدر را عهـده دار نشود پروا کنیـد. وعـده خـدا حق است. زندگی دنیا فریبتان ندهد و نیز شـیطان فریبکار به کرم خدا مغرورتان نسازد.(۳۴)خـداست که می دانـد که قیـامت چه وقت می آیـد. اوست که باران می بارانـد و از آنچه در رحمهاست آگاه است. و هیچ کس نمی داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی داند که در کدام زمین خواهد مرد. خدا دانا و آگاه است.(۳۵)

السجدهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)الف. لام. میم.(۲)نازل شـدن این کتاب، که در آن هیچ شـکی نیست، از جانب پروردگار جهانیان است.(۳)آیـا می گوینـد دروغی است که خود به هم بافته ؟ نه ، سـخنی است بر حق از جانب پروردگارت، تا مردمی را که پیش از تو بیمدهنـده ای نداشـته انـد بیم دهی . شاید به راه هدایت افتند.(۴)خداست که آسـمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شـش روز بیافرید و آنگاه به عرش پرداخت. شما را جز او کارساز و شفیعی نیست. آیا پند نمی گیرید.(۵)کار را از آسمان تا زمین سامان می دهد. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال است –چنان که می شـمارید– به سوی او بالا می رود.(۶)اوست که دانای نهان و آشـکار اسـت. پیروزمنـد و مهربـان است.(۷)آن کـه هر چـه را آفریـد بـه نیکـوترین وجـه آفریـد و خلقـت انسـان را از گـل آغـاز کرد.(۸)سـپس نسل او را از عصاره آبی بی مقدار پدید آورد.(۹)آنگـاه بالای او راست کرد و از روح خود در آن بدمیـد. و برایتان گوش و چشـمها و دلها آفریـد. چه انـدک شـکر می گوییـد.(۱۰)و گفتنـد: آیـا وقـتی که در زمین ناپدیـد شویم، آفرینش تـازه ای خواهیم یافت؟ آری ، ایشان به دیدار با پروردگارشان ایمان ندارند.(۱۱)بگو: فرشته مرگ که موکل بر شماست، شما را می میراند. سپس به سوی پروردگارتان باز گردانیده می شوید.(۱۲)تو را عبرت است آنگاه که مجرمان را در نزد پروردگارشان سرافکنده بینی . گویند: ای پروردگار ما، دیدیم و شـنیدیم. اکنون ما را باز گردان تا کاری شایسته کنیم، که اینک به یقین رسیده ایم.(۱۳)اگر می خواسـتیم، هـدایت هر کس را بـه او ارزانی می داشـتیم. ولی وعـده مـن کـه جهنـم را از همـه جنیـان و آدمیـان پر می کنـم، حق است.(۱۴)به کیفر آنکه دیـدار چنین روزی را فراموش کرده بودید، اکنون بچشید. ما نیز شـما را از یاد برده ایم. به سـزای کارهایی که می کرده اید عذاب جاوید را بچشید.(۱۵)تنها کسانی به آیات ما ایمان آورده اند که چون آیات ما را بشـنوند به سجده بیفتند و پروردگارشان را به پاکی بستایند و سرکشی نکنند.(۱۶)از بستر خواب پهلو تهی می کنند، پروردگارشان را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنهـا داده ایم انفـاق می کننـد.(۱۷)و هیـچ کس از آن مـایه شادمـانی خبر نـدارد که به پـاداش کارهـایی که می کرده

برایش اندوخته شده است.(۱۸)آیا آن کس که ایمان آورده همانند کسی است که عصیان می ورزد. نه ، برابر نیستند.(۱۹)اما آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، به پاداش اعمالی که می کرده اند منزلگاهی در باغهای بهشت خواهند یافت.(۲۰)و اما عصیانپیشگان، منزلگاهشان آتش است. هرگاه که بخواهند از آن بیرون آیند، بار دیگر آنها را به درون آتش باز گردانند و بگویندشان: بچشید عذاب آتشی را که دروغش می پنداشتید.(۲۱)و عذاب دنیا را پیش از آن عذاب بزرگتر به ایشان بچشانیم، باشد که باز گردند.(۲۲)کیست ستمکارتر از آن کسی که او را به آیات پروردگارش پند دهند ولی اعراض کند؟ ما از مجرمان انتقام می گیریم.(۲۳)هر آینه به موسی کتاب دادیم. از دیدار او در تردید مباش. و آن را راهنمای بنی اسرائیل قرار دادیم.(۲۴)از میان آن قوم پیشوایانی پدید آوردیم که چون صبوری پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند، به فرمان ما به هدایت مردم پرداختند.(۲۵)هر آینه پروردگار تو در روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند میانشان داوری خواهد کرد.(۲۶)آیا آن همه مردمی را که پیش از ایشان هلاک کردیم و اکنون اینان در خانه هایشان راه می روند سبب هدایتشان نشد؟ در این عبرتهاست، چرا نمی شنوند.(۲۷)آیا نمی بینند که آب را به زمین خشک و بی گیاه روانه می سازیم تا کشتزارها برویانیم و چارپایان و خودشان از آن بخورند؟ چرا نمی بینند.(۲۸)می گویند: اگر راست می گویید، پیروزی چه وقت خواهد بود.(۲۹)بگو: در روز پیروزی ، ایمان آوردن کافران سودشان ندهد، و مهلتشان ندهند.(۳۰)پس، از ایشان اعراض کن و منتظر باش، که آنها نیز در انتظارند.(۳۱)

الأحزاب

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای پیامبر، از خدا بترس و از کافران و منافقان اطاعت مکن. زیرا خدا دانا و حکیم است.(۲)از هر چه از پروردگارت به تو وحی می شود اطاعت کن. زیرا خدا بدانچه می کنید آگاه است.(۳)و بر خدا توکل کن، زیرا خدا کارسازی را بسنده است.(۴)خدا در درون هیچ مردی دو قلب ننهاده است. و زنانتان را که مادر خود می خوانید مادرتان قرار نداد و فرزند خواندگانتان را فرزندانتان نساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می گویید و سخن حق از آن خداست و اوست که راه می نماید.(۵)پسر خواندگان را به نام پدرشان بخوانید که در نزد خدا منصفانه تر است. اگر پدرشان را نمی شناسید، برادران دینی و موالی شما باشند. اگر پیش از این خطایی کرده اید باکی نیست، مگر آنکه به قصد دل کنید. و خدا آمرزنده و مهربان است.(۶)پیامبر به مومنان از خودشان سزاتر است و زنانش مادران مومنان هستند و در کتاب خدا خویشاوندان نسبی از مومنان و مهاجران به یکدیگر سزاوارترند، مگر آنکه بخواهید به یکی از دوستان خود نیکی کنید. و این حکم در کتاب خدا مکتوب است.(۷)و آن هنگام که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه آنها پیمانی سخت گرفتیم.(۸)تا راستگویان را از صدقشان بپرسد، و برای کافران عذابی دردآور مهیا کرده است.(۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمتی که خدا به شما داده است یاد کنید، بدان هنگام که لشکرها بر سر شما تاخت آوردند و ما باد را و لشکرهایی را که نمی دیدید بر سرشان فرستادیم و خدا بدانچه می کردید بینا بود.(۱۰)آنگاه که از سمت بالا و از سمت پایین بر شما تاختند، چشمها خیره شد و دلها به گلوگاه رسیده بود و به خدا گمانهای گوناگون می بردید.(۱۱)در آنجا مومنان در معرض امتحان در آمدند و سخت متزلزل شدند.(۱۲)زیرا منافقان و آنهایی که در دلهایشان بیماری است، می گفتند: خدا و پیامبرش جز فریب به ما وعده ای نداده اند.(۱۳)و گروهی از آنها گفتند: ای مردم یثرب، اینجا جای ماندنتان نیست. باز گردید، و گروهی از آنها از پیامبر رخصت طلبیدند. می گفتند: خانه های ما را حفاظی نیست. خانه هایشان بی حفاظ نبود. می خواستند بگریزند.(۱۴)و اگر از اطراف، خانه هایشان را محاصره کنند و از آنها بخواهند که مرتد شوند، مرتد خواهند شد و جز اندکی درنگ روا نخواهند داشت.(۱۵)اینان پیش از این با خدا پیمان بسته بودند که در جنگ به دشمن پشت نکنند. خدا از پیمان خود بازخواست خواهد کرد.(۱۶)بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، هرگز گریختن سودتان ندهد. و آنگاه از زندگی جز اندکی بهره مند نخواهید شد.(۱۷)بگو: اگر خدا

برایتان قصد بدی داشته باشد یا بخواهد به شما رحمتی ارزانی دارد، کیست که شما را از اراده او نگه دارد. ایشان جز خدا برای خود دوست و مددکاری نخواهند یافت.(۱۸)خدا می داند چه کسانی از شما مردم را از جنگ باز می دارند. و نیز می شناسد کسانی را که به برادران خود می گویند: به نزد ما بیایید. و جز اندکی به جنگ نمی آیند.(۱۹)هر خیری را از شما دریغ می دارند، و چون وحشت فراز آید بینی که به تو می نگرند و چشمانشان در حدقه می گردد مثل کسی که از مرگ بیهوش شده باشد. و چون وحشت از میان برود، از حرص غنایم با زبان تیز خود برنجانندتان. اینان ایمان نیاورده اند. و خدا اعمالشان را تباه کرده است و این کار بر خدا آسان بوده است.(۲۰)می پندارند که سپاه احزاب نرفته است. و اگر آن لشکرها باز می آمدند، آرزو می کردند که کاش در میان اعراب بادیه نشین می بودند و همواره از اخبار شما می پرسیدند. اگر هم در میان شما می بودند، جز اندکی قتال نمی کردند.(۲۱)برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می دارید و خدا را فراوان یاد می کنید، شخص رسول الله مقتدای پسندیده ای است.(۲۲)و چون مومنان آن گروهها را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده اند و خدا و پیامبرش راست گفته اند. و جز به ایمان و تسلیمشان نیفزود.(۲۳)از مومنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند. بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکرده اند.(۲۴)تا خدا راستگویان را به سبب راستی گفتارشان پاداش دهد و منافقان را اگر خواهد عذاب کند یا توبه آنها را بپذیرد، که خدا آمرزنده و مهربان است.(۲۵)خدا کافران کینه توز را باز پس زد. اینان به هیچ غنیمتی دست نیافتند. و در کارزار مومنان را خدا بسنده است. زیرا خدا پرتوان و پیروزمند است.(۲۶)از اهل کتاب آن گروه را که به یاریشان برخاسته بودند از قلعه هایشان فرود آورد و در دلهایشان بیم افکند. گروهی را کشتید و گروهی را به اسارت گرفتید.(۲۷)خدا زمین و خانه ها و اموالشان و زمینهایی را که بر آنها پای ننهاده اید به شما واگذاشت. و خدا بر هر کاری تواناست.(۲۸)ای پیامبر، به زنانت بگو: اگر خواهان زندگی دنیا و زینتهای آن هستید، بیایید تا شما را بهره مند سازم و به وجهی نیکو رهایتان کنم.(۲۹)و اگر خواهان خدا و پیامبر او و سرای آخرت هستید، خدا به نیکوکارانتان پاداشی بزرگ خواهد داد.(۳۰)ای زنان پیامبر، هر کس از شما مرتکب کار زشت در خور عقوبت شود، خدا عذاب او را دو برابر می کند. و این بر خدا آسان است.(۳۱)و هر کس از شما که به فرمانبرداری خدا و پیامبرش مداومت ورزد و کاری شایسته کند، دوبار به او پاداش دهیم. و برای او رزقی کرامند آماده کرده ایم.(۳۲)ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد. و سخن پسندیده بگویید.(۳۳)و در خانه های خود بمانید. و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می کردند، زینتهای خود را آشکار مکنید. و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهلبیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.(۳۴)آنچه را در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می شود، یاد کنید، که خدا باریکبین و آگاه است.(۳۵)خدا برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مومن و زنان مومن و مردان اهل طاعت و زنان اهل طاعت و مردان راستگوی و زنان راستگوی و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان خدای ترس و زنان خدای ترس و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردانی که شرمگاه خود حفظ می کنند و زنانی که شرمگاه خود حفظ می کنند و مردانی که خدا را فراوان یاد می کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، آمرزش و مزدی بزرگ آماده کرده است.(۳۶)هیچ مرد مومن و زن مومنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکمی کردند آنها را در آن کارشان اختیاری باشد. هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است.(۳۷)و تو، به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی . گفتی : زنت را برای خود نگهدار و از خدای بترس. در حالی که در دل خود آنچه را خدا آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی ، حال آنکه خدا از هر کس دیگر سزاوارتر بود که از او بترسی . پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، به همسری تواش درآوردیم تا مومنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، منعی نباشد. و حکم خداوند شدنی است.(۳۸)بر

پیامبر در انجام دادن آنچه خدا بر او مقرر کرده است حرجی نیست، همچنان که خدا برای پیامبران پیشین نیز چنین سنتی نهاده بود و فرمان خدا فرمانی است بی هیچ زیاده و نقصان.(۳۹)کسانی که پیامهای خدا را می رسانند و از او می ترسند و از هیچ کس جز او نمی ترسند، خدا برای حساب کردن اعمالشان کافی است.(۴۰)محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است. و خدا به هر چیزی داناست.(۴۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را فراوان یاد کنید.(۴۲)و هر بامداد و شبانگاه تسبیحش گویید.(۴۳)اوست که خود و فرشتگانش بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکی به روشنی برد، زیرا خداوند با مومنان مهربان است.(۴۴)روزی که با او دیدار کنند درودشان این است: سلام. و خدا برایشان پاداشی کرامند آماده کرده است.(۴۵)ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده دهنده و بیمدهنده باشی .(۴۶)و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوانی ، و چراغی تابناک باشی .(۴۷)و مومنان را بشارت ده که از سوی خدا برایشان فضیلتی بزرگ آمده است.(۴۸)از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، که خدا کارسازی را بسنده است.(۴۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون زنان مومن را نکاح کردید و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان گفتید، شما را بر آنها عده ای نیست که به سر آرند. پس آنان را برخوردار کنید و به نیکوترین وجه رهایشان کنید.(۵۰)ای پیامبر، ما زنانی را که مهرشان را داده ای و آنان را که به عنوان غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته است مالک شده ای و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر داییها و دختر خاله های تو را که با تو مهاجرت کرده اند بر تو حلال کردیم، و نیز زن مومنی را که خود را به پیامبر بخشیده باشد، هرگاه پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد. این حکم ویژه توست نه دیگر مومنان. ما می دانیم درباره زنانشان و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید. و خدا آمرزنده و مهربان است.(۵۱)از زنان خود هر که را خواهی به نوبت موخر دار و هر که را خواهی با خود نگهدار. و اگر از آنها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست. در این گزینش و اختیار باید که شادمان باشند و غمگین نشوند و از آنچه همگیشان را ارزانی می داری باید که خشنود گردند و خدا می داند که در دلهای شما چیست. و خداست که دانا و بردبار است.(۵۲)بعد از این زنان، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان اختیار کردن، هرچند تو را از زیبایی او خوش آید، مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد. و خدا مراقب هر چیزی است.(۵۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه های پیامبر داخل مشوید مگر شما را به خوردن طعامی فرا خوانند، بی آنکه منتظر بنشینید تا طعام حاضر شود. اگر شما را فرا خواندند داخل شوید و چون طعام خوردید پراکنده گردید. نه آنکه برای سرگرمی سخن آغاز کنید. هر آینه این کارها پیامبر را آزار می دهد و او از شما شرم می دارد. ولی خدا از گفتن حق شرم نمی دارد. و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید. از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دلهای شما و هم برای دلهای آنها پاک دارنده تر است. شما را نرسد که پیامبر خدا را بیازارید، و نه آنکه زنهایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید. این کارها در نزد خدا گناهی بزرگ است.(۵۴)اگر چیزی را آشکار کنید یا مخفی دارید، در هر حال خدا به هر چیزی آگاه است.(۵۵)زنان را گناهی نیست اگر در نزد پدر و پسر و برادر و برادر زاده و خواهر زاده و زنان همدین و یا کنیزان خود بی حجاب باشند. و باید از خدا بترسید که خدا بر هر چیزی ناظر است.(۵۶)خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او صلوات فرستید و سلام کنید، سلامی نیکو.(۵۷)هر آینه کسانی را که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خدا در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خوارکننده مهیا کرده است.(۵۸)و کسانی که مردان مومن و زنان مومن را بی هیچ گناهی که کرده باشند می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را بر دوش می کشند.(۵۹)ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسبتر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده و مهربان است.(۶۰)اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است و آنها که در مدینه شایعه می پراکنند از کار خود باز نایستند، تو را بر آنها مسلط می گردانیم تا از آن پس جز اندکی با تو در شهر همسایه نباشند.(۶۱)اینان لعنت شدگانند. هرجا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند.(۶۲)این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بود و در سنت خدا تغییری نخواهی

یافت.(۶۳)مردم تو را از قیامت می پرسند، بگو: علم آن نزد خداست. و تو چه می دانی ، شاید قیامت نزدیک باشد.(۶۴)خدا کافران را لعنت کرده و برایشان آتشی سوزان مهیا کرده است.(۶۵)که در آن جاودانه اند و هیچ دوست و یاوری نخواهند یافت.(۶۶)روزی که صورتهایشان را در آتش بگردانند، می گویند: ای کاش خدا را اطاعت کرده بودیم و رسول را اطاعت کرده بودیم.(۶۷)و گفتند: ای پروردگار ما، از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه کردند.(۶۸)ای پروردگار ما، عذابشان را دو چندان کن و به لعنت بزرگی گرفتارشان ساز.(۶۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، مباشید مانند آن کسان که موسی را آزرده کردند. و خدایش از آنچه گفته بودند مبرایش ساخت و نزد خدا آبرومند بود.(۷۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و سخن درست بگویید.(۷۱)خدا کارهای شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بیامرزد. و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند به کامیابی بزرگی دست یافته است.(۷۲)ما این امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، از تحمل آن سر باززدند و از آن ترسیدند. انسان آن امانت بر دوش گرفت، که او ستمکار و نادان بود.(۷۳)تا خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان مومن و زنان مومن را بپذیرد، که خدا آمرزنده و مهربان است.(۷۴)

سبأ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ستایش از آن خدایی است که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن اوست. و در آن جهان نیز ستایش از آن اوست و او حکیم و آگاه است.(۲)هر چه را که در زمین فرو شود و هر چه را که از زمین بیرون آید و هر چه را که از آسمان فرود آید و هر چه را که بر آسمان بالا ـ رود، می داند. و او مهربان و آمرزنده است.(۳)کافران گفتند: ما را قیامت نخواهد آمد. بگو: آری ، به پروردگارم آن دانای غیب سوگند که شما را خواهد آمد. به قدر ذره ای یا کوچکتر از آن و یا بزرگتر از آن در آسمانها و زمین از خدا پنهان نیست، و همه در کتاب مبین آمده است.(۴)تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پاداش دهد. برای آنهاست آمرزش و رزقی کرامند.(۵)و آنان که با آیات ما در افتادند تا ما را به عجز آرند، برایشان عذابی است سخت دردآور.(۶)آنان که از دانش برخورداری یافته اند می دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است حق است و به راه خدای پیروزمند ستودنی راه می نماید.(۷)کافران گفتند: آیا می خواهید به مردی دلالتتان کنیم که شما را می گوید: آنگاه که پاره پاره شوید و ریز ریز، از نو آفریده خواهید شد.(۸)آیا بر خدا دروغ می بندد، یا دیوانه است؟ نه ، آنان که به آخرت ایمان ندارند، در عذابند و سخت از راه دورند.(۹)آیا به پیش روی یا پشت سر خود از آسمانها و زمین نمی نگرند. اگر بخواهیم، آنها را در زمین فرو می بریم یا قطعه ای از آسمان را بر سرشان می افکنیم. و در این برای هر بنده ای که به خدا باز می گردد عبرتی است.(۱۰)داوود را از سوی خود فضیلتی دادیم که : ای کوهها و ای پرندگان، با او همآواز شوید. و آهن را برایش نرم کردیم.(۱۱)که زرههای بلند بساز و در بافتن زره اندازه ها را نگهدار. و کارهای شایسته کنید، که من به کارهایتان بصیرم.(۱۲)و باد را مسخر سلیمان کردیم. بامدادان یک ماهه راه می رفت و شبانگاه یک ماهه راه . و چشمه مس را برایش جاری ساختیم و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان سر از فرمان ما می پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشانیدیم.(۱۳)برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم بر جای ، می ساختند. ای خاندان داوود. برای سپاسگزاری کاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند.(۱۴)چون حکم مرگ را بر او راندیم حشره ای از حشرات زمین مردم را بر مرگش آگاه کرد: عصایش را جوید. چون فرو افتاد، دیوها دریافتند که اگر علم غیب می دانستند، در آن عذاب خوارکننده نمی ماندند.(۱۵)مردم سبا را در مساکنشان عبرتی بود: دو بوستان داشتند، یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ. از آنچه پروردگارتان به شما روزی داده است بخورید و شکر او به جای آورید. شهری خوش و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده .(۱۶)اعراض کردند. ما نیز سیل ویرانگر را بر آنها فرستادیم و دو بوستانشان را به دو بوستان بدل

کردیم با میوه ای تلخ و شوره گز و انـدکی سدر.(۱۷)آنها را که ناسپاس بودند اینچنین جزا دادیم. آیا ما جز ناسپاسان را مجازات می کنیم.(۱۸)میـان آنـان و قریـه هـایی که برکت داده بـودیم، قریه هـایی آبـادان و بر سـر راه پدیـد آوردیم. و منزلهـای برابر معین کردیم. در آن راهها ایمن از گزند، شبها و روزها سفر کنید.(۱۹)بر خویشـتن ستم کردند و گفتند: ای پروردگار ما، منزلگاههای ما را از هـم دور گردان. مـا نیز افسـانه روزگارشـان گردانیـدیم و سـخت پراکنـده شـان سـاختیم و در ایـن عبرتهـاست برای شـکیبایان سپاسگزار.(۲۰)شـیطان گمان خود را درباره آنها درست یافت. و جز گروهی از مومنان، دیگران از او پیروی کردند.(۲۱)و شیطان را بر آنان تسلطی نبود، مگر آنکه می خواستیم معلوم داریم که چه کسانی به قیامت ایمان دارند و چه کسانی از آن در شک هستند. و پروردگار تو نگهبان هر چیزی است.(۲۲)بگو: بخوانیـد کسانی را که جز خدای یکتا خدا می پندارید. مالک ذره ای در آسـمانها و زمین نیسـتند و در آفرینش آن دو شـرکتی نداشـته انـد و خدا را از میان آنها یاریگری نبوده است.(۲۳)شـفاعت نزد خدا سود نکند، مگر درباره کسی که او خود اجازت دهد. و چون بیم از دلهایشان برود، گویند: پروردگارتان چه گفت. گویند: سخن حق گفت. و او بلندمرتبه و بزرگ است.(۲۴)بگو: از آسـمانها و زمین چه کسـی به شـما روزی می دهد؟ بگو: خدای یکتا. اینک ما و شـما یا در طریق هدایت هستیم یا در گمراهی آشکار.(۲۵)بگو: اگر ما مرتکب جرمی شویم، شـما را بازخواست نمی کنند و اگر شما مرتکب کاری زشت گردیـد ما را بازخواست نخواهند کرد.(۲۶)بگو: پروردگار ما، ما و شـما را گرد می آورد، سپس میان ما به حق داوری می کنـد. زیرا اوست حکمکننده و دانا.(۲۷)بگو: آنهایی را که شـریک خـدا پنداشتیـد به من نشان بدهیـد. هرگز. که اوست خدای پیروزمند و حکیم.(۲۸)تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر بر همه مردم، مژده دهنده و بیمدهنده . ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۲۹)و می گوینـد: اگر راست می گوییـد، این وعده چه وقت فرا رسد.(۳۰)بگو: آن روز که میعاد شـماست، نه ساعتی تاخیر کنیـد و نه ساعتی پیش افتید.(۳۱)و کافران گفتند: ما نه به این قرآن ایمان می آوریم و نه به کتابهای پیش از آن. اگر ببینی ، آن روز که ستمکاران را به پیشـگاه پروردگارشـان نگهدارنـد، هر کس گنـاه خـود به گردن دیگری انـدازد. زبـون شـدگان به قدرتمنـدان گوینـد: اگر شـما نبودید، ما ایمان آورده بودیم.(۳۲)قدرتمندان به زبون شدگان گویند: آیا از آن پس که شـما را به راه هدایت فرا خواندند، ما شـما را باز داشتیم؟ نه ، شـما خود گناهکار بودید.(۳۳)زبون شدگان به قدرتمندان گویند: نه ، شـما شب و روز حیلت می کردید، آنگاه که ما را فرمان می دادید که به خدای یکتا کافر شویم و برای او همتایانی قرار دهیم. و چون عذاب را ببینند در دل پشیمانی کنند. و ما غلها را بر گردن کافران بگـذاریم. آیا نه چنین است که در برابر اعمالشان مجازات می شوند.(۳۴)ما هیچ بیمدهنده ای به قریه ای نفرسـتادیم، جز آنکه توانگران عیاشـش گفتند: ما به آنچه شما را بدان فرستاده اند ایمان نمی آوریم.(۳۵)و گفتند: اموال و اولاد ما از همه بیشتر است و کس ما را عذاب نکند.(۳۶)بگو: پروردگار من است که روزی هر کس را که بخواهـد فراوان می کند و بر هر که بخواهـد تنگ می گیرد. ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۳۷)اموال و اولادتـان چیزی نیست که شـما را به ما نزدیک سازد. مگر آنان که ایمـان آورده انـد و کارهـای شایسـته کرده انـد، که پـاداش اینان به سـبب اعمالشان دو برابر است و ایمن در غرفه ههای بهشـت هستند.(۳۸)آنان که به آیات ما می تازنـد و می پندارنـد که از ما می گریزند، طعمه عذابند.(۳۹)بگو: پروردگار من است که روزی هر که از بنـدگانش را که بخواهـد فراوان می کنـد یا او را به تنگی می افکند. و اگر چیزی انفاق کنید. عوضـش را خواهد داد و او بهـترین روزی دهنـدگان اسـت.(۴۰)روزی کـه همـه را گرد آورد، آنگـاه ملائـکه را گویـد: آیـا اینـان بودنـد کـه شـما را می پرستیدند.(۴۱)می گوینـد: تو منزهی . تویی ولی ما، نه آنها. اینان جنها را می پرستیدند و بیشترین به آنها ایمان داشـتند.(۴۲)آن روز به یکـدیگر هیـچ سود و زیانی نتوانیـد رسانـد. و به سـتمکاران گوییم: بچشـید عذاب آتشـی را که دروغش می انگاشتید.(۴۳)چون آیات روشن ما بر آنان خوانـده شـد، گفتند: جز این نیست که این مردی است که می خواهد شـما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند باز دارد. و گفتنـد: این جز دروغی به هم بافته ، چیز دیگری نیست. و کسانی که به خـدا کافر شـده بودنـد، چون سـخن حق بر آنها نازل شـد گفتنـد: این چیزی جز جادویی آشـکار نیست.(۴۴)پیش از ایـن، کتـابی که آن را بخواننـد به آنهـا نـداده ایم و پیش از تو

بیمدهنده ای بر آنان نفرستاده ایم.(۴۵)و کسانی که پیش از آنها بودنـد پیامبران را تکـذیب کردنـد و اینان خود به ده یک آنچه به آنها داده بودیم نرسیده اند، و با این حال پیامبران مرا تکذیب کردند. پس عقوبت من چه سخت بود.(۴۶)بگو: شما را به یک چیز اندرز می دهم: دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید. سپس بیندیشید، تا بدانید که در یار شما دیوانگیی نیست. اوست که شما را از آمدن عذابی شدید می ترساند.(۴۷)بگو: هر مزدی که از شما طلبیده ام، از آن خودتان باد. مزد من تنها بر عهده خداست. اوست که بر هر کـاری ناظر است.(۴۸)بگو: پروردگار من الهامبخش سخن حق است. دانای غیبهاست.(۴۹)بگو: حق فراز آمـد و باطل باز نیاید و یارای بازگشتنش نیست.(۵۰)بگو: اگر من گمراه شوم زیـانش بر من است، و اگر به راه هـدایت روم بـدان سبب است که پروردگار من به من وحی می کنـد. او شنوا و نزدیک است.(۵۱)اگر ببینی ، آنگاه که سخت بترسنـد و رهاییشان نباشد و از مکانی نزدیک گرفتارشان سازند،(۵۲)گوینـد: اینک به رسول ایمان آوردیم. اما از آن جای دور چسان به آن دست یابند.(۵۳)پیش از این به او کـافر شـده بودنـد و به گمـان خویش به او تهمت می زدنـد.(۵۴)میـان آنهـا و آن آرزو که دارنـد جـدایی افتاد. همچنان که با دیگران که چنین می اندیشیدند و سخت در تردید بودند، نیز چنین شد.(۵۵)

فاطر

به نام خـدای بخشاینـده مهربان(۱)سـتایش از آن خداونـد است، آفریننـده آسـمانها و زمین، آن که فرشـتگان را رسولاـن گردانیـد. فرشـتگانی کـه بالهـایی دارنـد، دو دو و سه سه و چهـار چهـار. در آفرینش هر چه بخواهـد می افزایـد، زیرا خـدا بر هر کـاری تواناست.(۲)رحمتی که خـدا بر مردم بگشایـد کس نتوانـد که بازش دارد. و چون چیزی را دریغ دارد کس نتواند جز او که روانش دارد. و اوست پیروزمنـد و حکیم.(۳)ای مردم، نعمتی را که خـدا بر شـما ارزانی داشـته است یاد کنید. آیا جز خدا آفریننده دیگری هست که شـما را از آسـمان و زمین روزی دهـد؟ خـدایی جز او نیست، پس چگونه از حق منحرفتان می کنند.(۴)اگر تو را تکذیب کرده انـد، پیامبرانی را هم که پیش از تو بوده انـد تکـذیب کرده انـد و همه کارها به خدا باز گردانده شود.(۵)ای مردم، وعده خدا حق است. زندگی دنیا شـما را نفریبد، و آن شیطان فریبنده به خدا مغرورتان نگرداند.(۶)شیطان دشمن شماست. او را دشمن گیرید. او فرمانبران خویش را فرا می خوانـد تا همه از دوزخیان باشـند.(۷)و کافران را عـذابی است سـخت، و برای کسانی که ایمان آورده انـد و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و اجر بزرگی است.(۸)آیا آن که کردار بـدش در نظرش آراسـته شده ، چنان که نیکویش پنـداشت، هماننـد کسـی است که چنین نیست؟ پس خـدا هر که را خواهد گمراه می کند و هر که را خواهد هدایت می کند. نباید که جان تو به خاطر آنها دچار انـدوه شود. زیرا خـدا به کارهایی که می کننـد آگاه است.(۹)خداست که بادها را فرستاد تا ابرها را برانگیزنـد. و مـا آنهـا را بـه سـرزمینهای مرده می رانیـم و زمین مرده را به آن زنـده می کنیم. زنـده گشـتن در روز قیـامت نیز چنین است.(۱۰)هر که خواهـان عزت است بدانـد که عزت، همگی از آن خـداست. سـخن خوش و پاک به سوی او بالا می رود و کردار نیـک است که آن را بالاـ می برد. و برای آنـان که از روی مکر به تبهکاری می پردازنـد عـذابی است سـخت و مکرشان نیز از میان برود.(۱۱)خدا شـما را از خاک و سـپس از نطفه بیافرید. آنگاه جفتهای یکدیگرتان قرار داد. هیچ زنی آبسـتن نمی شود و نمی زاید مگر به علم او. و عمر هیچ سالخورده ای به درازا نکشد و از عمر کسـی کاسـته نگردد، جز آنکه همه در کتابی نوشـته شده است. و این کارها بر خدا آسان است.(۱۲)این دو دریا یکسان نیسـتند: یکی آبش شـیرین و گواراست و یکی شور و تلخ. از هر دو گوشت تازه می خورید، و از آنها چیزهایی برای آرایش تن خویش بیرون می کشـید. و می بینی کشتیها را که آب را می شـکافند تا شما از فضل خدا روزی طلبید و باشد که سپاسگزار باشید.(۱۳)از شب می کاهد و به روز می افزاید و از روز می کاهد و به شب می افزاید و آفتـاب و ماه را رام کرد. هر یک تا زمانی معین در حرکتنـد. این است خـدا پروردگار شـما. فرمانروایی از آن اوست. چیزهایی را که سوای او به خدایی می خوانید مالک پوست میان هسـته خرمایی هم نیستند.(۱۴)و اگر آنها را بخوانید، صدایتان را نمی شنوند و

اگر بشنوند. پاسختان نگویند. و در روز قیامت شرک آوردنتان را انکار کنند. و کس همانند خدای آگاه خبردارت نسازد.(۱۵)ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید. اوست بی نیاز و ستودنی .(۱۶)اگر بخواهد، شما را از میان می برد و مردمی تازه می آورد.(۱۷)و این کار بر خدا دشوار نیست.(۱۸)هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نکشد. و اگر گرانباری کسی را به حمل کردن بار خود فراخواند، هرچند خویشاوند او باشد، از حمل آن سر باز زند. تو فقط کسانی را می ترسانی که از پروردگارشان. نادیده ، بیمناکند و نماز می گزارند. و هر که پاك شود برای خود پاك شود. و سرانجام همه به سوی خداست.(۱۹)نابینا و بینا برابر نیستند.(۲۰)و نه تاریکی و روشنی .(۲۱)و نه سایه و حرارت آفتاب.(۲۲)و زندگان و مردگان برابر نیستند. خدا هر که را خواهد می شنواند. و تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند بشنوانی .(۲۳)تو جز بیمدهنده ای نیستی .(۲۴)ما تو را به حق به رسالت فرستادیم تا مژده دهی و بیم دهی و هیچ ملتی نیست مگر آنکه به میانشان بیمدهنده ای بوده است.(۲۵)اگر تو را تکذیب می کنند، کسانی هم که پیش از اینان بوده اند پیامبرانشان را که با معجزات و با نوشته ها و کتابی روشنایی بخش به میانشان آمده بودند، تکذیب کرده اند.(۲۶)سپس آنهایی را که کفر می ورزیدند فرو گرفتم. عقوبت من چگونه بود.(۲۷)آیا ندیده ای که خدا از آسمان باران فرستاد و بدان میوه های گوناگون رویانیدیم؟ و از کوهها راهها پدید آوردیم: سفید و سرخ و رنگارنگ و به غایت سیاه .(۲۸)همچنین از مردم و جنبندگان و چهارپایان گوناگون. هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند. و خدا پیروزمند و آمرزنده است.(۲۹)آنان که کتاب خدا را می خوانند و نماز می گزارند و از آنچه به آنها داده ایم پنهانی و آشکار انفاق می کنند، امیدوار به تجارتی هستند که هرگز زیان نمی کند.(۳۰)زیرا خدا پاداششان را به تمامی می دهد و از فضل خود چیزی بر آن می افزاید. زیرا آمرزنده و پذیرای سپاس است.(۳۱)هر چه از این کتاب به تو وحی کرده ایم حق است، که کتابهای پیش از خود را تصدیق می کند و خدا بر بندگانش آگاه و بیناست.(۳۲)سپس کتاب را به کسانی از بندگانمان که برگزیده بودیم به میراث دادیم. بعضی بر خود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند و بعضی به فرمان خدا در کارهای نیك پیشی گرفتند. و این است بخشایش بزرگ.(۳۳)به بهشتهایی که جایگاه جاودانه آنهاست داخل می شوند. در آنجا به دستبندهای زر و مرواریدشان می آرایند و در آنجا جامه هاشان از حریر است.(۳۴)و می گویند: سپاس خدایی را که اندوه از ما دور کرد، زیرا پروردگار ما آمرزنده و شکرپذیر است.(۳۵)آن خدایی که ما را از فضل خویش بدین سرای جاویدان در آورد. که در آنجا نه رنجی به ما می رسد و نه خستگی .(۳۶)و کافران را آتش جهنم است، نه بمیرانندشان و نه از عذابشان کاسته گردد. ناسپاسان را چنین کیفر می دهیم.(۳۷)و از درون آتش فریاد زنند: ای پروردگار ما، ما را بیرون آر تا کارهایی شایسته کنیم، غیر از آنچه می کردیم. آیا آن قدر شما را عمر نداده بودیم که پند گیرندگان پند گیرند؟ و شما را بیمدهنده آمد. پس بچشید، که گناهکاران را یاوری نیست.(۳۸)خدا، دانای نهان آسمانها و زمین است و او به آنچه در دلهاست آگاه است.(۳۹)اوست که شما را در روی زمین جانشین پیشینیان کرد. پس هر کس که ناسپاسی کند، ناسپاسی اش بر زیان اوست، و کفر کافران جز بر دشمنی پروردگارشان با آنها، نیفزاید. نیز کفر کافران جز به خسرانشان نیفزاید.(۴۰)بگو: آن شریکانی را که به جای خدای یکتا می خواندید، دیدید؟ به من بنمایید که از این زمین چه چیز را آفریده اند؟ یا در آفرینش آسمان چه مشارکتی داشته اند؟ آیا بر آنها کتابی فرستاده ایم که آن را حجت خود سازند؟ نه ، ستمکاران به یکدیگر جز فریب وعده ای نمی دهند.(۴۱)خدا آسمانها و زمین را نگه می دارد تا زوال نیابند، و اگر به زوال گرایند، هیچ یك از شما -جز او- نمی تواند آنها را نگهدارد. هر آینه خدا بردبار و آمرزنده است.(۴۲)به خدا قسمهای سخت خوردند که اگر بیمدهنده ای بیاید بهتر از هر امت دیگر هدایت یابند. ولی چون بیمدهنده ای آمد، جز نفرتشان نیفزود.(۴۳)به سرکشی در زمین و نیرنگهای بد. و این نیرنگهای بد جز نیرنگبازان را در برنگیرد. آیا جز سنتی که بر گذشتگان رفته است منتظر چیز دیگری هستند؟ در سنت خدا هیچ تبدیلی نمی یابی و در سنت خدا هیچ تغییری نمی یابی .(۴۴)آیا در زمین نمی گردند تا ببینند که عاقبت مردمی که پیش از آنها بوده اند و نیرویی بیشتر داشته اند به کجا کشید؟ هیچ چیز در آسمانها و زمین نیست که خدا را ناتوان سازد. زیرا او

دانا و تواناست.(۴۵)و اگر خدا بخواهد مردم را به سبب کارهایی که کرده اند بازخواست کند، بر روی زمین هیچ جنبده ای باقی نگذارد. ولی آنها را تا زمانی معین مهلت می دهد و چون مدتشان به سر آمد، به اعمال بندگان خویش آگاه است.(۴۶)

یس

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)یا، سین.(۲)سوگند به قرآن حکمتآمیز،(۳)که تو از پیامبران هستی ،(۴)بر راهی راست.(۵)قرآن از جانب آن پیروزمند مهربان نازل شده(۶)تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان بیم داده نشدند و در بی خبری بودند.(۷)وعده خدا درباره بیشترشان تحقق یافته و ایمان نمی آورند.(۸)و ما بر گردنهایشان تا زنخها غلها نهادیم، چنان که سرهایشان به بالاست و پایین آوردن نتوانند.(۹)در برابرشان دیواری کشیدیم و در پشت سرشان دیواری . و بر چشمانشان نیز پرده ای افکندیم تا نتوانند دید.(۱۰)تفاوتشان نکند، چه آنها را بترسانی و چه نترسانی ، ایمان نمی آورند.(۱۱)تنها، تو کسی را بیم می دهی که از قرآن پیروی کند و از خدای رحمان در نهان بترسد. چنین کس را به آمرزش و مزد کرامند مژده بده .(۱۲)ما مردگان را زنده می کنیم. و هر کاری را که پیش از این کرده اند و هر اثری را که پدید آورده اند، می نویسیم و هر چیزی را در کتاب مبین شمار کرده ایم.(۱۳)داستان مردم آن قریه را برایشان بیاور، آنگاه که رسولان بدان جا آمدند.(۱۴)نخست دو تن را به نزدشان فرستادیم و تکذیبشان کردند، پس با سومی نیروشان دادیم و گفتند: ما به سوی شما فرستاده شده ایم.(۱۵)گفتند: شما انسانهایی همانند ما هستید و خدای رحمان هیچ چیز نفرستاده است و شما جز دروغ نمی گویید.(۱۶)گفتند: پروردگار ما می داند که ما به سوی شما فرستاده شده ایم.(۱۷)و بر عهده ما جز پیام رسانیدن آشکارا هیچ نیست.(۱۸)گفتند: ما شما را به فال بد گرفته ایم. اگر بس نکنید سنگسارتان خواهیم کرد و شما را از ما شکنجه ای سخت خواهد رسید.(۱۹)گفتند: شومی شما، با خود شماست. آیا اگر اندرزتان دهند چنین می گویید؟ نه ، مردمی گزافکار هستید.(۲۰)مردی از دور دست شهر دوان دوان آمد و گفت: ای قوم من، از این رسولان پیروی کنید.(۲۱)از کسانی که از شما هیچ مزدی نمی طلبند، و خود مردمی هدایت- یافته اند، پیروی کنید.(۲۲)چرا خدایی را که مرا آفریده و به نزد او باز گردانده می شوید. نپرستم.(۲۳)آیا سوای او خدایانی را اختیار کنم، که اگر خدای رحمان بخواهد به من زیانی برساند، شفاعتشان مرا هیچ سود نکند و مرا رهایی نبخشند.(۲۴)و در این هنگام من در گمراهی آشکار باشم.(۲۵)من به پروردگارتان ایمان آوردم. سخن مرا بشنوید.(۲۶)گفته شد: به بهشت در آی . گفت: ای کاش قوم من می دانستند.(۲۷)که پروردگار من مرا بیامرزید و در زمره گرامی شدگان درآورد.(۲۸)و از آن پس بر سر قوم او هیچ لشکری از آسمان فرو نفرستادیم. و ما فرو فرستنده نبودیم.(۲۹)جز یک بانگ سهمناک نبود که ناگاه همه بر جای سرد شدند.(۳۰)ای دریغ بر این بندگان. هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نشد مگر آنکه مسخره اش کردند.(۳۱)آیا ندیده اند که چه مردمی را پیش از آنها هلاک کرده ایم که دیگر به نزدشان باز نمی گردند.(۳۲)و کس نماند مگر آنکه نزد ما حاضرش آرند.(۳۳)نشانه عبرتی است برایشان زمین مرده که زنده اش ساختیم و از آن دانه ای که از آن می خورند بیرون آوردیم.(۳۴)و در آن باغهایی از نخلها و تاکها پدید آوردیم و چشمه ها روان ساختیم.(۳۵)تا از ثمرات آن و دسترنج خویش بخورند. چرا سپاس نمی گویند.(۳۶)منزه است آن خدایی که همه جفتها را بیافرید، چه از آنچه زمین می رویاند و چه از نفسهایشان و چه آن چیزهایی که نمی شناسند.(۳۷)شب نیز برایشان عبرتی دیگر است که روز را از آن بر می کشیم و همه در تاریکی فرو می روند.(۳۸)و آفتاب به سوی قرارگاه خویش روان است. این فرمان خدای پیروزمند و داناست.(۳۹)و برای ماه منزلهایی مقدر کردیم تا همانند شاخه خشک خرما باریک شود.(۴۰)آفتاب را نسزد که به ماه رسد و شب را نسزد که بر روز پیشی گیرد. و همه در فلکی شناورند.(۴۱)عبرتی دیگر برای آنها آنکه نیاکانشان را در آن کشتی انباشته شده سوار کردیم.(۴۲)و برایشان همانند کشتی چیزی آفریدیم که بر آن سوار شوند.(۴۳)و اگر بخواهیم همه را غرقه می سازیم و آنها را هیچ فریادرسی نباشد و رهایی نیابند.(۴۴)جز به رحمت ما و برخورداری تا هنگام مرگ.(۴۵)و آنگاه که به ایشان

گفته شود که از آنچه در پیش روی دارید یا پشت سر می گذارید بترسید، شاید بر شما رحمت آرند، روی بگردانند.(۴۶)و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برایشان نازل نشود جز آنکه از آن اعراض کنند.(۴۷)و چون گفته شود که از آنچه خدا روزیتان کرده است انفاق کنید. کافران به مومنان گویند: آیا کسانی را طعام دهیم که اگر خدا می خواست خود آنها را طعام می داد؟ شما در گمراهی آشکار هستید.(۴۸)و می گویند: اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود.(۴۹)اینان انتظار یک بانگ سهمناک را می برند، تا بدان هنگام که سرگرم ستیزه هستند فرو گیردشان.(۵۰)آنچنان که یارای وصیتی نداشته باشند و نتوانند نزد کسان خویش باز گردند.(۵۱)و در صور دمیده شود و آنان از قبرها بیرون آیند و شتابان به سوی پروردگارشان روند.(۵۲)می گویند: وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاههایمان برانگیخت؟ این همان وعده خدای رحمان است و پیامبران راست گفته بودند.(۵۳)جز یک بانگ سهمناک نخواهد بود، که همه نزد ما حاضر می آیند.(۵۴)آن روز به کس ستم نمی شود. و جز همانند کاری که کرده اید پاداش نمی بینید.(۵۵)بهشتیان آن روز به شادمانی مشغول باشند.(۵۶)آنها و همسرانشان در سایه ها بر تختها تکیه زده اند.(۵۷)در آنجا هر میوه و هرچیز دیگر که بخواهند فراهم است.(۵۸)و سلامی که سخن پروردگار مهربان است.(۵۹)ای گناهکاران، امروز کناری گیرید.(۶۰)ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید زیرا دشمن آشکار شماست.(۶۱)و مرا بپرستید، که راه راست این است.(۶۲)بسیاری از شما را گمراه کرد. مگر به عقل در نمی یافتید.(۶۳)این است آن جهنمی که به شما وعده داده شده بود.(۶۴)به سزای کفرتان اینک در آن داخل شوید.(۶۵)امروز بر دهانهایشان مهر می نهیم. و دستهایشان با ما سخن خواهند گفت و پاهایشان شهادت خواهند داد که چه می کرده اند.(۶۶)اگر بخواهیم، چشمانشان را محو می کنیم. پس شتابان آهنگ راه کنند. اما کجا را توانند دید.(۶۷)و اگر بخواهیم، آنها را بر جایشان مسخ کنیم، که نه توان آن داشته باشند که به پیش قدم بردارند و نه باز پس گردند.(۶۸)هر که را عمر دراز دهیم، در آفرینش دگرگونش کنیم. چرا تعقل نمی کنند.(۶۹)به او شعر نیاموخته ایم و شعر در خور او نیست. آنچه به او آموخته ایم جز اندرز و قرآنی روشنگر نیست.(۷۰)تا مومنان را بیم دهد و سخن حق بر کافران ثابت شود.(۷۱)آیا ندیده اند که به ید قدرت خویش برایشان چارپایان را آفریدیم و اکنون مالکشان هستند؟(۷۲)و آنها را رامشان کردیم. بر بعضی سوار می شوند و از گوشت بعضی می خورند.(۷۳)و ایشان را در آنها سودهاست و آشامیدنی ها. چرا سپاس نمی گویند؟(۷۴)و به جای الله خدایانی اختیار کردند، بدان امید که یاریشان کنند.(۷۵)آنها را یارای آن نیست که به یاریشان برخیزند، ولی اینان همانند سپاهی به - خدمتشان آماده اند.(۷۶)سخنشان تو را اندوهگین نسازد. ما هر چه را پنهان می دارند یا آشکار می سازند می دانیم.(۷۷)آیا آدمی که اکنون خصمی آشکار است، نمی داند که او را از نطفه ای آفریده ایم؟(۷۸)در حالی که آفرینش خود را از یاد برده است، برای ما مثل می زند که چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می کند؟(۷۹)بگو: کسی آنها را زنده می کند که در آغاز بیافریده است، و او به هر آفرینشی داناست.(۸۰)آن خدایی که از درخت سبز برایتان آتش پدید آورد و شما از آن آتش می افروزید.(۸۱)آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است نمی تواند همانندشان را بیافریند؟ آری می تواند، که او آفریننده ای داناست.(۸۲)چون بخواهد چیزی را بیافریند، فرمانش این است که می گوید: موجود شو، پس موجود می شود.(۸۳)منزه است آن خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و همه به سوی او باز گردانده می شوید.(۸۴)

الصافات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به آن فرشتگان که برای نیایش صف بسته اند،(۲)سوگند به آن فرشتگان که ابرها را می رانند،(۳)سوگند به آن فرشتگان که ذکر خدا را می خوانند،(۴)که خدای شما خدایی یکتاست.(۵)پروردگار مشرقهاست.(۶)ما آسمان فرودین را به زینت ستارگان بیاراستیم.(۷)و از هر شیطان نافرمان نگه داشتیم.(۸)تا سخن ساکنان عالم بالا را نشنوند و از هر سوی رانده شوند.(۹)تا دور گردند و برای آنهاست عذابی دایم.(۱۰)مگر آن شیطان که ناگهان چیزی برباید و ناگهان شهابی ثاقب

دنبالش کند.(۱۱)پس، از کافران بپرس که آیا آفرینش آنها دشوارتر است یا آنچه ما آفریده ایم. ما آنها را از گلی چسبنده آفریده ایم.(۱۲)تو در شگفت شدی و آنها مسخره می کنند.(۱۳)و چون به آنها پند داده شود، پند نمی پذیرند.(۱۴)و چون آیه ای ببینند، از یکدیگر می خواهند تا به ریشخندش گیرند.(۱۵)و می گویند: این چیزی جز جادویی آشکار نیست،(۱۶)آیا وقتی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم ما را زنده می کنند؟(۱۷)یا نیاکان ما را.(۱۸)بگو: بلی ، و شما خوار و بیچاره می شوید.(۱۹)و آنان خود خواهند دید که به یک فرمان همه را زنده می کنند.(۲۰)می گویند: وای بر ما، این همان روز جزاست.(۲۱)این همان روز داوری است که دروغش می پنداشتید.(۲۲)آنان را که ستم می کردند و همپایگانشان و آنهایی را که به جای خدای یکتا می پرستیدند گرد آورید.(۲۳)همه را به راه جهنم راه بنمایید.(۲۴)و نگه داریدشان، باید بازخواست شوند.(۲۵)چرا یکدیگر را یاری نمی کنید؟(۲۶)نه ، امروز همه تسلیم- شوندگانند.(۲۷)و آنگاه روی به یکدیگر کنند و بپرسند.(۲۸)گویند: شما بودید که از در نیکخواهی بر ما در می آمدید.(۲۹)گویند: نه ، شما ایمان نیاورده بودید.(۳۰)ما را بر شما هیچ تسلطی نبود. شما خود مردمانی نافرمان بودید.(۳۱)گفته پروردگارمان بر ما ثابت شد. اکنون باید بچشیم.(۳۲)ما شما را گمراه کردیم و خود نیز گمراه بودیم.(۳۳)در آن روز، همه در عذاب شریکند.(۳۴)ما با مجرمان چنین می کنیم.(۳۵)چون به آنان گفته می شد که جز خدای یکتا خدایی نیست تکبر می کردند،(۳۶)و می گفتند: آیا به خاطر شاعر دیوانه ای خدایانمان را ترک گوییم؟(۳۷)نه ، آن پیامبر حق را آورد و پیامبران پیشین را تصدیق کرد.(۳۸)شما عذاب دردآور را خواهید چشید.(۳۹)جز در برابر اعمالتان کیفر نخواهید دید.(۴۰)مگر بندگان مخلص خدا،(۴۱)که آنها راست رزقی معین.(۴۲)از میوه ها، و گرامی داشتگانند،(۴۳)در بهشتهای پر نعمت.(۴۴)بر تختهایی که رو به روی همانند.(۴۵)و جامی از چشمه خوشگوار میانشان به گردش درآید،(۴۶)سفید است و نوشندگانش را لذتبخش،(۴۷)نه عقل از آن تباهی گیرد و نه نوشنده مست شود.(۴۸)زنانی درشت چشم که تنها به شوهران خود نظر دارند، همدم آنهایند.(۴۹)همانند تخم مرغهایی دور از دسترس.(۵۰)رو به یکدیگر کنند و به گفت و گو پردازند.(۵۱)یکی از آنها گوید: مرا همنشینی بود.(۵۲)که می گفت: آیا تو از آنها هستی که تصدیق می کنند.(۵۳)آیا آنگاه که مردیم و خاک و استخوان شدیم، کیفرمان می دهند.(۵۴)گوید: می توانید از بالا بنگرید.(۵۵)از بالا بنگرد و او را در میان آتش دوزخ بیند.(۵۶)گویدش: به خدا سوگند، نزدیک بود که مرا به هلاکت افکنی .(۵۷)و اگر موهبت پروردگارم نبود، من نیز از احضار شدگان می بودم.(۵۸)آیا ما را مرگی نیست.(۵۹)جز آن مرگ نخستین؟ و دیگر عذابمان نمی کنند.(۶۰)هر آینه این است کامیابی بزرگ.(۶۱)عملکنندگان باید برای چنین پاداشی عمل کنند.(۶۲)آیا خورش را این بهتر یا درخت زقوم.(۶۳)ما آن درخت را برای ابتلای ستمکاران پدید آورده ایم.(۶۴)درختی است که از اعماق جهنم می روید.(۶۵)میوه اش همانند سر شیاطین است.(۶۶)دوزخیان از آن می خورند و شکم انباشته می سازند.(۶۷)و بر سر آن آمیزه ای از آب سوزان می نوشند.(۶۸)سپس بازگشتشان به همان جهنم است.(۶۹)آنها پدران خود را پیش از خود گمراه یافتند.(۷۰)و بر پی ایشان شتابان می روند.(۷۱)و پیش از آنها بیشتر پیشینیان گمراه شدند.(۷۲)و ما بیمدهندگانی به میانشان فرستادیم.(۷۳)پس بنگر که سرانجام آن بیم یافتگان چگونه بود.(۷۴)جز بندگان مخلص خدا.(۷۵)نوح ما را ندا داد و ما چه نیک پاسخ دهنده ای بودیم.(۷۶)او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم.(۷۷)و فرزندانش را باقی گذاشتیم.(۷۸)و نام نیک او را در نسلهای بعد باقی نهادیم.(۷۹)سلام بر نوح باد، در سراسر جهان.(۸۰)ما نیکو - کاران را چنین پاداش می دهیم.(۸۱)او از بندگان مومن ما بود.(۸۲)سپس دیگران را غرقه ساختیم.(۸۳)ابراهیم از پیروان او بود.(۸۴)آنگاه که با دلی رسته از تردید روی به پروردگارش آورد.(۸۵)به پدرش و قومش گفت: چه می پرستید؟(۸۶)آیا به جای خدای یکتا. خدایان دروغین را می خواهید؟(۸۷)به پروردگار جهانیان چه گمان دارید؟(۸۸)نگاهی به ستارگان کرد،(۸۹)و گفت: من بیمارم.(۹۰)از او رویگردان شدند و بازگشتند.(۹۱)پنهانی نزد خدایانشان آمد و گفت: چیزی نمی خورید؟(۹۲)چرا سخن نمی گویید؟(۹۳)و در نهان، دستی به قوت بر آنها زد.(۹۴)قومش شتابان نزدش آمدند.(۹۵)گفت: آیا چیزهایی را که خود می تراشید می

پرستید.(۹۶)خـدای یکتـاست کـه شـما و هر چـه می سازیـد، آفریـده است.(۹۷)گفتنـد: برایش بنـایی برآوریـد و در آتشـش اندازید.(۹۸)خواستند تا بداندیشی کننـد، ما نیز آنها را زیردست گردانیـدیم.(۹۹)گفـت: مـن به سـوی پروردگـارم می روم، او مرا راهنمایی خواهد کرد،(۱۰۰)ای پروردگار من، مرا فرزندی صالح عطا کن.(۱۰۱)پس او را به پسری بردبار مژده دادیم.(۱۰۲)چون با پدر به جایی رسـید که باید به کار بپردازند، گفت: ای پسرکم، در خواب دیده ام که تو را ذبح می کنم. بنگر که چه می اندیشی . گفت: ای پدر، به هر چه مامور شده ای عمل کن، که اگر خدا بخواهد مرا از صابران خواهی یافت.(۱۰۳)چون هر دو تسلیم شدند و او را به پیشانی افکند،(۱۰۴)ما ندایش دادیم: ای ابراهیم،(۱۰۵)خوابت را به حقیقت پیوستی . و مـا نیکو- کاران را چنین پاداش می دهیم.(۱۰۶)این آزمایشـی آشـکارا بود.(۱۰۷)و او را بـه ذبحی بزرگ بـاز خریـدیم.(۱۰۸)و نـام نیـک او را در نسـلهای بعـد بـاقی گذاشتیم.(۱۰۹)سـلام بر ابراهیم.(۱۱۰)مـا نیکوکـاران را اینچنیـن پـاداش می دهیم.(۱۱۱)او از بنـدگان مـومن مـا بود.(۱۱۲)او را به اسحاق، پیامبری شایسته ، مژده دادیم.(۱۱۳)او و اسحاق را برکت دادیم. و از فرزندانشان بعضی نیکوکار هستند و بعضی به آشکارا بر خود ستمکار.(۱۱۴)ما به موسی و هارون نعمت دادیم.(۱۱۵)آن دو و مردمشان را از رنجی بزرگ نجات بخشیدیم.(۱۱۶)آنان را یـاری دادیم تا پیروز شدنـد.(۱۱۷)و کتابی روشـنگرشان دادیم.(۱۱۸)و بـه راه راسـت هـدایتشان کردیم.(۱۱۹)و نـام نیکشـان را در نسـلهای بعد باقی گذاشتیم.(۱۲۰)سـلام بر موسی و هارون.(۱۲۱)مـا نیکوکاران را اینچنین پاداش می دهیم.(۱۲۲)آن دو از بندگان مومن ما بودند.(۱۲۳)و الیاس از پیامبران بود.(۱۲۴)به مردم خود گفت: آیا پروا نمی کنید؟(۱۲۵)آیا بعل را به خدایی می خوانید، و آن بهترین آفرینندگان را وا می گذارید؟(۱۲۶)پروردگار شما و پروردگار نیاکانتان، خدای یکتاست.(۱۲۷)پس تکذیبش کردند و آنان از احضار شدگانند.(۱۲۸)مگر بندگان مخلص خدا.(۱۲۹)و نام نیک او را در نسلهای بعد باقی گذاشتیم.(۱۳۰)سلام بر خاندان الیاس.(۱۳۱)مـا نیکوکاران را اینچنین پاداش می دهیم.(۱۳۲)او از بنـدگان مومن ما بود.(۱۳۳)و لوط از پیامبران بود.(۱۳۴)او و همه کسـانش را نجات دادیم.(۱۳۵)مگر پیر زنی که بـا مردم شـهر بمانـد.(۱۳۶)سـپس دیگران را هلاـک کردیم.(۱۳۷)شـما بر آنها می گذرید، بامدادان،(۱۳۸)و شامگاهـان. آیـا تعقل نمی کنیـد؟(۱۳۹)و یـونس از پیـامبران بود.(۱۴۰)چـون بـه آن کشـتی پر از مردم گریخت.(۱۴۱)قرعه زدند و او در قرعه مغلوب شد.(۱۴۲)ماهی ببلعیدش و او درخور سرزنش بود.(۱۴۳)پس اگر نه از تسبیحگویان می بود.(۱۴۴)تا روز قیامت در شـکم ماهی می مانـد.(۱۴۵)پس او را که بیمار بود به خشـکی افکنـدیم،(۱۴۶)و بر فراز سرش بوته کـدویی رویانیدیم.(۱۴۷)و او را بـه رسـالت بر صـد هزار کس و بیشـتر فرسـتادیم.(۱۴۸)آنهـا ایمـان آوردنـد و تا زنـده بودنـد، برخورداریشان دادیم.(۱۴۹)از ایشان بپرس: آیا دختران از آن پروردگار تو باشند و پسران از آن ایشان.(۱۵۰)آیا وقتی که ما ملائکه را زن می آفریـدیم آنها می دیدند.(۱۵۱)آگاه باش که از دروغگوییشان است که می گوینـد:(۱۵۲)خدا صاحب فرزند است. دروغ می گویند.(۱۵۳)آیـا خـدا دختـران را بر پسـران برتری داد؟(۱۵۴)شـما را چه می شـود؟ چگـونه قضـاوت می کنیـد؟(۱۵۵)آیا نمی اندیشید؟(۱۵۶)یـا بر ادعای خود دلیل روشـنی داریـد؟(۱۵۷)اگر راست می گوییـد کتابتـان را بیاوریـد.(۱۵۸)و میـان خـدا و جنیان خویشاونـدی قائل شدند و جنیان می دانند که احضار شدگانند.(۱۵۹)از آن وصف که می آورند خدا منزه است.(۱۶۰)مگر بندگان مخلص خدا.(۱۶۱)شما و بتانی که می پرستید،(۱۶۲)نتوانستید مفتون بتان کنید،(۱۶۳)مگر آن کس را که راهی جهنم باشد.(۱۶۴)و هیچ کس از ما نیست مگر آنکه جایی معین دارد.(۱۶۵)هر آینه ما صف زدگانیم.(۱۶۶)و هر آینه ما تسبیح- گویندگانیم.(۱۶۷)اگر چه می گفتند:(۱۶۸)اگر از پیشینیان نزد ما کتابی مانده بود،(۱۶۹)ما از بندگان مخلص خدا می بودیم.(۱۷۰)آنها به آن کتاب کافر شدنـد، و زودا که خواهند فهمید.(۱۷۱)مـا درباره بنـدگانمان که به رسالت می فرستیم از پیش تصـمیم گرفته ایم.(۱۷۲)که هر آینه آنان یاری می شوند.(۱۷۳)و لشکر ما خود غالبند.(۱۷۴)پس تا مـدتی از آنها روی بگردان.(۱۷۵)عاقبتشان را ببین. آنها نیز خواهند دید.(۱۷۶)آیا عذاب ما را به شتاب می طلبند.(۱۷۷)چون عـذاب به ساحتشان فراز آید، این بیم داده شدگان چه بامداد بدی خواهند داشت.(۱۷۸)از آنهـا تا چنـدی روی بگردان.(۱۷۹)پس عاقبتشان را ببین، آنها نیز خواهنـد دیـد.(۱۸۰)منزه است پروردگـار تو -آن

پروردگار پیروزمند- از هر چه به وصف او می گویند.(۱۸۱)سلام بر پیامبران،(۱۸۲)و حمد از آن پروردگار جهانیان است.(۱۸۳)

ص

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)صاد. سوگند به قرآن شریف صاحب اندرز.(۲)که کافران همچنان در سرکشی و خلافند.(۳)چه بسا مردمی را که پیش از آنها به - هلاکت رسانیدیم. آنان فریاد بر می آوردند ولی گریزگاهی نبود.(۴)در شگفت شدند از اینکه بیمدهنده ای از میان خودشان برخاست. و کافران گفتند: این جادوگری دروغگوست.(۵)آیا همه خدایان را یک خدا گردانیده است؟ و این چیزی شگفت است.(۶)مهترانشان به راه افتادند و گفتند: بروید و بر پرستش خدایان خویش پایداری ورزید که این است چیزی که از شما خواسته شده .(۷)ما در این آخرین آیین، چنین سخنی نشنیده ایم و این جز دروغ هیچ نیست.(۸)آیا از میان همه ما وحی بر او نازل شده است؟ بلکه آنها از وحی من در- تردیدند، و هنوز عذاب مرا نچشیده اند.(۹)یا آنکه خزاین رحمت پروردگار پیروزمند بخشنده ات در نزد آنهاست؟(۱۰)یا فرمانروایی آسمانها و زمین و هر چه میان آن دوست، از آن آنهاست؟ پس با نردبامهایی خود را به آسمان کشند.(۱۱)آنجا لشکری است ناچیز از چند گروه شکست خورده به هزیمت رفته .(۱۲)پیش از آنها قوم نوح و عاد و فرعون، که مردم را به چهار میخ می کشید، پیامبران را تکذیب می کردند.(۱۳)و نیز قوم ثمود و قوم لوط و مردم ایکه از آن جماعتها بودند.(۱۴)از اینان کس نبود مگر آنکه پیامبران را تکذیب کرد، و عقوبت من واجب آمد.(۱۵)اینان نیز جز بانگی سهمناك انتظاری ندارند، چنان که آدمی را دیگر بازگشت نباشد.(۱۶)و گفتند: ای پروردگار ما، نامه اعمال ما را پیش از فرا رسیدن روز حساب به دست ما بده .(۱۷)بر هر چه می گویند صبر کن. و از بنده ما داوود قدرتمند، که همواره به درگاه ما توبه می کرد، یادآور.(۱۸)ما کوهها را رام کردیم و کوهها هر شامگاه و بامدادان با او تسبیح می کردند.(۱۹)و پرندگان بر او گرد می آمدند، همه فرمانبر او بودند.(۲۰)فرمانرواییش را استواری بخشیدیم و او را حکمت و فصاحت در سخن عطا کردیم.(۲۱)آیا خبر آن مدعیان را شنیده ای آنگاه که از دیوار قصر بالا رفتند.(۲۲)بر داوود داخل شدند. داوود از آنها ترسید. گفتند: مترس، ما دو مدعی هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است. میان ما به حق داوری کن و پای از عدالت بیرون منه و ما را به راه راست هدایت کن.(۲۳)این برادر من است. او را نود و نه میش است و مرا یک میش. می گوید: آن را هم به من واگذار، و در دعوی بر من غلبه یافته است.(۲۴)داوود گفت: او که میش تو را از تو می خواهد تا به میشهای خویش بیفزاید بر تو ستم می کند. و بسیاری از شریکان جز کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند-و اینان نیز اندك هستند- بر یکدیگر ستم می کنند. و داوود دانست که او را آزموده ایم. پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع درافتاد و توبه کرد.(۲۵)ما این خطایش را بخشیدیم. او را به درگاه ما تقرب است و بازگشتی نیکو.(۲۶)ای داوود، ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم. در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه خدا منحرف سازد. آنان که از راه خدا منحرف شوند، بدان سبب که روز حساب را از یاد برده اند، به عذابی شدید گرفتار می شوند.(۲۷)ما این آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست به باطل نیافریده ایم. این گمان کسانی است که کافر شدند. پس وای بر کافران از آتش.(۲۸)آیا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، همانند فسادکنندگان در زمین قرار خواهیم داد؟ یا پرهیزگاران را چون گناهکاران(۲۹)کتابی مبارك است که آن را بر تو نازل کرده ایم، تا در آیاتش بیندیشند و خردمندان از آن پند گیرند.(۳۰)سلیمان را به داوود عطا کردیم. چه بنده نیکویی بود و روی به خدا داشت.(۳۱)آنگاه که به هنگام عصر اسبان تیزرو را که ایستاده بودند به او عرضه کردند،(۳۲)گفت: من دوستی این اسبان را بر یاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده غروب پوشیده شد،(۳۳)آن اسبان را نزد من باز گردانید. پس به بریدن ساقها و گردنشان آغاز کرد.(۳۴)ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را افکندیم و او روی به خدا آورد.(۳۵)گفت: ای پروردگار من، مرا بیامرز و مرا ملکی عطا کن که پس از من کسی سزاوار آن نباشد، که تو بخشاینده ای .(۳۶)پس باد را رام او کردیم که به نرمی هرجا که

آهنگ می کرد. به فرمان او می رفت.(۳۷)و دیوان را، که هم بنا بودند و هم غواص.(۳۸)و گروهی دیگر را، که همه بسته در زنجیر او بودند.(۳۹)این عطای بی حساب ماست خواهی آن را ببخش و خواهی نگهدار.(۴۰)او راست نزد ما تقرب و بازگشتی نیکو.(۴۱)و از بنده ما ایوب یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد که : مرا شیطان به رنج و عذاب افکنده است.(۴۲)پایت را بر زمین بکوب: این آبی است برای شست و شو و سرد برای آشامیدن.(۴۳)و به او خانواده اش و همچند آن از دیگر یاران را عطا کردیم و این خود رحمتی از ما بود و برای خردمندان اندرزی .(۴۴)دسته ای از چوبهای باریک به دستگیر و با آن بزن و سوگند خویش را مشکن. او را بنده ای صابر یافتیم. او که همواره روی به درگاه ما داشت چه نیکو بنده ای بود.(۴۵)بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب آن مردان قدرتمند و با- بصیرت را یاد کن.(۴۶)آنان را خصلت پاکدلی بخشیدیم تا یاد قیامت کنند.(۴۷)آنها در نزد ما بر گزیدگان و نیکانند.(۴۸)و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یاد کن که همه از نیکانند.(۴۹)این قرآن پندی است، و پرهیزکاران را بازگشتی نیکوست.(۵۰)بهشتهای جاویدان که در آن به رویشان گشاده است.(۵۱)در آنجا تکیه زده اند و هر گونه میوه و نوشیدنی که بخواهند می طلبند.(۵۲)زنانی همسال از آن گونه که جز به شوی خویش نظر ندارند نزد آنهایند.(۵۳)این است آن چیزهایی که برای روز حساب به شما وعده داده اند.(۵۴)این رزق ماست که پایان نیافتنی است.(۵۵)چنین است. و سرکشان را بدترین بازگشتهاست.(۵۶)به جهنم می روند که بد جایگاهی است.(۵۷)باید آب جوشان و چرك و خونابه دوزخیان را بنوشند.(۵۸)و شکنجه هایی دیگر، از هر نوع.(۵۹)این گروه با شما به آتش در می آیند. خوش آمدشان مباد که به آتش می افتند.(۶۰)گویند: نه ، خوش آمد شما را مباد. شما این عذاب را پیشاپیش برای ما فرستاده بودید، چه بد جایگاهی است.(۶۱)گویند: ای پروردگار ما، هر کس که این عذاب را پیشاپیش برای ما آماده کرده است عذابش را در آتش دوچندان افزون کن.(۶۲)و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می شمردیم اکنون نمی بینیم.(۶۳)آنان را به مسخره می گرفتیم. آیا از نظرها دور مانده اند.(۶۴)این جدال اهل جهنم با یکدیگر چیزی است که به حقیقت واقع شود.(۶۵)بگو: جز این نیست که من بیمدهنده ای هستم و هیچ خدایی جز خدای یکتای قهار نیست.(۶۶)آن پیروزمند و آمرزنده ، پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میان آنهاست.(۶۷)بگو: این خبری بزرگ است.(۶۸)که شما از آن اعراض می کنید.(۶۹)هنگامی که با یکدیگر جدال می کردند من خبری از ساکنان عالم بالا نداشتم.(۷۰)تنها از آن روی به من وحی می شود که بیمدهنده ای روشنگر هستم.(۷۱)پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گل می آفرینم.(۷۲)چون تمامش کردم و در آن از روح خود دمیدم، همه سجده اش کنید.(۷۳)همه فرشتگان سجده کردند.(۷۴)مگر ابلیس که بزرگی فروخت و از کافران شد.(۷۵)گفت: ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من با دو دست خود آفریده ام منع کرد؟ آیا بزرگی فروختی یا مقامی ارجمند داشتی .(۷۶)گفت: من از او بهترم. مرا از آتش آفریده ای و او را از گل.(۷۷)گفت: از اینجا بیرون شو که تو مطرودی .(۷۸)و تا روز قیامت لعنت من بر توست.(۷۹)گفت: ای پروردگار من، مرا تا روزی که از نو زنده شوند مهلت ده .(۸۰)گفت: تو از مهلت یافتگانی .(۸۱)تا آن روز معین معلوم.(۸۲)گفت: به عزت تو سوگند که همگان را گمراه کنم.(۸۳)مگر آنها که از بندگان مخلص تو باشند.(۸۴)گفت: حق است و آنچه می گویم راست است.(۸۵)که جهنم را از تو و از همه پیروانت پر کنم.(۸۶)بگو: من از شما مزدی نمی طلبم و نیستم از آنان که به دروغ چیزی بر خود می بندند.(۸۷)و این جز اندرزی برای مردم جهان نیست.(۸۸)و تو بعد از این از خبر آن آگاه خواهی شد.(۸۹)

الزمر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)نازل شدن این کتاب از جانب خدای پیروزمند حکیم است.(۲)ما این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم. پس خدا را بپرست و دین خود برای او خالص گردان.(۳)آگاه باش که دین خالص از آن خداست و آنان که سوای او دیگری را به خدایی گرفتند، گفتند: اینان را از آن رو می پرستیم تا وسیله نزدیکی ما به خدای یکتا شوند. و خدا در آنچه اختلاف

می کننـد میانشان حکم خواهـد کرد. خـدا آن را که دروغگو و ناسپاس باشـد هدایت نمی کند.(۴)اگر خـدا می خواست که برای خـود فرزنـدی برگیرد، از میـان مخلوقـات خـود هر چـه را کـه می خـواست بر می گزیـد. منزه اسـت. اوست خـدای یکتـای قهار.(۵)آسمانها و زمین را به حق بیافرید. شب را بر روز داخل می کند و روز را بر شب. و آفتاب و ماه را رام گردانید و هر یک تا زمانی معین در حرکتنـد. آگاه باش که اوست پیروزمند و آمرزنده .(۶)شما را از یک تن بیافرید. و از آن یک تن زنش را آفرید. و برایتان از چارپایان هشت جفت بیافرید. شما را در شکم مادرتان در چند مرحله در درون تاریکیهای سه گانه آفرینش بخشید. این است خدای یکتا پروردگار شما. فرمانروایی از آن اوست. خدایی جز او نیست. پس چگونه رویگردانتان می سازند.(۷)اگر ناسپاسی کنیـد، خـدا از شما بی نیاز است. و ناسپاسی را برای بندگانش نمی پسندد. می پسندد که سپاسگزار باشید. و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشـد. بازگشت همه شما نزد پروردگارتان است. او شما را از کارهایی که می کرده اید آگاه می کند. او به آنچه در دلهـا می گـذرد آگاه است.(۸)چون به آدمی گزنـدی برسـد، به پروردگـارش روی می آورد و او را می خوانـد. آنگـاه چون به او نعمتی بخشـد، همه آن دعاها را که پیش از این کرده بود از یاد می برد و برای خـدا همتایانی قرار می دهـد تا مردم را از طریق او گمراه کنند. بگو: اندکی از کفرت بهره مند شو، که تو از دوزخیان خواهی بود.(۹)آیا آن کس که در همه ساعات شب به عبادت پرداخته ، یـا در سجود است یـا در قیـام، و از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امیـدوار است، با آن که چنین نیست یکسـان است؟ بگو: آیا آنهایی که می داننـد با آنهایی که نمی داننـد برابرنـد؟ تنها خردمنـدان پنـد می پذیرنـد.(۱۰)بگو: ای بنـدگان من که ایمان آورده ایـد، از پروردگارتان بترسید. برای آنان که در حیات این جهانی نیکی کرده اند، پاداش نیک است. و زمین خـدا پهناور است. مزد صابران بی حساب و کامل ادا می شود.(۱۱)بگو: من مامور شده ام که خدا را بپرستم و برای او در دین اخلاص ورزم.(۱۲)و مرا فرموده اند که نخستین مسلمانان باشم.(۱۳)بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب آن روز بزرگ می ترسم.(۱۴)بگـو: خـدا را می پرسـتم و برای او در دیـن خـود اخلاـص می ورزم.(۱۵)بپرستیـد هرچیز دیگری را جز او. بگـو: زیانکننـدگان کسـانی هسـتند کـه در روز قیـامت خـود و خانـدانشان را از دسـت بدهنـد. بهوش باشـید کـه ایـن زیـانی آشـکار است.(۱۶)بالای سرشان طبقات آتش است و در زیر پایشان طبقات آتش. این چیزی است که خدا بندگان خود را بدان می ترساند. پس ای بندگان من، از من بترسید.(۱۷)و کسانی را که از پرستش بتان پرهیز کرده انـد و به خدا روی آورده اند بشارت است. پس بنـدگان مرا بشـارت ده :(۱۸)آن کسـانی که به سخن گـوش می دهنـد و از بهـترین آن پیروی می کننـد، ایشاننـد کسـانی که خـدا هدایتشان کرده و اینان خردمندانند.(۱۹)آیا کسی را که حکم عذاب بر او محقق شده ، تو می توانی او را که در آتش است برهانی .(۲۰)اما برای آنان که از خدا می ترسند غرفه هایی است بر فراز هم ساخته ، که از زیرشان جویباران روان است. این وعده خداست و خـدا وعده خود خلاف نخواهد کرد.(۲۱)آیا ندیده ای که خدا از آسـمان باران فرسـتاد و آن را چون چشمه - سارهایی در زمین روان گردانید، آنگاه به آن کشـته های رنگارنگ برویانید، سپس همه خشک می شوند و می بینی که زرد شده اند، آنگاه خردشان می سـازد؟ هر آینـه خردمنـدان را در آن انـدرزی اسـت.(۲۲)آیـا کسـی کـه خـدا دلش را بر روی اسـلام گشـود و او در پرتـو نـور پروردگـارش جـای دارد، هماننـد کسـی است که ایمـان نـدارد؟ پس وای بر سـختدلانی که یاد خـدا در دلهاشان راه نـدارد، که در گمراهی آشکار هستند.(۲۳)خـدا بهترین سـخن را نـازل کرده است. کتـابی متشـابه و دوتـا دوتـا، که از تلاوت آن کسانی را که از پروردگارشان می ترسند از خوف تن بلرزد. سپس تن و جانشان به یاد خـدا بیارامـد. این راه خـداست که هر که را بخواهـد بـدان راهنمایی می کنـد، و هر که را خدا گمراه کند او را هیچ راهنمایی نخواهد بود.(۲۴)آیا آن کس که در روز قیامت با چهره خویش عذاب سخت قیامت را از خود باز می دارد همانند کسـی است که بهشتی است؟ به سـتمکاران گفته می شود: به کیفر کارهایی که می کرده اید عذاب را بچشید.(۲۵)پیشینیانشان تکذیب کردند و عذاب از جایی که نمی دانسـتند بر سرشان رسید.(۲۶)خدا در این جهان رسوایشان ساخت، ولی اگر بداننـد، عذاب آخرت بزرگتر است.(۲۷)مـا در این قرآن برای مردم هر گونه مثلی آوردیم، شاید

پند گیرند.(۲۸)قرآنی به زبان عربی بی هیچ انحراف و کجی . شاید پروا کنند.(۲۹)خدا مثلی می زند: مردی را که چند تن در او شریکند و بر سر او اختلاف دارند. و مردی که تنها از آن یکی باشد. آیا این دو با هم برابرند؟ سپاس خدا را. نه ، بیشترشان نمی دانند.(۳۰)تو می میری و آنها نیز می میرند.(۳۱)سپس همه در روز قیامت نزد پروردگارتان با یکدیگر به خصومت خواهید پرداخت.(۳۲)پس کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ می بندد و سخن راستی را که بر او آمده است تکذیب می کند. آیا کافران را در جهنم جایگاهی نیست.(۳۳)و کسی که سخن راست آورد و تصدیقش کرد، آنان پرهیزگارانند.(۳۴)برایشان هر چه بخواهند در نزد پروردگارشان مهیاست. این است پاداش نیکوکاران.(۳۵)تا خدا بدترین اعمالی را که مرتکب شده اند از آنان بزداید، و به بهتر از آنچه می کرده اند پاداششان دهد.(۳۶)تو را به کسانی که سوای خدا هستند، می ترسانند. آیا خدا برای نگهداری بنده اش کافی نیست؟ و هر کس را که خدا گمراه سازد هیچ راهنمایی نخواهد بود.(۳۷)هر کس را که خدا راهنمایی کند، گمراه کننده ای نیست. آیا خدا پیروزمند و انتقام گیرنده نیست.(۳۸)اگر از آنها بپرسی : چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است. خواهند گفت: خدای یکتا. بگو: پس اینهایی را که سوای او می پرستید چگونه می بینید؟ اگر خدای یکتا بخواهد به من رنجی برساند آیا اینان می توانند آن رنج را دفع کنند؟ یا اگر بخواهد به من رحمتی ارزانی دارد، می توانند آن رحمت را از من باز دارند؟ بگو: خدا برای من بس است. توکلکنندگان به او توکل می کنند.(۳۹)بگو: ای قوم من، بر وفق امکان خویش عمل کنید. من نیز عمل می کنم. و به زودی خواهید دانست که(۴۰)چه کسی به عذابی که خوارش می سازد گرفتار می شود، یا عذاب جاوید بر سر او فرود می آید.(۴۱)ما این کتاب را به حق برای هدایت مردم بر تو نازل کردیم. پس هر کس که هدایت یافت به سود خود اوست، و هر که گمراه شد به زیان خود به گمراهی افتاده و تو وکیل آنها نیستی .(۴۲)خدا جانها را به هنگام مردنشان می گیرد، و نیز جان کسانی را که در خواب خود نمرده اند. جانهایی را که حکم مرگ بر آنها رانده شده نگه می دارد و دیگران را تا زمانی که معین است باز می فرستد. در این عبرتهاست برای آنهایی که می اندیشند.(۴۳)آیا سوای خدا شفیعانی اختیار کردند؟ بگو: حتی اگر آن شفیعان قدرت به کاری نداشته باشند و چیزی را در نیابند.(۴۴)بگو: شفاعت سراسر از آن خداست. متعلق به اوست فرمانروایی آسمانها و زمین. سپس همه به نزد او باز گردانده می شوید.(۴۵)چون خدا را به یکتایی یاد کنند دلهای آن کسان که به قیامت ایمان نیاورده اند نفرت گیرد، و چون نام دیگری جز او برده شود شادمان شوند.(۴۶)بگو: بار خدایا، تویی آفریننده آسمانها و زمین، دانای نهان و آشکار، تو میان بندگانت در هر چه در آن اختلاف می کرده اند داوری خواهی کرد.(۴۷)اگر هر چه در روی زمین است و همانند آن، از آن ستمکاران می بود. در روز قیامت خود را بدان از عذاب دردناک باز می خریدند. و از خدا برایشان چیزهایی آشکار می شد که هرگز حسابش را نمی کردند.(۴۸)پاداش بد اعمالی که می کردند برایشان آشکار شد و آنچه مسخره اش می کردند گرداگردشان را بگرفت.(۴۹)چون آدمی را گزندی رسد ما را می خواند، و چون از جانب خویش نعمتی ارزانیش داریم گوید: به سبب داناییم این نعمت را به من داده اند. این آزمایشی باشد ولی بیشترینشان نمی دانند.(۵۰)این سخنی بود که پیشینیانشان هم می گفتند، ولی هر چه گرد آورده بودند به حالشان سود نکرد.(۵۱)عقوبت اعمالشان دامنگیرشان شد. و از این میان به آنهایی که راه کفر پیش گرفته اند عقوبت اعمالشان خواهد رسید و نمی توانند از ما بگریزند.(۵۲)آیا هنوز ندانسته اند که خداست که روزی هر کس را که بخواهد افزون می سازد یا تنگ روزی اش می کند؟ و در این خود عبرتهاست برای مردمی که ایمان می آورند.(۵۳)بگو: ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده اید، از رحمت خدا مایوس مشوید. زیرا خدا همه گناهان را می آمرزد. اوست آمرزنده و مهربان.(۵۴)پیش از آنکه عذاب فرا رسد و کسی به یاریتان برنخیزد، به پروردگارتان روی آورید و به او تسلیم شوید.(۵۵)و پیش از آنکه به ناگاه و بی خبر عذاب بر شما فرود آید، از بهترین چیزی که از جانب پروردگارتان نازل شده است پیروی کنید.(۵۶)تا کسی نگوید: ای حسرتا بر من که در کار خدا کوتاهی کردم، و از مسخره کنندگان بودم.(۵۷)یا بگوید: اگر خدا مرا هدایت کرده بود، من از پرهیزگاران می بودم.(۵۸)یا چون عذاب را ببیند، بگوید: اگر بار دیگر به دنیا باز می

گردیدم. از نیکوکاران می شدم.(۵۹)آری ، آیات من برای تو نازل شد و تو گردنکشی کردی و از کافران بودی .(۶۰)در روز قیامت، کسانی را که به خدا دروغ بسته اند می بینی که رویشان سیاه شده است. آیا متکبران را در جهنم جایگاهی نیست.(۶۱)خدا پرهیزگاران را به سبب راه رستگاری که در پیش گرفته بودند می رهاند. به آنها هیچ بدی نرسد و از اندوه بدور باشند.(۶۲)خداست که آفریدگار هر چیزی است و او نگهبان هر چیزی .(۶۳)کلیدهای آسمانها و زمین نزد اوست و آنها که به آیات خدا کافر شده اند زیان دیدگان هستند.(۶۴)بگو: ای نادانان، آیا مرا فرمان می دهید که غیر از خدا را بپرستم.(۶۵)به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک بیاورید اعمالتان ناچیز گردد و خود از زیانکنندگان خواهید بود.(۶۶)بلکه خدا را بپرست و سپاسگزار او باش.(۶۷)خدا را نشناختند آنچنان که شایان شناخت اوست. و در روز قیامت، زمین یکجا در قبضه اوست و آسمانها در هم پیچیده ، در ید قدرت او. منزه است و برتر از هر چه شریک او می پندارند.(۶۸)و در صور دمیده شود. پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است -جز آنها که او بخواهد- بیهوش می شوند. و بار دیگر در آن دمیده شود، ناگهان از جای بر می خیزند و می نگرند.(۶۹)و زمین به نور پروردگارش روشن شود و نامه های اعمال را بنهند و پیامبران و گواهان را بیاورند و در میان مردم به حق داوری شود و بر کسی ستمی نرود.(۷۰)پاداش هر کس برابر کردارش به تمامی ادا شود، در حالی که خدا به کارهایی که می کرده اند آگاه تر است.(۷۱)و کافران را گروه گروه به جهنم برانند. چون به جهنم رسند درهایش گشوده شود و نگهبانان آتش گویند: آیا پیامبرانی از خود شما بر شما مبعوث نشدند تا آیات پروردگارتان را برایتان بخوانند و شما را از دیدار با چنین روزی بترسانند؟ می گویند: بلی . ولی ، بر کافران عذاب محقق شده بود.(۷۲)گفته شود: از درهای جهنم داخل شوید، همواره در آنجا خواهید بود. جایگاه سرکشان چه بد جایگاهی است.(۷۳)و آنان را که از پروردگارشان ترسیده اند گروه گروه به بهشت می برند. چون به بهشت برسند درهایش گشوده شود. و خازنان بهشت گویندشان: سلام بر شما، بهشتتان خوش باد، به درون بیایید، همواره در اینجا خواهید بود.(۷۴)می گویند: سپاس خدایی را که هر وعده که به ما داد راست بود. آن زمین را به میراث به ما داد. و اکنون در هر جای بهشت که بخواهیم مکان می گیریم. عمل کنندگان را چه مزد نیکویی است.(۷۵)و فرشتگان را می بینی که گرد عرش خدا حلقه زده اند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند. میان آنها نیز به حق داوری گردد و گفته شود که ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.(۷۶)

غافر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)نزول این کتاب از جانب خدای پیروزمند داناست.(۳)آمرزنده گناه ، پذیرنده توبه ، سخت عقوبت، صاحب نعم. هیچ خدایی جز او نیست. بازگشت همه به سوی اوست.(۴)جز کافران در آیات خدا جدال نمی کنند. پس جولانشان در شهرها تو را نفریبد.(۵)پیش از ایشان قوم نوح و گروههایی که بعد از ایشان بودند پیامبرشان را تکذیب کردند. و هر امتی آهنگ آن کرد که پیامبرش را دستگیر کند، و به باطل به ستیزه برخاست تا حق را از میان بردارد. اما من آنها را به عقوبت فرو گرفتم و عقوبت من چه سخت بود.(۶)بدینسان حکم پروردگار تو بر کافران محقق شد که اهل جهنمند.(۷)آنان که عرش را حمل می کنند و آنان که بر گرد آن هستند به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و از او برای مومنان آمرزش می خواهند: ای پروردگار ما، رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است. پس آنان را که توبه کرده اند و به راه تو آمده اند بیامرز و از عذاب جهنم نگهدار.(۸)و ای پروردگار ما، آنان را و هر که صالح باشد از پدران و همسران و فرزندانشان به بهشتهای جاویدانی که به آنها وعده داده ای داخل کن. که تو پیروزمند و حکیمی .(۹)آنان را از عقوبات حفظ کن، که هر که را در آن روز از عقوبات حفظ کنی بر او رحمت آورده ای و آن کامیابی بزرگی است.(۱۰)کافران را ندا می دهند که دشمنی خدا با شما از دشمنی شما با خودتان، آنگاه که به ایمانتان فرا می خواندند و راه کفر پیش می گرفتید، بزرگتر است.(۱۱)می گویند: ای

پروردگار ما، ما را دوبار میرانیدی و دوبار زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده ایم. آیا بیرون شدن را راهی هست.(۱۲)این عذاب بدان سبب است که چون خدا را به یکتایی می خواندند شما انکار می کردید، و اگر برای او شریکی قرار می دادند شما به آن شریک ایمان می آوردید. پس، فرمان، فرمان خدای بلندمرتبه بزرگ است.(۱۳)اوست آن که آیات خویش را به شما نشان داد و برایتان از آسمان روزی فرستاد. تنها کسی پند می گیرد که روی به خدا آورد.(۱۴)پس خدا را بخوانید، در حالی که تنها برای او در دین اخلاص می ورزید، اگر چه کافران را ناخوش آید.(۱۵)فرا برنده درجات، صاحب عرش که بر هر یک از بندگانش که بخواهد به فرمان خود وحی می فرستد تا مردم را از روز قیامت بترساند.(۱۶)آن روز که همگان آشکار شوند. هیچ چیز از آنها بر خدا پوشیده نماند. در آن روز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خدای یکتای قهار.(۱۷)آن روز هر کس را همانند عملش جزا می دهند و به کس ستمی نمی رود. و خدا زود به حسابها می رسد.(۱۸)از روز قیامت بترسانشان. آنگاه که دلها لبریز از اندوه ، نزدیک حنجره ها رسد. ستمکاران را در آن روز نه خویشاوندی باشد و نه شفیعی که سخنش را بشنوند.(۱۹)نظرهای دزدیده را و هر چه دلها نهان داشته اند، می داند.(۲۰)خدا به حق داوری می کند. ولی کسانی که سوای او به خدایی می خوانند هیچ داوری نتوانند، زیرا خدا می شنود و می بیند.(۲۱)آیا در زمین سیر نمی کنند تا بنگرند که عاقبت پیشینیانشان چگونه بوده است؟ توانایی آنها و آثاری که در روی زمین پدید آورده بودند از اینان بیش بود. و خدا آنها را به کیفر کفرشان فرو گرفت و از قهر خداوندشان نگهدارنده ای نبود.(۲۲)این بدان سبب بود که پیامبرانشان با دلایل روشن نزدشان آمدند. ولی انکار کردند، و خدا هم آنان را فرو گرفت. و خدا نیرومند است و به سختی عقوبت می کند.(۲۳)ما موسی را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم.(۲۴)به سوی فرعون و هامان و قارون. و گفتند که او جادوگری دروغگوست.(۲۵)چون دین حق را از جانب ما بر آنها عرضه داشت، گفتند: پسران کسانی را که به او ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را زنده بگذارید. و حیله سازی کافران جز در طریق تباهی نباشد.(۲۶)فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم و او خدای خود را به یاری طلبد. می ترسم دینتان را دیگرگون کند یا در این سرزمین فسادی برانگیزد.(۲۷)موسی گفت: من به پروردگار خود و پروردگار شما از هر متکبری که به روز حساب باور ندارد، پناه می برم.(۲۸)و مردی مومن از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان داشته بود. گفت: آیا مردی را که می گوید که پروردگار من خدای یکتاست و با دلیلهایی روشن از جانب پروردگارتان آمده است، می کشید؟ اگر دروغ می گوید، گناه دروغش بر گردن خود اوست، و اگر راست می گوید، پاره ای از وعده هایی که داده است به شما خواهد رسید. هر آینه خدا هیچ گزافکار دروغگویی را هدایت نمی کند.(۲۹)ای قوم من، امروز فرمانروایی از آن شماست. بر این سرزمین غلبه دارید. ولی اگر عذاب خدا بر سر ما آید چه کسی یاریمان خواهد کرد؟ فرعون گفت: شما را جز آنچه خود مصلحت دیده ام راهی ننمایم و جز به راه صواب راهنمایی نکنم.(۳۰)آن که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، بر شما از آنچه بر سر آن اقوام دیگر آمده است بیمناکم.(۳۱)همانند قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که از آن پس آمدند. حال آنکه خدا برای بندگانش خواستار ستم نیست.(۳۲)ای قوم من، از آن روز که یکدیگر را به فریاد بخوانید بر شما بیمناکم.(۳۳)آن روز که همگی پشت کرده باز می گردید و هیچ کس شما را از عذاب خدا نگاه نمی دارد. و هر کس که خدا گمراهش کند، هیچ راهنمایی ندارد.(۳۴)یوسف پیش از این با دلایل روشن بر شما مبعوث شد و شما از آنچه آورده بود همچنان در شک می بودید. چون یوسف بمرد گفتید: خدا پس از او دیگر پیامبری نخواهد فرستاد. خدا گزافکار شک آورنده را این گونه گمراه می سازد.(۳۵)کسانی که بی هیچ حجتی که در دست داشته باشند در آیات خدا جدال می کنند. کار آنان نزد خدا و مومنان سخت ناپسند است. خدا بر دل هر متکبر جباری اینچنین مهر می نهد.(۳۶)فرعون گفت: ای هامان، برای من کوشکی بلندی بساز، شاید به آن درها دست یابم:(۳۷)درهای آسمانها. و خدای موسی را ببینم، زیرا پندارم که دروغ می گوید. بدینسان کردار زشت فرعون در نظرش آراسته شد و او از راه بازماند و چاره جویی او جز زیان هیچ نبود.(۳۸)آن مردی که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، از پی من بیایید تا به راه صواب هدایتتان کنم.(۳۹)ای

قوم من، این زندگی دنیا اندك مایه تعیشی است. و آخرت سرای بقاست.(۴۰)هر کس کار بدی بکند جز همانند عملش کیفر نیابد. و هر کس از مرد و زن که مومن باشد و عمل صالحی به جای آرد به بهشت داخل شود و بی حساب روزی اش دهند.(۴۱)ای قوم من، چیست که من شما را به رهایی می خوانم و شما مرا به آتش فرا می خوانید.(۴۲)مرا دعوت می کنید که به خدا کافر شوم و چیزی را که نمی شناسم شریك او قرار دهم، حال آنکه من شما را به خدای پیروزمند آمرزنده دعوت می کنم.(۴۳)بی شك آنچه شما مرا به آن دعوت می کنید یارای آنش نیست که در دنیا و آخرت کسی را به سوی خود خواند، حال آنکه بازگشت ما به سوی خدای یکتاست، و گزافکاران در جهنم باشند.(۴۴)زودا که آنچه را که اکنون می گویم به یاد خواهید آورد. و من کار خویش به خدا واگذار کردم، زیرا او بندگانش را می بیند.(۴۵)خدا او را از آسیب مکری که برایش اندیشیده بودند، نگه داشت و آن عذاب ناگوار خاندان فرعون را در میان گرفت.(۴۶)آتش. هر صبح و شام بر آن عرضه شوند و روزی که قیامت بر پا شود ندا دهند که خاندان فرعون را به سخترین عذابها در آورید.(۴۷)و آنگاه در درون آتش با یکدیگر به مجادله برخیزند و ناتوانان به گردنکشان گویند که ما پیروان شما بودیم، آیا می توانید اندکی از این آتشی که نصیب ما شده است بکاهید.(۴۸)آنان که سرکشی کرده بودند می گویند: همه ما در آتشیم. و خداست که میان بندگانش داوری کرده است.(۴۹)و آنان که در آتشند به نگهبانان جهنم می گویند: از پروردگارتان بخواهید تا یک روز از عذاب ما بکاهد.(۵۰)می گویند: آیا پیامبرانتان با دلایل روشن نزد شما نیامده بودند. می گویند: بلی . می گویند: پس دعا کنید. و دعای کافران جز آنکه تباه شود هیچ نخواهد بود.(۵۱)ما پیامبرانمان و مومنان را در زندگی دنیا و در روز قیامت که شاهدان برای شهادت بر پای می ایستند، یاری می کنیم.(۵۲)در روزی که ستمکاران را پوزش خواستن سود ندهد و نصیب آنها لعنت است و آن سرای بد.(۵۳)ما به موسی مرتبه هدایت دادیم و آن کتاب را به بنی اسرائیل میراث دادیم.(۵۴)کتابی که خود هدایت است و برای خردمندان اندرز.(۵۵)صبر کن که وعده خدا حق است. برای گناهت آمرزش بخواه و هر شامگاه و بامداد، به ستایش پروردگارت تسبیح بگوی .(۵۶)آنان که بی هیچ حجتی که از آسمان آمده باشد درباره آیات خدا مجادله می کنند، در دلشان جز هوای بزرگی نیست، ولی به آن نخواهند رسید. پس به خدا پناه ببر که او شنوا و بیناست.(۵۷)آفرینش آسمان و زمین از آفرینش مردم بزرگتر است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۵۸)نابینا و بینا برابر نیستند. نیز آنهایی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند با زشتکاران یکسان نباشند. چه اندك پند می پذیرید.(۵۹)قیامت می آید و در آن تردیدی نیست، ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.(۶۰)پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم. آنهایی که از پرستش من سرکشی می کنند زودا که در عین خواری به جهنم درآیند.(۶۱)خداست آن که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را روشنایی بخشید. خدا فضل خویش به مردم ارزانی می دارد. ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند.(۶۲)این است خدای یکتا پروردگار شما، آفریدگار هر چیزی . خدایی جز او نیست. پس چگونه از حق منحرفتان می کنند.(۶۳)همچنین، آنان که آیات خدا را انکار می کنند، از ایمان روی برمی گردانند.(۶۴)خداست که زمین را قرارگاه شما ساخت و آسمان را چون بنایی بیفراشت. و شما را صورت بخشید، و صورتهایتان را نیکو ساخت. و از چیزهای پاکیزه و خوش روزیتان داد. این است خدای یکتا پروردگار شما. برتر و بزرگوار است خدا آن پروردگار جهانیان.(۶۵)او زنده است. خدایی جز او نیست. او را بخوانید در حالی که دین او را به اخلاص پذیرفته باشید، که ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.(۶۶)بگو: مرا نهی کرده اند که چیزهایی را که سوای خدا می پرستید پرستش کنم، در حالی که از جانب پروردگارم برای من دلایلی روشن آمده است. و به من فرمان داده اند که در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم.(۶۷)اوست آن خدایی که شما را از خاك، سپس از نطفه ، سپس از لخته خونی بیافریده است. آنگاه شما را که کودکی بودید از رحم مادر آورد تا به سن جوانی برسید و پیر شوید. بعضی از شما پیش از پیری بمیرید و بعضی به آن زمان معین می رسید و شاید به عقل دریابید.(۶۸)اوست که زنده می کند و می میراند. و چون اراده چیزی کند می گویدش: موجود شو. پس موجود می شود.(۶۹)آیا ندیده ای آنهایی که در آیات خدا مجادله می کنند چگونه

منحرف می شوند.(۷۰)کسانی که این کتاب را دروغ می انگارند و آنچه را که به وسیله پیامبران فرستاده ایم تکذیب می کنند، به زودی خواهند دانست.(۷۱)آنگاه که غلها را به گردنشان اندازند و با زنجیرها بکشندشان.(۷۲)در آب جوشان، سپس در آتش، افروخته شوند.(۷۳)آنگاه به آنها گفته شود: آن شریکان که برای خدا می پنداشتید کجا هستند.(۷۴)می گویند: آنها را از دست داده ایم، بلکه پیش از این چیزی را به خدایی نمی خوانده ایم. خدا کافران را بدینسان گمراه می کند.(۷۵)این بدان سبب است که به ناحق در زمین شادمانی می کردید و به ناز می خرامیدید.(۷۶)از درهای جهنم داخل شوید. همواره در آنجا بمانید. و جایگاه سرکشان چه بد جایگاهی است.(۷۷)پس صبر کن، البته وعده خدا راست است. یا بعضی از آن چیزها را که به آنها وعده داده ایم به تو نشان می دهیم یا تو را بمیرانیم و آنها به نزد ما باز گردانیده شوند.(۷۸)پیش از تو پیامبرانی فرستاده ایم. داستان بعضی را برایت گفته ایم و داستان بعضی را نگفته ایم. و هیچ پیامبری را نرسد که آیه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. و چون فرمان خدا در رسد به حق داوری گردد و آنان که بر باطل بوده اند -آنجا- زیان خواهند دید.(۷۹)خداست که چارپایان را برایتان آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از بعضی بخورید.(۸۰)و شما را در آن منافعی است و می توانید با آنها به حاجاتی که در نظر دارید برسید. و بر آنها و بر کشتیها سوار شوید.(۸۱)آیات خویش را به شما می نمایاند. پس کدام یک از آیات خدا را انکار می کنید.(۸۲)آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها می زیسته اند چگونه بوده است؟ مردمی که نیرویشان بیشتر و آثارشان در روی زمین فراوانتر بود. پس آن چیزها که به دست می آوردند سودشان نبخشید.(۸۳)چون پیامبرانشان با دلایل روشن به سویشان آمدند، به دانش خود دلخوش بودند تا آن چیزی که مسخره اش می کردند آنها را در میان گرفت.(۸۴)و چون عذاب ما را دیدند، گفتند: به خدای یکتا ایمان آوردیم و به آن چیزهایی که شریک خدا قرار داده بودیم کافر شدیم.(۸۵)اما بدان هنگام که عذاب ما را دیدند دیگر ایمانشان برایشان سودی نبخشید. این سنت خداست در رفتار با بندگانش. و کافران در آن روز زیان کردند.(۸۶)

فصلت

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)کتابی است که از جانب آن بخشاینده مهربان نازل شده است.(۳)کتابی است که آیه هایش به وضوح بیان شده ، قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می دانند.(۴)هم مژده دهنده است و هم بیمدهنده . بیشترشان از آن اعراض کرده اند و سخن نمی شنوند.(۵)گفتند: دلهای ما از آنچه ما را بدان دعوت می کنی در پرده است و گوشهامان سنگین است و میان ما و تو حجابی است. تو به کار خود پرداز و ما نیز به کار خود می پردازیم.(۶)بگو: من انسانی هستم همانند شما. به من وحی شده که خدایتان خدایی است یکتا. پس بدو روی آورید و از او آمرزش بخواهید. و وای بر مشرکان:(۷)آنهایی که زکات نمی دهند و به آخرت ایمان ندارند.(۸)آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند، پاداشی است تمام ناشدنی .(۹)بگو: آیا به کسی که زمین را در دو روز آفریده است کافر می شوید و برای او همتایان قرار می دهید؟ اوست پروردگار جهانیان.(۱۰)بر روی زمین کوهها پدید آورد و آن را پر برکت ساخت و رزق همه را معین کرد، در چهار روز یکسان برای همه سائلان.(۱۱)سپس به آسمان پرداخت و آن دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: خواه یا ناخواه بیایید. گفتند: فرمانبردار آمدیم.(۱۲)آنگاه هفت آسمان را در دو روز پدید آورد. و در هر آسمانی کارش را به آن وحی کرد. و آسمان فرودین را به چراغهایی بیاراستیم و محفوظش داشتیم. این است تدبیر آن پیروزمند دانا.(۱۳)پس اگر اعراض کردند، بگو: شما را از صاعقه ای همانند صاعقه ای که بر عاد و ثمود فرود آمد می ترسانم.(۱۴)آنگاه که رسولان پیش و بعد آنها نزدشان آمدند و گفتند که جز خدای یکتا را میپرستید، گفتند: اگر پروردگار ما می خواست فرشتگان را از آسمان نازل می کرد. ما به آنچه شما بدان مبعوث شده اید ایمان نمی آوریم.(۱۵)اما قوم عاد، به ناحق در روی زمین گردنکشی کردند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ آیا نمی

دیدنـد که خدایی که آنها را آفریده است از آنها نیرومندتر است که آیات ما را انکار می کردند.(۱۶)ما نیز بادی سخت و غران در روزهـایی شوم بر سـرشان فرسـتادیم تـا در دنیـا عـذاب خواری را به آنها بچشانیم. و عـذاب آخرت خوارکننـده تر است و کسـی به یاریشان برنخیزد.(۱۷)اما قوم ثمود، هـدایتشان کردیم. و آنها کوری را از هـدایت بیشتر دوست می داشـتند. تا آنکه به خاطر اعمالی که می کردنـد صـاعقه عـذاب خوارکننـده آنها را فرو گرفت.(۱۸)و مـا کسـانی را که ایمان آورده بودنـد و پرهیزگار بودنـد نجات دادیم.(۱۹)و روزی که دشمنان خدا را گرد آورند و به صف برانندشان.(۲۰)چون به کنار آتش آیند، گوش و چشمها و پوستهاشان به اعمالی که مرتکب شـده انـد بر ضدشان شـهادت دهند.(۲۱)به پوسـتهای خود گوینـد: چرا بر ضد ما شـهادت دادید؟ گویند: آن خدایی که هر چیزی را به سـخن می آورد و شما را نخستین بار بیافرید و به او بازگشت می یابید، ما را به سخن آورده است.(۲۲)از اینکه گوش و چشـمها و پوسـتهایتان به زیان شـما شـهادت دهنـد چیزی نهان نمی داشتیـد، بلکه می پنداشتید که خدا بر بسـیاری از کارهایی که می کنیـد آگاه نیست.(۲۳)و این بود گمـانی که به پروردگارتـان داشتیـد. هلاکتان کرد و در شـمار زیان کردگان در آمدید.(۲۴)پس اگر شکیبایی ورزند، جایگاهشان در آتش است، و اگر هم طالب عفو شوند کسی آنها را عفو نکند.(۲۵)و برایشان همدمانی مقدر کردیم و آنان حال و آینده را در نظرشان بیاراسـتند. و بر آنها نیز همانند پیشینیانشان از جن و انس، عذاب مقرر شد. زیرا زیانکار بودند.(۲۶)کافران گفتنـد: به این قرآن گوش مدهیـد و سـخن بیهوده بـدان بیامیزید، شاید پیروز گردید.(۲۷)کافران را عـذابی سـخت می چشانیم و بدتر از آنچه می کرده اند پاداش می دهیم.(۲۸)این است کیفر دشـمنان خدا: آتش. در درون آن خانه ای همیشگی دارند. این کیفر آنهاست، زیرا آیات ما را انکار می کردند.(۲۹)کافران گویند: ای پروردگار ما، آن دو تن را از جن و انس که ما را گمراه کردند به ما بنمایان، تا پای بر سر آنها نهیم تا از ما فروتر روند.(۳۰)بر آنان که گفتند: پروردگار ما الله است و پایـداری ورزیدنـد. فرشـتگان فرود می آینـد که مترسـید و غمگین مباشـید، شـما را به بهشـتی که به شـما وعـده داده شـده بشـارت است.(۳۱)مـا در دنیـا دوسـتدار شـما بودیم و نیز در آخرت دوسـتدار شـماییم. در بهشت هر چه دلتـان بخواهـد و هر چه طلب کنید برایتان فراهم است.(۳۲)سفره ای است از جانب خدای آمرزنده مهربان.(۳۳)چه کسی را سخن نیکوتر از سخن آن که به سوی خدا دعوت می کند و کارهای شایسـته می کند و می گوید البته که من از مسلمانانم.(۳۴)خوبی و بدی برابر نیستند. همواره به نیکوترین وجهی پاسخ ده ، تا کسـی که میان تو و او دشـمنی است چون دوست مهربان تو گردد.(۳۵)برخوردار نشوند از این مگر کسانی که شکیبا باشند و کسانی که از ایمان بهره ای بزرگ داشته باشند.(۳۶)و اگر از جانب شیطان دستخوش وسوسه ای گردی ، به خدا پناه ببر، که او شنوا و داناست.(۳۷)و از نشانه های قدرت او شب و روز و آفتاب و ماه است. به آفتاب و ماه سجده مکنید. به خدای یکتا که آنها را آفریـده است سـجده کنید. اگر او را می پرستید.(۳۸)اگر آنـان تکبر می ورزنـد، آنها که در نزد پروردگار تو هسـتند بی آنکه ملول شونـد شب و روز تسبیـح او می گوینـد.(۳۹)و از آیـات قـدرت او آنکه تـو زمین را خشـک می بینی . چـون آب بر آن بفرسـتیم بـه جنبش آیـد و گیـاه برویانـد. آن کس کـه آن را زنـده می کنـد زنـده کننـده مردگـان اسـت، کـه او بر هر چیزی تواناست.(۴۰)کسانی که در آیات ما راه باطل پیش می گیرند، بر ما پوشیده نیستند. آیا آن که به آتش افکنده می شود بهتر است یا آن که روز قیامت بی هیـچ وحشتی می آیـد؟ هر چه می خواهید بکنید، او به کارهایتان بیناست.(۴۱)به کیفر خویش رسند آنان که به قرآن که برای هدایتشان آمده است ایمان نمی آورند، حال آنکه کتابی ارجمند است.(۴۲)نه از پیش روی باطل بدو راه یابد و نه از پس. نازل شـده از جانب خداوندی حکیم و سـتودنی است.(۴۳)هر چه دربـاره تو می گوینـد درباره پیامبران پیش از تو نیز گفته انـد. هر آینه پروردگـار تو هم آمرزنـده است و هم صاحب عقوبتی است دردآور.(۴۴)اگر قرآن را به زبان عجم می فرسـتادیم، می گفتنـد: چرا آیاتش به روشـنی بیان نشـده است؟ کتابی به زبان عجم و پیامبری عرب؟ بگو. این کتاب برای آنها که ایمان آورده اند هدایت و شـفاست و آنها که ایمان نیاورده اند گوشـهاشان سـنگین است، و چشمانشان کور است. چنانند که گویی آنها را از جایی دور ندا می دهند.(۴۵)موسـی را کتاب دادیم، اما در آن اختلاف کردنـد. و اگر نبود آن سـخنی که پروردگارت از پیش گفته بود،

میانشان کار به پایان می آمد. و البته هنوز به سختی در تردیدند.(۴۶)هر کس که کاری شایسته کند، به سود خود اوست و هر که بد کند به زیان اوست. و پروردگار تو به بندگان ستم روا نمی دارد.(۴۷)علم به روز قیامت نزد اوست. و هیچ ثمره ای از غلاف خویش بیرون نمی آید، و هیچ ماده ای آبستن نمی شود و نمی زاید مگر آنکه او بدان آگاه است. و آن روز که ایشان را ندا دهد که شریکان من کجایند. گویند: آگاهت کردیم که کسی از ما به شرک گواهی نمی دهد.(۴۸)و آنچه را پیش از این به خدایی می خواندند از دست دادند و دانستند که راه گریزی ندارند.(۴۹)آدمی هر چه طلب خیر کند خسته نمی شود، اما چون بدی به او برسد بداندیش و نومید می گردد.(۵۰)اگر پس از رنجی که به او رسیده رحمتی به او بچشانیم می گوید این حق من است و نپندارم که قیامتی بر پا شود، و اگر هم مرا نزد پروردگارم برگردانند البته که نزد او حالتی خوشتر باشد. پس کافران را به اعمالی که کرده اند آگاه می کنیم و به آنها عذابی سخت می چشانیم.(۵۱)چون به آدمی نعمتی ارزانی داریم، رویگردان می شود و به تکبر گردن می افرازد. و اگر بدو شری برسد، بسیار فریاد و فغان می کند.(۵۲)بگو: چه می بینید؟ اگر این کتاب از جانب خداست و شما بدان ایمان نمی آورید، گمراه تر از کسی که همچنان راه مخالفت در پیش گرفته است کیست.(۵۳)زودا که آیات قدرت خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است. آیا اینکه پروردگار تو در همه جا حاضر است کافی نیست.(۵۴)به هوش باش که آنها از دیدار پروردگارشان در تردیدند. بهوش باش که او بر هر چیزی احاطه دارد.(۵۵)

الشوری

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)عین، سین، قاف.(۳)خداوند پیروزمند حکیم، به تو و کسانی که پیش از تو بودند اینچنین وحی می فرستد:(۴)از آن اوست هر چه در آسمانها و زمین است. و اوست آن بلندمرتبه بزرگوار.(۵)نزدیک است که آسمانها بر فراز یکدیگر درهم شکنند و فرشتگان به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و برای ساکنان زمین آمرزش می طلبند. آگاه باشید که خدا آمرزنده و مهربان است.(۶)خدا مراقب اعمال کسانی است که جز او را به دوستی گرفتند، و تو وکیل آنها نیستی .(۷)و نیز این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا امالقری و ساکنان اطرافش را بیم دهی . همچنین آنان را از روز قیامت -که در آن تردیدی نیست- بترسانی که گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان.(۸)اگر خدا می خواست همه را یک امت کرده بود. ولی او هر که را که بخواهد به رحمت خویش درآورد، و ستمکاران را هیچ دوست و یاوری نیست.(۹)آیا جز خدا را به دوستی گرفتند؟ دوست حقیقی خداست. و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر کاری تواناست.(۱۰)در هر چه اختلاف می کنید حکمش با خداست. این خدای یکتا پروردگار من است. بر او توکل کردم و به او روی می آورم.(۱۱)آفریدگار آسمانها و زمین است. برای شما، هم از شما، همسرانی بیافرید. و نیز برای چارپایان جفتهایی پدید آورد. با آفرینش همسران بر شمارتان می افزاید. هیچ چیز همانند او نیست و اوست که شنوا و بیناست.(۱۲)کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. در روزی هر که بخواهد گشایش می دهد یا تنگ می گیرد، و او به هر چیزی داناست.(۱۳)برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کرده ایم که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید. تحمل آنچه بدان دعوت می کنید بر مشرکان دشوار است. خدا هر که را خواهد برای رسالت خود بر می گزیند و هر که را بدو باز گردد به خود راه می نماید.(۱۴)از روی حسد و عداوت فرقه فرقه نشدند، مگر از آن پس که به دانش دست یافتند. و اگر پروردگار تو از پیش مقرر نکرده بود که آنها را تا زمانی معین مهلت است، بر آنها حکم عذاب می رفت. و کسانی که بعد از ایشان وارث کتاب خدا شده اند درباره آن سخت به تردید افتاده اند.(۱۵)برای آن دعوت کن و چنان که فرمان یافته ای پایداری ورز و از پی خواهشهایشان مرو و بگو: به کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و به من فرمان داده اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم. خدای یکتا پروردگار ما و پروردگار شماست. اعمال ما از آن ما و اعمال شما

از آن شما. میان ما و شما هیچ محاجه ای نیست. خدا ما را در یک جا گرد می آورد و سرانجام به سوی اوست.(۱۶)و کسانی که درباره خدا جدال می کنند، پس از آنکه دعوت او را اجابت کرده اند نزد پروردگارشان حجتشان ناچیز است. بر آنهاست خشم خدا و بر آنهاست عذابی سخت.(۱۷)خداست که این کتاب بر حق و ترازو را نازل کرده است. و تو چه می دانی ؟ شاید قیامت نزدیک باشد.(۱۸)آنان که باورش ندارند آن را به شتاب می طلبند، و آنان که ایمان آورده اند از آن بیمناکند و می دانند که حق است. آگاه باش، کسانی که درباره قیامت جدال می کنند سخت در گمراهی هستند.(۱۹)خدا با بندگانش مهربان است. هر که را بخواهد روزی می دهد. و او توانا و پیروزمند است.(۲۰)هر کس کشت آخرت را بخواهد به کشته اش می افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد به او عطا می کنیم، ولی دیگر در کشت آخرتش نصیبی نیست.(۲۱)آیا مشرکان را بتانی است که آیینی برایشان آورده اند که خدا رخصت آن را نداده است؟ و اگر قصد تاخیر عذابشان نبود، کارشان به پایان آمده بود و ستمکاران را عذابی است دردآور.(۲۲)ستمکاران را بینی که از حاصل اعمالشان بیمناکند. و البته به کیفر خود خواهند رسید. ولی آنها که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، در باغهای بهشتند. هر چه بخواهند نزد پروردگارشان هست. و این فضل و بخشایش بزرگی است.(۲۳)این است آن چیزی که خدا آن گروه از بندگانش را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، بدان مژده می دهد. بگو: بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی خواهم. و هر که کار نیکی کند به نیکویی اش می افزاییم، زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است.(۲۴)یا می گویند که بر خدا دروغ می بندد. اگر خدا بخواهد بر دل تو مهر می نهد. و خدا به کلمات خود باطل را محو می کند و حق را ثابت می گرداند. او به هر چه در دلها می گذرد داناست.(۲۵)و اوست که توبه بندگانش را می پذیرد و از گناهان عفوشان می کند و هر چه می کنید می داند.(۲۶)و دعای کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند اجابت می کند، و از فضل خویش آنان را افزون می دهد. و کافران را عذابی سخت است.(۲۷)اگر خدا روزی بندگانش را افزون کند در زمین فساد می کنند، ولی به اندازه ای که بخواهد روزی می فرستد. زیرا بر بندگان خود آگاه و بیناست.(۲۸)و اوست آن خدایی که بعد از نومیدیشان باران می فرستد و رحمت خود را به همه جا منتشر می کند و اوست کارساز و ستودنی .(۲۹)و از نشانه های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین و پراکندن جنبندگان در آن دوست. و هرگاه بخواهد، بر گرد آوردنشان تواناست.(۳۰)اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که کرده اید. و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند.(۳۱)شما نتوانید در روی زمین از او بگریزید و شما را جز او کارساز و یاوری نیست.(۳۲)از نشانه های قدرت او کشتیهایی است چون کوه که در دریاها روانند.(۳۳)اگر بخواهد، باد را نگه می دارد تا کشتیها بر روی دریا از رفتن باز مانند. هر آینه در این برای صابران شکرگزار عبرتهایی است.(۳۴)یا آنها را به خاطر اعمالشان غرقه می کند و بسیاری را نیز می بخشاید.(۳۵)و تا بدانند کسانی که در آیات ما جدال می کنند. آنان را هیچ گریزگاهی نیست.(۳۶)آنچه شما را داده اند بهره این زندگی دنیوی است. و آنچه در نزد خداست برای آنها که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پاینده تر است.(۳۷)و آن کسان که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می کنند و چون در خشم شوند خطاها را می بخشایند.(۳۸)و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می گویند و نماز می گزارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند.(۳۹)و آنان که چون ستمی به آنها رسد انتقام می گیرند.(۴۰)جزای هر بدی بدیی است همانند آن. پس کسی که عفو کند و آشتی ورزد مزدش با خداست، زیرا او ستمکاران را دوست ندارد.(۴۱)بر کسانی که پس از ستمی که بر آنها رفته باشد انتقام می گیرند. ملامتی نیست.(۴۲)ملامت در خور کسانی است که به مردم ستم می کنند و به ناحق در روی زمین سرکشی می کنند. برای آنهاست عذابی دردآور.(۴۳)و آن که صبر کند و از خطا درگذرد، این از کارهای پسندیده است.(۴۴)هر کس را که خدا گمراه کند از آن پس هیچ دوستی نخواهد داشت. و ظالمان را می بینی که چون عذاب را بنگرند، می گویند: آیا ما را راه بازگشتی هست.(۴۵)آنها را می بینی که به جهنم می برند. ترسان و ذلیل از گوشه چشم نگاهی دزدیده می کنند. کسانی که ایمان آورده

بودند می گویند: اینان خود و کسانشان را در روز قیامت بر باد دادند. آگاه باش که ستمکاران در عذاب دایم خواهند بود.(۴۶)جز خدا یار و مددکاری ندارند و هر کس را که خدا گمراه کند هیچ راهی برایش نیست.(۴۷)پیش از آنکه روزی بیاید که از جانب خدا بازگشتی ندارد، به پروردگارتان پاسخ قبول دهید. در آن روز نه پناهی خواهید داشت و نه کسی از شما دفاعی تواند کرد.(۴۸)اگر اعراض کنند، تو را نفرستاده ایم که نگهبانشان باشی . بر تو جز تبلیغ رسالت هیچ نیست. و ما چون به انسان از رحمت خود بچشانیم شادمان می گردد، و اگر به خاطر کارهایی که کرده است ناروایی بدو رسد ناسپاسی می کند.(۴۹)از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین. هر چه بخواهد می آفریند. به هر که بخواهد دختر می بخشد و به هر که بخواهد پسر می بخشد.(۵۰)و یا هم پسر دهد و هم دختر. و هر کس را بخواهد عقیم می گرداند. زیرا او دانا و تواناست.(۵۱)هیچ بشری را نرسد که خدا جز به وحی یا از آن سوی پرده ، با او سخن گوید. یا فرشته ای می فرستد تا به فرمان او هر چه بخواهد به او وحی کند. او بلند پایه و حکیم است.(۵۲)همچنین کلام خود را به فرمان خود به تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست. ولی ما آن را نوری ساختیم تا هر یک از بندگانمان را که بخواهیم بدان هدایت کنیم و تو به راه راست راه می نمایی .(۵۳)راه آن خدایی که از آن اوست هر چه در آسمانها و زمین است. آگاه باشید که همه کارها به خدا باز می گردد.(۵۴)

الزخرف

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)سوگند به این کتاب روشنگر.(۳)ما این کتاب را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که به عقل دریابید.(۴)و آن در امالکتاب است در نزد ما، کتابی ارجمند و حکمتآمیز.(۵)آیا بدان سبب که مردمی گزافکار هستید، از شما اعراض کنیم و قرآن را از شما دریغ داریم.(۶)به میان پیشینیان پیامبران بسیاری فرستادیم.(۷)و هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نمی شد مگر آنکه مسخره اش می کردند.(۸)آنها را که از ایشان نیرومندتر بودند هلاک کردیم. و داستان پیشینیان گذشت.(۹)اگر از آنها بپرسی : چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ می گویند: آنها را آن پیروزمند دانا آفریده است.(۱۰)آن که زمین را بستر شما ساخت و برایتان راهها در آن پدید آورد. باشد که هدایت شوید.(۱۱)و آن که از آسمان آب فرستاد، به اندازه . و بدان سرزمین مرده را زنده کردیم. شما نیز اینچنین از گورها بیرون آورده شوید.(۱۲)و آن که همه جفتها را بیافرید. و برایتان از کشتیها و چارپایان مرکبها ساخت که سوار شوید.(۱۳)و چون بر پشت آنها قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: منزه است آن کس که اینها را رام ما کرد وگرنه ما را توان آن نبود.(۱۴)و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.(۱۵)و برای او از میان بندگانش فرزندی قائل شدند. آدمی به آشکارا ناسپاس است.(۱۶)آیا او از میان مخلوقاتش برای خود دختران برگرفته و پسران را خاص شما کرده است.(۱۷)و چون به یکی از آنها مژده تولد همان چیزی را دهند که به خدای رحمان نسبت داده رویش سیاه گردد و آکنده از خشم شود.(۱۸)آیا آن که به آرایش پرورش یافته و در هنگام جدال آشکار نمی گردد از آن خداست.(۱۹)و فرشتگان را که بندگان خدایند زن پنداشتند. آیا به هنگام خلقتشان آنجا حاضر بوده اند؟ زودا که این شهادتشان را می نویسند و از آنها بازخواست می شود.(۲۰)گفتند: اگر خدای رحمان می خواست ما فرشتگان را نمی پرستیدیم. آنچه می گویند از روی نادانی است و جز به دروغ سخن نمی گویند.(۲۱)آیا پیش از قرآن کتابی برایشان نازل کرده ایم که اکنون بدان تمسک می جویند.(۲۲)نه ، می گویند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما از پی آنها می رویم.(۲۳)بدینسان، پیش از تو، به هیچ قریه ای بیمدهنده ای نفرستادیم مگر آنکه متنعمانش گفتند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما به اعمال آنها اقتدا، می کنیم.(۲۴)گفت: حتی اگر برای شما چیزی بیاورم که از آنچه پدرانتان را بر آن یافته بودید هدایت کننده تر باشد؟ گفتند: ما به آیینی که شما را بدان فرستاده اند بی ایمانیم.(۲۵)پس، از آنها انتقام گرفتیم. و بنگر که عاقبت تکذیبکنندگان چگونه بوده است.(۲۶)و ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آنچه شما می پرستید بیزارم.(۲۷)مگر آن که مرا آفریده ، که او راهنماییم خواهد کرد.(۲۸)و این سخن را در فرزندان خود

سخنی پاینده کرد، باشد که به خدا باز گردند.(۲۹)و من اینان و پدرانشان را از زندگی بهره مند کردم تا آنگاه که حق و پیامبری روشنگر به سویشان آمد.(۳۰)چون حق بر آنها آشکار شد گفتند: این جادوست و ما بدان ایمان نمی آوریم.(۳۱)گفتند: چرا این قرآن بر مردی از بزرگمردان آن دو قریه نازل نشده است.(۳۲)آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ حال آنکه ما روزی آنها را در این زندگی دنیا میانشان تقسیم می کنیم. و بعضی را به مرتبت. بالاتر از بعضی دیگر قرار داده ایم تا بعضی بعض دیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می آورند بهتر است.(۳۳)و اگر نه آن بود که همه مردم یک امت می شدند، سقفهای خانه های کسانی را که خدای رحمان را باور ندارند از نقره می کردیم و بر آنها نردبامهایی می نهادیم تا بر آن بالا روند.(۳۴)و برای خانه هایشان نیز درهایی از نقره می کردیم و تختهایی که بر آن تکیه زنند.(۳۵)و از هر گونه زینت. و همه اینها برخورداری ناچیز دنیوی است. حال آنکه آخرت در نزد پروردگار تو برای پرهیزگاران است.(۳۶)هر کس که از یاد خدای رحمان روی گرداند، شیطانی بر او می گماریم که همواره همراهش باشد.(۳۷)و آن شیطانها آنان را از راه خدا باز می گردانند، ولی پندارند که هدایت یافتگانند.(۳۸)تا آنگاه که نزد ما آید، می گوید: ای کاش دوری من و تو دوری مشرق و مغرب بود. و تو چه همراه بدی بودی .(۳۹)چون ستم کردید آن روز پشیمانی سود نکند و هر دو در عذاب شریک باشید.(۴۰)آیا تو می خواهی به کران سخن بشنوانی ، یا کوران و آنهایی را که در گمراهی آشکار هستند راه بنمایی .(۴۱)و اگر تو را ببریم، از آنها انتقام می گیریم.(۴۲)یا آن عذابی را که به آنها وعده داده ایم به تو نشان می دهیم، که ما بر ایشان توانا هستیم.(۴۳)پس در آنچه به تو وحی شده است چنگ بزن که تو بر راه راست هستی .(۴۴)و قرآن سبب بلند آوازه گشتن تو و قوم توست، و زودا که بازخواست شوید.(۴۵)از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده ایم بپرس: آیا جز خدای رحمان، دیگری را برای پرستش آنها قرار داده بودیم.(۴۶)و هر آینه موسی را همراه با آیات خود بر فرعون و مهتران قومش فرستادیم و گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم.(۴۷)چون آیات ما را بر آنان عرضه داشت، به ناگاه همه از آن به خنده افتادند.(۴۸)و هر معجزه ای که به آنها نشان دادیم از معجزه دیگر عظیمتر بود. آنگاه همه را به عذاب گرفتار کردیم، باشد که باز گردند.(۴۹)گفتند: ای جادوگر، پروردگارت را با آن عهدی که با تو نهاده است برای ما بخوان که ما هدایت شدگانیم.(۵۰)چون عذاب را از آنها برداشتیم، پیمان خود را شکستند.(۵۱)فرعون در میان مردمش ندا داد که : ای قوم من، آیا پادشاهی مصر و این جویباران که از زیر پای من جاری هستند از آن من نیستند؟ آیا نمی بینید.(۵۲)آیا من بهترم یا این مرد خوار ذلیل که درست سخن گفتن نتواند.(۵۳)چرا دستهایش را به دستبندهای طلا نیاراسته اند؟ و چرا گروهی از فرشتگان همراهش نیامده اند.(۵۴)پس قوم خود را گمراه ساخت تا از او اطاعت کردند، که مردمی تبهکار بودند.(۵۵)چون ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همگان را غرقه ساختیم.(۵۶)آنان را در شمار گذشتگان و داستان برای آیندگان کردیم.(۵۷)و چون داستان پسر مریم آورده شد، قوم تو به شادمانی فریاد زدند.(۵۸)و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند، که مردمی ستیزه جویند.(۵۹)او جز بنده ای نبود که ما نعمتش ارزانی داشتیم و مایه عبرت بنی اسرائیلش گردانیدیم.(۶۰)اگر می خواستیم به جای شما فرشتگانی پدید می آوردیم تا در روی زمین جانشین شما گردند.(۶۱)و هر آینه او نشانه فرا رسیدن قیامت است. در آن شک مکنید، و از من متابعت کنید. این است راه راست.(۶۲)شیطان شما را از راه باز نگرداند، زیرا او دشمن آشکار شماست.(۶۳)و چون عیسی با دلیلهای روشن خود آمد، گفت: برایتان حکمت آورده ام و آمده ام تا چیزهایی را که در آن اختلاف می کنید بیان کنم. پس، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.(۶۴)خدای یکتا پروردگار من و پروردگار شماست. او را بپرستید. راه راست این است.(۶۵)گروهها با هم اختلاف کردند. پس وای بر ستمکاران از عذاب دردآور قیامت.(۶۶)آیا چشم به راه چیزی جز قیامتند که ناگاه و بی خبرشان بیاید.(۶۷)در آن روز دوستان -غیر از پرهیزگاران- دشمن یکدیگرند.(۶۸)ای بندگان من، در آن روز بیمی بر شما نیست و شما غمگین نمی شوید.(۶۹)آن کسان که به آیات ما ایمان آورده اند و تسلیم امر ما شده اند.(۷۰)شما و جفتهایتان با شادکامی به بهشت داخل شوید.(۷۱)قدحهای زرین و

سبوها را در میانشان به گردش می آورنـد. در آنجاست هر چه نفس آرزو کنـد و دیده از آن لذت ببرد. و در آنجا جاودانه خواهید بود.(۷۲)این بهشتی است که به پاداش کارهایی که کرده ایـد به میراثش می برید.(۷۳)در آنجا برایتان میوه های بسیار هست که از آنها می خورید.(۷۴)گناهکاران در عذاب جهنم جاویدانند.(۷۵)عذابشان کاهش نمی یابد و آنها از نومیدی خاموش باشـند.(۷۶)ما به آنها ستمی نکرده ایم، آنها خود به خویشتن ستم کرده اند.(۷۷)فریاد برآورنـد که : ای مالک، کاش پروردگار تو ما را بمیرانـد. می گوید: نه ، شـما در اینجا ماندنی هستید.(۷۸)ما شـما را با حق آشـنا کردیم ولی بیشترتان از حق کراهت داشتید.(۷۹)آیا آنها در اعتقاد خویش پای – فشرده اند؟ ما هم پای فشرده ایم.(۸۰)آیا می پندارند ما راز و نجوایشان را نمی شنویم؟ آری ، رسولان ما نزد آنها هستند و می نویسند.(۸۱)بگو: اگر خدای رحمان را فرزندی می بود، من از نخستین پرستندگان می بودم.(۸۲)منزه است پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار عرش از آن نسبتها که به او می دهند.(۸۳)پس رهایشان کن تا به همان سخنان باطل مشغول باشند و به بازیچه سرگرم، تا آن روزی که آنها را وعده داده اند برسد.(۸۴)اوست که هم در آسمان خداست و هم در زمین خداست و حکیم و داناست.(۸۵)برتر و بزرگوارتر است آن کس که فرمانروایی آسمانها و زمین و هر چه در میان آنهاست از آن اوست و علم فرا رسیدن قیامت نزد اوست و به او باز گردانده می شوید.(۸۶)کسانی سوای او را که به خدایی می خوانند قادر به شفاعت کسی نیستند. مگر کسانی که از روی علم. به حق شهادت داده باشند.(۸۷)اگر از ایشان بپرسی که چه کسی آنها را آفریده است، می گویند: الله . پس چرا از حق روی می گردانند.(۸۸)گفتارش این بود: ای پروردگار من، اینان مردمی هستند که ایمان نمی آورند.(۸۹)پس، از آنها درگذر و بگو: ایمنی است شما را. آری به زودی خواهند دانست.(۹۰)

الدخان

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)سوگند به این کتاب روشنگر.(۳)ما آن را در مبارک شبی نازل کردیم. ما بیمدهنده بوده ایم.(۴)در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت صادر می شود،(۵)فرمانی از جانب ما. و ما همواره فرستنده آن بوده ایم.(۶)رحمتی است از جانب پروردگارت، و هر آینه او شنوا و داناست.(۷)اگر به یقین دریابید، اوست پروردگار آسمانها و زمین و هر چه میان آنهاست.(۸)نیست خدایی به جز او. زنده می کند و می میراند. پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.(۹)نه ، آنها همچنان به شک خویش دلخوشند.(۱۰)چشم انتظار روزی باش که آسمان به آشکارا دود بیاورد.(۱۱)و آن دود همه مردم را در خود فروپوشد. و این عذابی است دردآور.(۱۲)ای پروردگار ما. این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده ایم.(۱۳)کجا پند می پذیرند؟ حال آنکه چون پیامبر روشنگر بر آنها مبعوث شد.(۱۴)از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه ای است تعلیم یافته .(۱۵)عذاب را اندکی بر می داریم و شما باز به آیین خویش باز می گردید.(۱۶)روزی آنها را به صولتی سخت فرو گیریم، که ما انتقام گیرنده ایم.(۱۷)پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم و پیامبری بزرگوار نزدشان آمد،(۱۸)که بندگان خدا را به من تسلیم کنید که من پیامبری امینم.(۱۹)و نیز بر خدا برتری مجوییـد، که من با حجتی روشن نزد شما آمده ام.(۲۰)و اگر بخواهید بر من سنگ بزنید، من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم.(۲۱)و اگر به من ایمان نمی آورید، از من کنار گیرید.(۲۲)پس پروردگارش را خواند که : اینان مردمی مجرمند.(۲۳)بندگان مرا شب هنگام روانه کن تا از پی شما بیایند.(۲۴)دریا را آرام پشت سر گذار، که آن سپاه غرق شدگانند.(۲۵)بعد از خود چه باغها و چشمه سارها برجای گذاشتند.(۲۶)و کشتزارها و خانه های نیکو.(۲۷)و نعمتی که در آن غرق شادمانی بودند.(۲۸)بدینسان بودند و ما آن نعمتها را به مردمی دیگر واگذاشتیم.(۲۹)نه آسمان بر آنها گریست و نه زمین و نه به آنها مهلت داده شد.(۳۰)و ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده رهانیدیم.:(۳۱)از فرعون برتری جوی گزافکار.(۳۲)و از روی علم بر اهل جهانشان برگزیدیم.(۳۳)و آیاتی به آنها عطا کردیم که در آن امتحانی آشکار بود.(۳۴)هر آینه اینان می گویند:(۳۵)پایان کار جز همین مرگ نخستین نیست و ما دیگر بار زنده نمی شویم.(۳۶)و اگر راست می

گوييد، پدران ما را به جهان باز آوريد.(۳۷)آيا اينان بهترند يا قوم تبع و كسانى كه پيش از آن قوم بودند؟ همه را هلاك كرديم كه مجرمان بودند.(۳۸)ما اين آسمانها و زمين و آنچه را ميان آنهاست به بازيچه نيافريده ايم.(۳۹)آنها را به حق آفريده ايم، ولى بيشترين نمى دانند.(۴۰)وعده گاه همه در روز داورى ، قيامت است.(۴۱)روزى كه هيچ دوستى براى دوست خود سودمند نباشد و از سوى كسى يارى نشوند.(۴۲)مگر كسى كه خدا بر او ببخشايد، زيرا اوست پيروزمند و مهربان.(۴۳)هر آينه درخت زقوم، (۴۴)طعام گناهكاران است.(۴۵)همانند مس گداخته در شكمها مى جوشد.(۴۶)همانند جوشيدن آب جوشان.(۴۷)بگيريدش و به سختى به ميان جهنمش بكشيد:(۴۸)و بر سرش آب جوشان بريزيد تا شكنجه شود.(۴۹)بچش، كه تو پيروزمند و بزرگوارى .(۵۰)اين همان چيزى است كه در آن شك مى كرديد.(۵۱)پرهيزگاران در جاى امنى هستند،(۵۲)در باغها و چشمه سارها، (۵۳)لباسهايى از سندس و استبرق مى پوشند و رو- به روى هم مى نشينند.(۵۴)همچنين حورالعين را به همسريشان درآوريم.(۵۵)در ايمنى هر ميوه اى را كه بخواهند مى طلبند.(۵۶)در آنجا طعم مرگ را نمى چشند، مگر همان مرگ نخستين. و آنها را خدا از عذاب جهنم نگه داشته است.(۵۷)اين بخششى است از جانب پروردگارت، و اين پيروزى بزرگى است.(۵۸)ما اداى سخن خويش بر زبان تو آسان كرديم، باشد كه پند گيرند.(۵۹)تو منتظر باش كه ايشان نيز منتظرند.(۶۰)

الجاثية

به نام خداى بخشاينده مهربان(۱)حا، ميم.(۲)نازل شدن اين كتاب از جانب خداى پيروزمند و حكيم است.(۳)هر آينه در آسمانها و زمين نشانه هاى عبرتى است براى مومنان.(۴)و در آفرينش شما و پراكنده شدن جنبندگان عبرتهاست براى اهل يقين.(۵)آمد و شد شب و روز و رزقى كه خدا از آسمان مى فرستد و زمين مرده را بدان زنده مى كند و نيز در وزش بادها عبرتهاست براى عاقلان.(۶)اينها آيات خداست كه به راستى بر تو تلاوت مى كنيم. جز خدا و آياتش به كدام سخن ايمان مى آورند؟(۷)واى بر هر دروغپرداز گناهكارى !(۸)آيات خدا را كه بر او خوانده مى شود مى شنود. آنگاه به گردنكشى پاى مى فشرد، چنان كه گويى هيچ نشنيده است. پس به عذابى دردآورش بشارت ده .(۹)چون چيزى از آيات ما را فرا گيرد، به مسخره اش مى گيرد. اينان درخور عذابى خوار كننده اند.(۱۰)پيش رويشان جهنم است. و مالى كه به دست آورده اند و كسانى كه سواى خداى يكتا به خدايى گرفته اند به حالشان سود نكند. ايشان راست عذابى بزرگ.(۱۱)اين رهنمودى است. و آنان كه به آيات پروردگارشان ايمان نمى آورند، برايشان عذابى است از سختترين عذابهاى دردآور.(۱۲)خداست كه دريا را رام شما كرد تا در آن به فرمان او كشتيها روان باشند، و طلب معيشت كنيد، باشد كه سپاسگزار باشيد.(۱۳)رام شما ساخت آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمين است. همه از آن اوست. در اين براى متفكران عبرتهاست.(۱۴)به كسانى كه ايمان آورده اند، بگو: از خطاى كسانى كه به روزهاى خدا باور ندارند در گذريد، تا خود، آن مردم را به جزاى اعمالى كه مرتكب شده اند پاداش دهد.(۱۵)هر كس كار شايسته اى كند، به سود خود اوست، و هر كس مرتكب كار بدى شود، به زيان اوست. سپس همه به سوى پروردگارتان باز گردانده مى شويد.(۱۶)ما به بنى اسرائيل كتاب و علم داورى و نبوت عطا كرديم و از چيزهاى پاكيزه و خوش روزيشان كرديم. و بر جهانيان برتريشان داديم.(۱۷)و آنها را درباره آن امر دلايلى روشن داديم. و در آن از روى حسد و كينه اختلاف نكردند، مگر آنگاه كه دانش يافتند. خدا در روز قيامت در آنچه اختلاف مى كردند داورى خواهد كرد.(۱۸)پس تو را به راه دين انداختيم. از آن راه برو، و از پى خواهش نادانان مرو.(۱۹)اينان تو را هيچ از خدا بى نياز نمى كنند و ظالمان دوستداران يكديگرند، و خدا دوستدار پرهيزگاران است.(۲۰)اين قرآن مايه بصيرت مردم و هدايت و رحمتى است براى اهل يقين.(۲۱)آيا آنان كه مرتكب بديها مى شوند مى پندارند كه در شمار كسانى كه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته كرده اند قرارشان مى دهيم؟ و آيا زندگى و مرگشان يكسان است؟ چه بد داورى مى كنند.(۲۲)و خدا آسمانها و زمين را به حق بيافريد تا هر كسى را برابر كارى كه كرده است پاداش دهد و به آنها ستم نشود.(۲۳)آيا

آن کس را که هوسش را چون خدای خود گرفت و خدا از روی علم گمراهش کرد و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیدگانش پرده افکند، دیده ای ؟ اگر خدا هدایت نکند چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ چرا پند نمی گیرید(۲۴)و گفتند: جز زندگی دنیوی ما هیچ نیست. می میریم و زنده می شویم و ما را جز دهر هلاک نکند. آنان را بدان دانشی نیست و جز در پنداری نیستند.(۲۵)و چون آیات روشنگر ما بر آنها تلاوت شود، حجتشان جز این نیست که می گویند: اگر راست می گویید، پدران ما را زنده کنید.(۲۶)بگو: خداست که شما را زنده می کند، پس می میراند و سپس همه را در روز قیامت -که شکی در آن نیست- گرد می آورد. ولی بیشتر مردم نمی دانند.(۲۷)از آن خداوند است فرمانروایی آسمان و زمین. و آن روز که قیامت بر پا شود، اهل باطل زیان خواهند کرد.(۲۸)هر امتی را ببینی که به زانو در آمده است، و هر امتی را برای گرفتن نامه اعمالش بخوانند. در چنین روزی در برابر اعمالی که کرده اید پاداش می بینید.(۲۹)این نوشته ماست که به حق سخن می گوید، زیرا ما کارهایی را که می کرده اید می نوشته ایم.(۳۰)اما کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند، پروردگارشان داخل در رحمت خویش می کند، و این کامیابی آشکار است.(۳۱)اما ای آنان که ایمان نیاورده اید، مگر نه آنکه آیات ما بر شما خوانده می شد و شما تکبر می ورزیدید و مردمی گناهکار بودید؟(۳۲)چون گفته می شد که وعده خدا حق است و در قیامت تردیدی نیست، می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست؟ جز گمانی نمی بریم و به یقین نرسیده ایم.(۳۳)اعمال زشتشان در برابرشان آشکار شد و آن چیزی که مسخره اش می کردند گرد بر گردشان را بگرفت.(۳۴)به آنها گفته شود: امروز فراموشتان می کنیم، همچنان که شما دیدار چنین روزتان را فراموش کرده بودید. جایگاهتان در آتش است و شما را هیچ یاوری نیست.(۳۵)و این به کیفر آن است که آیات خدا را به مسخره می گرفتید و زندگی دنیوی شما را بفریفت. پس امروز از این آتش کسی بیرونشان نبرد و کسی عذرشان را نپذیرد.(۳۶)ستایش از آن خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار جهانیان.(۳۷)بزرگواری در آسمانها و زمین خاص اوست، و اوست پیروزمند و حکیم.(۳۸)

الأحقاف

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)حا، میم.(۲)نازل شدن این کتاب از جانب خدای پیروزمند و حکیم است.(۳)ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آن دوست جز به حق و در مدتی معین نیافریده ایم. و کافران از آنچه بیمشان می دهند اعراض می کنند.(۴)بگو: از آنهایی که جز الله به خدایی می خوانید خبر دهید. به من نشان دهید که از این زمین چه چیز را آفریده اند؟ یا در خلقت آسمانها شرکت داشته اند؟ اگر راست می گویید، برای من کتابی که پیش از این قرآن آمده باشد یا اگر دانشی از پیشینیان مانده است، بیاورید.(۵)و کیست گمراه تر از آن که به جز الله چیزی را به خدایی می خواند که تا روز قیامت به او جواب نمی دهد، که بتان از دعای بتپرستان بی خبرند.(۶)و چون در قیامت مردم را گرد آرند، بتان با پرستندگان خویش دشمن باشند و عبادتشان را انکار کنند.(۷)چون آیات ما به روشنی بر آنان خوانده شود، کافران حقیقتی را که برایشان نازل شده است، گویند: جادویی آشکار است.(۸)یا می گویند: این کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی توانید خشم خدا را از من بازدارید. خدا از آن طعنها که بدان می زنید آگاه تر است. و شهادت او میان من و شما کافی است. و اوست آمرزنده مهربان.(۹)بگو: من از میان دیگر پیامبران بدعتی تازه نیستم و نمی دانم که بر من، یا بر شما چه خواهد رفت. من از چیزی جز آنچه به من وحی می شود، پیروی نمی کنم و من جز بیمدهنده ای آشکار نیستم.(۱۰)بگو: چه می کنید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما بدان ایمان نیاورید؟ یکی از بنی اسرائیل بدان شهادت داد و ایمان آورد. ولی شما گردنکشی می کنید. خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند.(۱۱)کافران مومنان را گفتند: اگر در آن خیری می بود، اینان در پذیرفتنش بر ما سبقت نمی گرفتند. و چون بدان راه نیافته اند خواهند گفت که این دروغی دیرینه است.(۱۲)و پیش از آن کتاب موسی راهنما و رحمت بود. و

این، کتابی است تصدیقکننـده آن، به زبان عربی ، تا سـتمکاران را بیمی و نیکوکاران را مژده ای باشد.(۱۳)هر آینه آنان که گفتند که پروردگار ما الله است و سـپس پایـداری ورزیدند، بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نمی شوند.(۱۴)اینان به پاداش اعمالشان اهل بهشتند و در آنجا جاودانه اند.(۱۵)آدمی را به نیکی کردن با پدر و مادر خود سفارش کردیم. مادرش بار او را به دشواری برداشت و به دشواری بر زمین نهاد. و مدت حمل تا از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا چون به سن جوانی رسد و به چهل- سالگی درآید، گوید: ای پروردگار من، به من بیاموز تا شـکر نعمتی که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشـته ای به جای آرم. کاری شایسـته بکنم که تو از آن خشـنود شوی و فرزندان مرا به صـلاح آور. من به تو بازگشتم و از تسلیم شدگانم.(۱۶)اینان کسانی هستند که کارهای نیکشان را می پـذیریم و از گناهشان در می گـذریم. در زمره اهل بهشـتند. هر وعده ای که به آنها داده شده راست است.(۱۷)و آن که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما، آیا به من وعده می دهید که از گورم برخیزانند و حال آنکه مردمی پیش از من بوده اند که برنخاسته انـد؟ و آن دو به درگاه خـدا اسـتغاثه می کننـد و گوینـد: وای بر تو ایمان بیاور که وعـده خـدا حق است. می گوید: اینها چیزی جز همان افسانه پیشینیان نیست.(۱۸)درباره اینان همان سـخن که درباره امتهای پیشین از جن و انس گفته شده بود به حقیقت می پیونـدد. اینان زیان کنندگانند.(۱۹)و هر یـک را نسـبت به کـاری که کرده است درجتی است تـا خـدا پـاداش کارهایشان را به تمامی بدهد و به آنان ستم نمی شود.(۲۰)و روزی که کافران را بر آتش عرضه کنند: در زندگی دنیوی از چیزهای پاکیزه و خوش بهره مند شدید، امروز به عذاب خواری پاداشـتان می دهند. و این بدان سبب است که در زمین بی هیچ حقی گردنکشی می کردید و عصـیانگری پیش گرفته بودید.(۲۱)برادر قوم عـاد را به یـاد بیـاور که چون قوم خود را در احقـاف بیم داد -و پیش از او پیامبرانی بودند و رفتند و پس از او پیامبرانی آمدند- که جز خدای یکتا را نپرستید که من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.(۲۲)گفتند: آیا آمـده ای تا ما را از خدایانمان رویگردان سازی ؟ اگر راست می گویی ، هر چه به ما وعده داده ای بیاور.(۲۳)گفت: این را خدا می دانـد و من آنچه را بـدان مبعوث شـده ام به شـما می رسـانم. ولی می بینم که مردمی نادان هستیـد.(۲۴)چون ابری دیدنـد که از جانب رودخانه هاشان می آید، گفتند: این ابری باران زاست. نه ، این همان چیزی است که آن را به شـتاب می طلبیدید. باد است و در آن باد عذابی دردآور(۲۵)به فرمان پروردگارش همه چیز را هلاک می کنـد. چنان شدند که اکنون جز خانه هاشان را نبینی . و مـا مجرمان را اینسان پاداش می دهیم.(۲۶)به آنهـا چنان مکانتی داده بودیم که به شـما نـداده ایم. برایشان گوش و چشم و دل قرار دادیم. ولی گوش و چشم و دلشان به حالشان هیچ سود نکرد، زیرا آیات خدا را انکار می کردند تا آنچه به مسـخره اش می گرفتند آنها را فرو گرفت.(۲۷)ما همه قریه هایی را که اطراف شما بوده اند هلاک کرده ایم و آیات را گونه گون بیان کردیم، باشد که باز گردند.(۲۸)از چه روی آن خـدایانی که سوای الله برای تقرب، به خـدایی گرفته بودند یاریشان نکردند، بلکه از نظرشان گم شدند؟ این است دروغ و افترایشان.(۲۹)و گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. چون به حضرتش رسیدند گفتند: گوش فرا دهید. چون به پایان آمد، همانند بیمدهندگانی نزد قوم خود بازگشتند.(۳۰)گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده ، کتابهای پیشـین را تصدیق می کند و به حق و راه راست راه می نماید.(۳۱)ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوییـد و به او ایمان بیاوریـد تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شـما را از عذابی دردآور در امان دارد.(۳۲)و هر کس که به این دعـوت کننـده جـواب نگویـد نمی توانـد در روی زمیـن از خـدای بگریزد و او را جز خـدا هیـچ یـاوری نیسـت و در گمراهی آشـکاری است.(۳۳)آیا نمی بینیـد که خـدای یکتاست آن که آسـمانها و زمین را بیافریـد و در آفریـدن آنها در نماند. او می تواند مردگان را زنـده کنـد. بلی او بر هر کـاری توانـاست.(۳۴)روزی کـه کـافران بـه آتش عرضـه شونـد: آیـا ایـن حقیقت نیست؟ گوینـد: بلی ، به پروردگارمان سوگند. گوید: به خاطر کفری که می ورزیده اید، اینک عذاب را بچشید.(۳۵)پس پایداری کن، همچنان که پیامبران اولوالعزم پایداری کرده بودند. و در عقوبتشان شـتاب مکن. آن روز که آن وعده ای را که به آنها داده شده بنگرند، پندارند که جز به قدر ساعتی از روز در گور درنگ نکرده اند. این تبلیغ رسالت است. آیا جز نافرمانان به هلاکت می رسند(۳۶)

محمد

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خدا اعمال کسانی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند باطل ساخته است.(۲)خدا گناه کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و بدانچه بر محمد نازل شده -که آن حق است و از جانب پروردگارشان - ایمان آورده اند، از آنها زدود و کارهایشان را به صلاح آورد.(۳)و این بدان سبب است که کافران از باطل پیروی کردند و آنان که ایمان آوردند از حقی که از جانب پروردگارشان آمده بود، پیروی کردند. خدا برای مردم اینچنین مثل می زند.(۴)چون با کافران رو به رو شدید، گردنشان را بزنید. و چون آنها را سخت فرو کوفتید، اسیرشان کنید و سخت ببندید. آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیه . تا آنگاه که جنگ به پایان آید. و این است حکم خدا. و اگر خدا می خواست، از آنان انتقام می گرفت، ولی خواست تا شما را به یکدیگر بیازماید. و آنان که در راه خدا کشته شده اند اعمالشان را باطل نمی کند.(۵)زودا که هدایتشان کند و کارهایشان را به صلاح آورد.(۶)و به بهشتی که برایشان وصف کرده است داخلشان سازد.(۷)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و پایداری خواهد بخشید.(۸)هلاکت و شوربختی باد بر کافران. خدا اعمالشان را باطل کرده است.(۹)زیرا آنان چیزی را که خدا نازل کرده است ناخوش دارند. خدا نیز اعمالشان را نابود کرد.(۱۰)آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بوده اند چگونه بوده است؟ خدا هلاکشان کرد و کافران نیز عاقبتی آن چنان خواهند داشت.(۱۱)این بدان سبب است که خدا یاور کسانی است که ایمان آورده اند. و کافران را هیچ یاوری نیست.(۱۲)خدا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند، به بهشتهایی که نهرها در آن جاری است داخل خواهد کرد. ولی کافران از این جهان متمتع می شوند و چون چارپایان می خورند و جایگاهشان آتش است.(۱۳)چه قریه هایی که مردمش از مردم قریه تو، که از آن بیرونت کردند، بسی نیرومندتر بودند که هلاکشان کردیم و هیچ یاری کننده ای نداشتند.(۱۴)آیا کسی که از جانب پروردگارش دلیل روشنی دارد، همانند کسانی است که کردار بدشان در نظرشان آراسته شده و از پی هواهای خود می روند؟(۱۵)وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهرهایی است از آبهایی تغییرناپذیر و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند و نهرهایی از عسل مصفی . و در آنجا هر گونه میوه که بخواهند هست و نیز آمرزش پروردگارشان. آیا بهشتیان همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه اند و آنان را از آبی جوشان می آشامانند چنان که روده هایشان تکه تکه می شود(۱۶)بعضی به تو گوش می دهند، تا آنگاه که از نزد تو بیرون روند از دانشمندان می پرسند: این چه سخنانی بود که می گفت؟ خدا بر دلهایشان مهر نهاده است و از پی هواهای خود رفته اند.(۱۷)آنان که هدایت یافته اند، خدا به هدایتشان می افزاید و پرهیزگاریشان ارزانی می دارد.(۱۸)آیا تنها منتظر آنند که به ناگاه قیامت فرا رسد؟ هر آینه نشانهای قیامت آشکار شده است. و چون فرا رسد پند گرفتنشان را چه فایده ؟(۱۹)پس بدان که هیچ خدایی جز الله نیست. از گناه خود و از گناه مردان و زنان مومن آمرزش بخواه . خدا می داند که روز به کجا می روید و شب به کجا می آرامید.(۲۰)کسانی که ایمان آورده اند می گویند: چرا از جانب خدا سوره ای نازل نمی شود؟ چون سوره ای از محکمات نازل شود که در آن سخن از جنگ رفته باشد، آنان را که در دلشان مرضی هست بینی که چون کسی که بیهوشی مرگ بر او چیره شده به تو می نگرند. پس برایشان شایسته تر.(۲۱)فرمانبر داری است و سخن نیکو گفتن. و چون تصمیم به جنگ گرفته شد، اگر با خدا صداقت ورزند برایشان بهتر است.(۲۲)آیا اگر به حکومت رسیدید، می خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندیتان را ببرید.(۲۳)اینانند که خدا لعنتشان کرده است و گوشهایشان را کر و چشمانشان را کور ساخته است.(۲۴)آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر دلهایشان قفلهاست.(۲۵)شیطان اعمال کسانی را که بعد از آشکار شدن راه هدایت مرتد شدند و بازگشتند، در نظرشان بیاراست و آرزویشان دراز کرد.(۲۶)و این بدان سبب است که به آن گروه که آیات خدا را ناخوش می داشتند، می گفتند: ما در

پاره ای از کارها فرمانبردار شما هستیم. و خدا از رازشان آگاه است.(۲۷)چگونه اند آنگاه که فرشتگان آنها را می میرانند و بر صورت و پشتهایشان می زنند.(۲۸)این به کیفر آن است که از آنچه خدا را به خشم می آورد پیروی می کرده اند و از آنچه خشنودش می ساخته کراهت داشته اند. خدا نیز اعمالشان را نابود کرد.(۲۹)آیا آنان که در دلشان مرضی است می پندارند که خدا کینه ای را که در دل نهفته دارند آشکار نخواهد کرد.(۳۰)اگر بخواهیم، آنها را به تو می نمایانیم و تو آنها را به سیمایشان یا از شیوه سخنشان خواهی شناخت، و خدا از اعمالتان آگاه است.(۳۱)و شما را می آزماییم تا مجاهدان و صابرانتان را معلوم داریم و حدیثتان را آشکار کنیم.(۳۲)کسانی که ایمان نیاوردند و از راه خدا رویگردان شدند و با آنکه راه هدایت برایشان آشکار شده بود با پیامبر مخالفت ورزیدند، هیچ زیانی به خدا نخواهند رسانید و خدا اعمالشان را نابود خواهد کرد.(۳۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید و اعمال خویش را باطل مسازید.(۳۴)خدا کسانی را که کفر ورزیدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و در کفر مردند، هرگز نخواهد آمرزید.(۳۵)سستی نورزید تا دعوت به مصالحه کنید. شما برتر هستید و خدا با شماست و از پاداشهایتان نخواهد کاست.(۳۶)جز این نیست که زندگی این جهانی بازیچه و بیهودگی است. و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید خدا پاداشهایتان را خواهد داد، و از شما اموالتان را نمی طلبد.(۳۷)اگر از شما مالی طلبد و به اصرار هم طلبد، آنگاه بخل می ورزید و کینه های نهفته تان را آشکار می سازد.(۳۸)آگاه باشید که شما را دعوت می کنند تا در راه خدا انفاق کنید. بعضی از شما بخل می ورزند، و هر کس که بخل ورزد، در حق خود بخل ورزیده است. زیرا خدا بی نیاز است و شما نیازمندانید. و اگر روی برتابید، به جای شما مردمی دیگر آرد که هرگز همسان شما نباشند.(۳۹)

الفتح

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ما برای تو پیروزی نمایانی را مقدر کرده ایم.(۲)تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو بیامرزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم راه نماید.(۳)و خدا یاریت کند یاری کردنی پیروزمندانه .(۴)اوست که بر دلهای مومنان آرامش فرستاد تا بر ایمانشان پیوسته بیفزاید. و از آن خداست لشکرهای آسمانها و زمین، و خدا دانا و حکیم است.(۵)و تا مردان و زنان مومن را به بهشتهایی داخل کند که در آن نهرها جاری است و در آنجا جاویدانند و گناهانشان را بزداید. و این در نزد خدا کامیابی بزرگی است.(۶)و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك را که بر خدا بدگمانند عذاب کند. بر گردشان بدی حلقه زند و خدا بر آنها خشم گرفت و لعنتشان کرد و جهنم را برایشان آماده کرده است و جهنم بد سرانجامی است.(۷)از آن خداست لشکرهای آسمانها و زمین، و خدا پیروزمند و حکیم است.(۸)تو را گواه و مژده دهنده و بیمدهنده فرستاده ایم.(۹)تا به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و یاریش کنید و بزرگش دارید و خدا را صبحگاه و شامگاه تسبیح گویید.(۱۰)آنان که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا بیعت می کنند. دست خدا بالای دستهایشان است. و هر که بیعت را بشکند، به زیان خود شکسته است. و هر که بدان بیعت که با خدا بسته است وفا کند، او را مزدی کرامند دهد.(۱۱)از اعراب بادیه نشین، آنان که از جنگ تخلف کرده اند به تو خواهند گفت: دارایی و کسان ما، ما را از جنگ باز داشتند، پس برای ما آمرزش بخواه . به زبان چیزی می گویند که در دلشان نیست. بگو: اگر خدا برایتان زیانی بخواهد یا سودی بخواهد، چه کسی می تواند در برابر خدا آن را دیگرگون کند؟ بلکه اوست که به کارهایتان آگاه است.(۱۲)یا می پنداشتید که پیامبر و مومنان هرگز نزد کسانشان باز نخواهند گشت و دل به این خوش کرده بودید. پندار بدی داشته اید و مردمی سزاوار هلاکت بوده اید.(۱۳)و هر کس به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده است، بداند که برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم.(۱۴)از آن خداست فرمانروایی آسمانها و زمین. هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند، و خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۵)چون برای گرفتن غنایم به راه بیفتید، آنان که از جنگ تخلف ورزیده اند خواهند گفت: بگذارید تا ما هم از پی شما بیاییم. می خواهند سخن

خدا را دیگرگون کنند. بگو: شما هرگز از پی ما نخواهید آمد. خدا از پیش چنین گفته است. سپس خواهند گفت: بلکه بر ما حسد می برید؟ نه ، اینان جز اندکی نمی فهمند.(۱۶)به اعراب بادیه نشین که از جنگ تخلف ورزیده اند، بگو: به زودی برای جنگ با مردمی سخت نیرومند فراخوانده می شوید که با آنها بجنگید یا مسلمان شوند. اگر اطاعت کنید خدایتان پاداشی نیکو خواهد داد و اگر، همچنان که پیش از این سر برتافته اید، سر برتابید شما را به عذابی دردآور عذاب می کند.(۱۷)بر کور حرجی نیست، و بر لنگ حرجی نیست و بر بیمار حرجی نیست. و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را به بهشتهایی داخل می کند که در آن نهرها روان است. و هر که سر برتابد به عذابی دردآورش عذاب می کند.(۱۸)خدا از مومنان آن هنگام که در زیر درخت با تو بیعت کردند. خشنود گشت و دانست که در دلشان چه می گذرد. پس آرامش بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداششان داد.(۱۹)و به غنیمتهای بسیار که به دست می آورند. و خدا پیروزمند و حکیم است.(۲۰)خدا به شما وعده غنایم بسیار داده است که به چنگ می آورید، و این غنیمت را زودتر ارزانی داشت و شما را از آسیب مردمان امان بخشید، تا برای مومنان عبرتی باشد و به راه راست هدایتتان کند.(۲۱)و غنایم دیگری که هنوز به آنها دست نیافته اید. هر آینه خدا به آن احاطه دارد و او بر هر کاری تواناست.(۲۲)و اگر کافران با شما به جنگ برخیزند، پشت کرده بگریزند و دیگر هیچ دوست و یاریگری نمی یابند.(۲۳)این سنت خداست که از پیش چنین بوده است و تو در سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.(۲۴)اوست که چون در بطن مکه بر آنها پیروزیتان داد، دست آنها را از شما و دست شما را از آنها بازداشت. و خدا به کارهایی که می کردید آگاه و بینا بود.(۲۵)ایشان همانهایند که کفر ورزیدند و شما را از مسجدالحرام بازداشتند و نگذاشتند که قربانی به قربانگاهش برسد. اگر مردان مسلمان و زنان مسلمانی که آنها را نمی شناسید در میان آنها نبودند و بیم آن نبود که آنها را زیر پای درنوردید و نادانسته مرتکب گناه شوید. خدا دست شما را از آنها باز نمی داشت. و خدا هر که را بخواهد مشمول رحمت خود گرداند. اگر از یکدیگر جدا می بودند. کافرانشان را به عذابی دردآور عذاب می کردیم.(۲۶)آنگاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب، تعصب جاهلی سپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مومنان فرو فرستاد و به تقوا الزامشان کرد که آنان به تقوا سزاوارتر و شایسته تر بودند و خدا بر هر چیزی داناست.(۲۷)خدا رویای پیامبرش را به صدق پیوست که گفته بود: اگر خدا بخواهد، ایمن، گروهی سر تراشیده و گروهی موی کوتاه کرده . بی هیچ بیمی به مسجدالحرام داخل می شوید. او چیزها می دانست که شما نمی دانستید. و جز آن در همین نزدیکی فتحی نصیب شما کرده بود.(۲۸)اوست که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند. و خدا شهادت را کافی است.(۲۹)محمد پیامبر خدا، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان. آنان را بینی که رکوع می کنند، به سجده می آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند. نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست. این است وصفشان در تورات و در انجیل، که چون کشته ای هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و بر پاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد. خدا از میان آنها کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.(۳۰)

الحجرات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، بر خدا و پیامبر او پیشی مگیرید و از خدا بترسید، زیرا خدا شنوا و داناست.(۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر مکنید و همچنان که با یکدیگر بلند سخن می گویید با او به آواز بلند سخن مگویید، که اعمالتان ناچیز شود و آگاه نشوید.(۳)کسانی که در نزد پیامبر خدا صدایشان را پایین می آورند همانهایند که خدا دلهایشان را به تقوا آزموده است. آنها راست آمرزش و مزد بسیار.(۴)آنهایی که از آن سوی حجره ها ندایت می دهند بیشتر بی خردانند.(۵)اگر صبر می کردند تا تو خود بیرون می آمدی و نزد آنها می رفتی برایشان بهتر می بود، و

خدا آمرزنده مهربان است.(۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید، مباد از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید، آنگاه از کاری که کرده اید پشیمان شوید.(۷)و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از امور از شما فرمان ببرد به رنج می افتید. ولی خدا ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دلتان بیاراست و کفر و فسق و عصیان را در نظرتان مکروه گردانید. اینان خود راه یافتگانند.(۸)بخشش و نعمتی است از جانب خدا، و خدا دانا و حکیم است.(۹)و اگر دو گروه از مومنان با یکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی افکنید. و اگر یک گروه بر دیگری تعدی کرد، با آن که تعدی کرده است بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان صلحی عادلانه برقرار کنید و عدالت ورزید که خدا عادلانه را دوست دارد.(۱۰)هر آینه مومنان برادرانند. میان برادرانتان آشتی بیفکنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحمت آرد.(۱۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، مباد که گروهی از مردان گروه دیگر را مسخره کند، شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند. و مباد که گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره کند، شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند. و از هم عیبجویی مکنید و یکدیگر را به القاب زشت مخوانید. بد است عنوان فسق پس از ایمان آوردن. و کسانی که توبه نمی کنند خود ستمکارانند.(۱۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان فراوان بپرهیزید. زیرا پاره ای از گمانها در حد گناه است. و در کارهای پنهانی یکدیگر جستجو مکنید. و از یکدیگر غیبت مکنید. آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت. و از خدا بترسید، زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است.(۱۳)ای مردم، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم. و شما را جماعتها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است.(۱۴)اعراب بادیه نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید. بگویید که تسلیم شده ایم، و هنوز ایمان در دلهایتان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید از ثواب اعمال شما کاسته نمی شود، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۵)مومنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده اند و دیگر شک نکرده اند، و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده اند. اینان راستگویانند.(۱۶)بگو: آیا می خواهید خدا را از دینداری خویش آگاه کنید؟ حال آنکه خدا از هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است آگاه است و او به هر چیزی عالم است.(۱۷)از اینکه اسلام آورده اند بر تو منت می گذارند. بگو: به خاطر اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه خدا بدان سبب که شما را به ایمان راه نموده است بر شما منت می نهد، اگر راست می گویید.(۱۸)هر آینه خدا نهان آسمانها و زمین را می داند و به هر کاری که می کنید بیناست.(۱۹)

ق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قاف. قسم به این قرآن ارجمند.(۲)که در شگفت شدند از اینکه از میان خودشان بیمدهنده ای سویشان آمد و کافران گفتند: این چیزی عجیب است،(۳)آیا زمانی که مردیم و خاک شدیم دیگر بار زنده می شویم؟ این بازگشتی محال است.(۴)ما می دانیم که خاک چگونه از آنها خواهد کاست. و کتابی که همه چیز در آن نگهداری شده ، نزد ماست.(۵)آری ، ایشان سخن راستی را که بر آنها آمده بود دروغ شمردند. پس در کاری شوریده افتادند.(۶)آیا به این آسمان برفراز سرشان نظر نمی کنند که چگونه آن را بنا کرده ایم و آراسته ایم و هیچ شکافی در آن نیست؟(۷)و زمین را گستردیم و در آن کوههای بلند افکندیم و از هر گونه نباتات خوش منظر در آن رویانیدیم.(۸)بینشی و پندی است برای هر بنده ای که به خدا باز گردد.(۹)و از آسمان، آبی پر برکت فرستادیم و بدان باغها و دانه های درو شدنی رویانیدیم،(۱۰)و نخلهای بلند با خوشه های بر هم چیده .(۱۱)تا رزق بندگان باشد و بدان آب، سرزمین مرده را زنده کردیم. بر آمدن از گور نیز چنین است.(۱۲)پیش از آنها قوم نوح و اصحاب رس و ثمود تکذیب کرده بودند،(۱۳)و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.(۱۴)و اصحاب ایکه و قوم تبع، همه پیامبران را دروغ شمردند و مستحق وعده عذاب من شدند.(۱۵)آیا از آفرینش نخستین عاجز شده بودیم؟ نه ، آنها از آفرینش تازه در

شکند.(۱۶)ما آدمی را آفریده ایم و از وسوسه های نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردنش به او نزدیکتریم.(۱۷)هنگامی که آن دو فرشته فرا گیرنده در جانب راست و جانب چپ او نشسته اند هرچیز را فرا می گیرند.(۱۸)هیچ کلامی نمی گوید مگر آنکه در کنار او مراقبی حاضر است.(۱۹)به راستی که بیهوشی مرگ فرا می رسد. این است آنچه از آن می گریختی .(۲۰)و در صور دمیده می شود. این است روز وعده های عذاب.(۲۱)هر کسی می آید و با او کسی است که می راندش و کسی است که برایش شهادت می دهد.(۲۲)تو از این غافل بودی . ما پرده از برابرت برداشتیم و امروز چشمانت تیزبین شده است.(۲۳)موکل او گوید: این است آنچه من آماده کرده ام.(۲۴)هر ناسپاس کینه توزی را به جهنم بیندازید،(۲۵)آن که از بخشش امساک ورزید و تجاوزکار بود و شک می آورد،(۲۶)آن که با خدای یکتا خدای دیگری قرار داد. پس به عذاب سختش بیفکنید.(۲۷)همنشین او گوید: ای پروردگار ما، من او را به سرکشی وادار نکردم، بلکه او خود سخت در گمراهی بود.(۲۸)می گوید: نزد من مجادله مکنید. من پیش از این با شما سخن از عذاب گفته بودم.(۲۹)وعده من دیگرگون نمی شود و من به بندگان ستم نمی کنم.(۳۰)روزی که جهنم را می گوییم: آیا پر شده ای ؟ می گوید: آیا هیچ زیادتی هست؟(۳۱)و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک بیاورند، تا از آن دور نباشند.(۳۲)این همان چیزی است که به هر توبه کننده پرهیزگاری وعده اش داده بودند.(۳۳)آنهایی را که در نهان از خدای رحمان می ترسند و با دلی توبه کار آمده اند.(۳۴)گویند: در امان از هر عذابی به بهشت داخل شوید. این روز، روز جاودانی است.(۳۵)در آنجا هر چه بخواهند هست و بیشتر از آن نزد ما هست.(۳۶)پیش از آنها چه مردمی را که نیرومندتر بودند و در شهرها سیر و جستجو می کردند، به هلاکت آورده ایم. آیا راه گریزی هست؟(۳۷)در این سخن برای صاحبدلان یا آنان که با حضور گوش فرا می دارند، اندرزی است.(۳۸)ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید.(۳۹)در برابر آنچه می گویند، پایداری کن. و در ستایش پروردگارت پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب آن تسبیح گوی .(۴۰)و نیز در پاره ای از شب و بعد از هر سجده او را تسبیح گوی .(۴۱)و آنگاه که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد گوش فرا دار.(۴۲)روزی که آن آواز سهمناک را به حق می شنوند، آن روز، روز بیرون شدن از گور است.(۴۳)ما زنده می کنیم و می میرانیم و بازگشت نزد ماست.(۴۴)روزی که زمین بشکافد و آنها به شتاب بیرون آیند. و این گردآوری برای ما آسان است.(۴۵)ما به آنچه می گویند داناتریم و تو به آنها زور نمی گویی . پس هر که را از وعده عذاب من می ترسد به قرآن اندرز ده .(۴۶)

الذاریات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به بادهایی که خاك می پراکنند،(۲)سوگند به ابرهای گرانبار،(۳)سوگند به کشتیهایی که به آسانی روانند،(۴)و سوگند به فرشتگانی که تقسیمکننده کارهایند،(۵)که آنچه شما را وعده می دهند راست است،(۶)و روز جزا آمدنی است.(۷)و سوگند به آسمان که آراسته به ستارگان است،(۸)که شما سخن گونه گون می گویید.(۹)از حق منصرف گردد آن که منصرفش خواسته اند.(۱۰)مرگ باد بر آن دروغگویان:(۱۱)آنان که به غفلت در جهل فرو مانده اند.(۱۲)می پرسند روز جزا کی خواهد بود.(۱۳)روزی است که بر آتش، عذابشان می کنند.(۱۴)عذاب خود را بچشید: این است آن چیزی که به شتاب می طلبیدید.(۱۵)پرهیزگاران در باغها و کنار چشمه ساران باشند.(۱۶)آنچه را خدا ارزانیشان داشته است گرفته اند. زیرا پیش از آن نیکوکار بودند.(۱۷)اندکی از شب را می خوابیدند،(۱۸)و به هنگام سحر استغفار می کردند،(۱۹)و در اموالشان برای سائل و محروم حقی بود.(۲۰)و در زمین برای اهل یقین عبرتهایی است،(۲۱)و نیز در وجود خودتان. آیا نمی بینید؟(۲۲)و رزق شما و هر چه به شما وعده شده در آسمان است.(۲۳)پس سوگند به پروردگار آسمانها و زمین که این سخن. آن چنان که سخن می گویید، حتمی است.(۲۴)آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟(۲۵)آنگاه که نزد او آمدند و گفتند: سلام. گفت: سلام، شما مردمی ناشناخته اید.(۲۶)در نهان و شتابان نزد کسان خود رفت و گوساله فربهی آورد.(۲۷)طعام را به نزدشان گذاشت و گفت: چرا

نمی خورید؟(۲۸)و از آنها بیمناك شد. گفتند: مترس. و او را به فرزندی دانا مژده دادند.(۲۹)و زنش فریادزنان آمد و بر روی زد و گفت: من پیر زالی نازایم.(۳۰)گفتند: پروردگار تو اینچنین گفته است. و او حکیم و داناست.(۳۱)گفت: ای رسولان، به چه کار آمده اید؟(۳۲)گفتند: ما را بر مردمی تبهکار فرستاده اند،(۳۳)تا تکه های کلوخ بر سرشان بباریم.(۳۴)که بر آنها از جانب پروردگارت برای متجاوزان نشان گذاشته اند.(۳۵)پس همه کسانی را که ایمان آورده بودند بیرون بردیم.(۳۶)و در آن شهر جز یك خانه از فرمانبرداران نیافتیم.(۳۷)و در آن سرزمین برای کسانی که از عذاب دردآور می ترسند نشانی باقی - گذاشتیم.(۳۸)و عبرتی است در موسی آنگاه که او را با برهانی آشکار نزد فرعون فرستادیم.(۳۹)و او با همه نیرویش اعراض کرد و گفت: جادوگری است یا دیوانه ای .(۴۰)او و لشکرهایش را فرو- گرفتیم و به دریا افکندیم. و او مستوجب ملامت بود.(۴۱)و نیز عبرتی است در قوم عاد آنگاه که باد عقیم را بر آنها فرستادیم.(۴۲)بر هیچ چیز نوزید مگر آنکه چون استخوانی پوسیده اش بر جای نهاد.(۴۳)و نیز عبرتی است در قوم ثمود آنگاه که به آنها گفته شد: تا زمانی چند برخوردار شوید.(۴۴)آنان از فرمان پروردگارشان سر باززدند و همچنان که می نگریستند صاعقه فرو گرفتشان.(۴۵)ایستادن نتوانستند و یارای انتقام نداشتند.(۴۶)و از پیش قوم نوح را فرو گرفتیم، که قومی نافرمان بودند.(۴۷)و آسمان را به نیرو برافراشتیم و حقا که ما تواناییم.(۴۸)و زمین را گستردیم، و چه نیکو گسترندگانیم.(۴۹)و از هرچیز جفتی بیافریده ایم، باشد که عبرت گیرید.(۵۰)پس به سوی خداوند بگریزید. من شما را از جانب او بیمدهنده ای آشکارم.(۵۱)و با خدای یکتا خدای دیگری را مپرستید. من شما را از جانب او بیمدهنده ای آشکارم.(۵۲)بدینسان بر آنهایی که از این پیش بودند پیامبری مبعوث نشد جز آنکه گفتند: جادوگری است، یا دیوانه ای است.(۵۳)آیا بدین کار یکدیگر را وصیت کرده بودند؟ نه ، خود مردمی طاغی بودند.(۵۴)پس، از آنها رویگردان شو. کس تو را ملامت نخواهد کرد.(۵۵)اندرز بده که اندرز، مومنان را سودمند افتد.(۵۶)جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده ام.(۵۷)از آنها رزقی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا اطعام کنند.(۵۸)خداست روزی دهنده . و اوست صاحب نیرویی سخت استوار.(۵۹)این ستمکاران را از عذاب بهره ای است همانند بهره ای که یارانشان داشتند. پس به شتاب چیزی از من نخواهند.(۶۰)وای بر کافران، از آن روز که آنها را وعده داده اند.(۶۱)

الطور

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قسم به کوه طور،(۲)و قسم به کتاب نوشته شده ،(۳)در صفحه ای گشاده ،(۴)و قسم به بیتالمعمور، (۵)و قسم به این سقف برافراشته ،(۶)و قسم به دریای مالامال،(۷)که عذاب پروردگارت واقع شدنی است.(۸)و آن را دفع کننده ای نیست.(۹)روزی که آسمان سخت بچرخد،(۱۰)و کوهها به شتاب روان- شوند،(۱۱)پس در آن روز، وای بر تکذیبکنندگان:(۱۲)آنان که سرگرم کارهای باطل خویشند.(۱۳)روزی که آنها را به قهر به جانب جهنم کشند:(۱۴)این است آن آتشی که دروغش می انگاشتید.(۱۵)آیا این جادوست یا شما نمی بینید.(۱۶)به آتش درآیید. خواه بر آن صبر کنید یا صبر نکنید، تفاوتی نکند. شما را در برابر کارهایی که می کرده اید، کیفر می دهند.(۱۷)پرهیزگاران در بهشتها و نعمتند.(۱۸)از آنچه پروردگارشان به آنها داده است شادمانند، و خدا آنها را از عذاب جهنم نگه داشته است.(۱۹)به پاداش کارهایی که کرده اید بخورید و بیاشامید. گوارایتان باد.(۲۰)بر آن تختهای کنار هم چیده ، تکیه می زنند. حوریان را همسرشان می گردانیم.(۲۱)کسانی که خود ایمان آوردند و فرزندانشان در ایمان، پیرویشان کردند. فرزندانشان را به آنها ملحق می کنیم و از پاداش عملشان هیچ نمی کاهیم که هر کسی در گرو کار خویشتن است.(۲۲)و پیوسته از هر گونه که بخواهند، میوه و گوشت، عطایشان می کنیم.(۲۳)در آنجا جام می دهند و جام می ستانند، که در آن نه سخن بیهوده باشد و نه ارتکاب گناه .(۲۴)غلامانشان چون مروارید پنهان در صدف، به گردشان می چرخند.(۲۵)پرسش کنان روی به یکدیگر می کنند.(۲۶)می گویند: پیش از این در میان کسانمان، تنها ما

از خدا می ترسیدیم.(۲۷)پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سموم نگه داشت.(۲۸)ما پیش از این او را می خواندیم، که او احسانکننده و مهربان است.(۲۹)پندشان ده ، که تو به برکت نعمت پروردگارت نه کاهن هستی و نه مجنون.(۳۰)یا می گویند: شاعری است و ما برای وی منتظر حوادث روزگاریم.(۳۱)بگو: شما منتظر بمانید که من نیز با شما انتظار می کشم.(۳۲)آیا آنان را رویاهایشان به این پندارها کشانده یا خود مردمی طاغی هستند.(۳۳)یا می گویند: قرآن را خود ساخته است. نه ، آنها ایمان نمی آورند.(۳۴)اگر راست می گویند، سخنی مانند آن بیاورند.(۳۵)آیا بی هیچ خالقی پدید آمده اند یا خود خالق خویشند؟(۳۶)یا آسمانها و زمین را خلق کرده اند؟ نه ، به یقین نرسیده اند.(۳۷)یا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟ یا بر چیزی تسلط یافته اند؟(۳۸)یا نردبامی دارند که از آن بالا می روند و گوش فرا می دهند؟ پس آن که گوش فرا داده حجتی آشکار بیاورد.(۳۹)یا خداوند را دختران است و شما را پسران؟(۴۰)یا از آنها مزدی می طلبی و پرداخت غرامت بر آنها دشوار است؟(۴۱)یا علم غیب می دانند و می نویسند؟(۴۲)یا می خواهند حیلتی کنند؟ اما کافران خود به حیلت گرفتارند.(۴۳)یا آنها را خدایی است جز خدای یکتا؟ منزه است خدای یکتا از هر چه شریکش می سازند.(۴۴)اگر بنگرند که قطعه ای از آسمان فرو می افتد، می گویند: ابری است متراکم.(۴۵)پس آنها را واگذار تا روزی را که در آن به هلاکت می رسند بنگرند،(۴۶)روزی که مکرشان هیچ به حالشان سود نکند و کس به یاریشان برنخیزد.(۴۷)برای کسانی که ستم می کنند، باز هم عذابی است جز این عذاب، ولی بیشترینشان نمی دانند.(۴۸)در برابر فرمان پروردگارت شکیبا باش که تو تحت نظر مایی . و هنگامی که برخاستی ، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی .(۴۹)و تسبیح گوی در پاره ای از شب و به هنگام ناپدید شدن ستارگان.(۵۰)

النجم

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قسم به آن ستاره چون پنهان شد،(۲)که یار شما نه گمراه شده و نه به راه کج رفته است.(۳)و سخن از روی هوی نمی گوید.(۴)نیست این سخن جز آنچه بدو وحی می شود.(۵)او را آن فرشته بس نیرومند تعلیم داده است:(۶)صاحب نیرویی که استیلا، یافت.(۷)و او به کناره بلند آسمان بود.(۸)سپس نزدیک شد و بسیار نزدیک شد،(۹)تا به قدر دو کمان، یا نزدیکتر.(۱۰)و خدا به بنده خود هر چه باید وحی کند وحی کرد.(۱۱)دل آنچه را که دید دروغ نشمرد.(۱۲)آیا در آنچه می بیند با او جدال می کنید؟(۱۳)او را دیگر بار هم بدید،(۱۴)نزد سدره المنتهی ،(۱۵)که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است.(۱۶)وقتی که سدره را چیزی در خود می پوشید،(۱۷)چشم خطا نکرد و از حد در نگذشت.(۱۸)هر آینه پاره ای از آیات بزرگ پروردگارش را بدید.(۱۹)آیا لات و عزا را دیده اید؟(۲۰)و منات آن بت سومی دیگر را؟(۲۱)آیا شما را پسر باشد و او را دختر؟(۲۲)این تقسیمی است خلاف عدالت.(۲۳)اینها چیزی نیستند جز نامهایی که خود و پدرانتان به آنها داده اید. و خداوند هیچ دلیلی بر آنها نفرستاده است. تنها از پی گمان و هوای نفس خویش می روند و حال آنکه از جانب خدا راهنمایی شان کرده اند.(۲۴)آیا هر چه آدمی آرزو کند برایش حاصل است؟(۲۵)هم آخرت و هم دنیا از آن خداست.(۲۶)و چه بسیار فرشتگان در آسمانند که شفاعتشان هیچ سود ندهد، مگر از آن پس که خدا برای هر که خواهد رخصت دهد و خشنود باشد.(۲۷)آنان که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به نامهای زنان می نامند.(۲۸)اینان را بدانچه می گویند هیچ دانشی نیست. تنها از پندار خود پیروی می کنند و پندار برای شناخت حقیقت کافی نیست.(۲۹)پس تو نیز از کسی که از سخن ما رویگردان می شود و جز زندگی دنیوی را نمی جوید اعراض کن.(۳۰)منتهای دانششان همین است. پروردگار تو به آن که از طریق او گمراه می شود یا به راه هدایت می افتد داناتر است.(۳۱)از آن خداست هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است تا بدکاران را در برابر اعمالشان کیفر دهد و نیکوکاران را به کردار نیکشان پاداش.(۳۲)کسانی که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می کنند -جز آنکه گناهی کوچک از آنها سر زند- بدانند که آمرزش پروردگار تو وسیع است و او به شما، آنگاه که از زمین بیافریدتان و آنگاه که در شکم مادرتان

پنهان بودید، آگاه تر است. خویشتن را بی گناه مدانید. اوست که پرهیزگار را بهتر می شناسد.(۳۳)آیا آن را که از تو رویگردان شد دیدی .(۳۴)اندک می بخشید و در انفاق بخل می ورزید.(۳۵)آیا علم غیب دارد و می بیند.(۳۶)یا از آنچه در صحیفه های موسی آمده بی خبر مانده است.(۳۷)یا از ابراهیم، که حق رسالت را ادا کرد.(۳۸)که هیچ کس بار گناه دیگری را برندارد.(۳۹)و اینکه : برای مردم پاداشی جز آنچه خود کرده اند نیست.(۴۰)و زودا که کوشش او در نظر آید.(۴۱)سپس به او پاداشی تمام دهند.(۴۲)و پایان راه همه ، پروردگار توست.(۴۳)و اوست که می خنداند و می گریاند.(۴۴)و اوست که می میراند و زنده می کند.(۴۵)و اوست که جفتهای نر و ماده را آفریده است،(۴۶)از نطفه ، آنگاه که در رحم ریخته می شود.(۴۷)و بر خداوند است که آن را بار دیگر زنده کند.(۴۸)و اوست که بی نیاز کند و روزی دهد.(۴۹)و اوست پروردگار ستاره شعری .(۵۰)و اوست که عاد، آن قوم پیشین را هلاک کرد،(۵۱)و از ثمود هیچ باقی نگذاشت.(۵۲)و پیش از آنها قوم نوح را، که ستمکارتر و سرکشتر بودند،(۵۳)و نیز موتفکه را نابود کرد.(۵۴)و فرو پوشید آن قوم را، هر چه باید فرو پوشد.(۵۵)پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت شک می کنی ؟(۵۶)این بیمدهنده ای است همانند بیمدهندگان پیشین.(۵۷)قیامت فرا رسید.(۵۸)کس جز خداوند آشکارش نکند.(۵۹)آیا از این سخن در شگفت افتاده اید؟(۶۰)و می خندید و نمی گریید؟(۶۱)و شما غافل شده اید.(۶۲)پس خدا را سجده کنید و او را بپرستید.(۶۳)

القمر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قیامت نزدیک شد و ماه دو پاره گردید.(۲)و اگر معجزه ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی بزرگ است.(۳)و تکذیب می کنند و از پی هواهای خویش می روند. و هر کاری را هدفی است.(۴)و برایشان خبرهایی آمده است که از گناهشان باز می دارد.(۵)حکمتی است تمام. ولی بیمدهندگان سودشان ندهند.(۶)پس در آن روز که آن دعوتکننده ، آنان را به چیزی ناخوش فرا می خواند، از ایشان رویگردان شو.(۷)نشان ذلت در چشمانشان آشکار است. چون ملخهای پراکنده از قبرها بیرون می آیند.(۸)سرها را بالا- گرفته به سوی آن دعوتکننده می شتابند. کافران می گویند: این روز دشواری است.(۹)پیش از اینها قوم نوح تکذیب کرده بودند. بنده ما را تکذیب کردند و گفتند: دیوانه است. و به دشنامش راندند.(۱۰)و پروردگارش را خواند: من مغلوب شده ام، انتقام بکش.(۱۱)و ما نیز درهای آسمان را به روی آبی که به شدت می ریخت گشودیم.(۱۲)و از زمین چشمه ها شکافتیم تا آب به آن مقدار که مقدر شده بود گرد آمد.(۱۳)و او را بر آن کشتی که تخته ها و میخها داشت سوار کردیم.(۱۴)زیر نظر ما روان شد. این بود جزای کسانی که کفر ورزیدند.(۱۵)و هر آینه آن کشتی را نشانه ای ساختیم. آیا هیچ پند گیرنده ای هست؟(۱۶)پس عذاب و بیم دادنهای من چگونه بود؟(۱۷)و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند. آیا پند گیرنده ای هست؟(۱۸)قوم عاد تکذیب کردند. پس عذاب و بیم- دادنهای من چگونه بود؟(۱۹)ما بر آنها در روزی نحس و طولانی بادی سخت فرستادیم،(۲۰)که مردمان را از زمین، همانند ریشه های از جای کنده نخل، بر می کند.(۲۱)عذاب و بیم دادنهای من چگونه بود؟(۲۲)و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند. آیا پندگیرنده ای هست؟(۲۳)قوم ثمود بیمدهندگان را تکذیب کردند.(۲۴)گفتند: اگر از انسانی همانند خود پیروی کنیم گمراه و دیوانه باشیم،(۲۵)آیا از میان همه ما کلام خدا به او القا شده است؟ نه ، او دروغگویی خود خواه است.(۲۶)فردا خواهند دانست که دروغگوی خود خواه کیست.(۲۷)ما آن ماده شتر را برای آزمایششان می فرستیم. پس مراقبشان باش و صبر کن.(۲۸)و به آنها بگوی که آب میانشان تقسیم شده . نوبت هر که باشد او به سر آب می رود.(۲۹)یارشان را ندا دادند و او شمشیر برگرفت و آن را پی کرد.(۳۰)عذاب و بیم دادنهای من چگونه بود؟(۳۱)ما بر آنها یک آواز سهمناک فرستادیم. پس همانند آن علفهای خشک آغل گوسفند شدند.(۳۲)و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند. آیا پند- گیرنده ای هست؟(۳۳)قوم لوط بیمدهندگان را تکذیب

کردند.(۳۴)ما بر آنها بادی ریگبار فرستادیم، مگر بر خاندان لوط که آنها را سحرگاه رهانیدیم.(۳۵)نعمتی بود از جانب ما و آنان را که سپاس گویند چنین پاداش دهیم.(۳۶)از انتقام سخت ما ترسانیدشان ولی با بیمدهندگان به جدال برخاستند.(۳۷)از مهمان او کاری زشت خواستند. ما نیز چشمانشان را کور گردانیدیم. پس بچشید عذاب و بیم دادنهای مرا.(۳۸)هر آینه بامدادان عذابی پایدار به سر وقتشان آمد.(۳۹)پس عذاب من و بیم دادنهای مرا بچشید.(۴۰)و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند. آیا پند گیرنده ای هست؟(۴۱)بیمدهندگان نزد خاندان فرعون آمدند.(۴۲)همه آیات ما را تکذیب کردند. ما نیز آنها را فرو گرفتیم چون فرو گرفتن پیروزمندی مقتدر.(۴۳)آیا کافران شما از ایشان نیرومندترند یا در کتابها آمده است که در امان هستید؟(۴۴)یا می گویند که ما همگی به انتقام بر می خیزیم.(۴۵)زودا که آن جمع منهزم شود و پشت کرده باز گردند.(۴۶)بلکه وعده گاه آنها قیامت است و قیامت بلاخیزتر و تلختر است.(۴۷)مجرمان در گمراهی و جنونند.(۴۸)روزی که آنها را. به صورت، در جهنم کشند که : بچشید عذاب سقر را.(۴۹)ما هرچیز را به اندازه آفریده ایم.(۵۰)فرمان ما تنها یک فرمان است، آن هم چشم- بر هم زدنی است.(۵۱)کسانی را که همانند شما بودند، هلاک کردیم. آیا پند گیرنده ای هست؟(۵۲)هر کاری که کرده اند در دفترهاست.(۵۳)هر کار بزرگ و کوچکی مکتوب است.(۵۴)پرهیزگاران در باغها و کنار جویبارانند.(۵۵)در جایگاهی پسندیده ، نزد فرمانروایی توانا.(۵۶)

الرحمن

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خدای رحمان،(۲)قرآن را تعلیم داد.(۳)انسان را بیافرید.(۴)به او گفتن آموخت.(۵)آفتاب و ماه به حسابی مقرر در حرکتند.(۶)و گیاه و درخت سجده اش می کنند.(۷)آسمان را برافراخت و ترازو را برنهاد.(۸)تا در ترازو تجاوز مکنید.(۹)وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کمفروشی مکنید.(۱۰)زمین را برای مردم قرار داد.(۱۱)در آن میوه هاست و نخلها، با خوشه هایی که در غلافند.(۱۲)و دانه هایی که همراه با کاهند و نیز گیاهان خوشبو.(۱۳)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۱۴)آدمی را از گل خشک شده ای چون سفال بیافرید.(۱۵)و جن را از شعله ای بی دود.(۱۶)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۱۷)پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب.(۱۸)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۱۹)دو دریا را پیش راند تا به هم رسیدند،(۲۰)میانشان حجابی است تا به هم در نشوند.(۲۱)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۲۲)از آن دو. مروارید و مرجان بیرون می آید.(۲۳)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۲۴)و او راست کشتیهایی همانند کوه که در دریا می روند.(۲۵)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۲۶)هر چه بر روی زمین است دستخوش فناست.(۲۷)و ذات پروردگار صاحب جلالت و اکرام توست که باقی می ماند.(۲۸)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۲۹)هر کس که در آسمانها و زمین است سائل درگاه اوست، و او هر روز در کاری است.(۳۰)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۳۱)ای جنیان و آدمیان، به حساب شما خواهیم رسید.(۳۲)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۳۳)ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از کناره های آسمانها و زمین بیرون روید، بیرون روید. ولی بیرون نتوانید رفت مگر با داشتن قدرتی .(۳۴)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۳۵)بر شما شعله ای بی دود فرستاده شود، یا دودی بی شعله ، پس با او مقابله نتوانید کرد.(۳۶)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۳۷)آنگاه که آسمان شکافته شود. رنگی سرخ چون رنگ چرم خواهد داشت.(۳۸)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۳۹)پس در آن روز از گناه هیچ جنی و آدمیی نپرسند.(۴۰)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۴۱)کافران را به نشان صورتشان می شناسند و از موی جلوی سر و پاهایشان می گیرند.(۴۲)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟

(۴۳)این همان جهنمی است که مجرمان دروغش می پنداشتند.(۴۴)و اکنون در میان آن و آب جوشان می گردند.(۴۵)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۴۶)هر کس را که از ایستادن به پیشگاه پروردگارش ترسیده باشد دو بهشت است.(۴۷)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۴۸)آن دو پر از درختانند.(۴۹)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۵۰)در آن دو، دو چشمه جاری است.(۵۱)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۵۲)در آنجا از هر گونه میوه ای دو قسم هست.(۵۳)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۵۴)بر بسترهایی که آسترشان از استبرق است تکیه زده اند و میوه های آن دو بهشت در دسترسشان باشد.(۵۵)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۵۶)در آنجاست زنانی که جز به شوهر خویش ننگرند، و پیش از بهشتیان هیچ آدمی و جنی به آنها دست نزده است.(۵۷)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۵۸)همانند یاقوت و مرجان.(۵۹)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۶۰)آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟(۶۱)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۶۲)و جز آنها دو بهشت دیگر است.(۶۳)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۶۴)از شدت سبزی متمایل به سیاهی .(۶۵)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۶۶)در آن دو، دو چشمه همواره جوشنده هست.(۶۷)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۶۸)در آن دو، میوه هست و نخل هست و انار هست.(۶۹)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۷۰)در آنجا زنانی است نیک سیرت و زیبا روی .(۷۱)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۷۲)حورانی مستور در خیمه ها.(۷۳)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۷۴)پیش از بهشتیان هیچ آدمی و جنی به آنها دست نزده است.(۷۵)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید.(۷۶)بر بالشهای سبز و فرشهای نیکو تکیه می زنند.(۷۷)پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟(۷۸)بزرگ است نام پروردگار تو آن صاحب جلالت و اکرام.(۷۹)

الواقعه

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)چون قیامت واقع شود،(۲)که در واقع شدنش هیچ دروغ نیست.(۳)گروهی را خوارکننده است و گروهی را بر افرازنده .(۴)آنگاه که زمین به سختی بلرزد،(۵)و کوهها به تمامی متلاشی شوند،(۶)و چون غباری پراکنده گردند،(۷)شما سه گروه باشید:(۸)یکی اهل سعادت. اهل سعادت چه حال دارند؟(۹)دیگر، اهل شقاوت. اهل شقاوت چه حال دارند؟(۱۰)سه دیگر، آنها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده اند.(۱۱)اینان مقربانند،(۱۲)در بهشتهای پر نعمت.(۱۳)گروهی از پیشینیان،(۱۴)و اندکی از آنها که از پی آمده اند،(۱۵)بر تختهایی مرصع،(۱۶)رو به روی هم بر آنها تکیه زده اند.(۱۷)پسرانی همواره جوان گردشان می چرخند،(۱۸)با قدحها و ابریقها و جامهایی از شرابی که در جویها جاری است.(۱۹)از نوشیدنش نه سر درد گیرند و نه بیهوش شوند.(۲۰)و میوه هایی که خود بر می گزینند.(۲۱)و گوشت پرنده هر چه بخواهند.(۲۲)و حوران درشت چشم،(۲۳)همانند مرواریدهایی در صدف.(۲۴)همه به پاداش کارهایی که می کرده اند.(۲۵)در آنجا نه سخن لغو شنوند و نه گناه آلود.(۲۶)جز یک سخن:سلام، سلام.(۲۷)اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟(۲۸)در زیر درخت سدر بی خار،(۲۹)و درخت موزی که میوه اش بر یکدیگر چیده شده .(۳۰)و سایه ای دایم،(۳۱)و آبی همواره جاری ،(۳۲)و میوه ای بسیار،(۳۳)که نه منقطع می گردد و نه کس را از آن باز دارند.(۳۴)و زنانی ارجمند.(۳۵)آن زنان را ما بیافریدیم، آفریدنی .(۳۶)و دوشیزگان ساختیم.(۳۷)معشوق همسران خویشند،(۳۸)برای اصحاب سعادت.(۳۹)گروهی از پیشینیان،(۴۰)و گروهی که از پی آمده اند.(۴۱)اما اصحاب شقاوت، اصحاب شقاوت چه حال دارند.(۴۲)در باد سموم و آب جوشانند.(۴۳)در سایه ای از دو سیاه .(۴۴)نه سرد و نه خوش.(۴۵)اینان پیش از این در ناز و نعمت بودند.(۴۶)و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند.(۴۷)و می گفتند: آیا

زمانی که ما مردیم و خاك و استخوان شدیم باز هم ما را زنده می کنند.(۴۸)یا نیاکان ما را؟(۴۹)بگو: همه را، آنان که از پیش بوده اند و آنها که از پی شان آمده بودند،(۵۰)همه در وعده گاه آن روز معین خواهند بود.(۵۱)آنگاه شما ای گمراهان تکذیبکننده .(۵۲)از درختان زقوم خواهید خورد.(۵۳)و شکمهای خود را از آن بر خواهید کرد.(۵۴)و بر سر آن آب جوشان خواهید نوشید.(۵۵)چنان می نوشید که شتر تشنه آب می نوشد.(۵۶)این است غذایشان در روز جزا.(۵۷)ما شما را آفریده ایم، پس چرا تصدیق نمی کنید.(۵۸)آیا آن منی را که بیرون می ریزید دیده اید.(۵۹)آیا شما او را می آفرینید یا ما آفریننده ایم.(۶۰)ما مرگ را بر شما مقدر ساختیم و ناتوان از آن نیستیم که(۶۱)به جای شما قومی همانند شما بیاوریم و شما را به صورتی که از آن بی خبرید از نو بیافرینیم.(۶۲)شما از آفرینش نخست آگاهید، چرا به یادش نیاورید.(۶۳)آیا چیزی را که می کارید دیده اید.(۶۴)آیا شما می رویانیدش یا ما رویاننده ایم.(۶۵)اگر می خواستیم خاشاکش می ساختیم تا در شگفت بمانید.(۶۶)گویند: ما ثروت بر باد دادگانیم.(۶۷)ما بی نصیب ماندگانیم.(۶۸)آیا آبی را که می نوشید دیده اید.(۶۹)آیا شما آن را از ابر فرو می فرستید یا ما فرو فرستنده ایم.(۷۰)اگر می خواستیم آن را تلخ می گردانیدیم. پس چرا سپاس نمی گویید.(۷۱)آیا آن آتشی را که می افروزید دیده اید.(۷۲)آیا درختش را شما آفریده اید یا ما آفریننده ایم.(۷۳)ما آن را هشداری و برای مسافران رهنورد، متاعی ساختیم.(۷۴)به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی .(۷۵)پس سوگند به غروبگاه ستارگان.(۷۶)و این سوگندی است -اگر بدانید- بزرگ.(۷۷)هر آینه ، این قرآنی است گرامی قدر،(۷۸)در کتابی مکنون.(۷۹)که جز پاکان دست بر آن نزنند.(۸۰)نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است.(۸۱)آیا این سخن را دروغ می انگارید.(۸۲)و نصیب خود را در دروغ انگاشتن آن قرار می دهید؟(۸۳)پس چرا آنگاه که جان به گلوگاه رسد،(۸۴)و شما در این هنگام می نگرید. تکذیب نمی کنید؟(۸۵)ما از شما به او نزدیکتریم ولی شما نمی بینید.(۸۶)اگر قیامت را باور ندارید،(۸۷)اگر راست می گویید، بازش- گردانید.(۸۸)اما اگر از مقربان باشد،(۸۹)برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت.(۹۰)و اما اگر از اصحاب سعادت باشد:(۹۱)پس تو را از اصحاب سعادت سلام است.(۹۲)و اما اگر از تکذیبکنندگان گمراه باشد،(۹۳)به آب جوشان مهمانش کنند.(۹۴)و به دوزخش درآورند.(۹۵)این سخن سخنی راست و یقین است.(۹۶)پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی .(۹۷)

الحدید

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خداوند را تسبیح می گویند، هر چه در آسمانها و زمین است، و او پیروزمند و حکیم است.(۲)فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست. زنده می کند و می میراند و بر هرچیز تواناست.(۳)اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست.(۴)اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. هر چه را در زمین فرو رود و هر چه را از زمین بیرون آید و هر چه را از آسمان فرو آید و هر چه را بر آسمان بالا رود، می داند. و هرجا که باشید همراه شماست و به هر کاری که می کنید بیناست.(۵)فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، و همه کارها به خدا باز می گردد.(۶)از شب می کاهد و به روز می افزاید و از روز می کاهد و به شب می افزاید. و به هر چه در دلها می گذرد آگاه است.(۷)به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آن مال که به وراثت به شما رسانده است انفاق کنید. از میان شما هر که را ایمان آورده و انفاق کرده ، مزدی فراوانش دهند.(۸)چیست شما را که به خدا ایمان نمی آورید و حال آنکه پیامبر شما را دعوت می کند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و اگر باور دارید از شما پیمان گرفته است.(۹)اوست آن خدایی که بر بنده خود آیات روشن را نازل می کند تا شما را از تاریکی به روشنایی آورد. زیرا خدا به شما مشفق و مهربان است.(۱۰)و چرا در راه خدا انفاق نمی کنید و حال آنکه از آن خداست میراث آسمانها و زمین؟ از میان شما آنان که پیش از فتح انفاق کرده و به جنگ رفته با آنان که بعد از فتح انفاق کرده اند و به جنگ رفته اند برابر نیستند. درجت آنان فراتر است. و خدا به همه وعده نیک می دهد. و به هر کاری که

می کنید آگاه است.(۱۱)کیست که خدا را قرضالحسنه دهد تا برای او دو چندانش کند، و او را پاداشی نیکو باشد.(۱۲)روزی که مردان مومن و زنان مومن را ببینی که نورشان پیشاپیش و در سمت راستشان می رود. در آن روز بشارتتان به بهشتهایی است که در آن نهرها روان است و در آن جاوید خواهید ماند، و این کامیابی بزرگی است.(۱۳)روزی که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: درنگی کنید تا از نورتان فروغی گیریم. گویند: به دنیا باز گردید و از آنجا نور بطلبید. میانشان دیواری بر آورند که بر آن دیوار دری باشد، درون آن رحمت باشد و بیرون آن عذاب.(۱۴)و آنها را ندا دهند که آیا ما با شما همراه نبودیم؟ می گویند: بلی ، اما شما خویشتن را در بلا افکندید و به انتظار نشستید و در شک بودید و آرزوها شما را بفریفت تا آنگاه که فرمان خدا در رسید و شیطان به خدا مغرورتان کرد.(۱۵)و امروز نه از شما فدیه ای پذیرند و نه از کافران. جایگاهتان آتش است. آتش سزاوار شماست. و بد سرانجامی است.(۱۶)آیا مومنان را وقت آن نرسیده است که دلهایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است، خاشع شود؟ همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی بر آمد دلهایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند.(۱۷)بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می کند. ما آیات را برایتان به روشنی بیان کردیم، باشد که به عقل دریابید.(۱۸)خدا به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده ای که به خدا قرضالحسنه می دهند، دو چندان پاداش می دهد، و نیز آنها را اجری نیکوست.(۱۹)کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، راستگویان و راستکارانند. و شهیدان در نزد پروردگارشان هستند. صاحب پاداش و نور خویشند. و آنها که کافرند و آیات ما را تکذیب می کنند، در جهنمند.(۲۰)بدانید که زندگی این جهانی بازیچه است و بیهودگی و آرایش و فخر فروشی و افزون جویی در اموال و اولاد. همانند بارانی به وقت است که روییدنیهایش کافران را به شگفت افکند. سپس پژمرده می شود و بینی که زرد گشته است و خاشاک شده است. و در آخرت نصیب گروهی عذاب سخت است و نصیب گروهی آمرزش خدا و خشنودی او. و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.(۲۱)برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمانها و زمین است، بر یکدیگر پیشی گیرید. این بهشت برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، مهیا شده است. این بخشایشی است از جانب خدا که به هر که می خواهد ارزانیش می دارد، که خدا صاحب بخشایشی بزرگ است.(۲۲)هیچ مصیبتی به مال یا به جانتان نرسد مگر پیش از آنکه بیافرینیمش، در کتابی نوشته شده است. و این بر خدا آسان است.(۲۳)تا بر آنچه از دستتان می رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می آید شادمانی نکنید. و خدا هیچ متکبر خود ستاینده ای را دوست ندارد:(۲۴)آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل وا می دارند. و هر که رویگردان می شود، بداند که خدا بی نیاز و ستودنی است.(۲۵)ما پیامبرانمان را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافعی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده ، او و پیامبرانش را یاری می کند. زیرا خدا توانا و پیروزمند است.(۲۶)ما نوح و ابراهیم را به رسالت فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب نهادیم. بعضیشان هدایت یافتگان بودند ولی بیشترینشان نافرمانان.(۲۷)سپس پیامبرانمان را پس از ایشان فرستادیم. و عیسی بن مریم را از پی آنها روانه کردیم و به او انجیل را دادیم، و در دل پیروانش رافت و رحمت نهادیم. و رهبانیتی که به بدعت آورده اند ما بر آنها مقرر نکرده ایم، اما در آن خشنودی خدا می جستند، ولی حق آن را بسزا نگزاردند. ما از آن میان به کسانی که ایمان آورده بودند، پاداش دادیم ولی بیشترینشان نافرمان بودند.(۲۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا شما را از رحمت خویش دوبار مزد بدهد. و شما را نوری عطا کند که در روشنایی آن راه بجویید و بیامرزدتان که خدا آمرزنده مهربان است.(۲۹)تا اهل کتاب بدانند که به بخشایش خداوند هیچ دسترس ندارند و این بخشایش به دست اوست که به هر که خواهد ارزانی می دارد، و خدا را بخشایشی عظیم است.(۳۰)

المجادله

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خدا سخن زنی را که درباره شوهرش با تو به مجادله آمده است و به خدا شکوه می کند، شنید. و خدا گفت و گوی شما را می شنود، زیرا شنوا و بیناست.(۲)از میان شما کسانی که زنانشان را ظهار می کنند بدانند که زنانشان مادرانشان نشوند، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنها را زاییده اند، و سخنی ناپسند و دروغ است که می گویند. و خدا از گناهان در گذرنده است و آمرزنده است.(۳)آنهایی که زنانشان را ظهار می کنند، آنگاه از آنچه گفته اند پشیمان می شوند، پیش از آنکه با یکدیگر تماس یابند، باید بنده ای آزاد کنند. این پندی است که به شما می دهند و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۴)اما کسانی که بنده ای که بنده ای نیابند، پیش از آنکه با یکدیگر تماس یابند. باید دو ماه پی درپی روزه بدارند. و آن که نتواند، شصت مسکین را طعام دهد. و این بدان سبب است که به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید. اینها حدود خداست. و برای کافران عذابی است دردآور.(۵)کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت می ورزند ذلیل و خوار می شوند، همچنان که پیشینیانشان خوار شده اند. ما آیاتی روشن نازل کردیم و کافران را عذابی است خوارکننده .(۶)روزی که خدا همگان را زنده می کند، آنان را از کاری که کرده اند آگاه می سازد. خدا اعمال آنها را شماره کرده است، هرچند خود از یاد برده اند، و خدا ناظر بر هر چیزی است.(۷)آیا ندانسته ای که خدا هر چه را در آسمانها و زمین است می داند. هیچ سه کس با هم نجوا نکنند مگر آنکه خداوند چهارمین آنهاست و هیچ پنج کس نباشند مگر آنکه خداوند ششمین آنهاست. و نه کمتر از این -هرجا که باشند- و نه بیشتر از این، مگر آنکه خدا با آنهاست. سپس همه را در روز قیامت به کارهایی که کرده اند، آگاه می کند. زیرا خدا بر همه چیز آگاه است.(۸)آیا آنها را که از نجوا منع شده بودند ندیدی که کاری را که از آن منع شده بودند از سر گرفتند و باز هم برای گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر با هم نجوا می کنند؟ و چون نزد تو می آیند، به گونه ای تو را سلام می گویند که خدا تو را بدان گونه سلام نگفته است، و در دل می گویند: چرا خدا ما را بدانچه می گوییم عذاب نمی کند؟ جهنم برایشان کافی است. بدان داخل می شوند، و این بد سرانجامی است.(۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر با یکدیگر نجوا می کنید. در باب گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر نجوا مکنید، بلکه در باب نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید. از آن خدایی که همگان نزد او گرد می آیید بترسید.(۱۰)هر آینه نجوا کردن کار شیطان است که می خواهد مومنان را محزون کند و حال آنکه هیچ زیانی ، جز به فرمان خداوند، به آنها نمی رساند. و مومنان باید که بر خدا توکل کنند.(۱۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون شما را گویند در مجالس جای باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد. و چون گویند که برخیزید، بر خیزید. خدا آنهایی را که ایمان آورده اند و کسانی را که دانش یافته اند به درجاتی برافرازد، و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۱۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوا کردنتان صدقه بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است. و اگر برای صدقه چیزی نیافتید، خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۳)آیا ترسیدید پیش از نجوا کردن صدقه ها بدهید؟ حال که صدقه نداده اید و خدا هم توبه شما را پذیرفته است، پس نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۱۴)آیا ندیده ای آن کسان را که با مردمی که خدا بر آنها خشم گرفته بود، دوستی ورزیدند؟ اینان نه از شمایند و نه از ایشان. و خود می دانند که بر دروغ سوگند می خوردند.(۱۵)خدا برایشان عذابی سخت آماده کرده است. زیرا کارهایی که می کنند ناپسند است.(۱۶)از سوگندهایشان سپری ساخته اند. و از راه خدا رویگردان شده اند. پس برای آنهاست عذابی خوارکننده .(۱۷)اموال و اولادشان برایشان در برابر خشم خدا سود نکند. اهل جهنمند و در آن جاودان.(۱۸)روزی که خدا همه آنها را زنده می کند، همچنان که برای شما قسم می خوردند برای او هم قسم خواهند خورد. و می پندارند که سودی خواهند برد. آگاه باشید که دروغگویانند.(۱۹)شیطان بر آنها چیره شده است و نام خدا را از یادشان برده است. ایشان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان زیان کنندگانند.(۲۰)کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت می ورزند در زمره ذلیل شدگانند.(۲۱)خدا مقرر داشته که : البته

من و پیامبرانم پیروز می شویم. زیرا خدا توانا و پیروزمند است.(۲۲)نمی یابی مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند، ولی با کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت می ورزند دوستی کنند، هرچند آن مخالفان، پدران یا فرزندان یا برادران و یا قبیله آنها باشند. خدا بر دلشان رقم ایمان زده و به روحی از خود یاریشان کرده است و آنها را به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است در آورد. در آنجا جاودانه باشند. خدا از آنها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. اینان حزب خدایند، آگاه باش که حزب خدا رستگارانند.(۲۳)

الحشر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خداوند را تسبیح گویند هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است. و اوست پیروزمند و حکیم.(۲)اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه هایشان بیرون راند و شما نمی پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می پنداشتند حصارهاشان را توان آن هست که در برابر خدا نگهدارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی کردند بر آنها تاخت آورد و در دلشان وحشت افکند، چنان که خانه های خود را به دست خود و به دست مومنان خراب می کردند. پس ای اهل بصیرت عبرت بگیرید.(۳)اگر نه آن بود که خدا ترک دیار را بر آنها مقرر کرده بود، در دنیا به عذاب گرفتارشان می کرد و در آخرتشان عذاب آتش است.(۴)و این به کیفر آن بود که با خدا و پیامبرش مخالفت ورزیدند، و هر که با خدا مخالفت می ورزد بداند که خدا به سختی عقوبت می کند.(۵)هر درخت خرمایی را که بریدید، یا آن را بر ریشه اش باقی گذاردید، به فرمان خدا بود تا نافرمانان خوار گردند.(۶)و آنچه خدا از داراییشان به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید، بلکه خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط می سازد، و خدا بر هر چیزی قادر است.(۷)آن غنیمتی که خدا از مردم قریه ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده ، تا میان توانگرانتان دست به دست نشود. هر چه پیامبر به شما داد بستانید، و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید. و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است.(۸)نیز غنایم از آن مهاجران فقیری است که از سرزمینشان رانده شده اند و آنها در طلب فضل و خشنودی خدایند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان راستگویانند.(۹)و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود بوده اند و ایمان آورده اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده اند دوست می دارند. و از آنچه مهاجران را داده می شود در دل احساس حسد نمی کنند، و دیگران را بر خویش ترجیح می دهند هرچند خود نیازمند باشند. و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند رستگارانند.(۱۰)کسانی که از پس ایشان آمده اند، می گویند: ای پروردگار ما، ما و برادران ما را که پیش از ما ایمان آورده اند بیامرز و کینه کسانی را که ایمان آورده اند، در دل ما جای مده . ای پروردگار ما، تو مشفق و مهربان هستی .(۱۱)آیا منافقان را ندیده ای که به یاران خود از اهل کتاب که کافر بودند می گفتند: اگر شما را اخراج کنند، ما نیز با شما بیرون می آییم و به زیان شما از هیچ کس اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما جنگیدند یاریتان می کنیم؟ و حال آنکه خدا می داند که دروغ می گویند.(۱۲)اگر آنها را اخراج کنند، با آنها بیرون نشوند. و اگر به جنگشان بیایند یاریشان نمی کنند، و اگر هم به یاریشان برخیزند به دشمن پشت می کنند. پس روی یاری نبینند.(۱۳)وحشت شما در دل آنها بیشتر از بیم خداست. زیرا مردمی هستند که به فهم در نمی یابند.(۱۴)آنان همگی با شما جنگ نپیوندند مگر در قریه هایی که بارویشان باشد، یا از پس دیوار. آنها سخت با یکدیگر دشمنند. تو یکدل می پنداریشان و حال آنکه دلهاشان از هم جداست، که مردمی بی خردند.(۱۵)همانند آنهایی هستند که چندی پیش و بال گناه خویش را چشیدند. و به عذابی دردآور نیز گرفتار خواهند شد.(۱۶)همانند شیطان که به آدمی گفت: کافر شو. چون کافر شد، گفت: من از تو بیزارم. من از خدا، آن پروردگار جهانیان می ترسم.(۱۷)سرانجامشان آن شد که هر دو به آتش افتند و جاودانه در آن باشند. این است کیفر ستمکاران.(۱۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. و هر کس باید بنگرد

که برای فردایش چه فرستاده است. از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۱۹)از آن کسان مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند. ایشان نافرمانند.(۲۰)اهل آتش و اهل بهشت با هم برابر نیستند. اهل بهشت خود کامیافتگانند.(۲۱)اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم،از خوف خدا آن را ترسیده و شکاف خورده می دیدی . و این مثالهایی است که برای مردم می آوریم، شاید به فکر فرو روند.(۲۲)اوست خدایی یگانه . هیچ خدایی جز او نیست. دانای نهان و آشکار و بخشاینده و مهربان است.(۲۳)اوست خدای یگانه که هیچ خدای دیگری جز او نیست، فرمانروا است، پاك است،عاری از هر عیب است، ایمنی بخش است، نگهبان است، پیروزمند است، با جبروت است و بزرگوار است. و از هر چه برای او شریك قرار می دهند منزه است.(۲۴)اوست خدایی که آفریدگار است، موجد و صورتبخش است. اسمهای نیکو از آن اوست. هر چه در آسمانها و زمین است تسبیحگوی او هستند و او پیروزمند و حکیم است.(۲۵)

الممتحنة

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار مکنید. شما با آنان طرح دوستی می افکنید و حال آنکه ایشان به سخن حقی که بر شما آمده است ایمان ندارند. و بدان سبب که به خدا. پروردگار خویش ایمان آورده بودید، پیامبر و شما را بیرون راندند. اگر برای جهاد در راه من و طلب رضای من بیرون آمده اید، در نهان با آنها دوستی مکنید، و من به هر چه پنهان می دارید یا آشکار می سازید آگاه ترم. و هر که چنین کند، از راه راست منحرف گشته است.(۲)اگر بر شما دست یابند، دشمنی می کنند و به آزارتان دست و زبان می گشایند و دوست دارند که شما نیز کافر گردید.(۳)در روز قیامت نه خویشاوندان برایتان سود کنند، نه فرزندانتان. خدا میانتان جدایی می افکند و اعمالتان را می بیند.(۴)ابراهیم و کسانی که با وی بودند، آنگاه که به قوم خود گفتند که ما از شما و از آنچه جز خدای یکتا می پرستید بیزاریم و شما را کافر می شمریم و میان ما و شما همیشه دشمنی و کینه توزی خواهد بود تا وقتی که به خدای یکتا ایمان بیاورید، برایتان نیکو مقتدایی بودند. مگر آنگاه که ابراهیم پدرش را گفت که برای تو آمرزش می طلبم. زیرا نمی توانم عذاب خدا را از تو دفع کنم. ای پروردگار ما، بر تو توکل کردیم و به تو روی آوردیم و سرانجام تو هستی .(۵)ای پروردگار ما، ما را چنان مکن که کافران خوار دارندمان. و ما را بیامرز که تو پیروزمند و حکیمی .(۶)آنها، نیکو مقتدایی هستند برای شما: برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند. و هر که رویگردان شود، خدا بی نیاز و ستودنی است.(۷)شاید خدا میان شما و کسانی که با آنها دشمنی می ورزید دوستی پدید آورد. خدا قادر است و خدا آمرزنده و مهربان است.(۸)خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند، باز نمی دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد.(۹)جز این نیست که خدا از دوستی ورزیدن با کسانی که با شما در دین جنگیده اند و از سرزمین خود بیرونتان رانده اند یا در بیرون راندنتان همدستی کرده اند شما را باز دارد. و هر که با آنها دوستی ورزد از ستمکاران خواهد بود.(۱۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون زنان مومنی که مهاجرت کرده اند به نزدتان آیند، بیازماییدشان. خدا به ایمانشان داناتر است. پس، اگر دانستید که ایمان آورده اند، نزد کافران بازشان مگردانید. زیرا اینان بر مردان کافر حلال نیستند و مردان کافر نیز بر آنها حلال نیستند. و هر چه آن کافران برای این گونه زنان هزینه کرده اند بپردازید. و اگر آنها را نکاح کنید و مهرشان را بدهید مرتکب گناهی نشده اید. و زنان کافر خود را نگه مدارید. و هر چه هزینه کرده اید از مردان کافر بخواهید و آنها نیز هر چه هزینه کرده اند از شما بخواهند. این حکم خداست. خدا میان شما حکم می کند و او دانا و حکیم است.(۱۱)و اگر یکی از زنان شما به کفار پیوست و آنگاه به انتقام از کافران برخاستید، به کسانی که زنانشان رفته اند به میزان هزینه ای که کرده اند بپردازید و از خدایی که به او ایمان آورده اید بترسید.(۱۲)ای پیامبر، اگر زنان مومن نزد تو آمدند تا بیعت کنند، بدین شرط که هیچ کس را با خدا شریك نکنند و دزدی نکنند

و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به دروغ به او نسبت ندهند و در کارهای نیک نافرمانی تو نکنند، با آنها بیعت کن و برایشان از خدا آمرزش بخواه ، که خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۳)ای کسانی که ایمان آورده اید، با مردمی که خدا بر آنها خشم گرفته است دوستی مکنید. اینان از آخرت نومیدند، همچنان که آن کافرانی که اینک در گورند از آخرت نومیدند.(۱۴)

الصف

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خدا را تسبیح گویند هر چه در آسمانها و در زمین است، و اوست پیروزمند و حکیم.(۲)ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنانی می گویید که به کارشان نمی بندید.(۳)خداوند سخت به خشم می آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید.(۴)خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی ، همانند دیواری که اجزایش را با سرب به هم پیوند داده باشند، می جنگند.(۵)و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می آزارید، حال آنکه می دانید که من پیامبر خدا بر شما هستم؟ چون از حق رویگردان شدند خدا نیز دلهاشان را از حق بگردانید. و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی کند.(۶)و عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، من پیامبر خدا بر شما هستم. توراتی را که پیش از من بوده است تصدیق می کنم، و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش احمد است، بشارتتان می دهم. چون آن پیامبر با آیات روشن خود آمد، گفتند: این جادویی است آشکار.(۷)کیست ستمکارتر از آن کس که به خدا دروغ می بندد، در حالی که او را به اسلام دعوت می کنند؟ و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.(۸)می خواهند نور خدا را به دهانهایشان خاموش کنند ولی خدا کاملکننده نور خویش است، اگر چه کافران را ناخوش آید.(۹)اوست آن خدایی که پیامبر خود را همراه با هدایت و دین راستین بفرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان را ناخوش آید.(۱۰)ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را به تجارتی که از عذاب دردآور رهاییتان دهد راه بنمایم.(۱۱)به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید، و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کنید. و این برای شما بهتر است، اگر دانا باشید.(۱۲)گناهان شما را می آمرزد و به بهشتهایی که درونش نهرها جاری است و نیز خانه هایی خوش و پاکیزه در بهشتهای جاوید داخل می کند. و این پیروزی بزرگی است.(۱۳)و نعمتی دیگر که دوستش دارید: نصرتی است از جانب خداوند و فتحی نزدیک، و مومنان را بشارت ده .(۱۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، یاوران خدا باشید، همچنان که عیسی بن مریم به حواریان گفت: چه کسانی یاوران من در راه خدایند. حواریان گفتند: ما یاوران خدا هستیم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر ضد دشمنانشان مدد کردیم تا پیروز شدند.(۱۵)

الجمعة

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)خدا را تسبیح می گویند هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است. آن فرمانروای پاک از عیب را، آن پیروزمند حکیم را.(۲)اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.(۳)و بر گروهی دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته اند. و اوست پیروزمند و حکیم.(۴)این بخشایش خداست که به هر که خواهد ارزانیش دارد و خدا را بخشایشی بزرگ است.(۵)مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمی کنند مثل آن خر است که کتابهایی را حمل می کند. بد مثلی است مثل مردمی که آیات خدا را دروغ می شمرده اند. و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.(۶)بگو: ای قوم یهود، هرگاه می پندارید که شما دوستان خدا هستید. نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گویید.(۷)و آنان به سبب اعمالی که پیش از این مرتکب شده اند، هرگز تمنای مرگ نخواهند کرد. و خدا به ستمکاران داناست.(۸)بگو: آن مرگی که

از آن می گریزیـد شـما را در خواهـد یافت و سـپس نزد آن دانای نهان و آشـکارا برگردانـده می شوید تا به کارهایی که کرده اید آگاهتان سازد.(۹)ای کسانی که ایمان آورده اید، چون ندای نماز روز جمعه در دهند. به نماز بشتابید و داد و ستد را رها کنید. اگر دانا باشید، این کار برایتان بهتر است.(۱۰)و چون نماز پایان یافت، در زمین پراکنـده شویـد و رزق خدا را طلب کنید و فراوانش یاد کنید. باشد که رسـتگار شوید.(۱۱)و چون تجارتی یا بازیچه ای بیننـد پراکنـده می شونـد و به جانب آن می رونـد و تو را همچنان ایستاده رها می کنند. بگو: آنچه در نزد خداست از بازیچه و تجارت بهتر است. و خدا بهترین روزی دهندگان است.(۱۲)

المنافقون

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)چون منافقان نزد تو آینـد، گویند: شـهادت می دهیم که تو پیامبر خدا هستی . خدا می داند که تو پیامبرش هستی و خـدا شـهادت می دهد که منافقان دروغگویند.(۲)از سوگنـدهای خود سپری ساختند و از راه خدا باز داشـتند و به حقیقت، آنچه می کنند ناپسـند است.(۳)این بـدان سـبب است که ایمان آوردنـد، سـپس کافر شدند. خدا نیز بر دلهاشان مهر نهاد و آنان در نمی یابند.(۴)چون آنها را ببینی تو را از ظاهرشان خوش می آید، و چون سخن بگویند به سخنشان گوش می دهی . گویی چوبهایی هسـتند به دیوار تکیه داده . هر آوازی را بر زیان خود می پندارنـد. ایشان دشـمنانند. از آنها حـذر کن. خدایشان بکشد. به کجا منحرف می شونـد.(۵)چون به آنهـا گفته شود که بیاییـد تـا پیـامبر خـدا برایتـان آمرزش بخواهـد، سـر می پیچنـد. می بینی که اعراض و گردنکشـی می کنند.(۶)تفاوتی نکنـد، چه برایشان آمرزش بخواهی چه آمرزش نخواهی . خـدایشان نخواهـد آمرزیـد. و خـدا مردم نافرمان را هدایت نمی کند.(۷)اینان همانهاینـد که می گوینـد: بر آنها که گرد پیامبر خداینـد، چیزی مدهید تا از گردش پراکنده شوند. و حال آنکه خزاین آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان نمی فهمند.(۸)می گویند: چون به مدینه باز گردیم، صاحبـان عزت، ذلیلاـن را از آنجـا بیرون خواهنـد کرد. عزت از آن خـدا و پیـامبرش و مومنـان است. ولی منافقان نمی داننـد.(۹)ای کسانی که ایمان آورده ایـد، اموال و اولادتان شـما را از ذکر خدا به خود مشـغول ندارد، که هر که چنین کند زیانکار است.(۱۰)از آنچه روزیتان داده ایم در راه خـدا انفاق کنیـد، پیش از آنکه یکی از شـما را مرگ فرا رسد و بگوید: ای پروردگار من، چرا مرگ مرا انـدکی به تاخیر نینـداختی تا صـدقه دهم و از شایسـتگان باشم.(۱۱)چون کسـی اجلش فرا رسـد، خـدا مرگ او را به تاخیر نمی افکند. و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۱۲)

التغابن

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)خـدا را تسبیح می گوینـد هر چه در آسـمانها و هر چه در زمین است. فرمـانروایی از آن اوست و حمد سـزاوار اوست و او بر هر چیزی تواناست.(۲)اوست که شـما را بیافرید. بعضـی از شما کافر، و بعضی مومنند. و کارهایی را که می کنیـد می بینـد.(۳)آسـمانها و زمیـن را بـه حق بیافریـد و شـما را تصـویر کرد و نیکـو تصـویر کرد. و سـرانجام همـه بـه سـوی اوست.(۴)هر چه را در آسـمانها و زمین است می دانـد و به آنچه پنهان می داریـد یا آشـکار می سازید آگاه است، و خدا به هر چه در دلها می گذرد عالم است.(۵)آیا شما را خبر کسانی که از این پیش کافر شده بودند نرسیده است؟ عقوبت عملشان را چشیدند و ایشان راست عذابی دردآور.(۶)این به کیفر آن بود که پیامبرانشان با دلیلهای روشن بر آنان مبعوث شدند. و آنها گفتند: آیا آدمیان ما را هـدایت می کننـد؟ پس انکار کردنـد و رویگردان گشـتند و خـدا بی نیاز است، که توانگر و در خور سـتایش است.(۷)کافران پنداشـتند که آنها را زنـده نمی کننـد. بگو: آری ، به پروردگارم سوگند که شـما را زنده می کنند تا به کارهایی که کرده اید آگاه سازنـد. و این بر خدا آسان است.(۸)پس به خـدا و پیـامبرش و این نور که نازل کرده ایم ایمان بیاوریـد. و خـدا به کارهایی که می کنید آگاه است.(۹)روزی که همه شـما را در محشـر گرد آورد، آن روز روز مغبـونی است. و هر که به خـدا ایمـان بیـاورد و کـار

شایسته کند، گناهانش را می ریزد و به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است داخل کند. آنجا جاودانه خواهند بود. این کامیابی بزرگی است.(۱۰)و آنان که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل آتشند. در آن جاودانه اند و جهنم بد سرانجامی است.(۱۱)هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا به کسی نمی رسد. و هر که به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را هدایت می کند. و خدا به هر چیزی داناست.(۱۲)خدا را اطاعت کنید، و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر شما اعراض کنید، بر فرستاده ما وظیفه ای جز رسانیدن پیام آشکار نیست.(۱۳)خدای یکتاست که هیچ خدایی جز او نیست. مومنان البته بر خدای یکتا توکل کنند.(۱۴)ای کسانی که ایمان آورده اید، بعضی از زنان و فرزندانتان دشمن شما هستند. از آنها حذر کنید. و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و گناهشان پوشیده دارید، خدا آمرزنده و مهربان است.(۱۵)جز این نیست که اموال و اولاد شما آزمایشی هستند. و حال آنکه مزد فراوان نزد خداست.(۱۶)تا توانید از خدا بترسید و گوش فرا دارید و اطاعت کنید و به سود خود از مالتان انفاق کنید. و آنان که از حرص نفس خویش در امان مانده اند رستگارند.(۱۷)اگر به خدا قرضالحسنه دهید برایتان دو برابرش خواهد کرد. و شما را می آمرزد که او شکر پذیرنده و بردبار است.(۱۸)دانای نهان و آشکار است، پیروزمند و حکیم است.(۱۹)

الطلاق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای پیامبر، اگر زنان را طلاق می دهید به وقت عده طلاقشان دهید. و شمار عده را نگه دارید. و از خدای یکتا پروردگارتان بترسید. و آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید. و از خانه بیرون نروند مگر آنکه به آشکارا مرتکب کاری زشت شوند. اینها احکام خداوند است، و هر که از آن تجاوز کند به خود ستم کرده است. تو چه دانی ، شاید خدا از این پس امری تازه پدید آورد.(۲)و چون به پایان مدت رسیدند، یا به وجهی نیکو نگاهشان دارید یا به وجهی نیکو از آنها جدا شوید و دو تن عادل از خودتان را به شهادت گیرید. و برای خدا شهادت را به راستی ادا کنید. هر که را به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اینچنین اندرز می دهند. و هر که از خدا بترسد. برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد.(۳)و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد. و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می رساند و هرچیز را اندازه ای قرار داده است.(۴)اگر در تردید هستید، از میان زنانتان آنهایی که از حیض مایوس شده اند و آنهایی که هنوز حیض نشده اند عده شان سه ماه است. وعده زنان آبستن همان وضع حمل است. و هر که از خدا بترسد، خدا کارش را آسان خواهد کرد.(۵)این فرمان خداست که بر شما نازل کرده است. و هر که از خدا بترسد، گناهانش را از او می زداید و او را پاداشی بزرگ می دهد.(۶)هرجا که خود سکونت گزینید آنها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید. و تا بر آنها تنگ گیرید میازاریدشان. و اگر آبستن بودند. نفقه شان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزند شما را شیر می دهند. مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید. و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید که کودک را شیر دهد.(۷)هر مالداری از مال خود نفقه دهد، و کسی که تنگدست باشد، از هر چه خدا به او داده است نفقه دهد. خدا هیچ کسی را مگر به آن اندازه که به او داده است مکلف نمی سازد، و زودا که خدا پس از سختی آسانی پیش آورد.(۸)چه بسا مردم قریه ای که از فرمان پروردگارشان و پیامبرانش سر باززدند. آنگاه ما سخت از آنها حساب کشیدیم و به عذابی سهمناک عذابشان کردیم.(۹)پس عقوبت عمل خود را چشیدند. عاقبت کارشان زیانکاری بود.(۱۰)خداوند برایشان عذابی سخت آماده کرد. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. خدا بر شما قرآن را نازل کرده است.(۱۱)و پیامبری که آیات روشن خدا را برایتان می خواند تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از تاریکی به روشنایی آورد. و هر که را به خدا ایمان آورد و کار شایسته کند به بهشتهایی درآورد که در آن نهرها جاری است، همواره در آنجا بمانند و خدا روزیشان را کرامند گرداند.(۱۲)خداست آن که هفت آسمان و همانند آنها زمین بیافرید. فرمان او میان آسمانها و زمین جاری است تا بدانید که خدا بر هرچیز قادر است و به علم بر همه چیز احاطه دارد.(۱۳)

التحریم

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)ای پیـامبر، چرا چیزی را که خـدا بر تو حلال کرده است، به خـاطر خشـنود ساختن زنانت بر خود حرام می کنی ؟ و خـدا آمرزنده و مهربان است.(۲)خدا برای شـما گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است. خداست یاور شما، و اوست دانا و حکیم.(۳)آنگاه که پیامبر با یکی از زنان خود رازی در میان نهاد، چون آن زن آن راز با دیگری باز گفت، خدا پیامبر را از آن آگاه ساخت و او پاره ای از آن راز را بر آن زن آشکار کرد و از افشای پاره ای دیگر سر باززد. چون او را از آن خبر داد، گفت: چه کسـی تو را از این مـاجرا آگـاه کرده است؟ گفت: آن خـدای دانـای آگاه به من خبر داده است.(۴)اگر شما دو زن توبه کنیـد بهتر است، زیرا دلهایتـان از حق بازگشـته است. و اگر برای آزارش همـدست شویـد، خـدا یـاور اوست و نیز جبرئیل و مومنان شایسـته و فرشتگان از آن پس یاور او خواهند بود.(۵)شاید اگر شـما را طلاق گوید پروردگارش به جای شما زنانی بهتر از شمایش بدهـد. زنانی مسـلمان، مومن، فرمانبردار، توبه کننـده ، اهل عبادت و روزه گرفتن، خواه شوهر کرده ، خواه باکره .(۶)ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتشـی که هیزم آن مردم و سـنگها هستند نگه دارید. فرشتگانی درشت گفتار و سختگیر بر آن آتش موکلنـد. هر چه خـدا بگویـد نافرمانی نمی کننـد و همان می کننـد که به آن مامور شده اند.(۷)ای کـافران، در آن روز پوزش مخواهیـد. جز این نیست که برابر کاری که کرده اید کیفر داده شوید.(۸)ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبه کنیـد، توبه ای از روی اخلاـص. باشـد که پروردگارتـان گناهانتان را محو کنـد و شـما را به بهشـتهایی داخل کنـد که در آن نهرها جـاری است. در آن روز، خـدا پیـامبر و کسانی را که با او ایمان آورده انـد فرو نگـذارد، و نورشان پیشاپیش و سـمت راسـتشان در حرکت باشـد. می گوینـد: ای پروردگـار مـا، نور مـا را برای مـا به کمال رسان و ما را بیامرز، که تو بر هر کاری توانا هستی .(۹)ای پیامبر، با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنها سـخت بگیر. جایگاهشان جهنم است که بد سـرانجامی است.(۱۰)خدا برای کافران مثل زن نوح و زن لوط را می آورد که هر دو در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند و به آن دو خیانت ورزیدند. و آنها نتوانسـتند از زنان خود دفع عـذاب کننـد و گفته شد: با دیگران به آتش درآیید.(۱۱)و خـدا برای کسانی که ایمان آورده انـد، زن فرعون را مثل می زنـد آنگـاه که گفت: ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکاره برهان.(۱۲)و مریم دختـر عمران را که شـرمگاه خـویش را از زنـا نگه داشت و مـا از روح خـود در آن دمیـدیم. و او کلمات پروردگار خود و کتابهایش را تصدیق کرد و او از فرمانبرداران بود.(۱۳)

الملک

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بزرگوار و متعالی است خداونـدی که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.(۲)آن که مرگ و زنـدگی را بیافریـد، تا بیازمایـدتان که کـدام یک از شـما به عمل نیکوتر است و اوست پیروزمند و آمرزنده .(۳)آن که هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی نظمی نمی بینی . پس بار دیگر نظر کن. آیا در آسمان شکافی می بینی(۴)بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت.(۵)ما آسمان فرودین را به چراغهـایی بیـاراستیم و آن چراغهـا را وسیله رانـدن شیـاطین گردانیـدیم و برایشان شـکنجه آتش سوزان آماده کرده ایم.(۶)و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شـده اند عذاب جهنم باشد و جهنم بد سـرانجامی است.(۷)چون در جهنم افکنده شوند، به جوش آید و بانگ زشتش را بشنوند،(۸)نزدیک است که از خشم پاره پاره شود. و چون فوجی را در آن افکنند، خازنانش گویندشان: آیا شما را بیمدهنـده ای نیامد؟(۹)گوینـد: چرا، بیمدهنـده آمد ولی تکذیبش کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است، شـما در گمراهی بزرگی هستید.(۱۰)و می گوینـد: اگر مـا می شـنیدیم یـا تعقل می کردیم، اهل این آتش سوزنـده نمی بودیم.(۱۱)پس به

گناه خود اعتراف می کننـد. ای لعنت باد بر آنها که اهل آتش سوزنده اند.(۱۲)برای کسانی که نادیده از پروردگارشان می ترسند، آمرزش و مزد فراوان اسـت.(۱۳)چـه به راز سـخن گوییـد و چه آشـکارا، او به هر چه در دلهـا می گـذرد دانـاست.(۱۴)آیا آن که آفریـده نمی دانـد؟ حال آنکه او باریکبین و آگاه است.(۱۵)اوست که زمین را رام شـما گردانیـد. پس بر روی آن سـیر کنیـد، و از رزق خدا بخورید. چون از قبر بیرون آیید به سوی او می روید.(۱۶)آیا از آن که در آسمان است ایمن نشسته اید که ناگاه زمین را بـه لرزش درآورد و زمیـن شـما را در خـود فرو- برد؟(۱۷)یـا از آن که در آسـمان است ایمن نشسـته ایـد که ناگـاه بـادی همراه با سنگریزه بر سر شـما فرسـتد؟ به زودی خواهیـد دانست که بیم- دادن من چگونه است.(۱۸)هر آینه کسانی که پیش از آنها بودنـد. پیامبران را تکـذیب کردند. پس عذاب من چگونه بود.(۱۹)آیا پرندگانی را که بال گشوده یا بال فراهم کشـیده بر فراز سرشان در- پروازند، ندیده اند؟ آنها را جز خدای رحمان کسـی در هوا نگاه نتواند داشت. اوست که به همه چیز بیناست.(۲۰)آیا آنان که یاران شمایند تواننـد در برابر خـدا یاریتان کنند؟ کافران در فریبی بیش نیسـتند.(۲۱)آیـا کیست آن که به شـما روزی دهـد اگر او روزی خویش باز دارد. نه ، در سرکشـی و دوری از حق لجاج می ورزند.(۲۲)آیا آن کس که نگونسار بر روی افتاده راه می رود، هدایت یـافته تر است یا آن که بر پای ایسـتاده و بر راه راست می رود؟(۲۳)بگو: اوست که شـما را آفریده است و گوش و چشم و دل داده است. چه اندک سپاس می گزارید.(۲۴)بگو: اوست که شـما را در زمین آفریـد و در قیـامت نزد او گرد آورده می شویـد.(۲۵)می گوینـد: اگر راسـت می گوییـد، ایـن وعـده چـه وقت فرا می رسـد؟(۲۶)بگـو: علـم آن نزد خـداست و مـن بیمدهنـده ای آشکارم.(۲۷)کـافران چـون نزدیکش بنگرنـد، چهره شـان گرفتـه شـود. و بـه آنهـا گفتـه می شـود: ایـن است آنچـه بـاطلش می خواندید.(۲۸)بگو: گیرم که خـدا مرا و همراهـانم را هلاـک کنـد یـا بر ما رحمت آورد، چه کسـی کافران را از عـذاب دردآور می رهاند؟(۲۹)بگو: او خـدای رحمان است. به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. و زودا که خواهید دانست چه کسـی در گمراهی آشکار است.(۳۰)بگو: اگر آبتان در زمین فرو رود، چه کسی شما را آب روان خواهد داد.(۳۱)

القلم

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)نون، سوگنـد به قلم و آنچه می نویسـند.(۲)که تو، به فضـل پروردگـارت، دیوانه نیستی .(۳)و تو راست پاداشـی پایانناپذیر.(۴)و تـو راسـت خلقی عظیـم.(۵)زودا کـه تـو ببینی و آنهـا نیز ببیننـد.(۶)که دیـوانگی در کـدام یـک از شماست.(۷)هر آینه پروردگـار تـو بهتر می دانـد چه کسـی از طریق او گمراه گشـته ، که او به ره یافتگـان دانـاتر است.(۸)پس، از تکذیبکننـدگان، اطاعت مکن.(۹)دوست دارنـد که نرمی کنی تـا نرمی کننـد.(۱۰)از هر فرومـایه ای که بسیار سوگنـد می خـورد، پیروی مکن:(۱۱)عیبجویی که برای سخن چینی اینجا و آنجا می رود،(۱۲)بازدارنده از خیر، متجاوز گناهکار،(۱۳)خشن- مردی ، ناشـناخته نسب،(۱۴)بـدان جهت که صاحب مـال و فرزنـد است،(۱۵)چـون آیـات مـا بر او خوانـده شود، گویـد: اسـاطیر پیشـینیان است.(۱۶)زودا کـه بر بینی اش داغ گـذاریم.(۱۷)مـا آنهـا را آزمودیم، چنـان که صاحبـان آن بسـتانها را آزمودیم. آنگاه که قسم خوردنـد که فردا بامداد میوه ها را خواهند چید.(۱۸)و ان شا، الله نگفتند.(۱۹)پس شب- هنگام که به خواب بودند آفتی از آسـمان آمد،(۲۰)و بستانها سیاه شد.(۲۱)و سـحرگاهان یکـدیگر را ندا دادند:(۲۲)اگر می خواهیـد میوه بچینیـد، بامـدادان به کشـتزار خود بروید.(۲۳)به راه افتادند و آهسته می گفتند:(۲۴)که امروز نباید بینوایی به بستان شما درآید.(۲۵)صبحگاهان بدین آهنگ که می توانند بینوا را منع کنند بیرون شدند.(۲۶)چون بستانهای خود را دیدند گفتند: راه را گم کرده ایم.(۲۷)نه ، ما از حاصل محروم شده ایم.(۲۸)نیکمردشـان گفت: شـما را نگفتـم، چرا خـدا را تسبیـح نمی گوییـد؟(۲۹)گفتنـد: منزه اسـت پروردگـار مـا، مـا سـتمکار بودیم.(۳۰)پس زبان به ملامت یکـدیگر گشودند.(۳۱)گفتند: وای بر ما، ما مردمی سرکش بوده ایم.(۳۲)باشد که پروردگار ما در عـوض، چیزی بهتر از آن مـا را ارزانی دارد. مـا به پروردگـار خود روی آورده ایم.(۳۳)اینچنین است عـذاب. و اگر بداننـد، عذاب

آخرت بزرگتر است.(۳۴)برای پرهیزگاران در نزد پروردگارشان بستانهایی است پر نعمت.(۳۵)آیا با تسلیمشدگان چون مجرمان رفتار می کنیم؟(۳۶)شما را چه می شود؟ چسان داوری می کنید؟(۳۷)آیا شما را کتابی است که از آن می خوانید؟(۳۸)و هر چه اختیار کنید در آن هست؟(۳۹)یا با ما پیمانی که به روز قیامت کشد بسته اید، که به هر چه حکم کنید حق شما باشد؟(۴۰)از ایشان بپرس کدام یکشان ضامن چنین پیمانی است؟(۴۱)یا آنها را بتانی است. اگر راست می گویند بتان خود را بیاورند.(۴۲)روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و آنها را به سجود فرا خوانند، ولی نتوانند.(۴۳)وحشت در چشمانشان پیداست، ذلت بر آنها چیره شده است. پیش از این نیز آنها را در عین تندرستی به سجده فرا خوانده بودند.(۴۴)پس مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار تا اندک اندک، چنان که درنیابند، فرو گیریمشان.(۴۵)و به آنها مهلت دهم. هر آینه مکر من مکری استوار است.(۴۶)یا از آنان مزدی طلبیده ای و اکنون از ادای آن در رنجند؟(۴۷)یا علم غیب می دانند و آنهایند که می نویسند؟(۴۸)در برابر فرمان پروردگارت صابر باش و چون صاحب ماهی مباش که با دلی پر اندوه ندا در داد.(۴۹)اگر نعمت پروردگارش نبود، در عین بد حالی به صحرایی بی آب و گیاه می افتاد.(۵۰)پس پروردگارش او را برگزید و در زمره صالحانش آورد.(۵۱)و کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود که تو را با چشمان خود به سر- درآورند و می گویند که او دیوانه است،(۵۲)و حال آنکه قرآن برای جهانیان جز اندرزی نیست.(۵۳)

الحاقة

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آن روز بر حق.(۲)چیست آن روز بر حق؟(۳)و چه دانی که آن روز بر حق چیست؟(۴)قوم ثمود و عاد روز رستاخیز را دروغ انگاشتند.(۵)اما قوم ثمود به آن بانگ سهمگین هلاک شدند.(۶)و اما قوم عاد با وزش باد صرصر به هلاکت رسیدند.(۷)آن عذاب را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان بگماشت. آن قوم را چون تنه های پوسیده خرما می دیدی که افتاده اند و مرده اند.(۸)آیا کسی را می بینی که از آنها بر جای مانده باشد.(۹)و فرعون و مردمی که پیش از او بودند و نیز مردم موتفکه گناهکار آمدند.(۱۰)فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند و خدا نیز آنان را به سختی فرو گرفت.(۱۱)چون آب طغیان کرد، شما را به کشتی سوار کردیم.(۱۲)تا آن را مایه اندرزتان گردانیم و گوش نگه دارنده اندرز آن را فرا گیرد.(۱۳)چون یک بار در صور دمیده شود،(۱۴)و زمین و کوهها را برگیرند و یکباره درهم کوبند،(۱۵)آن روز آن حادثه به وقوع پیوسته باشد.(۱۶)و آسمان که در آن روز سست شده است. بشکافد.(۱۷)و فرشتگان در اطراف آسمان باشند. و در آن روز هشت تن از آنها عرش پروردگارت را برفراز سرشان حمل می کنند.(۱۸)آن روز شما را پیش آورند و هیچ چیز شما نهان نماند.(۱۹)اما هر کس که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، می گوید: نامه مرا بگیرید و بخوانید.(۲۰)من یقین داشتم که حساب خود را خواهم دید.(۲۱)پس او در یک زندگی پسندیده و خوش خواهد بود،(۲۲)در بهشتی برین،(۲۳)که میوه هایش در دسترس باشد.(۲۴)بخورید و بیاشامید، گوارا باد شما را. اینها پاداش اعمالی است که در ایام گذشته به جای می آورده اید.(۲۵)اما آن کس که نامه اعمالش را به دست چپش دهند می گوید: ای کاش نامه مرا به دست من نداده بودند.(۲۶)و ندانسته بودم که حساب من چیست،(۲۷)ای کاش همان مرگ می بود و بس،(۲۸)دارایی من مرا سود نبخشید،(۲۹)قدرت من از دست من برفت.(۳۰)بگیریدش، زنجیرش کنید.(۳۱)و به جهنمش بکشید.(۳۲)و او را با زنجیری به درازای هفتاد ذراع بکشید.(۳۳)زیرا به خدای بزرگ ایمان نداشت.(۳۴)و به طعام دادن به مسکینان کسی را ترغیب نمی کرد.(۳۵)در آن روز، در آنجا هیچ دوستی نخواهد داشت.(۳۶)طعامش چیزی جز چرک و خون اهل دوزخ نیست.(۳۷)تنها خطاکاران از آن طعام می خورند.(۳۸)پس سوگند به آنچه می بینید،(۳۹)و آنچه نمی بینید،(۴۰)که این سخن فرستاده ای بزرگوار است،(۴۱)نه سخن شاعری . چه اندک ایمان می آورید.(۴۲)و نیز سخن کاهنی نیست. چه اندک پند می گیرید.(۴۳)از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است.(۴۴)اگر پیامبر پاره

ای سخنان را به افترا، بر ما می بست.(۴۵)با قدرت او را فرو می گرفتیم،(۴۶)سپس رگ دلش را پاره می کردیم،(۴۷)و هیچ یک از شما را توان آن نبود که مانع شود.(۴۸)و قرآن برای پرهیزگاران پندی است.(۴۹)ما می دانیم که از میان شما کسانی هستند که تکذیب می کنند.(۵۰)و قرآن کافران را مایه حسرت است.(۵۱)و آن سخن حق و یقین است.(۵۲)پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح بگوی .(۵۳)

المعارج

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)پرسنده ای از عذابی پرسید که(۲)بر کافران فرود خواهد آمد و کس آن را دفع نتواند کرد،(۳)از جانب خدا که صاحب آسمانهاست.(۴)در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، فرشتگان و روح بدان جا فرا روند.(۵)پس صبر کن صبری نیکو.(۶)ایشان آن روز را دور می بینند.(۷)و ما نزدیکش می بینیم.(۸)روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد،(۹)و کوهها چون پشم.(۱۰)و هیچ خویشاوندی از حال خویشاوند خود نپرسد.(۱۱)یکدیگر را برابر چشمشان آرند. گناهکار دوست دارد که خویشتن را بازخرد به فرزندانش،(۱۲)و زنش و برادرش،(۱۳)و عشیره اش که او را مکان داده است،(۱۴)و همه آنها که در روی زمینند، و نجات یابد.(۱۵)هرگز نه ، که آن شعله آتش است،(۱۶)پوست سر را می کند،(۱۷)هر که را که به حق پشت کرد و از فرمان سرپیچید به خود می خواند،(۱۸)و آن را که گرد می آورد و می اندوخت.(۱۹)هر آینه آدمی را حریص و ناشکیبا آفریده اند.(۲۰)چون شری بدو رسد بیقراری کند.(۲۱)و چون مالی به دستش افتد بخل می ورزد.(۲۲)مگر نماز گزارندگان:(۲۳)آنان که به نماز مداومت می ورزند.(۲۴)و آنان که در اموالشان حقی است معین،(۲۵)برای گدا و محروم.(۲۶)و کسانی که روز قیامت را تصدیق می کنند،(۲۷)و کسانی که از عذاب پروردگارشان ترسانند،(۲۸)که از عذاب پروردگارشان در امان نتوانند بود،(۲۹)و کسانی که شرمگاه خویش نگه می دارند،(۳۰)مگر برای همسرانشان یا کنیزانشان، که در این حال ملامتی بر آنها نیست.(۳۱)و آنان که جز این را بطلبند، متجاوزان هستند.(۳۲)و کسانی که امانتها و عهدهای خود را رعایت می کنند.(۳۳)و کسانی که شهادت خویش به حق ادا می کنند،(۳۴)و کسانی که بر نمازهاشان مواظبت دارند،(۳۵)اینان در بهشت، گرامی هستند.(۳۶)پس چیست که کافران به سوی تو می شتابند؟(۳۷)دسته دسته از جانب چپ و از جانب راست.(۳۸)آیا هر یک از ایشان طمع می ورزد که به بهشت پرنعمت داخل شود؟(۳۹)هرگز نه ، آنها خود می دانند که از چه چیز آنها را آفریده ایم.(۴۰)پس سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما تواناییم(۴۱)که به جای آنها مردمی بهتر بیاوریم و در این کار ناتوان نیستیم.(۴۲)پس بگذارشان تا به بیهودگی درآیند و به بازیچه ، تا به آن روزی که وعده شان داده ایم برسند.(۴۳)روزی که شتابان از قبرها به درآیند، چنان که گویی نزد بتان می شتابند.(۴۴)وحشت بر چشمانشان مستولی شده و به خواری افتاده اند: این است همان روزی که آنها را وعده داده بودند.(۴۵)

نوح

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که : قوم خود را پیش از آنکه عذابی دردآور بر سرشان فرود آید، بیم ده .(۲)گفت: ای قوم من، من بیمدهنده ای روشنگرم.(۳)خدا را بپرستید، و از او بترسید و از من اطاعت کنید.(۴)تا گناهانتان را بیامرزد، و شما را تا مدتی معین مهلت دهد، زیرا آن مدت خدایی چون به سر آید -اگر بدانید- دیگر به تاخیر نیفتد.(۵)گفت: ای پروردگار من، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.(۶)و دعوت من جز به فرارشان نیفزود.(۷)و من هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را بیامرزی ، انگشتها در گوشهای خود کردند و جامه در سر کشیدند و پای فشردند و هر چه بیشتر سرکشی کردند.(۸)پس به آواز بلند دعوتشان کردم.(۹)باز به آشکار گفتم و در نهان گفتم.(۱۰)سپس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است.(۱۱)تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد.(۱۲)و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و

برایتان بستانها و نهرها بیافریند.(۱۳)شما را چه می شود که از شکوه خداوند نمی ترسید.(۱۴)حال آنکه شما را به گونه های مختلف بیافرید.(۱۵)آیا نمی بینید چگونه خدا هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید.(۱۶)و ماه را روشنی آنها، و خورشید را چراغشان گردانید.(۱۷)و خدا شما را چون نباتی از زمین برویانید.(۱۸)باز شما را بدان باز می گرداند و باز از آن بیرون می آورد.(۱۹)و خدا زمین را چون فرشی برایتان بگسترد.(۲۰)تا بر راههای پهناور آن بروید.(۲۱)نوح گفت: ای پروردگار من، آنها فرمان من نبردند، و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش جز به زیانش نیفزود.(۲۲)مکر کردند-مکری بزرگ.(۲۳)و گفتند: خدایانتان را وامگذارید. ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر را ترک مکنید.(۲۴)بسیاری را گمراه کردند و تو جز بر گمراهی ستمکاران میفزای .(۲۵)به کیفر گناهانشان غرقه شدند و به آتش رفتند و جز خدا برای خود یاری نیافتند.(۲۶)و نوح گفت: ای پروردگار من، بر روی زمین هیچ یک از کافران را مگذار.(۲۷)که اگر بگذاریشان، بندگانت را گمراه می کنند و جز فرزندانی فاجر و کافر نیاورند.(۲۸)ای پروردگار من، مرا و پدر و مادرم را و هر که را با ایمان به خانه من وارد شود و نیز مردان مومن و زنان مومن را بیامرز و ستمکاران را جز به هلاکتشان میفزای .(۲۹)

الجن

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بگو: به من وحی شده است که گروهی از جن گوش فرا دادند، و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم.(۲)به راه راست هدایت می کند. پس ما بدان ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان نمی سازیم.(۳)عظمت پروردگار ما متعالی است. نه همسری گیرد و نه فرزندی دارد.(۴)و سفیه ما درباره خدا سخنانی به ناحق می گفت.(۵)و ما می پنداشتیم که آدمی و جن درباره خدا دروغ نمی گویند.(۶)و نیز مردانی بودند از آدمیان که به مردانی از جن پناه می بردند و بر طغیانشان می افزودند.(۷)همچنان که شما می پنداشتید آنها هم می پنداشتند که خدا هیچ کس را دوباره زنده نمی سازد.(۸)ما به آسمان رسیدیم و آن را پر از نگهبانان قدرتمند و شهابها یافتیم.(۹)ما در آنجاها که می توان گوش فرا داد می نشستیم. اما هر که اکنون گوش نشیند، شهابی را در کمین خود یابد.(۱۰)از این روی نمی دانیم که آیا برای کسانی که در روی زمین هستند بدی مقدر می شود، یا پروردگارشان می خواهد به راه راستشان ببرد.(۱۱)برخی از ما صالحند و برخی جز آن، و ما فرقه هایی گوناگونیم.(۱۲)ما می دانیم که خدا را در زمین ناتوان نمی کنیم و با گریختن نیز ناتوانش نسازیم.(۱۳)و چون سخن هدایت شنیدیم، بدان ایمان آوردیم. و هر که به پروردگارش ایمان آورد نه از نقصان می ترسد و نه از ستم.(۱۴)و بعضی از ما مسلمانند و بعضی از حق دور. و آنان که اسلام آورده اند در جستجوی راه راست بوده اند.(۱۵)اما آنان که از حق دورند هیزم جهنم خواهند بود.(۱۶)و اگر بر طریقه راست پایداری کنند، از آبی فراوان سیرابشان کنیم.(۱۷)تا آنها را بیازماییم. و هر که از ذکر پروردگارش اعراض کند او را به عذابی دشوار دراندازد.(۱۸)و مسجدها از آن خداست. و با وجود خدای یکتا کسی را به خدایی مخوانید.(۱۹)چون بنده خدا برای پرستش او بر پای ایستاد، گرد او را گرفتند.(۲۰)بگو: تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را شریک او نمی سازم.(۲۱)بگو: من نمی توانم به شما زیانی برسانم یا شما را به صلاح آورم.(۲۲)بگو: هیچ کس مرا از عقوبت خدا پناه ندهد و من جز او پناهگاهی نمی یابم.(۲۳)آنچه می توانم جز رساندن پیام او و انجام دادن رسالتهای او نیست. و هر که خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، نصیب او آتش جهنم است که همواره در آن خواهند بود(۲۴)تا آنگاه که آنچه را به آنها وعده داده بودند بنگرند. پس خواهند دانست چه کسی را یاران ناتوانتر و شمار کمتر بوده است.(۲۵)بگو: من نمی دانم که آیا آن وعده ای که به شما داده اند نزدیک است، یا پروردگار من برای آن زمانی نهاده است؟(۲۶)او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد،(۲۷)مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد که برای نگهبانی از او پیش روی و پشت سرش نگهبانی می گمارد،(۲۸)تا بداند که آنها پیامهای پروردگارشان را رسانیده اند و خدا به آنچه در نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را به عدد

شمار کرده است.(۲۹)

المزمل

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای جامه بر خود پیچیده ،(۲)شب را زنده بدار، مگر اندکی را.(۳)نیمه ای از آن را، یا اندکی از نیمه کم کن.(۴)یا اندکی بر نیمه بیفزای و قرآن را شمرده و روشن بخوان.(۵)ما به تو سخنی دشوار را القا خواهیم کرد.(۶)هر آینه شب هنگام از بستر برخاستن، موافقت زبان و دل را افزاینده تر است و بیان سخن را استوار دارنده تر.(۷)که کارهای تو در روز بسیار است.(۸)و نام پروردگارت را یاد کن و از همه ببر و به او بپیوند:(۹)پروردگار مشرق و مغرب. هیچ خدایی جز او نیست. او را کارساز خویش برگزین.(۱۰)و بر آنچه می گویند صبر کن و به وجهی پسندیده از ایشان دوری جوی .(۱۱)تکذیب- کنندگان صاحب نعمت را به من واگذار. و اندکی مهلتشان ده .(۱۲)نزد ماست بندهای گران و دوزخ،(۱۳)و طعامی گلوگیر و عذابی دردآور.(۱۴)روزی که زمین و کوهها به لرزه آیند و کوهها تپه ای از ریگ روان گردند.(۱۵)ما بر شما پیامبری فرستادیم که بر اعمالتان گواه است. بدانسان که بر فرعون هم پیامبری فرستادیم.(۱۶)و فرعون از پیامبر فرمان نبرد. ما نیز او را به سختی فرو گرفتیم.(۱۷)اگر کافر باشید، در روزی که کودکان را پیر می گرداند چگونه در امان مانید.(۱۸)در آن روز آسمان بشکافد و وعده خدا به وقوع پیوندد.(۱۹)این تذکاری است. پس هر که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش آغاز کند.(۲۰)پروردگار تو می داند که تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب را به نماز می ایستید. و خداست که اندازه شب و روز را معین می کند. و می داند که شما هرگز حساب آن را نتوانید داشت. پس توبه شما را بپذیرفت. و هر چه میسر شود از قرآن بخوانید. می داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی دیگر به طلب روزی خدا به سفر می روند و گروه دیگر در راه خدا به جنگ می روند. پس هر چه میسر شود از آن بخوانید. نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرضالحسنه دهید. و هر خیری را که برای خود پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. و آن پاداش بهتر است و پاداشی بزرگتر است. و از خدا آمرزش بخواهید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.(۲۱)

المدثر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ای جامه در سر کشیده ،(۲)برخیز و بیم ده .(۳)و پروردگارت را تکبیر گوی .(۴)و جامه ات را پاکیزه دار.(۵)و از پلیدی دوری گزین.(۶)و چیزی مده که بیش از آن چشم داشته باشی .(۷)برای پروردگارت صابر باش.(۸)و آنگاه که در صور دمیده شود،(۹)آن روز روزی سخت خواهد بود.(۱۰)و برای کافران ناآسان.(۱۱)مرا با آن که تنهایش آفریده ام واگذار.(۱۲)او را مالی بسیار دادم.(۱۳)و پسرانی همه در نزد او حاضر.(۱۴)و کارهای او را به نیکوتر وجهی برساختم.(۱۵)آنگاه طمع می بندد که زیادت کنم.(۱۶)آری ، که او در برابر آیات ما ستیزه جوست.(۱۷)او را به مشقتی می اندازم.(۱۸)او اندیشید و طرحی افکند.(۱۹)مرگ بر او باد، چگونه طرحی افکند؟(۲۰)باز هم مرگ بر او باد، چگونه طرحی افکند؟(۲۱)آنگاه نگریست.(۲۲)سپس روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید.(۲۳)سپس روی گردانید و گردنکشی کرد.(۲۴)گفت: این، جز جادویی که دیگرانش آموخته اند، هیچ نیست.(۲۵)این، جز سخن آدمی هیچ نیست.(۲۶)زودا که او را به سقر بیفکنیم.(۲۷)چه چیز آگاهت ساخت که سقر چیست؟(۲۸)نه هیچ باقی می گذارد و نه چیزی را وا می گذارد.(۲۹)سوزاننده پوست است.(۳۰)نوزده فرشته بر آن گماشته اند.(۳۱)موکلان دوزخ را جز از فرشتگان قرار ندادیم. و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست. تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مومنان بیفزاید و اهل کتاب و مومنان شک نکنند. و تا آنان که در دلهاشان مرضی است نگویند: خدا از این مثل چه می خواسته است؟ خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه می کند و هر کس را که بخواهد راه می نماید. و شمار سپاهیان

پروردگارت را جز او نداند. و این سخن جز اندرزی از برای مردم نیست.(۳۲)آری ، سوگند به ماه .(۳۳)و سوگند به شب. چون روی در رفتن آرد،(۳۴)و سوگند به صبح، چون پرده برافکند.(۳۵)که این یکی از حادثه های بزرگ است.(۳۶)ترساننده آدمیان است.(۳۷)برای هر کس از شما که خواهد پیش افتد یا از پی رود.(۳۸)هر کس در گرو کاری است که کرده است.(۳۹)مگر اهل سعادت،(۴۰)که در بهشتها نشسته اند و می پرسند(۴۱)از گناهکاران:(۴۲)که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟(۴۳)می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم،(۴۴)و به درویشان طعام نمی دادیم،(۴۵)و با آنان که سخن باطل می گفتند همآواز می شدیم،(۴۶)و روز قیامت را دروغ می انگاشتیم،(۴۷)تا مرگ ما فرا رسید.(۴۸)پس شفاعت شفاعتکنندگان سودشان نبخشید.(۴۹)چه شده است که از این پند اعراض می کنند؟(۵۰)مانند گورخران رمیده(۵۱)که از شیر می گریزند.(۵۲)بلکه هر یک از ایشان می خواهد که نامه هایی گشاده به او داده شود.(۵۳)آری ، که از آخرت نمی ترسند.(۵۴)آری ، که این قرآن اندرزی است.(۵۵)هر که خواهد، آن را بخواند.(۵۶)و پند نمی گیرند، مگر اینکه خدا خواهد. او شایان آن است که از او بترسند. و او شایان آمرزیدن است.(۵۷)

القیامهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قسم می خورم به روز قیامت.(۲)و قسم می خورم به نفس ملامتگر.(۳)آیا آدمی می پندارد که ما استخوانهایش را گرد نخواهیم آورد؟(۴)آری ، ما قادر هستیم که سر انگشتهایش را برابر کنیم.(۵)بلکه آدمی می خواهد که در آینده نیز به کارهای ناشایست پردازد.(۶)می پرسد: روز قیامت چه وقت خواهد بود؟(۷)روزی که چشمها خیره شود،(۸)و ماه تیره شود،(۹)و آفتاب و ماه در یک جای گرد- آیند.(۱۰)انسان در آن روز می گوید: راه گریز کجاست؟(۱۱)هرگز. پناهگاهی نیست.(۱۲)قرارگاه همه در این روز نزد پروردگار توست.(۱۳)در این روز آدمی را از هر چه پیشاپیش فرستاده و بعد از خویش گذاشته است خبر می دهند.(۱۴)بلکه آدمی خویشتن خویش را نیک می شناسد،(۱۵)هرچند به زبان عذرها آورد.(۱۶)به تعجیل زبان به خواندن قرآن مجنبان،(۱۷)که گرد آوردن و خواندنش بر عهده ماست.(۱۸)چون خواندیمش، تو آن خواندن را پیروی کن.(۱۹)سپس بیان آن بر عهده ماست.(۲۰)آری ، شما این جهان زودگذر را دوست می دارید،(۲۱)و آخرت را فرو می گذارید.(۲۲)در آن روز چهره هایی هست زیبا و درخشان.(۲۳)که سوی پروردگارشان نظر می کنند،(۲۴)و چهره هایی هست عبوس و ترش،(۲۵)که می داند آن عذاب کمرشکن بر او فرود آید.(۲۶)آری ، چون جان به گلوگاه رسد،(۲۷)و گفته شود که چه کسی است که افسون بخواند؟(۲۸)و یقین کند که زمان جدایی فرا رسیده .(۲۹)و ساقهای پا درهم پیچیده شوند،(۳۰)آن روز روز راندنش به سوی پروردگار توست.(۳۱)نه تصدیق کرده است و نه نماز گزارده است.(۳۲)اما تکذیب کرده و اعراض کرده است.(۳۳)آنگاه خرامان نزد کسانش رفته است.(۳۴)وای بر تو، پس وای بر تو.(۳۵)باز هم وای بر تو، پس وای بر تو.(۳۶)آیا انسان می پندارد که او را به حال خود واگذاشته اند؟(۳۷)آیا او نطفه ای از منی که در رحمی ریخته شده ، نبوده است؟(۳۸)سپس لخته ای خون؟ آنگاه به اندام درستش بیافرید.(۳۹)و آنها را دو صنف کرد: نر و ماده .(۴۰)آیا خداوند قادر نیست که مردگان را زنده سازد.(۴۱)

الإنسان

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)هر آینه بر انسان مدتی از زمان گذشت و او چیزی در خور ذکر نبود.(۲)ما آدمی را از نطفه ای آمیخته بیافریده ایم، تا او را امتحان کنیم. و شنوا و بینایش ساخته ایم.(۳)راه را به او نشان داده ایم. یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس.(۴)ما برای کافران زنجیرها و غلها و آتش افروخته آماده کرده ایم.(۵)نیکان از جامهایی می نوشند که آمیخته به کافور است:(۶)چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به هر جای که خواهند روان می سازند.(۷)به نذر وفا می کنند و از

روزی که شر آن همه جا را گرفته است می ترسند.(۸)و طعام را در حالی که خود دوستش دارند به مسکین و یتیم و اسیر می خورانند:(۹)جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می کنیم و از شما نه پاداشی می خواهیم نه سپاسی .(۱۰)ما از پروردگار خود می ترسیم، در روزی که آن روز عبوس و سخت و هولناک است.(۱۱)خدا ایشان را از شر آن روز نگه - داشت و آنان را طراوت و شادمانی بخشید.(۱۲)به پاداش صبری که کرده اند پاداششان را بهشت و حریر داد.(۱۳)در آنجا بر تختها تکیه زده اند نه هیچ آفتابی می بینند و نه سرمایی .(۱۴)سایه های درختانش بر سرشان افتاده و میوه هایش به فرمانشان باشد.(۱۵)کاسه های سیمین و کوزه های شراب میانشان به گردش در می آید.(۱۶)کوزه هایی از سیم که آنها را به اندازه پر کرده اند.(۱۷)در آنجا جامی بنوشانندشان که آمیخته با زنجبیل باشد،(۱۸)از چشمه ای که آن را سلسبیل می گویند.(۱۹)همواره پسرانی به گردشان می چرخند که چون آنها را ببینی ، پنداری مروارید پراکنده اند.(۲۰)چون بنگری ، هر چه بنگری نعمت فراوان است و فرمانروایی بزرگ.(۲۱)بر تنشان جامه هایی است از سندس سبز و استبرق. و به دستبندهایی از سیم زینت شده اند. و پروردگارشان از شرابی پاکیزه سیرابشان سازد.(۲۲)این پاداش شماست و از کوششتان سپاسگزاری شده است.(۲۳)ما قرآن را بر تو نازل کردیم، نازل- کردنی نیکو.(۲۴)در برابر فرمان پروردگارت صابر باش و از هیچ گناهکار یا ناسپاسی اطاعت مکن.(۲۵)و بامدادان و شامگاهان نام پروردگارت را بر زبان بیاور.(۲۶)در پاره ای از شب سجده اش کن و در همه درازنای شب تسبیحش گوی .(۲۷)اینان این دنیای زود گذر را دوست دارند و آن روز دشوار را پس پشت می افکنند.(۲۸)ما آدمیان را آفریدیم و اعضا، و مفاصلشان را نیرومند گردانیدیم و اگر خواهیم، به جای آنها قومی همانندشان بیاوریم.(۲۹)این اندرزی است. پس هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خویش برگزیند.(۳۰)و شما جز آن نمی خواهید که خدا خواسته باشد، زیرا خدا دانا و حکیم است.(۳۱)هر کس را که بخواهد مشمول رحمت خود سازد، و برای ستمکاران عذابی دردآور آماده کرده است.(۳۲)

المرسلات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به بادهایی که از پی هم می آیند،(۲)و سوگند به بادهای سخت وزنده ،(۳)و سوگند به بادهای باران آور،(۴)و سوگند به آنها که حق را از باطل جدا می کنند،(۵)و سوگند به آنها که یاد خدا را می آموزند:(۶)تمام کردن حجت را، یا بیم کردن را،(۷)که آنچه به شما وعده داده شود واقع خواهد شد.(۸)پس آنگاه که ستارگان خاموش شوند،(۹)و آنگاه که آسمان بشکافد،(۱۰)و آنگاه که کوهها پراکنده گردند،(۱۱)و آنگاه که پیامبران را وقتی معین شود.(۱۲)برای چه روزی معین شود؟(۱۳)برای روز فصل.(۱۴)و چه دانی که روز فصل چیست؟(۱۵)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۱۶)آیا اولیان را هلاک نکرده ایم،(۱۷)و آخریان را نیز از پی آنها نمی بریم؟(۱۸)با مجرمان چنین رفتار می کنیم.(۱۹)در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.(۲۰)آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریده ایم؟(۲۱)و آن را در جایگاهی استوار قرار ندادیم،(۲۲)تا زمانی معین؟(۲۳)پس ما توانا بودیم و نیک توانا بودیم.(۲۴)در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.(۲۵)آیا زمین را جایگاهی نساختیم،(۲۶)برای زندگان و مردگان؟(۲۷)در آن کوههای بلند پدید آوردیم و از آبی گوارا سیرابتان ساختیم.(۲۸)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۲۹)به سوی آنچه دروغش می شمردید به راه افتید.(۳۰)به سوی آن دود سه شعبه به راه افتید،(۳۱)که نه از آسیبتان نگه دارد و نه دفع آن شعله کند:(۳۲)و جهنم شراره هایی می افکند هر یک به بلندی کاخی عظیم،(۳۳)گویی که اشترانی زردگونند.(۳۴)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۳۵)این روزی است که کس سخن نگوید.(۳۶)آنها را رخصت ندهند تا پوزش خواهند.(۳۷)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۳۸)این روز روز فصل است که شما و پیشینیانتان را گرد می آوریم.(۳۹)پس اگر حیلتی دارید به کار برید.(۴۰)در آن روز وای بر تکذیب- کنندگان.(۴۱)پرهیزگاران در سایه ها و کنار چشمه سارانند،(۴۲)با هر میوه ای که آرزو کنند.(۴۳)به پاداش کارهایی که می کرده اید بخورید و بیاشامید، شما را گوارا باد.(۴۴)ما نیکوکاران را اینچنین

پاداش می دهیم.(۴۵)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۴۶)بخورید و اندك بهره ای برگیرید، که شما مجرمانید.(۴۷)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۴۸)و چون گویندشان که رکوع کنید، رکوع نمی کنند.(۴۹)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان.(۵۰)پس از قرآن به کدام سخن ایمان می آورند؟(۵۱)

النبأ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)از چه چیز می پرسند؟(۲)از آن خبر بزرگ،(۳)که در آن اختلاف می کنند.(۴)آری ، به زودی خواهند دانست.(۵)باز هم آری ، به زودی خواهند دانست.(۶)آیا ما زمین را بستری نساختیم؟(۷)و کوهها را میخهایی ؟(۸)و شما را جفت جفت آفریدیم.(۹)و خوابتان را آسایشتان گردانیدیم.(۱۰)و شب را پوششتان قرار دادیم.(۱۱)و روز را گـاه طلب معیشت.(۱۲)و بر فراز سرتان هفت آسمان استوار بنا کردیم.(۱۳)و چراغی روشن آفریدیم.(۱۴)از ابرهای بارانزای آبی فراوان نازل کردیم،(۱۵)تا بدان دانه و نبات برویانیم،(۱۶)و بستانهای انبوه .(۱۷)هر آینه روز داوری روزی است معین.(۱۸)روزی که در صور دمیده شود و شما فوج فوج بیایید.(۱۹)آسمان شکافته شود و هر شکاف دری باشد.(۲۰)و کوهها روان شوند، و سراب گردند.(۲۱)جهنم در انتظار باشد.(۲۲)طاغیان را بازگشتنگاهی است.(۲۳)زمانی دراز در آنجا درنگ کنند.(۲۴)نه خنکی چشند و نه آب،(۲۵)جز آب جوشان و خون و چرك.(۲۶)این کیفری است برابر کردار.(۲۷)زیرا آنان به روز حساب امید نداشتند.(۲۸)و آیات ما را به سختی تکذیب می کردند.(۲۹)و ما همه چیز را در کتابی شماره کرده ایم.(۳۰)پس بچشید که جز بر شکنجه شما نخواهیم افزود.(۳۱)پرهیزگاران را جایی است در امان از هر آسیب،(۳۲)بستانها و تاکستانها،(۳۳)و دخترانی همسال، با پستانهای برآمده ،(۳۴)و جامهای پر.(۳۵)نه سخن بیهوده شنوند و نه دروغ.(۳۶)و این پاداشی است کافی ، از جانب پروردگارت:(۳۷)پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست. آن خدای رحمان، که کس را به او یارای خطاب نباشد.(۳۸)روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند، و کس سخن نمی گوید مگر آنکه خدای رحمان به او رخصت دهد و او سخن به صواب گوید.(۳۹)آن روز روزی است آمدنی . پس هر که خواهد به سوی پروردگارش بازگردد.(۴۰)ما شما را از عذابی نزدیک می ترسانیم: روزی که آدمی هر چه را پیشاپیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ای کاش من خاك می بودم.(۴۱)

النازعات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به فرشتگانی که جانها را به قوت می گیرند،(۲)و سوگند به فرشتگانی که جانها را به آسانی می گیرند،(۳)و سوگند به فرشتگانی که شناورند،(۴)و سوگند به فرشتگانی که بر دیوان پیشی - می گیرند،(۵)و سوگند به آنها که تدبیر کارها می کنند،(۶)که آن روز که نخستین نفخه قیامت زمین را بلرزاند،(۷)و نفخه دوم از پس آن بیاید،(۸)در آن روز دلهایی در هراس باشند،(۹)و نشان خشوع در دیدگان نمایان.(۱۰)می گویند: آیا ما به حالت نخستین باز می گردیم،(۱۱)آنگاه که استخوانهایی پوسیده بودیم؟(۱۲)گویند: این بازگشت ما بازگشتی است زیانآور.(۱۳)جز این نیست که تنها یک بانگ بر می آید،(۱۴)و آنها خود را در آن صحرا خواهند یافت.(۱۵)آیا داستان موسی به تو رسیده است؟(۱۶)آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد:(۱۷)به - سوی فرعون برو که طغیان کرده است.(۱۸)بگو: آیا تو را رغبتی هست که پاکیزه شوی ،(۱۹)و من تو را به پروردگارت راه بنمایم و تو پروا کنی ؟(۲۰)پس آن آیت بزرگ را به او نشان داد.(۲۱)و او تکذیب کرد و عصیان ورزید.(۲۲)سپس پشت کرد و می شتافت.(۲۳)پس همه را گرد کرد و ندا داد،(۲۴)و گفت: من پروردگار برتر شما هستم.(۲۵)خدایش به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد.(۲۶)در این عبرتی است برای کسی که می ترسد.(۲۷)آیا شما به خلقت

سختترید یا این آسمانی که او بنا نهاده ؟(۲۸)سقفش را برافراشت و بپرداختش،(۲۹)شبش را تاریک کرد و روشنایی اش را آشکار ساخت،(۳۰)و پس از آن زمین را بگسترد،(۳۱)و از آن آب بیرون آورد و چراگاهها پدید کرد،(۳۲)و کوهها را استوار گردانید،(۳۳)برای بهره گیری شما و چارپایانتان.(۳۴)چون آن حادثه بزرگ در رسد،(۳۵)روزی که آدمی همه اعمال خود را به یاد آورد،(۳۶)و جهنم را به هر که می بیند نشان دهند،(۳۷)پس هر که طغیان کرده ،(۳۸)و زندگی این جهانی را برگزیده ،(۳۹)جهنم جایگاه اوست.(۴۰)اما هر کس که از ایستادن در برابر پروردگارش ترسیده و نفس را از هوی بازداشته ،(۴۱)بهشت جایگاه اوست.(۴۲)تو را از قیامت می پرسند که چه وقت واقع شود.(۴۳)از یاد کردن آن تو را چه کار است؟(۴۴)منتهای آن نزد پروردگار توست.(۴۵)جز این نیست که تو کسانی را که از آن روز بترسند بیم می دهی .(۴۶)چون آن را ببینند، پندارند در این جهان جز یک شامگاه یا چاشت درنگ نکرده اند.(۴۷)

عبس

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)روی را ترش کرد و سر برگردانید.(۲)چون آن نابینا به نزدش آمد.(۳)و تو چه دانی ، شاید که او پاکیزه شود،(۴)یا پند گیرد و پند تو سودمندش افتد.(۵)اما آن که او توانگر است،(۶)تو روی خود بدو می کنی .(۷)و اگر هم پاک نگردد چیزی بر عهده تو نیست.(۸)و اما آن که دوان دوان به نزد تو می آید،(۹)و می ترسد،(۱۰)تو از او به دیگری می پردازی .(۱۱)آری ، این قرآن اندرزی است،(۱۲)پس هر که خواهد از آن پند گیرد.(۱۳)در صحیفه هایی گرامی ،(۱۴)بلند- قدر و پاکیزه ،(۱۵)به دست کاتبانی ،(۱۶)بزرگوار و نیکوکار.(۱۷)مرگ بر آدمی باد که چه ناسپاس است.(۱۸)او را از چه آفریده است؟(۱۹)از نطفه ای آفرید و به اندازه پدید آورد.(۲۰)سپس راهش را آسان ساخت.(۲۱)آنگاه بمیراندش و در گور کرد.(۲۲)و آنگاه که خواهد زنده اش سازد.(۲۳)نه ، که هنوز آنچه را به او فرمان داده بود به جای نیاورده است.(۲۴)پس آدمی به طعام خود بنگرد.(۲۵)ما باران را فرو باریدیم، باریدنی .(۲۶)و زمین را شکافتیم، شکافتنی .(۲۷)و در آن دانه ها رویانیدیم،(۲۸)و تاک و سبزیهای خوردنی ،(۲۹)و زیتون و نخل،(۳۰)و باغهای پر درخت،(۳۱)و میوه و علف،(۳۲)تا شما و چارپایانتان بهره برید.(۳۳)چون بانگ قیامت برآید،(۳۴)روزی که آدمی از برادرش می گریزد،(۳۵)و از مادرش و پدرش،(۳۶)و از زنش و فرزندانش.(۳۷)هر کس را در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد.(۳۸)چهره هایی در آن روز درخشانند،(۳۹)خندانند و شادانند.(۴۰)و چهره هایی در آن روز غبارآلودند.(۴۱)در سیاهی فرو رفته اند.(۴۲)اینان کافران و فاجرانند.(۴۳)

التکویر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)چون خورشید بی فروغ شود،(۲)و چون ستارگان فرو ریزند،(۳)و چون کوهها از جای خود بشوند،(۴)و چون شتران آبستن به حال خود رها شوند،(۵)و چون وحوش گرد آورده شوند،(۶)و چون دریاها آتش گیرند،(۷)و چون روحها با تنها قرین گردند،(۸)و چون از دختر زنده به گور شده پرسیده شود که(۹)به چه گناهی کشته شده است،(۱۰)و چون صحیفه ها باز شوند،(۱۱)و چون آسمان از جای خود کنده شود،(۱۲)و چون جهنم افروخته گردد،(۱۳)و چون بهشت را پیش آورند،(۱۴)هر کس بداند که چه حاضر آورده است.(۱۵)سوگند به ستارگان باز گردنده ،(۱۶)سیرکننده غایبشونده ،(۱۷)و سوگند به شب چون تاریک شود،(۱۸)و سوگند به صبح چون بدمد،(۱۹)که این سخن رسولی بزرگوار است.(۲۰)نیرومند، در نزد خداوند عرش، صاحب مکانت،(۲۱)آنجا مطاع امین.(۲۲)و هم صحبت شما دیوانه نیست.(۲۳)هر آینه او را در افق روشن دیده است.(۲۴)و آنچه را از غیب به او گویند دریغ نمی دارد.(۲۵)و آن سخن، سخن شیطان رجیم نیست.(۲۶)پس به کجا می روید؟(۲۷)این کتاب پندی است برای جهانیان.(۲۸)برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد.(۲۹)و شما نمی خواهید مگر آنچه را که

پروردگار جهانیان خواسته باشد.(۳۰)

الانفطار

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آنگاه که آسمان بشکافد،(۲)و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند،(۳)و آنگاه که دریاها به هم بپیوندند،(۴)و آنگاه که قبرها زیر و زبر گردند،(۵)هر کس می داند چه چیز پیشاپیش فرستاده و چه چیز بر جای گذاشته است.(۶)ای آدمی ، چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور کرده است؟(۷)آن که تو را بیافرید و اعضایت تمام کرد و اعتدالت بخشید.(۸)و به هر صورتی که خواست اعضای تو را به هم انداخت.(۹)آگاه باشید که شما روز جزا را دروغ می انگارید.(۱۰)حال آنکه بر شما محافظانی گمارده شده اند:(۱۱)کاتبانی بزرگوار،(۱۲)می دانند که شما چه می کنید.(۱۳)هر آینه نیکوکاران در نعمتند،(۱۴)و گناهکاران در جهنم.(۱۵)در روز شمار به جهنم درآیند،(۱۶)و از آن غایب نشوند.(۱۷)تو چه می دانی که روز شمار چیست؟(۱۸)باز هم تو چه می دانی که روز شمار چیست؟(۱۹)روزی است که کسی برای کس دیگر هیچ کاری نتواند کرد و در آن روز فرمان فرمان خدا باشد.(۲۰)

المطففین

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)وای بر کمفروشان:(۲)آنان که چون از مردم کیل می ستانند آن را پر می کنند،(۳)و چون برای مردم می پیمایند یا می کشند از آن می کاهند.(۴)آیا اینان نمی دانند که زنده می شوند(۵)در آن روز بزرگ؟(۶)روزی که مردم به پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.(۷)آگاه باشید که اعمال بدکاران مکتوب در سجین است.(۸)تو چه می دانی که سجین چیست؟(۹)کتابی است نوشته .(۱۰)در آن روز وای بر تکذیبکنندگان:(۱۱)آنان که روز جزا را دروغ انگاشتند.(۱۲)و آن روز را جز متجاوزی گناهکار دروغ نینگارد.(۱۳)چون آیات ما بر او خوانده شد، گفت: افسانه های پیشینیان است.(۱۴)حقا، که کارهایی که کرده بودند بر دلهاشان مسلط شده است.(۱۵)حقا، که در آن روز از پروردگارشان محجوب باشند.(۱۶)پس ایشان به جهنم درآیند.(۱۷)و آنها را گویند: این است آنچه دروغش می شمردید.(۱۸)حقا، که اعمال نیکان در علیین مکتوب است.(۱۹)و تو چه می دانی که علیین چیست؟(۲۰)کتابی است نوشته ،(۲۱)که مقربان خدا در آن می نگرند.(۲۲)هر آینه نیکان در نعمتند،(۲۳)بر تختها نشسته و نظاره می کنند.(۲۴)بر چهره هاشان طراوت نعمت را بشناسی .(۲۵)از شرابی خالص که بر سر آن مهر نهاده اند سیراب می شوند.(۲۶)مهر آن از مشك است و پیشدستی کنندگان در آن بر یکدیگر پیشدستی می کنند.(۲۷)آمیزه آن تسنیم است:(۲۸)چشمه ای است که مقربان خدا از آن می آشامند.(۲۹)گناهکاران به مومنان می خندیدند.(۳۰)و چون بر آنها می گذشتند، به چشم و ابرو اشاره می کردند.(۳۱)و چون نزد کسانشان باز می گشتند، شادمانه باز می گشتند.(۳۲)و چون آنان را می دیدند، می گفتند که اینان گمراهند.(۳۳)و حال آنکه آنان را به مواظبت اعمال مومنان نفرستاده بودند.(۳۴)و امروز مومنان به کافران می خندند.(۳۵)بر تختها تکیه زده اند و می نگرند.(۳۶)آیا کافران برابر اعمالشان پاداش یافته اند؟(۳۷)

الانشقاق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)چون آسمان شکافته شود،(۲)و به فرمان پروردگارش گوش دهد و حق بود که چنین کند.(۳)و چون زمین منبسط شود،(۴)و هر چه را که در درون دارد بیرون افکند و تهی گردد،(۵)و به فرمان پروردگارش گوش دهد و حق بود که چنین کند.(۶)ای انسان، تو در راه پروردگارت رنج فراوان می کشی ، پس پاداش آن را خواهی دید.(۷)هر کس که نامه اش را به دست راستش دهند،(۸)زودا که آسان از او حساب کشند،(۹)و شادمان نزد کسانش بازگردد.(۱۰)اما هر کس که نامه اش

از پشت سـر داده شود،(۱۱)زودا که بگویـد: وای بر من که هلاک شدم.(۱۲)و به آتش افروخته درآید.(۱۳)او در دنیا نزد کسانش شادمان زیسـته بود.(۱۴)و می پنداشـته است که هرگز بـاز نخواهـد گشت.(۱۵)آری پروردگـارش او را می دیـده است.(۱۶)پس به شفق سوگند می خورم،(۱۷)و سوگند به شب و هر چه را فرو پوشد،(۱۸)و سوگند به ماه چون فروغش کامل شود،(۱۹)که به حالی بعد از حال دیگر تحول خواهید یافت.(۲۰)چه می شودشان که ایمان نمی آورند؟(۲۱)و چون قرآن بر آنها خوانده شود سجده نمی کنند؟(۲۲)بلکه ، کافران تکذیب می کنند.(۲۳)و خـدا به آنچه در دل دارند آگاه است.(۲۴)پس آنان را به عذابی دردآور بشارت ده ،(۲۵)مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداششان را پایانی نیست.(۲۶)

البروج

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)قسم به آسـمان که دارنده برجهاست،(۲)و قسم به روز موعـود،(۳)و قسم به شـهادتدهنده و آنچه بدان شهادت دهند،(۴)که اصحاب اخدود به هلاکت رسیدند.(۵)آتشـی افروخته از هیزمها،(۶)آنگـاه که بر کنار آن آتش نشسته بودند،(۷)و بر آنچه بر سر مومنان می آوردنـد، شاهـد بودند.(۸)و هیـچ عیبی در آنها نیافتنـد جز آنکه به خـدای پیروزمنـد در خور ستایش ایمان آورده بودند.(۹)آن خـدایی که فرمانروایی آسـمانها و زمین از آن اوست، و بر هر چیزی ناظر است.(۱۰)هر آینه آنان که مردان و زنـان مومن را شـکنجه کردنـد و توبه نکردنـد، عـذاب جهنم و عـذاب آتش برای آنهاست.(۱۱)برای کسـانی که ایمان آورده انـد و کارهـای شایسـته کرده انـد بهشـتهایی است که در آن نهرهـا جـاری است و آن کامیابی بزرگی است.(۱۲)فرو گرفتن پروردگار تو سـخت است.(۱۳)اوسـت کـه نخسـت می آفرینـد و پس از مرگ زنـده می سـازد.(۱۴)او آمرزنـده و دوست- دارنـده است.(۱۵)اوست صـاحب عرش ارجمنـد.(۱۶)هر چـه را اراده کنــد بـه انجام می رسانـد.(۱۷)آیـا داسـتان لشـکرها را شـنیده ای ؟ (۱۸)لشکرهای فرعون و قوم ثمود؟(۱۹)آری ، آنان که راه کفر پیش- گرفته اند همچنان در تکذیب هسـتند.(۲۰)و خدا از همه سو بر آنها احاطه دارد.(۲۱)بلی این قرآن مجید است،(۲۲)در لوح محفوظ.(۲۳)

الطارق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به آسمان و به آنچه در شب آید.(۲)و تو چه دانی که آنچه در شب آید چیست؟(۳)ستاره ای است درخشنده .(۴)هیـچ کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است.(۵)پس آدمی بنگرد که از چه چیز آفریـده شده است،(۶)از آبی جهنـده آفریده شده است،(۷)که از میان پشت و سـینه بیرون می آیـد.(۸)خـدا به باز گردانیدن او تواناست،(۹)روزی که رازها آشکار می شود،(۱۰)او را نـه نیرویی است و نه یـاوری .(۱۱)قسم به آسـمان باز بارنده ،(۱۲)قسم به زمین رویـان شـکاف خورده ، (۱۳)که این کتـاب، حق را از باطل جـدا کنـد،(۱۴)و سـخن هزل نیست.(۱۵)آنان حیله ای می اندیشـند،(۱۶)و مـن هم حیله ای می اندیشم.(۱۷)پس کافران را مهلت ده ، اندک مهلتشان ده .(۱۸)

الأعلی

به نام خـدای بخشاینده مهربان(۱)نـام پروردگـار بزرگ خویش را به پاکی یاد کن:(۲)آن که آفریـد و درست اندام آفرید.(۳)و آن کـه انـدازه معین کرد. سپس راه نمـود.(۴)و آن کـه چراگاهها را رویانیـد،(۵)سپس خشک و سیاه گردانید.(۶)زودا کـه برای تو بخوانیم، مبـاد که فراموش کنی .(۷)مگر آنچه خـدا بخواهد. اوست که آشـکارا و نهان را می داند.(۸)و تو را به کیش آسان توفیق دهیم.(۹)اگر پند دادنت سود کند، پند ده .(۱۰)آن که می ترسد، پند می پذیرد.(۱۱)و بدبخت از آن دوری می گزیند:(۱۲)آن که به آتش بزرگ جهنم درافتد،(۱۳)و در آنجا نه بمیرد و نه زنـده باشد.(۱۴)هر آینه پاکان رستگار شدند،(۱۵)آنان که نام پروردگار

خود را بر زبان آوردند و نماز گزاردند.(۱۶)آری ، شما زندگی این جهان را بر می گزینید،(۱۷)حال آنکه آخرت بهتر و پاینده تر است.(۱۸)این سخن در صحیفه های نخستین است:(۱۹)صحیفه های ابراهیم و موسی .(۲۰)

الغاشیهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آیا داستان غاشیه به تو رسیده است؟(۲)در آن روز وحشت در چهره ها پدیدار است،(۳)تلاش کرده و رنج دیده ،(۴)در آتش سوزان درافتند.(۵)از آن چشمه بسیار گرم آبشان دهند،(۶)طعامی جز خار ندارند،(۷)که نه فربه می کند و نه دفع گرسنگی .(۸)و در آن روز چهره هایی تازه باشند:(۹)از کار خویشتن خشنود،(۱۰)در بهشتی برین،(۱۱)که در آن سخن لغو نشنوی ،(۱۲)و در آن چشمه سارها روان باشد،(۱۳)و تختهایی بلند زده ،(۱۴)و سبوهایی نهاده ،(۱۵)و بالشهایی در کنار هم چیده ،(۱۶)و فرشهایی گسترده .(۱۷)آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده ؟(۱۸)و به آسمان که چسانش برافراشته اند؟(۱۹)و به کوهها که چگونه برکشیده اند؟(۲۰)و به زمین که چسان گسترده شده ؟(۲۱)پس پند ده ، که تو پنددهنده ای هستی .(۲۲)تو بر آنان فرمانروا نیستی .(۲۳)مگر آن کس که رویگردان شد و کفر ورزید،(۲۴)پس خدایش به عذاب بزرگتر عذاب می کند.(۲۵)هر آینه بازگشتشان به سوی ماست.(۲۶)سپس حسابشان با ماست.(۲۷)

الفجر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به سپیده صبح،(۲)و سوگند به شبهای ده گانه ،(۳)و سوگند به جفت و طاق،(۴)و سوگند به شب چون روی به رفتن نهد.(۵)آیا خردمند را این سوگندها کافی است؟(۶)آیا ندیده ای که پروردگار تو با قوم عاد چه کرد؟(۷)با ارم که ستونها داشت؟(۸)و همانند آن در هیچ شهری آفریده نشده بود.(۹)و قوم ثمود که در آن وادی سنگ را می بریدند،(۱۰)و قوم فرعون آن دارنده میخها،(۱۱)آنها در بلاد طغیان کردند،(۱۲)و در آنها به فساد در افزودند.(۱۳)و پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سرشان فرود آورد.(۱۴)زیرا پروردگارت به کمینگاه است.(۱۵)اما آدمی ، چون پروردگارش بیازماید و گرامی اش دارد و نعمتش دهد، می گوید: پروردگار من مرا گرامی داشت.(۱۶)و چون بیازمایدش و رزق بر او تنگ گیرد، می گوید: پروردگار من مرا خوار ساخت.(۱۷)نه چنان است. شما یتیم را گرامی نمی دارید،(۱۸)و یکدیگر را به اطعام مسکین ترغیب نمی کنید،(۱۹)و میراث را حریصانه می خورید،(۲۰)و مال را فراوان دوست دارید.(۲۱)آری ، چون زمین شکسته شود و شکسته شود،(۲۲)و امر پروردگار تو فرا رسد و فرشتگان صف در صف،(۲۳)و در آن روز جهنم را حاضر آرند، آدمی پند گیرد. و چه جای پند گرفتن باشد؟.(۲۴)می گوید: ای - کاش زنده گشتن خویش را پیشاپیش چیزی می فرستادم.(۲۵)در آن روز کسی چون عذاب او عذاب نکند،(۲۶)و همانند زنجیر او به زنجیر نکشد.(۲۷)ای روح آرامش یافته ،(۲۸)خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت باز گرد،(۲۹)و در زمره بندگان من داخل شو،(۳۰)و به بهشت من درآی .(۳۱)

البلد

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قسم به این شهر.(۲)و تو در این شهر سکنی گرفته ای .(۳)و قسم به پدر و فرزندانی که پدید آورد،(۴)که آدمی را در رنج و محنت بیافریده ایم،(۵)آیا می پندارد که کس بر او چیره نگردد؟(۶)می گوید: مالی فراوان را تباه کردم.(۷)آیا می پندارد که کسی او را ندیده است؟(۸)آیا برای او دو چشم نیافریده ایم؟(۹)و یک زبان و دو لب؟(۱۰)و دو راه پیش پایش ننهادیم؟(۱۱)و او در آن گذرگاه سخت قدم ننهاد.(۱۲)و تو چه دانی که گذرگاه سخت چیست؟(۱۳)آزاد کردن بنده است،(۱۴)یا طعام دادن در روز قحطی ،(۱۵)خاصه به یتیمی که خویشاوند باشد،(۱۶)یا به مسکینی خاکنشین.(۱۷)تا از کسانی باشد

که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر سفارش کرده اند و به بخشایش.(۱۸)اینان اهل سعادتند.(۱۹)و کسانی که به آیات ما کافرند اهل شقاوتند.(۲۰)نصیب آنهاست آتشی که از هر سو سرش پوشیده است.(۲۱)

الشمس

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به آفتاب و روشنی اش به هنگام چاشت،(۲)و سوگند به ماه چون از پی آن برآید،(۳)و سوگند به روز چون گیتی را روشن کند،(۴)و سوگند به شب چون فرو پوشدش،(۵)و سوگند به آسمان و آن- که آن را برآورده ، (۶)و سوگند به زمین و آن که آن را بگسترده ،(۷)و سوگند به نفس و آن که نیکویش بیافریده(۸)سپس بدیها و پرهیزگاریهایش را به او الهام کرده(۹)که : هر که در پاکی آن کوشید رستگار شد،(۱۰)و هر که در پلیدی اش فرو پوشید نومید گردید.(۱۱)قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند.(۱۲)آنگاه که شقی ترینشان برخاست.(۱۳)پیامبر خدا به آنها گفت که ماده شتر خدا را با آبشخورش واگذارید.(۱۴)تکذیبش کردند و شتر را پی کردند. پس پروردگارشان به سبب گناهشان بر سرشان عذاب آورد و با خاک یکسان ساخت.(۱۵)و او از سرانجام آن بیمناک نشد.(۱۶)

اللیل

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به شب آنگاه که جهان را در خود فرو پوشد،(۲)و سوگند به روز آنگاه که آشکار شود، (۳)و سوگند به آن که نر و ماده را بیافرید،(۴)که : حاصل کوششهای شما متفاوت است.(۵)اما کسی که بخشایش و پرهیزگاری کرد،(۶)و آن بهترین را تصدیق کرد،(۷)پس برای بهشت آماده اش می کنیم.(۸)اما آن کس که بخل و بی نیازی ورزید،(۹)و آن بهترین را تکذیب کرد،(۱۰)او را برای دوزخ آماده می سازیم.(۱۱)و چون هلاک‌ـکش در رسد، دارایی اش به حالش سود نبخشد.(۱۲)و آنچه بر ماست راهنمایی است.(۱۳)و از آن ماست آن جهان و این جهان.(۱۴)پس شما را از آتشی که زبانه می کشد می ترسانم.(۱۵)جز اهل شقاوت بدان درنیفتد:(۱۶)آن که تکذیب کرد و رویگردان شد.(۱۷)و پرهیزگارترین مردم را از آن دور- دارند:(۱۸)آن که مال خویش می بخشاید و پاکی می جوید.(۱۹)و هیچ کس را بر او حقی نباشد که اینک پاداش خواهد،(۲۰)مگر جستن خشنودی پروردگار والای خویش.(۲۱)و زودا که خشنود شود.(۲۲)

الضحی

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به آغاز روز،(۲)و سوگند به شب چون آرام و در خود شود،(۳)که پروردگارت تو را ترک نکرده و بر تو خشم نگرفته است.(۴)هر آینه آخرت برای تو بهتر از دنیاست.(۵)به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خشنود شوی .(۶)آیا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟(۷)آیا تو را گمگشته نیافت و هدایت کرد؟(۸)آیا تو را درویش نیافت و توانگرت گردانید؟(۹)پس یتیم را میازار،(۱۰)و گدا را مران،(۱۱)و از نعمت پروردگارت سخن بگوی .(۱۲)

الشرح

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آیا سینه ات را برایت نگشودیم؟(۲)و بار گرانت را از پشت برنداشتیم؟(۳)باری که بر پشت تو سنگینی می کرد؟(۴)آیا تو را بلند آوازه نساختیم؟(۵)پس، از پی دشواری آسانی است.(۶)هر- آینه از پی دشواری آسانی است.(۷)چون از کار فارغ شوی ، به - عبادت کوش.(۸)و به پروردگارت مشتاق شو.(۹)

التین

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به انجیر و زیتون،(۲)سوگند به طور مبارك،(۳)سوگند به این شهر ایمن،(۴)که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم.(۵)آنگاه او را فروتر از همه فروتران گردانیدیم.(۶)مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی پایان دارند.(۷)پس چیست که با این حال تو را به تکذیب قیامت وا می دارد؟(۸)آیا خدا داورترین داوران نیست؟(۹)

العلق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بخوان به نام پروردگارت که بیافرید.(۲)آدمی را از لخته خونی بیافرید.(۳)بخوان، و پروردگار تو ارجمندترین است.(۴)خدایی که به وسیله قلم آموزش داد،(۵)به آدمی آنچه را که نمی دانست بیاموخت.(۶)حقا که آدمی نافرمانی می کند،(۷)هرگاه که خویشتن را بی نیاز بیند.(۸)هر آینه بازگشت به سوی پروردگار توست.(۹)آیا دیدی آن کس را که منع می کند(۱۰)بنده ای را که نماز می خواند؟(۱۱)چه می بینی اگر آن مرد بر طریق هدایت باشد؟(۱۲)یا به پرهیزگاری فرمان دهد؟(۱۳)چه می بینی اگر تکذیب کند و رویگردان شود؟(۱۴)آیا ندانسته است که خدا می بیند؟(۱۵)حقا، که اگر باز نایستد موی پیش سرش را می گیریم و می کشیم،(۱۶)موی پیش سر دروغگوی خطا کار را.(۱۷)پس همدمان خود را بخواند.(۱۸)ما نیز کارگزاران دوزخ را فرا می خوانیم.(۱۹)نه ، هرگز، از او پیروی مکن و سجده کن و به خدا نزدیك شو.(۲۰)

القدر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ما در شب قدرش نازل کردیم.(۲)و تو چه دانی که شب قدر چیست؟(۳)شب قدر بهتر از هزار ماه است.(۴)در آن شب فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای انجام دادن کارها نازل می شوند.(۵)آن شب تا طلوع بامداد همه سلام و درود است.(۶)

البینهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)کافران اهل کتاب و مشرکان دست بر ندارند تا برایشان برهانی روشن بیاید:(۲)پیامبری از جانب خدا که صحیفه های پاك را می خواند.(۳)در آنها نوشته هایی است راست و درست.(۴)و اهل کتاب پراکنده نشدند مگر از آن پس که برایشان برهانی روشن آمد.(۵)و آنان را جز این فرمان ندادند که خدا را بپرستند در حالی که در دین او اخلاص می ورزند. و نماز گزارند و زکات دهند. این است دین درست و راست.(۶)از اهل کتاب، آنها که کافرند و نیز مشرکان، در آتش جهنمند و در آن همواره خواهند بود. اینان بدترین آفریدگانند.(۷)کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند بهترین آفریدگانند.(۸)کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند بهترین آفریدگانند.(۹)

الزلزلهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آنگاه که زمین لرزانده شود به سختترین لرزه هایش،(۲)و زمین بارهای سنگینش را بیرون ریزد،(۳)و آدمی بگوید که زمین را چه رسیده است؟(۴)در این روز زمین خبرهای خویش را حکایت می کند:(۵)از آنچه پروردگارت به او وحی کرده است.(۶)در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا اعمالشان را به آنها بنمایانند.(۷)پس هر کس به وزن

ذره ای نیکی کرده باشد آن را می بیند.(۸)و هر کس به وزن ذره ای بدی کرده باشد آن را می بیند.(۹)

العادیات

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به اسبان دونده ای که نفس نفس می زنند،(۲)سوگند به اسبانی که به سم از سنگ آتش می جهانند،(۳)و سوگند به اسبانی که بامدادان هجوم آورند،(۴)و در آنجا غبار برانگیزند،(۵)و در آنجا همه را در میان گیرند،(۶)که : آدمی پروردگار خود را سپاس نمی گوید،(۷)و او خود بر این گواه است.(۸)او مال را فراوان دوست دارد.(۹)آیا نمی داند که چون آنچه در گورهاست زنده گردد،(۱۰)و آنچه در دلها نهان است آشکار شود،(۱۱)پروردگارشان در آن روز از حالشان آگاه است؟(۱۲)

القارعهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)قارعه .(۲)چیست قارعه ؟(۳)و تو چه دانی که قارعه چیست؟(۴)روزی است که مردم چون پروانگان پراکنده باشند،(۵)و کوهها چون پشم زده شده .(۶)اما هر که کفه ترازویش سنگین باشد،(۷)در یک زندگی پسندیده است.(۸)و اما هر که کفه ترازویش سبک باشد،(۹)جایگاهش در هاویه است.(۱۰)و تو چه دانی که هاویه چیست؟(۱۱)آتشی است در نهایت گرمی .(۱۲)

التکاثر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)به غفلت کشید شما را نازش به بسیاری مال و فرزند،(۲)تا به گورها رسیدید.(۳)حقا که به زودی خواهید دانست.(۴)باز هم حقا که به زودی خواهید دانست.(۵)حقا، اگر از روی یقین بدانید،(۶)البته جهنم را خواهید دید.(۷)سپس به چشم یقینش خواهید دید،(۸)که در آن روز شما را از نعمتهای دنیوی بازخواست می کنند.(۹)

العصر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)سوگند به این زمان،(۲)که آدمی در خسران است.(۳)مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند.(۴)

الهمزهٔ

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)وای بر هر غیبت کننده عیبجویی ،(۲)آن که مالی گرد کرد و حساب آن نگه داشت.(۳)می پندارد که دارایی اش جاویدانش گرداند.(۴)نه چنین است. که او را در حطمه اندازند.(۵)و تو چه دانی که حطمه چیست؟(۶)آتش افروخته خداست،(۷)که بر دلها غلبه می یابد.(۸)و از هر سو در میانشان گرفته است،(۹)در شعله هایی برافراشته .(۱۰)

الفیل

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آیا ندیده ای که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟(۲)آیا مکرشان را باطل نساخت؟(۳)و بر سر آنها پرندگانی فوج فوج فرستاد،(۴)تا آنها را با سجیل سنگباران کردند.(۵)و آنان را چون کاه پس مانده در آخور ساخت.(۶)

قریش

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)برای ائتلاف قریش،(۲)ائتلافشان در سفر زمستانی و تابستانی .(۳)پس باید پروردگار این خانه را بپرستند:(۴)آن که به هنگام گرسنگی طعامشان داد و از بیم در امانشان داشت.(۵)

الماعون

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)آیا آن را که روز جزا را دروغ می شمرد دیدی ؟(۲)او همان کسی است که یتیم را به اهانت می راند،(۳)و مردم را به طعام دادن به بینوا وا نمی دارد.(۴)پس وای بر آن نماز گزارانی(۵)که در نماز خود سهل انگارند،(۶)آنان که ریا می کنند،(۷)و از دادن زکات دریغ می ورزند.(۸)

الکوثر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)ما کوثر را به تو عطا کردیم.(۲)پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن(۳)که بدخواه تو خود ابتر است.(۴)

الکافرون

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بگو: ای کافران،(۲)من چیزی را که شما می پرستید نمی پرستم.(۳)و شما نیز چیزی را که من می پرستم نمی پرستید.(۴)و من پرستنده چیزی که شما می پرستید نیستم.(۵)و شما پرستنده چیزی که من می پرستم نیستید.(۶)شما را دین خود، و مرا دین خود.(۷)

النصر

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)چون یاری خدا و پیروزی فراز آید،(۲)و مردم را ببینی که فوج- فوج به دین خدا در می آیند، (۳)پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه ، که او توبه پذیر است.(۴)

المسد

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)دستهای ابولهب بریده باد و هلاك بر او باد.(۲)دارایی او و آنچه به دست آورده بود به حالش سود نکرد.(۳)زودا که به آتشی شعله ور درافتد.(۴)و زنش هیزم کش است.(۵)و بر گردن ریسمانی از لیف خرما دارد.(۶)

الإخلاص

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بگو: اوست خدای یکتا،(۲)خدایی که در حاجت به او رو کنند،(۳)نه زاده است و نه زاده شده ، (۴)و نه هیچ کس همتای اوست.(۵)

الفلق

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می برم،(۲)از شر آنچه بیافریده است،(۳)و از شر شب چون درآید،

(۴)و از شر جادوگرانی که در گرهها افسون می دمند،(۵)و از شر حسود چون رشک می ورزد.(۶)

الناس

به نام خدای بخشاینده مهربان(۱)بگو: به پروردگار مردم پناه می برم،(۲)فرمانروای مردم،(۳)خدای مردم،(۴)از شر وسوسه وسوسه گر نهانی ،(۵)آن که در دلهای مردم وسوسه می کند،(۶)خواه از جنیان باشد یا از آدمیان.(۷)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ

تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».